

ê

سرشناسه: علوی حسینی، نیره‌السادات.  
عنوان: آل‌الله در کتاب‌الله، «فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن کریم» جلد سوم.  
سوره‌های انفال - ابراهیم.  
مشخصات ظاهری: ۸ جلد.  
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
شابک (جلد سوم) ۶ - ۱۱۹ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان دیگر: فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن کریم.  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴.  
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن.  
موضوع: خاندان نبوت در قرآن.  
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام - فضایل - احادیث.  
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام - احادیث.  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶، ۸۳ ع ۹ ج / ۱۰۴ BP  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹  
شماره مدرک: ۴۲۴۶۱۵۷

---

آل‌الله در کتاب‌الله (جلد سوم)  
مشخصات ظاهری: ۸ جلد  
مؤلف: نیره‌السادات علوی حسینی  
انتشارات: طوبای محبت  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه  
چاپخانه و نوبت چاپ: طه، اول ۱۳۹۶  
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
شابک (جلد سوم) ۶ - ۱۱۹ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

---

پخش تهران: ۶۶۹۲۳۲۳۴ - ۰۲۱  
نشانی: قم، بلوار سمیه، خیابان عباس‌آباد (شهیدین)، پلاک ۱۱۲  
۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ ۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ ۰۲۵ - ۳۷۸۳۲۱۴۳ ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۰۶۶  
مرکز توزیع بین‌المللی کتاب و آثار اسلامی رسالت غدیر  
www.tobaymohebat.ir  
info@tobaymohebat.ir  
www.islamicbookshop.net

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا  
مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ  
المعصومين «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ  
حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ «صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ»، وَلَعْنَةُ اللَّهِ  
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنْ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ  
آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.



# آل الله در کتاب الله

«فضائل و مناقب چهارده معصوم عليهم السلام در قرآن کریم»

جلد سوم

سوره‌های انفال، توبه، یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم

تألیف:

نیره السادات علوی حسینی

هنگام زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه ماه رجب، و هنگام

زیارت امام هادی علیه السلام عرض می‌کنیم:

السلام علیکم یا آل الله

السلام علیک یا آل الله



## فهرست

### سوره انفال

- آیه ۱ سوره انفال: ..... ۹  
آیه ۲۴ سوره انفال: ..... ۲۲  
آیه ۲۵ سوره انفال: ..... ۳۳  
آیه ۴۱ سوره انفال: ..... ۴۱

### سوره توبه

- آیات ۱ تا ۴ سوره توبه: ..... ۵۷  
آیه ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ سوره توبه: ..... ۸۴  
آیه ۲۳ سوره توبه: ..... ۱۰۵  
آیه ۳۲ سوره توبه: ..... ۱۱۶  
آیه ۳۳ سوره توبه: ..... ۱۲۶  
آیه ۱۰۵ سوره توبه: ..... ۱۴۰  
آیه ۱۱۹ سوره توبه: ..... ۱۵۵

### سوره یونس

- آیه ۳۵ سوره یونس: ..... ۱۷۱  
آیه ۵۳ سوره یونس: ..... ۱۹۷  
آیه ۵۷ و ۵۸ سوره یونس: ..... ۲۰۶

آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس: ..... ۲۲۵

### سوره هود

آیه ۸ سوره هود: ..... ۲۷۳

آیه ۱۷ سوره هود: ..... ۲۸۵

آیه ۱۸ و ۱۹ سوره هود: ..... ۳۰۳

آیه ۴۲ سوره هود: ..... ۳۲۴

آیه ۸۶ سوره هود: ..... ۳۵۱

### سوره یوسف

آیه ۱۵ سوره یوسف: ..... ۳۶۹

آیه ۱۰۸ سوره یوسف: ..... ۳۷۸

### سوره رعد

آیه ۷ سوره رعد: ..... ۳۸۵

آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد: ..... ۴۰۸

آیه ۲۷ و ۲۸ سوره رعد: ..... ۴۴۴

آیه ۲۹ سوره رعد: ..... ۴۵۶

آیه ۴۳ سوره رعد: ..... ۴۷۳

### سوره ابراهیم

آیه ۵ سوره ابراهیم: ..... ۴۹۹

آیه ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ سوره ابراهیم: ..... ۵۰۷

آیه ۲۷ سوره ابراهیم: ..... ۵۲۲

آیه ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم: ..... ۵۳۲

آیه ۳۷ سوره ابراهیم: ..... ۵۴۰

فهرست منابع ..... ۵۵۷

منابع ماخذ ..... ۵۶۷



## «سوره انفال»

### آیه ۱ سوره انفال:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ، قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ، فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ، وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

از تو درباره انفال «غنائم» سؤال می کنند، به آنها بگو:

انفال مخصوص خدا و رسول خدا است «انفال از آن خدا و رسول خدا می باشد»، پس: از خدا بترسید «از مخالفت با دستورات خدا» و بین خودتان صلح برقرار کنید «در میان خودتان اصلاح کنید و خصومت‌ها را از بین ببرید»، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

انفال = جمع نفل یعنی زیادی هر چیزی؛

نمازهای مستحبی را نافله می گویند زیرا زیاده بر فریضه می باشد؛

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۵۵.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۹.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۴ - ۱۰۵.

ذات بین = حالت و رابطه بدی است که بین دو فرقه و دو گروه «بین چند نفر» پدید می آید؛

اصلاح ذات البین = از بین بردن عوامل دشمنی و نفاق، زدودن کدورت‌ها و دشمنی‌ها و ایجاد تفاهم بین مؤمنین؛

أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ = فساد و تفرقه و دشمنی بین خودتان را از بین ببرید و آن تیرگی رابطه را اصلاح کنید «بین خودتان صلح و آشتی برقرار کنید»<sup>۱</sup>.

این آیه شریفه در رابطه با انفال می‌باشد، لذا لازم است قبل از پرداختن به بحث مختصری راجع به انفال توضیحاتی ارائه شود.

انشاءالله تعالی در توضیحات ذیل این آیه شریفه «آیه اول سوره انفال» به عرض خواهد رسید که:

این آیه شریفه پس از جنگ بدر نازل شد و در رابطه با غنائم جنگ بدر مطالبی را بیان می‌فرماید.

به غنائم جنگی انفال گفته می‌شود، زیرا:

۱. اموال اضافی است که بدون صاحب باقی می‌ماند، یعنی وقتی کفار کشته می‌شوند و یا شکست خورده و از میدان جنگ فرار می‌کنند اموال آن‌ها بدون صاحب باقی می‌ماند و به دست سربازان اسلام می‌افتد در حالی که این اموال صاحب و مالک مشخص و معینی ندارد.

۲. سربازان اسلام برای پیروزی اسلام با دشمنان اسلام می‌جنگند نه برای کسب غنائم جنگی، لذا:

غنائمی که نصیب مسلمین می‌شود «غنائم جنگی» یک موهبت اضافی است که به دست مسلمین می‌افتد.

هر دو دلیل که به عرض رسید می‌تواند درست باشد زیرا منافاتی با هم ندارند، بنابراین:

تمام غنائم جنگی انفال نامیده می‌شوند و همه آن‌ها متعلق به خداوند متعال و پیامبر

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۰ - ۱۱.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۶ - ۱۰۹.

اکرم می‌باشد و پس از پیامبر اکرم متعلق به ائمه معصومین علیهم‌السلام است. علاوه بر غنائم جنگی موارد دیگری نیز هستند که انفال نامیده می‌شوند و متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

انفال عبارتند از:

۱. غنائم جنگی

۲. سرزمینی که اهلش آن را ترک کرده و از آنجا هجرت کرده باشند «زمین‌هایی که صاحبانش آن را رها کرده و آنجا را ترک کرده باشند»، که فیه نامیده می‌شود، همچنین:

دهات متروکه، قلّه کوه‌ها، جنگل‌ها، معادن، زمین‌های موات، زمین‌ها و اموالی که سلاطین و شاهان به این و آن بخشیده باشند.

۳. اموال بدون وارث، یعنی:

مالی که پس از فوت یک نفر باقی می‌ماند و آن فرد نیز هیچ وارثی ندارد «ارث و میراث کسی که وارث ندارد»، و تمام اموالی که مالک خصوصی ندارد.

همه مواردی که به عرض رسید انفال نامیده می‌شوند و از آن خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند و دیگران هیچ حقی در آن ندارند.<sup>۱</sup>

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با انفال می‌پردازیم به بحث راجع به آیه اول سوره مبارکه انفال.

خداوند متعال در اولین آیه سوره انفال وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ = ای پیامبر، مردم از تو درباره انفال سؤال می‌کنند.

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۵۶-۱۷۵.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۳.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۷.

قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ = ای پیامبر:

به مردم بگو:

انفال از آن خداوند متعال و پیامبرش «پیامبر اکرم» می باشد.

در سال دوّم هجری جنگ بدر واقع شد «شانزدهم رمضان» و طی آن هفتاد نفر از مشرکین به هلاکت رسیده و هفتاد نفر از آنها نیز به اسارت سپاه اسلام درآمده و بقیّه قوای مشرکین نیز با بر جای گذاشتن اموال خویش متواری شدند و بدین طریق قوای اسلام پیروز شد و غنائم فراوانی به دست مسلمین افتاد. قابل ذکر است که:

تعداد سربازان سپاه اسلام سیصد و اندی نفر بودند و تعداد مشرکین حدود یک هزار نفر بود.

پس از پیروزی قوای اسلام بر قوای شرک و کُفر «در جنگ بدر» بین تعدادی از سربازان اسلام در رابطه با تقسیم غنائم جنگی اختلاف پدید آمد و کار به مشاجره کشید و نهایتاً منجر به این شد که خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شده و موضوع را به استحضار آن حضرت برسانند.

پس از طرح این موضوع در محضر پیامبر اکرم بود که خداوند متعال این آیه شریفه «آیه اوّل سوره انفال» را نازل نموده و به پیامبر اکرم فرمود:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ، قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ = ای پیامبر:

از تو درباره انفال «غنائم جنگی» سؤال می کنند، به آنها بگو:

انفال «غنائم جنگی» متعلق به خداوند متعال و پیامبرش «وجود مقدّس پیامبر اکرم»

می باشد، یعنی:

همه غنائم جنگی که در جنگ بدر نصیب سپاه اسلام شد فقط و فقط متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم می باشد و احدی در آن غنائم سهم ندارد.

گرچه تمام غنائم جنگ بدر طبق صریح آیه شریفه «آیه اوّل سوره انفال» مخصوص پیامبر اکرم بود لیکن آن حضرت غنائم را بین سربازان اسلام تقسیم فرمود «از باب تفضّل و بخشش، نه از باب اینکه سربازان اسلام از غنائم جنگ بدر سهمی داشته اند».

قابل ذکر است که:

شرکت در جهاد تکلیف شرعی است و بر همگان واجب می‌باشد، لذا غنائمی که پس از پیروزی نصیب مسلمین می‌شود ارتباطی به سربازان اسلام ندارد «چرا که آن‌ها به وظیفه شرعی خویش عمل نموده‌اند» و تماماً متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم است و آن حضرت در هر راهی که صلاح بداند می‌تواند خرج نماید و همانطور که به عرض رسید وجود مقدس پیامبر اکرم غنائم جنگ بدر را بین سپاهیان اسلام تقسیم فرمود.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در رابطه غنائم جنگ بدر فرمودند:

إِنَّ غَنَائِمَ بَدْرِ كَانَتْ لِلنَّبِيِّ خَاصَّةً فَقَسَمَهَا بَيْنَهُمْ تَفْضُلاً مِنْهُ، یعنی:

غنائم جنگ بدر فقط اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل و سلم داشت لیکن آن حضرت غنائم را به عنوان تفضّل و بخشش بین سربازان اسلام تقسیم فرمود «نه اینکه شرعاً حقّ سربازان اسلام باشد».

قابل ذکر است که در جنگ بدر چهارده نفر از مسلمین به شهادت رسیدند که هشت نفر آن‌ها از انصار بود و شش نفر از مهاجرین.

### توضیح:

**الف)** گرچه این آیه شریفه «آیه اول سوره انفال» پس از جنگ بدر نازل شد و حکم غنائم جنگ بدر را بیان می‌فرماید لیکن صرفاً به غنائم جنگی، آن هم غنائم جنگ بدر مربوط نمی‌شود، بلکه اطلاق آیه شریفه مربوط به هر گونه درآمدی است «هر گونه ملک و مال و ثروتی است» که به آن‌ها انفال گفته می‌شود، از قبیل:

کوه‌ها، درّه‌ها، جنگل‌ها، زمین‌های موات، معادن، زمین‌هایی که ساکنین آن‌ها زمین‌ها را ترک کرده باشند «روستاهای متروکه»، اموال میتی که وارث ندارد، و در یک کلام: هر مالی که «اعم از منقول و غیر منقول».... صاحب و مالک خصوصی نداشته باشد انفال می‌باشد و اختصاص به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام دارد و هیچ کس را بر آن حقی نیست، لذا:

اگر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل و سلم در جنگ بدر و یا سایر

جنگ‌ها غنائم جنگی را بین مسلمین تقسیم فرموده‌اند تفضّل و بخشش آن حضرت بوده است نه اینکه مسلمانان از آن‌ها سهمی داشته‌اند.<sup>۱</sup>

ب) خداوند متعال در آیه چهل و یکم سوره انفال می‌فرماید:  
 وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ  
 وَابْنِ السَّبِيلِ... یعنی:

بدانید هر گونه غنیمتی که نصیب شما می‌شود خمس آن «یک پنجم آن» از آن خداوند متعال و پیامبر اکرم و ذی‌القربی «ائمّه معصومین علیهم السّلام» و یتیمان و مساکین و ماندگان در راه «از آل پیامبر اکرم یعنی از سادات» می‌باشد. غنیمت در این آیه شریفه «آیه ۴۱ سوره انفال» معنی وسیعی دارد و هر گونه درآمد و سود و منفعتی را شامل می‌شود «شامل غنائم جنگی نیز می‌شود». قابل ذکر است که:

میان آیه اوّل سوره انفال که همه غنائم جنگی را متعلّق به خدا و رسول خدا می‌داند و آیه ۴۱ سوره انفال که یک پنجم غنائم «از جمله غنائم جنگی» را متعلّق به خدا و رسول و ذی‌القربی و... می‌داند «هیچگونه تضادّی وجود ندارد و لزومی ندارد که یکی را ناسخ دیگری بدانیم، یعنی:

طبق آیه اوّل سوره انفال «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» تمام غنائم جنگی «منقول و غیر منقول» متعلّق به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد و آن حضرت مالک تمام آن غنائم می‌باشد، لیکن:

طبق آیه ۴۱ سوره انفال «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ...» خمس غنائم جنگی «یعنی یک پنجم غنائم جنگی» را پیامبر اکرم تملّک و تصاحب می‌کند و چهار پنجم بقیّه

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۷۵-۱۵۸.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۰-۱۳-۱۴ «ذیل آیه اوّل سوره انفال».

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۵۵-۵۶ «ذیل آیه هفتم تا چهاردهم سوره انفال».

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۷ «ذیل آیه ۴۱ تا ۴۵ سوره انفال».

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۶ تا ۱۰۸ «ذیل آیه اوّل سوره انفال».

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۲۱۳ «ذیل آیه ۴۱ سوره انفال».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۱۶۰ تا ۱۶۲.

را به عنوان تشویق و جبران گوشه‌ای از زحمات مجاهدین اسلام به آن‌ها واگذار می‌فرماید، و بخشیدن چهار پنجم غنائم جنگی به سربازان اسلام به عنوان عطیه و بخشش و تفضّل می‌باشد. یعنی:

غنائم جنگی تماماً متعلّق به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشد و اگر چهار پنجم آن را در اختیار سربازان و جنگجویان قرار می‌دهند یک نوع تفضّل و بخشش می‌باشد، و به عبارت دیگر: حکومت اسلام «پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام» چهار پنجم حقّ خود را از غنائم جنگی «غنائم منقول» در مورد مجاهدین و سربازان اسلام مصرف می‌کند «چهار پنجم حقّ خود را به سربازان می‌دهد»، و به این ترتیب هیچگونه منافاتی بین آیه اوّل و آیه چهل و یکم سوره انفال باقی نمی‌ماند و از این جا روشن می‌شود که: آیه خمس «آیه چهل و یکم سوره انفال» آیه اوّل سوره انفال را نسخ نمی‌کند بلکه هر دو به قوّت خود باقی هستند.<sup>۱</sup>

اگر آیه خمس «آیه ۴۱ سوره انفال» را نسخ آیه اوّل سوره انفال بدانیم «که تفاسیرالمیزان و نمونه چنین اعتقادی ندارند» در این صورت: در جنگ بدر تمام غنائم متعلّق به شخص پیامبر اکرم بود و احدی در آن سهمی نداشت «طبق آیه اوّل سوره انفال»، لیکن:

بعد از جنگ بدر در سایر جنگ‌ها خمس غنائم یعنی یک پنجم غنائم جنگی متعلّق به پیامبر اکرم می‌باشد و چهار پنجم غنائم جنگی «غنائم منقول» متعلّق به سربازان اسلام است «طبق آیه ۴۱ سوره انفال».

ج) ذیل آیه ۱۲۸ سوره اعراف «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شد که طبق آن احادیث شریف تمام زمین و بلکه تمام دنیا و آنچه که در دنیا است متعلّق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشد و خداوند متعال این‌ها را به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۸ - ۱۰۹ «ذیل آیه اوّل سوره انفال».  
تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶ «ذیل آیه ۴۱ سوره انفال».

### نتیجه بحث تا این جا این شد که:

۱. طبق آیه اوّل سوره انفال و طبق حدیث شریفی که از امام صادق علیه السلام به عرض رسید تمام غنائم جنگ بدر اختصاص به پیامبر اکرم داشت و احدی در آن غنائم سهمی نداشت.

۲. انفال تماماً متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و هیچ کس را بر آن حقی نیست.  
در صفحات قبل به عرض رسید که انفال شامل چه موضوعاتی می شود.

۳. اگر آیه خمس «آیه ۴۱ سوره انفال» را ناسخ آیه اوّل سوره انفال بدانیم در این صورت:

پس از نزول آیه خمس، یک پنجم غنائم جنگی به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ذی القربی و ایتام و مساکین و ابن السبیل «از آل پیامبر اکرم» تعلق می گیرد و چهار پنجم بقیه غنائم جنگی «غنائم منقول» به سربازان و مجاهدین اسلام می رسد، لیکن باید بدانیم که زمین و آنچه در آن است اصالتاً به خداوند متعال و به امر خداوند متعال به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام تعلق دارد، لذا چهار پنجم غنائم جنگی که به مجاهدین اسلام داده می شود از باب تفضّل و بخشش الهی است تا رزمندگان اسلام با آن ارتزاق نمایند.  
ذیل آیه ۱۲۸ سوره اعراف به این موضوع اشاره شده است «تعلق داشتن زمین به ائمه علیهم السلام».

۴. اموالی که بدون جنگ و خونریزی از کفار به دست مسلمین می افتد فیء نام دارد و تماماً متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم می باشد و احدی در آنها سهم حقی ندارند.

ذیل آیه ششم و هفتم سوره حشر در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در رابطه با انفال به پیامبر اکرم فرمود:



قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ، یعنی:

ای پیامبر:

به مردم بگو «به سپاهیان اسلام که در جنگ بدر حضور داشتند بگو»:

انفال از آن خداوند متعال و پیامبر اکرم می‌باشد،

و سپس در ادامه آیه شریفه فرمودند:

فَاتَّقُوا اللَّهَ = تقوای الهی را رعایت کنید، یعنی:

از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید، و به عبارت دیگر:

از خدا بترسید و مطیع اوامر خداوند متعال و پیامبر اکرم باشید که اگر از دستورات

خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپیچی نمائید مرتکب گناهی بس بزرگ و عظیم

شده‌اید.

امر و دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم این بود که:

انفال متعلق به خدا و رسول می‌باشد «مخصوصاً غنائم جنگ بدر که این آیه شریفه

در این رابطه نازل شده است» و هیچ کس را بر آن حقی نیست و پیامبر اکرم به هر

کس که بخواهد و صلاح بداند آن را اعطا می‌فرماید.

در روایت است که پیامبر اکرم تمام غنائم جنگ بدر را بین مجاهدین اسلام تقسیم

فرمود و حتی خمس آن‌ها را نیز بر نداشت.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به مسلمانان «مخصوصاً به سپاهیان اسلام که در

جنگ بدر حضور داشتند» دستور می‌فرماید که:

وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ = در میان خود اصلاح کنید و به خصومت‌ها پایان دهید، یعنی:

دست از اختلاف و مشاجره بردارید و با یکدیگر آشتی نمائید و در راه اجرای اوامر

خدا و رسول هماهنگی داشته باشید.

عرض شد که:

پس از پیروزی قوای اسلام بر مشرکین «در جنگ بدر» بین تعدادی از سپاهیان

اسلام در رابطه با تقسیم غنائم جنگی اختلاف پدید آمد و به دنبال این قضیه بود

که خداوند متعال به آن‌ها دستور فرمود تا تقوای الهی را رعایت نموده و اصلاح

ذات‌البین نمایند، یعنی به اختلافات خویش پایان داده و با یکدیگر صلح نموده و

با یکدیگر برادر باشند.

گرچه دستور خداوند متعال در این آیه شریفه متوجه سپاهیان اسلام می باشد که در جنگ بدر با یکدیگر اختلاف پیدا نمودند، لیکن این دستور خداوند متعال عمومیت داشته و همه مؤمنین در تمام اعصار را در بر می گیرد، یعنی:

خداوند متعال به همه مؤمنین دستور می دهد که:

أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ، یعنی:

اصلاح ذات البین نمائید، یعنی:

ای مؤمنین به اختلافات خودتان پایان دهید و با یکدیگر برادر باشید و در اجرای اوامر خداوند متعال و پیامبر اکرم هماهنگی داشته باشید و اتحاد بین خودتان را حفظ نموده و آن را تقویت نمائید.

در رابطه با اهمیت اصلاح ذات البین «از بین بردن کدورتها و دشمنیها در بین شیعیان و ایجاد صمیمیت و دوستی بین آنها» به دو حدیث نورانی و شریف اشاره می شود.

وجود مقدس امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام در آخرین وصایای خویش هنگامی که در بستر شهادت بودند به حسنین علیهما السلام فرمودند:

إِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

صِلْ ذَاتَ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ، یعنی:

حضرت امیر علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند: من از جد شما «یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» شنیدم که می فرمود: اصلاح ذات البین «از بین بردن کدورت و دشمنی در بین مردم «شیعیان» و ایجاد صمیمیت و دوستی بین آنها» از انواع نماز و روزه مستحب برتر و بالاتر می باشد. وجود مقدس امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش به نام مفضل فرمود:

إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً فَأَفْتِدْهَا مِنْ مَالِي، یعنی:

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند:

هر گاه مشاهده کردی که بین دو نفر از شیعیان ما منازعه و مشاجره ای هست «در

رابطه با مسائل مالی» از مال من غرامت بپرداز و بین آنها صلح و آشتی برقرار کن. به خاطر همین فرمایش امام صادق علیه السلام بود که وقتی مفضل مشاهده کرد دو نفر از شیعیان در مورد ارث با یکدیگر نزاع دارند آنها را به منزل خویش دعوت کرد و چهار صد درهم که مورد اختلاف آنها بود به آنها پرداخت نمود و غائله را ختم کرد و سپس به آن دو نفر شیعه گفت:

این پول متعلق به من نبود بلکه متعلق به امام صادق علیه السلام بود و آن حضرت به من امر فرموده تا در چنین مواقعی «مواقعی که بین دو یا چند شیعه در رابطه با مسائل مالی اختلاف وجود دارد» با استفاده از سرمایه آن حضرت در بین شیعیان صلح و سازش برقرار کنم.

به همین دلیل بعضی از مراحل اصلاح ذات البین شرعاً واجب است و حتی استفاده از امکانات بیت المال برای تحقق بخشیدن به آن مجاز می باشد، و بعضی از مراحل آن که با سرنوشت شیعیان زیاد مرتبط نباشد اصلاح ذات البین مستحب مؤکد است.<sup>۱</sup> در انتهای آیه شریفه خداوند متعال به مردم دستور می فرماید که:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ = از خداوند متعال و از پیامبر اکرم اطاعت کنید اگر ایمان دارید.

این دستور خداوند متعال عام است یعنی همه انسانها را در بر می گیرد، که سربازان اسلام در جنگ بدر نیز در زمره آنها می باشند، یعنی:

خداوند متعال به مردم دستور می دهد «همچنین به سپاهیان اسلام که در جنگ بدر حضور داشتند» که از خداوند متعال و پیامبر اکرم اطاعت کنند، چه در رابطه با انفال و غنائم جنگی و چه در سایر موارد، و سپس اضافه فرموده که:

اگر ایمان دارید، یعنی:

ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم تنها با سخن و ادعا نیست، بلکه جلوه گاه ایمان اطاعت محض و بی قید و شرط از خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۵۸ - ۱۵۹.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶ - ۱۷.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۵ - ۱۰۹ تا ۱۱۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۰۵، حدیث ۳ و ۴ «در فضیلت اصلاح امور میان مردم».

عليهم السلام می باشد آن هم در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اخروی.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ، یعنی:

ما «چهارده معصوم عليهم السلام» قومی هستیم که خداوند متعال اطاعت از ما را به همگان واجب فرموده است،  
انفال متعلق به ما است،

و کُل سرسبد اموال «برگزیده اموال و اموال خالص و پاکیزه» از آن ما می باشد.

این حدیث را ابو صباح کنانی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتَنَا، لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ، وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ،

یعنی:

ما «چهارده معصوم عليهم السلام» قومی هستیم که خداوند متعال اطاعت از ما را به همه مردم واجب فرموده است،  
انفال از آن ما است،

برگزیده اموال «اشیاء نفیس» از آن ما است،

و ما راسخون در علم هستیم.

حدیث اول را شُعَيْبُ از ابی الصَّبَّاح و او از امام صادق علیه السلام نقل نموده،

و حدیث دوم را سیف بن عمیره از ابی الصَّبَّاح و او از امام صادق علیه السلام نقل

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۵۹.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۵ - ۱۰۶.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۵۰۲، حدیث ۱۷ «حدیث ۱۴۲۹».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۹۵، حدیث ۹.

تفسیر نورالتقلین، جلد سوم، صفحه ۹، حدیث ۸ «حدیث ۳۸۴۳».

صافی، جلد سوم، صفحه ۱۶۱.

نموده است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:  
خداوند متعال در کتاب خویش «قرآن کریم» اطاعت از ما را به همه مردم واجب  
فرموده «اشاره به آیه ۵۹ سوره نساء»،  
و انفال از آن ما است.

این حدیث را بشیر دهان از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. امام صادق علیه السّلام فرمودند:  
انفال از آن ما است.

این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۵. ابو حمزه ثمالی می گوید:

از امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ، قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ  
وَالرَّسُولِ - آیه اوّل، سوره انفال» سؤال شد، و آن حضرت فرمودند:  
انفال از آن امام است.

و در روایت دیگری آمده که وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
انفال از آن ما است.<sup>۴</sup>

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۲۶۴، حدیث ۶ «حدیث ۴۷۹».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۹۵، حدیث ۱۰.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۰۱، حدیث ۳۰.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۰۳، حدیث ۴۱.

۳. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۳۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، حدیث ۱۷ «حدیث ۳۸۵۲».

۴. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۱۶۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۰۳، حدیث ۳۹.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۰۳، حدیث ۴۰.

### آیه ۲۴ سوره انفال:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ».

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید:

دعوت خدا و رسول را اجابت کنید «دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم را اطاعت

کنید» هنگامی که شما را به چیزی دعوت می کنند که باعث حیات شما است.<sup>۵</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

استجابت = پذیرفتن، درخواست کسی را قبول کردن؛

اجابت = پذیرفتن، درخواست کسی را قبول کردن؛

دعاء = ۱- دعوت کردن، فرا خواندن، به سوی چیزی تشویق و ترغیب کردن؛

۲- خواندن، استغاثه و یاری خواستن؛

حیات = زندگی، حیات؛

حیات به اعتبار دنیا و آخرت دو گونه است:

۱. حیات دنیوی.

۲. حیات اخروی.<sup>۶</sup>

خداوند متعال در آیه بیستم این سوره مبارکه «سوره انفال» مردم را به اطاعت از

خویش و پیامبرش امر نموده و فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید:

از خداوند متعال و از پیامبر اکرم اطاعت کنید،

۵. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۸۹ - ۱۹۱.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۶۱.

۶. مفردات راغب.

و هرگز از پیامبر اکرم اعراض نکنید «از اطاعت دستورات آن حضرت رویگردان نشوید» در حالی که سخنان آن حضرت و اوامر و نواهی او را می شنوید. خداوند متعال در ادامه آیه بیستم سوره انفال اینک مجدداً در این آیه شریفه «آیه ۲۴ سوره انفال» دستور خویش را تأکید نموده و به مردم دستور می دهد تا اوامر خدا و رسول خدا را اطاعت کرده و دعوت آن‌ها را لبیک بگویند.

خداوند متعال در آیه شریفه می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا = ای کسانی که ایمان آورده‌اید.

اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ = اجابت کنید خدا و رسول خدا را، یعنی:

دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم را گوش کرده و اطاعت نمائید.

إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ = وقتی که شما را به چیزی دعوت می کند که باعث حیات شما است «وقتی که شما را به چیزی دعوت می کند که شما را زنده می کند».

دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که باعث حیات انسان‌ها می شود چه چیزهایی هستند، و به عبارت دیگر:

خداوند متعال و پیامبر اکرم مردم را به چه چیزی دعوت می فرمایند که اگر انسان‌ها آن دعوت را اجابت نمایند حیات پیدا می کنند و زنده می شوند.

این امر کاشف از این مطلب است که:

کسانی که به این دعوت خداوند متعال و پیامبر اکرم پاسخ مثبت داده و آن را بپذیرند حیات پیدا می کنند و زنده می شوند، و گرنه مرده‌ای بیش نیستند گرچه ظاهراً مانند زنده‌ها هستند.

اینکه این دستور و این دعوت خداوند متعال و پیامبر اکرم چه چیزهایی هستند که باعث حیات انسان‌ها می شوند مفسرین اقوال مختلفی را بیان نموده‌اند که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

۱. منظور از این دستور و دعوت خداوند متعال و پیامبر اکرم جهاد می باشد، یعنی:

ای مؤمنین:

در راه خدا و در رکاب پیامبر اکرم جهاد کنید و به شهادت برسید زیرا شهدا در نزد خداوند متعال زنده هستند و رزق می خورند.

خداوند متعال در آیه ۱۵۴ سوره بقره و آیه ۱۶۹ سوره آل عمران می‌فرماید:  
 «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ، بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ - آیه ۱۵۴، سوره بقره»، یعنی:

به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند و به شهادت می‌رسند مرده نگوئید بلکه آن‌ها زنده‌اند ولی شما نمی‌فهمید.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ - آیه ۱۶۹، سوره آل عمران»، یعنی:

هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند و به شهادت رسیدند مردگانند بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

۲. منظور از این دعوت و دستور خداوند متعال دعوت به ایمان می‌باشد، زیرا: ایمان باعث حیات و زنده شدن دل و قلب انسان است و کُفر باعث مرگ و زوال دل و قلب است، و اصولاً مؤمن به زنده تشبیه شده «ایمان به حیات تشبیه شده»، و کافر به میت «کُفر به مرگ و موت».

خداوند متعال در آیه ۱۲۲ سوره انعام می‌فرماید:  
 «أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا، یعنی:

آیا کسی که مرده بود «ایمان نداشت و در گمراهی به سر می‌برد» و ما او را زنده کردیم و به او حیات بخشیدیم «به او ایمان اعطا کردیم» و نوری برای او قرار دادیم که با آن در بین مردم حرکت نماید همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد.

۳. منظور از این دعوت و دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم پیروی از قرآن کریم و یاد گرفتن علم دین می‌باشد، زیرا:

علم و دانش دین به منزله حیات است و جهل و نادانی مثل مرگ.

۴. منظور از این دعوت و دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم دعوت به بهشت است که آنجا حیات جاویدان و ابدی است.



۵. منظور از این دعوت و دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم دین حق می باشد،

یعنی:

چیزی که خداوند متعال و پیامبر اکرم مردم را به آن دعوت می کنند دین حق است که همان دین اسلام می باشد.

موضوع اخیر یعنی دعوت به اسلام کامل تر و جامع تر از موارد دیگر می باشد یعنی: دعوت به دین اسلام به معنی دعوت به جهاد است، دعوت به بهشت است، دعوت به پیروی از قرآن کریم است، دعوت به علم است و...

قابل ذکر است که:

جمله إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ = مطلق و عام است و همه آنها را که به عرض رسید

شامل می شود، یعنی:

صحیح این است که:

دعوت و دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم را در آیه ۲۴ سوره انفال جامع بینیم،

یعنی:

هر آنچه که خداوند متعال و پیامبر اکرم مردم را به آن دعوت نموده و دستور فرموده اند مؤمنین باید عمل نمایند، و این دستور دستوری است عام و مطلق که شامل همه فرامین و دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم می شود یعنی دعوت به دین حق که دین اسلام می باشد، یعنی:

دین اسلام را به طور کامل و جامع بپذیرند و به تمام احکام و معارف آن اعتقاد داشته باشند «بدون استثناء» و به آن عمل نمایند که این کار باعث حیات آنها خواهد بود.

بنابراین معنی آیه ۲۴ سوره انفال این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید:

دعوت خداوند متعال و پیامبر اکرم را اجابت نمائید هنگامی که شما را به دین

اسلام دعوت می کنند که باعث حیات شما است،

لذا دین اسلام باعث حیات انسانها است و کسی که دین اسلام را بپذیرد به معنی

این است که به دعوت خداوند متعال و پیامبر اکرم لبیک گفته و دارای حیات شده است، و معنی این سخن این است که هر کس اسلام را نپذیرد در زمره مردگان است گرچه ظاهراً زنده است و در بین زنده‌ها است.  
به عرض رسید که:

خداوند متعال و پیامبر اکرم در این آیه شریفه «آیه ۲۴، سوره انفال» به مردم فرمودند که:

اجابت کنید خداوند و رسول را وقتی که شما را به پذیرش دین حق یعنی دین اسلام دعوت می‌کنند که پذیرش دین اسلام باعث حیات شما می‌شود.  
گرچه پذیرش دین اسلام هم حیات دنیوی را به دنبال دارد و هم باعث حیات اُخروی انسان می‌شود، لیکن به نظر می‌رسد که حیات مورد نظر این آیه شریفه بیشتر متوجه حیات اُخروی است.

از نظر قرآن کریم برای حیات یک معنای دیگری است که به مراتب دقیق‌تر از آن معنایی است که به ذهن انسان‌ها می‌رسد.

حیات در یک نظر سطحی عبارت است از زندگی دنیوی از روز ولادت تا لحظه رسیدن مرگ که دورانی است توأم با شعور و افعال ارادی که نظیر آن یا نزدیک به آن در حیوانات نیز یافت می‌شود، لیکن قرآن کریم حیات دنیوی را اینگونه ترسیم می‌فرماید که:

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ - آیه ۶۴، سوره عنکبوت»، یعنی:

حیات دنیا «زندگی دنیا» چیزی جز لهو و لعب نیست «چیزی جز بازی و سرگرمی نیست»، حیات واقعی «زندگی واقعی» سرای آخرت است، اگر می‌دانستند «اگر انسان‌ها توجه می‌کردند».

و یا در آیه ۲۴ سوره فجر آمده که:

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي، یعنی:

وقتی اهل جهنم را به جهنم نزدیک می‌کنند «جهنم را حاضر می‌کنند» و جهنمیان مناظر وحشتناک و هولناک جهنم را می‌بینند می‌گویند:

ای کاش برای حیاتم «برای زندگی» چیزی را پیش فرستاده بودم.  
جالب توجه این است که:

اهل جهنم نمی گویند حیات آخرتم «زندگی آخرتم» بلکه می گویند حیاتم «زندگیم»،  
گوئی واژه حیات شایسته غیر زندگی آخرت نیست و حیات و زندگی زودگذر و  
همراه با درد و رنج دنیوی اصلاً حیات «زندگی» به حساب نمی آید،  
لیکن اهل جهنم در قیامت به این موضوع پی می برند که هیچ فایده‌ای به حالشان  
ندارد زیرا بایستی در دنیا متوجه این امر می شدند که حیات واقعی در سرای آخرت  
است نه در دنیا.

در آیات دیگری نیز حیات دنیوی در مقایسه با حیات جاوید اُخروی لهو و لعب  
«بازی و سرگرمی» تلقی شده و حیات اُخروی به مراتب شریف‌تر و گرانمایه‌تر از  
حیات دنیوی دانسته شده است.

#### خلاصه کلام اینک:

برای آدمی یک حیات واقعی و جاوید وجود دارد که به مراتب شریف‌تر و عالی‌تر  
از حیات پست دنیوی می‌باشد و آن هم حیات اُخروی است.  
بنابراین:

برای رسیدن به این حیات جاوید اُخروی باید دین اسلام را پذیرفت «تمام احکام  
و مقررات اسلام بی‌استثناء» و از تمام دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم اطاعت  
نمود آن هم بدون استثناء، زیرا:

امر و فرمان خداوند متعال در این آیه شریفه «إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» مطلق می‌باشد و  
شامل تمام دستورات خدا و رسول می‌باشد که در قالب اسلام به بشر عرضه شده و  
ضامن حیات انسان می‌باشد و باعث حیات انسان می‌شود.

بنابراین:

طبق آیه ۲۴ سوره انفال چیزی که خداوند متعال و پیامبر اکرم مردم را به آن دعوت  
می‌نمایند دین حق یعنی دین اسلام است و پذیرش این دین حق باعث حیات  
انسان‌ها می‌شود.

دین اسلام یعنی پذیرش ولایت خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام و اطاعت از آنها و عمل به دستورات آنها «عمل به احکام اسلام» که در این صورت انسان حیات پیدا می‌کند.

دین بدون ولایت و امامت دین نیست و هیچ‌گاه باعث حیات و سعادت انسان‌ها نخواهد بود، گرچه افراد بدون ولایت تمام عمر خویش مشغول عبادت و تهجد باشند «ذیل آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده و ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است».

عرض شد که خداوند متعال و پیامبر اکرم فرمودند:

خدا و رسول را اجابت کنید و دین حق و دین اسلام را بپذیرید که باعث حیات شما است، همچنین:

به عرض رسید که دین بدون ولایت و امامت دین مدّ نظر خداوند متعال و پیامبر اکرم نیست که موجب حیات انسان‌ها بشود.

در این رابطه به دو آیه شریفه اشاره می‌شود که ولایت و امامت نقطه کمال دین اسلام می‌باشد و خداوند متعال به آن اسلام رضایت دارد که همراه با ولایت و امامت باشد.

خداوند متعال در آیه ۶۷ سوره مائده پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...، یعنی:

ای پیامبر:

آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده «موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» کاملاً به مردم برسان و ابلاغ کن که اگر از این کار خودداری نمایی رسالت خدا را تبلیغ نکرده‌ای «مثل اینکه هیچ کاری نکرده‌ای»، یعنی:

اگر امر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و یازده امام معصوم از نسل آن بزرگوار به مردم ابلاغ نشود گویا اصلاً امر رسالت به مردم ابلاغ نشده و اسلام به مردم عرضه نشده است.

پس از اینکه وجود مقدّس پیامبر اکرم طبق دستور خداوند متعال «آیه ۶۷ سوره مائده» در روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری و در محلّ غدیر خم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمود، خداوند متعال این آیه شریفه را نازل نموده «آیه سوّم سوره مائده» و فرمودند:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - آیه سوّم، سوره مائده»، یعنی:

امروز دین شما را کامل کردم «دین اسلام را کامل کردم» و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین جاوید شما پذیرفتم.  
پس از نزول این آیه شریفه پیامبر اکرم فرمودند:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَاتِّمَامِ النُّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَبِالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
یعنی:

الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی و رضایت خداوند متعال از رسالت من و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام.  
انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که منظور از این آیه شریفه «آیه ۲۴ سوره انفال» در رابطه با ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد «تأویل آیه شریفه»، یعنی:

خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره انفال می فرماید «تأویل آیه شریفه»:  
ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و رسول خدا را اجابت کنید، و دستورات آنها را اطاعت کنید وقتی که شما را به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دعوت می کنند که باعث حیات شما است.  
ذیل آیه ۱۶۹ سوره آل عمران، آیه ۱۲۲ سوره انعام، و آیه سوّم و شصت و هفتم سوره مائده توضیحات لازم ارائه شده است.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۹۱.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۶۵، ۶۸، ۷۱ تا ۷۴.

**حدیث:**

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا یُحْیِیْكُمْ - آیه ۲۴، سوره انفال» درباره ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است. این حدیث را ابو ربیع شامی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. امام باقر علیه السلام فرمودند:

منظور از آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا یُحْیِیْكُمْ - آیه ۲۴، سوره انفال» ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد. وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: پیروی شما از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و پذیرش ولایت آن حضرت موجب وحدت هر چه بیشتر شما شده و باعث ابقاء و پایدار ماندن عدالت در بین شما خواهد بود.

این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

**توضیح:**

همانطور که ذیل آیه ۱۲۲ سوره انعام «أَوْ مَنْ كَانَ مِیْتًا فَآحِیْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ...» به عرض رسید خداوند متعال کُفر و شرک و غیریکتاپرستی را به مرگ، و ایمان را به حیات تشبیه فرموده است، یعنی کافر و مُشرک و هر غیر موحد به میّت و مؤمن به حیّ و زنده تشبیه شده است، بنابراین:

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۹۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۹۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۳۲، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۹، حدیث ۵۰ «حدیث ۳۸۸۵».

۲. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۹۷ - ۹۸.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۹۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۱، حدیث ۵۲ «حدیث ۳۸۸۷».

وقتی یک فرد کافر و مشرک و هر فرد غیر موحد به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام ایمان می آورد مثل این است که خداوند متعال یک میت و یک مرده را زنده کرده و به او حیات «زندگی» بخشیده است، لذا:

با توجه به توضیحات ذیل آیه ۱۲۲ سوره انعام که خلاصه‌ای از آن را ملاحظه فرمودید، و با عنایت به دو حدیث شریف و نورانی که ذیل آیه ۲۴ سوره انفال از امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما به عرض رسید «که طبق فرمایش این دو امام بزرگوار آیه ۲۴ سوره انفال در رابطه با ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد» معنی این آیه شریفه «آیه ۲۴ سوره انفال» این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید:

دعوت خداوند متعال و پیامبر اکرم را اجابت کنید و از دستور آنها اطاعت کنید وقتی که شما را به پذیرفتن امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام امر و دعوت می کنند که این قضیه موجب حیات شما می شود، یعنی پذیرفتن امامت آن ذوات مقدسه باعث می شود تا مؤمن شوید و در زمره مؤمنین قرار بگیرید «طبق توضیحات ذیل آیه ۱۲۲ سوره انعام که ایمان به حیات تشبیه شده است».

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید:

دعوت خداوند متعال و پیامبر اکرم را اجابت کنید و از دستورات آنها اطاعت کنید وقتی که شما را به پذیرفتن امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام امر و دعوت می کنند که موجب حیات شما است، یعنی موجب رستگاری و سعادت شما در آخرت است که حیات واقعی می باشد «طبق توضیح ذیل آیه ۶۴ سوره عنکبوت که خداوند متعال حیات دنیا را لهو و لعب دانسته و آخرت را حیات حقیقی و واقعی عنوان نموده و فرموده **وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ**»، لذا:

پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام و اطاعت محض از آن ذوات

مقدّسه موجب حیات انسان‌ها می‌باشد، یعنی:

۱. موجب مؤمن شدن انسان‌ها است «از آن‌جا که ایمان به حیات تشبیه شده است - آیه ۱۲۲، سوره انعام».
۲. موجب رستگاری و سعادت انسان در آخرت است «از آن‌جا که سرای آخرت حیات واقعی دانسته شده است - آیه ۶۴، سوره عنکبوت».



## آیه ۲۵ سوره انفال:

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ».

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

پرهیزید «بترسید» از فتنه‌ای که تنها دامن ستمکاران شما را نمی‌گیرد «بلکه همه را فرا خواهد گرفت چرا که بقیه مردم سکوت اختیار کردند»، و بدانید که کیفر و عذاب خدا سخت است «مقصود این است که زیان و ضرر این فتنه دامنگیر عموم می‌شود».<sup>۱</sup>  
در آیه قبل «آیه ۲۴، سوره انفال» خداوند متعال به مؤمنین دستور فرمودند که ای مؤمنین:

دعوت و دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم را در مورد ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اجابت کنید و بپذیرید که باعث حیات شما است «طبق احادیث ذیل آیه ۲۴ سوره انفال و بر اساس تأویل آیه شریفه».  
در این آیه شریفه «آیه ۲۵ سوره انفال» به عواقب شوم عدم تبعیت از دعوت و دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم اشاره شده و بیان شده است که اگر از دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم در رابطه امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام سرپیچی نمائید دچار فتنه‌ای خواهید شد که دود آن فقط به چشم ستمکاران نخواهد رفت بلکه همه را فرا خواهد گرفت.

خداوند متعال در آیه شریفه «آیه ۲۵، سوره انفال» می فرماید:

وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً = پرهیزید «بترسید» از فتنه‌ای که تنها دامن ستمکاران و ستمگران شما را نمی‌گیرد بلکه دامن همه را می‌گیرد.

منظور از این فتنه چیست؟

بعضی از مفسرین گفته‌اند که منظور از این فتنه بلیه‌ای است که باطن انسان را ظاهر می‌سازد و در اثر آن کُفر انسان‌ها آشکار می‌شود.

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۸۹.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۶۱.

از زبیر بن عوّام «فردی که همراه با طلحه جنگ جَمَل را به راه انداخت که به گروه ناکثین معروف می‌باشند» نقل شده که گفته است:

سال‌های سال این آیه شریفه را «آیه ۲۵ سوره انفال» را تلاوت می‌کردیم و نمی‌دانستیم که آیه شریفه درباره ما است و ما مصداق این آیه شریفه هستیم. برخی از مفسّرین گفته‌اند که منظور از فتنه در این آیه شریفه هرج و مرجی است که افراد را به ظلم می‌کشاند و ضرر و زیان آن دامن همه مردم را می‌گیرد. قول سوّمی هم نقل شده که کامل‌تر از دو قول قبلی است و هر دو قول قبلی را نیز در بر می‌گیرد و آن این است که:

منظور از فتنه در این آیه شریفه اختلاف بین امت اسلام است که انشاءالله تعالی در ادامه بحث بیشتر به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در این آیه شریفه همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها هشدار داده و آن‌ها را بر حذر می‌دارد از برپا شدن فتنه‌ای که اگر ایجاد شود دامن همه را می‌گیرد و به اصطلاح دود آن به چشم همه می‌رود.

با اینکه این فتنه مربوط به ستمکاران و ظالمین از مسلمین می‌باشد نه همه مسلمین و مؤمنین لیکن خداوند متعال خطاب را متوجّه همه مسلمین و مؤمنین نموده است، چرا که اگر این فتنه بر پا شود آثار سوء آن گریبانگیر همه می‌شود و همه مسلمانان از این فتنه آسیب و زیان می‌بینند.

بنابراین:

این آیه شریفه به همه مسلمین هشدار داده و آن‌ها را بر حذر می‌دارد از برپا شدن فتنه‌ای که همه امت اسلام را گرفتار خواهد کرد.

همانطور که عرض شد این آیه شریفه امت اسلام را از اختلافات داخلی بین مسلمین و از ایجاد تفرقه بین خودشان بر حذر می‌دارد، چرا که اختلاف بین مسلمانان باعث از بین رفتن وحدت و یکپارچگی مسلمین شده و در بین آن‌ها تفرقه ایجاد می‌کند و در نتیجه آثار و عواقب شوم آن در بین تمام امت دیده می‌شود، آن هم نه در آن عصر و آن زمان بلکه در قرون و اعصار بعد نیز این اختلافات ادامه پیدا می‌کند و در نتیجه همه مسلمین از این قضیه متضرّر می‌شوند.

## خلاصه کلام اینکه:

این فتنه که همان اختلاف و تفرقه بین مسلمین است گرچه به وسیله یک عده خاص و تعدادی معدود که همان ظالمین و ستمکاران باشند ایجاد می شود لیکن اثر سوء آن دامنگیر همه مسلمین در تمام اعصار شده و در اثر این اختلافات و تشتت آراء همه مسلمانان دچار ذلت شده و آسیب می بینند.

یکی از دلایل به وجود آمدن فتنه و استمرار آن سکوت مردمی است که حقایق را می فهمیدند لیکن ظالمین و ستمگران را نهی از منکر نمی نمودند و همین امر باعث می شد که عده ای قلیل لیکن متحد «که همان ظالمین و ستمکاران باشند» به راحتی به اهداف شوم خویش نائل شده و بتوانند اسلام را از مسیر اصلی خویش منحرف نمایند.

به عبارت دیگر:

اگر توده مسلمانان و خواص و نخبگان که حقیقت را می فهمیدند سکوت اختیار نکرده و عافیت طلب نمی شدند و دو فریضه الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل نمی نمودند هرگز اقلیتی منحرف و گمراه نمی توانستند در بین مسلمین تفرقه ایجاد نموده و زمام امور را در دست بگیرند.

بدیهی است وقتی این فتنه ایجاد شود دود آن به چشم همه خواهد رفت «با اینکه همه مردم در این فتنه به طور مستقیم دخالت نداشتند بلکه عده ای معدود این آتش را روشن نموده بودند»، زیرا کسانی هم که سکوت اختیار نموده و امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نمودند آن ها نیز به طور غیر مستقیم در ایجاد فتنه سهم دارند و در این گناه عظیم با فتنه گران سهیم می باشند.

به عنوان تیمن و تبرک به یک حدیث اشاره می شود.

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ، حَتَّى يَرَوْا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَ هُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يُنْكِرُوهُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ، یعنی:

خداوند عزوجل هرگز عموم را «همه مردم را» به خاطر عمل گروهی خاص «به خاطر گناهان عده ای خاص و معدود» مجازات و عذاب نمی کند، مگر آن زمان که منکرات «گناهان و زشتی ها» در میان مردم آشکار شود و عده ای که قدرت و توانایی

بر انکار منکرات و گناهان داشته باشند سکوت کنند که در این صورت خداوند متعال هم آن گروه خاص «گنهکاران» و هم توده مردم را مجازات خواهد نمود.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ = بدانید و آگاه باشید که کیفر و مجازات خداوند متعال

سخت و شدید است.

این قسمت از آیه شریفه دلالت بر این دارد که:

عذاب و عقاب خداوند متعال مختص به عقاب دُنوی از قبیل اختلافات قومی، شیوع قتل و فساد، رواج گناهان و معاصی، از بین رفتن آسایش و امنیت مردم، شکستن قدرت و شوکت اسلام و ... نمی باشد، بلکه موضوع عذاب قیامت نیز مطرح است و خداوند متعال با لحن تهدیدآمیزی می فرماید که:

ای مردم «ظالمین و ستمکاران که فتنه به پا نمودید، و توده مردم که با سکوت خویش و ترک امر به معروف و نهی از منکر دست فتنه گران را برای ایجاد فتنه باز گذاشتید»: بدانید که عذاب خداوند متعال سخت و شدید است.

پر واضح است که:

وقتی یک عدّه ظالم و ستمگر فتنه به پا نموده و در بین مسلمین تفرقه ایجاد کرده و سپس موفق می شوند زمام امور را به دست بگیرند، این امر غلبه فساد و ظلم است و غلبه باطل است بر حق، لذا وقتی اهل باطل و اهل ظلم عنان قدرت را به دست بگیرند و با زور و تهدید و احیاناً تطمیع بر مردم مسلط شوند در این صورت همه مردم متضرر می شوند، هم در دنیا و هم در آخرت، و خداوند متعال با لحن تهدیدآمیزی به این ها وعده عذاب سخت و شدید می دهد.

اینکه مصادیق این گروه ظالمین و ستمکاران چه کسانی هستند و اینکه این فتنه چه فتنه ای بود که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به پا شد انشاء الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

قابل ذکر است که آیه ۲۴ و ۲۵ سوره انفال عموم مسلمین را مخاطب قرار داده و آن ها را دعوت به اتحاد نموده «تحت ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» و از اختلاف و تفرقه و ایجاد فتنه بر

حذر می‌دارد.

آیه ۱۰۳، سوره آل عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» نیز اشاره به همین موضوع دارد «ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده است»<sup>۱</sup>.

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً - آیه ۲۵، سوره انفال» فرمودند:

أَصَابَتِ النَّاسَ فِتْنَةٌ بَعْدَ مَا قَبِضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى تَرَكَوْا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ وَبَايعُوا غَيْرَهُ، وَهِيَ الْفِتْنَةُ الَّتِي فَتَنُوا بِهَا وَقَدْ أَمَرَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِاتِّبَاعِ عَلِيٍّ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، يَعْنِي:

پس از اینکه خداوند متعال پیامبر اکرم را به سوی خود فراخواند «پس از رحلت پیامبر اکرم» مردم دچار فتنه شدند و در نتیجه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را رها نموده و با شخص دیگری بیعت نمودند و این همان فتنه‌ای بود که مردم گرفتار آن شدند در حالی که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به تبعیت و پیروی از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و اوصیاء ایشان از آل محمد علیهم‌السلام «یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام» امر فرموده بود. این حدیث را عبدالرحمن بن سالم از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول این آیه شریفه «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً - آیه ۲۵، سوره انفال» فرمودند:

مَنْ ظَلَمَ عَلِيًّا مَقْعَدِي هَذَا فَكَأَنَّمَا جَحَدَ نَبَوْتِي وَنُبُوَّةَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي، يَعْنِي:

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۱۹۲-۱۹۳.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۸۱-۸۲-۸۴-۹۹-۱۰۰.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، ۱۶۶-۱۶۷.

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۹۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۳۵، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۳، حدیث ۵۸، «حدیث ۳۸۹۳».

هر کس پس از وفات من بر سر این مَسند و منصب من «امامت بر مسلمین» به علی بن ابیطالب علیه السّلام ظلم کند «مقام خلافت را از او بگیرد» به منزله این است که نبوّت و رسالت من و نبوّت و رسالت انبیاء قبل از مرا انکار کرده است. این حدیث را ابن عبّاس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. عبدالله بن مسعود می گوید:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پس از نزول این آیه شریفه «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً - آیه ۲۵، سوره انفال» به من فرمود:  
ای ابن مسعود:

من این موضوع را به عنوان امانت پیش تو می سپارم و ظالمان و ستمگران را برای تو می شمارم «معرفی و بیان می کنم»، پس:  
آنچه را که به تو می گویم خوب درک کن و آن را از جانب من ادا کن.  
وجود مبارک پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش به عبدالله بن مسعود فرمود:  
هر کس به علی بن ابیطالب علیه السّلام ظلم کند و منصب و مقام مرا که بعد از من حقّ او است «امامت بر مسلمین» از او سلب نماید مانند کسی است که نبوّت من و نبوّت پیامبران قبل از من را انکار کرده است.<sup>۲</sup>

۴. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به عمّار یاسر فرمود:

ای عمّار:

پس از رحلت من مردم دچار اختلاف شده و از یکدیگر برائت و بیزاری می جویند.  
ای عمّار:

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۱۹۴.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۹۹.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۱۹۳-۱۹۴.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۳۶، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۵۳، حدیث ۶۳ «حدیث ۳۸۹۸».

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۳۷، حدیث ۶.

هرگاه با چنین صحنه‌ای مواجه شدی به علی بن ابیطالب علیه السلام روی بیاور و به او رجوع کن.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش به عمّار یاسر فرمود:

یا عمّارُ:

فَإِنْ سَلَكَ النَّاسُ كُلَّهُمْ وَاذِيًّا وَ سَلَكَ عَلِيٌّ وَاذِيًّا، فَاسْلُكْ وَاذِيَّ عَلِيٍّ وَ خَلَّ عَنِ النَّاسِ،

یا عمّارُ:

طَاعَةٌ عَلِيٍّ طَاعَتِي،

وَ طَاعَتِي طَاعَةٌ لِلَّهِ، یعنی:

پیامبر اکرم به عمّار فرمودند:

ای عمّار:

اگر تمام مردم جهان به یک طرف رفتند «بروند» و علی بن ابیطالب علیه السلام به طرف دیگر،

تو به دنبال «به طرف» علی بن ابیطالب علیه السلام برو و مردم را ترک کن، زیرا:

علی علیه السلام تو را از هدایت باز نمی‌دارد و به هلاکت نمی‌اندازد.

ای عمّار:

اطاعت از علی بن ابیطالب اطاعت از من است،

و اطاعت از من اطاعت از خداوند متعال است.<sup>۱</sup>

۵. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ

خَاصَّةً - آیه ۲۵، سوره انفال» فرمودند:

این آیه شریفه در حق طلحه و زبیر و اصحاب جَمَل می‌باشد که جنگ جَمَل را

به راه انداخته و با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام محاربه و جنگ نموده و

به آن حضرت ظلم کردند.

این حدیث را صیقل از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

مصدق این آیه شریفه «آیه ۲۵ سوره انفال» کلیه افرادی هستند که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با یکدیگر متحد شده و به مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ظلم کرده و خلافت را غصب نمودند که یکی از این گروهها اصحاب جمل می باشد.

طلحه و زبیر اولین کسانی بودند که پس از خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام با آن حضرت جنگیدند.

این جنگ به جنگ جمل معروف است و این گروه به نام ناکثین شهرت دارند «ناکثین یعنی پیمان شکنان، نکث بیعت کنندگان».

بعد از جنگ جمل جنگ صفین و بعد از آن جنگ نهروان به وقوع پیوست.

این سه گروه به نام ناکثین، قاسطین و مارقین معروف می باشند.

---

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۹۹.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۱۹۴.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۳۶، حدیث ۴.



## آیه ۴۱ سوره انفال:

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا...».

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

بدانید هر گونه غنیمتی که به دست می آورید «آنچه که شما سود می برید» خمس آن «یک پنجم آن» متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ذی القربی «ائمه معصومین علیهم السلام» و یتیمان و مسکینان و ابن السبیل «از سادات» می باشد اگر به خداوند متعال و آنچه که به پیامبر اکرم نازل شده «قرآن کریم» ایمان دارید.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

غنیمت = هر گونه فایده ای است که از طریق تجارت یا کسب و کار و یا جنگ به دست انسان می افتد.

غنیمت در این آیه شریفه معنی وسیعی دارد و هر گونه درآمد و سود و منفعتی را شامل می شود، و به عبارت دیگر:

عُنْم و غنیمت یعنی رسیدن به مال و درآمد از راه تجارت، صنعت، جنگ و یا از هر طریق مشروع دیگر.

علمای شیعه معتقدند که:

خمس در هر گونه فایده ای که برای انسان فراهم گردد واجب است اعم از اینکه از طریق کسب و تجارت باشد، یا از طریق گنج و معدن، یا اینکه از طریق غواصی از دریا حاصل شود، همچنین سایر مواردی که در رساله های عملیه آمده است. یتیم = کسی که در دوره کودکی و خردسالی پدر خود را از دست بدهد؛ ذی القربی = خویشاوندان، نزدیکان.

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۳.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۲۱۳.

مقصود از ذی القربی در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام می باشند، و دلیل بر این موضوع روایات متواتری است که از ناحیه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده و انشاء الله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید.

مسکین = مستمند، بی چیز، نیازمند، کسی که چیزی نداشته باشد؛

ابن السبیل = مسافری که پولش تمام شده باشد، در راه مانده.<sup>۱</sup>

این آیه شریفه «آیه ۴۱ سوره انفال» وجوب پرداختن خمس را بیان می فرماید. خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ  
وَإِنَّ السَّبِيلَ = بدانید آنچه که شما غنیمت می برید هر چه باشد خمس آن «یک پنجم آن» متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ذی القربی «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» و یتیمان و مساکین و ابن السبیل از سادات می باشد.

همانطور که قبلاً به عرض رسید غنیمت در این آیه شریفه معنی گسترده و وسیعی دارد و شامل هر گونه فایده‌ای می شود که از طریق تجارت و یا کسب و کار و یا جنگ نصیب انسان می شود.

این آیه شریفه می خواهد بیان بفرماید که:

هر گونه سود و درآمد و منفعتی که نصیب انسان می شود خمس آن «یک پنجم آن» متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و یتیمان و مساکین و ابن السبیل از سادات می باشد و چهار پنجم بقیه اموال به خود انسان می رسد. اینکه منافع و درآمد انسان بلافاصله پس از کسب مشمول خمس می شود یا اینکه پس از یک سال باید خمس آن پرداخته شود، همچنین سایر مسائل مربوط به خمس به طور مفصل در رساله‌های عملیه آمده است و عزیزان می توانند به آن مراجعه نمایند.

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۲۲۰-۲۲۱.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۱-۱۴۴.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶-۲۲۳-۲۲۴.

مفردات راغب.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا = اگر به خداوند متعال و آنچه که به بنده خودمان «یعنی پیامبر اکرم» نازل کردیم ایمان دارید، یعنی:  
اگر به خداوند متعال و به قرآن کریم که به پیامبر اکرم نازل کرده‌ایم ایمان دارید، و در واقع خداوند متعال به مسلمانان می‌فرماید که اگر به خدا و قرآن ایمان دارید دستور خمس را به مرحله اجرا درآورید.

بنابراین این آیه شریفه می‌فرماید:

ای مردم:

اگر به خداوند متعال و به قرآن کریم ایمان دارید خمس مالتان را بپردازید، ضمن اینکه معین می‌فرماید خمس به چه کسانی تعلق می‌گیرد.  
قابل ذکر است که:

مال و پولی که به عنوان خمس پرداخته می‌شود به شش سهم تقسیم می‌شود.

یک سهم برای خداوند متعال،

یک سهم برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،

یک سهم به ذی القربى یعنی ائمه معصومین علیهم السلام که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

این سه سهم که ملاحظه فرمودید «یعنی نصف خمس» در زمان حیات ائمه معصومین علیهم السلام به آن ذوات مقدسه می‌رسد و در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به نواب آن حضرت یعنی به فقهاء جامع الشرائط.

از سه سهم باقیمانده «نصف دیگر خمس»:

یک سهم به یتیمان آل محمد علیهم السلام «سادات یتیم»:

یک سهم به مساکین آل محمد علیهم السلام «سادات مسکین و بی چیز»،

و یک سهم به ابن السبیل آل محمد علیهم السلام «سادات در راه مانده» تعلق می‌گیرد،

بنابراین:

نصف خمس به ائمه معصومین علیهم السلام می‌رسد «در زمان غیبت به نواب امام زمان علیه السلام یعنی به فقهاء جامع الشرائط»،

و نصف دیگر به سادات «یتیمان و مساکین و ابن السبیل از آل محمد علیهم السلام». لازم به ذکر است که: خداوند متعال نیمی از خمس را به سادات نیازمند اختصاص داده و در مقابل زکات را برای آن‌ها حرام کرده است، و در عوض زکات را مخصوص فقرا و نیازمندان غیرسید قرار داده و آن‌ها را از دریافت خمس محروم نموده است، بنابراین: اگر مسلمانان به این دو فریضه مهم «خمس و زکات» اهتمام داشته باشند یقیناً در جامعه مسلمین فقیر وجود نخواهد داشت چه سید و چه غیرسید. ذیل آیات اول تا پنجم سوره بقره در رابطه با اهمّیت خمس و زکات توضیحاتی ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است. ملاحظه فرمودید که:

در رابطه با پرداخت خمس و اینکه خمس به چه کسانی تعلق می‌گیرد ابتدا با نام مقدّس الله شروع شده و خداوند متعال تقسیم خمس را با نام مقدّس و مبارک خویش شروع نموده و فرموده:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ...

اگر در رابطه با تقسیم خمس ابتدا از الله شروع شده و برای خداوند متعال سهمی از خمس در نظر گرفته شده هم از باب تیمّن و تبرک می‌باشد هم از باب تأکید بر اهمّیت خمس و پرداختن آن، وگرنه تمام خلقت و هر چه که هست متعلق به خداوند متعال می‌باشد و مالک همه هستی خداوند سبحان است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) انفال متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد. ذیل آیه اول سوره انفال «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» به عرض رسید که انفال شامل موارد

۱. مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۲۲۱-۲۲۲.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۱-۱۴۲.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۲۱۴-۲۱۶ تا ۲۱۸-۲۲۴-۲۲۶-۲۳۰.

متعددی می‌شود که یک نمونه آن غنائم جنگی است.

این آیه شریفه «آیه اول سوره انفال» پس از جنگ بدر نازل شد و تمام غنائم جنگی را به پیامبر اکرم اختصاص داد «گرچه وجود مقدس پیامبر اکرم تمام غنائم جنگ بدر را بین سربازان اسلام تقسیم فرمود به نحوی که حتی خمس غنائم جنگ بدر را نیز تملک و تصاحب نفرمود».

به عرض رسید که در جنگ بدر هفتاد نفر از مشرکین به هلاکت رسیدند و چهارده نفر از سربازان اسلام نیز به شهادت رسیدند، یعنی:

غنائم جنگ بدر پس از جنگ و خونریزی نصیب مسلمین شد و پس از پایان جنگ خداوند متعال آیه اول سوره انفال را نازل فرموده و تمام غنائم جنگ بدر را به پیامبر اکرم اختصاص دادند.

بسیاری از مفسرین در تفاسیر خویش «از جمله المیزان و نمونه» این آیه شریفه را «آیه اول سوره انفال» منسوخ نمی‌دانند، یعنی این آیه شریفه با نزول آیه ۴۱ سوره انفال منسوخ نشده است، لذا:

غنائم جنگی تماماً متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد و اگر آن ذوات مقدسه فقط خمس غنائم جنگی «غنائمی که با جنگ و خونریزی نصیب مسلمین شده باشد» را تملک فرموده و چهار پنجم بقیه را در اختیار سربازان اسلام قرار می‌دهند از باب تفضل و عطیه و بخشش می‌باشد نه اینکه آنها «سربازان اسلام» شرعاً حقی دارند.<sup>۱</sup>

ب) اگر آیه ۴۱ سوره انفال «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ...» را ناسخ آیه اول سوره انفال «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» بدانیم در این صورت خمس غنائم جنگی «غنائمی که با جنگ و خونریزی نصیب مسلمین می‌شود» به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و یتیمان و مساکین و ابن السبیل از سادات می‌رسد و چهار پنجم بقیه بین مسلمین تقسیم می‌شود، لیکن:

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۲۷.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۰۷ - ۱۰۸، «ذیل اول سوره انفال».

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، «ذیل آیه ۴۱ سوره انفال».

همانطور که ذیل آیه ۱۲۸ سوره اعراف «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ» و ذیل آیه یازدهم سوره حدید «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» به عرض رسید زمین و آنچه در آن است و تمام هستی بالاصاله متعلق به خداوند متعال است و خداوند متعال نیز آن‌ها را به خلفاء خویش یعنی انبیاء الهی و در صدر همه آن‌ها به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام تملیک فرموده است، لذا اگر انسان‌ها مالک چیزی هستند این مالکیت اعتباری است، یعنی آن اموال اصالتاً متعلق به خداوند متعال و به اذن خداوند متعال متعلق به خلفاء خداوند متعال می‌باشد که به انسان‌ها تملیک شده است.

ج) اموالی که بدون جنگ و خونریزی نصیب مسلمین می‌شود فیء نام دارد و تماماً متعلق به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد و دیگران هیچ سهمی در آن ندارند.

ذیل آیه ششم و هفتم سوره حشر «مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ...» در این رابطه توضیحات لازم به عرض رسیده است.

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند: مقصود از ذی القربی در این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» آیه ۴۱ سوره انفال «امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند.

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» آیه ۴۱، سوره انفال فرمودند: خمس از آن خداوند متعال و از آن پیامبر اکرم و از آن ما می‌باشد.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۰، حدیث ۱۲، «حدیث ۱۰۹۱».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۷۴، حدیث ۱.

این حدیث را محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. در رابطه با این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» آیه ۴۱ سوره انفال» از وجود مقدس امام رضا علیه السلام سؤال شد که: یابن رسول الله:

سهم خداوند متعال از خمس از آن کیست؟

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

سهم خداوند متعال از آن پیامبر اکرم می باشد،

و سهم پیامبر اکرم از آن امام است «یعنی سهم خداوند متعال و سهم پیامبر اکرم به امام معصوم می رسد، و امام معصوم یک سهم نیز خودش دارد و در نتیجه سه سهم از شش سهم خمس یعنی نصف خمس به ائمه معصومین علیهم السلام می رسد و نصف دیگر یعنی سه سهم باقیمانده از شش سهم به یتیمان و مساکین و ابن السبیل از سادات می رسد».

این حدیث را محمد بن ابی نصر از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدس امام کاظم علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ...» آیه ۴۱، سوره انفال» فرمودند:

خمس به شش سهم تقسیم می شود،

سهمی برای خداوند متعال،

سهمی برای پیامبر اکرم،

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۹۱، حدیث ۲ «حدیث ۱۴۱۴».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۷۴، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۹، حدیث ۹۹ «حدیث ۳۹۳۴».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۹۸، حدیث ۷ «حدیث ۱۴۱۹».

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۷۴، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۹، حدیث ۱۰۰ «حدیث ۳۹۳۵».

سهمی برای ذی القربی یعنی امام معصوم،  
 سهمی برای ایتم آل محمد علیهم السلام،  
 سهمی برای مساکین آل محمد علیهم السلام،  
 و سهمی برای ابن السبیل «در راه ماندگان» آل محمد علیهم السلام.  
 امام کاظم علیهم السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
 سهم خداوند متعال و سهم پیامبر اکرم به جانشین پیامبر اکرم یعنی به ائمه معصومین  
 علیهم السلام می‌رسد، لذا:

جانشین پیامبر «امام معصوم» سه سهم می‌برد، دو سهم از خداوند متعال و پیامبر اکرم  
 و یک سهم نیز که سهم خودش می‌باشد «یعنی مقصود از ذی القربی ائمه معصومین  
 علیهم السلام هستند که یک سهم از شش سهم به شخص آن ذوات مقدسه تعلق  
 می‌گیرد»، بنابراین:

نصف تمام خمس به جانشینان پیامبر اکرم یعنی به ائمه معصومین علیهم السلام  
 می‌رسد،  
 و نصف دیگر به یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان آل محمد علیهم السلام تعلق  
 می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام  
 فرمودند:

به خدا سوگند مقصود از ذی القربی در این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ  
 فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» - آیه ۴۱، سوره انفال «ما هستیم که خداوند متعال  
 ما را در ردیف خودش و پیامبرش قرار داده است.  
 وجود مبارک امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در انتهای فرمایش خویش  
 فرمودند:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۹۱، حدیث ۴ «حدیث ۱۴۱۶».

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۱ - ۱۶۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۷۵، حدیث ۶.



این آیه شریفه «آیه ۴۱ سوره انفال» فقط درباره ما نازل شده است.<sup>۱</sup>

۶. محمد بن فضیل می گوید:

از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در رابطه با موضوع خمس در این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» - آیه ۴۱، سوره انفال»

سؤال کردم، و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمود:

خمس از آن خداوند متعال و از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از آن

ما است.<sup>۲</sup>

۷. منهال بن عمرو می گوید:

از وجود مقدّس امام سجاد علیه السّلام درباره خمس که در این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ...»

- آیه ۴۱، سوره انفال» آمده سؤال کردم.

وجود مقدّس امام سجاد علیه السّلام در پاسخ به سؤال من فرمودند:

خمس از آن ما است.

منهال بن عمرو می گوید:

مجدداً از امام سجاد علیه السّلام سؤال کردم:

یابن رسول الله:

مقصود از ایتام و مساکین و ابن السبیل در این آیه شریفه چه کسانی هستند.

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۸۳، حدیث ۳۴.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۸۵، حدیث ۳۹.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۹۰، حدیث ۶۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۹، حدیث ۹۷ «حدیث ۳۹۳۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱، حدیث ۱۰۲ «حدیث ۳۹۳۷».

احتجاج طبرسی، جلد اول، بیانات آن حضرت درباره روزگار فتنه و اختلاف در دین صفحه ۵۹۴ تا ۶۰۰ «صفحه

۵۹۷»، حدیث ۱۴۶.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۸۳، حدیث ۳۵.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۸۷، حدیث ۴۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۷، حدیث ۱۱۴ «حدیث ۳۹۴۹».

وجود مبارک امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

مقصود، یتیمان و مساکین و ابن السّبیل ما هستند «ایتام و مساکین و ابن السّبیل از آل محمّد علیهم السّلام»<sup>۱</sup>.

۸. پس از حادثه جانسوز کربلا و به شهادت رسیدن امام حسین علیه السّلام اهل بیت آن حضرت به اسارت درآمده و ابتدا به کوفه و سپس به شام وارد شدند. پس از ورود اهل بیت پیامبر اکرم به شام پیرمردی از اهالی شام نزد کاروان اسرا آمده و اظهار داشت:

سپاس خدای را که شما را کشت و شاخ فتنه را بُرید، و سپس آن پیرمرد شامی شروع نمود به ناسزا گفتن و اهانت کردن به کاروان اسرا یعنی به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم.

پس از اینکه سخنان آن پیرمرد شامی به پایان رسید، وجود مقدّس سیّدالسّاجدین و زین العابدین امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه شروع به صحبت نموده و به آن پیرمرد شامی فرمود:

آیا این آیه شریفه را «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - آیه ۲۳، سوره شوری» تلاوت کرده‌ای؟  
پیرمرد شامی گفت: بله

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام به پیرمرد شامی فرمودند:  
ما هستیم قُربی و خویشاوندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که آن حضرت خواستار مودّت به ایشان شده است.

وجود مبارک امام سجّاد علیه السّلام به پیرمرد شامی فرمود:  
آیا این آیه شریفه را «وَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ - آیه ۲۶، سوره اسراء» تلاوت کرده‌ای.  
پیرمرد شامی عرض کرد: بله

وجود مبارک امام سجّاد علیه السّلام به پیرمرد شامی فرمود:

۱. مجمع البیان، جلد دهم، صفحه ۲۲۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۴۸۹، حدیث ۵۴.

ما أَقْرَبَا وَخَوِشَانُونَ دَانَ پيامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستيم که خداوند متعال به پيامبرش دستور فرموده تا حقّ آن‌ها را بپردازد.

وجود مقدّس امام سجّاد عليه السّلام به پير مرد شامی فرمود:  
 آيا اين آيه شريفه را «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...»  
 - آيه ۴۱ سوره انفال» تلاوت کرده‌ای.

پير مرد شامی عرض کرد: بله

امام سجّاد عليه السّلام به پير مرد شامی فرمود:

ذُو الْقُرْبَىٰ فِي رَأْسِهَا شَرِيفَةٌ «آيه ۴۱ سوره انفال» ما هستيم.

و به همين ترتيب امام سجّاد عليه السّلام آيات شريفه‌ای از قرآن کریم را که درباره اهل بيت پيامبر اکرم نازل شده تلاوت می‌فرمود و به پير مرد شامی می‌فرمود که اين آيات شريفه درباره ما نازل شده است.

پير مرد شامی پس از شنيدن فرمايشات امام سجّاد عليه السّلام و پی بردن به حقيقت دست‌های خویش را به سوی آسمان بلند نموده و سه مرتبه گفت:

خداوندا به درگاهت توبه می‌کنم،

بارالها از عداوت و دشمنی با آل محمّد عليهم السّلام توبه می‌کنم و از قاتلين اهل

بيت پيامبر اکرم برائت و بيزاری می‌جویم.<sup>۱</sup>

۹. وجود مقدّس امام صادق عليه السّلام فرمودند:

وجود مبارک پيامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همواره فضائل اهل بيت خویش را با بيان خویش به مردم می‌فرمود و به وسيله قرآن کریم آن را برای مردم روشن می‌کرد که از نمونه اين آيات شريفه آيه ۴۱ سوره انفال است که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...»

این حدیث را عبدالحمید بن ابی‌الدیلم از امام صادق عليه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۱، حدیث ۱۰۴ «حدیث ۳۹۳۹».

احتجاج طبرسی، جلد دوّم، احتجاج امام سجّاد عليه السّلام بر یکی از شامیان، صفحه ۱۱۴ تا ۱۱۶، حدیث ۱۷۲.

۲. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۵۴، حدیث ۳ «حدیث ۷۵۹».

۱۰. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:  
چون خداوند متعال صدقه را بر ما حرام کرده است خمس را بر ما نازل فرمود،  
بنابراین:  
صدقه بر ما حرام و خمس برای ما حلال است.<sup>۱</sup>

۱۱. زکریا بن مالک جُعفی می گوید:  
شخصی از امام صادق علیه السّلام درباره آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ  
فَآنَ لِلَّهِ خُمُسُهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ - آیه ۱۴ سوره  
انفال» سؤال نمود.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به او فرمود:

خُمْسُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْإِمَامِ،  
وَ خُمْسُ الرَّسُولِ لِلْإِمَامِ،  
وَ خُمْسُ ذِي الْقُرْبَىٰ لِقَرَابَةِ الرَّسُولِ لِلْإِمَامِ،  
وَ الْيَتَامَىٰ يَتَامَىٰ آلِ الرَّسُولِ،  
وَ الْمَسَاكِينِ مِنْهُمْ،  
وَ أَبْنَاءَ السَّبِيلِ مِنْهُمْ،  
فَلَا يَخْرُجُ مِنْهُمْ إِلَىٰ غَيْرِهِمْ، یعنی:  
امام صادق علیه السّلام فرمودند:

خمس خداوند عزّوجلّ «سهم خداوند عزّوجلّ از خمس» متعلّق به امام است،  
و خمس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم «سهم پیامبر اکرم از خمس» متعلّق به  
امام است.

و خمس ذی القربی «سهم ذی القربی از خمس» متعلّق به امام است،  
مقصود از یتیمان، یتیمان آل محمّد علیهم السّلام هستند،  
مقصود از مساکین، مساکین آل محمّد علیهم السّلام می باشند،  
و مقصود از ابناء السبیل «در راه ماندگان» ابناء السبیل از آل محمّد علیهم السّلام می باشند.

امام صادق علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:  
 سهم هیچ یک از ایشان «یتیم و مسکین و ابن السبیل از آل محمد علیهم السلام» به غیر  
 ایشان داده نمی شود.<sup>۱</sup>  
 عین این حدیث شریف را عبدالله بن بکیر نیز از امام باقر و امام صادق علیهما السلام  
 نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱۲. وجود مبارک امام رضا سلام الله علیه در مرو در جلسه ای که مأمون و تعدادی  
 از علمای خراسان و عراق حضور داشتند در رابطه با تفاوت بین اهل بیت پیامبر  
 اکرم و امت مطالبی بیان نموده و به چند آیه شریفه اشاره نمودند که یکی از آنها  
 آیه ۴۱ سوره انفال می باشد.

وجود مقدس امام رضا صلوات الله و سلامه علیه فرمودند:  
 خداوند متعال در این آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ  
 وَلِذِي الْقُرْبَىٰ - آیه ۴۱ سوره انفال» سهم ذی القربی یعنی سهم اهل بیت پیامبر اکرم  
 را با سهم خود و با سهم رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قرین ساخته و این  
 خود یک وجه تمایز بین آل محمد علیهم السلام و امت می باشد، زیرا:  
 خداوند متعال اهل بیت پیامبر اکرم «آل محمد علیهم السلام» را در مکانی جای  
 داده و امت پیامبر اکرم را در مکانی دیگر.

اما رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
 خداوند متعال برای اهل بیت پیامبر اکرم همان را پسندیده که برای خودش  
 پسندیده است، و در رابطه با خمس «مربوط به آیه ۴۱ سوره انفال» ابتدا از خودش  
 شروع نموده سپس پیامبر اکرم را ذکر فرموده و بعد از آن اهل بیت پیامبر اکرم را  
 یاد فرموده است، یعنی:

آنچه که خداوند متعال برای خودش و برای رسولش پسندیده برای اهل بیت رسولش  
 نیز پسندیده است.

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۲ - ۱۶۳.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۱۴.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۳، حدیث ۱۰۶ «حدیث ۳۹۴۱».

امام رضا علیه السلام سپس فرمودند:

در رابطه با اطاعت نیز همین گونه است و در آیه ۵۹ سوره نساء خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

خداوند متعال در این آیه شریفه نیز ابتدا از خودش آغاز نموده، سپس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را یاد نموده، و آنگاه اهل بیت پیامبر اکرم را ذکر فرموده است.

وجود مقدس امام رضا سلام الله علیه در ادامه بیانات خویش فرمودند:

آیه ۵۵ سوره مائده نیز همین طور است و خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

«أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

خداوند متعال در این دو آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره نساء، و آیه ۵۵ سوره مائده» اطاعت از اهل بیت پیامبر اکرم و اطاعت از پیامبر اکرم را همراه و قرین اطاعت از خودش دانسته است، و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم را همراه و قرین ولایت پیامبر اکرم و همراه و قرین ولایت خودش دانسته است.

و جود مقدس امام رضا صلوات الله و سلامه علیه در این مجلس به دوازده آیه شریفه قرآن کریم اشاره فرمودند که این آیات شریفه در رابطه با اهل بیت پیامبر اکرم بوده و این ذوات مقدسه را از دیگران متمایز می‌کند.

در این بحث مختصر فقط به سه آیه شریفه اشاره شد که یکی از آنها در رابطه با آیه ۴۱ سوره انفال و موضوع غنائم و خمس بود که مرتبط با بحث جاری ما می‌باشد.

این حدیث را ریّان بن صلت از وجود مقدس امام رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۵، حدیث ۱۱۰، «حدیث ۳۹۴۵».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۳، فرق بین اهل بیت پیامبر اکرم و امت پیامبر اکرم، صفحه ۴۶۸ تا ۴۹۶، حدیث ۱.

**توضیح:**

الف) خداوند متعال در آیه ۲۶ سوره اسراء، آیه ۲۳ سوره شوری و آیه ۷ سوره حشر می فرماید:

«وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ... - آیه ۲۶، سوره اسراء»، یعنی:

ای پیامبر:

حق خویشاوندان و نزدیکان را بپرداز.

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - آیه ۲۳ سوره شوری»، یعنی:

ای پیامبر:

به مردم بگو من درباره رسالتم هیچ پاداشی از شما نمی خواهم جز دوست داشتن «مودت» نسبت به خویشاوندان و نزدیکانم.

«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللِّرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى - آیه ۷، سوره

حشر»، یعنی:

آنچه را که خداوند متعال از اهل این آبادی ها به رسولش «پیامبر اکرم» بازگرداند از آن خداوند متعال و از آن پیامبر اکرم و از آن خویشاوندان آن حضرت می باشد.

ذیل این آیات شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده که مقصود از ذی القربی

در این آیات شریفه اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشند،

یعنی مقصود از ذی القربی در این آیات شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام

معصوم از نسل آن دو بزرگوار می باشند.

ب) علامه طباطبایی در بحث روایتی ذیل آیه ۴۱ سوره انفال می گوید:

اخبار و روایاتی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام درباره خمس رسیده

متواتر است و همه این احادیث نورانی و شریف مبین این مطلب هستند که خمس

مختص به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد،

و مقصود از یتیمان و مسکینان و ابن السبیل ها نیز یتیمان و مساکین و ابناء السبیل «در

راه ماندگان» سادات می باشند و به غیر از ایشان خمس به افراد دیگری تعلق نمی گیرد.

خمس موهبتی است الهی که خداوند متعال آن را برای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام و اولاد آن بزرگواران مقرر فرموده، لیکن زکات و صدقات را برای آن ذوات مقدّسه و اولاد آنها حرام نموده است.<sup>۱</sup>



## «سوره توبه (برائت)»

آیات ۱ تا ۴ سوره توبه:

«بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» آیه ۱.  
«فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ، وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ، وَإِنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ»  
آیه ۲.

«وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ  
فَإِنْ تَبَيَّنَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ  
الْإِيمِ» آیه ۳.

ترجمه:

خداوند متعال در اولین آیه این سوره می فرماید:

این اعلام بیزاری و برائت خدا و رسول خدا است نسبت به مشرکینی که با آنها عهد و پیمان بسته‌اند «آیه ۱».

سپس خداوند متعال مشرکین را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای مشرکین:

شما تا چهار ماه آزادانه در زمین سیاحت کنید و به هر کجا که می خواهید بروید «تا چهار ماه عهد و پیمان شما معتبر است و طیّ این چهار ماه در امان هستید»،

اما بدانید که شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید (نمی توانید از قلمرو قدرت خدا فرار کنید)،

و نیز بدانید که سرانجام خداوند متعال کافران مُشرک و بت پرست را خوار و رسوا خواهد ساخت «آیه ۲».

و این اعلامی است از ناحیه خدا و رسولش به عموم مردم در روز حجّ اکبر «روز عید قربان» که خداوند متعال و رسولش از مشرکین بیزار هستند.  
با این حال:

اگر شما مشرکین توبه کنید برای شما بهتر است،  
و اگر از دستورات خداوند متعال سرپیچی نمائید هرگز نمی توانید خدا را ناتوان سازید و از قلمرو قدرت او بیرون بروید،  
ای پیامبر، کافران را به مجازات دردناک بشارت بده «آیه ۳»<sup>۱</sup>.

### شرح لغات و توضیحات:

بَرَأَتْ = بیزاری جستن، تبرّی جستن، کناره گیری کردن و دوری نمودن از هر چیزی که مجاورت با آن مورد کراهت باشد؛

سیاحت = گردش کردن، سیر کردن روی زمین؛

فَسِيحُوا = در روی زمین سیر کنید، به سیاحت بروید؛

شَهْرٌ = ماه، جمع شَهْرٌ می شود «شُهُور» و «أَشْهُرٌ»؛

اعجاز = ایجاد عجز و ناتوانی، عاجز کردن، ناتوان کردن؛

خِزْيٌ = خواری، ذلّت، تذلل؛

اخزاء = خوار کردن؛

أَذَانٌ = اعلام، آنچه که شنیده شود؛

مُؤَذِّنٌ = اعلام کننده، اذان دهنده، کسی که چیزی را اعلام کند و به آگاهی مردم

برساند؛

تَوْبٌ، تَوْبَةٌ = رجوع و بازگشت، ترک گناه، پشیمان شدن از گذشته و تصمیم بر

ترک گناه؛

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷ - ۱۴.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۳۸ - ۳۴۳.

وَلَّيْ = اعراض کردن، پشت کردن.<sup>۱</sup>

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سال ششم هجری در حُدیبیّه «حوالی شهر مکه که حدود ۱۵ میل با مکه فاصله دارد» با مشرکین قریش پیمان صلحی را به مدت ۱۰ سال منعقد فرمود و طی آن مقرر شد مفاد این عهدنامه توسط طرفین رعایت گردد «طی مدت ۱۰ سال که در عهدنامه قید شده است».

از جمله موارد این عهدنامه این بود که قبایل و طوایف در دین خویش آزاد باشند، مسلمانان در شهر مکه در امان باشند، جان و مال طرفین قرارداد از تعرض مصون باشد، طرفین قرارداد به یکدیگر خیانت نکنند، همچنین مشرکین قریش به قبایل و طوایف مخالفین اسلام کمک ننمایند.

مشرکین قریش بارها نقض عهد نموده و پیمان شکنی کردند و همین پیمان شکنی های مشرکین قریش «بُت پرستان قریش» باعث شد تا خداوند متعال با نازل نمودن سوره توبه «و یا نازل نمودن آیات نخستین این سوره» به پیامبر اکرم و مؤمنین دستور دهد تا آن ها نیز عهد و پیمان با مشرکین را لغو نموده و ضمن اعلام بیزاری و براءت خویش از مشرکین به آن ها چهار ماه فرصت بدهند تا از بُت پرستی دست بردارند و یا اینکه آماده جنگ شوند.

انشاء الله تعالی توضیحات بیشتر ذیل آیات شریفه به عرض خواهد رسید.

خداوند متعال در اولین آیه این سوره «سوره توبه» می فرماید:

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ = این اعلام براءت و بیزاری خدا

و رسول خدا است از مشرکینی که با آن ها عهد و پیمان بسته بودند.

در واقع خداوند متعال به پیامبر اکرم و به مؤمنین دستور می دهد که:

بیزاری بجوئید از آن مشرکانی که با آن ها عهد و پیمانی داشتید، یعنی:

ای مؤمنین:

عهد و پیمان خودتان را با مشرکان بشکنید زیرا خداوند متعال و پیامبر اکرم از

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۸ - ۱۵.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۲۳۰ - ۲۳۳.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۳۹.

مفردات راغب.

مشرکین بیزار هستند و از آنها برائت می جویند.

قابل ذکر است که:

صلح حدیبیه و انعقاد پیمان صلح بین پیامبر اکرم و مشرکین قریش در اواخر سال ششم هجری صورت گرفت و پس از پیمان شکنی مکرر مشرکین بود که خداوند متعال در سال نهم هجری این سوره مبارکه را «سوره توبه را» نازل فرموده و به مؤمنین دستور فرمود تا آنها نیز عهد و پیمان خویش را با مشرکین بشکنند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که:

آیا الغای یک جانبه پیمان صحیح می باشد.

پاسخ این است که:

۱. مشرکین بارها و بارها پیمان شکنی و نقض عهد نموده بودند.

به عرض رسید که:

از جمله مفاد عهدنامه این بود که:

مشرکین، مسلمانان را به قتل نرسانند و به قبایل و طوایفی که مخالف مسلمین هستند کمک نکنند، لیکن مشرکین قریش به این پیمان خویش وفادار نماندند و پیمان شکنی نمودند که یک نمونه آن کمک به طایفه بنی بکر بود که مخالف مسلمین بودند، یعنی:

وقتی لشکریان اسلام با طایفه بنی بکر در حال جنگ بودند مشرکین قریش مخفیانه به طایفه بنی بکر کمک می کردند و این یک نمونه از پیمان شکنی مشرکین بود.

۲. با آنکه مشرکین عملاً عهد و پیمان خویش را با پیامبر اکرم شکستند لیکن خداوند متعال راضی نشدند که مسلمانان قبل از اعلام لغو این عهد و پیمان به طور غافلگیرانه این عهد و پیمان را بشکنند، یعنی:

الغای این عهد و پیمان را به مشرکین اعلام نموده و به اطلاع مشرکین رساندند و همانطور که در ادامه آیات شریفه به عرض خواهد رسید مدت چهار ماه نیز به مشرکین فرصت دادند تا راجع به کار خودشان فکر کنند و در اعمالشان تجدید نظر کنند و ایمان بیاورند و دست از شرک و بت پرستی بردارند.

بنابراین:

اصلاً و ابداً الغای این عهد و پیمان از طرف مسلمین نبود، بلکه مشرکین عملاً پیمان شکنی نموده و نقض عهد نموده بودند و مسلمانان طبق دستور خداوند متعال عکس العمل نشان داده و به پیمان شکنی مشرکین پاسخ دادند، آن هم در سال نهم هجری یعنی سه سال پس از انعقاد پیمان و پس از پیمان شکنی مکرر مشرکین.

ذیل آیه دهم و هیجدهم سوره فتح راجع به صلح حدیبیه توضیحات کامل و جامعی ارائه شده است.

در آیه بعد «آیه دوّم سوره توبه» خداوند متعال خطاب را متوجّه مشرکین نموده و به آنها می فرماید:

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ = چهار ماه آزادانه مهلت دارید تا در روی زمین سیر و سیاحت کنید و هر کجا که می خواهید بروید.

به عرض رسید که:

با اینکه مشرکین بارها و بارها طیّ این سالها «از سال ششم هجری که صلح حدیبیه منعقد شد تا سال نهم هجری که سوره مبارکه توبه نازل شد» پیمان شکنی کرده بودند لیکن خداوند متعال ضمن اعلام بیزاری خودش و رسولش از مشرکین به آنها چهار ماه نیز فرصت دادند و به آنها امان دادند تا طیّ این مدّت فکر کنند و از بت پرستی دست برداشته و اسلام اختیار کنند.

دادن این مهلت چهار ماهه به مشرکین به این خاطر بود که «یا یکی از دلایل این کار این بود که»:

بعدها گفته نشود که مسلمین علیرغم داشتن عهد و پیمان به طور غافلگیرانه و ناگهانی به مشرکین حمله نموده و آنها را از بین بردند.

این چهار ماهی که به مشرکین فرصت و مهلت داده شد از روز دهم ذیحجه سال نهم هجری «روز عید قربان» بود تا روز دهم ربیع الثانی سال دهم هجری.

بنابراین:

خداوند متعال به مشرکین چهار ماه امان دادند «از روز دهم ذیحجه سال نهم هجری تا روز دهم ربیع الثانی سال دهم هجری» تا طیّ این مدّت چهار ماه آزادانه در مکه

و سایر مناطق سیر و سیاحت کنند و با خیال آسوده مشغول کار و کسب و زندگی خودشان باشند و مطمئن باشند که در این مدّت چهار ماهه در امان هستند و خطری از جانب مسلمین آنها را تهدید نمی‌کند، لیکن چنانچه این مدّت چهار ماهه سپری شود و آنها مسلمان نشوند در آن هنگام رشته عهد و پیمان گسسته خواهد شد و مصونیت و امان از جان و مال مشرکین برداشته خواهد شد.

لازم به ذکر است که:

الغاءِ پیمان فقط نسبت به مشرکینی بود که بارها و بارها به طور مستقیم و غیرمستقیم نقض عهده کرده و پیمان‌شکنی نموده بودند و فقط این دسته از مشرکین پیمان‌شکن بودند که خداوند متعال به آنها چهار ماه فرصت داد تا دست از بُت‌پرستی بردارند و گرنه کشته خواهند شد،

اما مشرکینی که پیمان‌شکنی و نقض عهده نموده بودند اسلام با آنها کاری نداشت و تا پایان مدّت عهد و پیمان خویش جان و مالشان در امان بود.

طایفه بنی‌کنانه، بنی‌ضمَره و بنی‌خزاعه از این دسته بودند، یعنی چون پیمان‌شکنی نکرده بودند لذا تا پایان مدّت عهد و پیمان خویش در امان بودند و مسلمانان با آنها کاری نداشتند با اینکه آنها اسلام اختیار نکرده بودند، بنابراین:

الغاءِ پیمان فقط نسبت به مشرکینی صورت گرفت که پیمان‌شکنی نموده بودند و همین‌ها بودند که خداوند متعال به آنها چهار ماه فرصت دادند تا اسلام بیاورند یا اینکه آماده جنگ باشند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به این مشرکین پیمان‌شکن می‌فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ = بدانید که شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید و از قلمرو قدرت او خارج شوید زیرا هر کجا که باشید تحت قدرت و فرمان خدا هستید.

وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ = و خداوند متعال خوارکننده کافرین است، یعنی:

ای مشرکین بدانید که نمی‌توانید خداوند متعال را عاجز و ناتوان کنید و نمی‌توانید از قلمرو قدرت خدا بیرون بروید،

و بدانید که اگر دست از شرک و کُفر بردارید خداوند متعال شما را خوار و ذلیل

خواهد کرد «در آخرت، و یا هم در دنیا و هم در آخرت».  
در آیه بعد «آیه سوّم سوره توبه» موضوع بیزاری و برائت مسلمین از مشرکین، همچنین موضوع الغای عهد و پیمان مسلمین با مشرکین با تأکید بیشتری عنوان شده و حتّی تاریخ اعلام آن نیز تعیین می شود.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:  
وَإِذْ أَنْزَلْنَا مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ = این اعلامی است از ناحیه خداوند متعال و رسولش «پیامبر اکرم» به عموم مردم در روز حجّ اکبر «روز دهم ذیحجه سال نهم هجری»، که:

أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ = همانا خداوند متعال و رسولش از مشرکین بیزار هستند و از آنها تبرّی می جویند «برائت می جویند».

در واقع خداوند متعال می خواهد با این اعلام عمومی در سرزمین مکه «در منی» و در روز عید قربان راههای بهانه جویی مشرکین و دشمنان اسلام را ببندد و زبان بدگویان و مفسده جویان را قطع کند تا آنها نگویند که مسلمانان ما را غافلگیر کرده و ناجوانمردانه به ما حمله کردند.

این آیه شریفه «آیه سوّم سوره توبه» تکرار آیه اوّل این سوره مبارکه نیست، هر چند برگشت هر دو آیه شریفه «آیه اوّل و آیه سوّم سوره توبه» به یک معنی می باشد و آن اعلام بیزاری و برائت خداوند متعال و پیامبر اکرم از مشرکین است و لغو پیمان مسلمین را با مشرکین بیان می فرماید.

در آیه اوّل این سوره موضوع بیزاری و برائت خداوند متعال و پیامبر اکرم از مشرکین و لغو عهد و پیمان با مشرکین فقط به خود مشرکین اعلام می شود، در حالی که:

در آیه سوّم این سوره مبارکه این خطاب متوجّه عموم مردم «ناس» می باشد نه فقط مشرکین، تا:

همه مردم بدانند که خداوند متعال و پیامبر اکرم از مشرکین بیزار هستند و پیمان خویش را با مشرکین لغو نموده اند، لذا:

همه مسلمانان بایستی خودشان را برای پیاده کردن حکم و فرمان خداوند متعال

آماده نمایند، یعنی:

بعد از تمام شدن مهلت چهار ماهه «از روز دهم ذیحجه سال نهم هجری تا روز دهم ربیع الثانی سال دهم هجری» چنانچه مشرکین اسلام اختیار نمایند و کماکان به شرک و بت پرستی خویش ادامه دهند در آن صورت مسلمانان به آنها حمله خواهند نمود و آنها را از دم تیغ خواهند گذراند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز دهم ذیحجه سال نهم هجری «روز عید قربان» در منی به دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم سوره برائت را به مردم و به مشرکین قرائت نمودند «تمام سوره توبه و یا قسمت اعظم سوره مبارکه توبه را که در رابطه با بیزاری و برائت خداوند متعال و پیامبر اکرم از مشرکین می باشد». در ادامه آیه شریفه خداوند متعال خطاب را متوجه مشرکین نموده و به آنها می فرماید:

فَإِنْ تَابْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ = ای مشرکین:

اگر توبه کنید و به سوی خدا بازگردید و دست از شرک و بت پرستی بردارید و مسلمان شوید به نفع شما است، یعنی:

در دنیا با آرامش زندگی خواهید کرد و از ناحیه مسلمانان خطری متوجه شما نخواهد شد زیرا شما به مسلمین پیوسته‌اید و مسلمان شده‌اید و در آخرت نیز مشمول لطف و عنایت خداوند متعال واقع شده و وارد بهشت خواهید شد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به مشرکین هشدار می دهد که:

وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ = اگر از اسلام رو بگردانید و از دستور خداوند متعال سرپیچی کنید بدانید هرگز نمی توانید خداوند متعال را ناتوان و عاجز کنید و هرگز نمی توانید از قلمرو قدرت خداوند سبحان خارج شوید.

در واقع این فرمایش خداوند متعال اعلامی است به مشرکین به اینکه مهلت دادن به شما نه به خاطر عجز و ناتوانی خداوند متعال است، بلکه از روی مصلحت بوده و اتمام حجت است تا گرفتار عذاب الهی نشوید.

در انتهای آیه شریفه خداوند متعال خطاب را متوجه پیامبر اکرم نموده و به



او می‌فرماید:

وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ أَلِيمٍ = ای پیامبر:

کافران بُت‌پرست را به عذابِ الیم و دردناک جهنم بشارت بده، یعنی: مشرکان باید بدانند که اگر دست از بُت‌پرستی برندارند و اسلام اختیار نکنند گرفتار آتش و عذاب الیم و دردناک جهنم خواهند بود.

در آیات بعد به مسلمانان دستور داده شده که پس از اتمام چهار ماه مهلت و رخصتی که به مشرکین داده شده هر کجا که مشرکین را یافتند آن‌ها را بکشند و یا اینکه آن‌ها را به اسارت بگیرند، مگر اینکه آن‌ها توبه کنند و ایمان بیاورند که در این صورت رها خواهند شد.

مشرکینی که خُلف وعده نموده و پیمان‌شکنی نکرده‌اند «مانند طایفه بنی‌کنانه و بنی‌ضمَره» این‌ها از این قاعده مستثنی هستند، یعنی تا زمانی که مدّت عهد و پیمان آن‌ها باقی است در امان هستند و مسلمانان با آن‌ها کاری ندارند.<sup>۱</sup>

### نکاتی پیرامون پیمان مسلمین با مشرکین و نزول سوره توبه:

۱. صلح حدیبیه بین پیامبر اکرم و مشرکین قریش در سال ششم هجری صورت گرفت.

۲. سوره توبه در سال نهم هجری نازل شد و ضمن اعلام بیزاری و براءت خداوند متعال و پیامبر اکرم از مشرکین پیمان با مشرکین را لغو نمود.

۳. به مشرکین چهار ماه فرصت داده شد تا دست از بُت‌پرستی بردارند و اسلام اختیار کنند.

۴. این چهار ماه از روز دهم ذیحجه سال نهم هجری «عید قربان» شروع می‌شد و پایان آن روز دهم ربیع الثانی سال دهم هجری بود.

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۸، ۹، ۱۵، ۱۶.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۳۰ تا ۲۳۶.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۳۸ تا ۳۴۵.

۵. علت لغو پیمان با مشرکین نقض عهد مکرر مشرکین بود.

۶. خداوند متعال به مسلمانان دستور داد که پس از اتمام مدّت چهار ماهه هر کجا که مشرکین را پیدا کردند آن‌ها را به قتل برسانند مگر اینکه آن‌ها توبه کرده و ایمان بیاورند «این موضوع در آیه پنجم سوره توبه آمده است».

۷. مشرکینی که خُلف وعده نکرده و پیمان‌شکنی ننموده‌اند از این قاعده مستثنی می‌باشند «مانند طایفه بنی کُنانه و بنی ضَمَرَه، و بعضی طایفه بنی خُزاعه را هم عنوان کرده‌اند»، یعنی:

این طوایف چون به پیمان خویش وفادار بودند و به مخالفین مسلمانان کمک نکرده‌اند لذا تا پایان مدّت عهد و پیمان خویش در امان هستند و مسلمانان با آن‌ها کاری ندارند.

۸. تقریباً تمام مفسّرین و مؤرخین اتفاق نظر دارند که:

هنگامی که سوره توبه «یا آیات نخستین آن» نازل شد و پیمان‌هایی را که مشرکین با پیامبر اکرم داشتند لغو نمود «به استثناء طوایفی که پیمان‌شکنی نکرده بودند» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را به ابوبکر داد تا هنگام مراسم حج در مکه آن را به عموم مردم بخواند لیکن آن را از ابوبکر گرفت و به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داد و آن حضرت را مأمور نمود تا در مکه و هنگام مراسم حج به مردم اعلام نماید که اینگونه نیز شد.<sup>۱</sup>

انشاءالله تعالی در بخش حدیث مفصلاً به این قضیه اشاره خواهد شد.

۹. چون سوره توبه «برائت» اعلان جنگ به مشرکین و دشمنان پیمان‌شکن می‌باشد و از آن‌ها بیزاری و برائت جسته می‌شود و دستور محاصره و قتل این پیمان‌شکنان را می‌دهد و این امر مبین خشم و غضب خداوند متعال به این گروه می‌باشد، لذا این سوره با بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيمِ آغاز نشده زیرا بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيمِ برای صلح و دوستی و محبت و امان و مهر و رحمت می‌باشد، در حالی که سوره توبه برای

۱. تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۱ و ۳۲، مجمع‌البیان، جلد ۱۱، صفحه ۱۰.

برداشتن امان و اعلان جنگ با دشمنان پیمان شکن نازل شده است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که آیات نخستین سوره توبه «سوره برائت» نازل شد وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این آیات شریفه را به ابوبکر داد و به او دستور فرمود که به سوی مکه روانه شده و این آیات شریفه را در روز عید قربان «روز دهم ذیحجه در سال نهم هجری» در سرزمین منی برای مردم بخواند.

وقتی که ابوبکر از مدینه خارج شد جبرئیل خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شد و به آن حضرت عرض کرد:

یا رسول الله:

این آیات شریفه را «چند آیه اوّل سوره توبه و یا همه آیات شریفه این سوره مبارکه» کسی جز خودت یا مردی از خودت «مردی از اهل بیت تو» نباید به مردم ابلاغ کند.

پس از این قضیه بود که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به دنبال ابوبکر فرستاد تا آیات شریفه را از او گرفته و روانه مکه شود.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بلافاصله حرکت کرده و آیات شریفه را از ابوبکر باز پس گرفت.

ابوبکر از بین راه مدینه بازگشت و خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شده و از آن حضرت سؤال کرد که آیا خداوند متعال چیزی در حقّ من نازل فرموده است؟

وجود مبارک پیامبر اکرم به ابوبکر فرمود:

نه، درباره تو چیزی نازل نشده لیکن خداوند متعال به من دستور فرموده که این آیات شریفه را باید خودت یا فردی از خودت «از اهل بیت» به مردم ابلاغ نماید.

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۵ - ۱۰.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۴۸.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۲۴۱.

این حدیث را ابی الصّباح کنانی از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از جانب خداوند متعال به من دستور فرمود که عازم مکه بشوم و آیات سوره توبه را به مردم بخوانم و به مردم اعلام کنم که:

(الف) هیچ کس نباید خانه خدا را برهنه طواف نماید.

(ب) بعد از این سال هیچ مُشرکی حق ندارد به مسجدالحرام «خانه خدا» نزدیک شود.

(ج) به مشرکینی که امسال حجّ خانه خدا را به جای آورده‌اند چهار ماه مهلت داده می‌شود که به دیار خویش بازگردند و پس از اتمام چهار ماه با آن‌ها مقاتله خواهد شد «با مشرکین پیمان‌شکن».

این حدیث را محمّد بن فضیل از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ابوبکر را با سوره براءت «سوره توبه» در موسم حجّ به مکه اعزام فرمود تا آیات سوره براءت را به مردم بخواند.

در همین حال جبرئیل خدمت پیامبر اکرم نازل شد و به آن حضرت عرض کرد: آیات سوره براءت را جز علی بن ابیطالب نمی‌تواند و نباید از جانب توبه مشرکین ابلاغ نماید «این آیات شریفه را فقط باید علی بن ابیطالب علیه السّلام به مردم بخواند».

پس از این قضیه بود که پیامبر اکرم علی بن ابیطالب علیه السّلام را فراخواند و به او دستور داد تا خودش را به ابوبکر رسانده و سوره براءت را از او بگیرد و به مکه رفته و این آیات شریفه را به مردم بخواند.

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۰ تا ۲۵۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۳۱، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۳۱، حدیث ۲۰ «حدیث ۴۰۳۸».

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۳۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۳۳، حدیث ۲۱ «حدیث ۴۰۳۹».

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام خودش را به ابوبکر رسانده و آیات سوره برائت را از ابوبکر باز پس گرفت.

ابوبکر به حضرت امیر علیه السّلام عرض کرد:

آیا آیه عذاب نازل شده و آیا پیامبر اکرم از من خشمگین شده است.

حضرت امیر علیه السّلام به ابوبکر فرمود:

نه، لیکن خداوند متعال جبرئیل را نازل نموده و به پیامبر اکرم فرموده:

باید مردی از خاندان تو «یعنی مردی از اهل بیت پیامبر اکرم» آیات سوره برائت را به مردم ابلاغ نماید.

حضرت امیر علیه السّلام پس از اینکه سوره برائت را از ابوبکر گرفت عازم مکه شد و روز عید قربان «دهم ذیحجه سال نهم هجری» در بین مردم به پا خاست و مردم را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

من فرستاده رسول الله به سوی شما هستم،

و آنگاه آن حضرت چندین آیه از آیات نخستین سوره برائت را به مردم قرائت نموده و فرمودند:

از این به بعد:

هیچ کس حق ندارد خانه خدا را برهنه طواف کند،

و هیچ مشرکی حق طواف خانه خدا را ندارد،

و مشرکینی که با پیامبر اکرم پیمان داشته‌اند چهار ماه مهلت و فرصت دارند «مشرکین پیمان شکن چهار ماه فرصت دارند تا از شرک و بُت پرستی دست بردارند و گرنه پس از چهار ماه باید آماده جنگ باشند. راجع به این موضوع صفحات قبل توضیحات لازم ارائه شد».

این حدیث را حریر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۱۲ - ۱۳.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۲.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۲۴۴ - ۲۴۵.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۳۴، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۲۹، حدیث ۱۷ «حدیث ۴۰۳۵».

۴. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در مکه و روز عید قربان «دهم ذیحجه سال نهم هجری» شمشیر خویش را از نیام بیرون کشید و آیات نخستین سوره براءت «سوره توبه» را به مردم تلاوت نموده و فرمودند:

هیچ کسی حق ندارد به صورت برهنه و عریان خانه خدا را طواف نماید، هیچ مُشرکی حق ندارد به زیارت خانه خدا بیاید و کعبه را طواف کند، مشرکین فقط چهار ماه فرصت دارند «مشرکین پیمان شکن»، اما بقیّه مشرکین که پیمان شکنی نکرده‌اند «از قبیل طائفه بنی کَنانه، بنی ضمَره و بنی خُزاعه» تا پایان مدّت عهد و پیمان خویش مهلت دارند و در امان هستند.

این حدیث را ابو بصیر و ابو صباح از امام باقر علیه السّلام نقل نموده‌اند.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و پس از بیعت مردم با ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمین، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در یک مجلس که با ابوبکر مذاکره می‌کرد بیش از سی فضیلت از فضائل بی‌شمار خویش را شمارش فرموده و به ابوبکر می‌فرمود:

آیا این فضائل در من است یا تو، و ابوبکر نیز تصدیق می‌کرد که این فضائل مربوط به حضرت امیر علیه السّلام می‌باشد.

یکی از این فضائل در رابطه با خواندن سوره براءت به مشرکین می‌باشد که آن حضرت به آن احتجاج فرمودند.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به ابوبکر فرمود:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۱۲.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۳.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۲۴۵.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۳۵، حدیث ۹.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۳۶، حدیث ۱۰.

فَأَنْشِدُكَ بِاللَّهِ، أَنَا صَاحِبُ الْأَذَانِ لِأَهْلِ الْمُؤَسِّمِ وَالْجَمْعِ الْأَعْظَمِ لِلْأُمَّةِ بِسُورَةِ بَرَاءَتِهِ، أَمْ أَنْتَ؟  
 قَالَ أَبُو بَكْرٍ: بَلْ أَنْتَ، يَعْنِي:

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

آیا من از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مأمور به ابلاغ و خواندن سوره براءت «سوره توبه» به مردم بودم یا تو «من در موسم حج سوره براءت را برای مردم خواندم یا تو»؟

ابوبکر به حضرت امیر علیه السلام عرض کرد

شما مأمور این کار شدید «البته شما بودید»<sup>۱</sup>.

۶. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

هنگامی که زمان وفات عمر بن خطاب فرا رسید او امر خلافت را به شورایی متشکل از شش نفر محول نمود و به آنها گفت:

پس از فوت من در اطاقی نشسته و پیرامون خلافت با هم مشاوره نموده و از بین خودتان یک نفر را که شایسته تر و سزاوارتر به امر خلافت می بینید به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نمایید.

پس از فوت عمر بن خطاب شش نفر مورد نظر او تشکیل جلسه دادند و نهایتاً عثمان بن عفان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وقتی تلاش جمع را در بیعت با عثمان بن عفان دید جهت روشن شدن حقیقت و به منظور اتمام حجت به اعضاء «که بعدها نگویند ما از فضائل تو بی خبر بودیم» به پا خاسته و پنج نفر از اعضاء شورا را مخاطب قرار داده و به آنها فرمود:

کلام مرا بشنوید،

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۳۷، حدیث ۳۳ «حدیث ۴۰۵۱».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر ابوبکر، صفحه ۲۶۱ تا ۲۷۴، «صفحه ۲۶۴»، حدیث ۵۳.

چنانچه حق بود آن را بپذیرید و تصدیق کنید،  
و چنانچه باطل بود آن را انکار نمائید.

سپس وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیش از نود فضیلت از فضائل بی شمار خویش را بیان فرموده و به اعضاء شورا می فرمود:  
آیا این فضیلت «این فضائل» را کسی غیر از من دارا می باشد، و متعاقب آن اعضاء شورا صحت فرمایش آن حضرت را تأیید می نمودند.  
یکی از فضائل حضرت امیر علیه السلام که آن حضرت به اعضاء شورا فرمود این بود که آن حضرت آن ها را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ:

هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ سَرَّحَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِسُورَةِ بَرَاءَةِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ بِأَمْرِ اللَّهِ غَيْرِي؟

قالوا: لا، یعنی:

حضرت امیر علیه السلام به پنج نفر از اعضاء شورا فرمود:  
شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که پیامبر اکرم به اذن خداوند متعال او را با سوره براءت به سوی مشرکین مکه فرستاده باشد.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، غیر از شما کسی سوره براءت را به مشرکین مکه تلاوت نکرد.

این حدیث را جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.

قابل ذکر است که پنج نفر از اعضاء شورا که مخاطب حضرت امیر علیه السلام بودند عبارت بودند از:

عثمان بن عفان، طلحة بن عبیدالله، زبیر بن عوام، سعد بن ابی وقاص، و عبدالرحمن بن عوف.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۲۵، حدیث ۱۰ «حدیث ۴۰۲۸».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر اعضاء شورا، صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۹ «صفحه ۲۹۷»، حدیث ۵۵.



۷. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:  
من فضائل و مناقبی دارم که هیچ کس آن فضائل را ندارد و هیچ کس در آن  
فضائل با من شریک نیست.

راوی حدیث که فردی به نام مکحول می باشد می گوید:  
آنگاه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام شروع به شمارش و  
بیان فضائل خویش نموده و هفتاد فضیلت از فضائل خویش را بیان فرمودند که  
پنجاهمین فضیلت این بود که:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:  
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ابوبکر را با سوره براءة  
به مکه اعزام نمود و در همین حال از جانب خداوند متعال جبرئیل نازل شد و به  
پیامبر اکرم عرض کرد:  
ای محمّد:

خداوند متعال می فرماید:

سوره براءة را باید خودت یا مردی از اهل بیت ابلاغ کنی.  
به دنبال این دستور خداوند متعال پیامبر اکرم مرا به دنبال ابوبکر فرستاد و به  
من فرمود تا سوره براءة را از ابوبکر باز پس گرفته و سپس عازم مکه شده و این  
سوره را به مردم ابلاغ نمایم که طبق دستور خداوند متعال مأموریت انجام پذیرفت  
و خداوند متعال این مأموریت را به من اختصاص داد.<sup>۱</sup>

۸. وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

به خدا قسم:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در قرآن کریم اسامی و نام‌هایی دارد که  
مردم آن را نمی شناسند.  
راوی حدیث که حکیم بن جبیر می باشد می گوید خدمت امام سجّاد علیه السّلام

۱. تفسیر نورالتّقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۲۵، حدیث ۱۱ «حدیث ۴۰۲۹».

خصال شیخ صدوق، جلد دوّم، باب خصال چهل گانه و بیشتر، حدیث ۲۲، فضیلت ۵۰، صفحه ۳۶۵.

عرض کردم:

یابن رسول الله:

کدام اسامی و نام‌ها را می‌فرمائید.

وجود مقدس امام سجّاد علیه‌السلام این آیه شریفه را «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ... - آیه سوّم، سوره براءت» تلاوت نموده و فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را با سوره براءت به مکه اعزام نمود و آن حضرت در روز حجّ اکبر «عید قربان سال نهم هجری» ندا و دستور خداوند متعال را به مردم ابلاغ فرمود، و از جمله فرمایشات آن حضرت این بود که:

کسی حق ندارد برهنه خانه خدا را طواف کند،

و پس از این هیچ مُشرکی حق ندارد به مسجدالحرام نزدیک شود.

وجود مقدس امام سجّاد علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به خدا قسم:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مؤذن بود،

و به خدا قسم مقصود از اذان در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره توبه» وجود مقدس

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد.<sup>۱</sup>

۹. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ... - آیه سوّم سوره براءت»

فرمودند:

خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را از آسمان نام‌گذاری فرمود

و این نام را از آسمان مخصوص آن حضرت قرار داد زیرا آن حضرت بود که سوره

براءت را از جانب پیامبر اکرم به مردم ابلاغ فرمود.

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۷۶.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۳۷ تا ۵۳۹، حدیث ۱۴، ۱۶، ۲۳ و ۲۵.

تفسیر نوارالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۳۷، حدیث ۳۰ «حدیث ۴۰۴۸».

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
 وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا سوره براءت را به ابوبکر داد تا آن را در مکه به مردم ابلاغ نماید لیکن جبرئیل از جانب خداوند متعال نازل شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:  
 ای محمد:

خداوند متعال به تو می‌فرماید:

سوره براءت را باید خودت یا مردی از اهل بیت خودت به مردم ابلاغ نماید و غیر از شما هیچ کس حق ندارد آن را ابلاغ نماید.  
 پس از این فرمان الهی بود که پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه‌السلام دستور داد تا خودش را به ابوبکر رسانده و سوره براءت را از او گرفته و عازم مکه شود و آن را به مردم ابلاغ نماید.

امام صادق علیه‌السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:  
 از این جهت است که خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره براءت» اذان نامیده و فرموده:  
 وَ اَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ... و همانا اذان نامی است که خداوند متعال از آسمان به حضرت امیر علیه‌السلام اختصاص داده است.<sup>۱</sup>

۱۰. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پس از خاتمه جنگ نهروان «جنگ با خوارج که در سال سی و نهم هجری به وقوع پیوست، و این گروه منحرف به مارقین معروف می‌باشند» به کوفه مراجعت فرمودند.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پس از ورود به کوفه مطلع شدند که معاویه بن ابی سفیان ملعون به آن حضرت ناسزا گفته و تعدادی از اصحاب آن حضرت را نیز به شهادت رسانده است.

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۳۹، حدیث ۲۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۳۷، حدیث ۳۵ «حدیث ۴۰۵۳».

وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام پس از اطلاع از این قضیه خطبه‌ای ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمودند:

ای مردم:

عمر من به پایان رسیده و پیک اجل به من نزدیک شده است.

ای مردم:

من شما را ترک می‌کنم «من از دنیا می‌روم» و آنچه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای شما به یادگار گذاشت برای شما به یادگار می‌گذارم،

یکی قرآن کریم،

و دیگری اهل بیت و عترتم که اهل بیت و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.

ای مردم:

من برادر و پسرعموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشم و کسی هستم که هر گاه روباه‌صفتان از اطراف پیامبر اکرم می‌گریختند و آن حضرت را تنها می‌گذاشتند «مثل جنگ اُحد و ...» یک تنه میدان گسترده جنگ را در اختیار می‌گرفتم و سر ماجراجویان و بدخواهان آن حضرت را در فضا پرتاب می‌کردم «سر از تن مخالفین جدا می‌کردم».

ای مردم:

من در مقابل هیچ پهلوانی زانوی عجز بر زمین نزدم بلکه با یورش‌های برق‌آسا آنها را از مرکب حیات به زیر انداختم و هر کس را که به خداوند رحمان کُفر می‌ورزید به هلاکت رساندم.

ای مردم:

من داماد بهترین مردم هستم «داماد اشرف مخلوقات و خیرالانام یعنی داماد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشم»،

من سید الاوصیاء هستم،

من وصی و جانشین خیرالانبیاء و سیدالانبیاء می‌باشم،

من خزانه‌دار علم رسول الله و وارث آن حضرت هستم،

من همسر حبیبه حبیب الله و ریحانه رسول الله یعنی همسر بتول عذرا هستم که سیده نساء العالمین است «سرور و بانوی بانوان دنیا و آخرت»،

ای مردم:

أَنَا الْمُؤَدِّنُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

فَإِنَّ مُؤَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ «آیه ۴۴ سوره اعراف»،

وَ أَنَا ذَلِكَ الْمُؤَدِّنُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

وَ إِذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ «آیه سوّم، سوره توبه»،

یعنی:

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من مؤدّن در دنیا و آخرت هستم که خداوند متعال در آیات شریفه «آیه ۴۴ سوره

اعراف و آیه سوّم سوره توبه» به آن اشاره فرموده است، و من آن اذان هستم.

این حدیث را جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ذیل آیه ۴۴ سوره اعراف در رابطه با اینکه مقصود از مؤدّن «اعلام کننده» در دنیا و آخرت کیست و مؤدّن در دنیا و آخرت چه شخصی می باشد توضیحاتی ارائه شده و در این رابطه احادیثی از ائمّه معصومین علیهم السلام نقل شده است.

۱۱. وجود مقدّس امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما درباره این آیه شریفه «وَ

إِذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ «آیه سوّم، سوره توبه» فرمودند:

۱. معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۸ «معنی اسامی مبارک محمّد، علی، فاطمه، حسن، حسین و سایر

ائمه علیهم السلام»، صفحه ۱۳۲ تا ۱۴۳، حدیث ۹.

المیزان، جلد پانزدهم، صفحه ۱۹۳ «ذیل آیه ۴۴ سوره اعراف».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۳۷ - ۳۸ «ذیل آیه ۴۴ سوره اعراف».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۶، حدیث ۳ «ذیل آیه ۴۴ سوره اعراف».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۳۲ «ذیل آیه سوّم سوره توبه».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۸۱۱، حدیث ۱۲۴ «حدیث ۳۵۱۸» «ذیل آیه ۴۴ سوره اعراف».

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۲۲۲ «ذیل آیه ۴۴ سوره اعراف».

مقصود از اذان «اعلام» در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد.

این حدیث شریف را حریر از امام باقر علیه السّلام نقل کرده، و جابر از امام باقر و امام صادق علیهما السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۲. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام درباره آیات اوّل تا سوّم سوره توبه «برائت» فرمودند:

من موذّن در میان مردم بودم «من اعلام کننده آیات سوره برائت در میان مردم بودم».<sup>۲</sup>

۱۳. حفص بن غیاث می گوید:

از وجود مبارک امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَأَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...» آیه سوّم، سوره توبه و معنی و مقصود از اذان «اعلام» در این آیه شریفه سؤال کردم، و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمود:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب درباره این آیه شریفه «آیه سوّم سوره توبه» فرمودند:

اذان در میان مردم من بودم «من بودم که آیات سوره برائت را که اعلام کننده برائت خدا و رسول خدا از مشرکین می باشد در روز عید قربان سال نهم هجری در میان مردم تلاوت و قرائت نمودم».<sup>۳</sup>

### توضیح:

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۷۶.

۲. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۷۶.

۳. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۳۳.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۲۴۶.

الف) احادیث و روایاتی که در این رابطه از ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده و در جوامع روایی شیعه نقل شده قابل شمارش نبوده و بیشتر از آن هستند که به شمار آیند، لذا به همین سیزده حدیث نورانی و شریف اکتفا می‌شود.<sup>۱</sup>

ب) اهل سنّت نیز در کتب خویش به این مطلب اشاره نموده‌اند «اعلام و خواندن آیات سوره برائت توسط امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام» که تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

۱. حاکم حسکانی «صاحب کتاب شواهد التّنزیل» از انس بن مالک نقل می‌کند که:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سوره برائت را به وسیله ابوبکر به مکه فرستاد لیکن وقتی ابوبکر به ذی الحلیفه «نام دیگر مسجد شجره که در فاصله یک فرسخی مدینه واقع شده» رسید کسی را نزد ابوبکر فرستاد و او را به مدینه بازگرداند و به او فرمود:

لَا يُبَلِّغُهَا إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي فَبَعَثَ بِهَا مَعَ عَلِيٍّ،

یعنی: پیامبر اکرم فرمودند:

سوره برائت را جز خودم یا مردی از اهل بیتم نباید ابلاغ نماید و سپس پیامبر اکرم علی علیه السّلام را با سوره برائت به مکه اعزام فرمود.<sup>۲</sup>

در کتاب درّالمنثور سیوطی نیز این حدیث از انس بن مالک نقل شده است.<sup>۳</sup>

۲. احمد حنبل که یکی از علمای معروف اهل تسنّن می‌باشد در کتاب خود که به

نام مُسْنَدُ معروف می‌باشد نقل می‌کند که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ابوبکر را به همراه سوره توبه به مکه اعزام

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۳.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۴۷، حدیث ۴۱.

۲. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۱۱.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۳۲.

۳. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۷۲.

فرمود تا هنگام حج آن را به مردم ابلاغ نماید لیکن علی بن ابیطالب علیه السلام را به دنبال ابوبکر فرستاد تا سوره توبه را از ابوبکر گرفته و عازم مکه شود و آن را به مردم ابلاغ نماید.

پیامبر اکرم وقتی علی بن ابیطالب علیه السلام را مأمور نمود تا سوره توبه را از ابوبکر باز پس بگیرد فرمود:

لَا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ مِّنِّي وَ أَنَا مَعَهُ، یعنی:

ابلاغ سوره توبه فقط باید به وسیله شخصی صورت بگیرد که او از من است و من از او هستم.<sup>۱</sup>

۳. نسایی پیشوای مشهور اهل سنت در کتاب خصائص نقل می کند که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر را با سوره براءت به سوی اهل مکه فرستاد تا آن سوره را به مردم ابلاغ نماید لیکن علی بن ابیطالب علیه السلام را به دنبال ابوبکر فرستاد و به او فرمود سوره براءت را از ابوبکر بگیر و به مکه برو و سوره براءت را به مردم ابلاغ کن:

ابوبکر به مدینه بازگشت و به پیامبر اکرم عرض کرد:

أُنزِلَ فِيَّ شَيْءٌ، یعنی:

آیا آیه ای درباره من نازل شده است «که مرا از این مأموریت عزل نمودی».

پیامبر اکرم به ابوبکر فرمود:

لَا، إِلَّا أَنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَبْلُغَهُ أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي، یعنی:

نه، من از جانب خداوند متعال مأموریت یافتم که یا خودم باید سوره براءت را به مردم ابلاغ کنم یا مردی از اهل بیت من آن را ابلاغ نماید.

نسایی در کتاب خصائص این حدیث را از دو طریق نقل نموده که یک طریق آن زید بن یثیع می باشد و طریق دیگر آن عبدالله بن رقیم.<sup>۲</sup>

۴. احادیثی را که حاکم حسکانی، احمد بن حنبل و نسایی در کُتب خویش نقل

۱. تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۳۲.

۲. تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۳۳.



نموده‌اند «اعزام شدن ابوبکر به مکه جهت ابلاغ سوره برائت و باز پس گرفتن آن از ابوبکر و اعزام علی بن ابیطالب به مکه جهت ابلاغ سوره برائت به مردم» دیگر علمای معروف اهل تسنن نیز نقل نموده‌اند که اسامی آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

ابن کثیر در تفسیر خویش

ابن اثیر در جامع‌الاصول

محمی الدین طبری در کتاب ذخائرالعقبی

سیوطی در درالمنثور، همچنین علمای دیگری از قبیل:

بلاذری، ترمذی، واقدی، شعبی، سدی، ثعلبی، واحدی، قرطبی، قشیری، سمعانی، محمد بن اسحاق و... در کتاب‌های خویش از عروۀ بن زبیر، ابو هریره، انس بن مالک، عبدالله بن عمر، ابی سعید خدری، ابی رافع، سعد بن ابی وقاص، ابن عباس و... نقل نموده‌اند که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا ابوبکر را با سوره برائت روانه مکه نمود تا در مراسم حج «ذیحجه سال نهم هجری» آن را برای مردم ابلاغ نماید «ابلاغ برائت خدا و رسول از مشرکین» لیکن علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به دنبال ابوبکر فرستاد و به او مأموریت داد تا سوره برائت را از ابوبکر گرفته و سپس به مکه برود و سوره برائت را در موسم حج به مردم ابلاغ نماید، و حضرت علی علیه‌السلام نیز طبق دستور پیامبر اکرم سوره برائت را از ابوبکر باز پس گرفت و روز عید قربان «سال نهم هجری» در منی آن را به مردم ابلاغ فرمود.

در این کتب اهل سنت آمده که:

ابوبکر از پیامبر اکرم سؤال کرد که آیا آیه‌ای درباره من نازل شده که مرا از این مأموریت معزول فرمودی، و پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال ابوبکر فرمود:

خیر «راجع به تو آیه‌ای نازل نشده است»، لیکن:

خداوند متعال به من امر فرموده که:

سوره برائت را باید خودت یا مردی از اهل بیت خودت به مردم ابلاغ نماید.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۳ تا ۲۵۵ - ۲۵۸.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۳۲ تا ۳۳۵.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۴۶، حدیث ۳۹.

ج) آنچه که از این روایات استفاده می‌شود «روایاتی که به عرض رسید و روایات و احادیث فراوان دیگری که از نقل و درج آنها صرف نظر شد تا کلام طولانی نشود» این نتیجه حاصل می‌شود که:

اولاً: اعزام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به مکه جهت ابلاغ سوره برائت به مردم مکه و مشرکین در روز عید قربان سال نهم هجری و عزل کردن ابوبکر از این مأموریت خطیر امر و دستور خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود که این مأموریت «ابلاغ سوره برائت به مردم مکه و مشرکین» باید به وسیله خودت «یعنی شخص پیامبر اکرم» یا به وسیله مردی از اهل بیت خودت صورت بگیرد، و پیامبر اکرم نیز طبق همین دستور خداوند متعال مردی از اهل بیت خویش یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را مأمور به ابلاغ سوره برائت نمود.

ثانیاً: وظیفه و رسالت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فقط منحصر به ابلاغ آیات سوره مبارکه توبه «برائت» نبود بلکه چند حکم قرآنی و چند حکم از احکام الهی نیز در روز عید قربان سال نهم هجری در منی به وسیله آن حضرت به مردم ابلاغ شد که آنها عبارتند از:

هیچ کس حق ندارد از این به بعد خانه خدا را برهنه طواف نماید، همچنین از این به بعد هیچ مشرکی حق ندارد به زیارت خانه خدا بیاید و خانه خدا را طواف نماید «ممنوعیت شرکت مشرکین در مراسم حج»، همچنین پیمان با مشرکین لغو می‌شود «مشرکینی که پیمان‌شکنی کرده‌اند فقط چهار ماه مهلت دارند»، لیکن مشرکینی که پیمان‌شکنی نکرده‌اند عهد و پیمان آنها تا پایان مدّت عهد و پیمان معتبر است «مشرکینی از قبیله و طایفه بنی کنانه و بنی ضمّره که پیمان‌شکنی نکرده‌اند تا پایان مدّت پیمان خویش در امان هستند».<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۱۲ - ۱۳.

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۵ - ۲۵۶.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۴۶ - ۳۴۷.

یکی از احکامی که حضرت امیر علیه‌السلام روز عید قربان سال نهم هجری در منی به مردم اعلام فرمود این بود که:

از این به بعد هیچ کس حق ندارد خانه خدا را برهنه طواف نماید.

یکی از سنت‌های زیارتی مشرکین این بود که اگر با لباسی که بر تن داشتند طواف می‌کردند بعد از اتمام طواف باید آن لباس را صدقه می‌دادند، یعنی دیگر نمی‌توانستند و حق نداشتند از آن لباس استفاده کنند، لذا:

برای اینکه لباس خودشان را از دست ندهند و بی‌لباس باقی نمانند قبل از طواف لباسی را به امانت می‌گرفتند و یا کرایه می‌کردند و پس از پایان طواف آن لباس را به صاحبانش بازمی‌گرداندند و لباس خودشان را می‌پوشیدند.

اگر کسی به لباس عاریه و اجاره دست نمی‌یافت و خودش هم یک دست لباس بیشتر نداشت برای اینکه لباسش را از دست ندهد و بی‌لباس نشود برهنه می‌شد و به صورت برهنه و کاملاً عریان طواف می‌کرد و پس از پایان طواف لباس‌های خویش را می‌پوشید و عازم دیار خود می‌شد.

یک بار زن زیبا و خوش‌اندازی به زیارت خانه خدا آمد لیکن لباس امانتی و کرایه‌ای پیدا نکرد و چون خودش نیز یک‌دست لباس بیشتر نداشت و نمی‌خواست آن را نیز از دست بدهد لذا لخت و برهنه شد و به صورت کاملاً عریان خانه خدا را طواف کرد و در حین طواف دو دست خویش را بر عورت پیشین و عورت پسین خود گذاشته بود و بدین طریق طواف خود را به پایان رساند.

پس از اینکه این زن طواف خود را به پایان رساند عده زیادی از مردان که در آنجا حضور داشتند از او خواستگاری کردند و او در جواب گفت که شوهر دارد.

این بود که حضرت امیر علیه‌السلام به دستور خداوند متعال اعلام فرمود که از این به بعد هیچ کس حق ندارد خانه را عریان و برهنه طواف نماید.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۰ - ۲۵۱.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۴۳.

آیه ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ سوره توبه:

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» آیه ۱۹.  
«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْفَائِزُونَ» آیه ۲۰.

«يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» آیه ۲۱.

«خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» آیه ۲۲.

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ایا مقام و منصب سقایت حاجیان «آب دادن به حجاج و سیراب کردن آن‌ها» و تعمیر و آباد کردن مسجدالحرام «خانه خدا» را با مقام و منصب آن کس که به خداوند متعال و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد نموده یکسان قرار داده‌اید «یکسان می دانید»،

خیر، آن‌ها هرگز نزد خداوند متعال یکسان نیستند «هرگز مقام آن‌ها پیش خداوند متعال یکسان نیست و مقام آن‌ها مثل هم نمی باشد»،

خداوند متعال مردم ظالم و ستمکار را هدایت نمی کند «آیه ۱۹».

کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و با مال و جان خویش «اموال و جان‌های خویش» در راه خدا جهاد نمودند درجه و مقام بالاتر و والاتری نزد خداوند متعال دارند و تنها آن‌ها پیروز و رستگار می باشند «آیه ۲۰».

پروردگارشان آن‌ها را به رحمت و خشنودی خویش «رضایت خویش»، همچنین به بهشت‌هایی مژده و بشارت می دهد که نعمت‌هایش دائمی و همیشگی است «آیه ۲۱».  
آن‌ها برای همیشه و برای ابد داخل آن بهشت‌ها خواهند ماند و متنعم به انواع نعمات بهشتی خواهند بود زیرا نزد خداوند متعال پاداش‌های عظیم است «آیه ۲۲»<sup>۱</sup>.

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۲.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۸۲.

### شرح لغات و توضیحات:

سِقَايَة = آب دادن، سیراب کردن؛

عِمَارَة = آباد کردن، تعمیر کردن؛

سوی، مساواة = برابری «برابری از نظر حجم و وزن و...»؛

اِسْتِواء = برابر بودن، مساوی بودن؛

نَفْس = جان «جمع نَفْس می شود اَنْفُس»؛

عَظِيم = بزرگ، زیاد؛

اَعْظَم = عظیم تر، بزرگ تر، برتر، بالاتر، والاتر؛

دَرَجَة = مقام، منزلت «جمع درجه می شود دَرَجَات»؛

فَوْز = نجات، رستگاری، رستگار شدن، به خیر و نیکی رسیدن؛

فَائِز = رستگار، نجات یافته؛

بَشَارَة = خبر خشنودکننده و مسرت بخش، مژده؛

رِضْوَان = رضایت زیاد، خشنودی فراوان؛

چون بزرگ ترین رضایت و خشنودی رضایت و خشنودی خداوند متعال می باشد،

به همین جهت کلمه رضوان در قرآن کریم به خداوند متعال اختصاص یافته است.

جَنَّت = بهشت «جمع جَنَّت می شود جَنَّات»؛

نَعِيم = نعمت فراوان و زیاد؛

مُقِيم = دائم، پایدار، برقرار، باقی؛

خُلْد = دوام، بقاء؛

حَاج = اسم جمع است برای زائران خانه خدا، حج گزاران، حُجَّاج؛

خَالِد = جاوید، دائم؛

مُخَلَّد = جاویدان، جاودانه، همیشگی؛

اَبَد = زمان آینده ای که انتها ندارد، زمانی که آن را نهایت نباشد؛

دَائِم = همیشه.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۳.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۷.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۸۵.

مفردات راغب.

### شان نزول آیات شریفه:

این آیات شریفه درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و عباس «عموی پیامبر اکرم» و شیبه نازل شده است. قضیه از این قرار است که:

عباس بن عبدالمطلب «عموی پیامبر اکرم» و شیبه به یکدیگر تفاخر می نمودند «بر یکدیگر فخر فروشی می نمودند».

عباس به سقایت حجاج بیت الله الحرام «آب دادن به زائرین خانه خدا و سیراب کردن آنها» افتخار می کرد و مباحثات می نمود،

و شیبه به تعمیر مسجد الحرام و کلیدداری خانه خدا افتخار و مباحثات می کرد. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که شاهد و ناظر بر این ماجرا بود به عباس و شیبه فرمود:

من افضل بر شما هستم «من با فضیلت تر از شما هستم»، زیرا: قبل از شما به پیامبر اکرم ایمان آوردم و مسلمان شدم و در راه خدا جهاد کردم «جهاد در راه خدا با مال و جان».

پس از این قضیه بود که این آیات شریفه «آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره توبه» نازل شد و حق را به علی بن ابیطالب علیه السلام داد.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد. این شان نزول را شیعه و سنی با اندک تفاوت‌هایی نقل نموده‌اند «تفاوت در جزئیات نه در اصل موضوع». قابل ذکر است که عباس بن عبدالمطلب در جنگ بدر «سال دوم هجری» به اسارت مسلمین درآمد و سپس اسلام اختیار کرد و مسلمان شد. به تعدادی از کتب اهل سنت که این شان نزول را نقل نموده‌اند اشاره می شود.

تفسیر طبری،

تفسیر ثعلبی،

تفسیر خازن بغدادی،

تفسیر فخر رازی،

اسباب النزول واحدی،

معالم التنزیل علامه بغوی،

مناقب ابن مغزلی،

جامع الاصول ابن اثیر،

در المنثور سیوطی

شواهد التنزیل حاکم حسکانی و...<sup>۱</sup>

خداوند متعال در نخستین آیه «آیه ۱۹ سوره توبه» می فرماید:

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ = آیا سقایت و سیراب کردن حُجَّاج و

تعمیر مسجدالحرام و عمران و آباد نمودن خانه خدا را قرار دادید؛

كَمْ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ = همانند کار کسی که به خداوند

متعال و روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا جهاد می کند «جهاد کرده است»، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

آیا مقام و منصب سقایت حُجَّاج «آب دادن به حاجیان و سیراب کردن آن‌ها» و

تعمیر مسجدالحرام «آباد ساختن و عمران خانه خدا» را همانند کار کسی قرار دادید

که به خداوند متعال و به روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا جهاد می کند.

به عبارت دیگر معنی آیه شریفه تا این جا این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

آیا درجه و مقام کسانی را که سقایت حُجَّاج و تعمیر مسجدالحرام «کلیدداری خانه

خدا» را به عهده دارند با درجه و مقام آن کس که به خداوند متعال و روز قیامت ایمان

دارد و در راه خدا جهاد می کند «جهاد کرده» یکسان می دانید «یکسان قرار می دهید».

این آیه شریفه به اصطلاح استفهام انکاری می باشد، یعنی می خواهد بفرماید که:

ای مردم:

این دو گروه و این دو طایفه را هرگز یکسان و مساوی هم قرار ندهید و آن‌ها را

مثل هم ندانید.

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۳ - ۴۴.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۸، ۲۶ تا ۲۸، ۳۳، ۳۵.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۸۳ - ۳۸۴.

در این آیه شریفه صحبت از دو گروه می‌باشد:

گروه اوّل: کسانی که سقایت حُجّاج و تعمیر مسجدالحرام را به عهده دارند.  
گروه دوّم، کسی که «کسانی که» به خداوند متعال و به روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کنند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

ای مردم:

درجه و مقام گروه اوّل «کسانی که سقایت حُجّاج و تعمیر مسجدالحرام را به عهده دارند» را هرگز با درجه و مقام گروه دوّم «کسی یا کسانی که به خداوند متعال و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کنند» یکسان و برابر ندانید، زیرا:  
درجه و مقام گروه دوّم «مؤمنینی که در راه خدا جهاد می‌کنند» به مراتب بالاتر و والاتر از درجه و مقام گروه اوّل می‌باشد و اصلاً این دو گروه از نظر درجه و مقام با یکدیگر قابل قیاس نمی‌باشند.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ = افراد این دو گروه از نظر فضیلت و ثواب در پیشگاه خداوند متعال یکسان نمی‌باشند، یعنی:

درجه و مقام گروه دوّم «یعنی مؤمنینی که به خداوند متعال و روز قیامت ایمان دارند و در راه خدا جهاد می‌کنند» به مراتب از درجه و مقام افراد گروه اوّل «کسانی که سقایت حُجّاج و تعمیر مسجدالحرام را به عهده دارند» برتر و بالاتر می‌باشد و اصلاً قابل قیاس با آنها نیست.

در واقع نسبت گروه دوّم به گروه اول نسبت أَفْضَل است به کسی که اصلاً فضیلت ندارد، یعنی:

همه فضائل و همه اجر و ثواب و پاداش‌ها متعلّق به مؤمنینی است که در راه خدا جهاد می‌کنند «یعنی افراد گروه دوّم» که مظهر اتمّ و اکمل آن وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد، لذا:

به آب‌دهندگان زائرین خانه خدا و به تعمیرکنندگان خانه خدا «یعنی عبّاس و



شَیْبَه» اصلاً فضیلتی باقی نمی‌ماند، زیرا زمانی به سقایت حُجَّاج و تعمیر مسجدالحرام اقدام می‌کردند که مُشْرک بودند و به همین لحاظ برای اعمال آن‌ها هیچگونه ثواب و پاداشی تعلق نمی‌گیرد.

این آیات شریفه «آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره توبه» و آیاتی نظیر این آیات شریفه این معنا را می‌رسانند که:

ارزش و اعتبار اعمال انسان‌ها به ایمان انجام‌دهندگان آن اعمال بستگی دارد، یعنی:

عمل بدون ایمان مثل لاشه بدون روح است و از نظر دین مبین اسلام هیچ ارزشی ندارد، لذا:

اگر در موارد عدیده‌ای عنوان می‌شود که اعمال صالح کُفَّار و مُشْرکین و منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام حَبْط می‌شود و از ارزش ساقط می‌گردد به این علت است که:

ارزش و اعتبار اعمال صالح و اعمال نیک انسان‌ها بستگی به اعتقاد و ایمان عاملین این اعمال دارد، یعنی:

اگر کُفَّار و مشرکین و منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام تمام عمر خویش را صرف اعمال صالح و نیک بنمایند «از قبیل سقایت حُجَّاج، تعمیر مسجدالحرام و سایر مساجد، صلّه رحم، انفاق به مستمندان و...» تمام اعمال آن‌ها حَبْط و نابود خواهد شد و به صاحبان این اعمال ذره‌ای فایده نخواهد داشت.

عرض شد که نسبت میان گروه دوّم «مؤمنینی که در راه خدا جهاد می‌کنند» و گروه اوّل نسبت افضل است به کسی که اصلاً فضیلت ندارد، یعنی:

همه فضائل متعلق به گروه دوّم است و گروه اوّل اصلاً فضیلتی ندارند «چون مُشْرک بودند».

در آیه ۲۲۱ سوره بقره آمده که:

وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ، یعنی:

بنده با ایمان «انسان مؤمن» از انسان مُشْرک «بُت‌پرست» بهتر است، یعنی:

همه فضائل و ثواب‌ها متعلق به مؤمن می‌باشد و شخص مُشْرک هیچ بهره و

پاداشی ندارد، نه اینکه مؤمن و مُشرک هر دو خوب هستند لیکن مؤمن از مُشرک بهتر است، و خلاصه کلام اینکه:

همه فضائل متعلق به گروه دوّم می باشد یعنی کسانی که به خداوند متعال و به روز قیامت ایمان دارند و در راه خدا جهاد می کنند،

و گروه اوّل هیچ فضیلتی ندارند و در پیشگاه خداوند متعال هیچ ارزش و اعتباری ندارند «چون مُشرک هستند».

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ = خداوند متعال گروه ظالمان را هدایت نمی کند.

مقصود و مراد از ظلم در این قسمت از آیه شریفه همان شرکی است که

سقایت کنندگان حُجّاج و تعمیرکنندگان مسجدالحرام داشتند، یعنی:

افراد گروه اوّل در حال شرک و بُت پرستی سقایت حُجّاج و عمارت مسجدالحرام «تعمیر مسجدالحرام» را به عهده داشتند لذا در زمره ظالمین قرار می گیرند و هیچگونه بهره ای نمی برند و اصلاً فضیلتی ندارند، چرا که خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره لقمان می فرماید:

اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ، یعنی:

شرک گناه عظیم و بزرگی است، بنابراین:

مقصود از ظلم در این قسمت از آیه شریفه «وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ» همان

شرک است،

و مقصود از ظالمین در این آیه شریفه «وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ» همان مُشرکینی

هستند که سقایت حُجّاج و عمارت مسجدالحرام را به عهده داشتند.

لذا:

هیچگاه گروه دوّم یعنی مؤمنین مجاهد فی سبیل الله که مصداق اتمّ و اکمل آن وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد با افراد گروه اوّل قابل مقایسه نمی باشند چرا که ایمان با شرک قابل مقایسه نیست، و بلکه:

وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که اشرف و افضل مخلوقات می باشد با هیچ یک از

مؤمنین و هیچ یک از اولیاء الهی نیز قابل قیاس نمی‌باشد تا چه رسد به غیر مؤمنین.<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱. قبل از اسلام مَنْصِب سَقَايَةُ الْحَاجِ «سیراب کردن حُجَّاج و آب دادن به آن‌ها» و مَنْصِب کلیدداری خانه خدا و عمارت مسجدالحرام «تعمیر مسجدالحرام و عمران و آبادی آن» از مهم‌ترین مناصب به حساب می‌آمدند لیکن خداوند متعال در این آیات شریفه «آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره توبه» می‌فرماید:

کسانی که به خداوند متعال و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌نمایند این‌ها در پیشگاه خداوند متعال جایگاه عظیم و رفیعی دارند و این‌ها افضل به دیگران هستند و دیگران «مشرکین دارای مَنْصِب سَقَايَةُ الْحَاجِ و دارای مَنْصِب کلیدداری و عمارت مسجدالحرام» هیچگونه فضیلتی ندارند.

۲. ذیل آیه پنجم سوره مائده در رابطه با موضوع حَبْطِ اَعْمَالِ توضیحات کاملی ارائه شده است.

۳. ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۷ سوره بقره به عرض رسیده که:  
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام اشرف و افضل مخلوقات بوده و عِلّتِ غایی خلقت می‌باشند، یعنی:

خداوند متعال همه مخلوقات را به خاطر این ذوات مقدّسه خلق فرموده است،  
همچنین:

ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره به عرض رسیده که:  
حضرت ابراهیم علیه السّلام در سنین کهنسالی و در اواخر عمر مبارک خویش به چهارده معصوم علیهم السّلام توسّل پیدا نمود و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند داد و آنگاه خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السّلام مقام امامت اعطا فرمود.

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۳ تا ۴۵.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۷ تا ۱۹.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۸۴-۳۸۵.

آیه بعد «آیه ۲۰ سوره توبه» نیز در رابطه با گروه دوّم می‌باشد یعنی مؤمنینی که در راه خدا جهاد می‌نمایند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ = کسانی که ایمان آوردند «به خدا و رسول و روز قیامت» و از سرزمین کُفر و شِرک به سرزمین اسلام هجرت نمودند «هجرت از مکه به مدینه» و با مال و جان خویش «با اموال و جان‌های خویش» در راه خدا جهاد کردند، یعنی جهت پیشرفت دین اسلام از جان و مال خویش گذشتند.  
 اعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ = مقام و درجه این‌ها بالاتر و بالاتر از درجه مقام دیگرانی است که اینگونه نبوده‌اند، یعنی:

مقام و درجه مؤمنینی که برای پیشرفت دین اسلام از جان و مال خویش گذشته و ترک دیار و وطن خویش نموده و مهاجرت نمودند «مهاجرت از سرزمین کُفر به سرزمین اسلام یعنی از مکه به مدینه»، بالاتر و بالاتر از مقام و درجه افرادی است که اینگونه نبوده‌اند.

به عبارت دیگر:

هر چه فضیلت و مقام است متعلّق به این گروه مؤمن و مهاجر و مجاهد می‌باشد و دیگران «گروه اوّل» اصلاً فضیلتی ندارند.

اعْظَمُ که در این آیه شریفه آمده افعال التّفْضیل می‌باشد، یعنی برتر و بالاتر. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد معنی این آیه شریفه این نیست که هر دو طایفه نزد خداوند متعال اجر و پاداش دارند لیکن اجر و پاداش طایفه دوّم اعظم «برتر و بالاتر» هست نسبت به طایفه اوّل، بلکه معنی این دو آیه شریفه «آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه» این است که:

نسبت میان این دو طایفه و این دو گروه نسبت افضل است به کسی که اصلاً فضیلت ندارد، یعنی:

همه اجر و پاداش و فضائل متعلّق به گروه دوّم می‌باشد، یعنی کسانی که به خدا و رسول و روز قیامت ایمان آوردند و با جان و مال خویش در راه خدا مجاهده نمودند، و لذا:

برای گروه اوّل یعنی مُشْرکینی که به امر سقایت حُجّاج و عمارت مسجدالحرام مشغول بودند فضیلتی باقی نمی ماند، زیرا:  
عمل بدون ایمان فضیلت و ثوابی ندارد تا صاحب آن عمل نزد خداوند متعال درجه و مقامی داشته باشد.

در انتهای این آیه شریفه «آیه ۲۰» آمده که:

أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ = این‌ها فقط رستگار می باشند.

این قسمت از آیه شریفه رستگاری و نجات را به طور انحصار فقط برای یک طایفه و گروه اثبات می کند یعنی گروه دوّم، لذا معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

فقط ایمان آورندگان به خداوند متعال و روز قیامت که از مکه به مدینه مهاجرت نموده و با جان و مال خویش در راه خدا جهاد نمودند اهل رستگاری و نجات می باشند و فقط این‌ها درجه و مقام والایی نزد خداوند متعال دارند.

آیه بعد «آیه ۲۱ سوره توبه» نیز در رابطه با مؤمنین مهاجر و مجاهد بوده «یعنی گروه و طایفه دوّم» و در مقابل سه کار مهمّ آن‌ها «یعنی ایمان و هجرت و جهاد» سه موهبت عظیم و بزرگ را خداوند متعال به آن‌ها اعطا می فرماید که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

اوّلین موهبت الهی این است که:

۱. يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ = خداوند متعال آن‌ها را به رحمت و اسعه خویش

بشارت می دهد، رحمتی که قابل اندازه گیری و توصیف نمی باشد.

دوّمین موهبت الهی این است که:

۲. وَ رِضْوَانٍ = خداوند متعال آن‌ها را از رضایت و خشنودی خویش بهره مند

می سازد.

آنچه که از این آیه شریفه استفاده می شود این است که مقام رضوان از بزرگ ترین مواهب و مقاماتی است که خداوند متعال به خواص از اولیاء خویش اعطا می فرماید که مؤمنین مهاجر و مجاهد از این نمونه می باشند.

خداوند متعال در آیه ۷۲ سوره توبه می فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، یعنی:

خداوند متعال به مردان و زنان مؤمن بهشت‌هایی «باغ‌هایی از بهشت» وعده داده که از زیر درخت‌های آن نهرها جاری است و آن‌ها جاودانه در آن خواهند ماند، و مساکن و منزلگاه‌های پاکیزه در بهشت عَدْن در اختیار آن‌ها می‌گذارد، وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ، یعنی:

رضایت و خشنودی خداوند متعال که نصیب این مؤمنین می‌شود از همه این‌ها برتر و بزرگ‌تر می‌باشد و این پیروزی و رستگاری عظیم است.  
بنابراین:

مقام رضوان از بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین مواهب خداوند متعال به شمار می‌رود که خداوند متعال به افراد گروه دَوَم یعنی مؤمنین مُهاجر و مُجاهد اعطا می‌فرماید که چیزی است غیر از باغ‌های بهشت و جَنّاتِ عَدْن و نعمات جاوید آن‌ها.  
سَوْمِین موهبت الهی که نصیب طایفه دَوَم می‌شود این است که:

۳. وَ جَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ = بهشت‌هایی در اختیار آن‌ها است که نعمات آن‌ها دائمی و همیشگی است.

آیه بعد «آیه ۲۲ سوره توبه» تأکیدی است بر مطالب قبل که می‌فرماید:  
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا = آن‌ها «طایفه دَوَم یعنی مؤمنین مهاجر و مجاهد فی سبیل الله» برای همیشه و برای اَبَد داخل آن بهشت‌ها خواهند ماند و از نعمات جاوید آن بهره‌مند خواهند شد.

چون مقام، مقام تَعَجَب و استبعاد است که خداوند متعال چگونه چنین بشارت بی سابقه و یا حدّ اقل بشارت کم سابقه‌ای را به افراد این طایفه «طایفه دَوَم»، لذا:  
خداوند متعال برای رفع این تَعَجَب و استبعاد در انتهای این آیه شریفه می‌فرماید:  
إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ = به درستی که نزد خداوند متعال پاداش‌های عظیم است که با فضل خویش به بندگانش اعطا می‌فرماید.

همچنان که در شأن نزول آیات شریفه بیان شد و انشاءالله تعالی در بخش حدیث نیز بیان خواهد شد این آیات شریفه در رابطه با مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که خداوند متعال اینگونه آن حضرت را مورد لطف و عنایت خاصه خویش قرار داده است، یعنی:

الف) مصداق خاصّ گروه اوّل «کسانی که به سقایت حُجاج و عمارت و آبادانی مسجدالحرام مشغول می‌باشند یا مشغول بودند» عبّاس و شیبّه، و یا عبّاس و طلحه بن شیبّه می‌باشند که به علت مُشرک بودن هیچگونه فضیلت و هیچگونه اجر و پاداشی نزد خداوند متعال ندارند، گرچه مفهوم آیات شریفه عام و گسترده است، یعنی: اهل شرک و کُفر در تمام ادوار مطرود درگاه الهی هستند و نزد خداوند متعال اجر و پاداش ندارند گرچه به سقایت حُجاج بیت‌الله الحرام و عمارت «تعمیر و آبادانی» خانه خدا مشغول باشند.

قابل ذکر است که مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز همین وضعیّت را دارند و در این رابطه قبلاً ذیل آیه پنجم و آیه سی و ششم و سی و هفتم سوره مائده و آیه ۲۵۷ سوره بقره توضیحات لازم ارائه شده است.

ب) مصداق خاصّ گروه دوّم «مؤمنینی که برای پیشبرد اسلام و اهداف عالیّه آن از مکه به مدینه مهاجرت نموده و با جان و مال خویش در راه خداوند متعال جهاد نمودند» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که خداوند متعال آن حضرت را در این آیات شریفه مورد لطف و عنایت خاصه خویش قرار داده است.

اما همانطور که عرض شد مفهوم آیات شریفه عام و گسترده است گرچه شأن نزول خاص دارد، یعنی:

کلیه افرادی که به یگانگی خداوند متعال و رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت ایمان داشته باشند و به تکالیف شرعی خویش عمل کنند و با جان و مال خویش در راه خداوند متعال جهاد نمایند انشاءالله تعالی مشمول

این آیات شریفه واقع خواهند شد و به فضل خداوند متعال از انواع نعمات بهشتی بهره‌مند خواهند گردید، البتّه مقام و منزلت و جود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام در اعلا درجه بوده و به عنوان مقرب‌ترین مخلوق خداوند متعال بالاترین قُرب به درگاه الهی را دارند به نحوی که انبیاء اولوالعزم نیز به آن دسترسی ندارند.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

این آیات شریفه «آیه نوزدهم تا بیست و دوّم سوره توبه» درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و عبّاس «عموی پیامبر اکرم» و شیبّه نازل شده است، چرا که:

عبّاس بن عبدالمطلب «عموی پیامبر اکرم» که منصب سقایت حاجیان را داشت به شیبّه گفت:

من از تو افضلم (با فضیلت تر هستم، برتر و والاتر هستم)، زیرا:

سقایت «آب دادن» حُجّاج بر عهده من است.

شیبّه به عبّاس گفت:

من افضل از تو هستم، زیرا:

کلیددار کعبه هستم و پرده‌داری کعبه به عهده من است.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام که شاهد و ناظر بر این قضیه

بود به عبّاس و شیبّه فرمود:

من افضل بر شما هستم زیرا قبل از همه به پیامبر اکرم ایمان آوردم و در راه خدا

جهاد نمودم.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به اتّفاق عبّاس و شیبّه خدمت پیامبر اکرم

شرفیاب شدند تا آن حضرت حکمیّت و داوری بفرمایند، و در همین حال بود که

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۵ - ۴۶.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۹ - ۲۰.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۱، ۳۹۲.



خداوند متعال آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره توبه «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ... إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» را نازل فرمودند.

این حدیث را ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

این قسمت از آیه نوزدهم سوره توبه «كَمْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

وجود مبارک امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال سپس در آیه بیستم سوره توبه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

را توصیف نموده و می فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال سپس در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره توبه آنچه را که

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در نزد خداوند متعال دارد «مقام حضرت امیر

علیه السلام نزد خداوند متعال و اجر و پاداشی که خداوند متعال به آن حضرت اعطا

فرموده و خواهد فرمود» ذکر نموده و می فرماید:

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ «آیه ۲۱، سوره توبه».

خالدین فیها أبداً إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ «آیه ۲۲، سوره توبه».

این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۳ - ۳۴.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۵۸.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۶۲، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۵۵، حدیث ۷۵ «حدیث ۴۰۹۳».

۲. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۲۶.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۵۸.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۶۲، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۵۵، حدیث ۷۶ «حدیث ۴۰۹۴».

۳. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

هنگامی که زمان وفات عمر بن خطاب فرا رسید او، امر خلافت را به شورایی شش نفر متشکل از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، عثمان بن عفان، زبیر بن عوام، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص محول نمود تا آن‌ها از بین خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نمایند «پس از فوت عمر بن خطاب».

پس از فوت عمر بن خطاب این جلسه تشکیل شد و عثمان بن عفان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد.

وجود مبارک مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که تلاش جمع را در بیعت با عثمان بن عفان ملاحظه فرمود به منظور اتمام حجّت و روشن شدن حقایق از جای خود برخاسته و اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها فرمود:

کلام مرا بشنوید،

چنانچه حق بود بپذیرید،

و اگر باطل بود آن را انکار نمائید.

سپس وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیش از نود فضیلت از فضائل بی‌شمار خویش را بیان فرموده و به اعضاء شورا فرمودند:

آیا این فضائلی را که شمردم و بیان کردم کسی غیر از من دارا می‌باشد.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، این فضائل اختصاص به شما دارد.

یکی از فضائل حضرت امیر علیه السلام که آن حضرت به اعضاء شورا فرمود این بود که:

حضرت امیر علیه السلام اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها فرمود:

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ:

هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ:

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ - آیه ۹۱ سوره توبه»

قالوا: لا، یعنی:

حضرت امیر علیه السلام به پنج نفر از اعضاء شورا فرمود:  
شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که خداوند متعال این آیات شریفه را «آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره توبه» درباره او نازل فرموده باشد.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:  
خیر، این آیات شریفه در شأن شما نازل شده است.

این حدیث را جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. هنگام زیارت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید سعید غدیر

محضر آن حضرت عرض می کنیم:

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَأَكْ بَمَنْ نَاوَأَكَ،

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَكَ،

وَ أَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ الذَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

«وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ

غَفُورًا رَحِيمًا - آیه ۵۹ و ۶۹ سوره نساء»،

وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ - الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ

اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَوْلِيكَ هُمُ الْفَائِزُونَ - يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ

وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُتِمِّمٌ - خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنْ اللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ - آیات ۱۹ تا

۱. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۲۶.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۶۳، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۵۷، حدیث ۷۹ «حدیث ۴۰۹۷».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر اعضاء شورا، صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۹ «صفحه ۲۸۶»، حدیث ۵۵.

۲۲ سوره توبه»، یعنی:

خدمت حضرت امیر علیه السلام عرض می کنیم:  
 خدا لعنت کند کسانی را که تو را با دشمنانت برابر کردند،  
 خدا لعنت کند کسانی را که افرادی را در ردیف تو قرار دادند در حالی که تو بر  
 آن‌ها ولایت داشتی و خداوند متعال ولایت تو را بر آن‌ها واجب فرموده بود،  
 در حالی که تو:

ولّی خدا و برادر رسول خدا بودی و دفاع کننده از دین خدا بودی،  
 و تو ای امیر المؤمنین:

کسی هستی که قرآن کریم به برتری او به دیگران گویا است «قرآن کریم فضیلت  
 و برتری تو را به دیگران بیان می فرماید»، و در این رابطه خداوند متعال در قرآن کریم  
 می فرماید «در شأن تو و در فضیلت تو»:

خداوند متعال مجاهدین را «کسانی را که در راه خدا جهاد می کنند، یعنی حضرت  
 امیر علیه السلام را» بر قاعدان «ترک کنندگان جهاد» به پاداش بزرگ و عظیمی فضیلت  
 و برتری داده است - آمرزش و رحمت الهی و درجات مهمی از ناحیه خداوند متعال  
 نصیب آنان می گردد. «آیه ۹۵ و ۹۶ سوره نساء».

همچنین:

خداوند متعال در شأن تو «یعنی حضرت امیر علیه السلام» می فرماید:  
 آیا کسانی که سقایت حُجّاج و عمارت و آبادانی خانه خدا را به عهده دارند «مانند  
 عباس و شیبه و یا افراد دیگری که متولّی این امور بوده‌اند و یا بعد از این خواهند  
 بود» مانند کسی است که به خداوند متعال و روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا جهاد  
 می کند «یعنی حضرت امیر علیه السلام»، خیر این دو هرگز با یکدیگر مساوی نیستند  
 و خداوند متعال ظالمین را هدایت نمی کند.

آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد  
 نمودند «یعنی حضرت امیر علیه السلام» این‌ها در پیشگاه خداوند متعال مقام الایی  
 دارند و مقامشان نزد خدا برتر است و فقط این‌ها رستگار می باشند - خداوند متعال  
 این‌ها را به رحمت و رضایت خویش و به بهشت بشارت می دهد که نعمات آن

جاوید و همیشگی است و برای همیشه و برای ابد در بهشت خواهند ماند، زیرا نزد خداوند متعال پاداش‌های عظیم است و پاداش عظیم نزد خداوند متعال است «آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره توبه».

این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه‌السلام صادر شده و در مفاتیح‌الجنان نیز آمده است.

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که این آیات شریفه «آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره توبه» در شأن مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نازل شده و خداوند متعال در این آیات شریفه «مخصوصاً آیه بیستم این سوره» حضرت امیر علیه‌السلام را به صفت ایمان، هجرت و جهاد فی سبیل الله توصیف فرموده و وعده اجر و پاداش عظیم و مقام رضوان به آن حضرت اعطا فرموده است.

ذیلاً و به اختصار راجع به سه صفت ایمان و هجرت و جهاد که به آن حضرت نسبت داده شده و آن حضرت را از دیگران متمایز می‌کند اشاره می‌شود.

### الف) ایمان

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در بین مردان اولین کسی است که به پیامبر اکرم ایمان آورد. ذیل آیه ۲۱۴ سوره شعرا «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» اشاره شد که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر علیه‌السلام را در حالی که بیش از سیزده سال از سنّ مبارکشان نمی‌گذشت به عنوان وصی و جانشین خویش انتخاب فرمود و آن را به دیگران اعلام فرمودند «به حدود چهل نفر از خویشاوندان نزدیک خویش».

از بین بانوان نیز اولین کسی که به پیامبر اکرم ایمان آورد وجود مقدّس خدیجه کبری سلام الله علیها بود «مادر گرانقدر صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها».

البته این ظاهر قضیه است، یعنی حقیقت امر این است که:

حجّت خدا وقتی به دنیا می‌آید مؤمن و موحد است و حجّت خدا می‌باشد.

ذیل آیات اول تا یازدهم سوره مؤمنون به عرض رسید که:  
حضرت امیر علیه السلام در حالی که طفل دو سه روزه‌ای بود وقتی در آغوش پیامبر اکرم قرار گرفت به آن حضرت عرض کرد:  
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، یعنی:

حضرت امیر علیه السلام در زمان تولد حجّت خدا است و به پیامبر اکرم به عنوان رسول الله سلام می‌دهد، در حالی که در آن زمان هنوز پیامبر اکرم به رسالت مبعوث نشده بود.<sup>۱</sup>

در آیه ۳۰ سوره مریم آمده که:  
حضرت عیسی علیه السلام در حالی که نوزاد بود و در گهواره قرار داشت فرمود:  
إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا، یعنی:  
من بنده خدا هستم و خداوند متعال به من کتاب آسمانی داده و مرا پیامبر قرار داده است.

ذیل آیه ۳۴، ۳۵، ۳۷ سوره بقره به عرض رسید که:  
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام اشرف و افضل مخلوقات بود و درجه و مقام آن ذوات مقدّسه از همه انبیاء برتر و بالاتر می‌باشد، و این بزرگواران علّت غایبی خلقت می‌باشند.

### (ب) هجرت

حضرت امیر علیه السلام به فاصله کوتاهی پس از هجرت پیامبر اکرم عازم مدینه شد و بدین ترتیب ایشان نیز از مکه به مدینه مهاجرت فرمودند.  
اگر حضرت امیر علیه السلام همراه پیامبر اکرم از مکه مهاجرت نفرمود صرفاً عمل به دستور پیامبر اکرم بود تا در بستر آن حضرت بخوابد و چند روزی در مکه بماند و دستورات پیامبر اکرم را اجرا نماید «کارهایی که پیامبر اکرم در مکه داشتند و باید اجرا می‌شد».

۱. امالی شیخ طوسی، جلد دوم، مجلس چهل و دوم، صفحه ۷۳۰، حدیث ۱ (حدیث ۱۵۱۰)  
تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۴۸۵، حدیث ۹ (ذیل آیات اول تا یازدهم سوره مؤمنون)

## ج) جهاد

حضرت امیر علیه‌السلام اولین مجاهد فی سبیل الله بود و در تمام غزوات شرکت داشت و مهمترین عامل پیروزی مسلمین بود.

در جنگ بدر هفتاد نفر از مشرکین به هلاک رسیدند که نیمی از آنها مستقیماً و یا با کمک حضرت امیر علیه‌السلام به هلاکت رسیدند، و نیم دیگر به وسیله سربازان اسلام.

در جنگ اُحد همه سربازان اسلام متواری شدند و فقط حضرت امیر علیه‌السلام با دشمنان مبارزه می‌کرد و یک تنه از وجود مقدس پیامبر اکرم دفاع می‌نمود تا به آن حضرت آسیبی نرسد، و مقاومت آن حضرت باعث شد تا مشرکین به اهداف شوم خویش نرسند «یعنی به شهادت رساندن پیامبر اکرم و از بین بردن اسلام».

در همین جنگ بود که جبرئیل علیه‌السلام ندا در داد که:

«لَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَعَارِ»

در جنگ احزاب «خندق» هیچ یک از مسلمین جرأت مقابله و مبارزه با عمرو بن عبدود را نداشتند و این فقط وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بود که در میدان مبارزه حاضر شد و شرّ عمرو بن عبدود را از سر اسلام کوتاه کرد، و این جا بود که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ، یعنی:

این یک ضربه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام که عمرو بن عبدود را به هلاکت رساند افضل و برتر است از عبادت جنّ و انس «عبادت تمام انسان‌ها و اجنّه»، یعنی:

این یک ضربه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام از تمام نماز و روزه و خمس و حجّ و جهاد و... مؤمنین برتر و بالاتر می‌باشد،

بنابراین:

نه اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اولین مجاهد فی سبیل الله می‌باشد،

بلکه:

آن حضرت مجاهدی است که یک ضربه ایشان در جنگ احزاب «خندق» از همه

مجاهدات مجاهدین اسلام و از همه عبادات آنها برتر و بالاتر می باشد.  
 قابل ذکر است که اگر حضرت امیر علیه السلام در بعضی از غزوات از جمله در  
 غزوه تبوک شرکت نداشت صرفاً دستور پیامبر اکرم بود که آن حضرت را به عنوان  
 جانشین خویش در مدینه باقی گذاشت و به حضرت امیر علیه السلام فرمود:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی:

نسبت تو به من مثل نسبت هارون است به موسی جز اینکه بعد از من پیامبری  
 نخواهد آمد «هارون، برادر حضرت موسی و جانشین او بود».



**آیه ۲۳ سوره توبه:**

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ، إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ، وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

**ترجمه:**

خداوند متعال مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:  
پدران و برادران خودتان را اولیاء «دوستان» خودتان قرار ندهید  
«آن‌ها را به دوستی انتخاب نکنید»، اگر آن‌ها کُفر را بر ایمان ترجیح داده‌اند «اگر  
آن‌ها کُفر را برگزیده‌اند».  
هر کس از شما با آن‌ها دوستی نماید «هر کس از شما آن‌ها را دوست بدارد» از  
ظالمین و ستمکاران خواهد بود.<sup>۱</sup>

**شان نزول آیه شریفه:**

این آیه شریفه درباره فردی به نام حاطب بن ابی بلتعہ نازل شده است و جریان از  
این قرار است که:  
وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آهنگ فتح مکه نمودند حاطب بن ابی  
بلتعہ به اقوام خویش در شهر مکه نامه‌ای نوشت تا آن‌ها را از تصمیم پیامبر اکرم مطلع  
نماید که این آیه شریفه نازل شد.<sup>۲</sup>  
این آیه شریفه مؤمنین را از دوستی با کفار نهی نموده و به مؤمنین دستور می‌فرماید  
تا کفار را دوست نداشته باشند و آن‌ها را دوست خود ندانند گرچه آن‌ها اقوام و  
خویشاوندان مؤمنین باشند.  
خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۷.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۰.

۲. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۸.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ = ای کسانى که ایمان آورده‌اید، یعنی:

ای مؤمنین:

پدران و برادران خویش را به دوستی نگیرید اگر آن‌ها کُفر را به ایمان ترجیح داده‌اند و کُفر را برگزیده‌اند.

به عبارت دیگر خداوند متعال در این آیه شریفه به مؤمنین دستور می‌فرماید که:

ای مؤمنین:

با کُفار «با غیر مؤمنین» دوست و رفیق نباشید و آن‌ها را دوست نداشته باشید گرچه پدران و برادران شما باشند.

نهی از دوستی با کُفار امری عمومی است، لذا خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۲۴ سوره توبه» دیگران را نیز مشمول این حکم فرموده است،

یعنی:

مؤمنین با هیچ کافری و با هیچ غیر مؤمنی «اعم از کافر و مُشرک» نباید دوست باشند و نباید آن‌ها را دوست بدارند حتی اگر این کُفار و مُشرکین پدر و برادر آن‌ها باشند. پر واضح است که وقتی مؤمنین از دوست بودن و دوست داشتن پدر و برادر کافر خویش منع و نهی می‌شوند تکلیف بقیّه روشن می‌شود،

یعنی:

مؤمنین نباید کُفار و مُشرکین را دوست داشته باشند و با آن‌ها طرح دوستی بریزند اعم از اینکه این کُفار و مُشرکین از اقوام و خویشاوندان مؤمنین باشند یا اینکه با آن‌ها نسبتی نداشته باشند.

### توضیح:

الف) دستور این آیه شریفه به نظر می‌رسد درباره امر دین باشد، لذا ارتباط با کُفار در رابطه با امور دنیوی و معاشرت و مجالست با آنان ظاهراً اشکالی ندارد، لیکن اجازه معاشرت با کُفار جواز دوست داشتن آن‌ها نیست و مؤمنین نباید هیچ کافری را دوست داشته باشند، و به عبارت دیگر:

منظور این آیه شریفه قطع ارتباط با اقوام و خویشاوندان غیرمؤمن نیست چرا که در امور دنیوی معاشرت با آنها جایز است مشروط بر اینکه به دین انسان کمترین لطمه‌ای وارد ننماید، ضمن اینکه ارتباطات دنیوی و مادی نباید باعث شود که مؤمنین کفار را به عنوان دوست خویش انتخاب نمایند و نباید قلباً آنها را دوست داشته باشند.

و خلاصه کلام اینکه:

اگر در اثر ارتباط با غیرمؤمنی «اعم از کفار و مشرکین» بر سر دوراهی واقع شدیم، به هیچ‌وجه نباید عشق به زن و فرزند و پدر و مادر و مال و مقام و ... مانع اجرای احکام الهی شوند.

خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره لقمان می‌فرماید:

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا، وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا، یعنی:

اگر پدر و مادرت از تو خواستند که مُشْرک شوی از آنها اطاعت نکن «اگر پدر و مادرت دستوری خلاف دستور خداوند متعال و پیامبر اکرم به تو دادند از دستور پدر و مادرت اطاعت نکن»، لیکن:

با پدر و مادرت در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن، یعنی:

به پدر و مادرت احترام کن و رفتار مودبانه‌ای با آنها داشته باش، لیکن به هیچ‌وجه در امور معنوی تحت تأثیر آنها نباش و دستورات خلاف شرع آنها را اجرا نکن.

ب) خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۲۴ سوره توبه» خطاب را متوجّه پیامبر اکرم فرموده و به او می‌فرماید:

ای پیامبر:

به آنها بگو «به مسلمانان»:

اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه و قبیله شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید در نظر شما از خداوند متعال و پیامبر اکرم و از جهاد در راه خدا محبوب‌تر

می‌باشد «آن‌ها را بیشتر از خداوند متعال و پیامبر اکرم و جهاد فی سبیل الله دوست می‌دارید» در انتظار این باشید که خداوند متعال عذابش را بر شما نازل نماید. در حدیث است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: أَحَدی از شما ایمان نیاورده مگر اینکه من از جانش هم محبوب‌تر باشم، یعنی:

أَحَدی از شما ایمان نیاورده مگر اینکه مرا «یعنی پیامبر اکرم را» از خودش بیشتر دوست داشته باشد.

بدیهی است این محبّت و علاقه پس از پیامبر اکرم باید به ائمّه معصومین علیهم السّلام باشد، یعنی:

مسلمانان باید آن ذوات مقدّسه را از جان خودشان بیشتر دوست داشته باشند. قابل ذکر است که علامت و نشانه محبّت و مودّت به آن ذوات مقدّسه اطاعت بی قید و شرط از آن بزرگواران می‌باشد. و خلاصه کلام اینکه:

خداوند متعال مؤمنین را از دوستی با کفّار نهی نموده و می‌فرماید، ای مؤمنین: اگر پدران و برادران شما کُفر را به ایمان ترجیح داده‌اند و کُفر را برگزیده‌اند آن‌ها را دوست نداشته باشید و آن‌ها را به دوستی انتخاب نکنید.

بدیهی است وقتی مؤمنین از دوست داشتن پدران و برادران کافر خویش منع و نهی می‌شوند تکلیف بقیّه کفّار روشن می‌باشد.

این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» معنی باطنی و تأویلی نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد و مشخص خواهد شد که مقصود از کُفر و ایمان در این آیه شریفه چه می‌باشد که اگر شخصی از ایمان اعراض نموده و کُفر را به ایمان ترجیح دهد در آن صورت آن شخص نباید محبوب و مورد علاقه مؤمنین قرار بگیرد، و به عبارت دیگر:

مصدق اتمّ و اکمل کُفر و ایمان در بخش حدیث معرّفی خواهد شد و تکلیف مؤمنین روشن خواهد شد.

ج) نهی از دوستی با کفار در آیات شریفه دیگری نیز آمده که به عنوان نمونه به چند آیه اشاره می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۵۱ سوره مائده می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ، بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ  
مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ، یعنی:

ای مؤمنین:

یهود و نصاری را دوست خودتان انتخاب نکنید،

آن‌ها «یهود و نصاری» دوستان یکدیگر هستند،

هر کس از شما مؤمنین با آن‌ها «یهود و نصاری» دوستی کند و آن‌ها را دوست بدارد در زمره آن‌ها خواهد بود «از آن‌ها به حساب می‌آید».

خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره آل عمران می‌فرماید:

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي  
شَيْءٍ، یعنی:

مؤمنین نباید به جای مؤمنین کافران را دوست خودشان انتخاب کنند، و هر کس «هر مؤمنی» این کار را بکند «کافران را به عنوان دوست خود انتخاب کند» هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد و پیوند او با خداوند متعال به کلی گسسته می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹ سوره نساء می‌فرماید:

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا «آیه ۱۳۸».

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ «آیه ۱۳۹»، یعنی:

به منافقین «کسانی که ظاهراً مسلمان بودند لیکن باطناً ایمان نداشتند» بشارت بده که عذاب الیم و دردناکی در انتظار آن‌ها است «آیه ۱۳۸»،

زیرا منافقین کافران را به جای مؤمنین دوست خود انتخاب می‌کنند «آیه ۱۳۹».

خداوند متعال در آیه ۱۴۴ سوره نساء می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

ای مؤمنین:

کافران را به جای مؤمنین دوست خودتان انتخاب نکنید.

خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره مجادله می فرماید:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ  
أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، يَعْنِي:

هیچ قومی را که به خداوند متعال و روز قیامت ایمان دارند پیدا نمی کنی که با دشمنان خداوند متعال و دشمنان پیامبر اکرم دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند.

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با نهی از دوستی با کفار و اشاره به چند آیه شریفه بازمی گردیم به اصل بحث.

ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره توبه مؤمنین را از دوستی با کفار نهی نموده و به آن‌ها دستور فرمود که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ، إِنَّ اسْتِخْبَاطَ الْكُفْرَةِ عَلَى الْإِيمَانِ، يَعْنِي:  
ای مؤمنین:

پدران و برادران خود را دوستان خودتان قرار ندهید «آن‌ها را به دوستی انتخاب نکنید»

اگر آن‌ها کفر را به ایمان ترجیح داده و کفر را برگزیده‌اند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ = هر کس از شما مؤمنین آن‌ها را «پدران و برادران کافر خویش را» دوست بدارد در زمره ظالمین و ستمکاران خواهد بود،  
یعنی:

اگر مؤمنین پدران و برادران کافر خودشان را دوست بدارند و آن‌ها را به دوستی انتخاب کنند در زمره ظالمین و ستمکاران خواهند بود.

به عبارت دیگر:

اگر کسانی کفر را به ایمان ترجیح بدهند و کفر را به جای ایمان برگزینند مؤمنین نباید این افراد را دوست بدارند و نباید آن‌ها را به دوستی انتخاب کنند که اگر این کار را بکنند در زمره ظالمین و ستمکاران خواهند بود، و خداوند متعال درباره ظالمین و ستمکاران آن‌ها می فرماید:

إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ «آیه ۱۳۵ سوره انعام - آیه ۲۳ سوره یوسف و...».  
 بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ «آیه ۱۱ سوره لقمان».  
 وَ مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ «آیه ۴۹ سوره عنکبوت».  
 وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ «آیه ۲۲۹ سوره بقره».  
 وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ «آیه ۲۵۴ سوره بقره».  
 فَاذَنْ مُؤدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ «آیه ۴۴ سوره اعراف».  
 إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ «آیه ۱۸ سوره هود».  
 إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ «آیه ۲۲ سوره ابراهیم».  
 وَ أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا «آیه ۳۷ سوره فرقان».  
 إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ «آیه ۴۵ سوره شوری».

اینکه مقصود از کُفر و ایمان در آیه ۲۳ سوره توبه چیست «تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن» که اگر کسی کُفر را به ایمان ترجیح دهد نه تنها خودش از اهل جهنم می شود بلکه اگر شخصی او را دوست بدارد و او را به دوستی انتخاب نماید در زمره ظالمین قرار می گیرد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

(د) ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در انتهای آیه ۲۳ سوره توبه فرمودند:

وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ، یعنی:

هر کس از شما مؤمنین پدران و برادران کافر خودش را دوست داشته باشد و آنها را به دوستی انتخاب نماید در زمره ظالمین خواهد بود.

نکته قابل توجه و دقت در این قسمت از آیه شریفه این است که:

خداوند متعال در انتهای آیه ۲۳ سوره توبه فرموده که:

وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ، یعنی:

هر کس از شما مؤمنین پدران و برادران کافر خویش را دوست بدارد و آنها را به دوستی انتخاب کند در زمره آنها خواهد بود.

اگر خداوند متعال در انتهای آیه ۲۳ سوره توبه فرموده بود وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ

مِنْهُمْ، در این صورت ممکن بود بعضی از مؤمنینی که پدر و برادر کافر دارند و آنها را دوست می‌دارند خیال کنند که معنای آیه شریفه این است که:

هر کس از مؤمنین پدر و برادر کافر خودش را دوست داشته باشد خیلی هم مقصّر نیست و گناه بزرگی مرتکب نشده است چون ظاهراً در آیه شریفه تهدید شدید و آشکاری دیده نمی‌شود، لذا:

برای اینکه مطلب کاملاً روشن شود خداوند متعال فرمودند، وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ، یعنی هر کس از شما مؤمنین، پدران و برادران کافر خودش را دوست داشته باشد در زمره ظالمین خواهد بود،

و ظالمین هم در آیات مختلفی مورد تهدید قرار گرفته و وعده عذاب الیم و دردناک جهنم به آنها داده شده است که به تعدادی از این آیات شریفه «که وعده عذاب به ظالمین داده شده» اشاره گردید.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:  
مقصود از ایمان در این آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا آباءکم و اخوانکم اولیاء ان استحببوا الکفر علی الایمان، و من يتولاهم منکم فأولئک هم الظالمون» - آیه ۲۳ سوره توبه» ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد.  
این حدیث را ابو حمزه از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. جابر می‌گوید:

از وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۸ - ۴۹.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۲۱ تا ۲۳ - ۳۶.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۵۹ - ۲۶۰.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۳۹۷.

۲. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۶۶، حدیث ۲.



آبَاءَكُمْ وَأَخْوَانَكُمْ أُولِيَاءِ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ، وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ  
- آیه ۲۳ سوره توبه» و مقصود از کُفر و ایمان در این آیه شریفه سؤال کردم.

وجود مبارک امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از کُفر در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» پذیرش ولایت ائمه ظلم و جور است،

و مقصود از ایمان در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) معنی آیه ۲۳ سوره توبه «بر اساس ظاهر آیه شریفه» این می شود که:

خداوند متعال به مؤمنین دستور می فرماید که ای مؤمنین:

پدران و برادران خودتان را دوستان خودتان قرار ندهید و آنها را به دوستی انتخاب نکنید اگر آنها کُفر را به ایمان ترجیح داده و کُفر را برگزیده‌اند «پدران و برادران کافر خویش را دوست نداشته باشید و آنها را به دوستی انتخاب نکنید»، زیرا:

اگر هر کدام از شما مؤمنین آنها را دوست داشته باشید و با آنها دوستی نمایید در زمره ظالمین خواهد بود «به ظالمین هم در آیات مختلفی وعده عذاب الیم داده شده است».

ب) معنی آیه ۲۳ سوره توبه «بر اساس تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن و بر

اساس احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید» این می شود که:

خداوند متعال به مؤمنین دستور می فرماید که:

ای مؤمنین:

پدران و برادران خودتان را دوستان خودتان قرار ندهید و آنها را به دوستی انتخاب

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۶۰.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۶۶، حدیث ۱.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۱۵۹، حدیث ۸۳ «حدیث ۴۱۰۱».

نکنید اگر آن‌ها کُفر را به ایمان ترجیح داده و کُفر را برگزیده‌اند.

و به عبارت دیگر:

خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌فرماید که:

ای مؤمنین:

اگر پدران و برادران شما ولایت ائمه ظلم و جور را به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام ترجیح داده و ولایت آن‌ها را پذیرفته‌اند آن‌ها را دوست نداشته باشید و آن‌ها را به دوستی انتخاب نکنید، زیرا:

اگر شما مؤمنین آن‌ها را دوست داشته باشید و با آن‌ها دوستی نمائید در زمره ظالمین قرار خواهید گرفت «به سرنوشت ظالمین در آیات مختلفی اشاره شده که نمونه‌هایی از آن را ملاحظه فرمودید».

خلاصه این دو معنی از آیه شریفه «بر اساس ظاهر آیه شریفه - بر اساس تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن» این می‌شود که:

خداوند متعال مؤمنین را از دوستی با کُفار «غیرمسلمانان» و از دوستی با دشمنان ائمه معصومین علیهم‌السلام بر حذر داشته و به آن‌ها هشدار می‌دهد که اگر با آن‌ها دوست شوند و آن‌ها را دوست داشته باشند در زمره ظالمین قرار خواهند گرفت.

ذکر این نکته ضروری است که:

نهی از دوستی با کُفار و نهی از دوستی با دشمنان ائمه معصومین علیهم‌السلام هرگز به این معنی نیست که مؤمنین باید با کُفار و با مُنکرین ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام جنگ و نزاع داشته باشند و با آن‌ها به جنگ برخیزند و یا به آن‌ها ناسزا و دشنام بگویند، بلکه مقصود این است که مؤمنین باید قبلاً از آن‌ها براءت بجویند و باطناً آن‌ها را دوست نداشته باشند و در عوض باید تمام تلاش آن‌ها کمک به مؤمنین باشد و به مؤمنین یاری برسانند و با عقل و منطق و استدلال از اعتقادات صحیح خویش دفاع نموده و آن را ترویج نمایند.

پرواضح است که در زمان امام معصوم جنگ یا صلح با کُفار و مُنکرین ولایت منوط به فرمان امام است و باید سریعاً اجرا شود، چه جنگ با منکرین امامت و چه

صلح با آنها.

ج) خداوند متعال در آیه پنجم سوره مائده می فرماید  
 وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، یعنی:  
 هر کس به ایمان کُفر بورزد «هر کس ایمان را انکار کند» اعمال او حَبِط و باطل  
 می گردد «تباه می گردد و از بین می رود»، و چنین شخصی در روز قیامت از زیانکاران  
 خواهد بود.

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین  
 علیهم السَّلام نقل شده که ایمان یعنی ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام.  
 به عنوان تیمن و تبرک فقط به یک حدیث شریف که ذیل آیه پنجم سوره مائده نقل  
 شده اشاره می شود.

وجود مقدس امام باقر علیه السَّلام فرمودند:

وَمَنْ يَكْفُرُ بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ،  
 وَعَلِيٌّ هُوَ الْإِيمَانُ، یعنی:

هر کس به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام کُفر بورزد و  
 امامت آن حضرت را انکار نماید اعمالش حَبِط و نابود می گردد و این شخص در  
 آخرت از زیانکاران است،  
 زیرا علی بن ابیطالب علیه السَّلام خود ایمان است.

### آیه ۳۲ سوره توبه:

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

این ها «یهود و نصاری و بلکه همه مخالفین اسلام از قبیل مشرکین و...» می خواهند نور خدا را با دهن های خویش خاموش کنند، لیکن: خداوند متعال جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند «خداوند متعال اراده فرموده تا نور خود را کامل کند»، هر چند کافران از این قضیه ناخشنود باشند «هر چند کافران از این قضیه کراهت داشته باشند و از آن خوششان نیاید»<sup>۱</sup>.

#### شرح لغات و توضیحات:

اراده = از ماده رَوَد یعنی سعی کردن برای طلب چیزی، قصد کردن، خواستن.  
 اطفاء = خاموش کردن، خاموش کردن هر روشنایی و هر نوری.  
 فوه، فاه، فیه = دهان «جمع فوه می شود افواه یعنی دهان ها».  
 اباء = امتناع کردن، خودداری کردن «به امتناع کردن شدید اباء می گویند».  
 کراهت = ناپسند داشتن، ناخوشایندی، ناپسندی، بد آمدن، نفرت، بیزاری.<sup>۲</sup>  
 این آیه شریفه «آیه ۳۲ سوره توبه» نقشه و قصد کافران و مُشرکان را برملا می سازد که می خواهند نور خدا را خاموش کنند.  
 خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:  
 يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ = یهود و نصاری و بلکه همه مخالفین اسلام « از قبیل مشرکین» می خواهند نور خدا را با دهان های خویش خاموش کنند.

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷۳.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۲۵-۴۲۶.

۲. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷۴.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۳۲.

مفردات راغب.

چون خاموش کردن آتش «از قبیل شمع، کبریت و هر آتش کوچکی نظیر شمع و کبریت» معمولاً به وسیله فوت دهان انجام می‌شود لذا در این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

مخالفین اسلام اعم از کفار «اهل کتاب و سایر کفار» و مشرکین می‌خواهند با فوت دهان‌های خویش نور خدا را خاموش کنند.

به نظر مفسرین مقصود از نور خدا در این آیه شریفه اسلام و قرآن و تعالیم عالیّه اسلام می‌باشد که مخالفین اسلام همواره سعی داشته‌اند تا آن‌ها را از بین ببرند. این تعبیر قرآن کریم از تعبیرات بسیار جالب و عجیب می‌باشد که در عین کوتاهی و اختصار،

هم مطلب را به طور کامل و با وضوح هر چه تمام‌تر بیان فرموده، هم یهود و نصاری و سایر کفار و مشرکین «و در یک کلام همه مخالفین اسلام» را تحقیر کرده و نقشه‌های آن‌ها را ضعیف و کودکانه معرفی نموده است، زیرا:  
با فوت دهان شعله‌های بسیار ضعیف از قبیل شمع و یا کبریت را خاموش می‌کنند نه شعله‌های قوی‌تر و بزرگ‌تر مانند خورشید و یا عظیم‌تر از آن.  
به عرض رسید که:

مقصود از نور خدا در این آیه شریفه طبق ظاهر آیه شریفه اسلام و قرآن است که مخالفین اسلام قصد داشته و دارند تا آن را از بین ببرند، لیکن طبق تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده مقصود از نور خدا در این آیه شریفه ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد که مخالفین ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه قصد داشتند پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را از بین ببرند.

به هر حال خداوند متعال هم مخالفین اسلام و هم مخالفین امامت و ولایت را تحقیر نموده و نقشه‌های آن‌ها را کودکانه و ابلهانه دانسته و نقشه‌های آن‌ها را به فوت دهان تشبیه فرموده که می‌خواهند با فوت دهان‌های خویش نور عظیم خداوند متعال را خاموش کنند و آن را از بین ببرند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

و يَأْتِي اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ = خداوند متعال امتناع دارد از اینکه نور او خاموش شود و اراده فرموده تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران از این قضیه بدشان بیاید و از آن کراهت داشته باشند.

در بخش شرح لغات و توضیحات ملاحظه فرمودید که:

به امتناع کردن و جلوگیری کردن شدید اِباء گفته می‌شود، یعنی خداوند متعال با شدت هر چه تمام‌تر ممانعت و جلوگیری می‌کند از اینکه کافرین «اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب» مُشرکین، منافقین و مخالفین اسلام بتوانند نور خدا را «اسلام - ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام» را خاموش کنند،

و خداوند متعال جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کرده و آن را به اتمام برساند گرچه کافرین و مخالفین اسلام از آن خوششان نیاید،  
یعنی:

خداوند متعال اراده فرموده تا نور خودش را «دین اسلام را» کامل کرده و آن را به اتمام برساند و آن را جهانی سازد هر چند کافران از این امر بدشان بیاید و از آن کراهت داشته باشند.

با عنایت به اینکه کلمه اِباء شدت جلوگیری و ممانعت را می‌رساند لذا این آیه شریفه اراده و مشیت حتمی و قطعی خداوند متعال را برای تکمیل و پیشرفت دین مبین اسلام بیان می‌فرماید «همچنین، ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد»،

و این امر مایه دلگرمی مؤمنین حقیقی و راستین می‌باشد و از این طریق درجه اطمینان آن‌ها بیشتر می‌شود و یقین پیدا می‌کنند که خداوند متعال نور خودش را یعنی دین حق را کامل کرده و آن را به اتمام خواهد رساند و این دین که در رأس آن امام معصوم و حجت خداوند متعال قرار دارد «پس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» عالمگیر خواهد شد، هر چند کافران و مشرکان و منافقان از آن خوششان نیاید.

خداوند متعال در آیه هشتم سوره صف نیز این قضیه را مجدداً ذکر فرموده تا مؤمنین یقین داشته باشند که خداوند متعال نور خودش را «یعنی اسلام و ولایت را»

کامل خواهد فرمود و تلاش مخالفین و منافقین راه به جایی نخواهد برد.  
 خداوند متعال در آیه هشتم سوره صف می فرماید:  
 «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ، وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۱</sup>.

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانطور که فرعون برای دست یافتن به حضرت موسی و از بین بردن او شکم زنان حامله را پاره می کرد «تا حضرت موسی را از بین ببرد»، بنی امیه و بنی عباس نیز وقتی فهمیدند که زوال حکومت آنها و نابودی ظالمین و ستمگران به دست قائم ما می باشد با ما به دشمنی برخاستند و برای نابودی اهل بیت پیامبر اکرم و از بین بردن نسل آن حضرت شمشیر کشیدند به قصد اینکه حضرت قائم علیه السلام را از بین ببرند، لیکن:

وَ يَا بِيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ يَكْشِفُ أَمْرَهُ لَوَاحِدٍ مِنَ الظَّالِمَةِ، إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

یعنی:

خداوند متعال امر خود را مکشوف ظلمه نمی سازد «خداوند متعال قضیه قائم آل محمد علیهم السلام را برای احدی از ظالمین و ستمگران آشکار و فاش نمی نماید»، تا اینکه نور خودش را به اتمام و اکمال برساند «امر حضرت مهدی علیه السلام را به اتمام و اکمال برساند تا آن حضرت ظهور نموده و دین حق یعنی دین اسلام عالمگیر شود».

هر چند مشرکان از این قضیه بدشان بیاید و از آن کراهت داشته باشند.  
 این حدیث را سدید صیرفی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷۴ - ۷۵.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۸۵ - ۸۶.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۳۱ - ۴۳۲.

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۷۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۸۷، حدیث ۱۱۹ «حدیث ۴۱۳۷».

کمال الدین و تمام التعمه شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۳۳، صفحه ۳۱ تا ۳۸ «۳۳» و «۳۴»، حدیث ۵۱.

۲. وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام به یکی از اصحاب خویش به نام احمد بن محمّد فرمودند:

لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، جَهَدَ النَّاسُ عَلَى إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ، فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَعْنِي:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رحلت نمودند مردم می خواستند و تلاش نمودند تا نور خدا را خاموش کنند، لیکن: خداوند متعال به وسیله امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مانع شد «جلوگیری فرمود» تا نورش «نور خدا» خاموش شود.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَهَدُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ حِينَ قَبِضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ، يَعْنِي:

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود مردم تلاش نمودند تا نور خدا را خاموش کنند، لیکن:

خداوند متعال مانع شد تا نورش خاموش شود و اراده فرمود تا نورش کامل گردد.

این حدیث را محمّد بن ابی نصر از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

عرض شد که:

موضوع تلاش و کوشش کافرین و مشرکین و منافقین برای خاموش کردن نور خدا در دو آیه شریفه آمده که یکی از آنها آیه ۳۲ سوره توبه می باشد که راجع به آن توضیحات لازم به عرض رسید، و دومین آیه شریفه آیه هشتم سوره صف می باشد که خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، يَعْنِي:

کافران «و همه مخالفین اسلام» می خواهند تا نور خدا را با دهانهای خویش خاموش کنند، اما خداوند متعال نور خود را کامل خواهد فرمود هر چند کافران از این

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۸۷، حدیث ۱۲۰ «حدیث ۴۱۳۸».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۸۷، حدیث ۱۲۱ «حدیث ۴۱۳۹».



امر کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید.  
ذیل این آیه شریفه نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده و مقصود از نور خدا «نورالله» بیان گردیده که آن‌ها را ملاحظه می‌فرمائید.

۴. محمّد بن فضیل می‌گوید:

از وجود مقدّس ابوالحسن ماضی امام کاظم علیه‌السّلام سؤال کردم:  
یا بن رسول‌الله:

مقصود از نور خدا «نورالله» در این آیه شریفه «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، آیه هشتم سوره صف» چیست که مخالفین «کفار، مشرکین، منافقین» می‌خواهند آن را خاموش کنند.  
وجود مقدّس امام کاظم علیه‌السّلام فرمودند:

مقصود از نور خدا در این آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السّلام است که مخالفین می‌خواهند آن را خاموش کنند و از بین ببرند.  
محمّد بن فضیل می‌گوید:

از امام کاظم علیه‌السّلام سؤال کردم:  
یا بن رسول‌الله:

مقصود از وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ در این آیه شریفه چیست؟  
وجود مبارک امام کاظم علیه‌السّلام فرمودند:  
وَ اللَّهُ مُتِمُّ الْأَمَامَةِ وَ الْأَمَامَةُ هِيَ التُّورُ، یعنی:

خداوند متعال امامت را تمام می‌کند و امامت همان نور است «مقصود از نور در این آیه شریفه امامت ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشد که کافرین می‌خواهند آن را از بین ببرند»<sup>۱</sup>.

۱. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۳۲۰.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۷۹ - ۸۸۰، حدیث ۱ و ۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد هفتم، صفحه ۶۳۱ - ۶۳۳، حدیث ۲۶ و ۲۷ «حدیث ۱۱۵۷۵ و ۱۱۵۷۶».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۹، حدیث ۶ «حدیث ۵۱۴».

اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۱۱، حدیث ۹۱ «حدیث ۱۱۷۰».

۵. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام این آیه شریفه را «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، آیه ۸، سوره صف» تلاوت فرموده و سپس فرمودند:

به خدا سوگند اگر شما این امر را رها کنید خداوند متعال آن را رها نمی‌کند.  
این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

معنی فرمایش امام باقر علیه‌السلام این است که:

اگر مردم ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را انکار نموده و آن را نپذیرند خداوند متعال آن را استمرار خواهد بخشید و آن را تمام خواهد کرد «تا امام زمان علیه‌السلام ظهور بفرمایند و اسلام عالمگیر شود»، زیرا خداوند متعال اراده فرموده تا نور خود را «امر امامت را» تمام کند و آن را کامل نماید.

۶. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:  
وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روی منبر جلوس فرموده و فرمودند:  
خداوند متعال به اهل زمین نگاه کرد و از میان آن‌ها مرا برگزید،  
خداوند متعال بار دیگر به اهل زمین نگریست و علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان برادر، وزیر، جانشین و خلیفه من در میان امتم انتخاب فرمود و او را پس از من به عنوان ولیّ مؤمنین «سرپرست و صاحب اختیار مؤمنین» قرار داد.  
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هر کس با علی بن ابیطالب دشمن باشد با خداوند متعال دشمن است،  
و هر کس او را دوست بدارد خداوند متعال را دوست داشته است،  
به خدا سوگند:

فقط مؤمنین او را دوست دارند و فقط کافران با او دشمن هستند (یعنی دشمن آن

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۸۰، حدیث ۳.

حضرت کافر است گرچه ظاهراً مسلمان باشد و اعمال مسلمانان را به جای بیاورد، او پس از من نور زمین و رکن آن است.

سپس وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آیه ۳۲ سوره توبه و آیه هشتم سوره صف را تلاوت فرمودند «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، آیه ۳۲، سوره توبه - يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، آیه ۸، سوره صف».

وجود مبارک پیامبر اکرم پس از تلاوت این آیات شریفه فرمودند:

ای مردم:

خداوند متعال برای بار سوم به اهل زمین نگاه کرد و پس از من و علی بن ابیطالب یازده امام را برگزید.

آنان یکی پس از دیگری می آیند، هر گاه یکی از آن‌ها از دنیا برود امام دیگر به جای او خواهد آمد همانند ستاره‌های آسمان، که:

هر گاه ستاره‌ای پنهان شود ستاره دیگری جای او می آید.

وجود مبارک پیامبر اکرم در ادامه بیانات خویش فرمودند:

ائمه عليهم السلام:

حجت خداوند متعال بر روی زمین هستند «اشاره به آیه ۱۴۹ سوره انعام»،

نیرنگ هیچ کس به آنان ضرری نمی‌رساند،

تلاش برای خوار کردن آنان به نتیجه نمی‌رسد،

آن‌ها هادیان امت هستند «وظیفه هدایت مردم را به عهده دارند»،

آن‌ها شاهدان و گواهان مردم هستند «اشاره به آیه ۱۴۳ سوره بقره»،

هر کس از آن‌ها اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است،

هر کس از دستورات آن‌ها سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده

است،

آن‌ها با قرآن هستند،

و قرآن با آن‌ها است،

این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

این حدیث را ابواسحاق حارث بن عبدالله حاسدی از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۷. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

زمین هیچ گاه از حجت خالی نخواهد ماند، و سپس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، آیه ۸، سوره صف» تلاوت فرمودند.

این حدیث را عمّار ساباطی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) طبق نظر مفسّرین محترم «از قبیل صاحب مجمع البیان، المیزان، صافی، نمونه و...» مخاطب این آیه شریفه «آیه ۳۲ سوره توبه، همچنین آیه هشتم سوره صف» کافرین «اهل کتاب» و مخالفین اسلام می باشند «اعم از کفار و مشرکین و...»

ب) هم در انتهای آیه ۳۲ سوره توبه و هم در انتهای آیه هفتم سوره صف آمده که: وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، هر چند کافران از این امر کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید «از اینکه خداوند متعال نور خود را کامل و تمام نماید». این قضیه نیز مؤید این مطلب است که مخاطب این دو آیه شریفه کافرین می باشند.

ج) طبق ظاهر آیه شریفه که مفسّرین محترم آن را بیان نموده اند مقصود از نور خدا «نورالله» در این دو آیه شریفه اسلام و قرآن می باشد که البته هر دو از یک واقعیت سخن می گویند و جدا از هم نمی باشند.

د) طبق تأویل آیات شریفه که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده مقصود از نور خدا «نورالله» در این دو آیه شریفه ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۸۰، حدیث ۴.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۶۳۳، حدیث ۲۸ «حدیث ۱۱۵۷۷».

هـ) معنی این دو آیه شریفه این است که :

کافرین می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند لیکن خداوند متعال به شدت مانع می‌شود تا نورش خاموش شود، و اراده خداوند متعال بر این تعلق گرفته که نور خود را کامل کند هر چند کافران از آن بدشان بیاید و از آن کراهت داشته باشند، بنابراین:

هر کس بخواهد نور خدا را خاموش نماید کافر است، یعنی:

هر کس بخواهد اسلام را از بین ببرد کافر است،

و هر کس بخواهد ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را از بین ببرد و با ولایت و امامت آن ذوات مقدسه دشمنی نماید کافر است.

اسلام و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام مصداق نور خدا در این دو آیه شریفه می‌باشند «طبق ظاهر آیات شریفه و طبق تأویل آیات شریفه»، و خداوند متعال نیز به مسلمین بشارت داده که نور خودش را «اسلام - ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام» کامل خواهد فرمود و به اتمام خواهد رساند و اسلام عالمگیر خواهد شد و این امر به وسیله حجت خداوند متعال یعنی حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه صورت خواهد گرفت، هر چند کافرین از این امر کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید.

آیه بعد «آیه ۳۳ سوره توبه» نیز در ادامه همین موضوع است که انشاءالله تعالی ذیل آن آیه شریفه نیز توضیحات لازم به عرض خواهد رسید.

ذیل آیه ۳۳ سوره توبه؛ آیه ۱۰۵ سوره انبیاء؛ آیه ۴۱ سوره حج؛ آیه ۵۵ سوره نور و آیه ۵ سوره قصص نیز در خصوص ظهور امام زمان علیه‌السلام و عالمگیر شدن اسلام توضیحاتی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است.

همچنین:

ذیل آیه ۱۲۲ سوره انعام، آیه ۱۷۴ سوره نساء، آیه ۱۵۷ سوره اعراف، آیه ۸ سوره تغابن، آیه ۲۵۷ سوره بقره، آیه ۳۵ سوره نور، آیه ۱۲ سوره حدید در رابطه با نور مطالبی به عرض رسیده و بیان شده که ائمه معصومین علیهم‌السلام نور می‌باشند «البتّه این معنا مربوط به تأویل آیات شریفه می‌باشد که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده است».

**آیه ۳۳ سوره توبه:**

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

**ترجمه:**

خداوند متعال می فرماید:

او کسی است که «او خدایی است که»:

رسول خدا را «یعنی پیامبر اکرم را» با هدایت «یعنی با دلایل و براهین آشکار» و با دین حق یعنی دین اسلام فرستاد تا این دین حق یعنی دین اسلام را بر همه ادیان غلبه دهد گرچه مشرکان از آن کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید.<sup>۱</sup>

**شرح لغات و توضیحات:**

در آیه قبل «آیه ۳۲ سوره توبه» ملاحظه فرمودید که خداوند متعال فرمودند: کافرین و دشمنان اسلام می خواهند نور خدا را «اسلام و امامت را» خاموش کنند و آن را از بین ببرند.

همانطور که ذیل آیه ۳۲ سوره توبه به عرض رسید:

خداوند متعال وعده فرمود و به مسلمین بشارت داد که:

خداوند متعال با شدت و قدرت مانع می شود که دشمنان اسلام بتوانند نور خدا یعنی اسلام و امامت را از بین ببرند، بلکه مشیت خداوند متعال و اراده حق تعالی بر این تعلق گرفته که نور خودش را کامل کرده و به اتمام برساند، یعنی اسلام را عالمگیر کند هر چند کافرین و دشمنان اسلام از این قضیه ناراحت باشند و از این موضوع بدشان بیاید.

این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره توبه» در ادامه آیه قبل بوده و به مسلمین بشارت می دهد که اسلام عالمگیر خواهد شد و به تمام ادیان غلبه خواهد نمود.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

۱. تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۲۶.

مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷۵.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ = او است خداوندی که رسولش را «یعنی پیامبر اکرم را» با هدایت و با دین حق به سوی مردم فرستاد.

منظور از هدایت «بِالْهُدَىٰ» در این آیه شریفه حجت‌ها و دلایل و براهین آشکاری است که در دین اسلام وجود دارد، همچنین مقصود از هدایت در این آیه شریفه آیات و معجزاتی است که خداوند متعال پیامبر اکرم را با آن‌ها فرستاد، و منظور از دین حق در این آیه شریفه دین مبین اسلام است که اصول و فروع آن حق است و انحراف و باطل در آن راه ندارد.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که :  
خداوند متعال، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را با دلایل و براهین آشکار و با آیات و معجزات فراوان و با دین حق یعنی با دین اسلام به سوی مردم فرستاد، تا :

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ = تا دین اسلام را بر همه ادیان غالب و پیروز نماید و در روی زمین دین دیگری غیر از دین اسلام باقی نماند.

غلبه دین اسلام بر سایر ادیان دو جنبه می‌تواند داشته باشد:  
الف) غلبه اسلام بر سایر ادیان از نظر برهان و منطق، یعنی:  
دین اسلام از نظر دلایل عقلی و از نظر برهان و منطق و استدلال بر همه ادیان غلبه دارد و کامل‌تر و جامع‌تر از همه آن‌ها می‌باشد.

این غلبه، غلبه منطقی و علمی و عقلی و استدلالی است و هم اکنون این غلبه حاصل شده است، یعنی:

هم‌اکنون اسلام از نظر منطق و برهان و عقل و استدلال بر همه ادیان غلبه دارد.

ب) غلبه اسلام بر سایر ادیان از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان «پیروزی نظامی و غلبه قدرت و نهایتاً حکومت بر جهان».

این غلبه که غلبه عمَلی و عینی و ظاهری است در حال حاضر تحقق نیافته است و از زمان بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا به امروز این امر محقق نشده است، لیکن:

می‌دانیم و یقین داریم که وعده خداوند متعال حتمی است و این امر قطعاً محقق خواهد شد، یعنی:

روزی خواهد رسید که دین اسلام بر همه جهان حاکم خواهد شد و همه مردم دنیا تحت قدرت حکومت اسلام قرار خواهند گرفت و این روز روزی است که امام زمان سلام الله علیه ظهور بفرمایند.

در این رابطه انشاء الله در بخش حدث به طور مفصل مطالبی به عرض خواهد رسید و احادیث شریف صادره از ناحیه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام نقل خواهد شد.

در انتهای آیه شریفه آمده که:

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ = هر چند مشرکین از این امر کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید، یعنی:

دین مبین اسلام با امامت و زعامت حضرت مهدی سلام الله علیه بر تمام ادیان جهان غلبه خواهد کرد و همه مردم جهان تحت قدرت حکومت اسلام قرار خواهند گرفت هر چند مشرکین از این قضیه بدشان بیاید و از آن کراهت داشته باشند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره توبه» که عیناً با همین الفاظ در آیه نهم سوره صف و با اندک تغییری در آیه ۲۸ سوره فتح آمده خبر از واقعه و حادثه مهمی می‌دهد و آن هم موضوع جهانی شدن دین اسلام و عالمگیر شدن آن می‌باشد که انشاء الله تعالی پس از ظهور قائم آل محمد علیهم السلام محقق خواهد شد، و تکرار این موضوع در سه آیه و در سه سوره مبارکه «آیه ۳۳ سوره توبه؛ آیه ۹ سوره صف و آیه ۲۸ سوره فتح» دال بر اهمیت فوق‌العاده این قضیه و حتمی بودن وقوع آن می‌باشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷۵.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۸۶.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۹.



ب) ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره توبه فرمودند: خداوند متعال نور خودش را به اتمام و اکمال خواهد رساند هر چند کافران از این امر ناراحت باشند و از آن بدشان بیاید.

در احادیث ذیل این آیه شریفه ملاحظه فرمودید که: منظور از اتمام و اکمال رسیدن «اتمام و اکمال رساندن» نور خدا استمرار امامت و مخصوصاً ظهور خاتم‌الوصیاء حضرت قائم سلام‌الله علیه می‌باشد که منجر به جهانی شدن اسلام و عالمگیر شدن اسلام خواهد شد.

ج) در این آیه شریفه نیز «آیه ۳۳ سوره توبه» خداوند متعال به مسلمین بشارت عالمگیر شدن اسلام را داده و می‌فرماید:

خداوند متعال، پیامبر اکرم را با دلایل و براهین و معجزات و با دین حق که همان دین اسلام باشد به سوی مردم فرستاد تا دین اسلام را بر همه ادیان غلبه دهد «چه از نظر منطق و برهان، و چه از نظر غلبه ظاهری و جنبه حکومت پیدا کردن».

انشاء‌الله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که این امر یعنی جهانی شدن و عالمگیر شدن اسلام محقق نخواهد شد مگر در زمان ظهور وجود مقدس بقیة‌الله‌الاعظم حجة‌بن‌الحسن العسکری صلوات الله و سلامه علیه، و این دو آیه شریفه «آیه ۳۲ و ۳۳ سوره توبه» خبر چنین واقعه عظیمی را به مردم اعلام فرموده است.

قابل ذکر است که:

آیه ۳۲ سوره توبه با اندک تغییری «در ظاهر الفاظ نه در معنا و محتوا» در آیه هشتم سوره صف، همچنین:

آیه ۳۳ سوره توبه با اندک تغییری «در ظاهر الفاظ نه در معنا و محتوا» در آیه ۲۸ سوره فتح، آمده، ضمن اینکه:

آیه ۳۳ سوره توبه عیناً در آیه نهم سوره صف تکرار شده و همه این‌ها حاکی از اهمیت موضوع و حتمی بودن وقوع امر مهمی می‌باشد، یعنی:

حتمی بودن ظهور امام زمان سلام‌الله علیه و حتمی بودن جهانی شدن و عالمگیر شدن دین مبین اسلام تحت امامت و زعامت حضرت قائم علیه‌السلام.

### حدیث:

۱. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، آیه ۳۳، سوره توبه» فرمودند:  
به خدا سوگند:

هنوز تاویل این آیه شریفه نازل نشده و نخواهد شد «این آیه شریفه هنوز تاویل نشده و نخواهد شد» تا اینکه قائم آل محمد علیهم السلام ظهور نمایند.  
وجود مقدس امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ قَالَتْ:  
يَا مُؤْمِنُ:

فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرُنِي وَأَقْتُلُهُ، یعنی:

هنگامی که امام زمان علیه السلام «قائم آل محمد علیهم السلام» ظهور بفرماید هیچ کافر و هیچ مشرکی نمی ماند مگر اینکه از خروج و ظهور آن حضرت ناراحت می شود «همه کفار و مشرکین از ظهور امام زمان علیه السلام ناراحت می شوند، زیرا می فهمند که دوره حکومت و زورگویی آنها تمام شده است و راه گریزی نیز ندارند یعنی یا باید تسلیم شده و از آن حضرت تبعیت کنند و یا اینکه کشته شوند»، حتی اگر کافری در دل سنگ و داخل یک صخره پنهان شود آن سنگ به صدا درآمده و به مؤمنین و به یاران امام زمان علیه السلام می گوید:

درون من کافری پنهان شده مرا بشکنید و آن کافر را از درون من بیورید و بکشید «کنایه از اینکه راه فراری برای کفار و مشرکین نیست».

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۰۰.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۷۴.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۹۶، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۱۲۲ «حدیث ۴۱۴۰».

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۴۱.

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، آیه ۳۳، سوره توبه» فرمودند:

این موضوع «غلبه اسلام بر تمام ادیان» در زمان ظهور حضرت مهدی آل محمّد علیهم السّلام محقّق خواهد شد، تا جایی که:  
 أَحَدِي رَوِي زَمِينَ بَاقِي نَمِي مَانِد، مَگر اینکَ به نَبَوْت و رَسَالَت حَضْرَت مَحْمَد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم اعْتِرَاف و اَقْرَار مِي نَمَائِد.  
 این حدیث را ابومقدّام از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس ابا عبدالله الحسین سید الشّهداء سلام الله علیه فرمودند:  
 حَضْرَت مَهْدِي نَهْمِين فَرَزَنْد مَن اسْت كِه:

هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ،

يُحْيِي اللهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا،

وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، یعنی:

حضرت مهدی علیه السّلام امام قائم به حق است که خداوند متعال به وسیله او زمین را پس از موت زنده می کند «دین اسلام را که فقط اسمی از او مانده زنده می کند، و یا مردمی را که بی دین شده اند و مانند مرده ها می باشد مسلمان می کند یعنی آن ها را زنده کرده و به آن ها حیات می بخشد»،

و دین حق یعنی دین اسلام را بر همه ادیان غالب و پیروز می نماید هر چند مشرکان از این قضیه ناخشنود باشند و از این موضوع بدشان بیاید.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷۶.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۰۰.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۲۷۵.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۹۶-۵۹۷، حدیث ۲ و ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۱۲۷ «حدیث ۴۱۴۵».

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۴۱.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۱۲۳ «حدیث ۴۱۴۱».

کمال الدین و تمام التّعمه شیخ صدوق، جلد اوّل، باب ۳۰، صفحه ۵۸۴، حدیث ۳.

۴. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

قائم ما حضرت مهدی علیه السّلام منصور به رُعب است و مویّد به نصر «آن حضرت مویّد و تأییدشده و یاری شده به وسیله خداوند متعال است و دشمنانش مرعوب، یعنی ترس در دلشان است» و هنگامی که آن حضرت ظهور بفرمایند: زمین گنج‌های خود را بر آن حضرت آشکار می‌کند، و حکومت آن حضرت شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد، و خداوند متعال به وسیله آن حضرت دینش را «یعنی دین اسلام را» بر تمام ادیان غلبه می‌دهد و پیروز می‌گرداند گرچه مشرکان از این قضیه کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید،

و هنگامی که آن حضرت ظهور بفرماید خداوند متعال حضرت عیسی را به زمین فرود می‌آورد و حضرت عیسی پشت سر حضرت مهدی علیه السّلام نماز می‌خواند. این حدیث را محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۵. محمّد بن فضیل می‌گوید:

از وجود مقدّس ابوالحسن ماضی «امام کاظم علیه السّلام» سؤال کردم: یابن رسول‌الله:

مقصود از هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ در آیه ۳۳، سوره توبه چیست؟ وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام فرمودند:

هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوِلَايَةِ لِوَصِيَّهِ،  
وَ الْوِلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ، یعنی:

اوست خدایی که «خداوند متعال است که» به رسول خویش یعنی به پیامبر اکرم درباره ولایت وصیّش امر فرموده است «او خدایی است که به پیامبر اکرم درباره ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمان داد»،

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۲۷۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۱۲۴ «حدیث ۴۱۴۲». کمال‌الدین و تمام‌التعمه شیخ صدوق، جلد اوّل، باب ۳۲، صفحه ۶۰۳، حدیث ۱۶.

و ولایت همان دین حق است، و سپس امام کاظم علیه السلام فرمودند:  
منظور از لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ این است که خداوند متعال دین اسلام را در زمان  
ظهور امام قائم علیه السلام به همه ادیان غلبه خواهد داد.<sup>۱</sup>

۶. وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره این آیه شریفه «وَالَّذِي أَرْسَلْنَا رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، آیه  
۳۳، سوره توبه» فرمودند:

در روی زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی‌ماند مگر اینکه خداوند متعال دین اسلام را به  
آن وارد می‌کند، خواه با میل و رغبت یا از روی ترس «یا با عزّت اسلام اختیار می‌کنند  
یا با ذلّت و خواری».

این حدیث را مقداد بن اسود از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۷. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:  
وقتی که صاحب الامر حضرت مهدی علیه السلام ظهور بفرمایند خداوند متعال با  
لشکریان غیبی خود «لشکری که مردم آن‌ها را نمی‌بینند، یا با لشکری که هرگز مثل  
آن دیده نشده» آن حضرت را یاری و کمک خواهد فرمود.  
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش  
فرمودند:

خداوند متعال دین پیامبر خود را «یعنی دین اسلام را» به دست با کفایت حضرت  
مهدی علیه السلام بر همه ادیان جهان غلبه خواهد داد هر چند مشرکان از این قضیه

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۷۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۱۲۵ «حدیث ۴۱۴۳».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۷۹، حدیث ۱ «ذیل آیه هشتم سوره صف».

اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۱۱، حدیث ۹۱ «حدیث ۱۱۷۰».

۲. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۷۶.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۷۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۱۲۸ «حدیث ۴۱۴۶».

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۴۱.

کراهت داشته باشند و از آن خوششان نیاید.<sup>۱</sup>

۸. از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام درباره این آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۲۸ سوره فتح، آیه ۹ سوره صف» سوال شد که آیا این امر «غلبه اسلام بر تمام ادیان» آشکار شده است.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

نه، هرگز «الآن این امر حاصل نشده است»،

به خدا قسم:

هیچ روستا و آبادی باقی نمی ماند مگر اینکه هر صبح و شب در آن جا شهادت به یگانگی خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم سر داده خواهد شد «در زمان ظهور حضرت مهدی امام قائم علیه السّلام».

این حدیث را عبایه بن ربیع از حضرت امیر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۹. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۲۸ سوره فتح، آیه ۹ سوره صف» فرمودند:

خداوند متعال دین حق یعنی دین اسلام را در زمان ظهور امام قائم علیه السّلام بر تمام ادیان غلبه خواهد داد.

این حدیث را جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱۰. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از پایان مناسک حج و هنگام عزیمت از مکه به مدینه در محلّ غدیر

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۷۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۱۲۶ «حدیث ۴۱۴۴».

۲. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۸۲، حدیث ۲ «ذیل آیه ۹ سوره صف».

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۶۳۵، حدیث ۳۱ «حدیث ۱۱۵۸۰»، «ذیل آیه ۹ سوره صف».

۳. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۸۳، حدیث ۵ «ذیل آیه ۹ سوره صف».

خم در حضور ده‌ها هزار نفر از حجّاج بیت‌الله الحرام که در محضر آن حضرت بودند خطبه مفصّلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی‌الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام را بیان فرموده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

قسمتی از بیانات و فرمایشات نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این خطبه شریف در رابطه با ائمه بعد از حضرت امیر علیه‌السّلام و مخصوصاً در رابطه با امام مجتبی و سیدالشهداء سلام‌الله علیهما و بالخصوص در رابطه با وجود مقدّس امام زمان حضرت مهدی سلام‌الله علیه می‌باشد که به قسمتی از فرمایشات نورانی آن حضرت که در رابطه با حضرت مهدی علیه‌السّلام می‌باشد اشاره می‌شود.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در بخشی از فرمایشات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَتَى نَبِيَّ وَ عَلِيَّ وَ صِيبِي،  
 أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.  
 أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.  
 أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.  
 أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا.  
 أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ.  
 أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ تَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.  
 أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدينِ اللَّهِ.  
 أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ،  
 أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ.  
 أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ الْمُتَّبِعُ بِأَمْرِ إيمَانِهِ.  
 أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ.  
 أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.

إِلَّا أَنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

إِلَّا أَنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ، وَلَا حَقٌّ إِلَّا مَعَهُ، وَلَا نُورٌ إِلَّا عِنْدَهُ.

إِلَّا أَنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنصُورَ عَلَيْهِ.

إِلَّا وَأَنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، يَعْنِي:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای گروه مردم:

بدانید و آگاه باشید که:

من پیامبر هستم «نبی هستم» و علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است،

بدانید که:

خاتم امامان «آخرین امام معصوم» حضرت مهدی قائم از ما است،

بدانید و آگاه باشید که:

حضرت مهدی علیه السلام بر ادیان مختلف غالب و پیروز می گردد،

بدانید که:

آن حضرت از ظالمین و ستمکاران انتقام می گیرد،

بدانید که:

او فاتح قلعه‌ها و منهدم کننده آنها است،

بدانید که:

حضرت مهدی همه مشرکان را نابود می کند،

بدانید که:

حضرت مهدی قائم انتقام خون دوستان خدا «اولیاء الله» را می گیرد،

بدانید که:

حضرت مهدی یاری کننده دین خدا است،

بدانید که:

حضرت مهدی برگزیده خداوند متعال و منتخب «انتخاب شده» خداوند سبحان

می باشد،

بدانید که:



حضرت مهدی وارث علوم «علوم انبیاء»، و محیط بر آنها است «بر آن علوم احاطه دارد»،

بدانید که:

حضرت مهدی مُخبر «خبر دهنده، گزارش دهنده» دستورات خداوند متعال است و احکام الهی را روشن می‌کند،

بدانید که:

حضرت مهدی صاحب عقل سلیم است و دارای ثبات در رأی و عمل،

بدانید که:

امور مخلوقات و بندگان «امر دین و دنیای مردم» از جانب خداوند متعال به حضرت مهدی تفویض شده است «واگذار شده است»،

بدانید که:

پیامبران گذشته «همه انبیاء» به وجود حضرت مهدی و آمدن آن حضرت بشارت داده‌اند،

بدانید که:

حضرت مهدی حجت باقی خداوند متعال است و پس از آن حضرت حجتی نیست و حق تنها با او است «هیچ حقی نیست مگر همراه آن حضرت»، و هیچ نوری نیست مگر نزد آن حضرت،

بدانید که:

حضرت مهدی همواره و همیشه غالب و پیروز است و شکست در او راهی ندارد «هیچ کس قادر به غلبه به آن حضرت نیست»،

بدانید که :

حضرت مهدی ولیّ خداوند متعال در زمین است و حُکم و فرمان او حُکم و فرمان خداوند متعال است و آن حضرت حاکم «حُکم کننده» خداوند متعال در میان بندگان خدا است و امین بر اسرار و نهان خداوند متعال می‌باشد «خداوند متعال حضرت مهدی را به اسرار آفرینش آگاه ساخته است و آن حضرت امین بر اسرار خداوند

متعالمی باشد»<sup>۱</sup>.

قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۳۲ سوره توبه، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، آیه ۴۱ سوره حج، آیه ۵۵ سوره نور و آیه ۵ سوره قصص در رابطه با حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه و ظهور آن حضرت و حکومت آن حضرت بر جهان مطالبی عنوان شده است.

### توضیح:

الف) احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور و قیام آن حضرت از احادیث متواتر می باشد به نحوی که هیچ یک از علمای مذاهب و فرق اسلامی نمی توانند تواتر آن را انکار نمایند.

علمایی که در کتب خویش تصریح نموده اند که احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام از احادیث متواتر می باشد فراوان هستند که به عنوان نمونه به تعدادی از آن ها اشاره می شود «از علمای اهل سنت».

السخاوی، در فتح المغیث؛

محمد بن احمد سفاوی، در شرح العقیده؛

ابوالحسن الابری، در مناقب الشافعی؛

ابن تیمیه، در فتاوایش «کتاب فتاوایش»؛

سیوطی، در الحاوی؛

شوکانی، در التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر؛

محمد جعفر کنانی، در نظم التناثر؛

ابوالعباس بن عبدالمومن، در الوهم المکنون و... .

ب) احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را بسیاری از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده اند که به اسامی تعدادی از آن ها اشاره می شود.

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۹»، حدیث ۳۲.

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹.

عثمان بن عفان، طلحة بن عبيدالله، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عباس،  
 عمار ياسر، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبدالله انصاری، ابو امامه، عبدالله بن عمر، انس  
 بن مالک، عمران بن حصین، امّ سلمه و ... .

ج) احداث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور و قیام آن حضرت در  
 بسیاری از کتب معتبر اسلامی آمده که به تعدادی از آنها اشاره می شود «از کتب اهل  
 سنت».

سُنن، ابن داود؛

سُنن، ترمذی؛

سُنن، ابن ماجه؛

مُسند، احمد؛

صحیح، حاکم؛

اخبار المهدی، ابونعیم؛

تاریخ دمشق، ابن عساکر؛

تاریخ بغداد، خطیب و ...<sup>۱</sup>.

### آیه ۱۰۵ سوره توبه:

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

ای مردم:

عمل کنید «دستورات الهی را انجام دهید»، که خداوند متعال و پیامبر اکرم و مؤمنین اعمال شما را می بینند،

ای مردم، به زودی به سوی کسی بازمی گردید «خداوند متعال» که نهان و آشکار را می داند و شما را به آنچه که عمل کرده اید خبر می دهد «آگاه می کند»<sup>۱</sup>.

### شرح لغات و توضیحات:

رأى، رؤیت = دیدن، مشاهده کردن.

رَدَّ = بازگرداندن.

نَبَأٌ = خبر.

غَيْبٌ = آنچه که از چشم انسان پوشیده و پنهان باشد، آنچه که از حواس انسان غایب باشد.

قابل ذکر است که غیب در رابطه با انسان است نه در رابطه با خداوند متعال، زیرا برای خداوند متعال غیب و شهود «غیب و شهادت» یکسان است،

یعنی خداوند متعال همه چیز را می داند و همه چیز را می بیند چه آن چیز غیب باشد «غیب برای انسانها» و چه غیب نباشد.

شُهِد، شهادت = حضور توأم با مشاهده، حضور توأم با دیدن.

شهید، شاهد = گواه، شاهد، حاضر، ناظر، بیننده.<sup>۱</sup>

این آیه شریفه «آیه ۱۰۵ سوره توبه» متضمّن دستور خداوند متعال به مؤمنین است که در انجام تکالیف شرعی خویش کوشا باشند و از ارتکاب فعل حرام پرهیزند، زیرا خداوند متعال و پیامبر اکرم و اولیاء خداوند متعال اعمال آن‌ها را می‌بینند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ = خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می‌فرماید و به آن حضرت می‌فرماید که:

ای پیامبر:

به مسلمانان بگو:

ای مسلمانان، اعمال و وظائف و تکالیف شرعی خودتان را انجام دهید و بدانید که:

خداوند متعال و رسول خدا و مؤمنین اعمال شما را می‌بینند.

منظور از رؤیت خداوند متعال و پیامبر اکرم و مؤمنین این است که خداوند متعال و به اذن خداوند متعال پیامبر اکرم و مؤمنین از اعمال مردم مطلع و آگاه می‌باشند، و ممکن است منظور از رؤیت، مشاهده و دیدن باشد «دیدن خود اعمال».

این آیه شریفه مسلمانان را متوجه این امر می‌کند که:

مردم «مسلمانان» باید بدانند و آگاه باشند که اگر در خلوت و دور از انظار مردم نیز عملی انجام دهند خداوند متعال و پیامبر اکرم و مؤمنین اعمال آن‌ها را می‌بینند، یعنی:

اگر مردم عمل نیکی انجام دهند یا مرتکب گناهی بشوند «اگر چه این اعمال در خلوت و دور از انظار مردم باشد» خداوند متعال و پیامبر اکرم و مؤمنین اعمال آن‌ها را می‌بینند.

این آیه شریفه در واقع هشدار است به همه انسان‌ها و مسلمین تا هیچ‌گاه مرتکب گناه نشوند، زیرا:

خداوند متعال و پیامبر اکرم و مؤمنین اعمال آن‌ها را می‌بینند، خواه این اعمال،

اعمال خوب و حَسَنَه باشند خواه اعمال بد و سیئه.

چنانچه این اعمال، اعمال خوب باشند به آن اعمال پاداش داده می شود و اگر آن اعمال، اعمال بد و گناه باشند به صاحبان آنها عقاب و عذاب داده می شود، لذا: این آیه شریفه ضمن هشدار دادن به مردم آنها را به اعمال نیک نیز تشویق می نماید، یعنی:

خداوند متعال در این آیه شریفه مردم را تشویق می فرماید به انجام کارهای نیک و پسندیده و آنها را بر حذر می دارد از انجام کارهای بد و معاصی، زیرا: همه اعمال انسانها را «چه عمل نیک و چه عمل بد» هم خداوند متعال می بیند هم پیامبر اکرم و هم مومنین.

### توضیح:

آگاه بودن خداوند متعال از اعمال انسانها و حتی از افکار انسانها امری طبیعی است.

وجود مقدس پیامبر اکرم نیز از اعمال و کردار انسانها آگاه است و آنها را می بیند و این قدرت را خداوند متعال به آن حضرت اعطا فرموده است زیرا آن حضرت حجت خداوند متعال بر مخلوقات و خلیفه خداوند متعال «جانشین خداوند متعال» می باشد، لذا:

آن حضرت نیز به اعمال و افکار همه انسانها مطلع و آگاه می باشد و آنها را می بیند،

چه آن اعمال، اعمال خوب باشند چه بد،

چه در خلوت صورت بگیرند چه در جلوت «چه در نهران، چه در آشکار»،

چه دور باشند چه نزدیک،

چه در روز باشند چه شب،

و همه اینها را خداوند متعال به آن حضرت اعطا فرموده است.

اما اینکه در آیه شریفه آمده که:

مومنین نیز اعمال مردم را می بینند نیاز به تأویل دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد و به عرض خواهد رسید که مقصود از مومنین در این آیه

شریفه «آیه ۱۰۵ سوره توبه» طبق احادیثی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند که به اعمال و افکار انسان‌ها اطلاع کامل داشته و آن‌ها را می‌بینند،  
 چه آن اعمال، اعمال خوب باشند چه اعمال بد،  
 چه در خلوت صورت بگیرند چه در جلوت،  
 چه دور باشند چه نزدیک،  
 چه در روز باشند چه شب، و این قدرت را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

دلایلی عقلی نیز مبین و موید این مطلب هستند که:

منظور از مؤمنین در این آیه شریفه «آیه ۱۰۵ سوره توبه» باید افراد خاص و ویژه و برگزیدگان خداوند متعال باشند که پس از خداوند متعال و پیامبر اکرم به اعمال و افکار انسان‌ها آگاه بوده و شاهد و ناظر بر اعمال مردم باشند، و این افراد خاص و ویژه کسانی نیستند مگر ائمه معصومین علیهم السّلام که حجّت خداوند متعال و خلیفه خداوند متعال می‌باشند و شاهد و گواه بر اعمال مردم هستند «اشاره به آیه ۱۴۳ سوره بقره».

عرض شد که:

دلایل عقلی نیز مبین و موید این مطلب هستند که:

مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه افراد خاص و ویژه هستند نه همه مؤمنین، زیرا: مؤمنین از اعمال همسایگان خویش و حتّی از اعمال همسر و فرزندان خویش نیز اطلاع کامل و جامعی ندارند تا چه رسد به اینکه از اعمال همه مسلمین و مؤمنین با خبر باشند.

به عبارت دیگر:

فهم و درک انسان‌ها محدود به حوزه‌هایی است که حواس پنج‌گانه انسان آن‌ها را درک می‌کنند، لذا:

هر عملی که خارج از حوزه حواس انسان باشد شخص از آن عمل بی‌اطلاع خواهد بود، لذا:

اگر دیواری بین انسان و دیگران حائل باشد همین دیوار مانع اطلاع انسان از اعمالی می‌شود که پشت دیوار صورت می‌گیرد، حال اگر انسان‌ها در فواصل دورتر و در مناطق دیگر اعمالی انجام دهند شخص از آن‌ها کاملاً بی‌اطلاع است، و خلاصه کلام اینک:

مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه همه مؤمنین و مسلمین نمی‌باشند زیرا متقی‌ترین افراد و مؤمن‌ترین انسان‌ها نیز از اعمال همسر و فرزندان و همسایگان خویش اطلاع کامل و جامعی ندارند و اعمال آن‌ها را «بعد از انجام اعمال، یا زمان انجام شدن آن اعمال» نمی‌بینند تا چه رسد به اعمالی که در شهرهای دیگر و کشورهای دیگر انجام می‌شود، بنابراین:

مؤمنین در این آیه شریفه افراد خاص و ویژه‌ای هستند که مانند پیامبر اکرم از اعمال و رفتار مردم آگاه بوده و آن‌ها را می‌بینند، یعنی:

مؤمنین در این آیه شریفه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیشتر به آن اشاره خواهد شد.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَ سَتَرْدُونَ إِلَيَّ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ = به زودی به نزد خداوندی باز می‌گردید که از نهان و آشکار شما و از هر نهان و آشکاری آگاه می‌باشد.

مقصود از بازگشت به سوی خداوند متعال و رفتن نزد خداوند متعال انتقال از دنیا به آخرت است.

این قسمت از آیه شریفه نیز هشدار مجددی است به انسان‌ها و تشویق آن‌ها به انجام اعمال نیک و پرهیز از گناه، زیرا:

خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

شما به زودی از دنیا می‌روید و وارد جهان آخرت می‌شوید و در محضر خداوند متعال و در دادگاه عدل خداوندی حاضر می‌شوید که عالم به غیب و شهود است یعنی عالم به نهان و آشکار شما است، و خلاصه کلام اینک:



پس از مرگ و ورود به جهان آخرت در محضر خداوندی حاضر می‌شوید که از نهران و آشکار شما آگاه است، یعنی همه اعمال خوب و بد شما را می‌داند و از آن‌ها اطلاع کامل دارد.

و در انتهای آیه شریفه آمده که:

فَيُبَيِّنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ = و خداوند متعال شما را به اعمالی که انجام داده‌اید و به کارهایی که کرده‌اید آگاه خواهد ساخت و به آن‌ها پاداش و یا عذاب خواهد داد.

این قسمت از آیه شریفه مربوط به قیامت است که وقتی به اعمال رسیدگی می‌شود انسان‌ها به اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند مطلع و آگاه می‌شوند، یعنی: خداوند متعال مردم را به اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند آگاه نموده و مطابق اعمال مردم به آن‌ها پاداش و مزد می‌دهد، یعنی:

به اعمال نیک و پسندیده انسان‌ها ثواب و به اعمال بد و گناهان آن‌ها عذاب و عقاب داده می‌شود.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ، أَبْرَارُهَا وَفُجَّارُهَا، فَاحْذَرُوها، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ:

«قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵، سوره توبه»، یعنی:

اعمال همه بندگان خدا چه خوبان و چه بدان و بدکاران هر روز صبح بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می‌شود،

بنابراین بر حذر باشید و مراقب باشید «از اینکه مرتکب گناه شوید»، و این مطلب همان فرمایش خداوند متعال است که می‌فرماید: قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ.

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۰۵ - ۲۰۶.

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۰۷.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶.

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>  
 ۲. از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام سؤال شد که مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵ سوره توبه» چه کسانی هستند.

وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمودند:  
 مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.  
 این حدیث را یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۳. وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمودند:  
 چرا وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ناراحت و اندوهگین می کنید.

یکی از اصحاب به امام صادق علیه السلام عرض کرد:  
 یابن رسول الله:  
 ما چگونه پیامبر اکرم را ناراحت و اندوهگین می کنیم.  
 وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:  
 آیا نمی دانید که اعمال شما بر پیامبر اکرم عرضه می شود، و اگر آن حضرت در اعمال شما گناه و معصیتی را ببیند ناراحت و اندوهگین می شوند، پس:  
 آن حضرت را ناراحت نکنید «مرتکب گناه نشوید»، بلکه آن حضرت را خوشحال نمائید.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۸، حدیث ۱ «حدیث ۵۷۴».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۳۳۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۲، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۳۲۵ «حدیث ۴۳۴۳».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۱۶۲-۱۶۳.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۸، حدیث ۲ «حدیث ۵۷۵».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۳۳۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۲، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۳۲۶ «حدیث ۴۳۴۴».

این حدیث را سماعه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. عبدالله بن ابان زیات می گوید:

خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم:

برای من و خانواده ام دعا بفرمائید.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

أَوْلَسْتُ أَفْعُلُّ، وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، یعنی:

مگر من دعا نمی کنم، به خدا سوگند اعمال شما هر شب و روز «هر صبح و شام»

بر من عرضه می شود، و آنگاه آن حضرت این آیه شریفه را «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ

عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵ سوره توبه» تلاوت نموده و فرمودند:

به خدا قسم منظور از مؤمنین در این آیه شریفه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب «و

سایر ائمه» علیه السلام می باشند.<sup>۲</sup>

۵. وجود مقدس امام باقر علیه السلام این آیه شریفه را «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ

عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵ سوره توبه» تلاوت نموده و فرمودند:

به خدا قسم مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه وجود مبارک امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث را یحیی بن مساور از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۸، حدیث ۳ «حدیث ۵۷۶».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۳۱ - ۳۳۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۲، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۳۲۷ «حدیث ۴۳۴۵».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۹، حدیث ۴ «حدیث ۵۷۷».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۳۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۳، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۲۹۳، حدیث ۳۲۸ «حدیث ۴۳۴۶».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۱۶۳.

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۹، حدیث ۵ «حدیث ۵۷۸».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۳۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۳، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۲۹۳، حدیث ۳۲۹ «حدیث ۴۳۴۷».

۶. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَبْرَارُهَا وَفُجَارُهَا، يَعْنِي:  
اعمال نیک و بد مردم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود  
«اعمال بندگان خدا بر پیامبر اکرم عرضه می شود، هم اعمال بندگان خوب و  
نیکوکار، هم اعمال بندگان بدکار و فاجر».

این حدیث را و شاء از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۷. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةِ الْخَمِيسِ، فَلْيَسْتَحِ أَحَدُكُمْ أَنْ تُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ  
الْقَبِيحُ، يَعْنِي:

امام باقر علیه السّلام فرمودند:

همه اعمال شما عصر هر پنجشنبه بر پیامبرتان «حضرت محمد صلی الله علیه و  
آله و سلم» عرضه می شود، بنابراین:  
شرم کنید «حیا کنید» از اینکه عمل قبیح و زشت شما بر پیامبر اکرم عرضه شود  
«شرم کنید از اینکه مرتکب گناه شوید».

این حدیث را محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام، و سلیمان بن خالد از امام  
صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۸. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

منظور از مؤمنین در این آیه شریفه «قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ،  
آیه ۱۰۵ سوره توبه» ما هستیم.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۹، حدیث ۶ «حدیث ۵۷۹».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۳، حدیث ۶.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۲۹۳، حدیث ۳۳۰ «حدیث ۴۳۴۸».

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۵، حدیث ۱۲ و ۱۳.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۱۶۳.

این حدیث را برید عجلی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۹. برید عجلی می‌گوید:

از وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵ سوره توبه» سؤال کردم.

وجود مبارک امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

هیچ مؤمنی و هیچ کافری نمی‌میرد و در قبر نهاده نمی‌شود مگر اینکه عمل او به پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام که خداوند متعال اطاعت از آنها را واجب نموده عرضه می‌شود «هر کس بمیرد و در قبر گذاشته شود خواه مؤمن باشد خواه کافر، اعمال او به ائمه معصومین علیهم‌السلام عرضه خواهد شد».<sup>۲</sup>

این حدیث را برید عجلی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.

برید عجلی این حدیث را از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل نموده است.

۱۰. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

اعمال امت اعم از نیکوکاران و بدکاران هر صبح و شام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می‌شود،

پس:

ای مردم مراقب باشید و بر حذر باشید «از اینکه مرتکب گناه بشوید»، و این

همان فرمایش خداوند متعال است که می‌فرماید:

«قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵ سوره توبه».

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۳۱.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۵-۷۱۷، حدیث ۱۶ و ۲۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۳۲۳ «حدیث ۴۳۴۱».

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۳۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۶ - ۷۲۰، حدیث ۱۷ و ۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۲۸۹، حدیث ۳۱۹ «حدیث ۴۳۳۷».

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی قیامت برپا می شود در سمت راست عرش منبری نهاده می شود، آنگاه وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر بالای منبر مستقر می شوند و سپس همه خلائق بر آن حضرت عرضه می شوند، پس:

هر کس آن حضرت را بشناسد «آن حضرت را در دنیا به عنوان امام و خلیفه بلا فصل رسول الله شناخته باشد» وارد بهشت می شود،

و هر کس آن حضرت را نشناسد وارد جهنّم می شود،

و این مطلب همان فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵ سوره توبه».

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث را هم یحیی حلبی، و هم محمد بن حسان کوفی از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند.<sup>۲</sup>

صاحب مجمع البیان و المیزان ذیل این آیه شریفه «قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ، آیه ۱۰۵ سوره توبه» عنوان نموده اند که:

در روایات ما شیعیان آمده که:

اعمال این ائمت هر دوشنبه و پنجشنبه خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام عرضه می شود و آن ذوات مقدّسه اعمال ائمت را مشاهده می کنند و آن ها را می بینند،

و منظور از مؤمنین در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام هستند.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۲۸۹، حدیث ۳۱۸ «حدیث ۴۳۳۶».

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۱۹ - ۷۲۰، حدیث ۲۹ و ۳۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۳۲۲ «حدیث ۴۳۴۰».

۳. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۰۵.

در رابطه با عرضه شدن اعمال مردم بر پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام روایات بسیار زیادی در جوامع حدیث شیعه از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده و در این احادیث شریف آمده که مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه «آیه ۱۰۵ سوره توبه» ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند.<sup>۱</sup>

با توجه به احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی آیه ۱۰۵ سوره توبه «تأویل آیه شریفه» این می‌شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

ای مردم:

به تکالیف شرعی خودتان عمل نمائید «واجبات را انجام داده و از محرّمات اجتناب نمائید»،

و بدانید که خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام اعمال شما را می‌بینند و اعمال شما به آن‌ها عرضه می‌شود، و شما مردم به زودی «پس از مرگ» به سوی خداوندی باز می‌گردید که عالم و آگاه به نهان و آشکار شما است «آگاه به هر نهان و آشکاری»، و خداوند متعال شما را به اعمالی که انجام داده‌اید آگاه خواهد ساخت و به اعمال نیک شما پاداش و به اعمال بد شما عقاب خواهد داد «به صاحب اعمال».

### توضیح:

الف) اگر در این احادیث شریف ملاحظه فرمودید که اعمال امت و اعمال تمام مردم هر صبح و شام، یا هر روز، یا هر دوشنبه و پنجشنبه، یا هنگام مرگ و هنگام دفن «پس از گذاشته شدن در قبر» خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام عرضه می‌شود و آن ذوات مقدّسه اعمال مردم «اعم از اعمال نیک و بد، و اعم از اینکه صاحبان عمل نیکوکار باشند یا فاجر یا بدکار» را مشاهده کرده و آن‌ها را می‌بینند بین این احادیث شریف و نورانی هیچگونه منافاتی

۱. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۱۶ «بحث روایتی ذیل آیه شریفه».

وجود ندارد، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام که حجّت خداوند متعال و خلیفه خداوند متعال در روی زمین هستند و مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می باشند «اشاره به آیه ۱۸۰ سوره اعراف که ذیل آن آیه شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده» اعمال تمام مردم را در زمان انجام شدن عمل می بینند،

بنابراین:

با اینکه آن ذوات مقدّسه در لحظه انجام شدن عمل «چه نیک و چه بد» شاهد و ناظر هستند و اعمال مردم را می بینند لیکن در عین حال اعمال تمام مردم مجدداً هر صبح و شام و یا هر دوشنبه و پنجشنبه به محضر آن بزرگواران عرضه می شود، همچنین هنگام گذاشته شدن انسان در قبر، و خلاصه کلام اینک:

ذوات مقدّسه معصومین علیهم السلام اعمال مردم را:

هم در زمان انجام شدن عمل «در صورتی که اراده بفرمایند»،

هم هنگام صبح و شام «اعمالی را که مردم در آن روز و یا آن شب انجام داده اند»،

هم هر دوشنبه و پنجشنبه «اعمال این چند روز»، هم هنگام گذاشته شدن در قبر

«تمام اعمالی که انسان در طی عمر خویش انجام داده است»،

هم در روز قیامت «اعمال تک تک انسانها، یعنی اعمالی که انسانها در دنیا

انجام داده اند» مشاهده می کنند و آنها را می بینند، لذا:

این احادیث شریف هیچ منافاتی با هم ندارند و همه این احادیث نورانی و

شریف صحیح هستند.<sup>۱</sup>

(ب) ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»

به عرض رسید و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد که:

ائمه معصومین علیهم السلام شاهدان و گواهان اعمال مردم هستند و روز قیامت

۱. تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۱۶۴.



گواهی و شهادت خواهند داد، یعنی:

اِنَّهُمْ مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ روز قیامت شهادت و گواهی خواهند داد که این انسان مادامی که در دنیا بود در فلان روز و فلان ساعت این عمل خیر و یا این عمل شر را انجام داده است، یعنی:

اِنَّهُمْ مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اعمال تک تک انسان‌ها را می‌بینند و مشاهده می‌کنند و بر همین اساس روز قیامت به انجام اعمال نیک و بد انسان‌ها شهادت و گواهی می‌دهند.

ج) ذیل آیه ۲۶ سوره جن «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰی غَيْبِهِ اَحَدًا اِلَّا مَنْ ارْتَضٰی مِنْ رَسُوْلٍ» به عرض رسید و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السَّلَام نقل شد که:

خداوند متعال به ائمه معصومین علیهم السَّلَام علم غیب اعطا فرموده و لذا آن ذوات مقدسه به گذشته و آینده آگاه می‌باشند و اگر اراده بفرمایند از هر موضوع و از هر چیزی می‌توانند اطلاع داشته باشند، یعنی از غیب و شهود عالم «نہان و آشکار جهان و هستی» اطلاع دارند و خداوند متعال این قدرت را به آن ذوات مقدسه اعطا فرموده است، لذا:

اطلاع داشتن از اعمال تک تک انسان‌ها برای آن بزرگواران امری سهل و آسان است.

د) ذیل آیه ۸۹ سوره نحل «وَ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبٰیٰنًا لِّكُلِّ شَیْءٍ»، و ذیل آیه ۴۳ سوره رعد «وَ یَقُوْلُ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا لَسَتْ مُرْسَلًا، قُلْ كَفٰی بِاللّٰهِ شَهِیْدًا بَیْنِیْ وَ بَیْنِكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، و ذیل آیه ۱۲ سوره یس «وَ كُلُّ شَیْءٍ اَخْصٰیْنٰهُ فِیْ اِمَامٍ مُّبِیْنٍ»،

در رابطه با علم و قدرت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلَام توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از آن بزرگواران نقل شده که آن بزرگواران علم به گذشته و علم به آینده دارند «نه اینکه می‌دانند فلان شخص الان چه عملی انجام می‌دهد بلکه می‌دانند که در آینده چه عملی انجام خواهد داد» که به عنوان نمونه فقط به یک حدیث شریف اشاره می‌شود.

وجود مقدس امام صادق علیه السَّلَام فرمودند:

إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ،  
وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ،  
وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ، یعنی:  
امام صادق علیه السلام فرمودند:

من می دانم آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است،  
و می دانم آنچه را که در بهشت است و آنچه را که در جهنم است،  
و آنچه را که تاکنون بوده و شده و آنچه را که تا روز قیامت خواهد بود و خواهد  
شد.<sup>۱</sup>

خلاصه کلام اینکه:

طبق احادیثی که ملاحظه فرمودید وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله  
و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام:

۱. در دنیا اعمال مردم را می بینند و مشاهده می کنند «اعمال مردم به آن ذوات  
مقدسّه عرضه می شود».

۲. هر کس که از دنیا می رود و بدن او در قبر گذاشته می شود «اعم از مؤمن یا  
کافر» اعمال او به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام عرضه می شود و آن  
ذوات مقدسه اعمال او را می بینند.

۳. در روز قیامت نیز اعمال مردم به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام  
عرضه می شود و خداوند متعال رسیدگی به اعمال مردم را به آن ذوات مقدسه  
محول می فرماید.

ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره غاشیه «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» در این رابطه  
توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده است.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۸۸، حدیث ۲ «حدیث ۶۷۳»

المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۴۰، «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل»

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۷، حدیث ۱۸۶ «حدیث ۵۷۹۹»، «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل»

## آیه ۱۱۹ سوره توبه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

## ترجمه:

خداوند متعال مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای کسانی که به خدا و رسول ایمان آورده‌اید» از خدا بترسید «از مخالفت کردن با دستورات خداوند متعال» و با صادقین «راستگویان» باشید.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

صدق = مطابقت گفتار با اعتقادات گوینده، مطابقت کلام و سخن با اعتقادات گوینده سخن.

صادق = راستگو، کسی که حق بگوید و به آن عمل کند، کسی که حق بگوید و به حق عمل کند «کلام و عملش حق باشد، گفتار و کردارش حق باشد»، کسی که عملش مطابق اعتقادش باشد.

بنابراین:

اگر سخن راست کسی با اعتقادات او مطابقت نداشته باشد آن سخن و آن کلام صدق تام نیست «تام = کامل، چیزی که همه اجزاء آن کامل باشد»، بلکه از جهتی به صدق و از جهتی به کذب مُتَّصِف می‌باشد، مثلاً:

سخن و کلام منافقین در مورد رسالت پیامبر اکرم این بود که می‌گفتند: «نَشْهَدُ أَنَّكَ لِرَسُولِ اللَّهِ، آیه اول سوره منافقین، یعنی: ما شهادت می‌دهیم که تو رسول خدا هستی»،

اما خداوند متعال منافقین را دروغگو معرفی کرده و می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ، آیه اول سوره منافقین، یعنی: خداوند متعال شهادت

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۳۲.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۲۲۴.

می‌دهد که منافقین دروغگو هستند و به گفته خودشان ایمان ندارند»، یعنی: با اینکه سخن و کلام منافقین سخن و کلام حقی بود «یعنی پیامبر اکرم رسول خدا بود و حرف منافقین درست بود»، لیکن چون کلام منافقین با ضمیر و اعتقاد قلبی آنها مطابقت نداشت به همین جهت خداوند متعال منافقین را کاذب و دروغگو نامیده است، بنابراین:

صادق کسی است که کلام و عملش حق باشد یعنی کسی که عملش مطابق اعتقادش باشد، و صادقین کسانی هستند که کلام و عملشان حق باشد یعنی کسانی که عملشان مطابق اعتقاداتشان باشد.<sup>۱</sup>

در آیات قبل سخن از متخلفینی بود که عهد و پیمان خودشان را با خداوند متعال و پیامبر اکرم شکستند و عملاً اظهارات خود را در رابطه با ایمان به خدا و روز قیامت تکذیب نمودند.

در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» بحث راجع به مؤمنینی است که نقطه مقابل گروه متخلف و پیمان شکن واقع شده‌اند و خداوند متعال در این آیه شریفه به این‌ها دستور می‌فرماید که رابطه خودشان را با صادقین «راستگویان، کسانی که حرف و عمل آنها حق است و باطل در آن راه ندارد» محکم نموده و با آنها باشند و از آنها تبعیت و پیروی نمایند.

بنابراین:

خداوند متعال در این آیه شریفه کسانی را که به خداوند متعال و پیامبر اکرم ایمان آورده‌اند مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا = ای کسانی که ایمان آورده‌اید،  
 ای مؤمنین:

اتَّقُوا اللَّهَ = از خدا بترسید، یعنی:

از مخالفت کردن با دستورات الهی بترسید و مرتکب گناه نشوید.

ارتکاب گناه یعنی ترک واجب و عمل به حرام، بنابراین:

معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

۱. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۴۶.  
 مفردات راغب.

خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌فرماید که :

ای مؤمنین:

از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید، یعنی:

به واجبات عمل نموده و از محرمات اجتناب کنید.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به مؤمنین می‌فرماید:

وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ = با صادقین باشید، یعنی:

ای مؤمنین:

راه و روش کسانی را انتخاب کنید که در گفتار و کردار «یعنی در قول و فعل و در حرف و عمل» صادق و راستگو هستند و حرف و عمل آن‌ها مطابق با حق می‌باشد و ذره‌ای باطل در آن راه ندارد.

این معیت و همکاری که مؤمنین موظف به آن شده‌اند به معنی تبعیت کردن و

پیروی کردن می‌باشد، لذا:

وقتی خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌فرماید که با صادقین باشید

یعنی، ای مومنین:

صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی و تبعیت نمایید.

اگر مقصود از معیت و همراهی در این آیه شریفه تبعیت و پیروی نبود می‌بایست

خداوند متعال بفرماید:

وَ كُونُوا مِنَ الصَّادِقِينَ، یعنی از صادقین باشید، در حالی که فرمود:

وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، یعنی:

ای مؤمنین:

صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی و تبعیت نمایید.<sup>۱</sup>

بنابراین:

خداوند متعال در این آیه شریفه به مؤمنین دو دستور مهم صادر فرموده و به

مؤمنین فرمان می‌دهد که:

ای مؤمنین:

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۲، حدیث ۷.

۱. اتَّقُوا اللَّهَ، یعنی:

از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید.

۲. وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، یعنی:

از صادقین تبعیت و پیروی نمایید و مطیع محض صادقین باشید.

از این آیه شریفه استفاده می شود که:

الف) صادقین گروه خاص و ویژه‌ای از مؤمنین می باشند که تمام مؤمنین موظف به پیروی از آنها هستند.

ب) صادقین باید معصوم باشند و مقام عصمت داشته باشند زیرا خداوند متعال اطاعت بی قید و شرط را جز معصوم برای افراد دیگری قرار نداده است، چرا که غیر معصوم در معرض خطا و اشتباه و گناه می باشد و خداوند متعال هیچ گاه به مؤمنین دستور اطاعت بی قید و شرط از گنهکار را نداده است، بنابراین:

اطاعت محض و بی قید و شرط در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی مخصوص معصومین علیهم السّلام می باشد و آن ذوات مقدّسه را خداوند متعال واجب الاطاعه قرار داده است، لذا:

صادقین در این آیه شریفه حضرات معصومین علیهم السّلام می باشند که انشاءالله تعالی در ادامه بحث، همچنین در بخش حدیث بیشتر به آن اشاره خواهد شد.

ج) این آیه شریفه دلالت بر این دارد که:

باید در هر عصر و زمانی یک معصوم وجود داشته باشد تا مردم از او تبعیت و پیروی نمایند، آن هم پیروی و تبعیت محض و بی قید و شرط در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اخروی

### توضیح:

در آیات متعددی در قرآن کریم راجع به صادقین صحبت شده و اوصاف آنها بیان شده است، از جمله:

آیه ۱۷۷ سوره بقره،

آیه ۱۵ سوره حجرات،

آیه ۸ سوره حشر و...

از بررسی این آیات شریفه و دیگر آیات شریفه قرآن کریم که در رابطه با صادقین بوده و اوصاف آنها را بیان می‌فرماید چنین برمی‌آید که:  
صادقین کسانی هستند که:

به خداوند متعال و پیامبر اکرم و به روز قیامت اعتقاد دارند،

از اموال خویش در راه خدا انفاق می‌کنند،

نماز را به پا می‌دارند،

زکات مال خویش را می‌پردازند،

به عهد و پیمان شرعی خویش وفا می‌کنند،

در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ استقامت به خرج می‌دهند،

با مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند،

خدا و رسول را یاری می‌کنند،

تعهدات خودشان را به خداوند متعال به خوبی انجام می‌دهند،

در رابطه با ایمان خودشان به خدا و رسول ذره‌ای تردید به خودشان راه نمی‌دهند،

از اعتقادات خویش عقب‌نشینی نمی‌کنند،

از انبوه مشکلات نمی‌هراسند،

با انواع فداکاری‌ها صدق ایمان خودشان را ثابت می‌کنند،

و به عبارت بهتر:

صادقین کسانی هستند که به خدا و رسول ایمان داشته باشند و تعهدات خود

را در برابر ایمان به خدا و رسول به خوبی انجام می‌دهند، و در یک کلام گفتار و

کردار آنها «قول و فعل آنها» حق باشد.

شک نیست که این صفات مراتبی دارد، یعنی:

عده‌ای در درجات بالا قرار گرفته‌اند و در رأس و قلّه واقع شده‌اند و مصداق اتمّ

و اکمل این صفات هستند «یعنی معصومین علیهم‌السلام» و بعضی نیز در درجات

پایین‌تر واقع شده‌اند، لیکن:

منظور از صادقین در این آیه شریفه گروه خاصی از مؤمنین هستند که قول و فعل آن‌ها همواره حق است و ذره‌ای باطل در آن راه ندارد و این‌ها کسانی هستند که خداوند متعال اطاعت محض و بی‌قید و شرط از آن‌ها را به همه مردم واجب فرموده چرا که مصون از خطا و لغزش و اشتباه می‌باشند و خداوند متعال به آن‌ها مقام عصمت اعطا فرموده و آن‌ها را به عنوان حجت خویش بر مخلوقات قرار داده و به عنوان خلیفه و جانشین خویش برگزیده است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از صادقین در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام هستند که خداوند متعال به مردم دستور فرموده تا از آن ذوات مقدّسه تبعیت و پیروی نمایند.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
خداوند متعال در این آیه شریفه «یا ایّها الذین آمنوا اتّقوا الله و کونوا مع الصّادقین، آیه ۱۱۹ سوره توبه» ما را اراده فرموده است «یعنی مقصود از صادقین در این آیه شریفه ما ائمه معصومین هستیم».

این حدیث را برید بن معاویه عجللی از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>  
در روایت دیگری که از امام باقر و امام صادق علیهما السّلام نقل شده آمده که مقصود از صادقین در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند.<sup>۳</sup>

- 
۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۳۲.
  - المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۴۶-۳۴۷.
  - تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۲۲۴ تا ۲۲۷-۲۳۰.
  - تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۲، حدیث ۷.
  ۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۷، حدیث ۱ «حدیث ۵۳۱».
  - تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۵۲.
  - تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۰، حدیث ۱.
  - تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۳۹۳ «حدیث ۴۴۱».
  ۳. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۳، حدیث ۱۳.



۲. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام درباره این آیه شریفه «یا ایّها الذّین آمنوا اتّقوا الله و کونوا مع الصّادقین، آیه ۱۱۹ سوره توبه» و اینکه مقصود از صادقین در این آیه شریفه چه کسانی هستند فرمودند:

الصّادقون هم الائمه، یعنی:

مقصود از صادقین در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند. این حدیث را ابن ابونصر از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

این حدیث را علاوه بر ابن ابونصر، احمد بن محمد نیز از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۳. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

کُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ در این آیه شریفه «یا ایّها الذّین آمنوا اتّقوا الله و کونوا مع الصّادِقِينَ، آیه ۱۱۹ سوره توبه» یعنی کُونُوا مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. یعنی:

خداوند متعال در این آیه شریفه به مؤمنین دستور می فرماید که: ای مومنین:

از خدا بترسید و مُرتکب گناه نشوید،

و با علی بن ابیطالب علیه السّلام باشید، یعنی از آن حضرت اطاعت کنید و مطیع محض آن حضرت باشید.

این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۸، حدیث ۲ «حدیث ۵۳۲».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۵۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۳۹۴ «حدیث ۴۴۱۲».

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۰، حدیث ۳.

۳. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۰، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۲۷، حدیث ۳۹۹ «حدیث ۴۴۱۷».

در درّالمنثور سیوطی این حدیث از طریق ابن عباس و ابن عساکر از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است.<sup>۱</sup>

۴. در ایام خلافت عثمان بن عفان گروهی از مهاجرین و انصار در مسجدالنبی نشسته بودند و هر کدام از این دو گروه از فضائل و ویژگی‌های طایفه خودشان مطالبی می‌گفتند و به آن مباحثات می‌کردند. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و حسنین علیهما‌السلام نیز در مسجد حضور داشتند.

در این مجلس بیش از دویست نفر از مهاجرین و انصار حضور داشتند که اسامی تعدادی از آنها از این قرار است.

طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، عمّار، مقداد، ابوذر، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، محمّد بن ابوبکر، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابویوب انصاری، ابوهیثم بن تیهان، قیس بن سعد بن عباده، جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک، زید بن ارقم، و...

تعدادی از مهاجرین و انصار به سوابق و امتیازات خویش اشاره نموده و به آن مباحثات می‌نمودند «خدماتی که در زمان پیامبر اکرم انجام داده‌اند».

لیکن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام سکوت اختیار فرموده بود و ناظر بر قضایا بود تا اینکه جمعیت حاضر در مسجدالنبی متوجه آن حضرت شده و به آن حضرت عرض کردند:

ای ابوالحسن:

چه چیز شما را از سخن بازداشته و چه چیزی باعث شده که شما صحبت نمی‌فرمایید.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مهاجرین و انصار حاضر در مسجد را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:

آیا به این نکته توجه کرده‌اید که همه این خیرات که به آن رسیده‌اید فقط و فقط

به خاطر ما اهل بیت پیامبر اکرم بوده است و لاغیر.

همه حاضرین فرمایشات آن حضرت را تأیید نمودند و آنگاه وجود مبارک مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شروع به صحبت نموده و طی آن به گوشه‌ای از فضائل بی حد و حصر خویش اشاره نمودند که تماماً مورد تصدیق جمع حاضر قرار گرفت.

یکی از فضائلی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به آن اشاره فرمودند این بود که:

حضرت امیر علیه السلام جمع مهاجر و انصار حاضر در مسجد النبی را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها فرمود:

شما را به خدا سوگوئید:

آیا تصدیق می‌کنید که:

وقتی این آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»، آیه ۱۱۹،

سوره توبه» نازل شد سلمان به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

آیا این آیه شریفه عام است یا خاص «عمومی است یا مقصود خاصی دارد». وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤال سلمان فرمودند:

افراد مأمور در این آیه شریفه تمام مؤمنین هستند «یعنی یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا که در این آیه شریفه آمده عام است و تمام مؤمنین را در برمی‌گیرد»، لیکن:

منظور از صادقین در این آیه شریفه برادریم علی بن ابیطالب و اوصیاء پس از او می‌باشد «یعنی سایر ائمه معصومین علیهم السلام» تا روز قیامت «یعنی تمام مؤمنین تا روز قیامت باید طبق دستور خداوند متعال از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت اطاعت نمایند». همه حضار «در مسجد النبی» فرمایش آن حضرت را تأیید و تصدیق نمودند.

این حدیث را سلیم بن قیس هلالی از حضرت امیر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدس امام باقر علیه السلام به ابو حمزه فرمود:

ای ابو حمزه:

فقط کسی که به خداوند متعال معرفت دارد «فقط کسی که خدا را می شناسد»

او را به حق می پرستد،

اما کسی که به خدا معرفت ندارد «کسی که خدا را نمی شناسد» گویی غیر خدا را

پرستش می کند و چنین شخصی گمراه است.

ابو حمزه می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

معرفت خدا چیست «منظور از شناختن خدا چیست»؟

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال ابو حمزه فرمود:

یعنی:

خداوند متعال را تصدیق کند «خداوند متعال را به یگانگی بشناسد»،

به رسالت و نبوت پیامبر اکرم ایمان داشته باشد،

ولایت و امامت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را تصدیق کند، و به آن

حضرت و به ائمه معصومین علیهم السلام پس از آن حضرت اقتدا نماید «از ائمه

معصومین علیهم السلام اطاعت و تبعیت نماید»،

و از دشمنان آن ذوات مقدسه براءت و بیزاری بجوید.

سپس امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۵۲.

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۱، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۲۷، حدیث ۳۹۷ «حدیث ۴۴۱۵».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۲۲۷-۲۲۸.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر مهاجرین و انصار، صفحه ۳۰۰ تا ۳۲۶ «صفحه

۳۰۹ و ۳۱۰»، حدیث ۵۶.

این است معرفت خداوند متعال «این است شناخت خداوند متعال».

ابوحمزه می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

چه چیزی است که اگر به آن عمل کنیم حقیقت ایمان را کامل نموده ایم؟

امام باقر علیه السلام فرمودند:

از اولیاء خداوند متعال اطاعت کنی،

با دشمنان خدا دشمنی نمایی،

و همانطور که خداوند متعال به تو دستور فرموده با صادقین باشی و از صادقین

تبعیت نمایی «اشاره به این آیه شریفه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ،

آیه ۱۱۹، سوره توبه که خداوند متعال به مؤمنین دستور می فرماید که از صادقین

یعنی از ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت و پیروی نمایند».

ابوحمزه می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

اولیاء خداوند متعال چه کسانی هستند،

و دشمنان خداوند متعال چه کسانی می باشند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

اولیاء خداوند متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابیطالب

و حسن و حسین و علی بن حسین علیهم السلام هستند،

و سپس امامت به ما رسیده است «یعنی امام باقر علیه السلام»، آنگاه به پسر

جعفر، و با دست مبارک خویش به امام صادق علیه السلام اشاره فرمودند که در

آنجا حضور داشتند و نشسته بودند.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هر کس از این ها اطاعت کند «از پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام» از

خداوند متعال اطاعت کرده است و همانطور که خداوند متعال دستور فرموده با

صادقین است و از صادقین تبعیت نموده است «یعنی منظور از صادقین در آیه ۱۱۹ سوره توبه ائمه معصومین علیهم السّلام هستند و هر کس از آن ذوات مقدّسه تبعیت و پیروی نماید به دستور خداوند متعال عمل نموده است چرا که خداوند متعال به مؤمنین دستور فرموده تا از صادقین تبعیت و پیروی نمایند».

ابوحمزه می گوید:

خدمت امام باقر علیه السّلام عرض کردم:

دشمنان خدا چه کسانی هستند؟

امام باقر علیه السّلام فرمودند:

ائمه ظلم و جور

و سپس امام باقر علیه السّلام افزودند:

و هر کس با این‌ها دشمنی نماید با دشمنان خدا دشمنی نموده است.<sup>۱</sup>

۶. هشام بن عجلان می گوید:

از امام صادق علیه السّلام درباره ایمان سؤال کردم، و آن حضرت در پاسخ به

سؤال من فرمودند:

شهادت دادن به اینکه خدایی جز الله نیست، و اینکه:

حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم رسول خدا است،

و اقرار به آنچه که آن حضرت از جانب خدا آورده است،

و خواندن نماز و دادن زکات و طواف خانه خدا و روزه گرفتن در ماه رمضان،

و ولایت ما «پذیرش امامت و ولایت ما ائمه معصومین علیهم السّلام»،

و برائت از دشمنان ما،

و اینکه:

كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ، یعنی:

با صادقین باشید «از صادقین تبعیت و پیروی نمایید که صادقین همان ائمه

معصومین علیهم السّلام هستند که خداوند متعال در آیه ۱۱۹ سوره توبه به مؤمنین

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۱، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۲۷، حدیث ۴۰۱ «حدیث ۴۴۱۹».

دستور فرموده که از آن ذوات مقدسه اطاعت نمایند»<sup>۱</sup>

### توضیح:

معلی بن خنیس می گوید:

از وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره معنی **كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ**، که در آیه ۱۱۹ سوره توبه آمده سؤال کردم:

وجود مبارک امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:  
یعنی از صادقین اطاعت نمائید.<sup>۲</sup>

۷. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

**كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ** در این آیه شریفه «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ**، آیه ۱۱۹، سوره توبه» یعنی:

**كُونُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ**، یعنی:

مقصود از صادقین در این آیه شریفه آل محمد علیهم السلام هستند و خداوند متعال در این آیه شریفه به مؤمنین دستور می فرماید تا با آل محمد علیهم السلام باشند و از آن ذوات مقدسه اطاعت نمایند.

این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۸. وجود مبارک امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از صادقین در این آیه شریفه «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ**، آیه ۱۱۹ سوره توبه» محمد و آل محمد علیهم السلام هستند «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام».

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۲، حدیث ۸.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۲، حدیث ۷.

۳. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۳۳.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۵۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۳۹۲ «حدیث ۴۴۱۰».

این حدیث را جابر جُعیفی از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۹. از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره صادقین در این آیه شریفه «یا ایّها الذّین آمنوا اتّقوا الله و کونوا مع الصّادقین، آیه ۱۱۹، سوره توبه» سؤال شد.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: مقصود از صادقین در این آیه شریفه علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام و نسل مطهّر آنها «یعنی دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» می باشند.<sup>۲</sup>

۱۰. هنگام زیارت مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در روز عید سعید غدیر به محضر مبارک آن حضرت عرض می کنیم:  
 وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ، وَ نَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ، آیه ۹۱۱ سوره توبه»، یعنی:  
 ای امیرالمؤمنین:

خداوند متعال به مردم دستور فرموده بود «دستور فرموده» تا از تو پیروی و تبعیت نمایند،

و خداوند متعال مؤمنین را به یاری تو «یاری کردن به تو» دعوت کرده و در این باره در قرآن کریم فرموده «در آیه ۱۱۹ سوره توبه»:

ای کسانی که ایمان آورده اید «ای مؤمنین»:

از خداوند متعال بترسید و مرتکب گناه نشوید،

و از صادقین پیروی و تبعیت نمائید، یعنی:

ای مؤمنین:

از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام «و بعد از ایشان از یازده امام معصوم از نسل آن حضرت» تبعیت و پیروی نمایید.

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۲، حدیث ۱۰.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۳، حدیث ۱۴.



این زیارت شریف «این زیارتنامه شریف» از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.



## «سوره یونس»

آیه ۳۵ سوره یونس:

«أَفَمَنْ يُهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

آیا کسی که مردم را به سوی حق هدایت می کند برای پیروی کردن شایسته تر است یا آن کس که خودش هم هدایت نمی شود مگر اینکه هدایتش کنند، شما را چه می شود، چگونه داوری و قضاوت می کنید.<sup>۱</sup>

شرح لغات و توضیحات:

أَحَقُّ = شایسته تر، سزاوارتر.

خداوند متعال در آیه قبل «آیه ۳۴ سوره یونس» و قسمت اول آیه ۳۵ این سوره مبارکه مشرکین را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

آیا معبودهای شما و خدایان شما «اعم از اینکه این معبودها بی جان و بی روح باشند مثل بُت ها، و یا دارای روح و جان باشند مانند فرعون و نمرود که ادعای خدایی داشتند، یا ملائکه و اجنه» قدرت دارند که موجودی را خلق کنند و پس از مردن آن موجود دوباره او را زنده نمایند، و:

---

۱. تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۴۸.

آیا معبودهای شما قدرت دارند چیزی را از عدم به وجود بیاورند.

سپس خداوند متعال به مشرکین می‌فرماید:

آیا این معبودهای شما «که قدرت خَلق کردن و آفرینش ندارند و نمی‌توانند موجودات را بعد از مرگ آن‌ها دوباره احیا کنند و زنده نمایند» می‌توانند مردم را به سوی حق و رستگاری هدایت کنند و باعث سعادت مردم بشوند.

خداوند متعال سپس وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

ای پیامبر:

به مشرکین و بُت‌پرستان و کلیه افرادی که معبودشان غیر از خداوند متعال می‌باشد بگو:

فقط خداوند متعال است که مردم را به سوی حق هدایت می‌کند.

خداوند متعال پس از اینکه هدایت مخلوق را به خودش نسبت داد و امر هدایت مردم را مختص به خویش دانست در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ = آیا کسی که مردم را به سوی حق هدایت می‌کند استحقاق و شایستگی آن را دارد که پیروی شود و مورد اطاعت واقع شود، یا:  
أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي = یا آن کسی که هدایت نمی‌شود مگر اینکه هدایتش کند، یعنی:

معبود مشرکان «اعم از معبودهای بی‌روح و بی‌جان و یا معبودهایی که دارای روح و جان هستند» نه تنها نمی‌توانند دیگران را هدایت کنند بلکه خودشان نیز نیازمند هدایت و ارشاد می‌باشند.

ذکر دو نکته در این جا لازم است:

۱. اگر معبود مشرکان بُت‌ها باشند که اصلاً موضوع هدایت کردن و هدایت شدن توسط آن‌ها منتفی است، زیرا:

بُت‌ها اجسام بی‌روح و بی‌جان هستند و انجام کار از آن‌ها غیرممکن است، یعنی:  
بُت‌ها نه هدایت‌شونده هستند و نه هدایت‌کننده.

۲. اگر معبود مشرکان موجودات با روح باشند از قبیل انسان، فرشته، جن و... در

این صورت نیز این معبودها نه قدرت خلق و آفرینش دارند و نه قدرت زنده کردن مرده‌ها، و حتّی قدرت این را ندارند که خودشان را از مرگ و فنا نجات دهند، لذا: این معبودها و خدایان ساختگی نمی‌توانند هدایت مردم را به عهده بگیرند و به همین جهت استحقاق و صلاحیت این را ندارند که مورد اطاعت و پیروی قرار بگیرند.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره یونس» و آیه قبل پس از اثبات این مسئله که معبودهای مشرکان و خدایان آن‌ها قدرت خلق و آفرینش و قدرت هدایت مردم را ندارند از انسان‌ها می‌خواهد و آن‌ها را مورد سؤال قرار می‌دهد که خودشان قضاوت داوری کنند که:

آیا خداوند متعال که مردم را با فرستادن پیامبران به طرف توحید و رستگاری هدایت می‌کند شایسته است مورد پیروی و اطاعت قرار بگیرد یا معبود مشرکان، که نه تنها نمی‌توانند دیگران را به سوی سعادت و رستگاری هدایت نمایند بلکه خودشان نیز نیازمند به هدایت می‌باشند.

بنابراین:

معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال می‌فرماید:

آیا کسی که مردم را به سوی حق و به سوی توحید و به سوی سعادت و رستگاری هدایت می‌کند «یعنی خداوند متعال و کسانی که به امر خداوند متعال مسئولیت هدایت مردم را به عهده دارند، یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام» استحقاق و شایستگی اطاعت و پیروی دارد و دارند، یا معبود و خدایان مشرکان و یا هر کس دیگری که خودش نیازمند هدایت است، یعنی:

فقط خداوند متعال باید مورد اطاعت قرار بگیرد زیرا مردم را به سوی حق و

سعادت هدایت می‌فرماید، همچنین:

فقط کسانی باید مورد اطاعت واقع شوند که به دستور خداوند متعال وظیفه هدایت مردم به سوی حق و سعادت را به عهده دارند و هدایت مردم را خداوند متعال به آن‌ها محوّل فرموده است، یعنی انبیاء الهی و در صدر همه آن‌ها وجود مقدّس پیامبر اکرم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَائِمَّةٍ مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ.

خداوند متعال در پایان این آیه شریفه با بیانی توییح آمیز و سرزنش گونه و با استفهام آمیخته با تعجب می فرماید:

فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ = شما را چه می شود، و چگونه قضاوت و داوری می کنید، یعنی: شما را چه می شود که غیر از خداوند قادر متعال چیزهای دیگر را می پرستید «غیر از خداوند متعال معبودهای دیگری انتخاب کرده اید» و از آن ها اطاعت می کنید در حالی که این معبودهای ساختگی یک زمانی نبودند و یک زمانی نیست خواهند شد و زمانی هم که هستند در ضعف و ناتوانی مطلق به سر می برند.

نتیجه آیه شریفه این می شود که:

واجب الاطاعة فقط خداوند متعال است و لا غیر، زیرا:

تنها خداوند متعال است که مردم را به سوی حق و سعادت هدایت می کند، و هدایت مردم انحصاراً مربوط به خداوند متعال می باشد و به همین لحاظ تبعیت و اطاعت مردم نیز باید از خداوند متعال باشد.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که تأویل آیه شریفه در رابطه با وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت آن حضرت می باشد «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» که حجت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و به دستور خداوند متعال وظیفه هدایت مردم را به عهده دارند و خداوند متعال اطاعت از آن ذوات مقدّسه را به همه مردم واجب فرموده است، بنابراین:

تأویل آیه شریفه «معنی باطنی آیه شریفه» این می شود که:

ایا محمّد و آل محمّد علیهم السّلام «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» که به دستور خداوند متعال مردم را به سوی توحید و به سوی حق و سعادت هدایت می کنند استحقاق تبعیت و پیروی دارند یا دیگران که خودشان نیز محتاج هدایت می باشند، یعنی:

ای مردم:

از محمّد و آل محمّد علیهم السّلام تبعیت و پیروی نمایید، زیرا:

آن ذوات مقدّسه حجّت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و وظیفه هدایت مردم را خداوند متعال به آن بزرگواران محوّل فرموده است.

### توضیحی پیرامون هدایت:

خداوند متعال در ابتدای این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره یونس» می فرماید:

قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِّلْحَقِّ، یعنی:

ای پیامبر:

به مشرکان بگو «به مردم بگو»:

تنها و فقط خداوند متعال مردم را به حق هدایت می کند، یعنی:

هدایت مردم به سوی حق و سعادت مختص ذات اقدس اله می باشد.

قابل ذکر است که:

موضوعاتی از قبیل:

عزّت، قدرت، دادن حیات، علم غیب، زنده کردن اموات، هدایت مردم و... اصالتاً متعلّق به خداوند متعال است و خداوند متعال به نحو اصالت آن‌ها را دارا می باشد

و هیچ کس غیر از خداوند متعال بالاصاله آن‌ها را ندارد، لذا:

خداوند متعال می فرماید:

إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً «آیه ۱۳۹ سوره نساء - آیه ۶۵ سوره یونس»

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً «آیه ۱۰ سوره فاطر»

أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً «آیه ۱۶۵ سوره بقره»، یعنی:

تمام عزّت و تمام قدرت از آن خداوند متعال است

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ «آیه ۵۹ سوره انعام»، یعنی:

کلیدهای غیب تنها نزد خداوند متعال است و غیب تنها برای خداوند متعال

است.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ «آیه ۱۰۹ و ۱۲۹ آل عمران - آیه ۱۳۱ سوره نساء»

یعنی:

آنچه در آسمان و زمین است از آن خداوند متعال است.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ «آیه ۵۸ سوره ذاریات» یعنی:

خداوند متعال روزی دهنده است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ «آیه ۱۵ سوره فاطر».

یعنی:

ای مردم:

شما همگی نیازمند به خداوند متعال هستید،

و تنها خداوند است که بی نیاز می باشد و شایسته هر گونه حمد و ستایش است.

بنابراین:

خداوند متعال:

قادر مطلق است،

غنی مطلق است،

عالم مطلق است،

حی مطلق است، و...، یعنی:

همه صفات کمال از قبیل:

علم، قدرت، رحمت، عزت و... اصالتاً متعلق به خداوند متعال است و خداوند متعال بالاصاله آن ها را دارا می باشد و به هر کس و به هر میزان که بخواهد اعطا می فرماید که از جمله این افراد انبیاء عظام الهی می باشند و در رأس همه آن ها وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» قرار گرفته اند، و به همین لحاظ این چهارده وجود مقدس و معصوم مظهر اتم و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می باشند و مظهریت این ذوات مقدسه در اعلى درجه می باشد.

یکی از موضوعاتی که اختصاص به ذات اقدس اله دارد مسئله هدایت انسان ها است که بالاصاله متعلق به خداوند متعال می باشد لیکن خداوند متعال با ارسال رسل بندگان خویش را هدایت می فرماید، یعنی:

وظیفه هدایت بندگان را به انبیاء و به اوصیاء آن ها محول می فرماید.

بنابراین:



وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام که خلیفه خداوند متعال در روی زمین هستند و حجت خداوند متعال بر مخلوقات خداوند متعال می‌باشند وظیفه هدایت مردم به سوی حق و به سوی سعادت و رستگاری را دارند و این وظیفه را خداوند متعال بر عهده آن‌ها محوّل فرموده است. گرچه هدایت انسان‌ها اصالتاً مربوط به خداوند متعال است لیکن خداوند متعال این ذوات مقدّسه را به عنوان خلیفه خویش و به عنوان حجت خویش برگزیده و انتخاب فرموده و هدایت مردم را به آن بزرگواران محوّل فرموده است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:

منظور از کسانی که مردم را به سوی حق دعوت و راهنمایی و هدایت می‌کنند و شایسته‌ترین افراد برای پیروی کردن می‌باشند و پیروی از آن‌ها را خداوند متعال واجب فرموده «تأویل آیه ۳۵ سوره یونس» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت می‌باشند.

در آیات شریفه دیگری نیز آمده که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام وظیفه هدایت مردم را به عهده دارند و خداوند متعال این وظیفه را بر عهده آن‌ها محوّل فرموده است.

این آیات شریفه را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید «جهت رعایت اختصار فقط به چند آیه شریفه اشاره می‌شود».

«وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، آیه ۱۸۱ سوره اعراف».

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، آیه ۷ سوره رعد».

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا، آیه ۷۳ سوره انبیاء».

ذیل این آیات شریفه و در بخش حدیث ذیل این آیات شریفه به عرض رسیده که:

وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم وظیفه هدایت مردم به سوی حق و سعادت و رستگاری را بر عهده دارند و

خداوند متعال این وظیفه را بر عهده آن ذوات مقدسه محول فرموده است.

بنابراین:

وجود مبارک چهارده معصوم علیهم السّلام به عنوان حجّت و خلیفه خداوند متعال و طبق دستور خداوند سبحان وظیفه هدایت مردم به سوی حق و به سوی توحید و به سوی خداوند متعال را دارند و به امر خداوند متعال لازم الاتباع و واجب الاطاعه هستند، لذا:

اطاعت از این ذوات مقدسه اطاعت از خداوند متعال است، و سرپیچی از دستورات این بزرگواران سرپیچی از دستورات خداوند سبحان می باشد، و قبلاً ذیل آیه ۵۹ سوره نساء و ۱۱۹ سوره توبه در این رابطه توضیحاتی به عرض رسیده است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:

محمّد و آل محمّد علیهم السّلام به دستور خداوند متعال هادی امّت به سوی حق می باشند و اطاعت و پیروی از آنها بر همگان واجب می باشد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

مقصود و مراد از هدایت به حق در این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره یونس» ایصال به مطلوب است نه ارائه طریق.

ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره «وَ إِذَا بُتِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ، قَالَ أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...» به عرض رسید که:

وظیفه نبی و رسول دریافت وحی از خداوند متعال و سپس ابلاغ وحی به مردم و ترویج و نشر احکام خداوند متعال و تربیت نفوس از طریق تعلیم و آگاهی بخشیدن می باشد، و به عبارت دیگر:

وظیفه نبی و رسول ابلاغ دستورات و احکام الهی است، یعنی:

هدایت انبیاء ارائه طریق است یعنی نشان دادن راه حق و نشان دادن راه سعادت و

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۹۴ - ۲۹۵.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۹۴ تا ۹۶ - ۹۸.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۴۹ - ۳۵۰.

رستگاری مردم از طریق نصیحت و موعظه حسنه، لیکن:  
وظیفه امام تحقّق بخشیدن به اهداف مذهب و پیاده کردن برنامه‌های دین می‌باشد،  
و در واقع:

نوع هدایت امام فقط ارائه طریق نیست، بلکه:  
نوع هدایت امام ایصال به مطلوب می‌باشد، یعنی:  
امام دست خَلق را گرفته و آن‌ها را به مقصد می‌رساند، لذا:  
هر جا که در قرآن کریم موضوع امامت مطرح شده هدایت هم به دنبال آن آمده  
است، آن هم هدایت به معنی ایصال به مطلوب نه فقط ارائه طریق.  
بنابراین:

چون وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم علاوه بر مقام رسالت و  
نبوت مقام امامت را نیز دارا بودند، لذا:  
آن حضرت و اهل بیت آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام وظیفه  
هدایت مردم را به عهده دارند، آن هم هدایت به معنی ایصال به مطلوب نه هدایت  
به معنی ارائه طریق، و این مقام و منصب را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا  
فرموده و این وظیفه خطیر را به عهده آن بزرگواران محوّل نموده است.  
به عبارت بهتر:

هدایت کردن مردم به سوی حق «به معنای هدایت ایصال به مطلوب و رساندن  
به مقصد» فقط شأن کسانی است که در امر هدایت بین آن‌ها و خداوند متعال  
واسطه‌ای وجود ندارد، یعنی آن‌ها کسانی هستند که حجّت خداوند متعال می‌باشند  
و مقام امامت دارند و بلاواسطه هدایت شده‌اند، یعنی:  
خداوند متعال شخصاً آن‌ها را هدایت فرموده و به عنوان حجّت خویش برگزیده و  
به آن‌ها مقام امامت اعطا فرموده و آن‌ها را مأمور به هدایت خلق نموده است.  
وجود مقدّس پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام  
در صدر همه هدایت‌کنندگان قرار گرفته‌اند و وظیفه هدایت خَلق را خداوند متعال بر  
عهده آن ذوات مقدّسه محوّل فرموده است.

ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره «وَإِذْ أَنْبَأْنَا إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ»،

و ذیل آیه ۱۸۱ سوره اعراف «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ»،  
و ذیل آیه ۷ سوره رعد «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»،  
و ذیل آیه ۷۳ سوره انبیاء «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» در رابطه با هدایت  
و اینکه پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام از جانب خداوند متعال مأمور  
شده‌اند تا مردم را به سوی حق و به صراط مستقیم الهی هدایت نمایند توضیحاتی  
به عرض رسیده و احادیثی از آن ذوات مقدّسه نقل شده است.  
اگر ملاحظه می‌فرمائید که خداوند متعال در آیه ۵۶ سوره قصص وجود مبارک  
پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می‌فرماید:  
إِنِّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ، یعنی:  
ای پیامبر تو نمی‌توانی هر کسی را که دوست داری هدایت کنی، لیکن خداوند  
متعال هر کسی را که بخواهد هدایت می‌کند،  
اینگونه آیات اصالت و تبعیت را بیان می‌فرمایند، یعنی:  
این آیات شریفه در صدد بیان این حقیقت هستند که خداوند متعال ذاتاً و حقیقتاً  
مالک این چیزها می‌باشد و دیگران به طور تبعی و عرضی و با تملیک خداوند  
متعال و با اذن خداوند متعال مالک این چیزها شده‌اند، یعنی:  
هدایت به سوی حق بالاصاله متعلّق به خداوند متعال است و لاغیر، و هادی  
واقعی و حقیقی فقط خداوند متعال است و بس، لیکن:  
خداوند متعال عده‌ای از بندگان خاص و مقرب خویش را برگزیده و آن‌ها را به  
عنوان حجّت و خلیفه خویش قرار داده و به آن‌ها مقام امامت اعطا فرموده و امر  
هدایت خلق را به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است، لذا بین این چهار آیه شریفه  
«آیه ۱۲۴ سوره بقره، آیه ۱۸۱ سوره اعراف، آیه ۷ سوره رعد، آیه ۷۳ سوره انبیاء»  
و آیه ۵۶ سوره قصص هیچگونه منافاتی وجود ندارد، یعنی:  
هدایت بالاصاله متعلّق به خداوند متعال است و لاغیر،  
لیکن خداوند متعال آن را «هدایت خلق به سوی حق را» به حُجج خویش و  
در صدر همه آن‌ها به پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت یعنی ائمه معصومین  
علیهم السّلام اعطا فرموده، و لذا این ذوات مقدّسه مسئولیت هدایت مردم به سوی

حق را بر عهده دارند.

به این ترتیب معنی آیه ۳۵ سوره یونس این می شود که: آیا کسی که مردم را به سوی حق هدایت می کند «یعنی خداوند متعال و به دستور خداوند متعال پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» شایسته پیروی و تبعیت هستند یا دیگران «کسانی که خودشان هدایت نمی شوند مگر اینکه هدایتشان کنند».

قابل ذکر است که:

غیر از موضوع هدایت موارد دیگر نیز همینطور هستند، مثلاً: علم غیب که بالاصاله متعلق به خداوند متعال است و در آیات مختلفی به این قضیه اشاره شده است «آیه ۳۳ سوره بقره، آیه ۷۳ سوره انعام، آیه ۲۰ سوره یونس، آیه ۳۱ سوره هود، آیه ۷۷ سوره نحل، آیه ۹۲ سوره مؤمنون، آیه ۶۵ سوره نمل، آیه ۳۸ سوره فاطر، آیه ۱۸ سوره حجرات و...» و خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره انعام به این موضوع اشاره نموده و می فرماید:

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ، یعنی: کلیدهای غیب تنها نزد خداوند متعال است و جز خداوند سبحان کسی آن‌ها را نمی داند.

آیات فوق‌الاشاره همه مبین این مطلب هستند که:

علم غیب بالاصاله فقط و فقط مربوط به خداوند متعال است و بس، و غیر از خداوند متعال هیچ کس علم غیب ندارد «یعنی هیچ کس مستقلاً و بالاصاله علم غیب ندارد مگر اینکه خداوند متعال به او آموخته باشد و اعطا فرموده باشد»، لیکن:

خداوند متعال در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره جن می فرماید:

«عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا، آیه ۲۶»

«الَّذِينَ مِنْ أَرْضِ تَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ...، آیه ۲۷»، یعنی:

عالم به غیب فقط خداوند متعال است و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد «آیه ۲۶».

مگر رسولانی که آنان را برگزیده و انتخاب فرموده است.

ذیل این دو آیه شریفه توضیحاتی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که خداوند متعال از علم غیب خویش به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام اعطا فرموده و آن ذوات مقدّسه را بر اسرار غیب خویش مّطلع نموده است، بنابراین:

عِلْمِ غِیْبِ بِالْاِصَالَةِ مُتَعَلِّقٌ بِخُدَاوْنِدِ مُتَعَالٍ اِسْتِ و لاغیر، لیکن خداوند متعال هر مقدار که اراده فرموده به حُجَجِ خَوِیْشِ و در صدر همه به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام اعطا فرموده است، همچنین:

مَالِکِیَّتِ هَمَّهٔ هَسْتِی بِالْاِصَالَةِ مُتَعَلِّقٌ بِخُدَاوْنِدِ مُتَعَالٍ اِسْتِ و لاغیر، و در آیات مختلفی به این موضوع اشاره شده است «آیه ۲۸۴ سوره بقره، آیه ۱۲۹ و ۱۸۰ آل عمران، آیه ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۷۱ سوره نساء، آیه ۱۸ سوره مائده، آیه ۶۴ سوره نور و...» و در این آیات شریفه آمده که:

لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ و مَا فِی الْاَرْضِ، یعنی:

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند متعال می باشد و متعلّق به خداوند متعال است، یعنی:

آنچه که در آسمانها و زمین است «یعنی تمام هستی و تمام مخلوقات» بالاصاله متعلّق به خداوند متعال است و لاغیر، لیکن:

خداوند متعال در آیه ۱۲۸ سوره اعراف می فرماید:

اِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ، یُورِثُهَا مَنْ یَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، یعنی:

زمین از آن خداوند متعال است و متعلّق به او است، و خداوند متعال آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می کند، یعنی:

زمین و آسمانها و آنچه در آنها است بالاصاله متعلّق به خداوند متعال است و لاغیر، لیکن خداوند متعال آنها را به هر کدام از بندگان خویش که بخواهد اعطا می فرماید:

ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۲۸ سوره اعراف»،

و ذیل آیه ۱۱ سوره حدید «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده اند:

آنچه که متعلق به خداوند متعال است به پیامبر اکرم تعلق دارد، و آنچه که به پیامبر اکرم تعلق دارد به اوصیاء آن حضرت یعنی به ائمه معصومین علیهم السّلام متعلق می‌باشد، یعنی:

همه دنیا به آن ذوات مقدّسه تعلق دارد، زیرا:

آن ذوات مقدّسه خلفاء خداوند متعال بوده و خداوند متعال هر آنچه را که اراده فرموده به آن بزرگواران تملیک فرموده است، بنابراین:

همه موارد فوق‌الاشاره و موارد دیگری که از ذکر آنها خودداری شد بالاواله و حقیقتاً متعلق به خداوند متعال هستند و خداوند سبحان ذاتاً و حقیقتاً این امور را دارا می‌باشد و هر مقدار که اراده فرموده به حُجج خویش و در صدر همه به پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت یعنی به ائمه معصومین علیهم السّلام اعطا نموده و واگذار کرده است که یکی از اینها موضوع هدایت است، آن هم هدایت به معنای ایصال به مطلوب که خداوند متعال به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام اعطا فرموده و در آیه ۳۵ سوره یونس فرموده:

آیا کسی که «کسانی که» مردم را به سوی حق و به سوی خداوند متعال هدایت می‌کنند «یعنی خداوند متعال و به امر خداوند متعال پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت» شایسته تبعیّت و پیروی هستند یا دیگران «یعنی این ذوات مقدّسه شایسته تبعیّت و پیروی هستند و باید اطاعت شوند».<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. عبدالعزیز بن مسلم می‌گوید:

ما در زمان امام رضا علیه السّلام در مرو بودیم و روز جمعه‌ای مردم در مسجد جامع این شهر راجع به امر امامت گفتگو می‌کردند.

من پس از شنیدن صحبت‌های مردم خدمت امام رضا علیه السّلام شرفیاب شده و موضوع صحبت مردم درباره امامت را به محضر امام رضا علیه السّلام عرضه داشتم.

عبدالعزیز بن مسلم می‌گوید:

۱. المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۹۹ تا ۱۰۴.

وجود مقدّس امام رضا صلوات الله و سلامه علیه پس از شنیدن عرایض من فرمودند:

موضوع امامت از کمال دین است و خداوند متعال در حَجَّةُ الْوَدَاعِ به پیامبر اکرم دستور فرمود تا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب بفرماید، و پس از انتصاب آن حضرت به عنوان امام مسلمین خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمود:

«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا، آیه ۳، سوره مائده، یعنی: امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین و آئین جاودان شما پذیرفتم».

امام رضا علیه السّلام سپس فرمودند:

پس، هر کس گمان کند که خداوند متعال دینش را کامل نکرده این شخص قرآن را رد نموده است و هر کس قرآن کریم را رد کند به آن کافر است.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در ادامه بیانات خویش فرمودند:

به درستی که امامت قدرش والاتر، شأنش بزرگتر، منزلتش عالی تر، مکانش مینع تر از آن است که مردم بتوانند با عقل خودشان به آن برسند و یا با انتخاب خودشان امامی منصوب کنند.

امامت مقامی است که خداوند متعال بعد از مرتبه نبوّت به حضرت ابراهیم اختصاص داد و آن حضرت را به فضیلت امامت مشرّف ساخته و به او فرمود:

«اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا، آیه ۱۲۴، سوره بقره، یعنی: تو را امام مردم قرار دادم».

حضرت ابراهیم پس از انتصاب به امامت از نهایت خوشحالی و از فرط شَعَف و شادی به خداوند متعال عرض کرد:

«وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، آیه ۱۲۴، سوره بقره، یعنی: خداوندا از فرزندان من و از نسل من نیز امامانی قرار بده».

و خداوند متعال در پاسخ به درخواست حضرت ابراهیم به او فرمود:

«لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ، آیه ۱۲۴، سوره بقره، یعنی: پیمان من به ستمکاران نمی رسد، یعنی امر امامت فقط اختصاص به معصومین دارد و غیر معصوم به امامت



نخواهد رسید»، بنابراین :

خداوند متعال در آیه شریفه «آیه ۱۲۴ سوره بقره» امر امامت را تا روز قیامت برای ظالمین و گنهکاران و غیرمعصومین ابطال فرموده و امامت را مخصوص برگزیدگان و منتخبین خودش قرار داده است.

امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دستور خداوند متعال امامت را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب سپرده و آن حضرت را به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند، و پس از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امامت فقط در میان فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام است و از نژاد پاک و نسل مطهر و پاکیزه فاطمه بتول سلام الله علیها می باشد تا روز قیامت،  
بنابراین:

این نادانان و جاهلان از کجا و به چه دلیل برای خودشان امام انتخاب می کنند «کسانی که غیر از ائمه معصومین علیهم السلام افراد دیگری را به عنوان امام خویش انتخاب نموده اند».

امام رضا علیه السلام سپس فرمودند:

به درستی که امامت خلافت و جانشینی خدا و رسول خدا است و مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشد.

امام مانند خورشید نورانی و طالع است که نورش عالم را فرا گرفته و جایگاهش در افق به گونه ای است که نه دستها به آن می رسد و نه دیدگان می توانند آن را ببینند.

امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ای است که هادی و راهنمای مردم در شب های تاریک و بیابان های بی آب و علف و دریا های خروشان است. امام، امین خداوند است در میان خلقتش و حجت او بر بندگانش و خلیفه و جانشین خدا در بلاش «خلیفه خدا در روی زمین» و دعوت کننده مردم به سوی خداوند متعال.

امام، از گناهان پاک است و از عیوب مبرّا، امام، نظیر و مانند ندارد و همه فضائل مخصوص امام است بی آنکه خود امام در طلبش رفته باشد و آن را به دست آورده باشد، بلکه: خداوند متعال با فضل خویش همه فضائل را به امام اعطا فرموده است.

امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: کیست که بتواند امام را بشناسد و یا انتخاب امام برای او ممکن باشد، هیئات که در این وادی عقل‌ها سرگردانند و حکیمان و عالمان متحیر. خطبا و سخنوران، عقلا و ادبا و شعرا و حکما و ... عاجز و ناتوان هستند از اینکه بتوانند شأنی از شئون و فضیلتی از فضائل امام را توصیف نموده و آن را وصف نمایند.

چگونه ممکن است تمام اوصاف و حقیقت امام را بیان نمود و یا مطلبی از امر امام را فهمید، هرگز چنین چیزی ممکن نیست.

امام کجا و انتخاب بشر کجا،

امام کجا و عقل بشر کجا،

امام کجا و مثل و ماندی برای او کجا،

امامت فضلی است که خداوند متعال به هر کس که می‌خواهد اعطا می‌فرماید، امام از نسل زهرای بتول است «سلام الله علیها» و اطاعتش واجب می‌باشد. خداوند متعال از علم و حکمت خویش آنچه را که به دیگران نداده به ائمه علیهم السلام داده و در حق ائمه معصومین علیهم السلام فرموده:

«أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ،

آیه ۳۵، سوره یونس».<sup>۱</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۸۳ تا ۲۹۰، حدیث ۱ «حدیث ۵۱۸».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، فرمایش امام رضا علیه السلام در وصف امام جلد اول، باب ۲۰، صفحه ۴۴۴ تا ۴۵۸، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۷۳، حدیث ۶۰ «حدیث ۴۵۱۵».

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام راجع به یک موضوع قضاوتی کردند که بی سابقه بود و احدی قبل از آن حضرت اینگونه قضاوت نکرده بود و این قضاوت اوّلین قضاوت آن حضرت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بود، و موضوع از این قرار بود که:

پس از رحلت پیامبر اکرم و رسیدن خلافت به ابوبکر مردی که مشروب خورده بود دستگیر شد و عوامل حکومت او را نزد ابوبکر آوردند تا حکم اسلام درباره او اجرا شود.

ابوبکر به او گفت:

آیا شراب خورده‌ای؟

آن مرد اقرار به شراب خوردن نموده و گفت که شراب خورده است.

ابوبکر به او گفت:

چرا شراب خوردی در حالی که می‌دانی خوردن شراب حرام است.

آن مرد گفت:

من تازه مسلمان شده‌ام و محلّ سکونت من جایی است که اکثر مردمان آن‌جا شراب می‌خورند و آن را حلال می‌دانند و اگر می‌دانستم که خوردن شراب حرام است هرگز شراب نمی‌خوردم.

ابوبکر به عمر بن خطاب گفت:

ای اباحفص:

تو راجع به این مرد چه حکمی می‌دهی؟

عمر بن خطاب به ابوبکر گفت:

این قضیه یک معضل بزرگ و پیچیده‌ای است که از عهد ابوالحسن «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام» برمی‌آید.

ابوبکر به غلام خود دستور داد تا نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام رفته و آن حضرت را به آن‌جا «دارالحکومه» دعوت نماید.

عمر بن خطاب به ابوبکر گفت:

برای شنیدن قضاوت باید به خانه قاضی مراجعه نمود و بدین ترتیب ابوبکر و عمر و مرد شرابخوار به منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عزیمت نمودند تا آن حضرت قضاوت نماید.

وقتی ماجرای آن مرد شرابخوار به حضرت امیر علیه السلام عرض شد آن حضرت به ابوبکر فرمود:

مردی را که شراب خورده به مجلس و محلّ اجتماع مهاجرین و انصار ببرید و از مهاجرین و انصار سؤال کنید که آیا کسی از آنها آیه تحریم شراب را به آن مرد خوانده است یا نه.

وقتی آن مرد را در جمع مهاجرین و انصار حاضر نمودند و از مهاجرین و انصار سؤال کردند که آیا فردی از شما آیه تحریم شراب را برای این مرد خوانده است یا نه، هیچ یک از مهاجرین و انصار نگفتند که ما آیه تحریم شراب را به او خوانده ایم «هیچ یک از مهاجرین و انصار آیه تحریم شراب را برای آن مرد نخوانده بودند».

پس از این قضیه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دستور فرمود تا آن مرد را رها کنند «چرا که نمی دانسته در دین اسلام شراب خوردن حرام است».

سلمان فارسی که از ابتدا تا انتهای ماجرا در محضر حضرت امیر علیه السلام بود به آن حضرت عرض کرد:

یا ابالحسن: آن‌ها را خوب هدایت و راهنمایی فرمودی

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به سلمان فارسی فرمود:

من فقط خواستم مضمون این آیه شریفه را در مورد خودم و آنان «ابوبکر و عمر

و سایرین» تأکید کنم که خداوند متعال می فرماید:

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ، أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَى، آیه ۳۵، سوره یونس»<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ

أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَى، آیه ۳۵ سوره یونس» تلاوت می فرمود که یکی از

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۷۳، حدیث ۶۲ «حدیث ۴۵۱۷».

اصحاب آن حضرت از آن حضرت سؤال نمود که:

یا بن رسول الله:

فرد مورد نظر آیه شریفه چه شخصی است «مقصود از کسی که مردم را هدایت می کند چه شخصی است».

امام صادق علیه السلام فرمودند:

آن شخص امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث را عمرو بن ابی القاسم از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

منظور از مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ، «کس یا کسانی که مردم را به سوی حق هدایت می کنند» در این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره یونس» محمد و آل محمد علیهم السلام می باشند،

و منظور از مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى، «کسانی که خودشان هدایت نمی شوند مگر آنکه هدایتشان کنند» در این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره یونس» مخالفین اهل بیت پیامبر اکرم می باشند، اعم از اینکه از قریش باشند یا غیر قریش.

این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۵. وجود مبارک مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ضمن

یک حدیث طولانی فرمودند:

سخنم را بشنوید «دستورم را اطاعت کنید» تا خداوند متعال شما را هدایت کند، به خدا قسم:

اگر از من اطاعت کنید گمراه نمی شوید،

و اگر از دستورات من سرپیچی نمایید رشد نمی یابید و هدایت نمی شوید.

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۷۵، حدیث ۶۳ «حدیث ۴۵۱۸».

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۸۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۷۳، حدیث ۶۱ «حدیث ۴۵۱۶».

«اطاعت از دستورات حضرت امیر علیه السلام یعنی هدایت یافتن، و سرپیچی از دستورات آن حضرت یعنی گمراه شدن».

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پایان فرمایشات خویش این آیه شریفه را «أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ، أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ، آیه ۳۵، سوره یونس» تلاوت فرمودند.<sup>۱</sup>

۶. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت آن حضرت مورد ظلم و ستم قرار گرفتند و حقوق آنها غصب شد و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در اثر حمله و هجوم مخالفین ولایت به منزل آن علیا مخدّره بین در و دیوار قرار گرفته و به شدت مجروح شدند و در اثر همین جراحات به فاصله کمی از رحلت پیامبر اکرم به شهادت رسیدند «هفتاد و پنج روز یا نود و پنج روز پس از رحلت پیامبر اکرم».

هنگامی که صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در بستر بیماری بودند عده‌ای از زنان مهاجرین و انصار به عیادت آن حضرت رفته و به آن حضرت عرض کردند:

ای دختر پیامبر:

شب را چگونه به صبح رساندی

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها پس از حمد و ثنای خداوند متعال زنان مهاجرین و انصار را مخاطب قرار داده و به آنها فرمود:

به خدا سوگند:

در حالی شب را به صبح رساندم که:

از دنیای شما ناراضی هستم،

و از مردان شما بیزار هستم «به جهت تنها گذاشتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و بیعت با دیگران».

آنان را «مردان مهاجر و انصار» پس از امتحان به دور انداختم،

و پس از مشاهده نیت سوء و رفتارهای نابهنجارشان از همه آنها کناره‌گیری

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۷۳، حدیث ۵۹ «حدیث ۴۵۱۴».

نمودم «پس از رحلت پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به همراه فاطمه زهرا سلام الله علیها به درب منازل مهاجرین و انصار مراجعه فرمودند و آنها را به یاری طلبیدند تا حق خودشان را از غاصبین باز پس بگیرند، لیکن جز عده‌ای معدود و انگشت‌شمار بقیه آنها پاسخ مثبت ندادند».

حضرت زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

البتة من این‌ها را «مهاجرین و انصار را» به راه حق دعوت نمودم و حقایق را بر آنها ظاهر و آشکار کردم «در رابطه با حقانیت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و اهل بیت پیامبر اکرم»، اما آنها اقدامی نکردند، پس:

مرگ بر آنان باد و لعنت بر قوم ظالمین.  
وای بر این امت،

چه چیز آنها را از ستون‌های استوار رسالت و اساس نبوت و هدایت گمراه ساخت «یعنی از حضرت امیر علیه السلام».

چه چیز آنها را از مهبط وحی «محل هبوط و نزول وحی یعنی منزل پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت» جدا ساخت،

چه چیز آنها را از کسی که دانا و عالم به امور دنیا و آخرت بود جدا ساخت «یعنی از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام».

حضرت زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش به زنان مهاجرین و انصار فرمود:

آگاه باشید و بدانید که:

این انحراف، خُسران آشکار و خُسران مبین است «انحراف از خط ولایت و امامت و تنها گذاشتن اهل بیت پیامبر اکرم».

چرا اینگونه ابوالحسن را عقوبت کردند «چرا اینگونه به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ظلم کردند و حق آن حضرت را غصب کردند و به بیت آن حضرت که محل نزول ملائکه بود حمله کردند و سیده نساء دو جهان را مجروح نمودند».

به خدا قسم:

این مجازات «تنها گذاشتن آن حضرت و غصب حقوق آن بزرگوار» به خاطر این

بود که:

آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه السلام» در اجرای حق ملاحظه نمی فرمود و در اجرای فرامین الهی بی مهابا بود.  
به خدا قسم:

اگر تمام امت از راه سعادت منحرف می شدند علی بن ابیطالب علیه السلام همه آنها را هدایت کرده و به راه می آورد و آنها را به سر منزل مقصود می رساند و آنها را سعادت مند و خوشبخت می کرد «اگر آن حضرت را به عنوان امام خویش انتخاب می کردند و آن حضرت را تنها نمی گذاشتند».  
این کاش می دانستند که:

هتک حرمت چه ذریه ای را نمودند «هتک حرمت ذریه پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت»،

ظالمان مبادله بدی کردند «تنها گذاشتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و خانه نشین کردن آن حضرت و رفتن به سراغ دیگران»،  
آگاه باشید که آنان مفسدانند لیکن خودشان نمی دانند، وای بر آنان.  
وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

«أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ، أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ، آیه ۳۵، سوره یونس»، یعنی علی علیه السلام شایسته پیروی است یا دیگران.<sup>۱</sup>

۷. در ایام خلافت عثمان بن عفان گروهی از مهاجرین و انصار در مسجد النبی اجتماع و هر کدام از افراد دو گروه «گروه مهاجرین - گروه انصار» در خصوص فضائل و امتیازات خویش سخن گفته و به آنها مباحثات می نمودند «خدماتی که به اسلام نموده اند».

در این اجتماع بیش از دویست نفر از مهاجرین و انصار حضور داشتند که اسامی

---

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت زهرا سلام الله علیها.  
بر زنان مهاجرین و انصار، صفحه ۲۴۶ تا ۲۵۰، حدیث ۵۰.



تعدادی از آن‌ها از این قرار است.

سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، طلحه بن عبیدالله، زبیر بن عوام، عماریاسر، مقداد، ابوذر، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، محمد بن ابوبکر، عبدالله بن جعفر، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابویوب انصاری، ابوهیثم بن تیهان، قیس بن سعد بن عباد، جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک، زید بن ارقم و ... .

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و حسنین سلام‌الله علیهما نیز در گوشه‌ای از مسجد حضور داشتند لیکن صحبت نمی‌فرمودند.

پس از گذشت مدتی عده‌ای از مهاجرین و انصار به محضر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام آمده و از آن حضرت تقاضا نمودند تا مطلبی بفرماید.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مهاجرین و انصار حاضر در مسجدالنبی را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

آیا به این نکته پی برده‌اید و متوجه این امر شده‌اید که تمام این خیرات دنیوی و اخروی که به آن‌ها رسیده‌اید تنها و تنها به خاطر ما اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد.

آنگاه حضرت امیر علیه‌السلام شروع به صحبت نموده و به گوشه‌ای از فضائل و مناقب خویش و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره فرمودند که قسمت‌هایی از آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

حضرت امیر علیه‌السلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم فرمودند «روز

هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری»:

مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَىٰ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، یعنی:

هر کس که من به او از خودش اختیاردارتر هستم علی بن ابیطالب نیز به آن فرد

از خودش اختیاردارتر می‌باشد،

حضرت امیر علیه‌السلام سپس فرمودند:

چگونه می‌شود که کسانی که من از آن‌ها برتر هستم و از خودشان به خودشان

اختیاردارتر هستم امیر و حاکم من باشند.

حضرت امیر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

پیامبر اکرم درباره من فرمودند:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرُ النَّبُوَّةِ، یعنی:

نسبت تو به من مثل نسبت هارون است به حضرت موسی جز نبوت، و چنانچه استثنایی غیر از نبوت بود پیامبر اکرم به آن اشاره می فرمود.

حضرت امیر علیه السلام سپس فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ:

كِتَابَ اللهِ وَعِثْرَتِي،

لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا،

لَا تَتَقَدَّمُوهُمْ وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُمْ،

وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ،

فَيَنْبَغِي أَنْ لَا يَكُونَ الْخَلِيفَةُ عَلَى الْأُمَّةِ إِلَّا أَعْلَمَهُمْ بِكِتَابِ اللهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ، وَقَدْ قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ،

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ، أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَى، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ،

آیه ۳۵، سوره یونس»، یعنی:

من شما را ترک می کنم و دو ودیعه گرانبها به یادگار می گذارم،

کتاب خدا «قرآن کریم»،

و عترت و اهل بیتم.

اگر شما به آن دو تمسک نمایید و چنگ بزیند هرگز گمراه نخواهید شد.

ای مردم:

ایشان را تعلیم ندهید «اهل بیتم را»،

و هیچ کس را بر آنان مقدم ندارید،

و از ایشان جا نمانید،

و از آن ها تخلف نورزید «از دستورات آن ها تخلف نکنید»، زیرا:

اهل بیت من از همه شما داناتر و عالم تر هستند «اعلم به همه شما هستند»،

و شایسته است که:

خلیفه خدا و رسول عالم‌ترین مردم به کتاب و سنت باشد «خلیفه خدا و رسول باید عالم‌ترین فرد به قرآن کریم و سنت و سیره پیامبر اکرم باشد»، همچنان که خداوند متعال فرموده «أَقْمَنُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ...»، یعنی:

آیا کسی که مردم را به سوی حق هدایت می‌کند شایسته تبعیت و پیروی است، یا کسی که «کسانی که» نیازمند به هدایت دیگران هستند «آیه ۳۵ سوره یونس». این حدیث را سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) طبق این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره یونس» و احادیث ذیل این آیه شریفه کسانی استحقاق و شایستگی تبعیت و پیروی دارند که مستقیماً به وسیله خداوند متعال به صراط مستقیم الهی هدایت شده باشند و خداوند متعال هدایت خلق را به آن‌ها سپرده باشد، یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام، بنابراین: این ذوات مقدسه که خلیفه خداوند متعال بر روی زمین بوده و حجت خداوند متعال بر مخلوقات می‌باشند و بلاواسطه به وسیله خداوند متعال هدایت شده‌اند «خداوند متعال شخصاً آن بزرگواران را به راه حق هدایت نموده»، به امر خداوند متعال مأمور هدایت خلق به سوی حق می‌باشند و اطاعت از آن‌ها واجب می‌باشد و خداوند متعال اطاعت از آن ذوات مقدسه را واجب نموده و صریحاً در این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره یونس» فرموده:

آیا کسانی که «کسی که» مردم را به سوی حق هدایت می‌کنند استحقاق و شایستگی آن را دارند که پیروی شوند و مورد اطاعت قرار بگیرند یا دیگران که نیازمند به هدایت می‌باشند.

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه‌السلام بر زنان مهاجرین و انصار، صفحه ۳۰۰ تا ۳۲۶ «صفحه ۳۱۴ و ۳۱۵»، حدیث ۵۶.

ب) در آیه ۵۹، سوره نساء «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، و آیه ۱۱۹، سوره توبه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»، و احادیث ذیل این آیات شریفه و جوب اطاعت از محمد و آل محمد علیهم السلام صریحاً بیان شده، ضمن اینکه:

ذیل آیه ۵۵، سوره مائده «أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»،

و ذیل آیه ۶۷ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» و احادیث ذیل این آیات شریفه به عرض رسیده که:  
 اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی ائمه معصومین علیهم السلام بر مردم ولایت دارند و اطاعت از آنها واجب است.

ج) عرض شد که:

محمد و آل محمد علیهم السلام خلیفه خداوند متعال بر روی زمین بوده و حجت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند و خداوند متعال هدایت بندگان خویش را به آن ذوات مقدسه و اگذار فرموده است، و در آیات شریفه ای که ذیلاً ملاحظه می فرمائید «و احادیث ذیل این آیات شریفه» صریحاً به این موضوع اشاره شده است.

«وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدُّونَ، آیه ۱۸۱، سوره اعراف»؛

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، آیه ۷، سوره رعد»؛

«وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا، آیه ۷۳، سوره انبیاء»؛

ضمناً، ذیل آیه ۱۲۴، سوره بقره «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ قَالَ أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» در رابطه با امامت و هدایت و تفاوت بین امام و نبی، و تفاوت بین هدایت به معنی ارائه طریق و هدایت به معنی ایصال به مطلوب توضیحاتی به عرض رسیده است.

### آیه ۵۳ سوره یونس:

«وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ، قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ»

#### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

کفار و مشرکین و مجرمین از تو می پرسند که:

آیا آن حق است و محقق شدنی است «و عده عذاب الهی».

ای پیامبر:

به آن‌ها بگو: آری،

به پروردگرم سوگند که عده عذاب الهی حق است و محقق شدنی است و شما

نمی توانید از آن جلوگیری کنید.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

نَبَأٌ = خبر؛

اسْتَنْبَاءٌ = خبرگیری، خبر گرفتن؛

عَجَزٌ = ناتوانی، درماندگی؛

عَاجِزٌ = ناتوان، درمانده؛

مُعَاجِزَةٌ = عاجز کردن.<sup>۲</sup>

آیات قبل در رابطه با کیفر و مجازات کافرین و مشرکین بود و صحبت در رابطه

با عجله و شتاب آن‌ها در رابطه با قیامت بود و آن‌ها سؤال کرده بودند که این قیامت

و عده عذاب الهی کی و چه زمانی محقق خواهد شد.

این آیه شریفه «آیه ۵۳ سوره یونس» و آیات بعد نیز در ادامه موضوع آیات قبل

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۲.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۸۴.

۲. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۱.

مفردات راغب.

بوده و به آن‌ها اشاره دارد.

در این آیه شریفه «آیه ۵۳ سوره یونس»، خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می‌فرماید:

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ = خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:  
ای پیامبر:

کفار و مشرکین و منافقین «مخالفین اسلام» از روی تعجب و استفهام از تو می‌پرسند که:

آیا آنچه را که از قرآن و احکام آورده‌ای «از قبیل: وقایع روز قیامت، حساب و کتاب مردم در محشر، عذاب شدن کفار و مشرکین و منافقین، بهشت رفتن مؤمنین و نیکان و...» حق است و واقعیت دارد و واقعاً محقق خواهد شد.

قابل ذکر است که:

حق در این آیه شریفه در مقابل باطل نیست بلکه منظور این است که:

کفار و مشرکین و منافقین و مخالفین اسلام سؤال می‌کنند که:

آیا این مجازات و عذابی که به کفار و مشرکین و منافقین وعده داده شده راست است و واقعیت دارد و محقق خواهد شد.

اگر حق در مقابل باطل قرار بگیرد و معنی شود «به معنی وسیع کلمه»، در این صورت حق شامل هر واقعیت موجود می‌شود، و نقطه مقابل آن معدوم و باطل می‌باشد.

به هر حال معنی آیه شریفه تا این جا این می‌شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

مخالفین اسلام «اعم از کفار و مشرکین و منافقین» از تو می‌پرسند که:

آیا این وعده و وعیدهایی که از جانب خداوند متعال می‌دهی راست است و واقعاً محقق خواهد شد «وعده دادن به مؤمنین در رابطه با بهشت رفتن آن‌ها و دادن وعید به غیر مؤمنین در رابطه با جهنم رفتن آن‌ها و چشیدن عذاب دردناک جهنم».

سؤال و پرسش کفار و مشرکین از وجود مبارک پیامبر اکرم «که آیا واقعاً و

حقیقتاً وعده و وعیدهای خداوند متعال محقق خواهد شد و مؤمنین به بهشت خواهند رفت و متنعم به انواع نعمات بهشتی خواهند شد و غیرمؤمنین وارد جهنم خواهند شد و عذاب الیم و دردناک جهنم را خواهند چشید» دو حالت می‌تواند داشته باشد:

۱. واقعاً کفار و مشرکین در شک و تردید بودند که آیا واقعاً قیامتی وجود دارد و در آن روز خداوند متعال به مؤمنین پاداش نیک خواهد داد و به غیرمؤمنین عذاب و عقاب، و به جهت همین شک و تردید خویش از پیامبر اکرم سؤال می‌کردند که آیا قیامتی هست و این وعده و وعیدهایی که شما می‌دهید محقق خواهد شد.

۲. بعضی نیز معتقدند که:

سؤال و پرسش کفار و مشرکین از پیامبر اکرم در رابطه با قیامت و وعده و وعیدهای خداوند متعال از روی شک و تردید نبوده که پس از دریافت پاسخ به حقیقت پی برده و ایمان بیاورند، بلکه اساساً سؤال و پرسش کفار و مشرکین از روی استهزاء و تمسخر بوده و اصولاً اعتقادی به فرمایشات پیامبر اکرم و آیات شریفه قرآن کریم نداشتند.

در هر صورت، قصد و نیت کفار و مشرکین هر چه که باشد خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می‌فرماید که ای پیامبر:

به آنها بگو:

قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ = ای پیامبر به آنها بگو: آری،

به پروردگرم سوگند که این یک حقیقت و یک واقعیت است و هیچ شک و تردیدی در آن نیست و تمام وعده و وعیدهایی که خداوند متعال به مؤمنین و غیرمؤمنین داده «دادن پاداش نیک به مؤمنین و دادن عذاب و عقاب به کفار و مشرکین و منافقین» قطعاً محقق خواهد شد و صورت خواهد گرفت و طی آن مؤمنین به بهشت خواهند رفت و غیر مؤمنین رهسپار جهنم خواهند گردید.

خداوند متعال در انتهای آیه شریفه کفار و مشرکین و منافقین «یعنی غیرمؤمنین»

را مورد خطاب قرار داده و به آنها می‌فرماید:

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ = و شما هرگز نمی‌توانید از آن جلوگیری کنید، یعنی:  
 اگر شما کفار و مشرکین و منافقین و مخالفین خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه  
 معصومین علیهم‌السلام فکر می‌کنید که می‌توانید از چنگ مجازات الهی فرار کنید  
 سخت در اشتباه هستید و هرگز نمی‌توانید از عذاب خدا جلوگیری کنید و او را با  
 قدرت خود ناتوان سازید.

و خلاصه کلام اینک:

خداوند متعال در انتهای آیه شریفه به این مطلب تأکید می‌فرماید که عذاب و  
 مجازات الهی حتمی است و تخطی‌ناپذیر، و گناهکاران هرگز نمی‌توانند از عذاب  
 خداوند متعال جلوگیری کنند و از چنگ مجازات الهی فرار نمایند.  
 در آیه بعد «آیه ۵۴ سوره یونس» خداوند متعال روی شدت و عظمت عذاب  
 روز قیامت تأکید نموده و می‌فرماید:

عذاب الهی آنچنان وحشتناک و هولناک است که اگر هر یک از دوزخیان «هر یک از  
 اهل جهنم» مالک و صاحب تمام ثروت‌های روی زمین باشند حاضرند همه آن ثروت‌ها  
 را بدهند تا از این عذاب عظیم رهایی یابند اما هیبت که کسی از آنها نمی‌پذیرد «اهل  
 جهنم چیزی ندارند اگر هم داشتند از آنها پذیرفته نمی‌شد»، و این پشیمانی و ندامت  
 سودی به حالشان ندارد و سر سوزنی از عذاب آنها کاسته نخواهد شد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

آنچه که ملاحظه فرمودید مربوط به تنزیل و ظاهر آیه شریفه بود که:  
 کفار و مشرکین و منافقین از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم  
 سؤال می‌کردند و می‌پرسیدند که:

آیا این وعده و وعیدهایی که می‌دهی «به بهشت رفتن مؤمنین و به جهنم رفتن  
 غیر مؤمنین» راست است و محقق خواهد شد.

این آیه شریفه یک معنی باطنی و یک تأویل نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۲ - ۳۱۳.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۸۵ - ۳۸۶.



حدیث بیان خواهد شد و خلاصه آن این است که:

این سؤال و پرسش مربوط به منافقین امت اسلام است که از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می پرسیدند که آیا موضوع ولایت و امامت مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حق است و از جانب خداوند متعال می باشد،

و خداوند متعال نیز به پیامبر اکرم می فرماید ای پیامبر:

قُلْ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ، یعنی:

ای پیامبر:

به آن ها بگو:

آری، به پروردگرم سوگند که این یک واقعیت است و هیچ شک و تردیدی در آن نیست.

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از وَ يَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ این است که:

از پیامبر اکرم می پرسیدند «منافقین امت» که:

آیا آنچه که در رابطه با علی بن ابیطالب علیه السلام می گویی «در رابطه با ولایت

و امامت آن حضرت» راست است و حقیقت دارد.

و مقصود از قُلْ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر به آن ها بگو: آری،

به پروردگرم سوگند که آنچه درباره علی بن ابیطالب علیه السلام می گویم «در رابطه

با امامت و ولایت آن حضرت» حق است و شما نمی توانید از آن جلوگیری کنید.<sup>۱</sup>

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۷، حدیث ۸۷ «حدیث ۱۱۶۶».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۸، حدیث ۴.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۷۴ «حدیث ۴۵۲۹».

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ، قُلْ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ - آیه ۵۳ سوره یونس» فرمودند:  
 مقصود از «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ» در این آیه شریفه این است که:  
 خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید که ای پیامبر:  
 اهل مکه از تو می پرسند که آیا علی بن ابیطالب امام است.  
 و خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید که ای پیامبر:  
 قُلْ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ، یعنی:  
 ای پیامبر به آن ها بگو:  
 آری، به خدا سوگند که علی بن ابیطالب امام است.  
 این حدیث را یحیی بن سعد از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. از وجود مبارک امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ، قُلْ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ - آیه ۵۳ سوره یونس» سؤال شد، و آن حضرت درباره این آیه شریفه فرمودند:  
 مقصود این آیه شریفه این است که:  
 عده ای از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سؤال می کردند که:  
 ای محمّد:  
 آیا علی بن ابیطالب وصی و جانشین تو می باشد.  
 و خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید که ای پیامبر به آن ها بگو:  
 آری، به خدا قسم علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۹، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۷۵ «حدیث ۴۵۳۰».

امالی شیخ صدوق، صفحه ۱۰۵۱، مجلس نود و ششم، حدیث ۷.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۹، حدیث ۶.

**توضیح:**

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم طی ۲۳ سال رسالت خویش بارها و بارها «چه در مکه و چه در مدینه» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش به مردم معرفی می فرمودند که یک نمونه آن در سال سوّم بعثت بود که پیامبر اکرم در حضور حدود چهل نفر از اقوام و بستگان نزدیک خویش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش معرفی نموده و فرمودند:

إِنَّ هَذَا عَلِيٌّ، أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ،

فَأَسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ، یعنی:

این علی بن ابیطالب، برادر من، وصی من و جانشین من می باشد،  
پس:

سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید.

پس از این قضیه بود که تعدادی از این چهل نفر موقع ترک منزل پیامبر اکرم با استهزاء و تمسخر به حضرت ابوطالب علیه السلام گفتند که از الآن به بعد گوش به فرمان پسرت باش «علی علیه السلام» و او را اطاعت کن. قابل ذکر است که در آن زمان حضرت امیر علیه السلام سیزده سال از عمر مبارکشان می گذشت.

حدیثی را که ملاحظه فرمودید به حدیث یوم الدّار معروف است و ذیل آیه ۲۱۴ سوره شعرا «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» به این حدیث شریف اشاره شده است.

آنچه که روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم به وقوع پیوست اعلام عمومی ولایت و امامت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب توسط پیامبر اکرم بود که در حضور دهها هزار نفر از حجّاج بیت الله الحرام صورت گرفت که پس از انجام مناسک عازم دیار خویش بودند.

تعداد جمعیت حاضر در محلّ غدیر خم بین هفتاد هزار تا یکصد و بیست هزار نفر گفته شده است.

در بین این مسلمانان افرادی بودند که ظاهراً به پیامبر اکرم ایمان داشتند و

واجبات را نیز انجام می‌دادند لیکن اعتقاد و ایمان قلبی راسخ و محکمی نداشتند و در دلشان نفاق بود که از آن‌ها به عنوان منافقین اَمّت یاد می‌شود و این‌ها همان کسانی هستند که بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم حضرت امیر علیه‌السلام را تنها گذاشته و سراغ دیگران رفتند.

جالب توجه این است که:

این منافقین حتّی در زمان حیات پیامبر اکرم نیز از آن حضرت سؤال می‌کردند که این احکامی را که درباره علی بن ابیطالب علیه‌السلام صادر می‌فرمایی و او را به عنوان امام مسلمین معرفی می‌نمایی از جانب خداوند متعال نازل شده است یا اینکه نظر خودتان می‌باشد، و پیامبر اکرم نیز می‌فرمودند از جانب خداوند متعال است و من طبق دستور خداوند متعال حکم می‌کنم.

در این رابطه فقط به یک حدیث شریف اشاره می‌شود.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

وقتی امر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد وجود مبارک پیامبر اکرم به اصحاب فرمودند:

سَلِّمُوا عَلَيَّ بِنِ ابِي طَالِبٍ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

برخیزید و با عنوان و لقب امیرالمؤمنین به علی بن ابیطالب علیه‌السلام سلام بدهید و حتّی به آن دو نفر فرمود:

قُومَا وَسَلِّمَا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

شما دو نفر از جا برخیزید و با عنوان امیرالمؤمنین به علی بن ابیطالب علیه‌السلام سلام بدهید.

آن دو نفر به پیامبر اکرم عرض کردند:

فَقَالَا: أَمِنَ اللَّهُ أَوْ مِنْ رَسُوْلِهِ يَا رَسُوْلَ اللَّهِ، یعنی:

یا رسول الله:

این امر از جانب خداوند متعال است یا از جانب خود شما می‌باشد.

وجود مبارک پیامبر اکرم به آن دو نفر فرمود:

مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُوْلِهِ، یعنی:

از جانب خدا و رسول خدا می باشد.

این حدیث را زید بن جهّم هلالی از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

---

۱. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۵۲، حدیث ۱ «حدیث ۷۵۷».

### آیه ۵۷ و ۵۸ سوره یونس:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» آیه ۵۷.

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» آیه ۵۸.

### ترجمه:

خداوند متعال مردم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:  
ای مردم:  
پند و اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است،  
و درمانی برای آنچه در سینه‌ها است،  
و هدایت و رحمتی است به مؤمنین «آیه ۵۷»، سپس:  
خداوند متعال وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد  
خطاب قرار داده و به آن حضرت می فرماید:  
ای پیامبر به مردم بگو:  
به فضل و رحمت خداوند متعال و به قرآن کریم خوشحال و شادمان باشید که  
این‌ها برای شما بهتر است از آنچه که دیگران گردآوری نموده‌اند «آیه ۵۸».<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

آیات قبل سخن از قرآن کریم و وعده و وعیدهای آن بود و در این آیه شریفه  
«آیه ۵۷ سوره یونس» نیز صحبت درباره قرآن کریم است و طی آن خداوند متعال  
تمام مردم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:  
یا أَيُّهَا النَّاسُ: ای مردم  
خطاب خداوند متعال در این آیه شریفه متوجه تمام مردم است و خداوند متعال  
همه انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می فرماید:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۴.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۸۹.

قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ = از جانب خداوند متعال به سوی شما موعظه و پند و اندرز آمده است.

مقصود از موعظه و پند در این آیه شریفه همان قرآن کریم است، یعنی خداوند متعال انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می‌فرماید: ای مردم:

از جانب خداوند متعال قرآن کریم به سوی شما آمده است که دارای این صفات می‌باشد، و آنگاه به چهار صفت قرآن کریم اشاره شده است.

۱. مَوْعِظَةٌ = قرآن کریم پند و اندرز است.

موعظه یعنی دعوت انسان‌ها به نیکی و دور کردن آن‌ها از فساد و بدی، و به عبارت دیگر:

موعظه یعنی:

الف: تذکر دادن به نیکی‌ها «امر به معروف»

ب: دور کردن از بدی‌ها «نهی از منکرات و زشتی‌ها»

دوّمین صفتی که در این آیه شریفه برای قرآن کریم بیان شده این است که قرآن کریم:

۲. وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ = قرآن کریم شفای بیماری‌های دل و شفای بیماری‌های

روحی است از قبیل:

بخل، کینه، حسد، حرص، شرک، نفاق و ...

و به عبارت دیگر:

قرآن کریم نسخه شفابخشی است برای بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماری‌های

اخلاقی و اجتماعی،

سوّمین صفتی که در این آیه شریفه برای قرآن کریم بیان شده این است که قرآن

کریم:

۳. هُدًى = باعث هدایت انسان‌ها است، یعنی:

قرآن کریم کتاب هدایت است که خداوند متعال آن را به پیامبر اکرم نازل فرموده تا انسان‌ها را از ضلالت و گمراهی نجات داده و به سوی حقّ و به صراط مستقیم الهی هدایت نماید.

قرآن کریم کتاب هدایت است برای هدایت همه انسان‌ها، و خداوند متعال قرآن کریم را برای هدایت همه مردم نازل نموده و فرموده:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ، يَعْنِي:

آن چند روز معدود را که باید روزه بگیرید ماه رمضان است، همان ماهی که قرآن کریم در آن ماه نازل شده است، و همان قرآنی که باعث هدایت مردم است «ناس»، و دارای نشانه‌های هدایت و معیارهای سنجش حقّ و باطل می‌باشد.

با اینکه قرآن کریم برای هدایت همه جهانیان و تمام مردم نازل شده لیکن در آیه دوّم سوره بقره آمده که:

ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ، يَعْنِي:

قرآن کریم کتاب با عظمتی است که شکّ و تردید در آن راه ندارد و باعث هدایت متّقین «پرهیزکاران» است، و یا در آیه ۱۳۸ سوره آل عمران آمده که:

هٰذَا بَيِّنَاتٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِيْنَ، يَعْنِي:

قرآن کریم بیان روشنی است برای همه کسانی که بخواهند طریق تعالی را بیمایند،

و هدایت و پند و اندرزی است برای متّقین «پرهیزکاران».

ذیل آیه اوّل تا پنجم سوره بقره توضیحات کاملی به عرض رسیده که:

قرآن کریم کتاب هدایت است برای همه انسان‌ها، و اساساً ارسال رُسل و انزال کُتب آسمانی برای هدایت همه انسان‌ها می‌باشد و مخصوصاً هدف قرآن کریم نیز هدایت کردن همه مردم می‌باشد، لیکن فقط متّقین «پرهیزکاران» از هدایت قرآن کریم بهره‌مند می‌شوند، پس اگر عنوان شده که قرآن کریم کتاب هدایت است اما فقط برای متّقین «آیه دوّم سوره بقره» و یا:

عنوان شده که قرآن کریم کتاب هدایت و همچنین موعظه و پند و اندرز است



اما فقط برای متّین «آیه ۱۳۸ سوره آل عمران»، مقصود این است که:

فقط متّین از نور قرآن کریم بهره‌مند شده و هدایت می‌شوند.

ذیل آیات اوّل تا پنجم سوره بقره و ذیل آیات ۵۴ و ۵۵ سوره قمر «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ - فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند:

مقصود از متّین در آیات شریفه قرآن کریم شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند «شیعیان اثنی عشری».

در آیه ۱۳۸ سوره آل عمران هم ملاحظه فرمودید که خداوند متعال فرمودند:

قرآن کریم کتاب هدایت است، همچنین:

قرآن کریم موعظه و اندرز است لیکن فقط برای متّین، یعنی:

فقط متّین از نور قرآن کریم و هدایت قرآن کریم و موعظه و پند و اندرز قرآن

کریم بهره می‌برند و منتفع می‌شوند، یعنی:

فقط شیعیان و پیروان ائمه معصومین علیهم السّلام از نور قرآن کریم و از هدایت

قرآن کریم و از مواظب قرآن کریم بهره‌مند می‌شوند، گرچه خداوند متعال قرآن

کریم را برای هدایت تمام انسان‌ها نازل فرموده است.

چهارمین صفتی که در این آیه شریفه «آیه ۵۷ سوره یونس» برای قرآن کریم بیان

شده این است که قرآن کریم:

۴. وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ = قرآن کریم رحمت است اما برای مؤمنین.

منظور از رحمت تمام نعمات مادی و معنوی خداوند متعال است که شامل حال

مؤمنین می‌شود، لذا:

قرآن کریم نعمت عظیم خداوند متعال است اما فقط برای مؤمنین،

یعنی:

قرآن کریم نعمتی است که خداوند متعال به بشریت عرضه فرموده است و همه

انسان‌ها می‌توانند به نحو احسن از این نعمت عظیم الهی بهره‌مند شوند، لیکن فقط

مؤمنین هستند که قدر این نعمت عظیم را دانسته و از آن بهره‌مند می‌شوند.

قابل ذکر است که:

هرگاه رحمت به خداوند متعال نسبت داده شود به معنی نعمت بخشیدن خداوند متعال می باشد،

و هرگاه رحمت به انسان‌ها نسبت داده شود به معنی رقت قلب و عطوفت و مهربانی می باشد.

عرض شد که قرآن کریم نعمت عظیم خداوند متعال می باشد که همگان می توانند از آن بهره‌مند شوند لیکن فقط مؤمنین از این نعمت عظیم الهی منتفع می شوند و سود می برند.

مؤمنین کسانی هستند که دارای ایمان کامل باشند، یعنی:

کسانی که به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال و به نبوت و رسالت پیامبر اکرم و به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام اعتقاد و ایمان راسخ و محکم داشته باشند، و فقط در این صورت است که می توانند از این موهبت عظیم الهی یعنی از قرآن کریم بهره‌مند شوند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:

کسانی که به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام ایمان نداشته باشند به رسالت نبی مکرم اسلام ایمان نیاورده‌اند، یعنی:

انکار امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام به منزله انکار نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و اینگونه افراد «منکرین ولایت و امامت» هیچ‌گاه از هدایت و رهبری قرآن کریم بهره‌مند نخواهند شد، بنابراین:

قرآن کریم:

۱. موعظه و پند و اندرز است

۲. شفای بیماری‌های دل و بیماری‌های روحی و روانی است،

۳. کتاب هدایت انسان‌ها است و انسان‌ها را به سوی حق هدایت می کند،

۴. رحمت و نعمت الهی است.

قرآن کریم با این اوصافی که در این آیه شریفه «آیه ۵۷ سوره یونس» بیان شد

برای همه جهانیان و تمام انسان‌ها آمده است و همگان می‌توانند از این سفره پرفیض الهی بهره‌مند شوند لیکن فقط متّقین و مؤمنین از این کتاب آسمانی بهره‌مند می‌شوند، یعنی فقط شیعیان و پیروان ائمه معصومین علیهم‌السلام از نور و موعظه و هدایت و رحمت قرآن کریم بهره‌مند می‌شوند و روح و روان و قلب آن‌ها از انواع بیماری‌ها دور شده و به صحت و سلامت کامل می‌رسد.

لازم به ذکر است که:

ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»  
و آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ»  
و آیه ۵ سوره مائده «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ».  
و آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده «يُرِيدُونَ أَن يُخْرِجُوكَ مِنَ النَّارِ».  
و آیه ۵۴ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ»  
و آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا»  
و آیه ۲۵ سوره انفال «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»  
و آیه ۲۵ و ۲۶ سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ  
أَدْبَارِهِمْ»

در رابطه با منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده و به سرنوشت شومی که در انتظار آن‌ها است اشاره شده است.

ملاحظه فرمودید که:

قرآن کریم:

موعظه، شفا، هدایت و رحمت است، لیکن برای مؤمنین «یعنی فقط مؤمنین که همان شیعیان هستند از این همه مواهب الهی بهره‌مند می‌شوند».

خداوند متعال در آیات شریفه دیگری نیز به این قضیه اشاره فرموده است،

مثلاً در آیه ۸۲ سوره اسراء آمده است که:

وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ، وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

ما قرآن کریم را نازل می‌کنیم که برای مؤمنین شفا و رحمت است اما به ظالمین و ستمگران جز خُسران و زیان بیشتر چیزی بر آنها نمی‌افزاید.  
در تفسیر صافی، برهان و نورالثقلین ذیل این آیه شریفه از امام باقر و امام کاظم علیهما السّلام احادیثی نقل شده که فرموده‌اند:

قرآن کریم برای مؤمنین شفا و رحمت است، و برای کسانی که به آل محمّد علیهم السّلام ظلم نموده‌اند افزایش زیان و خسران است، یعنی: کسانی که به آل محمّد علیهم السّلام ظلم نمودند، و کسانی که به این ظالمان کمک نمودند، و کسانی که به این ظلم‌ها راضی بودند «هستند» و به آن رضایت دارند، هیچ‌گاه قرآن کریم برای آنها شفا و رحمت نیست بلکه باعث افزایش زیان و خسران آنها می‌شود. به عرض رسید که:

قرآن کریم:

موعظه و شفا و هدایت و رحمت است برای مؤمنین یعنی برای شیعیان اثنی عشری، یعنی:

قرآن کریم باعث رستگاری و سعادت دنیوی و اخروی شیعیان می‌شود. در رابطه با اینکه مقصود از مؤمنینی که خداوند متعال به آنها وعده بهشت داده است شیعیان می‌باشند به یک آیه شریفه اشاره می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حدید می‌فرماید:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

ای پیامبر:

روز قیامت روزی است که مؤمنین را می‌بینی «مردان و زنان مؤمن و مؤمنه» که نور آنها پیشاپیش و جلو آنها، همچنین از طرف راست آنها به سرعت در حرکت است «این نور راهنمای آنها است».

به این مؤمنین و مؤمنات گفته می‌شود:

بشارت باد بر شما امروز بهشت‌هایی که از زیر درختان آن‌ها نهرها جاری است، جاودانه و برای همیشه در آن خواهید ماند و این همان رستگاری بزرگ و عظیم است.

ذیل این آیه شریفه و سه آیه بعد «آیات دوازدهم تا پانزدهم سوره حدید» توضیحات کاملی ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که مقصود از مؤمنین و مؤمنات در این آیه شریفه شیعیان اثنی عشری می‌باشند. به عنوان تیمن و تبرک به یک حدیث نورانی و شریف که از ناحیه وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام صادر شده اشاره می‌شود.

وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیات شریفه «آیات دوازدهم تا پانزدهم سوره حدید» فرمودند:

این آیات شریفه درباره ما و شیعیان ما، همچنین درباره کفار و دشمنان ما نازل شده است «آیات سیزدهم تا پانزدهم سوره حدید درباره غیرمؤمنین می‌باشد و به سرنوشت شوم آن‌ها در روز قیامت اشاره می‌فرماید».

امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: وقتی که قیامت می‌شود به امر خداوند متعال دیواری کشیده می‌شود که داخل و باطن آن نور است و رحمت، و بیرون آن و خارج آن ظلمت است و عذاب. به امر خداوند متعال ما و شیعیان ما در داخل قرار می‌گیریم که محل نور است و رحمت الهی،

و دشمنان ما و کفار در خارج قرار می‌گیرند که محل ظلمت است و عذاب. در همین حال دشمنان ما، ما را صدا می‌کنند و می‌گویند: آیا ما در دنیا با شما و همراه شما نبودیم. آن‌ها به ائمه معصومین علیهم‌السلام و شیعیان آن ذوات مقدسه می‌گویند «در ادامه صحبت‌های خویش»:

در دنیا پیامبر ما و شما یکی بود «پیامبر ما و شما پیامبر اکرم بود»،  
در دنیا نماز ما و شما یکی بود «ما و شما نماز می‌خواندیم»،  
در دنیا روزه ما و شما یکی بود «ما و شما روزه می‌گرفتیم»،

در دنیا حج ما و شما یکی بود «ما و شما حج به جا می آوریم».

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

پس از اینکه دشمنان ما در روز قیامت این مطالب را اظهار نمودند به دستور خداوند متعال یکی از ملائکه مقرب الهی در جواب دشمنان ما به آنها می گوید: بله، شما اینگونه بودید که گفتید «یعنی ظاهراً مسلمان بودید و فرائض را به جا می آوردید، یعنی نماز می خواندید، روزه می گرفتید، حج به جا می آوردید و همچنین سائر فرائض»، لیکن:

پس از رحلت پیامبر اکرم از صراط مستقیم منحرف شدید و از دستورات پیامبر اکرم سرپیچی نمودید،

آرزوهای طولانی و دور و دراز شما را فریب داد،

شیطان شما را فریب داد «نتیجه همه اینها این شد که ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را نپذیرفتید»، بنابراین:

امروز «روز قیامت» از شما منافقین و کفار فدیهای پذیرفته نمی شود، و حسنه و عمل صالحی در پرونده اعمال شما یافت نمی شود «آن همه نماز و روزه و حج و سایر عبادات از بین رفته اند و حبط شده اند» که بخواهید به وسیله آن خودتان را از عذاب الهی خلاص نمائید، و جایگاه شما و کفار آتش جهنم است.

بنابراین، منظور از مؤمنین و مؤمنات در این آیه شریفه «آیه ۱۲ سوره حدید» شیعیان هستند.<sup>۱</sup>

و خلاصه کلام اینکه:

قرآن کریم و آیات شریفه آن:

موعظه و شفا و هدایت و رحمت است و همگان می توانند از آن بهره مند شوند،

لیکن:

فقط متقین و مؤمنین از آن بهره می برند، یعنی شیعیان اثنی عشری، لذا:

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۷۴۴، حدیث ۴.

«ذیل آیه ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ سوره حدید».

قرآن کریم و آیات شریفه آن:

موعظه و شفا و هدایت و رحمت است برای شیعیان اثنی عشری، یعنی فقط و فقط شیعیان دوازده امامی از نعمات عظیم قرآن کریم بهره‌مند می‌شوند، و دیگران از قرآن کریم هیچ بهره‌ای نمی‌برند، جز اینکه به زیان و خسران آن‌ها افزوده می‌شود «آیه ۸۲ سوره اسراء»

خداوند متعال پس از اینکه در این آیه شریفه «آیه ۵۷ سوره یونس» به این نعمت بزرگ الهی یعنی به قرآن کریم اشاره فرمود و چهار صفت از صفات قرآن کریم را بیان فرمود، در آیه بعد «آیه ۵۸ سوره یونس» به تکمیل موضوع اهمیت این نعمت بزرگ الهی یعنی قرآن کریم پرداخته و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌فرماید که ای پیامبر:

به مردم بگو:

قُلْ = ای پیامبر به مردم بگو:

بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا = ای مردم:

به فضل خداوند متعال و به رحمت بی‌پایان خداوند سبحان و به این کتاب آسمانی یعنی به قرآن کریم خوشحال و شادمان و مسرور باشید، نه به این دنیای بی‌اعتبار و زوال‌پذیر و ثروت‌ها و مقامات دنیوی که همه فناپذیر و از بین رفتنی هستند.

خداوند متعال در انتهای این آیه شریفه می‌فرماید:

هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ = بهتر است از چیزهایی که آن‌ها جمع می‌کنند، یعنی:

فضل خداوند متعال و رحمت او و قرآن کریم به مراتب بهتر است از چیزهایی که مردم جمع می‌کنند.

بنابراین:

معنی آیه ۵۸ سوره یونس این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

ای مردم:

به فضل خداوند متعال و به رحمت واسعه حقّ تعالی و به قرآن کریم خوشحال و مسرور و شادمان باشید که این سه نعمت و این سه عطیه الهی به مراتب بهتر و برتر است از جمیع چیزهایی که مردم جمع‌آوری می‌کنند.  
خلاصه کلام اینک:

این سه سرمایه عظیم یعنی:

۱. فضل خداوند متعال

۲. رحمت واسعه خداوند سبحان

۳. قرآن کریم

به مراتب بهتر و با ارزش‌تر هستند از جمیع چیزهایی که انسان‌ها در این دنیا جمع‌آوری می‌کنند «از قبیل ثروت، مقام و ...»، لذا:  
خداوند متعال به وسیله پیامبر اکرم به مؤمنین و به تمام مردم دستور می‌دهد که ای مردم:

به داشتن این سه نعمت و سه موهبت و سه عطیه خداوند متعال مسرور و شادمان باشید، زیرا:

این سه نعمت عظیم الهی از تمام ثروت‌ها و امکانات و مقامات دنیوی به مراتب برتر و بالاتر می‌باشند و اصلاً قابل قیاس با آن‌ها نیستند «از چیزهایی که انسان‌ها در دنیا مشغول جمع‌آوری آن‌ها هستند».

**مقصود از فضل و رحمت خداوند متعال در این آیه شریفه چیست؟**

فضل و رحمت یک معنی ظاهری دارند که مفسّرین محترم بیان فرموده‌اند و ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود، همچنین:

فضل و رحمت در این آیه شریفه معنی باطنی و تأویلی نیز دارند که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم‌السّلام صادر شده و انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

معنی فضل و رحمت در این آیه شریفه از نظر مفسّرین:

فضل و رحمت هر دو به معنی نعمت می‌باشند لیکن با تفاوت‌هایی که ملاحظه



خواهید فرمود.

بعضی معتقدند که:

فضل اشاره به نعمت‌های ظاهری است «به تعبیر دیگر نعمات مادی»،

و رحمت اشاره به نعمت‌های باطنی «به تعبیر دیگر نعمات معنوی».

بعضی معتقدند که:

فضل اشاره به نعمت‌های عام خداوند متعال است که خداوند متعال به دوست

و دشمن اعطا فرموده،

و رحمت اشاره به نعمت‌های ویژه خداوند متعال است که خداوند متعال آن را

به دوستان اختصاص داده است، یعنی به مؤمنین.

بعضی معتقدند که:

فضل اشاره به آغاز نعمات الهی است،

و رحمت اشاره به دوام نعمات دارد.

بعضی معتقدند که:

فضل اشاره به نعمات بهشتی است،

و رحمت اشاره به غفران و آمرزش الهی دارد.

غالب این معانی که ذکر شد با هم تضادی ندارند و ممکن است همه در مفهوم

جامع فضل و رحمت جمع باشد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

بیشتر مفسرین از جمله علامه طباطبایی معتقدند که:

فَبَدِّلِكَ فَلْيَفْرَحُوا در آیه ۵۸ سوره یونس اشاره به فضل و رحمت خداوند متعال

دارد که در این آیه شریفه آمده است، لذا در این صورت معنی آیه ۵۸ سوره یونس

این می‌شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

۱. تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۸۹ تا ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۶.

فقط به فضل و رحمت خداوند متعال خوشحال و مسرور باشند که این دو سرمایه عظیم «فضل و رحمت خداوند متعال» به مراتب بهتر و بالاتر است از جمیع چیزهایی که جمع‌آوری می‌کنند. اینک مقصود از فضل و رحمت خداوند متعال در این آیه شریفه چیست و معنی باطنی و تأویل آن‌ها چیست انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ - آیه ۵۸ سوره یونس» فرمودند: اقرار به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام «و اقتداء به آن حضرت» بهتر و بالاتر است از همه ثروت و دارایی مخالفین ما «اقرار به نبوت پیامبر اکرم و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام بهتر و با ارزش‌تر است از آنچه که مخالفین ولایت و امامت آن ذوات مقدسه در دنیا جمع‌آوری می‌کنند، یعنی فضل اشاره به نبوت است و رحمت اشاره به امامت».

این حدیث را ابو حمزه از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ - آیه ۵۸ سوره یونس» فرمودند: مقصود از فضل خداوند متعال در این آیه شریفه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد،

و مقصود از رحمت خداوند متعال در این آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین

۱. المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۳۷.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۵، حدیث ۸۸ «حدیث ۴۵۴۳».

علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

در توضیحات ذیل آیه ۵۸ سوره یونس به عرض رسید که فضل و رحمت هر دو به معنی نعمت می باشند با این تفاوت که:

برخی از مفسرین معتقدند که:

فضل اشاره به آغاز و شروع نعمت است،

و رحمت اشاره به دوام نعمت می باشد.

در توضیحات ذیل آیات شریفه سوره تکاثر به عرض رسید که:

نعمت نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نعمت وجود آن حضرت، همچنین: نعمت امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و نعمت وجود آن ذوات مقدسه مهم ترین نعماتی هستند که خداوند متعال به بشریت اعطا فرموده و روز قیامت از مردم در رابطه با این نعمت عظیم سؤال خواهد فرمود که آیا مردم قدردان این نعمت عظیم بودند یا نه «نعمت نبوت پیامبر اکرم و نعمت امامت و ولایت ائمه معصومین علیه السلام»، و آیه هشتم سوره تکاثر «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» اشاره به همین موضوع دارد، یعنی:

نعمت نبوت پیامبر اکرم و نعمت امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام عالی ترین نعمتی است که خداوند متعال به مردم اعطا فرموده است و روز قیامت راجع به این نعمت عظیم از مردم سؤال خواهد نمود.

عرض شد که فضل و رحمت هر دو به معنی نعمت می باشند با این تفاوت که:

فضل اشاره به شروع نعمت دارد،

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۶.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۶۰.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۳، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۳، حدیث ۸۴ «حدیث ۴۵۳۹».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۹۵.

و رحمت اشاره به دوام نعمت می‌نماید.

در این دو حدیث شریف که از امام باقر علیه‌السلام نقل شد آن حضرت فرمودند که: مقصود از فضل خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵۸ سوره یونس» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و نبوّت آن حضرت می‌باشد، یعنی شروع و آغاز اعطای نعمت عظیم خداوند متعال به بندگان خویش،

و مقصود از رحمت خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵۸ سوره یونس» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام و امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه می‌باشد، یعنی:

دوام و استمرار نعمت عظیم خداوند متعال به بندگان، لذا:

فضل یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم و نبوّت آن حضرت یعنی شروع و آغاز نعمت، و

رحمت یعنی:

وجود مبارک ائمه معصومین علیهم‌السلام و امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه

یعنی دوام و استمرار نعمت عظیم الهی، بنابراین:

نبوّت پیامبر اکرم و امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام عظیم‌ترین

نعمت خداوند متعال به مخلوق می‌باشند، که:

آغاز این نعمت عظیم نبوّت است و شخص پیامبر اکرم یعنی فضل خداوند

متعال، و دوام و استمرار این نعمت عظیم امامت و ولایت است و شخص امام یعنی

رحمت خداوند متعال.<sup>۱</sup>

۳. محمد بن فضیل می‌گوید:

خدمت امام رضا علیه‌السلام عرض کردم:

مقصود از این آیه شریفه چیست که خداوند متعال در آیه ۵۸ سوره یونس به

پیامبر اکرم می‌فرماید:

۱. المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۶۰.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۹۵.

ای پیامبر به مردم بگو که به فضل و رحمت خداوند متعال خوشحال و مسرور باشند که این فضل و رحمت الهی به مراتب بهتر است از آنچه که مردم در دنیا آن‌ها را جمع‌آوری می‌کنند.

وجود مبارک امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

مقصود این آیه شریفه «آیه ۵۸ سوره یونس» این است که ای مردم:

به ولایت محمد و آل محمد علیهم‌السلام خوشحال و مسرور باشید که این ولایت به مراتب بهتر است از چیزهایی که آن‌ها «دیگران - مخالفین ولایت» در دنیا جمع می‌کنند.

«فضل و رحمت خداوند متعال در این آیه شریفه یعنی ولایت محمد و آل محمد علیهم‌السلام»<sup>۱</sup>.

۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ - آیه ۵۸ سوره یونس» فرمودند:

شیعیان ما با پذیرش ولایت ما بایستی خوشحال و شادمان باشند، زیرا:

این ولایت به مراتب بهتر از طلا و نقره‌ای است که به دشمنان ما داده شده است. این حدیث را اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

در این حدیث شریف نیز ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام به فضل و رحمت خداوند متعال تطبیق شده است.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۳ و ۲۹۴، حدیث ۵۵ «حدیث ۱۱۳۴».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۳، حدیث ۸۵ «حدیث ۴۵۴۰».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۵، حدیث ۸۷ «حدیث ۴۵۴۲».

۵. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سوار بر مرکبی از شهر بیرون می‌رفتند «احتمالاً منظور مدینه می‌باشد» و حضرت علی علیه السّلام نیز با پای پیاده همراه پیامبر اکرم حرکت می‌کردند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت فرمود:  
ای ابوالحسن:

یا بر مرکب سوار شو یا اینکه به شهر بازگرد «به مدینه برگرد»، زیرا:  
خداوند متعال به من دستور فرموده که:

هر گاه من بر مرکب سوار بودم تو نیز باید سواره باشی،  
اگر من پیاده بودم تو نیز باید پیاده باشی،

اگر من نشسته بودم تو نیز باید بنشینی، مگر زمانی که بخواهی حدود الهی را جاری نمایی و حدود الهی را اجرا کنی که در این صورت چاره‌ای جز نشستن و برخاستن نیست.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال هر فضیلتی را که به من اعطا فرموده آن را به تو نیز اعطا فرموده است جز نبوّت و رسالت،

خداوند متعال نبوّت و رسالت را به من اختصاص داده و تو را وصی و جانشین من قرار داده است و این تو هستی که حدود الهی را اجرا می‌کنی.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مجدداً امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

قسم به خداوندی که مرا مبعوث به رسالت فرمود،

هر کس که منکر تو باشد به من ایمان نیاورده است «انکار امامت یعنی انکار

نبوّت و رسالت»،

هر کس که با تو مخالفت کند و حق تو را نشناسد «به عنوان جانشین پیامبر اکرم

و امام مسلمین» به من اقرار نکرده است، هر کس به تو کفر بورزد «امامت تو را منکر شود و آن را نپذیرد» به من ایمان نیاورده است «انکار ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام یعنی انکار نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و انکار رسالت آن حضرت یعنی خروج از اسلام»، آنگاه وجود مبارک پیامبر اکرم این آیه شریفه را «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ - آیه ۵۸ سوره یونس» تلاوت نموده و فرمودند: مقصود از فضل خداوند متعال در این آیه شریفه نبوت پیامبر شما می باشد «یعنی نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، مقصود از رحمت خداوند متعال در این آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است، مقصود از فَبِذَلِكَ در این آیه شریفه نبوت و ولایت می باشد، مقصود از فَلْيَفْرَحُوا در این آیه شریفه شیعیان هستند که خداوند متعال به آن ها امر فرموده تا خوشحال و مسرور باشند، و مقصود از هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ در این آیه شریفه یعنی پذیرش نبوت من و پذیرش ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام بهتر است از اموال و اولادی که مخالفین شیعه «غیر شیعیان» در دنیا جمع آوری می کنند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف:** طبق این حدیث نورانی و شریف که ملاحظه فرمودید معنی این آیه شریفه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ - آیه ۵۸ سوره یونس» و تأویل آن این می شود که: خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می فرماید که ای پیامبر:

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱ و ۵۲، حدیث ۶.  
تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۳، حدیث ۸۶ «حدیث ۴۵۴۱».  
تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹۲.

به شیعیان بگو که آن‌ها به نبوت تو و به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام خوشحال و شادمان و مسرور باشند که پذیرش نبوت و رسالت تو و پذیرش ولایت و امامت دوازده امام معصوم «از حضرت امیر علیه السلام تا امام زمان سلام الله علیه» توسط شیعیان برای آن‌ها به مراتب بهتر است از اموال و اولادی که غیر شیعیان در این دنیا جمع آوری می‌کنند، و در واقع این آیه شریفه و احادیث ذیل آن مژده و بشارتی هستند به شیعیان اثنی عشری که بدانند بر حق می‌باشند و خدا و رسول خدا از آن‌ها راضی و خشنود می‌باشند و انشاء الله تعالی به فضل خداوند متعال وارد بهشت خواهند شد و از انواع نعمات جاوید بهشتی بهره‌مند خواهند گردید.

ب: ذیل آیه پنجم سوره مائده «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»،

و ذیل آیه ۲۵ سوره انفال «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»

احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرموده اند هر کس ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را انکار کند و پس از رحلت من در رابطه با مسند امامت و خلافت مسلمین به علی بن ابیطالب علیه السلام ظلم کند مثل این است که نبوت و رسالت من و نبوت انبیاء قبل از من را انکار نموده است.

ج: ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده اند که تنها فرقه ناجیه «تنها فرقه‌ای که اهل نجات است» شیعیان اثنی عشری «شیعیان دوازده امامی» هستند.



## آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس:

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» آیه ۶۲.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» آیه ۶۳.

«لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ، لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ، ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

آیه ۶۴.

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ای مردم بدانید و آگاه باشید که:

اولیاء خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند «آیه ۶۲»؛

اولیاء خدا کسانی هستند که:

به خدا و رسول ایمان آورده و پرهیزکار بوده اند «پرهیز می کنند» آیه ۶۳؛

اولیاء خدا را بشارت است در زندگی دنیا و آخرت «اولیاء خدا در زندگی دنیا و

در آخرت شاد و مسرور هستند»

وعده های خداوند متعال تخلف ناپذیر است،

و این است آن رستگاری بزرگ «آیه ۶۴»<sup>۱</sup>.

## شرح لغات و توضیحات:

اولیاء = جمع ولی می باشد به معنی عدم واسطه میان دو چیز، یعنی از بین رفتن حائل

و واسطه بین دو چیز به نحوی که بین آن دو چیز هیچ چیز وجود نداشته باشد.

این نزدیکی بین دو چیز ممکن است از نظر نسب و خویشاوندی، یا از نظر دین

و اعتقاد و دوستی یا از نظر مقام و مکان و زمان باشد، لذا به طور استعاره به معنای

قرب و نزدیکی به کار می رود، خواه این نزدیکی از حیث مکان باشد، یا از حیث

نسب و خویشاوندی، یا از حیث دین و اعتقاد، یا از حیث مقام و منزلت، بنابراین:

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۲۱.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۰۷.

کلمه ولی به هر دو طرف اطلاق می‌شود و این اطلاق مخصوصاً نظر به آن است که هر کدام از طرفین وابستگی و ارتباطی با یکدیگر دارند که دیگران ندارند، و به همین جهت است که خداوند متعال در آیه ۶۸ سوره آل عمران می‌فرماید:

وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

خداوند متعال ولی مؤمنین است «مؤمنین حقیقی و راستین».

مؤمن راستین و حقیقی نیز ولی خداوند متعال است و به همین جهت است که می‌گوییم:

أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ، یعنی:

شهادت می‌دهم که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام ولی خداوند متعال است، و یا:

هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم‌السلام به محضر آن ذوات مقدسه عرضه می‌داریم که:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، و یا:

در زیارت جامعه «معروف به جامعه صغیره» که از ناحیه وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از چهارده معصوم علیهم‌السلام خدمت آن بزرگوار و آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ، پس:

اینکه گفته می‌شود خداوند متعال ولی مؤمنین است یعنی:

ولی امر و مدبّر مؤمنین است و آنها را به راه راست خویش هدایت می‌کند و به آنها امر و نهی می‌فرماید و آنها را در دنیا و آخرت یاری می‌کند،

و اینکه گفته می‌شود مؤمنین حقیقی و راستین نیز ولی خدا هستند یعنی:

وابستگی تام و تمام به خداوند متعال دارند،

تمام اوامر و نواهی خداوند متعال را اطاعت می‌کنند،

همواره مطیع و فرمانبردار خداوند متعال هستند،

و در عموم خیرات و برکات اعم از هدایت و توفیق و استوار کردن کارها،

همچنین در بهشت و رضوان الهی که به دنبال آن کارها می‌آید وابسته به خداوند

متعال می‌باشند، و در یک کلام:

مؤمنین حقیقی و راستین ولی خداوند متعال هستند یعنی:  
در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی وابستگی تام و تمام به خداوند متعال دارند و ماسوای خدا «غیر خدا را» را هیچ و ناچیز می‌پندارند.  
بنابراین:

اولیاء الله «اولیاء خداوند متعال» کسانی هستند که:  
بین آن‌ها و خداوند متعال حائل و فاصله‌ای نیست،  
بین آن‌ها و خداوند متعال حجاب و مانعی وجود ندارد، لذا:  
غیر از خداوند متعال را نمی‌بینند،

و ماسوی الله «غیر از خداوند متعال» در نظر آن‌ها هیچ و ناپایدار است.  
مصدق اتم و اکمل اولیاء خدا و بارزترین و آشکارترین نمونه آن حجج خداوند متعال می‌باشند یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام، و به تبع آن بزرگواران شیعیان نیز اولیاء خدا می‌باشند، البته شیعیانی که تقوا پیشه نموده و به تکالیف شرعی خویش عمل کرده و از محرّمات اجتناب می‌نمایند نه هر شیعه متمرّد و گنهکار.

عرض شد که بین اولیاء خدا و خدا حائل و حجاب و واسطه‌ای وجود ندارد و به همین لحاظ است که احادیث فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند که بین ما و خداوند متعال حجاب و مانع و حائلی نیست که یک نمونه آن حدیث شریفی است که از ناحیه وجود مقدس امام سجّاد علیه السلام صادر شده و ذیل آیه ششم سوره مبارکه حمد آمده که فرموده‌اند:

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ،

فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ، یعنی:

بین خداوند متعال و حجت خدا «چهارده معصوم علیهم السلام» حجاب و مانعی وجود ندارد،

و خداوند متعال از حجت خودش مستوری ندارد، یعنی:

خداوند متعال پیش روی حجت خود پوششی نیفکنده است.<sup>۱</sup> در احادیثی که از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امام سجّاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام صادر شده آمده است که: اولیاء خداوند متعال «اولیاء الله» کسانی هستند که: خداوند متعال را خالصانه عبادت می کنند، وقتی مردم به ظاهر دنیا می نگرند آن ها به باطن آن نگاه می کنند، وقتی مردم به چیزهای زودگذر دنیا مغرور شده اند آن ها به آینده نگاه می کنند، چیزهایی را که می دانند که رهایشان خواهد کرد خودشان آن ها را رها می کنند «ظواهر زودگذر دنیا را رها می کنند قبل از اینکه دنیا آن ها را رها نماید»، واجبات و فرائض را به جا می آورند، به سنت رسول خدا پایبند هستند، از محرّمات اجتناب می کنند، از امور زودگذر دنیا اجتناب کرده و به آنچه نزد خدا است رغبت نشان می دهند، رزق و روزی حلال کسب می کنند، به دنبال فخرفروشی و زیاده خواهی نیستند «هدفشان تفاخر و تکاثر نیست»، حقوق واجب خویش را ادا می نمایند، بطن خویش را «شکم خویش را» از حرام باز می دارند، نفس و جان خویش را با نماز و روزه به زحمت می اندازند، سکوت آن ها ذکر است و نگاهشان عبرت، نطق آن ها حکمت و راه رفتن آن ها در بین مردم برکت، اگر نبود اجل ها و اوقات معینی که در مورد خروج ارواح تقدیر شده، ارواح آنان در اجسام و ابدان آن ها «بدن های آن ها» استقرار پیدا نمی کرد «ارواح آن ها به سوی خداوند متعال پرواز می کرد»، و بالاخره اولیاء خداوند متعال کسانی هستند که: با دیدن آن ها انسان به یاد خدا می افتد «از سکینه و وقار و حُسن خُلق و صبر و... آن ها» و...

۱. معانی الاخبار، جلد اول، باب ۲۲، معنی صراط، صفحه ۷۶، حدیث ۵.

خَوْف = ترس، بیم، ترس و اضطراب از وقوع امری ناگوار.  
نقطه مقابل خوف، امنیت و آرامش است.

حُزْن = اندوه، غم؛

نقطه مقابل حُزْن، شادی و خوشحالی و سرور می باشد.

تَقْوَا = پرهیزکاری، اجتناب از محرّمات، گناه نکردن؛

بشارت و بُشْرَى = خبر خشنودکننده و مسرت بخش، خبری که خوشحالی آن در  
چهره انسان ظاهر شود.

فَوْز = نجات، رستگاری، نجات یافتن، رستگار شدن.<sup>۱</sup>

در آیات قبل قسمت‌هایی از حالات مشرکان و افراد بی‌ایمان مطرح شده بود، و  
در این آیات شریفه «آیات ۶۲ تا ۶۴ سوره یونس» شرح حال مؤمنین واقعی و اولیاء  
خداوند متعال بیان شده که درست نقطه مقابل افراد بی‌ایمان قرار گرفته‌اند تا با مقایسه  
آن‌ها با یکدیگر نور از ظلمت و سعادت از شقاوت و بدبختی شناخته شود.

خداوند متعال در اوّلین آیه «آیه ۶۲» می‌فرماید:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ = ای مردم بدانید و آگاه باشید که:

اولیاء الله «اولیاء خدا» نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند، یعنی:

ای مردم بدانید و آگاه باشید که:

اولیاء خداوند متعال با آن خصوصیتی که برای آن‌ها ذکر شد «کسانی که بین آن‌ها  
و خداوند متعال حائل و واسطه و حاجبی نیست و غرق در صفات جلال و جمال  
الهی هستند و خداوند متعال را آن‌چنان با چشم دل می‌بینند و مشاهده می‌کنند که  
غیر خدا «ماسوی الله» در نظر آنان کوچک و بی‌مقدار می‌آید، و بقیّه اوصاف اولیاء  
خدا که در سطور قبل و در صفحات پیشین به آن‌ها اشاره شد»، هیچ‌گاه خوف و  
حُزْن «ترس و غم» به وجودشان راه پیدا نمی‌کند، زیرا:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۲۱.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۶۱، ۱۶۲.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۰۸.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۳۹۵ - ۳۹۶.

خوف و ترس زمانی به انسان راه پیدا می‌کند که:

۱. انسان حامی و پشتیبان و پناهگاهی نداشته باشد.
۲. از اینکه نعماتی را که در دست دارد از دست بدهد
۳. از آینده و از خطرات احتمالی که به سراغ او بیاید خائف و هراسناک باشد،
۴. از اینکه در آینده ضرری متوجه او و نزدیکانش بشود «اعم از ضرر و زیان جانی و مالی و یا از نظر موقعیت اجتماعی»، و موارد دیگری از این قبیل.

اما حزن و غم و اندوه نیز زمانی به انسان راه پیدا می‌کند که:

۱. چیزی را که انسان دوست دارد از دست بدهد
  ۲. چیزی را که دوست ندارد به سراغش بیاید، و موارد دیگری از این قبیل،
- لیکن اولیاءالله نه ترسی دارند و نه غمی، زیرا:

همه چیز را متعلق به خداوند متعال می‌دانند و برای خودشان ملکیت و حقی قائل نیستند که از نابودی و زوال آن خائف و ترسان باشند،

و یا بعد از اینکه از دستشان رفت برای آن محزون و غمناک گردند.

اولیاء خداوند متعال نه به اقبال و رو آوردن دنیا «دنیا با تمام مواهبش» خوشحال و مسرور شده و به آن دل می‌بندند که خائف باشند از اینکه مبادا آن‌ها را از دست بدهند،

و نه وقتی که آن‌ها را از دست دادند متأثر و غمگین می‌شوند.

اولیاء خداوند متعال مصداق این آیه شریفه هستند که خداوند متعال می‌فرماید:

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَافَاتِكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ «آیه ۲۳ سوره حدید» یعنی:

به آنچه که از دست دادید محزون نشوید و به آنچه که به شما داده شد مسرور

و خوشحال نشوید.

خوف و حُزن «ترس و غم» مربوط به انسان‌هایی است که حُبّ دنیا سراسر وجود آن‌ها را فرا گرفته باشد و اصولاً ترس و غم ناشی از روح دنیاپرستی است، لذا اولیاءالله که به غیر از خداوند متعال و به غیر از جلب رضایت خداوند متعال نمی‌اندیشند و غیر از خداوند متعال در دل آن‌ها چیزی نیست و همواره غرق در صفات جلال و جمال خداوند متعال هستند هیچ‌گاه دچار خوف و حُزن «ترس و

غم» نمی‌شوند و همیشه دل آن‌ها با یاد خداوند متعال آرامش پیدا می‌کند و مصداق این آیه شریفه هستند که خداوند متعال می‌فرماید:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ «آیه ۲۸ سوره رعد»، لذا:

اولیاء خداوند متعال نه خوفی دارند و نه حزنی «حزن و اندوه مادی و دنیوی» و همواره در امنیّت و آرامش کامل به سر می‌برند و مصداق این آیه شریفه هستند که خداوند متعال می‌فرماید:

أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ «آیه ۸۲ سوره انعام»، یعنی:

امنیت و ایمنی تنها از آن‌هاست،

مگر در مواردی که خداوند متعال بخواهد، که ترس از خداوند متعال از آن جمله می‌باشد، یعنی:

اولیاء خداوند متعال می‌ترسند و محزون هستند «خوف و حُزن دارند» از اینکه مبدا کرامت خداوند متعال «لطف و عنایت و تفضّل و بخشش خداوند متعال» از دستشان برود، که این خوف و حُزن «این ترس و غم» عالی‌ترین مرحله عبودیت و بندگی است و مبین تسلیم محض بودن عبد در مقابل خداوند متعال می‌باشد.

بنابراین خلاصه آیه شریفه «آیه ۶۲ سوره یونس» این می‌شود که:

اولیاء خداوند متعال نه خوف دارند و نه حزن، نه در دنیا و مخصوصاً نه در جهان آخرت، مگر خوف از خداوند متعال با آن توضیحاتی که به عرض رسید.

معنی این قسمت از آیه شریفه «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» این نیست که خیر و شر، نفع و ضرر، نجات و هلاکت، راحتی و رنج، لذت و الم «درد و ناراحتی» و نعمت و بلا در نظر اولیاء خدا یکسان است و ادراک مشابهی از آن دارند، بلکه: معنی آن این است که:

اساساً اولیاء خدا برای کسی غیر از خدا استقلال در تأثیر قائل نیستند و منحصرأً مُلک و حُکم را از آن خدا می‌دانند، و لذا از کسی غیر از خدا نمی‌ترسند مگر از چیزی که خدا می‌خواهد که بترسند.

همچنین معنی این قسمت از آیه شریفه «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» این نیست که:

اولیاء خدا در دنیا دچار مشکلات و ناملایمات نمی‌شوند و چون دچار مصائب و مشکلات نمی‌شوند پس محزون و غمگین نیز نمی‌شوند، بلکه:  
 اولیاء خداوند متعال نیز مثل سایر مردم دچار مصائب و مشکلات می‌شوند و حتی شاید بتوان گفت که گرفتاری و مشکلات اولیاء خدا از سایر مردم هم به مراتب بیشتر می‌باشد، لذا:

عنوان شده که:

مؤمن هر چه ایمانش قوی‌تر باشد بلایش شدیدتر است، و به قول علامه طباطبایی از روایات مشهور است که:

الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ، یعنی:

دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر.

علامه طباطبایی در بحث روایتی ذیل آیات ۷۷ تا ۸۰ سوره نساء<sup>۱</sup> چند حدیث از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل می‌کند که مؤمن هر چه ایمانش قوی‌تر باشد بلایش بیشتر است.

به عنوان نمونه به چند حدیث اشاره می‌شود.

اگر مؤمن روی کوهی باشد خداوند متعال یک نفر را همدم و همنشین او قرار می‌دهد تا آن مؤمن را اذیت کند و خداوند متعال در مقابل این ناراحتی به او اجر و پاداش بدهد.

در حدیث دیگر است که:

پیوسته به مؤمن غم و اندوه می‌رسد تا گناهی برای او باقی نماند.

همچنین در حدیث است که:

به مؤمن چهل شب نمی‌گذرد مگر آنکه خداوند متعال او را در معرض امری قرار می‌دهد تا او را محزون سازد و بدین وسیله او متذکر خدا بشود «بیشتر خداوند متعال را یاد کند».

باز در حدیث است که مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام

فرمودند:



اگر کوهی مرا دوست بدارد از هم می‌باشد، و هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد باید پوشاکی از بلا برای خود تهیه کند، همچنین آن حضرت در حالات اولیاء خدا در خطبه معروف همّام فرمودند: قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ، یعنی: دل‌ها و قلوب آن‌ها محزون است و مردم از شرّ آن‌ها در امان هستند، لذا: معنی این قسمت از آیه شریفه «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» این نیست که اولیاء خدا در دنیا اصلاً گرفتار مشکلات و ناملازمات نمی‌شوند پس نه خوفی برای آن‌ها است و نه حزنی، بلکه:

گرفتاری و مشکلات اولیاء خدا بیشتر از سایرین است، لذا اگر عنوان می‌شود که اولیاء خدا در دنیا نه خوفی دارند و نه حزنی به این علت است که: اولیاء خدا به صفاتی متّصف هستند که مانع می‌شود تا حزن آن‌ها آشکار و هویدا شود.

یکی از این صفات صبر است، یعنی:

اولیاء خدا صبور و بلکه صَبّار هستند، یعنی اگر کوهی از مشکلات به سراغ آن‌ها برود آن‌ها در مقابل آن مشکلات صبر پیشه می‌کنند و لب به شکایت باز نمی‌کنند به نحوی که دیگران خیال می‌کنند این مؤمن و این ولیّ خدا اصلاً مشکلی ندارد، و به همین لحاظ است که گفته شده:

حُزْنٌ وَ اَنْدَوَةٌ مَوْمِنٍ دَر دَلِّ اَوْ اَسْتِ،

و شادی و سرور او در صورتش، یعنی:

اگر مؤمن گرفتار هم باشد و مشکلات فراوانی هم داشته باشد آن را به دیگران بازگو نمی‌کند و با روی گشاده با مردم برخورد می‌کند که گویا اصلاً حزن و اندوهی ندارد.

دیگر صفت اولیاء خداوند متعال صفت شُکر می‌باشد، یعنی:

اولیاء خدا در همه حال شاکر به درگاه الهی هستند و همواره شکر نعمات الهی را به جای می‌آورند.

سومین صفت و ویژگی اولیاء خدا این است که به قضای الهی راضی هستند و به اصطلاح راضی به رضای خداوند متعال می‌باشند «نهایت سعی و تلاش خویش

را در جهت از بین بردن مشکلات و ناملایمات به کار می‌برند لیکن هر نتیجه‌ای که حاصل شود به آن رضایت کامل نشان می‌دهند» و خداوند متعال نیز از آن‌ها راضی و خشنود می‌باشد و آن‌ها نفوس مطمئنه هستند، و تعبیر به مطمئنه اشاره به آرامشی دارد که اولیاء خدا در پرتو ایمان به خداوند متعال کسب نموده‌اند. در رابطه با صفت صبر و شکر و صفت راضی بودن اولیاء خدا به چند آیه شریفه اشاره می‌شود.

خداوند متعال در آیه پنجم سوره ابراهیم، آیه ۳۱ سوره لقمان، آیه ۱۹ سوره سبأ و آیه ۳۳ سوره شوری می‌فرماید:

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ،

همچنین در آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فجر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً.

ذیل این دو آیه شریفه به عرض رسیده که مصداق اتم و اکمل این آیات شریفه امام حسین علیه‌السلام می‌باشد «همچنین سایر ائمه علیهم‌السلام». وجود مبارک پیامبر اکرم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم فرمودند:

معاشر الناس:

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُوصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

بنابراین:

اولیاء خداوند متعال به علت متّصف بودن به صفت صبر و شکر و راضی بودن به قضای الهی و سایر صفات کمال نه خوفی دارند و نه حزنی «فقط از چیزی می‌ترسند و اندوهگین می‌شوند که خدا می‌خواهد»، یعنی:

فقط از خداوند متعال خوف دارند و از چیزی که خداوند متعال می‌فرماید، و فقط از چیزی اندوهگین می‌شوند که خدا می‌خواهد،

لیکن حزن و اندوه آن‌ها در دلشان است و از آن شکوه و گلایه‌ای ندارند، لذا گفته شده که حزن و اندوه مؤمن در دل او است و شادی و سرور او در چهره و صورتش. به نظر می‌رسد و محتمل است که این فرمایش خداوند متعال «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ

لاَهُمْ يَحْزَنُونَ» در آیه ۶۲ سوره یونس بیشتر ناظر به جهان آخرت باشد که در آن روز اولیاء خداوند متعال ذرّهای خوف و حُزن در وجودشان نیست، نه در ظاهر آنها و نه در باطن و دل آنها.

قابل ذکر است که روز قیامت همه مردم خائف هستند و محزون جز اولیاء خداوند متعال که ذرّهای خوف و حزن و اندوه در وجود آنها راه ندارد، نه در ظاهر آنها و نه در درون و باطن آنها، و احادیث شریفی نیز که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید ناظر به عدم حزن و خوف اولیاء خدا در جهان آخرت و در عالم برزخ می‌باشد، یعنی:

عدم حزن و خوف از لحظه مرگ به بعد، یعنی:

اولیاء خداوند متعال از لحظه مرگ به بعد غرق در شادی و سرور می‌باشند و ملائکه الهی به آنها مژده و بشارت بهشت می‌دهند،

لذا ذرّهای حزن و خوف در وجود آنها راه ندارد و لاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاَهُمْ يَحْزَنُونَ در این آیه شریفه اشاره به این موضوع دارد.

در مجمع‌البیان این آیه شریفه «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاَهُمْ يَحْزَنُونَ - آیه ۶۲ سوره یونس» اینگونه معنی و تفسیر شده است که:

اولیاء خدا که فرمانبردار و مطیع پروردگار بوده و به دستورات خداوند متعال عمل می‌کنند در روز قیامت بیمی از کیفر ندارند و نمی‌ترسند «عدم حزن و خوف در قیامت»<sup>۱</sup>.

سخن در رابطه با اولیاء خدا بود «اولیاءالله» و به عرض رسید که:

خداوند متعال ولی مؤمنین است و مؤمنین نیز ولی خدا می‌باشند لیکن این قضیه مربوط به مؤمنین حقیقی و راستین می‌شود که خداوند متعال در ادامه آیه شریفه اوصاف آنها را بیان می‌فرماید که:

اولیاء خدا و مؤمنین واقعی و راستین کسانی هستند که:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۲۱ - ۳۲۲.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۰۸ تا ۴۱۰.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ = ایمان آورده‌اند و به طور مداوم تقوا و پرهیزکاری را پیشه خود ساخته‌اند.

خداوند متعال در این آیه شریفه خصوصیات و مشخصات اولیاءالله را بیان می‌فرماید و با این آیه شریفه مشخص می‌شود که اولیاءالله چه کسانی هستند. ملاحظه فرمودید که طبق این آیه شریفه اولیاءالله «مؤمنین واقعی و راستین که خداوند متعال ولیّ آنها است و آنها ولی خدا می‌باشند» کسانی هستند که: به خداوند متعال و روز جزا و سایر اصول اعتقادی ایمان دارند، و به طور مداوم و پیوسته تقوا و پرهیزکاری را پیشه خود نموده‌اند. ملاحظه می‌فرمائید که:

ایمان در این آیه شریفه به صورت ماضی مطلق آمده و تقوا به صورت ماضی استمراری، یعنی: اولیاءالله کسانی هستند که:

ایمانشان به سرحدّ کمال رسیده و به عالی‌ترین درجه رسیده است، و این‌ها همیشه و پیوسته و مدام تقوا را رعایت نموده و هیچ‌گاه مرتکب معاصی نمی‌شوند، و این عمل آنها «رعایت تقوا و اجتناب از گناه» همواره استمرار دارد. مراد از ایمان در این آیه شریفه «آیه ۶۳ سوره یونس» درجه عالی از ایمان می‌باشد، یعنی رسیدن به مرحله یقین در رابطه با خداوند متعال و آنچه که مربوط به خداوند متعال است، یعنی:

رسیدن به یقین در رابطه با خداوند متعال و حجج خداوند متعال و رسیدن به این مطلب و یقین پیدا کردن به این مطلب که:

امر و نهی حجج خداوند متعال «یعنی امر و نهی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام» امر و نهی خداوند متعال است، و اطاعت محض و بی‌چون و چرا از آن ذوات مقدّسه لازم و واجب، آن هم اطاعت محضی که با رضایت کامل همراه باشد.

آیه ۶۵ سوره نساء این مطلب را به وضوح بیان می‌فرماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۶۵ سوره نساء» می‌فرماید:

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، یعنی:

خداوند متعال وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای پیامبر، به پروردگارت سوگند:

آن‌ها «مسلمانان - کسانی که ادعای اسلام و ایمان دارند» مؤمن نخواهند بود مگر اینکه در اختلافات خویش تو را حاکم و داور قرار دهند و نسبت به حکم تو در دل خویش نیز احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم و مطیع تو و حکم تو باشند «مطیع محض تمام دستورات پیامبر اکرم و کاملاً راضی بودن از این اطاعت محض». ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند:

ائمه معصومین علیهم السلام نیز عیناً مانند پیامبر اکرم واجب‌الاطاعه می‌باشند و مردم باید تسلیم محض آن ذوات مقدسه باشند و قلباً نیز به این امر رضایت کامل داشته باشند، لذا:

ایمان واقعی و کامل این است که:

انسان مطیع محض دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام باشد و نسبت به آن قلباً نیز رضایت کامل داشته باشد، یعنی: تمام دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام را به مرحله اجرا در بیاورد و قلباً نیز به آن رضایت کامل داشته باشد، یعنی، تسلیم ظاهری و باطنی نسبت به اوامر و دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام، و این یعنی ایمان واقعی و کامل. «ذیل آیه ۶۵ سوره نساء توضیحات کاملی در این رابطه به عرض رسیده است».

بنابراین:

مراد از ایمان در آیه ۶۳ سوره یونس «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ» رسیدن به این مرحله از ایمان است که خداوند متعال در آیه ۶۵ سوره نساء «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ...» آن را بیان فرموده است.

بنابراین:

اولیاء الله کسانی هستند که این دو ویژگی را داشته باشند:

۱. الَّذِينَ آمَنُوا، یعنی:

ایمان داشته باشند و آن هم ایمان کاملی که در آیه ۶۵ سوره نساء آمده و به آن اشاره شد.

۲. وَ كَانُوا يَتَّقُونَ، یعنی:

همواره تقوا داشته باشند و هیچ گاه مرتکب گناه نشوند، یعنی: به طور مستمر به تکالیف شرعی خویش عمل نموده و یک لحظه از آن غافل نباشند، و عمل به تکالیف شرعی یعنی انجام واجبات و ترک محرمات. البته اولیاء الله حتی المقدور از مکروهات نیز اجتناب نموده و در حد توان و استطاعت خویش مستحبات را انجام داده و از امور مستحبی نیز غفلت نمی ورزند.<sup>۱</sup> در آیه بعد «آیه ۶۴ سوره یونس» خداوند متعال به اولیاء خویش و به مؤمنین واقعی و راستین مژده و بشارت داده و می فرماید: لَّهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ = برای اولیاء خدا از جانب خداوند متعال در دنیا و آخرت مژده و بشارت است.

مقصود از بشارت و مژده خداوند متعال به اولیاء الله «مؤمنین واقعی و راستین» در دنیا چیست؟

بشارت خداوند متعال به اولیاء الله «مؤمنین واقعی و راستین» در دنیا می تواند یکی از موارد ذیل یا همه آنها باشد چرا که منافاتی با هم ندارند.

۱. بشارت دادن به مؤمنین در رابطه با یاری کردن آنها و غلبه دادن آنها بر دشمنان دین «مادامی که آنها بر ایمان خود راسخ باشند».

خداوند متعال در آیه ۴۷ سوره روم می فرماید:

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۲۲.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۴۸ - ۱۴۹.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۱۱.

وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

یاری کردن مؤمنین بر ما حتمی است «حتماً مؤمنین را یاری می‌کنیم».

۲. بشارت در دنیا همان است که خداوند متعال در قرآن کریم به اعمال صالح بندگانش وعده فرموده است.

در آیات فراوانی به این موضوع اشاره شده که به عنوان نمونه به چند آیه شریفه اشاره می‌شود.

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ - آیه ۲۵، سوره بقره»، یعنی:

ای پیامبر، به کسانی که ایمان آورده‌اند «به مؤمنین» و اعمال صالح انجام داده‌اند «می‌دهند» به بهشت‌هایی بشارت بده که نه‌رها از زیر درختان آنها جاری است.

«يُسْرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ - آیه ۲۱، سوره توبه»،

یعنی:

به مؤمنینی که هجرت کردند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد نمودند، خداوند متعال آنها را به رحمت و رضوان خویش و به بهشت‌هایی بشارت می‌دهد که نعمت‌های جاودانه در بهشت دارند.

«وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا - آیه ۴۷ سوره احزاب»، یعنی:

ای پیامبر:

به مؤمنان بشارت بده که برای آنان از سوی خداوند متعال فضل بزرگی است.

۳. بشارت در دنیا به اولیاءالله همان خواب‌های خوبی است که مؤمنین برای خودشان می‌بینند و یا دیگران برای آنها می‌بینند.

۴. بشارت در دنیا به اولیاءالله و مؤمنین واقعی و راستین بشارتی است که ملائکه الهی هنگام مرگ مؤمنین به آنها می‌دهند و آنها را شاد و مسرور می‌کنند.

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره فصلت می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا

بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»، یعنی:

کسانی که می‌گویند پروردگار ما خداوند متعال است «الله است»، سپس بر سر گفته خویش می‌ایستند و کمترین انحرافی پیدا نمی‌کنند و آنچه لازمه آن است در عمل و گفتار نشان می‌دهند، ملائکه الهی در آستانه مرگ آن‌ها و هنگام قبض روح آن‌ها به آن‌ها می‌گویند و به آن‌ها بشارت می‌دهند که:

نترسید و محزون نباشید، و سپس بهشت را به آن‌ها بشارت داده و به آن‌ها می‌گویند:

بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به آن وعده داده می‌شدید.

**مقصود از مژده و بشارت خداوند متعال به اولیاء الله «مؤمنین واقعی و راستین» در جهان آخرت چیست؟**

بشارت در آخرت این است که:

وقتی که قیامت می‌شود و اولیاء خداوند متعال از قبرها بیرون می‌آیند ملائکه الهی به نزد آن‌ها رفته و آن‌ها را به بهشت مژده و بشارت می‌دهند، و این مژده و بشارت ملائکه الهی به اولیاء خدا و مؤمنین ادامه پیدا می‌کند تا مؤمنین وارد بهشت شوند.

مقصود از اولیاء خداوند متعال و مؤمنین راستین و حقیقی شیعیان دوازده امامی هستند که هم در دنیا به آن‌ها بشارت بهشت داده شده و هم هنگام مرگ و هم هنگام خارج شدن از قبر در روز قیامت، زیرا:

اعمال صالح غیر شیعیان حَبَط می‌شود و برای غیر شیعه عمل صالحی باقی نمی‌ماند که به واسطه آن به بهشت بشارت داده شود.

ذیل آیه پنجم سوره مائده در رابطه با حبط اعمال توضیحات کاملی ارائه شده است. وجود مقدس امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش به نام عقبه بن

خالد فرمود:

ای عقبه:

خداوند متعال در روز قیامت از بندگان خویش جز آنچه را که شما معتقد به آن



هستید نمی پذیرد «جز عقیده شما شیعیان و جز عمل شما شیعیان از دیگران چیزی پذیرفته نخواهد شد».

حدیث طولانی است و انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

همچنین در آیه ۱۲ سوره حدید آمده که:

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

روز قیامت مردان و زنان مؤمن را می بینی که نور آن‌ها پیش روی آن‌ها و در سمت راست آن‌ها به سرعت حرکت می کند و در همین حال ملائکه الهی به دستور خداوند متعال به این مردان و زنان مؤمن می گویند:

امروز بشارت باد بر شما بهشت‌هایی که نهرها از زیر درختانش جاری است که برای همیشه داخل آن خواهید ماند و این است همان فوز عظیم «رستگاری بزرگ».

### توضیح:

**الف:** الف و لام در البشری الف و لام جنس می باشد، لذا بشارت در این آیه شریفه «آیه ۶۴ سوره یونس» مفهوم گسترده و وسیعی دارد و هر گونه بشارت و شادی و پیروزی و موفقیت را شامل می شود که فقط به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره شد.

**ب:** ذیل آیه ۳۰ سوره فُصِّلَتْ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...»، و ذیل آیه ۱۲ سوره حدید «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ...» توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند:

مقصود از کسانی که مزده و بشارت بهشت به آن‌ها داده می شود «چه هنگام مرگ و هنگام قبض روح و چه هنگام خارج شدن از قبر در روز قیامت» شیعیان اثنی عشری می باشند.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه «آیه ۶۴ سوره یونس» می‌فرماید:  
 لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ = در سخنان خداوند متعال تغییری نیست و وعده‌های الهی  
 تخلف‌ناپذیر است، یعنی:

در وعده‌های خداوند متعال هیچگونه خلافی نیست و خداوند متعال نسبت به  
 وعده‌هایی که به اولیاء خود داده وفا خواهد نمود، یعنی:

خداوند متعال اولیاء خویش «مؤمنین واقعی و راستین» را مورد لطف و عنایت  
 ویژه خویش قرار داده و آن‌ها را وارد بهشت خواهد نمود.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که منظور از اولیاءالله در  
 آیات شریفه «آیات ۶۲ تا ۶۴ سوره یونس» که خداوند متعال به آن‌ها مژده و بشارت  
 بهشت را داده شیعیان ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند و لاغیر.  
 در انتهای آیه شریفه «آیه ۶۴ سوره یونس» آمده که:

ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ = این است آن رستگاری و فوز عظیم، یعنی:  
 این بشارت الهی به اولیاءالله در دنیا و آخرت و به دنبال آن وارد شدن در بهشت فوز  
 عظیم و کامیابی و رستگاری بزرگی است که نصیب اولیاء خداوند متعال می‌شود.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام به یکی از اصحاب خویش به نام عقبه  
 بن خالد فرمودند:

ای عقبه:

خداوند متعال در روز قیامت آئین و مذهبی جز آئین و مذهب شما را نمی‌پذیرد  
 «یعنی فقط مذهب شیعه را می‌پذیرد و شیعیان دوازده امامی را مورد لطف و عنایت  
 خویش قرار می‌دهد».

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام سپس به عقبه بن خالد فرمودند:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۲۳ - ۳۲۴.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۵۵.

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۱۲ - ۴۱۳.

میان هر یک از شما شیعیان و رسیدن به خوشحالی و سرور و دیدن چیزی که باعث این خوشحالی و سرور می شود فاصله ای جز رسیدن جان به این جا نیست و آنگاه آن حضرت به گلوی مبارک خویش و به رگ گردن خویش اشاره فرمودند «یعنی وقتی جان شیعیان به گلوی آنها می رسد و در حال احتضار قرار می گیرند چیزی را می بینند که باعث خوشحالی و سرور آنها می شود».

عقبه بن خالد می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

شیعیان شما در آخرین لحظات عمر خویش و در حال احتضار چه چیزی می بینند که باعث خوشحالی و سرور آنها می شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

شیعیان ما در آخرین لحظات عمر خویش و زمانی که در حال احتضار می باشند وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را می بینند.

عقبه بن خالد می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

اگر شیعیان شما در آخرین لحظات عمر خویش وجود مبارک پیامبر و حضرت امیر علیهما السلام را ببینند ممکن است به دنیا بازگردند «آیا ممکن است از دنیا نروند و فوت نکنند».

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خیر «یعنی اگر شیعیان در آخرین لحظات عمر خویش وجود مبارک پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السلام را ببینند حتماً از دنیا خواهند رفت و امکان بازگشت نیست».

عقبه بن خالد می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

آیا پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السلام به شیعیان در حال احتضار که آن دو بزرگوار را می بینند چیزی نیز می فرمایند «یعنی به شیعیان در حال موت مطلبی نیز می فرمایند».

وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمودند:

آری:

وقتی وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر بالین شیعیان در حال احتضار حاضر می شوند ابتدا وجود مبارک پیامبر اکرم به شیعه در حال احتضار می فرماید:

ای ولی خدا:

بشارت باد تو را که من رسول الله هستم و من برای تو بهتر هستم از همه چیزهایی که در دنیا باقی گذاشتی.

آنگاه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شیعه در حال احتضار را مورد خطاب قرار داده و به او می فرماید:

ای ولی خدا:

به تو بشارت می دهم که من علی بن ابیطالب هستم که تو او را دوست می داشتی و مُحبّ او بودی،

و بدان که امروز «از این لحظه به بعد» من به تو نافع خواهم بود و به تو سود خواهم رساند «یعنی در عالم برزخ و روز قیامت به داد تو خواهم رسید و از تو شفاعت خواهم نمود».

وجود مبارک امام صادق علیه السلام سپس به عقبه بن خالد فرمود:

این حقایق «حقایقی که به شما گفتم» در قرآن کریم آمده است «یعنی موضوع بشارت دادن به شیعیان در حال احتضار»، و آنگاه وجود مبارک امام صادق علیه السلام آیات ۶۲ تا ۶۴ سوره یونس را تلاوت فرمودند که خداوند متعال می فرماید:

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ آيَةَ ۶۲ - الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ -

آیه ۶۳؛ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ... آیه ۶۴»<sup>۱</sup>.

۲. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت نموده «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» و به تعدادی از اصحاب خویش که در آن جا حضور داشتند فرمود:

ایا می دانید اولیاءالله «اولیاء خداوند متعال» چه کسانی هستند.  
اصحاب عرض کردند:

خیر، نمی دانیم.

آنگاه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

مقصود از اولیاءالله در این آیه شریفه «آیه ۶۲ سوره یونس» ما هستیم و کسانی که بعد از ما می آیند و از ما تبعیت می کنند «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام مصداق ائمه و اکمل اولیاءالله هستند و به تبع آنها شیعیان آن بزرگواران نیز در زمره اولیاءالله قرار می گیرند».

این حدیث را عبدالرحمن بن سالم اشل از حضرت امیر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۳. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

هنگامی که ملک الموت به سراغ شما آمد «یعنی شیعیان» و جان شما تا سینه رسید ملک الموت «فرشته مأمور قبض روح» به شما می گوید:

به آن چیزی که امیدوار بودی رسیدی و از آن چیزی که می ترسیدی آسوده خاطر

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۲۳.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۶۳-۱۶۴.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹۷.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۵ و ۵۶ و ۵۹، حدیث ۱ و ۲ و ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۹ و ۳۹۱، حدیث ۹۷ و ۹۸ «حدیث ۴۵۵۲ و ۴۵۵۳».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۱۶ - ۴۱۷.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۸، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۵، حدیث ۹۱ «حدیث ۴۵۴۶».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۱۵.

شدی، و در این حال از منزل او «از قبر او» دری به بهشت گشوده می شود و به او گفته می شود:

به منزل و جایگاهت در بهشت نگاه کن و ببین که پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب و حسنین علیهم السلام همراهان و رفقاء تو در بهشت می باشند، و این همان فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ - آیه ۶۳، سوره یونس».

«لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ، لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ، ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ - آیه ۶۴، سوره یونس».

این حدیث شریف را عبدالرحیم از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. ابو حمزه ثمالی می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

هنگام مرگ با انسان چگونه برخورد می شود

وجود مبارک امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

ای ابا حمزه:

به خدا قسم میان هر یک از شما شیعیان و دیدن جایگاهتان در بهشت فاصله ای نیست مگر اینکه نفس شما به اینجا برسد و آنگاه امام باقر علیه السلام با دست مبارک خویش به گلوی خودشان اشاره کرده و به ابو حمزه ثمالی فرمودند:

ای ابو حمزه:

می خواهی به تو بشارت بدهم.

ابو حمزه ثمالی می گوید که به آن حضرت عرض کردم: بله

امام باقر علیه السلام فرمودند:

---

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۹۷.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۹، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۹۳، حدیث ۱۰۴ «حدیث ۴۵۵۹».

وقتی که هنگام مرگ یکی از شیعیان ما می‌رسد وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بر بالین او حاضر می‌شوند و سپس پیامبر اکرم به شیعه در حال احتضار می‌فرماید:

مرا می‌شناسی،

من رسول خدا هستم،

به سوی من بیا که این امر «رفتن به محضر پیامبر اکرم» و آنچه که در پیش رو خواهی داشت به مراتب بهتر است از آنچه که در دنیا به جای گذاشته‌ای «بهشت و نعمات بهشتی به مراتب بهتر از اموالی هستند که از تو به ارث مانده است و آن‌ها را باقی گذاشته‌ای».

وجود مبارک پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش با شیعه در حال احتضار به او می‌فرماید:

از آن چیزهایی که می‌ترسیدی تو را امان می‌دهم «ترس از سختی جان دادن، ترس از عذاب قبر و عذاب عالم برزخ و ترس از روز قیامت»، و به آن چیزهایی که امیدوار بودی خواهی رسید «بهشت و نعمات بهشتی»، و آنگاه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به روح شیعه در حال احتضار دستور می‌فرماید که:

ای روح به سوی رحمت و رضوان خداوند متعال «رحمت و بخشش الهی» خارج شو.

امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نیز عین فرمایشات پیامبر اکرم را به شیعه در حال احتضار می‌فرماید و آنگاه روح از بدن شیعه در حال احتضار بیرون می‌رود.

امام باقر علیه‌السلام در پایان فرمایشات خویش این آیات شریفه را تلاوت فرمودند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ، آیه ۶۳، سوره یونس - لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ، لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ، ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، آیه ۶۴، سوره یونس».<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۶۰ حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۹۳، حدیث ۱۰۵ «حدیث ۴۵۶۰».

۵. سلیم بن قیس هلالی می گوید:

از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کردم:

یا اباالحسن:

اگر مسلمانی از دنیا برود و خداوند متعال را ملاقات نماید در حالی که امام خویش را می شناخته «امام معصوم منصوب از ناحیه خداوند متعال» و مطیع دستورات او بوده، آیا این شخص اهل بهشت است.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پاسخ به سؤال سلیم بن قیس فرمودند: آری، چنین فردی اگر با خداوند متعال ملاقات نماید «در صحرای محشر حاضر شود» از جمله کسانی خواهد بود که خداوند متعال درباره آنان فرموده:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ، آیه ۶۳، سوره یونس - لَّهُمْ الثُّبُورَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ...، آیه ۶۴، سوره یونس».

سلیم بن قیس می گوید:

خدمت حضرت امیر علیه السلام عرض کردم:

پس، مؤمنینی که «مسلمانانی که به امامت ائمه معصومین علیهم السلام اعتقاد دارند» خدا را ملاقات می کنند و در حالی که مرتکب گناهان کبیره نیز شده اند آنها چه حکمی دارند «آیا شیعیان گنهکار نیز به بهشت می روند».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

این امر به مشیت و اراده خداوند متعال بستگی دارد که اگر این مؤمنین را عذاب نماید به خاطر گناهای است که اینها مرتکب شده اند، و اگر آنها را ببخشد و گناهان آنها را بیامرزد به خاطر لطف و فضل و مرحمت خداوند متعال می باشد.

سلیم بن قیس می گوید:

خدمت حضرت امیر علیه السلام عرض کردم:

آیا ممکن است خداوند متعال فرد مؤمن را وارد جهنم نماید.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

آری، زیرا چنین کسانی از آن دسته مؤمنینی نیستند که خداوند متعال ولی آنان

است، زیرا:



مؤمنینی که خداوند متعال ولی آنان است مؤمنینی هستند که:  
 «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، آیه ۶۲، سوره یونس»، یعنی:  
 مؤمنینی که خداوند متعال ولی آنان است مؤمنینی هستند که:  
 نه ترسی دارند «از عذاب قبر و از صحنه‌های هولناک قیامت»، و نه حزنی.  
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
 این مؤمنین «مؤمنینی که خداوند متعال ولی آنان است و ترس و حزن در آنها  
 راه ندارد» مؤمنینی هستند که:  
 از خداوند متعال می‌ترسند،  
 و کسانی هستند که اعمال صالح انجام می‌دهند، همچنین:  
 آنها کسانی هستند که:

ایمان خودشان را به ظلم و ستم نیالوده‌اند «این قسمت از فرمایش حضرت امیر  
 علیه السلام اشاره به آیه ۸۲ سوره انعام دارد که خداوند متعال می‌فرماید:  
 الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ، یعنی:  
 کسانی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام  
 ایمان آورده و ایمان خود را با ظلم و ستم نیامیختند، ایمنی تنها از آن‌هاست و  
 آن‌ها هدایت‌یافتگان هستند».<sup>۱</sup>

۶. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا،

الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ،

وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ،

أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، یعنی:

خوشا به حال پیروان و شیعیان قائم ما «حضرت مهدی علیه السلام»، که در ایام  
 غیبت آن حضرت منتظر ظهور آن حضرت هستند، و هنگام ظهور آن حضرت مطیع  
 دستوراتش می‌باشند،

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۶۱، حدیث ۱۱.

این‌ها همان اولیاء الله هستند «اولیاء خداوند متعال» که نه خوفی دارند و نه حزنی. (اشاره به آیه ۶۲ سوره یونس).

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۷. امام صادق علیه‌السلام به تعدادی از شیعیان خویش فرمودند:

هنگامی که جان یکی از شما شیعیان به گلویش برسد «یعنی لحظات آخر عمر» ملائکه الهی به او می‌گویند:

خوف و حزن تو بر طرف شد و ایمنی یافتی «به او بشارت می‌دهند که ترس و اندوه نخواهی داشت»،

همچنین به این شیعه در حال احتضار بشارت داده می‌شود که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها پیش روی تو می‌باشند «خداوند متعال عنایت فرموده تا تو در خدمت آن ذوات مقدسه باشی».

این حدیث را عبدالحمید بن عواض از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۸. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و پس از پایان مناسک حج و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محل غدیر خم در حضور هزاران نفر از حجاج بیت الله الحرام که همراه آن حضرت بودند «تعداد حاضرین تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده است» خطبه بسیار مهم و مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را بیان فرموده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از فرمایشات

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۸۷، حدیث ۹۴ «حدیث ۴۵۴۹».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۱۶.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۹۳، حدیث ۱۰۱ «حدیث ۴۵۵۶».

خویش فرمودند:

مَعَاشِرِ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُم بِاتِّبَاعِهِ،  
 ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، ثُمَّ قَرَأَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ  
 رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»،  
 ثُمَّ قَالَ:

فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَاهُمْ خَصَّتْ،  
 أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ «اشاره به آیه ۲۶، سوره یونس»، یعنی:  
 وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
 ای مردم:

من همان صراط مستقیم و راه راست خداوند متعال هستم که خداوند متعال به  
 شما امر فرموده تا از او تبعیت و پیروی نمایید،  
 و بعد از من علی بن ابیطالب صراط مستقیم خداوند متعال است،  
 و بعد از آن حضرت فرزندان من از صلب علی بن ابیطالب «یعنی ائمه معصومین  
 علیهم السلام» صراط مستقیم خداوند متعال هستند و آن بزرگواران امامانی هستند  
 که مردم را به سوی حق دعوت می کنند، و سپس پیامبر اکرم سوره مبارکه حمد را  
 تلاوت نموده و فرمودند:

این سوره مبارکه درباره من و اهل بیت من نازل شده و همه آنها را شامل  
 می شود «حضرت علی و حضرت زهرا و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار»  
 و مخصوص به آنها است،

اینها اولیاء خداوند متعال هستند «یعنی اهل بیت پیامبر اکرم» که نه خوفی بر  
 آنهاست و نه اندوهگین می شوند «اشاره به آیه ۶۲ سوره یونس»، یعنی:  
 وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام مصداق اتم و اکمل اولیاء الله می باشند،  
 و شیعیان و پیروان آن ذوات مقدسه نیز به خاطر تبعیت از آن بزرگواران در زمره  
 اولیاء الله قرار می گیرند که نه خوفی بر آنهاست و نه حزنی دارند.<sup>۱</sup>

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۷»، حدیث ۳۲.

با توجه به احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس و تأویل این آیات شریفه و معنی باطنی آنها این می شود که:  
خداوند متعال می فرماید:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ «آیه ۶۲ سوره یونس»، یعنی:  
اولیاء خدا نه ترسی دارند و نه حزنی، یعنی:

شیعیان اثنی عشری که اولیاء الله می باشند و اولیاء خداوند متعال هستند نه ترسی دارند «از سختی مرگ، از عذاب قبر و عالم برزخ، و از صحنه های هولناک قیامت» و نه حزنی «اندوهگین نیستند از اینکه چرا در دنیا از ائمه علیهم السلام تبعیت نکردیم و اعمال صالح انجام ندادیم، لذا چون در دنیا اعتقادات شیعیان درست بود و به تکالیف شرعی خویش نیز عمل نمودند به همین جهت در عالم برزخ و روز قیامت محزون و غمگین نیستند، چرا که از فرصت عمر خویش به بهترین نحو استفاده نموده اند و فایده آن را نیز می بینند، لذا جایی برای حزن و اندوه باقی نمی ماند».  
قابل ذکر است که:

مصدق اتم و اکمل اولیاء الله وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند و پیروان و شیعیان آن ذوات مقدسه نیز به جهت تبعیت و پیروی از آن بزرگواران در زمره اولیاء الله قرار می گیرند.

اولیاء الله افرادی هستند که:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ «آیه ۶۳، سوره یونس»، یعنی:

اولیاء الله کسانی هستند که:

به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان دارند و تقوا را رعایت می کنند یعنی مرتکب گناه نمی شوند، لذا:

اولیاء الله شیعیان دوازده امامی هستند که همواره و پیوسته به تکالیف شرعی خویش عمل نموده «عمل به واجبات و ترک محرّمات» و مرتکب گناه نمی شوند، و اگر نیز مرتکب گناه شدند ابراز ندامت و پشیمانی نموده و به درگاه الهی توبه و استغفار می نمایند و دیگر تکرار نمی کنند «پس از توبه و استغفار سراغ گناه نمی روند».

خداوند متعال به این شیعیان اثنی عشری که همواره به تکالیف شرعی خویش عمل نموده و مرتکب معاصی نمی شوند بشارت می دهد که:

لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ، لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ، ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ  
 («آیه ۶۴ سوره یونس»، یعنی:

برای شیعیان اثنی عشری که به تکالیف شرعی خویش عمل می نمایند در دنیا و آخرت بشارت است، یعنی:

هنگام مرگ شیعیان دوازده امامی و هنگام قبض روح آنها به آنها بشارت و مژده داده می شود که نه در قبر و نه در قیامت خوف و حزنی نخواهید داشت و جایگاه شما بهشت است.

آنگاه خداوند متعال می فرماید:

در سخنان خداوند متعال تغییری نیست، یعنی:

وعددهای الهی تخلف ناپذیر است، یعنی:

خداوند متعال به وعده‌هایی که به شیعیان دوازده امامی داده عمل خواهد کرد و آنها را وارد بهشت خواهد نمود و این امری حتمی است و وعده‌های الهی تخلف ناپذیر است، و آنگاه در آخر آیه شریفه آمده که:

این است رستگاری و کامیابی بزرگ، یعنی:

ورود به بهشت و برخورداری از نعمات جاوید بهشتی فوز عظیم و رستگاری و پیروزی بزرگی است که فقط نصیب شیعیان اثنی عشری می شود، یعنی شیعیانی که طبق فرمایش خداوند متعال در آیه ۶۳ سوره یونس رعایت تقوای الهی را بنمایند، یعنی، شیعیانی که:

مرتکب گناه نشوند و به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند، و انجام تکالیف شرعی یعنی عمل به واجبات «همه واجبات نه بعضی از آنها» و ترک محرّمات «همه محرّمات نه بعضی از آنها»، و در این صورت است که لطف و مرحمت و فضل خداوند متعال شامل حال آنها شده و وارد بهشت می شوند.

لازم به ذکر است که:

قبلاً ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الدِّينَ فَرَقُّوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعَةً» به عرض رسید که:

فرقه ناجیه فقط شیعیان اثنی عشری می باشند و لاغیر،  
همچنین ذیل آیه ۲۰ سوره حشر «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» به  
عرض رسید که:

فقط شیعیان اثنی عشری فائز و رستگار می باشند و لاغیر،  
همچنین ذیل آیه پنجم سوره مائده «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» به عرض  
رسید که:

افرادی که به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان نداشته باشند اعمال آنها  
حبط و نابود می گردد و برای آنها عملی باقی نمی ماند که به واسطه آن وارد بهشت  
شوند، لذا:

منکرین امامت ائمه معصومین علیهم السلام چون در اصول دین اشکال دارند  
«تکذیب و انکار امامت، یعنی تکذیب و انکار دستور صریح خداوند متعال»، به  
همین جهت فروع دین آنها نیز بی اثر و خستی می شود، یعنی نماز و روزه و حج  
و ... اینگونه افراد حبط و نابود می گردد، لذا جایگاه چنین افرادی جهنم می باشد.  
همچنین ذیل آیه ۳۶ و ۳۷ سوره مائده «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ  
مِنْهَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» راجع به خلود در جهنم «اقامت ابدی و همیشگی در جهنم»  
منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و دشمنان آن ذوات مقدسه  
توضیحات کاملی ارائه شده است.

### توضیح:

در آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس و احادیث ذیل این آیات شریفه ملاحظه  
فرمودید که:

شیعیان اثنی عشری که به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند:

۱. در جهان آخرت خوف و حزنی نخواهند داشت؛
  ۲. ملائکه الهی به آنها بشارت بهشت می دهند.
- این موضوع در آیات شریفه دیگری نیز آمده که به تعدادی از آنها اشاره می شود.  
الف: خداوند متعال در آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران می فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، «آیه ۱۶۹».  
 فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ  
 عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، «آیه ۱۷۰».  
 يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ، «آیه ۱۷۱».

### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

کسانی را که در راه خداوند متعال کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه آن‌ها زنده هستند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند «روزی داده می‌شوند» آیه ۱۶۹ آن‌ها «کشته‌شدگان در راه خدا» به نعمت‌های فراوانی که خداوند متعال از فضل خویش به آن‌ها بخشیده خوشحال و مسرور می‌باشند و به آینده کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند «شهدای آینده - کسانی که بعداً شهید خواهند شد» شادمانی می‌کنند که به آن‌ها نه ترسی خواهد بود و نه حزن و اندوهی «آیه ۱۷۰».

آن‌ها از نعمت و فضل خداوند متعال خوشحال هستند و می‌بینند که خداوند متعال اجر و پاداش مؤمنین را ضایع نمی‌کند «آیه ۱۷۱».

وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیات شریفه «آیه ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران» فرمودند:

هُمُ وَاللَّهُ شِيعَتُنَا حِينَ صَارَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَاسْتَقْبَلُوا الْكَرَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَاسْتَبْشَرُوا  
 بِمَنْ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ إِخْوَانِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:  
 به خدا قسم:

این‌ها شیعیان ما هستند که وقتی ارواح آن‌ها در بهشت قرار می‌گیرد و مشمول کرامت خداوند متعال می‌شوند و می‌فهمند و یقین پیدا می‌کنند که بر حق بوده‌اند و بر دین خدا بوده‌اند «به حَقَائِيتِ خویش عین‌الیقین پیدا می‌کنند و می‌فهمند که دین آن‌ها مورد رضایت خداوند متعال بوده است»، و به سرنوشت مؤمنینی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند «هنوز زنده هستند» شادمان و خوشحال هستند «زیرا پس از

مرگ به جمع بهشتیان خواهند پیوست».

ذیل این آیات شریفه حدیثی نیز از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:  
به خدا سوگند:

هر کس از شما با عقیده امامت از دنیا برود شهید از دنیا رفته است گرچه در بستر بیماری به مرگ طبیعی از دنیا برود «شیعیان اثنی عشری شهید از دنیا می‌روند گرچه در بستر بیماری و به مرگ طبیعی از دنیا بروند».

ملاحظه فرمودید که طبق این دو حدیث شریف شیعیان در آخرت خوف و حزنی ندارند و از فضل و نعمت خداوند متعال مسرور و شادمان می‌باشند.

قابل ذکر است که ذیل این آیات شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیث دیگری نیز از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است.

ب: خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره اعراف می‌فرماید:

أَهْوَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ، ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ،  
«آیه ۴۹».

### ترجمه:

رجال اعراف «اصحاب اعراف» یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام در روز قیامت به اهل جهنم و به منکرین امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌گویند:  
این شیعیان و این مؤمنینی که الآن در آستانه ورود به بهشت هستند و به زودی وارد بهشت خواهند شد همان‌هایی هستند که شما آن‌ها را دنیا مسخره می‌کردید و به آن‌ها می‌گفتید که هرگز مشمول رحمت الهی نخواهید شد.

رجال اعراف یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام شیعیان خویش را که هنوز وارد بهشت نشده‌اند مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می‌فرمایند:

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ، یعنی:

داخل بهشت شوید که داخل بهشت نه خوف و ترسی دارید و نه حزن و اندوهی.



ذیل آیات ۴۶ تا ۴۹ سوره اعراف توضیحات کاملی ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق این احادیث شریف این آیات شریفه در رابطه با شیعیان دوازده امامی بوده و این شیعیان هستند که مورد خطاب ائمه معصومین علیهم السلام واقع می شوند و وارد بهشت می شوند، و این شیعیان هستند که در جهان آخرت نه خوفی دارند و نه حزنی.

ج: خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره فُصِّلَتْ می فرماید:  
 اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَلَّا تَخٰفُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَبْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِیْ كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ (آیه ۳۰).

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است «الله است»، و سپس بر سر گفته خویش و عقیده خویش استقامت و پایداری نشان دادند ملائکه الهی به آنها نازل شده و به آنها می گویند:

نترسید و محزون نباشید،

بشارت باد بر شما آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

ذیل این آیه شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از این آیه شریفه شیعیان اثنی عشری هستند که ملائکه الهی به آنها نازل شده و ضمن دادن بشارت بهشت، خوف و حزن «ترس و غم» آنها را از بین می برند.

به عنوان تَیْمَن و تَبَرُّک به یک حدیث شریف اشاره می شود.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا...» آیه ۳۰ سوره فُصِّلَتْ» فرمودند:

«الَّذِیْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللهُ، ثُمَّ اسْتَقَامُوْا عَلٰی الْاٰیْمَةِ وَاِحِدًا بَعْدَ وَاِحِدٍ، تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَلَّا تَخٰفُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَبْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِیْ كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ»، یعنی:

کسانی که گفتند پروردگار ما الله هست «کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است»، و پس از پیامبر اکرم به اوصیاء پیامبر اکرم یعنی ائمه معصومین علیهم السلام یکی پس از دیگری معتقد شدند «اعتقاد به امامت دوازده امام معصوم علیهم السلام»، و در این عقیده خویش ثابت قدم و استوار مانده و استقامت به خرج دادند ملائکه رحمت الهی به این افراد «یعنی به شیعیان دوازده امامی» نازل شده و به آنها مژده و بشارت بهشت می دهند و ترس و غم آنها را برطرف می کنند «خوف و حزن آنها را از بین می برند».

د: خداوند متعال در آیات ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره انبیاء می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾؛

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾؛

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾؛

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

کسانی که قبلاً وعده نیک ما به آنها داده شده «یعنی مؤمنین حقیقی و صالح که وعده بهشت به آنها داده شده» از آتش جهنم دور می باشند «از آتش جهنم دور نگاهداشته می شوند» آیه ۱۰۱.

این افراد «مؤمنین حقیقی و صالح» صدای آتش جهنم را نمی شنوند و آنها در بهشت آنچه را که مایل باشند و دل آنها بخواهد در اختیار دارند و برای همیشه از آن نعمت‌ها بهره خواهند برد «آیه ۱۰۲».

ترس و وحشت عظیم روز قیامت آنها را اندوهگین نمی کند، و روز قیامت ملائکه به استقبال آنها آمده و به آنها می گویند:

این همان روزی است که به شما وعده داده می شد «آیه ۱۰۳».

ذیل این آیات شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که:

فقط شیعیان اثنی عشری هستند که روز قیامت خوف و حزنی ندارند و به آنها

بهشت بشارت داده می شود.

فقط به یک حدیث اشاره می شود

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ عَلَى الْحَوْضِ،

تَسْقَوْنَ مِنْ أَحَبِّتُمْ وَ تَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ،

وَ أَنْتُمْ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ،

يَفْرَعُ النَّاسُ وَ لَا تَفْرَعُونَ،

وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَ لَا تَحْزَنُونَ،

فِيكُمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةَ:

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ «آیه ۱۰۱»

وَ فِيكُمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةَ:

لا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَجُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ «۳۰۱»، یعنی:

یا علی:

تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر هستید،

هر کس را که دوست داشته باشید سیراب خواهید کرد «دوستانتان را آب می دهید»،

و از هر کس که کراهت داشته باشید و از او بدتان بیاید از حوض کوثر باز می دارید

و منعشان می کنید «دشمنانتان را از حوض کوثر منع می کنید»، شما در روز فَرَجِ اکبر

«روز قیامت که شدیدترین وحشتها بر مردم حاکم است» در سایه امن الهی هستید

«شما در روز فَرَجِ اکبر ایمن و آسوده خاطر هستید»،

همه مردم در آن روز «روز قیامت» خائف هستند و می ترسند ولی شما نمی ترسید،

همه مردم در آن روز «روز قیامت» اندوهگین و محزون هستند اما شما حزن و

اندوهی ندارید،

یا علی:

درباره تو و شیعیانت این آیات شریفه «آیات ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره انبیاء»

نازل شده است.

هـ: خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره فاطر می فرماید:

مؤمنین «شیعیان» وقتی وارد بهشت می شوند می گویند:

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ، یعنی:

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که غم و اندوه را از ما برطرف کرد

و دور ساخت،

و به درستی که پروردگار ما آمرزنده و شکور «سپاسگزار» است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره این آیه شریفه «آیه ۳۴

سوره فاطر» فرمودند:

محبین و دوستانان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وقتی وارد منازل و

جایگاه‌های خویش در بهشت می شوند ملائکه الهی به استقبال آن‌ها آمده و به آن‌ها

خوشامد گفته و از آن‌ها می پرسند که:

آیا وعده‌هایی که خداوند متعال به شما داده بود محقق شد.

محبین و شیعیان حضرت امیر علیه السلام در حالی که در بهشت استقرار یافته‌اند

به ملائکه الهی می گویند:

بله، همه وعده‌ها محقق شد و ما از خداوند متعال راضی هستیم، و خداوند متعال

نیز به محبین و شیعیان حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

به خاطر رضایتی که از شما دارم،

و به خاطر محبت شما به اهل بیت پیامبرم، این منازل و جایگاه‌های بهشتی را

برای شما مقرر فرمودم،

این نعمات فراوان بهشتی گوارای شما باد، این نعمات بهشتی همیشگی و جاوید

است و هیچ‌گاه نقصان نمی پذیرد.

پس از این فرمایش خداوند متعال است که محبین و شیعیان مولی الموحّدین

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می گویند:

«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ - آیه ۳۴ سوره فاطر».

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیث دیگری نیز نقل شده

که طبق آن احادیث شریف محبّین و شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام در جهان آخرت غم و اندوهی ندارند و ملائکه الهی به آنها بهشت را بشارت می دهند.

و: خداوند متعال در آیه ۸۹ و ۹۰ سوره نمل می فرماید:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ «آیه ۸۹».  
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ، هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ «آیه ۹۰».

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هر کس حسنه ای با خود بیاورد «هر کس در دنیا عمل صالح و شایسته ای انجام دهد» خداوند متعال پاداش بهتری به صاحب عمل می دهد و آنها روز قیامت از ترس و وحشت روز قیامت در امان هستند «آیه ۸۹».

و هر کس سیئه ای با خودش بیاورد «هر کس در دنیا کار بدی انجام بدهد» با صورت به داخل آتش جهنم افکنده می شود، آیا کیفر و جزایی جز آنچه عمل می کردید خواهید داشت «آیا جز کیفر اعمالتان به شما داده می شود» «آیه ۹۰».

ذیل این آیات شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که:

منظور از حسنه در آیه ۸۹ سوره نمل پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد، همچنین مودّت و محبت داشتن به آن ذوات مقدّسه، و منظور از سیئه در آیه ۹۰ سوره نمل انکار امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد، همچنین بغض و عدوات داشتن نسبت به آن ذوات مقدّسه، لذا:

شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام و محبّین آن ذوات مقدّسه به جهت پذیرش امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و محبت داشتن به آن بزرگواران روز قیامت از فِرْعَ «ترس - وحشت» آن روز در امان هستند،

و در مقابل، منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن

ذوات مقدسه در روز قیامت غرق در خوف و حزن «ترس و غم» می‌باشند و آنها با صورت به داخل آتش انداخته می‌شوند.

به عنوان تَیْمَن و تَبَرُّک فقط به یک حدیث نورانی اشاره می‌شود.

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

وجود مبارک مولی‌الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام درباره آیه

۸۹ و آیه ۹۰ سوره نمل فرمودند:

الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوَلَايَةِ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ،

وَ السَّيِّئَةُ انْكَارُ الْوَلَايَةِ وَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، یعنی:

حَسَنه، شناخت ولایت و امامت ما «ائمه معصومین علیهم‌السلام» و دوستی و

محبّت ما اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد،

و سیئه، انکار ولایت و امامت ما و دشمنی با ما اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد.

ز: خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حدید می‌فرماید:

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنّاتٌ

تَجْرى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

روز قیامت مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نور آنها پیشاپیش و جلو آنها،

همچنین از طرف راست آنها به سرعت در حرکت است و آنها را به طرف بهشت

راهنمایی می‌کند،

و در همان حال ملائکه الهی به مردان و زنان مؤمن مژده و بشارت ورود به

بهشت را می‌دهند تا مسرت و شادی آنها را مضاعف نمایند، و در انتهای آیه

شریفة آمده که:

این است پیروزی و رستگاری بزرگ، یعنی:

رفتن مؤمنین و مؤمنات به سوی بهشت جاوید و همیشگی در حالی که غرق در

نور می‌باشند و در همان حال ملائکه مقرب خداوند متعال به استقبال آنها آمده

و به آنها مژده و بشارت به بهشت می‌دهند، همه این‌ها فوز عظیم و رستگاری و

پیروزی بزرگ می‌باشد که نصیب مؤمنین شده است.

ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۲ سوره حدید» و آیات ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ این سوره مبارکه توضیحات لازم و کافی به عرض رسیده و احادیث شریفی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که مقصود از مؤمنین و مؤمنات در آیه ۱۲ سوره حدید شیعیان اثنی عشری می‌باشند که غرق در نور بوده و ملائکه الهی به آنها مژده و بشارت ورود به بهشت و اقامت دائمی در آن را می‌دهند.

به عنوان نمونه فقط به یک حدیث اشاره می‌شود.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

یا اباالحسن:

آیا به تو مژده و بشارت بدهم.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام عرض کرد:

بله، یا رسول الله؛

آنگاه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمود:

یا علی:

روز قیامت شیعیان تو وارد بهشت می‌شوند در حالی که:

يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، یعنی:

پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه‌السلام فرمودند:

یا علی:

روز قیامت شیعیان تو وارد بهشت می‌شوند در حالی که نور آنها پیشاپیش آنها و جلو آنها، همچنین از طرف راست آنها به سرعت در حرکت است و آنها را به طرف بهشت راهنمایی می‌کند،

و در همین حال ملائکه الهی به استقبال آنها آمده و به آنها مژده و بشارت

ورود به بهشت و اقامت دائمی و همیشگی در بهشت را می‌دهند،

و این است رستگاری و پیروزی عظیم و بزرگ که نصیب شیعیان تو می شود.

ح: خداوند متعال در آیه ۲۵ سوره بقره می فرماید:

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

به کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند مژده و بشارت بده که برای آن ها بهشت هایی است که از زیر درختانش نهرها جاری است.

ملاحظه می فرمائید که:

این مژده و بشارت خداوند متعال مربوط به کسانی است که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند.

اینکه مصداق این ایمان آورندگان و انجام دهندگان اعمال صالح چه اشخاصی هستند در بیانات نورانی امام سجاد و امام عسکری علیهما السلام آمده که ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

امام سجاد علیه السلام فرمودند:

منظور از بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه «آیه ۲۵ سوره بقره» این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

بشارت بده به کسانی که:

۱. به خدا ایمان آوردند،

۲. نبوت و رسالت تو را پذیرفتند،

۳. و پس از تو علی بن ابیطالب را به عنوان امام خویش انتخاب کردند و او را به

عنوان وصی و جانشین تو شناختند،

۴. و به آنچه که در مورد تو ایمان آوردند در مورد علی بن ابیطالب علیه السلام نیز

ایمان آوردند جز مسئله نبوت که فقط اختصاص به تو دارد.

ای پیامبر:

به بهشت نخواهند رفت مگر کسانی که:



ولایت علی بن ابیطالب و ائمه از فرزندان او را بپذیرند و مُحَبِّ آن‌ها باشند و با دشمنان آن‌ها دشمن باشند.

وجود مقدس امام سجّاد علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: مقصود از وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ در این آیه شریفه «آیه ۲۵ سوره بقره» این است که: آنچه را که خداوند متعال واجب فرموده انجام بدهند و از آنچه که خداوند متعال حرام فرموده اجتناب نمایند «وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ، یعنی: انجام واجبات و ترک محرّمات»، بنابراین:

خلاصه و نتیجه این حدیث شریف این می شود که:  
خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می فرماید:  
ای پیامبر:

به کسانی که به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله ایمان آورده‌اند، و اعمال صالح انجام می دهند «عمل به واجبات نموده و محرّمات را ترک می کنند» بشارت بده به بهشتی که نهرها از زیر درختان آن‌ها جاری است. ملاحظه می فرمائید که:

این بشارت الهی اختصاص به شیعیان دارد،  
اختصاص به شیعیانی که به تکالیف شرعی خویش عمل می کنند «یعنی به واجبات عمل نموده و از محرّمات اجتناب می نمایند».  
در آیه قبل «آیه ۲۴ سوره بقره» خداوند متعال مردم را از آتش جهنّم بر حذر داشته و فرموده:

وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ، یعنی:  
ای مردم:

از آتش جهنّم بترسید «از آتشی بترسید» که:  
هیزم آن بدن‌های مردم گنهکار و سنگ‌ها می باشد «بدن مردم گنهکار، همچنین سنگ‌ها هیزم جهنّم هستند و با سوختن آن‌ها جهنّم داغ و سوزان می شود».  
در ادامه آیه شریفه آمده که:

أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، یعنی:

این جهنم برای کافرین آماده و مهیا شده است. وجود مبارک امام سجّاد و امام عسکری سلام الله علیهما فرمودند: مقصود از کافرین در این آیه شریفه «یکی از مصادیق کافرین» یعنی آیه ۲۴ سوره بقره کسانی هستند که:

کلام خداوند متعال و پیامبر اکرم را دروغ پنداشته «در رابطه با امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»، و به همین جهت از پذیرش امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خودداری کرده و از رسیدن آن حضرت به حَقّش «رسیدن به خلافت مسلمین» جلوگیری نمودند. این دو حدیث شریف ذیل آیه ۲۴ و ۲۵ سوره بقره آمده است.<sup>۱</sup>

### ملاحظات:

با توجه به توضیحات ذیل آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس که محل بحث ما می باشد «الَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ...»، و با عنایت به احادیث شریفی که ذیل آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران، آیه ۴۹ سوره اعراف، آیه ۳۰ سوره فصلت، آیات ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره انبیاء، آیه ۳۴ سوره فاطر، آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل، آیه ۱۲ سوره حدید، و آیات ۲۴ و ۲۵ سوره بقره به عرض رسید و در صفحات قبل آن‌ها را ملاحظه فرمودید فقط و فقط شیعیان اثنی عشری اولیاء الله می باشند و لا غیر «البته مصداق اتمّ و اکمل اولیاء الله وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند و شیعیان آن ذوات مقدّسه نیز به جهت پذیرش امامت و ولایت آن بزرگواران در زمره اولیاء الله قرار می گیرند»، لذا:

شیعیان اثنی عشری طبق آنچه که در احادیث ذیل آیات ۶۲، ۶۳ و ۶۴ سوره یونس آمده «همچنین احادیث شریفی که ذیل دیگر آیات شریفه قرآن کریم آمده و به آن‌ها اشاره شد»، دو ویژگی و دو خصوصیت انحصاری دارند «به قرار ذیل»:

۱. لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ، یعنی:

شیعیان دوازده امامی در روز قیامت و در جهان آخرت نه خوف و ترسی دارند

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۲۹ تا ۲۳۳، حدیث ۱ و ۲.

و نه حزن و اندوهی، در حالی که دیگران غرق در خوف و حزن می‌باشند.

۲. لَهْمُ الْبَشَرِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ، یعنی:

به شیعیان دوازده امامی هم در دنیا بشارت است و هم در آخرت،

یعنی:

در دنیا به شیعیان اثنی عشری بشارت داده شده که اگر به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند اهل بهشت خواهند بود،

و در آخرت نیز وقتی از قبرها خارج شوند ملائکه الهی به استقبال آنها آمده و آنها را به بهشت بشارت می‌دهند، در حالی که دیگران باید داخل جهنم شوند و برای همیشه داخل آن باقی بمانند.

بنابراین:

شیعیان دوازده امامی در روز قیامت نه تنها خوف و حزنی ندارند بلکه غرق در شادی و سرور بوده و مژده و بشارت بهشت به آنها داده می‌شود، لیکن همه اینها در انتظار شیعیانی است که طبق آیه ۶۳ سوره یونس اهل تقوا و پرهیزکاری بوده‌اند و از ارتکاب گناه اجتناب می‌نمودند، و یا طبق آیه ۲۵ سوره بقره اعمال صالح انجام می‌داده‌اند که طبق فرمایش امام سجّاد علیه‌السلام که به عرض رسید انجام اعمال صالح «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی انجام واجبات و ترک محرّمات، لذا:

اگر شیعیان دوازده امامی «که تنها فرقه ناجیه می‌باشند و قبلاً ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام راجع به آن توضیحات کاملی ارائه شده» به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند یعنی واجبات را انجام داده و از محرّمات اجتناب نمایند انشاءالله تعالی روز قیامت مورد شفاعت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام قرار خواهند گرفت و خداوند متعال به احترام این ذوات مقدسه از نواقص اعمال شیعیان و همچنین از گناهایی که بعضاً مرتکب شده‌اند چشم‌پوشی فرموده و آنها را مورد آمرزش قرار داده و به بهشت می‌برد، لیکن اینگونه نیست که همه شیعیان بلافاصله پس از خروج از قبر به بهشت بروند، حتّی اگر اصرار در گناهان داشته باشند و به اصطلاح در انجام گناه زیاده‌روی نموده باشند.

قابل ذکر است که:

شیعیان دوازده امامی با شفاعت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نهایتاً وارد بهشت خواهند شد و حتّی اگر به جهت بعضی از گناهان وارد جهنّم بشوند با لطف خداوند متعال و با شفاعت چهارده معصوم علیهم السّلام بالاخره از جهنّم خارج خواهند شد، یعنی:

شیعیان اثنی عشری انشاءالله تعالی مخلّد در آتش جهنّم نخواهند بود لیکن این بدان معنا نیست که تمام شیعیان «اعم از شیعیانی که در دنیا اعمال صالح انجام می دادند و شیعیانی که مرتکب کبائر شده و اسراف در گناه داشتند» بلافاصله پس از خارج شدن از قبور مورد شفاعت واقع شده و به بهشت خواهند رفت. آنچه که قطعیت دارد و از مسلّمات می باشد این است که شیعیان دوازده امامی مورد شفاعت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام قرار خواهند گرفت و نتیجه این شفاعت این خواهد شد که:

یا اصلاً وارد جهنّم نشوند و بلافاصله پس از خروج از قبر «پس از رسیدگی به اعمال» به بهشت بروند «شیعیان اهل تقوا»، و یا اینکه وارد جهنّم بشوند لیکن پس از مدتی توقف در جهنّم مورد شفاعت قرار گرفته و از جهنّم خارج شوند. جهت روشن شدن مطلب و پی بردن به این نکته که زمان توقّف و اقامت در جهنّم چه مقدار خواهد بود «برای شیعیان گنهکار» به یک حدیث شریف اشاره می شود.

وجود مقدّس سیّدالشّهداء اباعبدالله الحسین سلام الله علیه فرمودند:

شخصی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:

یا ابالحسن:

مرگ را برای من وصف کن.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

مرگ یکی از سه امری است که بر انسان وارد می شود، یعنی:

مرگ:

یا بشارتی است به نعمات جاوید و ابدی بهشت،  
 یا خبری است به عذاب ابدی و همیشگی،  
 یا خبری است برای ترساندن و اندوهگین ساختن، زیرا:  
 او نمی داند اهل بهشت است یا اهل جهنم.  
 وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه بیانات خویش  
 فرمودند:

انسانی که شیعه ما و مطیع ما و محب ما «دوستدار ما» باشد هنگام مرگ به  
 نعمات جاوید بهشتی بشارت داده می شود،  
 انسانی که دشمن ما و مخالف ما باشد هنگام مرگ به عذاب ابدی و همیشگی  
 وعده داده می شود،

اما انسانی که وضعیت معلوم نیست و نمی داند سرانجامش چه خواهد شد  
 «نمی داند اهل بهشت است یا اهل جهنم»، این انسان شیعه ای است که بر علیه  
 نفس خویش اسراف نموده است «اسراف در گناه یعنی زیاده روی در گناه» و این  
 انسان شیعه به جهت ارتکاب گناهان زیاد نمی داند که سرانجامش چگونه خواهد  
 بود و نمی داند که اهل بهشت خواهد بود یا از اهل جهنم «اعتقادات این انسان  
 شیعه درست بوده لیکن اعمالش خلاف بوده است»، و به همین جهت اخبار مبهم  
 و ترسناک به او می رسد «یعنی شیعه ای که اسراف در گناه داشته باشد هنگام مرگ  
 در خوف و حزن است».

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش  
 فرمودند:

اما خداوند متعال هرگز شیعه گنهکار را «شیعه ای که در انجام گناه زیاده روی  
 نموده» با دشمنان ما برابر نخواهد ساخت و با شفاعت ما او را از جهنم بیرون  
 خواهد کرد.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آنگاه شیعیان را مورد  
 خطاب قرار داده و فرموده «می فرمایند»:

از خداوند متعال اطاعت کنید و عمل صالح انجام دهید «یعنی عمل به واجبات

و ترک محرّمات»،

و عقوبت الهی را کوچک ندانید «کیفر و عذاب گناهان خودتان را که خداوند متعال به شما اعمال می کند ناچیز نشمارید»، زیرا:

شفاعت ما شامل حال مسرفین در گناه نخواهد شد مگر بعد از سیصد هزار سال «شفاعت ما شامل حال شیعیانی که اسراف و زیاده روی در گناه می نمایند نخواهد شد مگر بعد از سیصد هزار سال»<sup>۱</sup>.

بنابراین:

طبق این حدیث شریف و احادیثی که در صفحات قبل به عرض رسید «و توضیحات ذیل آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس»:

۱. شیعیان اثنی عشری که به تکالیف شرعی خویش عمل می کنند «یعنی شیعیانی که به واجبات عمل نموده و از محرّمات اجتناب می کنند» هنگام مرگ به بهشت جاوید بشارت داده می شوند، لذا:

اینگونه شیعیان از لحظه مرگ به بعد نه خوفی دارند و نه حزنی،

۲. مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدسه هنگام مرگ به عذاب الیم و ابدی وعده داده می شوند، یعنی اینگونه افراد از لحظه مرگ به بعد غرق در خوف و حزن می باشند تا اینکه وارد جهنّم بشوند و برای ابد داخل جهنّم بمانند و مخلّد در آتش جهنّم باشند.

۳. شیعیان اثنی عشری که در دنیا مرتکب گناهان فراوانی شده اند و به اصطلاح اسراف در گناه نموده اند و مسرف در گناه بوده اند، اینگونه افراد هنگام مرگ با اخباری مواجه می شوند که باعث خوف و حزن آن ها می باشد و روز قیامت وارد جهنّم خواهند شد، لیکن هرگز مانند منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و مانند دشمنان آن ذوات مقدسه نخواهند بود، یعنی:

---

۱. تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۵۶۳، حدیث ۲۱۹ «حدیث ۴۸۲۴» «ذیل آیات ۱۰۱ تا ۱۰۹ سوره هود».  
معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد دوّم، باب ۳۲۲، باب معنی مرگ، صفحه ۱۹۴، حدیث ۲.

شیعیانی که اسراف در گناه می نمایند مخلّد در آتش جهنّم نخواهند بود و بالاخره با شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام از جهنّم بیرون خواهند آمد، لیکن طبق حدیث شریفی که از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل شد ممکن است این شفاعت پس از سیصد هزار سال نصیب این شیعیان مسرف در گناه بشود.

ضمناً، ذیل آیه ۲۵۵ سوره بقره «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» راجع به شفاعت توضیحات کاملی ارائه شده است.





## « سوره هود »

آیه ۸ سوره هود:

«وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ، أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

اگر مجازات آن‌ها را «کفار و مشرکین و منافقین و مخالفین اسلام» تا مدت معین و زمان محدودی به تأخیر بیندازیم آن‌ها از روی استهزاء و تمسخر می گویند که چه چیزی مانع از آمدن عذاب شده است.

خداوند متعال در پاسخ به این یاوه‌گویی دشمنان اسلام می فرماید:

آگاه باشید و بدانید که عذاب الهی روزی به سراغ آن‌ها خواهد آمد و هیچ چیز مانع آن نخواهد بود و آنچه را که مسخره می کردند «آمدن عذاب را» بر آنان نازل می شود «نازل خواهد شد» و دامن آن‌ها را می گیرد.<sup>۱</sup>

شرح لغات و توضیحات:

تأخیر = دیر کردن، دیر آمدن، عقب انداختن؛

أُمَّت = ۱- وقت، زمان، ۲- گروه، جماعت؛

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۷ - ۴۸.

أُمَّتٌ مَّعْدُودَةٌ = ۱- زمان معین، ۲- جماعت اندک، نفرات کم؛  
 حَبْسٌ = بازداشتن، مانع شدن، نگهداشتن؛  
 صَرَفٌ = چیزی را از حالی به حالی بازگرداندن، چیزی را به چیز دیگری تبدیل  
 کردن، تغییر دادن؛

صَرَفَهُ عَنْهُ = او را از آن دور کرد و برگرداند؛

حِيقٌ، احاقه = احاطه کردن، نازل شدن؛

حَاقَ بِهِمُ الْعَذَابَ = بر آنها عذاب نازل شد.<sup>۱</sup>

این آیه شریفه «آیه ۸ سوره هود» گوشه‌ای از حالات روانی و نقاط ضعف اخلاقی و جهل و عناد افراد بی‌ایمان را بیان می‌فرماید «اعم از کفار و مشرکین و منافقین و...»، یعنی شوخی کردن با حقایق و مسخره کردن مبانی دین و شریعت.

در این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَ لَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ = ۱- اگر عذاب افراد بی‌ایمان «اعم از کفار و مشرکین و منافقین و...» را برای مدّت کوتاهی «برای مدّت معینی» به تأخیر بیندازیم؛ ۲- اگر عذاب افراد بی‌ایمان را تا زمان آمدن آن گروه اندک و نفرات کم به تعویق بیندازیم.

عرض شد که:

أُمَّتٌ مَّعْدُودَةٌ دو معنی دارد که یکی از آنها وقت و زمان معین می‌باشد، و دیگری جماعت اندک و نفرات کم.

اگر أُمَّتٌ مَّعْدُودَةٌ را وقت و زمان معین معنی کنیم در این صورت معنی آیه شریفه تا این جا این می‌شود که:

خداوند متعال می‌فرماید:

اگر عذاب افراد بی‌ایمان را تا مدّت معینی و تا زمان محدودی به تأخیر بیندازیم. لیکن اگر أُمَّتٌ مَّعْدُودَةٌ را جماعت اندک و نفرات کم معنی نماییم در این صورت

۱. المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۲۴۸.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۷.

مفردات راغب.

معنی آیه شریفه تا این جا این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

اگر عذاب افراد بی ایمان را تا آمدن آن گروه اندک و آن نفرات کم به تعویق و تأخیر بیندازیم «یعنی تا زمان ظهور امام زمان سلام الله علیه و یاران اندک آن حضرت که سیصد و ده نفر و اندی می باشند».

انشاء الله تعالی در بخش حدیث به این قضیه اشاره خواهد شد.

با توجه به اینکه آیات شریفه قرآن کریم ظاهری دارند و باطنی «و یا به عبارت دیگر تنزیل و تأویلی دارند» هر دو معنی برای آیه شریفه درست می باشد.

در ادامه آیه شریفه به یاوه گویی و تمسخر افراد بی ایمان اشاره شده که وقتی نزول عذاب الهی و یا ظهور امام زمان علیه السلام برای مدتی به تأخیر می افتد می گویند:

لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ = ۱- چه چیز باعث شد تا عذاب الهی به تأخیر بیفتد «چه چیز جلو عذاب الهی را گرفت»؛ ۲- چه چیز باعث شد تا ظهور قائم آل محمد علیهم السلام به تأخیر بیفتد.

قابل ذکر است که:

وقتی افراد بی دین «اعم از کفار و مشرکین و منافقین» کلام خداوند متعال را از زبان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می شنیدند که خداوند متعال به افراد بی دین وعده عذاب می دهد، لذا این افراد بی دین وقتی می دیدند که عذاب الهی نازل نشد از روی تمسخر و استهزاء می گفتند:

ما يَحْبِسُهُ، یعنی:

چه چیز مانع آمدن عذاب شد «چه چیزی جلو عذاب خدا را گرفت». خداوند متعال به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به افراد بی دین وعده عذاب می دهد لیکن چون خداوند متعال نسبت به بندگانش مهربان است این عذاب را به تأخیر می اندازد تا بلکه مردم متنبه شده و از خواب غفلت بیدار شده و ایمان بیاورند.

افراد بی ایمان وقتی می دیدند عذاب الهی نازل نشد از روی تمسخر و استهزاء می گفتند:

ما که از کفر و شرک خودمان عدول نکرده‌ایم و به خداوند متعال و به پیامبر اکرم ایمان نیآورده‌ایم پس چرا عذاب الهی نازل نمی‌شود، و بدین وسیله آمدن عذاب را دروغ دانسته و آن را مسخره می‌کردند.

این قضیه الان نیز ممکن است به وسیله افراد بی‌دین در رابطه با وجود مقدس بقیة الله الاعظم امام زمان سلام الله علیه و ظهور آن حضرت صورت بگیرد، یعنی ممکن است افراد غیرشیعه این موضوع را دروغ پنداشته و آن را خدای ناکرده به استهزاء بگیرند و بگویند چه چیزی مانع شده تا آن حضرت ظهور بفرمایند.

خداوند متعال در جواب این دو گروه «گروهی که می‌گفتند چه چیز باعث شده تا عذاب الهی به تأخیر بیفتد، و گروهی که می‌گفتند و می‌گویند که چه چیزی باعث شده تا ظهور امام زمان علیه السلام به تأخیر بیفتد» می‌فرماید:

أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسٌ مَّصْرُوفًا عَنْهُمْ = بدانید و آگاه باشید که:

آن روز که عذاب و مجازات خداوند متعال فرا برسد هیچ چیز نمی‌تواند جلو آن را بگیرد و هیچ کس قدرت آن را ندارد که عذاب الهی را بازگرداند.

وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ = آنچه را که افراد بی‌دین «اعم از کفار و مشرکین و منافقین و منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام» مسخره می‌کردند بر آنان نازل خواهد شد و آن‌ها را در هم خواهد کوبید.

قابل ذکر است که:

۱. مقصود از عذاب در این آیه شریفه عذاب دنیوی است نه عذاب اخروی و

عذاب روز قیامت؛

۲. ظهور امام زمان سلام الله علیه بر شیعیان آن حضرت نزول رحمت الهی است و باعث سرور و شادمانی آن‌ها است، لیکن برای غیرشیعه و برای مخالفین و منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام دقیقاً بر عکس می‌باشد یعنی روز خفت و خواری آن‌ها می‌باشد و روزی است که انتقام خون اولیاء الهی از قاتلین آن‌ها و کسانی که راضی به این جنایات بوده‌اند گرفته خواهد شد.

در آیات شریفه دیگری نیز راجع به امام زمان سلام الله علیه و ظهور آن حضرت صحبت به میان آمده است که انشاء الله تعالی در پایان بخش حدیث به آن‌ها اشاره

خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند: مقصود از عذاب در این آیه شریفه «وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ - آیه ۸، سوره هود» قیام حضرت قائم علیه السّلام می باشد. «یعنی قیام حضرت قائم علیه السّلام برای شیعیان آن حضرت رحمت است و نعمت و برکت، و برای غیر شیعیان و برای دشمنان آن ذوات مقدّسه بلا و عذاب است زیرا باعث ذلّت و خواری آن ها خواهد بود».

این حدیث را اسحاق بن عبدالعزیز از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند: منظور از جماعت اندک «أُمَّتٌ مَّعْدُودَةٌ» در این آیه شریفه «وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ... - آیه ۸، سوره هود» اصحاب حضرت قائم «امام زمان علیه السّلام» علیه السّلام می باشد که تعداد آن ها بیش از سیصد و ده نفر می باشد. این حدیث را هاشم بن عمّار «هشام بن عمّار» از پدرش و او از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۳. وجود مبارک امام باقر علیه السّلام فرمودند: اصحاب و یاران حضرت قائم علیه السّلام بیش از سیصد و ده نفر می باشند، و به

۱. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۱۳ - ۱۴.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۲۴۸ - ۲۴۹.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۷ - ۴۸.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۳۳.

۲. المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۲۸۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۶، حدیث ۱.

۳. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۶، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۴۷، حدیث ۲۹ «حدیث ۴۶۳۴».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۳۳.

خدا قسم آن‌ها همان امت معدوده هستند «جماعت اندک» که خداوند متعال در قرآن کریم به آن‌ها اشاره نموده و فرموده:

«وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ... - آیه ۸، سوره هود».

وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

اصحاب امام زمان علیه‌السلام مانند تکه‌های ابر پاییزی در یک لحظه نزد آن حضرت حضور می‌یابند «همچنان که ابرهای پاییزی در یک لحظه و در یک مدت کوتاه به وسیله باد از غرب به شرق حرکت کرده، یا احياناً از شمال به جنوب حرکت نموده و در یک نقطه جمع می‌شوند و باعث بارندگی می‌شوند، اصحاب امام زمان علیه‌السلام نیز به دستور خداوند متعال از نقاط مختلف کره زمین در محضر آن حضرت حاضر می‌شوند».

این حدیث را عبدالاعلی حلی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

مقصود این آیه شریفه «وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ - آیه ۸، سوره هود» حضرت قائم علیه‌السلام و اصحاب آن حضرت می‌باشد.

این حدیث را خزاز از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۵. وجود مبارک امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

مقصود از فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ در این آیه شریفه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً - آیه ۱۴۸، سوره بقره» ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، و مقصود از أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً در این آیه شریفه «آیه ۱۴۸ سوره بقره» اصحاب امام قائم علیه‌السلام هستند که سیصد و ده نفر و اندی می‌باشند، و به خدا

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۸، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۴۷، حدیث ۲۶ «حدیث ۴۶۳۱».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۳۳.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۸، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۴۷، حدیث ۲۷ «حدیث ۴۶۳۲».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۳۳.

قسم این‌ها همان اُمَّتِ مَعْدُوْدَةٍ «جماعت اندک» هستند که در آیه هشتم سوره هود به آن اشاره شده است.

وجود مبارک امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
به خدا قسم:

خداوند متعال این اُمَّتِ مَعْدُوْدَةٍ را «اصحاب امام زمان علیه‌السلام را» در یک لحظه مانند تکه‌های ابر پاییزی در حضور آن حضرت گرد می‌آورد.  
این حدیث را ابوخلد از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۶. امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام فرمودند:

منظور از اُمَّتِ مَعْدُوْدَةٍ «جماعت اندک» در این آیه شریفه «وَلَيْنُ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ اُمَّتٍ مَعْدُوْدَةٍ...» - آیه ۸، سوره هود» اصحاب حضرت مهدی علیه‌السلام هستند که تعداد آن‌ها سیصد و ده نفر و اندی می‌باشند و در یک لحظه مانند تکه‌های ابر پاییزی گرد هم جمع می‌شوند.<sup>۲</sup>

۷. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

منظور از عذاب در این آیه شریفه «وَلَيْنُ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ اُمَّتٍ مَعْدُوْدَةٍ...» - آیه ۸، سوره هود» حضرت قائم علیه‌السلام می‌باشد که آن حضرت بر دشمنان همچون عذاب خواهد بود،

و منظور از اُمَّتِ مَعْدُوْدَةٍ «جماعت اندک» در این آیه شریفه «آیه هشتم سوره هود» اصحاب امام قائم علیه‌السلام هستند که همراه با آن حضرت قیام می‌کنند و تعداد آن‌ها به اندازه افراد جنگ بدر است «سیصد و ده نفر و اندی».<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۸، حدیث ۷.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۴۴۷، حدیث ۲۸ «حدیث ۴۶۳۳».

۲. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۱۴.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۲۸۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۸، حدیث ۸.

۳. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۹، حدیث ۹.

**توضیح:**

در آیات شریفه دیگری نیز راجع به وجود مقدّس امام زمان سلام الله علیه صحبت به میان آمده که ذیلاً به تعدادی از آنها اشاره می شود.  
خداوند متعال می فرماید:

الف) فَاسْتَقِوْا الْخَيْرَاتِ اَیْنَ مَا تَكُوْنُوْا یَاتِ بِكُمْ اللهُ جَمِیْعًا، اِنَّ اللهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ - «آیه ۱۴۸، سوره بقره»، یعنی:

در اعمال خیر و نیکی ها بر یکدیگر سبقت بگیرید، هر کجا که باشید خداوند متعال همه شما را حاضر می کند زیرا خداوند متعال بر هر کاری توانا است.  
ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث شریف:

مقصود از خیرات در این آیه شریفه ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، و منظور از «اَیْنَ مَا تَكُوْنُوْا یَاتِ بِكُمْ اللهُ جَمِیْعًا» این است که:  
هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام «یعنی حضرت مهدی علیه السلام» ظهور نمایند و قیام بفرمایند خداوند متعال شیعیان آن حضرت را از تمام سرزمین ها و از همه نقاط جهان گرد آن حضرت حاضر می فرماید.

ب) یُرِیْدُوْنَ اَنْ یُّطْفِئُوْا نُوْرَ اللهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَیَأْتِیَ اللهُ الْاِثْمَانَ اَنْ یُّنِیْمَ نُوْرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْکٰفِرُوْنَ - «آیه ۳۲، سوره توبه»، یعنی:

این ها «یهود و نصاری و مخالفین اسلام اعم از کافرین و مشرکین و منافقین» می خواهند نور خدا را با دهن های خویش خاموش کنند، لیکن:  
خداوند متعال جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند «خداوند متعال اراده فرموده تا نور خود را کامل کند» هر چند کافران از این قضیه ناخشنود باشند «هر چند کافران از این قضیه کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید».  
ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده اند:

مقصود از نور خدا «نور الله» در این آیه شریفه ولایت و امامت ائمه معصومین



علیهم السّلام می باشد که کفار و مشرکین و منافقین می خواستند پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آن را خاموش نمایند، لیکن: خداوند متعال اراده فرموده تا نور خودش را به اتمام و اکمال برساند، یعنی امر حضرت مهدی علیه السّلام را به اتمام و اکمال برساند تا با ظهور آن حضرت، دین حقّ یعنی دین اسلام عالمگیر شود.

(ج) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ - «آیه ۳۳، سوره توبه»، یعنی: او خدایی است که:

رسول خدا را «یعنی پیامبر اکرم را» با هدایت «با آیات و معجزات - با دلایل و براهین آشکار» و با دین حقّ یعنی با دین اسلام فرستاد تا این دین حقّ یعنی دین اسلام را بر همه ادیان غلبه دهد گرچه مشرکان از آن کراهت داشته باشند و از آن بدشان بیاید.

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که طبق این احادیث شریف:

این آیه شریفه در رابطه با حضرت مهدی علیه السّلام می باشد و زمانی که آن حضرت ظهور بفرمایند دین اسلام عالمگیر خواهد شد و دین اسلام بر تمام ادیان غلبه خواهد نمود و احدی در روی زمین باقی نخواهد ماند مگر اینکه به نبوت و رسالت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم اعتراف و اقرار خواهد نمود و مسلمان خواهد شد.

(د) وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ، أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ - «آیه ۱۰۵، سوره انبیاء»، یعنی:

ما «خداوند متعال» بعد از قرآن کریم «علاوه بر قرآن کریم» در تمام کتب انبیاء پیشین نیز نوشتیم و متذکر شدیم و مقرر فرمودیم که: سرانجام سراسر زمین «همه کره زمین» در اختیار و در تصاحب عباد صالح «بندگان

صالح و شایسته» ما قرار خواهد گرفت.

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:

مقصود از عباد صالح در این آیه شریفه اصحاب حضرت مهدی علیه السّلام می‌باشند که پس از ظهور آن حضرت در خدمت آن حضرت می‌باشند، و هنگامی که آن حضرت ظهور بفرماید حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد شد و تمام زمین «سراسر زمین» پر از عدل و داد خواهد شد، و بساط شرک و کفر و نفاق در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السّلام از زمین بر چیده خواهد شد.

ه) الَّذِينَ اِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللّٰهُ عَاقِبَةُ الْاُمُورِ - (آیه ۴۱، سوره حج)، یعنی:

آن‌ها «مؤمنین واقعی و راستین» کسانی هستند که:

اگر در زمین به آن‌ها قدرت بدهیم و به آن‌ها حکومت ببخشیم، نماز را به پا می‌دارند،

زکات می‌دهند،

امر به معروف می‌کنند،

و نهی از منکر می‌نمایند،

و عاقبت همه کارها و پایان همه کارها از آن خداوند متعال می‌باشد.

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف:

این آیه شریفه در رابطه با آل محمد علیهم السّلام و حضرت مهدی علیه السّلام و اصحاب آن حضرت می‌باشد و زمانی که آن حضرت ظهور بفرماید خداوند متعال شرق و غرب زمین را «همه کره زمین را» در سیطره حکومت آن حضرت قرار خواهد داد و سراسر زمین پر از عدل و داد خواهد شد.

و) وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنََهُمُ الَّذِيْ ارْتَضٰى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُوْنَنِيْ لَا

يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا... - «آیه ۵۵، سوره نور»، یعنی:

خداوند متعال به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند وعده داده تا آنها را در روی زمین خلیفه کند «حاکم روی زمین کند و به آنها حکومت ببخشد»

همانطور که پیشینیان را خلیفه کرد و به آنها حکومت بخشید، و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده «یعنی اسلام را» تمکین ببخشد و استقرار دهد،

و پس از خوف و ترس آنها را ایمنی بخشید، تا مرا «خداوند متعال را» عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند. ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده اند:

به خدا قسم آنها شیعیان ما هستند که خداوند متعال به دست مردی از ما که مهدی این امت می باشد «یعنی حضرت قائم علیه السّلام» این وعده ها را درباره آنها محقق و عملی می سازد.

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - «آیه ۵، سوره قصص»

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ... «آیه ۶، سوره قصص»، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

اراده و مشیت ما بر این تعلق گرفته که:

به مستضعفین روی زمین منت گذاشته و آنها را مشمول نعمات و مواهب خویش نموده و آنها را پیشوایان و رهبران و وارثین روی زمین قرار دهیم، و به آنها قدرت ببخشیم و حکومت قوی و پابرجا به آنها اعطا نمائیم. ذیل این دو آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده اند:

این دو آیه شریفه به وجود مقدّس صاحب الامر امام زمان علیه السّلام اختصاص

دارد که در آخرالزمان ظهور می فرمایند و ضمن سرکوب نمودن جباران و ستمگران سراسر زمین را پر از عدل و داد می کنند.

قابل ذکر است که:

ذیل این آیات شریفه‌ای که ملاحظه فرمودید توضیحات کامل و جامعی ارائه شده و ذیل هر آیه شریفه چند حدیث نورانی نقل شده که جهت رعایت اختصار این جا فقط به یک حدیث اکتفا شد.

## آیه ۱۷ سوره هود:

«أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ، وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً، أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ، وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ».

## ترجمه:

خداوند متعال می‌فرماید:

آیا کسی که دلیل و برهان آشکاری از جانب پروردگار خود دارد و شاهد و گواهی نیز بر صدق گفته‌های خویش دارد و پیش از این نیز شاهد و گواهی بر صدق گفته‌های خود داشته، آیا:

این فرد و این شخص همانند کسی است که این صفات و این نشانه‌های آشکار و روشن را ندارد،

آن‌ها «افراد حقیقت‌طلب و حقیقت‌جو» به او ایمان می‌آورند «به کسی که دارای دلیل و برهان آشکار از جانب خداوند متعال می‌باشد»، و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود وعده‌گاه او آتش جهنم می‌باشد «جایگاه او آتش جهنم می‌باشد»<sup>۱</sup>.

## شرح لغات و توضیحات

بَیِّنَةٌ = دلیل، برهان، دلیل روشن و آشکار، اعم از اینکه این دلیل روشن و آشکار دلیل روشن عقلی باشد یا دلیل روشن حسّی؛

تَلُو = دنبال، پی، پس؛

تَالِي = دنباله‌رو، پیرو، تابع؛<sup>۲</sup>

در آیات قبل آمده بود که کفّار و مشرکین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلمّ تهمت می‌زدند که پیامبر اکرم قرآن کریم را به دروغ به خداوند متعال نسبت می‌دهد، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۸.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۷۰.

۲. مفردات راغب.

نعوذ بالله قرآن کریم از جانب خداوند متعال نیست و پیامبر اکرم آن را به دروغ به خداوند متعال نسبت می‌دهد.

آنگاه خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می‌فرماید که:

ای پیامبر:

به کفار و مشرکین بگو که اگر این قرآن ساختگی است «ساخته دست بشر است» و به دروغ به خداوند متعال نسبت داده می‌شود شما هم ده سوره ساختگی همانند سوره‌های قرآن کریم بیاورید.

پس از این قضایا خداوند متعال آیه ۱۷ سوره هود را نازل فرمودند، تا تسکینی باشد بر قلب مبارک پیامبر اکرم، ضمن اینکه به آن حضرت بفرماید تا از گفته‌های دیگران بیم به خودش راه ندهد.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ = آیا کسی که دلیل و برهان روشن و آشکاری از جانب پروردگارش دارد.

مقصود از این فرد و این کس در این آیه شریفه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، و مقصود از بینه (دلیل و برهان روشن و آشکار) در این آیه شریفه قرآن کریم است.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این می‌شود که:

خداوند متعال می‌فرماید:

آیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که بینه‌ای «دلیل روشن و آشکار» مانند قرآن کریم از جانب پروردگارش به همراه دارد

وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ = و شاهد و گواهی نیز بر صدق گفته‌های خویش دارد، یعنی:

پیامبر اکرم را کسی پیروی می‌کند که شاهد و گواه بر صدق گفته‌های پیامبر است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که مقصود از کسی که شاهد و گواه بر صدق گفته‌های پیامبر اکرم می‌باشد وجود مبارک مولی‌الموحدین

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد  
وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً = و قبل از آن در کتاب حضرت موسی یعنی در  
تورات که امام و پیشوا است و رحمت خداوند متعال است این قضیه آمده است،  
یعنی:

تورات که امام و پیشوا است و رحمت خداوند متعال می باشد این مطلب را بیان  
می فرماید که پیامبر اکرم مبعوث به رسالت خواهد شد، و به عبارت دیگر:  
در تورات مژده و بشارت آمدن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمده  
است.

تا این جا معنی آیه شریفه این شد که:

آیا وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که بینه و دلیل روشن و  
آشکاری مانند قرآن کریم را به همراه دارد، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام  
نیز شاهد و گواه بر صدق گفته های آن حضرت «یعنی پیامبر اکرم» می باشد، و تورات  
نیز به رسالت و نبوت آن حضرت مژده و بشارت داده، آیا:  
این پیامبر با داشتن این اوصاف و صفات مانند کسی است که این صفات را  
ندارد.

از اوّل آیه شریفه تا این جا مبتدا می باشد، یعنی:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً مبتدا  
می باشد و خبر آن محذوف است «حذف شده است».

خبر محذوف ممکن است كَمَنْ لَيْسَ كَذَلِكَ باشد، یا ممکن است كَمَنْ يُرِيدُ الْحَيَاةَ  
الدُّنْيَا باشد یا نظیر این مطالب، و در این صورت آیه شریفه با خبر محذوف آن اینگونه  
می شود که «تقدیر آن چنین می شود که»:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً كَمَنْ لَيْسَ  
كَذَلِكَ، و یا كَمَنْ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، یعنی:

آیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که بینه و دلیلی مانند قرآن کریم را  
دارد،

و شخصی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از آن حضرت پیروی

می کند و شاهد و گواه بر صدق گفته های او است، همچنین در تورات نیز مژده و بشارت آمدن او «پیامبر اکرم» داده شده است، مانند کسی است که:

این صفات و مشخصات را ندارد،

یا مانند کسی است که:

طالب دنیا است.

جملات «كَمَنْ لَيْسَ كَذَلِكَ» و «كَمَنْ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» خبر محذوف می باشند، یعنی:

در این آیه شریفه مبتدا ذکر شده لیکن خبر حذف گردیده و محذوف می باشد و تقدیر آن چنین می شود که «كَمَنْ لَيْسَ كَذَلِكَ» و یا «كَمَنْ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا».

خلاصه کلام اینک:

آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با داشتن این اوصاف و صفات: (۱) به همراه داشتن قرآن کریم و وحی الهی؛ (۲) داشتن شاهد و گواهی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام؛ (۳) بشارت داده شدن در تورات، مانند کسی است که این اوصاف را ندارد، و یا مانند کسی است که طالب دنیا است. قابل ذکر است که:

استفهام در این آیه شریفه استفهام انکاری است لیکن منظور آن تقریر مطلب می باشد، لذا معنی آیه شریفه این می شود که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با داشتن این سه صفت و سه ویژگی: «۱- به همراه داشتن قرآن کریم؛ ۲- داشتن شاهد و گواهی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که به رسالت و نبوت آن حضرت شهادت و گواهی می دهد؛ ۳- بشارت داده شدن به آمدن آن حضرت و بشارت داده شدن به رسالت آن حضرت در تورات» هرگز مانند کسی نیست که این سه صفت و سه ویژگی را ندارد،

و یا هرگز مثل کسی نیست که طالب دنیا است.



در ادامه آیه شریفه آمده است که:

أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ = افراد حقیقت جو و حق طلب به چنین پیامبری ایمان می آورند،

یعنی:

افراد حق طلب و حقیقت جو به چنین پیامبری که این همه دلایل آشکار و روشنی در اختیار دارد «سه صفت و سه ویژگی که قبلاً به آن اشاره شد» ایمان می آورند «می آورند».

در ادامه آیه شریفه به سرنوشت منکرین رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره شد و آمده که:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ = هر کس از گروه‌های مختلف «اعم از یهود و نصاری و مشرکین و...» به پیامبر اکرم و رسالت آن حضرت ایمان نیاورد آتش جهنم جایگاه و وعده‌گاه او می باشد.

همانطور که ملاحظه فرمودید حَقَانِيَّتِ رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و صحت و صدق فرمایش آن حضرت «مبنی بر اینکه رسول خداوند متعال می باشد و از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده تا مردم را به راه راست هدایت نماید» در این آیه شریفه از سه طریق بیان شده و اثبات گردیده است «به قرار ذیل»:

۱. قرآن کریم که بینه و دلیل روشنی است که از جانب خداوند متعال به وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و این مطلب را خود قرآن کریم بیان نموده و می فرماید:

قرآن کریم از ناحیه خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده و ساخته و پرداخته بشر نیست و سپس اضافه فرموده که انسان‌ها قادر نیستند مشابه قرآن کریم را بیاورند.

خداوند متعال در آیه ۸۸ سوره اسراء می فرماید:

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا، یعنی:

ای پیامبر به مردم بگو:

اگر تمام انسان‌ها و تمام اجنّه اجتماع و اتفاق کنند تا همانند این قرآن را بیاورند

هرگز قادر به این کار نخواهند بود هر چند برای انجام این کار یکدیگر را کمک نمایند.

این آیه شریفه با صراحت هر چه تمام تر همه مردم جهان اعم از عرب، فارس، و... همه دانشمندان و فلاسفه و ادبا و نوابغ و در یک کلام همه انسانها را بدون استثناء دعوت به مقابله با قرآن نموده و می فرماید اگر فکر می کنید که قرآن کریم سخن و کلام خداوند متعال نیست و ساخته فکر و مغز بشر می باشد شما هم انسان هستید پس شبیه و مانند قرآن کریم را بیاورید،

و هر گاه بعد از تلاش و کوشش همگانی خودتان را ناتوان یافتید این بهترین دلیل بر معجزه بودن قرآن کریم است و بهترین دلیل است که قرآن کریم از ناحیه خداوند قادر متعال به پیامبر اکرم نازل شده است.

این دعوت به مقابله که در اصطلاح علماء تحدی نامیده می شود مهم ترین رکن هر معجزه ای می باشد.

خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره هود می فرماید:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ، قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، یعنی:

آن ها «کفار و مشرکین و مخالفین اسلام» می گویند که پیامبر اکرم به دروغ این قرآن کریم را به خداوند متعال نسبت داده است «یعنی آن ها می گویند قرآن از جانب خداوند متعال نیامده و ساخته و پرداخته مغز بشر است و پیامبر اکرم آن را به دروغ به خداوند متعال نسبت می دهد».

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

به آن ها بگو که اگر راست می گوئید که این قرآن کریم ساخته و پرداخته فکر و مغز بشر است شما هم ده سوره همانند این سوره های ساختگی و دروغین بیاورید و از هر کس «جز خداوند متعال» که می خواهید و می توانید برای این کار دعوت کنید.

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره بقره می فرماید:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَاذْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، یعنی:

ای مردم:

اگر درباره قرآن کریم که به پیامبر اکرم نازل فرموده‌ایم شک و تردید دارید «خیال می‌کنید که از جانب خداوند متعال نازل نشده است» حداقل یک سوره مانند سوره‌های قرآن کریم بیاورید و برای این کار دیگران را نیز دعوت به همکاری نمایید «جز خداوند متعال»، اگر راست می‌گوئید.

این آیه شریفه نیز صریحاً اعلام می‌فرماید که:

این قرآن از ناحیه خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده و ساخته و پرداخته فکر و مغز بشر نیست زیرا اگر همه مردم جمع بشوند و بخواهند این کار را بکنند قادر به این کار نخواهند بود، و حتی قادر نخواهند بود که یک سوره مثل سوره‌های قرآن کریم را بیاورند تا چه رسد به این که یک قرآن مثل قرآن کریم بیاورند، بنابراین:

قرآن کریم بینه و دلیل روشنی است که پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده و قرآن کریم از ناحیه خداوند متعال به آن حضرت نازل شده است.

۲. دوّمین علامت و دلیل آشکار و روشن مبنی بر اینکه پیامبر اکرم از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده این است که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به رسالت آن حضرت شهادت و گواهی می‌دهد.

مقام والای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام همین بس که خداوند متعال آن حضرت را شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌فرماید.

لازم به ذکر است که:

خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره رعد نیز وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان شاهد و گواه بر رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معرفی فرموده که انشاءالله تعالی در انتهای بخش حدیث به طور اختصار به آن اشاره خواهد شد.

۳. سوّمین علامت و دلیل آشکار و روشن مبنی بر اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده این است که در کتاب حضرت موسی یعنی در تورات نشانه‌ها و مشخصات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دقیقاً بیان شده و آمدن آن حضرت و مبعوث به رسالت شدن آن حضرت بشارت داده شده است.

### توضیح:

الف) ملاحظه فرمودید که در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» از تورات به نام امام «یعنی پیشوا و رهبر» و رحمت «یعنی نعمت» یاد شده است. اینک چرا از تورات به عنوان امام یاد شده ممکن است به این خاطر باشد که: چون در تورات احکام شریعت و دین موسی به طور کامل بیان شده و مردم به آن اقتدا می‌کردند لذا به همین جهت از آن به عنوان امام یاد شده است «مردم در کارهای دینی از تورات پیروی می‌نمودند». از تورات به عنوان رحمت یاد شده و این نیز ممکن است به خاطر این باشد که:

تورات نعمت خداوند متعال بر بندگانش بوده و مردم از این نعمت الهی بهره‌مند می‌شدند.

ب) با اینکه در کتاب حضرت عیسی یعنی در کتاب انجیل نیز بشارت آمدن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم به مردم داده شده است لیکن در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» فقط از تورات یاد شده است که بشارت آمدن پیامبر اکرم را به مردم داده است و این امر ممکن است به این خاطر باشد که:

۱. در زمان نزول قرآن کریم و زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مکه و مدینه و اطراف این دو شهر دین یهود بیشتر از ادیان دیگر گسترش و نفوذ داشته است.

۲. اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در تورات بیشتر از دیگر کتب

آسمانی ذکر شده و اوصاف آن حضرت کامل تر و جامع تر بیان شده است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. احمد بن عمر حلال می گوید:

از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، - آیه ۱۷، سوره هود» سؤال کردم، و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمودند:

مقصود از شاهد «گواه» در این آیه شریفه وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد که شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بود «شاهد و گواه بر صدق فرمایشات پیامبر اکرم»، و مقصود از کسی که بیّنه و دلیل آشکاری از سوی خداوند متعال داشت وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بود.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند: اگر مسند قضاوت را برای من بگسترانند «اگر به قدرت برسم و حکم و قضاوت از آن من باشد» در میان یهودیان با تورات، در میان مسیحیان با انجیل، در میان پیروان زبور براساس زبور، و در میان پیروان قرآن «بین مسلمانان» براساس قرآن قضاوت می کنم، آنچنان قضاوتی که مورد قبول ذات اقدس اله واقع شود. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به خدا قسم تک تک آیات شریفه قرآن کریم را می شناسم و می دانم که درباره چه

۱. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۸ تا ۳۰.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۲۸۷-۲۸۸.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۷۰ تا ۷۲-۷۵-۷۶.

۲. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۲۷۰، حدیث ۳ «حدیث ۴۹۳».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۵۵، حدیث ۳۶ «حدیث ۴۶۴۱».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۳۹.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۵-۳۰۶.

کسی نازل شده است.

در این هنگام مردی از جای خود برخاست و به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:  
یا امیرالمؤمنین:

درباره شما «درباره خودت» چه آیه ای نازل شده است.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیه شریفه را «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» تلاوت نموده و فرمودند:  
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از جانب خداوند متعال بیّنه «دلیل روشن و آشکار» دارند «یعنی قرآن کریم»،  
و من هم شاهد و گواه صدق فرمایشات آن حضرت می باشم «شاهد و گواه بر صدق فرمایشات پیامبر اکرم مبنی بر این که آن حضرت رسول خدا هستند».  
این حدیث را اصْبَغ بن نُبَاتَه از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وجود مبارک امام مجتبی صلوات الله و سلامه علیه در جمعی که معاویه بن ابی سفیان نیز در آن جمع حاضر بود خطبه ای ایراد فرموده و طیّ بیانات نورانی خویش فرمودند:  
ای جماعت:

کلام مرا بشنوید و آن را به خاطر بسپارید، و آنگاه امام مجتبی سلام الله علیه فرمودند:

ما اهل بیتی هستیم که خداوند متعال ما را برگزید و انتخاب فرمود و رجس و پلیدی را از ما دور کرد و ما را به خوبی تطهیر فرمود «اشاره به آیه ۳۳ سوره احزاب

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱، حدیث ۴.

تفسیر نورالقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۵۵، حدیث ۳۷ «حدیث ۴۶۴۲».

تفسیر نوالقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۵۵، حدیث ۴۰ «حدیث ۴۶۴۵».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۶.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۴۰.

که به آیه تطهیر معروف می‌باشد».

خداوند متعال ما را از هر عیب و نقصی پاک نموده و وجود ما را پاک و مطهر نموده است.

وجود مبارک امام مجتبی علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: خداوند متعال قرآن کریم را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرموده و آن حضرت را مبعوث به رسالت نمودند، و پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اولین کسی بود که دعوت خدا و رسول را اجابت نمود و اولین کسی بود که خدا و رسول خدا را تصدیق نمود.

وجود مبارک امام مجتبی سلام الله علیه آنگاه آیه ۱۷ سوره هود «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» را تلاوت نموده و فرمودند: وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارای بینه است «یعنی قرآن کریم».

و پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام شاهد و گواه بر رسالت جدّم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. عباد بن عبدالله نقل می‌کند که:

مردی از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام سؤال کرد: یا اباالحسن، درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» توضیح بفرمائید.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در پاسخ به سؤال عباد بن عبدالله فرمود:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بینه و دلیل روشن و آشکاری از جانب خداوند متعال داشت،

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱، حدیث ۵.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۶.

و من نیز شاهد و گواه آن حضرت هستم «من نیز شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم هستم».<sup>۱</sup>

۵. وجود مبارک امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» فرمودند:

منظور از کسی که از جانب خداوند متعال بینه و دلیل آشکاری دارد وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و منظور از کسی که گواه و شاهد بر رسالت پیامبر اکرم می باشد وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد،

و پس از آن حضرت اوصیاء آن حضرت یکی پس از دیگری شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشند.

این حدیث را برید بن معاویه عجللی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۶. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷، سوره هود» فرمودند:

منظور از أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و منظور از يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ من هستم.

این حدیث را جابر بن عبدالله از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۲، حدیث ۶.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۶ - ۳۰۷.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۴، حدیث ۸.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۰.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۷۵.

۳. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۵، حدیث ۱۲.

مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۹.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷.



۷. ابن کوّاء از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کرد،  
یا اباالحسن:

راجع به تو خداوند متعال چه آیه‌ای را نازل فرموده است.  
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیه شریفه را «أَقَمَنْ كَانَ  
عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» تلاوت فرمودند.<sup>۱</sup>  
علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که مقصود از شاهد در این آیه  
شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد.  
به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.  
الف) حافظ ابونعیم که از علمای معروف اهل سنت می‌باشد به سه طریق نقل نموده  
که:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَقَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ  
رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» فرمودند:  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بینه و دلیل آشکاری از جانب خداوند متعال  
دارد «یعنی قرآن کریم»،  
و من شاهد و گواه بر آن حضرت هستم.<sup>۲</sup>

ب) ابن مغزالی در تفسیر این آیه شریفه «أَقَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ  
- آیه ۱۷، سوره هود» می‌گوید:  
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارای بینه و دلیل آشکاری از جانب خداوند  
متعال بودند «یعنی قرآن کریم»،  
و من نیز شاهد و گواه بر آن حضرت هستم.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۶، حدیث ۱۵.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۵، حدیث ۱۳.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷ - ۳۰۸.

۳. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۶، حدیث ۱۷.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷.

ج) ابن مغزلی شافعی با سند خود از علی بن عابس نقل می‌کند که علی بن عابس می‌گوید:

من و ابو مریم نزد عبدالله بن عطا بودیم که ابو مریم به عبدالله بن عطا گفت:  
ای عبدالله بن عطا:

حدیثی را که از امام باقر علیه‌السلام برای من نقل نمودی برای علی بن عابس نیز بیان کن.

عبدالله بن عطا گفت:

من در محضر امام باقر علیه‌السلام نشسته بودم که پسر عبدالله بن سلام از کنار ما گذر نمود.

عبدالله بن عطا می‌گوید:

خدمت امام باقر علیه‌السلام عرض کردم:

یابن رسول‌الله:

بعضی‌ها می‌گویند که این فرد «یعنی پسر عبدالله بن سلام» پسر کسی است که علم کتاب نزد او است «عِلْمُ الْكِتَابِ نَزْدَ اَوْ اَسْتِ».

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

علم‌الکتاب نزد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که آیات فراوانی در شأن آن حضرت نازل شده که از جمله آنها این آیات شریفه می‌باشد، و سپس امام باقر علیه‌السلام این آیات شریفه را تلاوت فرمودند «که ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید»:

«أَقْمَنَ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷، سوره هود»،

«أَنَا وَإِلَيْكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ -

آیه ۵۵، سوره مائده»،

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

- آیه ۴۳، سوره رعد».<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۶، حدیث ۱۸.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷.

المیزان، جلد یازدهم، صفحه ۳۸-۳۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۵۵ سوره مائده».

د) ثعلبی در تفسیر خویش با سند خود از شعبی نقل می‌کند که حضرت علی علیه‌السلام فرمودند:

منظور از **يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ** در آیه ۱۷ سوره هود من هستم که شاهد بر رسالت پیامبر اکرم می‌باشم.<sup>۱</sup>

ه) ابن مغزلی از عبادبن عبدالله نقل می‌کند که:

شنیدم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

من همه آیات شریفه قرآن را می‌دانم که چه زمانی نازل شده و در رابطه با چه افرادی می‌باشد.

در آن هنگام فردی از جای خود بلند شده و از آن حضرت سؤال کرد:

یا امیرالمؤمنین، درباره خودت چه آیه‌ای نازل شده است.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام این آیه شریفه را «**أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتِيئَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ** - آیه ۱۷، سوره هود» تلاوت نموده و فرمودند:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بی‌ینه و دلیل آشکاری از جانب خداوند متعال به همراه داشت، و من نیز شاهد و گواه آن حضرت هستم.<sup>۲</sup>

احادیث دیگری نیز در رابطه با آیه ۱۷ سوره هود از طریق اهل سنت نقل شده که طبق این احادیث، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، لیکن به همین مقدار اکتفا می‌شود.

پس از اشاره به چند حدیث که از طریق اهل سنت نقل شد باز می‌گردیم به بحث خودمان و ادامه احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم‌السلام که از طریق شیعه نقل شده است.

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۷، حدیث ۲۱.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۸، حدیث ۲۳.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷.

۸. فردی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:

یا اباالحسن:

مرا از فضائل و مناقب خویش آگاه نما و مهم‌ترین و بالاترین آن‌ها را برای من بیان فرما.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به او فرمود:

فضائل و مناقبی که در آیات شریفه قرآن کریم آمده است یا سایر فضائل؟

آن شخص به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:

یا اباالحسن، خداوند متعال چه آیاتی را در شأن شما نازل فرموده است.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیات شریفه را تلاوت

فرمودند:

«أَمَّنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷، سوره هود،»

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

- آیه ۴۳، سوره رعد،»

«أِنَّمَا وَدَّعَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

- آیه ۵۵، سوره مائده،»

این حدیث را سلیم بن قیس از حضرت امیر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۹. فردی از زنداقه از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره

آیات متشابه قرآن کریم و آیاتی که نیاز به تأویل دارند سؤال نمود که از جمله آن‌ها

این قسمت از آیه ۱۷ سوره هود می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید:

وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پاسخ به سؤال فرد زندیق

و در توضیح این آیه شریفه فرمود:

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۰ - ۴۴۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۷، حدیث ۴۲ «حدیث ۴۶۴۷».

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۳۳۵، حدیث ۶۵.

مراد از شاهد در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» همان حجت خداوند متعال می‌باشد که خداوند متعال بر مخلوقات خویش اقامه فرموده و او را به مردم معرفی می‌فرماید و به مردم می‌فهماند که:

هیچ کس غیر از حجت خداوند متعال شایستگی جانشینی پیامبر اکرم و شایستگی خلافت آن حضرت را ندارد «مقصود از شاهد در این آیه شریفه حجت خداوند متعال است و فقط حجت خداوند متعال شایستگی و صلاحیت جانشینی پیامبر اکرم را دارد» و فقط و فقط کسی می‌تواند جانشین و جایگزین پیامبر اکرم باشد که مانند آن حضرت مطهر و پاک باشد «یعنی مقام عصمت داشته باشد»، لذا کسی که رجس و پلیدی و کفر و شرک و گناه دامن او را آلوده باشد استحقاق و صلاحیت جانشینی و خلافت پیامبر اکرم را نخواهد داشت.

حدیث شریف مفصل و طولانی است و فقط به قسمتی که به آیه ۱۷ سوره هود مربوط می‌شد اشاره گردید.<sup>۱</sup>

۱۰. وجود مقدس امام باقر و امام رضا سلام الله علیهما درباره این آیه شریفه «أَقْمَنُ كَانْ عَلَى بَيْتَةِ مَنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷، سوره هود» فرمودند:  
منظور از شاهد مِنْهُ در این آیه شریفه و جود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد که بر صدق گفتار پیامبر اکرم و بر حقیقت رسالت آن حضرت گواهی و شهادت می‌دهد.<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) همانطور که ملاحظه فرمودید طبق آیه هفدهم سوره هود و احادیث ذیل آن وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شاهد و گواہ بر صدق فرمایشات

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۱.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر فرد زندق - صفحه ۵۲۹ تا ۵۷۸ «صفحه ۵۵۸»، حدیث ۱۳۷.

۲. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۹.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۳۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۹، حدیث ۴۶ «حدیث ۴۶۵۱».

پیامبر اکرم و شاهد و گواه بر رسالت آن حضرت و شاهد و گواه بر حقانیت رسالت آن حضرت می باشد.

ذیل آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسَتْ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» نیز توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

ب) ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه مقام عصمت دارند و خداوند متعال آن بزرگواران را از هر عیب و نقص و رجس و پلیدی و گناه دور فرموده است.

ج) ذیل آیه ۱۴۹ سوره انعام «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه حجت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند.

## آیه ۱۸ و ۱۹ سوره هود:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» آیه ۱۸.  
 «الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» آیه ۱۹.

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

چه کسی ستمکارتر است از کسانی که «از کسی که» به خداوند متعال افترا می بندند  
 («دروغ می بندند»)

آن‌ها «کسانی که به خداوند متعال دروغ می بندند» روز قیامت به پروردگارشان  
 عرضه می شوند،

و شاهدان و گواهان اعمال امت‌ها می گویند:

این‌ها همان کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بستند و سپس با صدای رسا  
 می گویند:

لعنت خدا بر ظالمین باد «خدا لعنت کند ظالمین را» آیه ۱۸.

این ظالمین همان کسانی هستند که:

مردم را از راه خدا باز می دارند،

و راه حق و راه راست را باطل و کج و معوج نشان می دهند، و به آخرت و به روز

قیامت کافر می باشند «به روز قیامت و به آخرت ایمان ندارند» آیه ۱۹،<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

ظالم = ستمکار، ستمگر؛

أَظْلَمُ = ستمکارترین، ظالمترین «ستمکارتر - ظالم تر»؛

مُفْتَرَى = دروغ پرداز، تهمت زننده، افترازننده؛

اِفْتِرَاء = دروغ بستن - تهمت زدن

عَرَض = به معرض گذاشتن چیزی برای اطلاع از وضع و حال آن- برملا کردن چیزی برای آنکه دیگران آن را ببینند و به آن وقوف پیدا کنند.

معنی عرضه داشتن بندگان به خداوند متعال این است که روز قیامت بندگان را به منظور حسابرسی از کارهایشان در جایگاه خاصی نگه می‌دارند، و این قضیه مانند آن است که بندگان را بر خداوند متعال عرضه داشته‌اند.

شاهد = گواه، شاهد، حاضر، ناظر، بیننده «جمع شاهد می‌شود اَشْهَاد».

اَشْهَاد = شاهدان، گواهان «کسانی که به اعمال انسان‌ها شهادت و گواهی می‌دهند».

شَهِيد = شاهد، گواه، ناظر، بیننده «جمع شهید می‌شود شُهَدَاء».

در المیزان آمده که:

اشهاد جمع شهید است مانند اشراف که جمع شریف است،

همچنین:

اشهاد جمع شاهد است مثل اصحاب که جمع صاحب است.

به هر حال:

«اَشْهَاد» و «شُهَدَاء» گواهان اعمال انسان‌ها هستند و روز قیامت به اعمال انجام شده

توسط انسان‌ها شهادت و گواهی می‌دهند.

انبیاء الهی و اوصیاء آن‌ها و در رأس همه آن‌ها وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت اشهاد و شهداء هستند «همچنین انبیاء الهی»

که روز قیامت به اعمال امت خویش شهادت و گواهی می‌دهند.

ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ

الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» در رابطه با شاهدان و گواهان اعمال مردم توضیحات کاملی به

عرض رسیده است.

صَدَّ = منع کردن، منصرف کردن، بازداشتن؛

صَدَّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ = بازداشتن از راه خدا، منع کردن از راه خدا؛

إِبْتِغَاءً = کوشش و اجتهاد در طلب کردن است، خواه آن چیز ممدوح و پسندیده

باشد خواه مذموم و ناپسند؛

عَوَجَ = کجی و انحراف از راه راست، کجی و انحراف از صراط مستقیم «انحراف



در دین نیز عَوَج گفته می‌شود».

خاسر = زیانکار «أخسر یعنی زیانکارترین، زیانکارتر»<sup>۱</sup>

در آیات قبل سخن از کسانی به میان آمده بود که منکر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رسالت آن بزرگوار بودند و قرآن را ساخته و پرداخته ذهن و فکر پیامبر اکرم می‌دانستند و عنوان می‌کردند که پیامبر اکرم به دروغ قرآن کریم را به خداوند متعال منسوب می‌کند.

خداوند متعال در پاسخ به یاوه‌گویی این ملحدین به پیامبر اکرم فرمودند:

ای پیامبر به آن‌ها بگو:

اگر راست می‌گوئید شما نیز ده سوره مثل سوره‌های قرآن کریم را بیاورید.

به دنبال این قضیه خداوند متعال جهت تسکین قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آیه ۱۷ سوره هود را نازل نموده و فرمودند:

آیا این پیغمبری که بی‌نه و دلیل روشن و آشکار مانند قرآن کریم دارد،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نیز بر رسالت او شهادت و گواهی می‌دهد،

و در تورات نیز به رسالت آن حضرت گواهی و شهادت داده شده و بشارت آمدن آن حضرت داده شده،

آیا این پیامبر «یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» با این اوصاف و ویژگی‌ها مثل کسانی است «مثل کسی است» که چنین اوصاف و ویژگی‌ها را ندارند و اهل دنیا و زیور آن می‌باشند.

همانطور که در توضیحات ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» به عرض رسید این آیه شریفه استفهام انکاری است،

لذا این آیه شریفه می‌خواهد این مطلب را بیان بفرماید که:

معلوم است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با داشتن

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۸.

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۲۹۷.

مفردات راغب.

این اوصاف و ویژگی‌ها «سه صفت و سه ویژگی که در آیه ۱۷ سوره هود به آن اشاره شده» هرگز مانند سایر مردم نیست، بلکه پیامبر اکرم فرستاده و رسول خداوند متعال است که خداوند متعال او را با آیات و بینات روشن و آشکار به سوی مردم فرستاد تا آن‌ها را به راه راست و به صراط مستقیم الهی دعوت و هدایت فرماید. در تعقیب آیات گذشته خداوند متعال در این دو آیه شریفه «آیه ۱۸ و ۱۹ سوره هود» به سرنوشت و عاقبت کار این منکرین اشاره نموده و می‌فرماید:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا = چه کسی ستمکارتر است از کسی که به خداوند متعال دروغ می‌بندد، یعنی:

هیچ کس ظالم‌تر و ستمکارتر از آن کسی نیست که به خداوند متعال دروغ ببندد. وقتی کسی پیامبر اکرم را دروغگو بداند و چنین خیال کند که قرآن از جانب خداوند متعال نیست بلکه پیامبر اکرم آن را به دروغ به خداوند متعال نسبت می‌دهد چنین شخصی در واقع به خداوند متعال دروغ بسته است، و اساساً تکذیب ائمه معصومین علیهم‌السلام و تکذیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تکذیب خداوند متعال است، زیرا:

این ذوات مقدسه هر چه می‌فرمایند فرمایش خداوند متعال است، لذا دروغ بستن به این بزرگواران یعنی دروغ بستن به ذات پاک خداوند متعال، و نتیجه دروغ بستن به این ذوات مقدسه این می‌شود که چنین شخصی در زمره ظالم‌ترین و ستمکارترین افراد قرار بگیرد، به نحوی که خداوند متعال درباره آن‌ها بفرماید:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، یعنی:

هیچ کس ظالم‌تر و ستمکارتر از کسی نیست که به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام دروغ ببندد، زیرا:

دروغ بستن به این ذوات مقدسه که جز از طرف خداوند متعال سخن نمی‌گویند دروغ بستن به ذات پاک خداوند متعال محسوب می‌شود، و کسی که به خداوند متعال و حجج خداوند متعال دروغ ببندد قطعاً ظالم‌ترین و ستمکارترین انسان‌ها می‌باشد.

**توضیح:**

در قرآن کریم در پانزده آیه شریفه از افرادی به عنوان اَظْلَم «ظالم ترین - ستمکارترین» یاد شده و آن‌ها به عنوان ظالم ترین و ستمکارترین مردم معرفی شده‌اند که همه آن آیات شریفه با عنوان «وَمَنْ أَظْلَمُ» یا «فَمَنْ أَظْلَمُ» شروع شده است که ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ - آیه ۲۱، سوره انعام».

«فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ - آیه ۳۷، سوره اعراف - آیه ۱۷

سوره یونس».

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا - آیه ۹۳ سوره انعام، آیه ۱۸ سوره هود، آیه ۶۸

سوره عنکبوت».

«فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا - آیه ۱۴۴ سوره انعام، آیه ۱۵ سوره کهف».

«فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ كَذَّبَ عَلَى اللَّهِ - آیه ۳۲ سوره زمر».

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ - آیه ۷ سوره صف».

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا - آیه ۵۷ سوره کهف».

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا - آیه ۲۲ سوره سجده».

«فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ - آیه ۱۵۷ سوره انعام».

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ - آیه ۱۱۴ سوره بقره»

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ - آیه ۱۴۰ سوره بقره».

ملاحظه می‌فرمائید که:

بیشتر این آیات شریفه در رابطه با دروغ بستن به خداوند متعال است که ذیل آیه

۱۸ سوره هود راجع به آن توضیحات لازم ارائه شد و به عرض رسید که:

دروغ بستن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دروغ بستن به ائمه معصومین علیهم السلام که حجج خداوند متعال و خلیفه خداوند متعال می‌باشند دروغ بستن به خداوند متعال است، زیرا این ذوات مقدسه جز سخن و کلام خداوند متعال چیزی نمی‌گویند، یعنی هر چه می‌فرمایند فرمایش خداوند متعال می‌باشد.

بعضی از این آیات شریفه نیز در رابطه با تکذیب آیات الهی بود، و چون تکذیب

آیات خداوند متعال به منزله تکذیب خود خداوند متعال می باشد لذا کسانی که آیات خداوند متعال را تکذیب نمایند ستمکارترین و ظالم ترین انسان ها می باشند.

ذیل آیه ۱۲۶ سوره طه «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا...» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که مقصود از آیات خداوند متعال در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند.

در اصول کافی نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه اعظم آیات خداوند متعال می باشند «آیات عظمای خداوند متعال هستند».

به عنوان نمونه به یکی از این احادیث نورانی اشاره می شود.

وجود مبارک امام باقر علیه السّلام فرمودند:

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، یعنی:

خداوند متعال را آیه ای بزرگ تر از من نیست «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم»<sup>۱</sup>،

بنابراین:

طبق آیات شریفه ای که ملاحظه فرمودید:

کسانی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السّلام دروغ ببندند،

و کسانی که آیات خداوند متعال یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام را تکذیب نمایند ظالم ترین و ستمکارترین انسان ها هستند.

همانطور که ملاحظه فرمودید در این آیات شریفه تعبیر «أَظْلَمُ» درباره انسان های دیگر نیز آمده است، مثلاً:

خداوند متعال می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ - آیه ۱۱۴ سوره بقره» یعنی:

چه کسی ستمکارتر است از کسی که مانع ذکر و یاد خدا در مساجد می شود، و یا

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ - آیه ۱۴۰ سوره بقره» یعنی:

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که شهادت الهی را که نزد او است کتمان کند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که:

چگونه ممکن است هر یک از این طوایف ستمکارترین مردم باشند در صورتی که ستمکارترین و ظالم‌ترین تنها بر یک طایفه از آن‌ها صدق می‌کند.  
پاسخ این است که:

دروغ بستن به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام و تکذیب آیات خداوند متعال «یعنی تکذیب ائمه معصومین علیهم‌السلام» از اعظم کبائر می‌باشد و هیچ کس ستمکارتر از کسی نیست که مرتکب این کبائر بشود، لذا:  
کسانی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم‌السلام دروغ می‌بندند و آیات خداوند متعال یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام را تکذیب نموده و امامت و ولایت آن ذوات مقدسه را انکار می‌کنند ستمکارترین و ظالم‌ترین انسان‌ها می‌باشند، همچنین:

منع نمودن مردم از ذکر خداوند متعال در مساجد و سعی و کوشش در ویران ساختن آن‌ها نشانه کفر و شرک است و کسی که مرتکب این گناه بشود ستمکارترین فرد می‌باشد، همین‌طور کتمان شهادت در این آیه شریفه «آیه ۱۴۰ سوره بقره» که ظاهراً منظور از آن کتمان حقایقی است که موجب سرگردانی و تحجیر مردم در وادی کفر می‌شود از گناهان بزرگ می‌باشد و مرتکبین چنین گناهی قطعاً ستمکارترین انسان‌ها می‌باشند، بنابراین:

ریشه اعمال افرادی که به عنوان ستمکارترین انسان‌ها معرفی شده‌اند به یک چیز بازمی‌گردد، یعنی تکذیب آیات الهی.

پس از ارائه توضیحاتی درباره موضوع ستمکارترین انسان‌ها در قرآن کریم بازمی‌گردیم به بحث خودمان درباره آیه ۱۸ سوره هود.

بنابراین معنی آیه ۱۸ سوره هود تا این جا این شد که:

خداوند متعال می‌فرماید:

چه کسی ستمکارتر است از کسی که به خداوند متعال افترا و دروغ می‌بندد، یعنی:

ستمکارترین انسان‌ها کسانی هستند که به خداوند متعال دروغ می‌بندند.

چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام حجت

خداوند متعال بر مخلوقات بوده و از ناحیه خداوند متعال مأموریت یافته‌اند تا مردم را به راه راست هدایت نمایند و سخنی جز سخن خداوند متعال نمی‌گویند، لذا: تکذیب این ذوات مقدّسه «تکذیب امامت و ولایت آن بزرگواران» و دروغ بستن به آن‌ها یعنی تکذیب خداوند متعال و دروغ بستن به خداوند متعال، و کسانی که مرتکب این گناهان بشوند ستمکارترین و ظالم‌ترین انسان‌ها می‌باشند.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ = آن افرادی که به خدا و رسول دروغ می‌بندند و آیات الهی «یعنی حجج خداوند متعال» را انکار و تکذیب می‌کنند روز قیامت با تمام اعمال و کردار و عقایدشان به خداوند متعال عرضه می‌شوند، یعنی در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند تا به اعمال آن‌ها رسیدگی شود و کیفر کارشان را ببینند. وقتی این منکرین آیات الهی و افترازنندگان به خدا و رسول روز قیامت در دادگاه الهی حاضر می‌شوند تا به اعمال آن‌ها رسیدگی شود،

در همین حال:

و يَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ = اشهاد یعنی شاهدان و گواهان اعمال امت می‌گویند:

این ستمکاران همان‌هایی هستند که در دنیا به خداوند متعال دروغ می‌بستند «بستند»، یعنی:

وقتی تکذیب‌کنندگان آیات الهی و افترازنندگان به خدا و رسول روز قیامت در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند تا به اعمال آن‌ها رسیدگی شود، در همین حال شاهدان و گواهان اعمال امت اسلام «یعنی اشهاد» در دادگاه عدل الهی حضور یافته و می‌گویند «شهادت و گواهی می‌دهند که»:

این ستمکاران همان‌هایی هستند که به خداوند متعال دروغ می‌بستند، یعنی به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام دروغ می‌بستند و به آن‌ها افترا می‌زدند «مثلاً می‌گفتند این قرآن از جانب خداوند متعال نیست و حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» آن را به دروغ به خداوند متعال نسبت می‌دهد».

شاهدان و گواهان اعمال امت پس از ادای شهادت و گواهی نسبت به اعمال این

ستمکاران با صدای رسا اعلام می‌کنند:

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ = لعنت خدا بر ستمکاران باد، یعنی:

خدا لعنت کند این ستمکاران را که در دنیا به حجج خداوند متعال دروغ می‌بستند و به آن‌ها افترا می‌زدند و آیات الهی را انکار و تکذیب می‌نمودند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که منظور از اشهاد در این آیه شریفه «شاهدان و گواهان اعمال مردم» وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند که روز قیامت به اعمالی که انسان‌ها انجام داده‌اند شهادت و گواهی خواهند داد.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۱۹ سوره هود» صفات این ظالمین و ستمکاران را بیان می‌فرماید، یعنی:

این ظالمین و ستمکاران که روز قیامت مورد لعنت ائمه معصومین علیهم السّلام قرار می‌گیرند کسانی هستند که دارای این صفات بوده‌اند:

۱. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ = این ظالمین و این ستمکاران «همان‌هایی که در دنیا

به حجج خداوند متعال و در واقع به خود خداوند متعال دروغ می‌بستند»

کسانی هستند که:

مردم را با انواع وسائل و از طرق مختلف از راه خدا بازمی‌دارند «بازمی‌داشتند»،

یعنی:

این ظالمین و ستمکاران از طریق القاء شبهه، یا از طریق تهدید و ارعاب، یا از طریق تطمیع و دادن پول و مقام و... مردم را فریب داده و اغوا نموده و از راه راست و از صراط مستقیم الهی منحرف می‌کردند.

دومین ویژگی و صفت این ظالمین و این ستمکاران این بوده که:

وَيَبْغَوْنَهَا عِوَجًا = طالب این هستند و سعی دارند «داشتند» که:

در دین خدا انحراف و اعوجاج ایجاد نمایند، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۳۱.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۷۹ تا ۸۱.

تفسیر نمونه، جلد پنجم صفحه ۲۳۳-۲۳۴ «ذیل آیه ۲۱ سوره انعام».

ظالمین و ستمکاران همواره تلاش نموده و می‌نمایند تا راه راست الهی و صراط مستقیم الهی را کج و معوج نشان دهند، یعنی:

ظالمین و ستمکاران همواره سعی داشته و دارند تا از طرق مختلف از قبیل:

تحریف کردن دین،

کم و زیاد کردن احکام دین،

تفسیر به رأی کردن در رابطه با عقاید و احکام دین،

پوشاندن و مخفی نمودن حقایق دین و... کاری کنند تا این صراط مستقیم الهی آنطور که هست نشان داده نشود و آنطور که هست دیده نشود و در نتیجه مردمان حق طلب و حقیقت جو نتوانند جاده اصلی و صراط مستقیم را پیدا کنند.

سوّمین ویژگی و خصوصیت این ظالمین و این ستمکاران این بوده که:

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ = به روز قیامت و به جهان آخرت و به بهشت و جهنّم اعتقاد و ایمان ندارند، و همین عدم اعتقاد به قیامت و عدم اعتقاد به رسیدگی به اعمال انسان‌ها خود سرچشمه همه انحرافات است و انسان را به انجام هر عمل زشت و انجام هر گناهی سوق می‌دهد.

بنابراین:

خداوند متعال در این آیه شریفه ظالمین و ستمکاران یعنی افترازندگان به خدا و رسول و تکذیب‌کنندگان آیات الهی را به سه صفت و سه ویژگی معرفی فرموده، یعنی:

این ظالمین و ستمکاران کسانی هستند که:

۱. مردم را از راه خدا بازمی‌دارند، یعنی:

مانع می‌شوند تا مردم از طریق تبعیّت و پیروی از پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت به طرف خدا بروند

۲. در راه راست الهی و در صراط مستقیم دین انحراف ایجاد می‌کنند تا مردم از مسیر اصلی دین منحرف شوند.

۳. به روز قیامت و رسیدگی به اعمال بندگان و به بهشت و جهنّم اعتقاد ندارند.



اینکه مصداق اتمّ و اکمل این ظالمین و ستمکاران و تکذیب‌کنندگان آیات خداوند متعال چه کسانی هستند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد. خداوند متعال در آیات بعد به سرنوشت شوم این ظالمین و ستمکاران در روز قیامت اشاره نموده و می‌فرماید:

«يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ... - آیه ۲۰، سوره هود»، یعنی:

عذاب آن‌ها مضاعف و چند برابر می‌گردد، چرا که:

هم خودشان گمراه و گنهکار بودند،

و هم اینکه دیگران را گمراه می‌نمودند.

خداوند متعال در آخرین آیه مورد بحث «آیه ۲۲ سوره هود» حکم نهایی سرنوشت آن‌ها را به صورت قاطع چنین بیان می‌فرماید که:

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ، یعنی:

به طور مسلم و قطعاً آن‌ها در آخرت زیانکارترین مردم هستند.

این ظالمین و ستمکاران یعنی افترازندگان به خداوند متعال و حجج خداوند متعال و تکذیب‌کنندگان آیات الهی در دنیا اَظْلَمَ «ظالم‌ترین - ستمکارترین» بودند، لذا: در آخرت هم در زمره اَخْسَرُونَ «زیانکارترین مردم» خواهند بود.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) ذیل آیه ۹۴ سوره نحل «وَلَا تَتَّخِذُوا اِيْمَانَكُمْ دَخْلًا بَيْنَكُمْ... وَ تَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ»،

و ذیل آیه اوّل سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اَضَلَّ اَعْمَالَهُمْ» توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف بازداشتن مردم از پیروی و اطاعت ائمه معصومین علیهم السلام مصداق اتمّ و اکمل صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ می‌باشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۳۱ تا ۳۴.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۸۱، ۸۲، ۸۴.

در آیه ۱۸ سوره هود و آیات بعد آن ملاحظه فرمودید که: ستمکارترین و ظالم‌ترین افراد کسانی هستند که به خداوند متعال و حجج خداوند متعال دروغ بسته و آیات الهی را تکذیب می‌نمایند و این افراد روز قیامت در زمره زیانکارترین انسان‌ها می‌باشند.

یکی از خصوصیات این طایفه این است که *صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ* می‌نمایند یعنی مردم را از پیروی و اطاعت ائمه معصومین علیهم‌السلام باز می‌دارند. ضمناً، ذیل آیه ۱۵۷ سوره آل عمران «*وَلَيْنُ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ*» راجع به سبیل‌الله و اینکه مصداق اتم و اکمل سبیل‌الله چه افرادی می‌باشند توضیحاتی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که آن ذوات مقدسه مصداق اتم و اکمل سبیل‌الله می‌باشند.

ب) در توضیحات ذیل آیه ۱۸ و ۱۹ سوره هود و آیات بعد آن ملاحظه فرمودید که تکذیب پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام یعنی تکذیب خداوند متعال و دروغ بستن به این ذوات مقدسه یعنی دروغ بستن به خداوند سبحان، و کسانی که مرتکب این گناهان بشوند ظالم‌ترین و ستمکارترین انسان‌ها می‌باشند و در روز قیامت نیز در زمره زیانکارترین انسان‌ها خواهند بود.

ذیل آیه ۶۰ سوره زمر «*وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ*» توضیحاتی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف هر کس فرمایشات ائمه معصومین علیهم‌السلام را تکذیب نماید فرمایشات خداوند متعال را تکذیب نموده و به خداوند متعال دروغ بسته است، همچنین به عرض رسیده است که:

هر کس خودش را امام بداند در حالی که منصوب از ناحیه خداوند متعال نباشد مصداق این آیه شریفه «آیه ۶۰ سوره زمر» خواهد بود یعنی مصداق *كَذَّبُوا عَلَى اللَّهِ* می‌باشد، و همین طور که قبلاً به عرض رسید اینگونه افراد ظالم‌ترین و ستمکارترین انسان‌ها می‌باشند و در قرآن کریم از آن‌ها به عنوان *أَظْلَمَ* «ظالم‌ترین - ستمکارترین» یاد شده است.

ج) در توضیحات ذیل آیه ۱۸ سوره هود ملاحظه فرمودید که:  
شاهدان و گواهان اعمال مردم یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام روز قیامت ندا  
نموده و به ظالم ترین و ستمکارترین انسانها یعنی به افترازندگان به خداوند متعال  
و حجج خداوند متعال و به تکذیب کنندگان آیات الهی می گویند:

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، یعنی:

خدا لعنت کند ظالمین را «کسانی را که به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السّلام  
دروغ می بندند و آنها را تکذیب می کنند».

در آیه ۴۴ سوره اعراف آمده که:

وقتی که اهل بهشت در بهشت استقرار یافتند و اهل جهنّم نیز وارد جهنّم شدند  
اهل بهشت اهل جهنّم را مورد خطاب قرار داده و به آنها می گویند:

ما آنچه را که پروردگاران به ما وعده فرموده بود همه را حقّ یافتیم آیا شما هم  
آنچه را که پروردگارتان به شما وعده داده بود حقّ یافتید.

اهل جهنّم در پاسخ به سؤال اهل بهشت به آنها می گویند:

بله، ما هم وعده های خداوند متعال را حقّ یافتیم.

در همین حال مؤذّنی ندا می دهد که:

فَاذَنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ،

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، یعنی:

در همین حال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در میان آنها ندا می دهد  
که:

لعنت خدا بر ظالمین و ستمگران باد.

در آیه ۱۸ سوره هود آمده که:

ائمه معصومین علیهم السّلام که شاهد و گواه بر اعمال مردم هستند به ظالمین  
یعنی به تکذیب کنندگان آیات الهی «تکذیب کنندگان پیامبر اکرم و ائمه معصومین

علیهم السّلام و افترازندگان به آن ذوات مقدّسه» می گویند:

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.

و در آیه ۴۴ سوره اعراف آمده که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز روز قیامت به این ظالمین و ستمکاران می گوید:

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.

در آیه ۴۵ سوره اعراف خصوصیات و ویژگی های این ظالمین و ستمکاران بیان شده و آمده که:

این ستمکارانی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن ها را لعنت می کند کسانی هستند که:

«الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ، وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا، وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» - آیه ۴۵، سوره اعراف».

ملاحظه می فرمایید که:

افرادی که در روز قیامت به وسیله ائمه علیهم السلام مورد لعنت واقع می شوند در آیه ۱۹ سوره هود و آیه ۴۵ سوره اعراف عین هم می باشند، یعنی خصوصیات و ویژگی های یکسانی دارند، یعنی:

این ملعونین کسانی هستند که:

۱. يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ، یعنی:

مردم را از راه خدا باز می دارند «باز می داشتند»، یعنی:

مردم را از پیروی و اطاعت ائمه معصومین علیهم السلام باز می دارند

۲. وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا، یعنی:

با تبلیغات مسموم و زهر آگین خویش در ایمان و اعتقاد مردم شک و تردید ایجاد کرده و آن ها را از صراط مستقیم الهی خارج می نمودند «می نمایند».

منحرف نمودن مردم از امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و سوق دادن آن ها به اطاعت از دیگران مصداق بارز و آشکار ایجاد انحراف در صراط مستقیم الهی می باشد،

زیرا ائمه معصومین علیهم السلام صراط مستقیم الهی هستند و ذیل آیه ششم سوره حمد «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» راجع به این قضیه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۳. وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ «آیه ۱۹ سوره هود»، وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ «آیه ۴۴ سوره اعراف»، یعنی:

به آخرت و به بهشت و جهنم ایمان ندارند.  
قابل ذکر است که:

همه انحرافات و مفاصد در مفهوم ظلم و ستم جمع است و ظالم مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که تمام گنهکاران را در بر می‌گیرد، مخصوصاً گنهکارانی که دیگران را نیز گمراه کرده و از صراط مستقیم الهی خارج می‌کنند، لیکن: در آیه ۱۸ سوره هود و آیات شریفه‌ای که در ابتدای بحث از آن‌ها یاد شد و ملاحظه فرمودید در رابطه با تکذیب‌کنندگان آیات الهی یعنی تکذیب‌کنندگان پیامبر اکرم و ائمه علیهم‌السلام و افترازنندگان به آن ذوات مقدسه تعبیر به أَظْلَم شده است، یعنی:

اینگونه افراد ظالم‌ترین و ستمکارترین انسان‌ها می‌باشند.

### حدیث:

الف) احادیث مربوط به بخش اول آیه شریفه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» - آیه ۱۸ سوره هود».

۱. ابو عبیده می‌گوید:

از امام باقر علیه‌السلام سؤال کردم که:

یابن رسول‌الله:

مقصود از «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» چیست،

و منظور این آیه شریفه چه افرادی هستند که ستمکارترین افراد معرفی شده‌اند.

وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منظور این آیه شریفه ائمه ظلم و جور هستند.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۴۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۵۹، حدیث ۴۹ «حدیث ۴۶۵۴».

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: خداوند متعال پنج چیز را بر مردم و بر بندگانش واجب فرمود، لیکن آن‌ها «یعنی غیر شیعه» چهار چیز را گرفتند و آن را انجام دادند و یک چیز را وا گذاشتند «تکذیب کرده و رها نمودند».

از وجود مبارک پیامبر اکرم سؤال شد:

یا رسول الله :

چهار چیزی که مسلمانان به آن عمل نمودند چه چیزهایی بودند

و وجود مقدّس پیامبر اکرم فرمودند:

نماز، زکات، حج و روزه

از وجود مقدّس پیامبر اکرم سؤال شد:

یا رسول الله:

آن چیزی که بسیاری از مسلمان‌ها آن را کنار گذاشتند «کنار خواهند گذاشت»

چیست؟

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

ولایت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، و آنگاه نبی مکرم اسلام این آیه شریفه

را «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا - آیه ۱۸ سوره هود» تلاوت فرمودند، یعنی:

چه کسی ستمکارتر است از کسی که به خدا و رسول خدا دروغ ببندد، و آیات

الهی را تکذیب نماید و ولایت و امامت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را که

از جانب خداوند متعال اعلام شده است انکار نماید.

این حدیث را حدیفه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

حدیثی که حدیفه از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده

از احادیث مشهوری است که در بسیاری از کتب روایی شیعه آمده و حدیث اینگونه

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۵۰، حدیث ۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۴، حدیث ۹ «ذیل آیه ۳۲ سوره زمر».

است که «نقل به مضمون»:

اسلام بر پنج چیز بنا شده است:

۱- نماز؛ ۲- زکات؛ ۳- حج؛ ۴- روزه ماه رمضان؛ ۵- ولایت، و سپس اضافه شده است که ولایت از بقیه موارد مهم تر می باشد و اهمیّت هیچ یک از آنها به اندازه ولایت و امامت نمی باشد «زیرا ولایت و امامت از اصول دین است و چهار مورد دیگر از فروع دین، و بدیهی است اهمیت فروع دین به اصول دین نمی رسد».

قابل ذکر است که:

فرمایش پیامبر اکرم مبنی بر این که بیشتر مردم ولایت را ترک خواهند کرد می تواند از اخبار غیبی باشد که آن حضرت فرموده اند، همچنان که در خطبه مفصلی که روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم ایراد فرمودند و طی آن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به دستور خداوند متعال به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند، پس از انتصاب آن حضرت به عنوان امام مسلمین از آینده جامعه مسلمانان خبر داده و فرمودند:

ای مردم:

پس از من «پس از رحلت من» پیشوایانی خواهند آمد که شما را به سوی آتش جهنّم دعوت می کنند که خداوند متعال و من از آنها بیزار می جوئیم،

ای مردم:

پس از من به زودی امامت را ظالمانه غصب خواهند کرد و به صورت سلطنت درخواهند آورد و ...<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام درباره این آیه شریفه «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ بِالْصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ» - آیه ۳۲ سوره زمر» فرمودند:

کسی که سخن صدق و سخن راست را دروغ پنداشت همان کسی است که سخن پیامبر اکرم را درباره علی بن ابیطالب علیه السلام نپذیرفت «ستمکارترین مردم کسی است که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم دروغ ببندد و از پذیرش امامت و ولایت

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸-۱۴۶ «صفحه ۱۳۵»، حدیث ۳۲.

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خودداری نماید.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصُّدُقِ إِذْ جَاءَهُ» - آیه ۳۲ سوره زمر» فرمودند: مقصود از سخن صدق و سخن راست در این آیه شریفه ولایت ما اهل بیت می باشد «یعنی معنی آیه شریفه این می شود که چه کسی ظالم تر و ستمکارتر از کسی است که به خدا و رسول خدا دروغ ببندد و سخن صدق یعنی ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام را انکار کند».<sup>۲</sup>

۵. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» - آیه ۹۳ سوره آل عمران» فرمودند: ظالم ترین و ستمکارترین فرد کسی است که ادعای امامت نماید در حالی که امام نباشد «در حالی که امام منصوب از ناحیه خداوند متعال نباشد».  
این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

ب) احادیث مربوط به بخش دوم آیه شریفه «وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» - آیه ۱۸، سوره هود»:  
۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند: مقصود از اشهاد «شاهدان و گواهان اعمال مردم» در این آیه شریفه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» - آیه ۱۸ سوره هود»، ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.  
این حدیث را عمار بن سوید از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۴</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۳، حدیث ۴ «ذیل آیه ۳۲ سوره زمر».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۳ و ۸۶۴، حدیث ۳ و ۵.

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۶۵۱، حدیث ۱۸۲ «حدیث ۳۱۹۱» «ذیل آیه ۹۳ سوره انعام».

۴. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۱، حدیث ۳۲ «حدیث ۴۶۳۷».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۵۱، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۳.



**توضیح:**

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش نقل نموده که:  
 در این آیه شریفه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۱۸ سوره هود»:

منظور از اشهاد «شاهدان و گواهان اعمال مردم که روز قیامت به اعمال مردم شهادت و گواهی می دهند» ائمه معصومین علیهم السلام می باشند،  
 منظور از ظالمین در این آیه شریفه کسانی هستند که به آل محمد علیهم السلام ظلم نمودند که مورد لعنت خداوند متعال می باشند،  
 منظور از الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ در آیه ۱۹ سوره هود کسانی هستند که مردم را از راه خدا بازداشتند «یعنی صَدَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ نمودند»،  
 و منظور از سَبِيلِ اللَّهِ در آیه ۱۹ سوره هود امامت و ولایت می باشد،  
 و منظور از صَدَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ یعنی بازداشتن مردم از راه حق که همان امامت ائمه معصومین علیهم السلام است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۱۸، سوره هود» فرمودند:  
 مقصود از اشهاد «شاهدان و گواهان اعمال مردم» در این آیه شریفه ما ائمه معصومین علیهم السلام می باشیم.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۵۱، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۹، حدیث ۵۰ «حدیث ۴۶۵۵».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۶۱، حدیث ۵۲ «حدیث ۴۶۵۷».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۶۱، حدیث ۵۱ «حدیث ۴۶۵۶».

**توضیح:**

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام در دنیا شاهد و ناظر اعمال همه انسان‌ها می‌باشند و اعمال همه مردم را می‌بینند و به همین جهت این ذوات مقدّسه روز قیامت به اعمال همه مردم شهادت و گواهی خواهند داد.

ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»،

و ذیل آیه ۱۰۵ سوره توبه «قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ»،

و ذیل آیه ۷۸ سوره حج «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ... لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام شاهد و گواه اعمال مردم هستند و روز قیامت به اعمالی که مردم در دنیا انجام داده‌اند شهادت و گواهی می‌دهند.

۳. وجود مبارک بقیة الله الاعظم حجت بن الحسن المهدی صلوات الله و سلامه علیه توسط یکی از نواب خاص خویش به نام محمد بن عثمان طیّ نامه‌ای به سؤالات یکی از شیعیان خویش پاسخ داده و مطالب مختلفی را بیان فرموده که یک مورد آن در رابطه با تزییع حقوق آل محمد علیهم السلام و ملعون بودن ضایع‌کنندگان حقوق آن ذوات مقدّسه می‌باشد.

وجود مقدّس امام زمان سلام الله علیه در این نامه مرقوم فرموده است که: هر کس حقّ ما را تزییع کند در زمره ظالمین و ستمکاران قرار می‌گیرد و مشمول لعنت خداوند متعال خواهد بود همچنان که خداوند متعال فرموده است که:

«أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ - آیه ۱۸ سوره هود»<sup>۱</sup>.

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوم، بخش مربوط به توقیعاتی که توسط نواب چهارگانه از آن حضرت صادر شده است.

طبق این حدیث نورانی و شریف مصداق اتمّ و اکمل ظالمین و ستمکاران که مورد لعنت خداوند متعال می‌باشند و در آیه ۱۸ سوره هود به آن اشاره شده کسانی هستند که به محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام ظلم نمایند و حقوق آن ذوات مقدّسه را تضییع کنند.

## آیه ۴۲ سوره هود:

«وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ...»

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

آن کشتی «کشتی حضرت نوح» حضرت نوح و همراهانش را در میان امواجی که بزرگی آن‌ها به اندازه کوه بود «مثل کوه‌ها بود» به حرکت درمی آورد «حرکت می داد».<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

هِيَ = اشاره به کشتی حضرت نوح می باشد «اشاره به سفینه نوح»؛

جِبَل = کوه «جمع جَبَل می شود جِبَال»؛

سفینه = کشتی، جمع سفینه می شود «سُفُن» و «سَفَائِن»؛

جَرَى = حرکت تند و سریع؛<sup>۲</sup>

در آیه قبل آمده که:

وقتی حضرت نوح به دستور خداوند متعال کشتی را ساخت به مؤمنینی که به وی ایمان آورده بودند، همچنین به خاندان خویش و اهل بیت خویش «غیر از همسر و یکی از فرزندان» که به حضرت نوح ایمان نیاورده بودند» فرمود که:

با نام خداوند متعال سوار کشتی شوید که خداوند متعال آمرزنده و مهربان است.

وقتی حضرت نوح و اهل بیتش «غیر از همسر و یکی از پسرانش» و مؤمنین از امتش «که در بعضی از روایات هشتاد نفر و یا حتی کمتر از آن نیز عنوان شده» سوار کشتی شدند این کشتی به حرکت درآمد و بر روی آب قرار گرفت، در روی آب‌هایی که امواجی به بزرگی کوه‌ها در آن دیده می شد.

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۱۲۲.

۲. المیزان، جلد بیستم، صفحه ۶۰.

مفردات راغب.

تشبیه امواج به کوه‌ها حاکی از عظمت امواج و بزرگی آن‌ها می‌باشد. اینک امواج به کوه‌ها تشبیه شده و در این آیه شریفه کوه به صورت جمع ذکر شده «یعنی جبال ذکر شده نه جَبَل» به خاطر این است که: امواج متعدّد و فراوانی به بزرگی کوه‌ها تشکیل می‌شد و در همین حال کشتی حضرت نوح با سرنشینانش سینه امواج کوه‌پیکر را می‌شکافت و به جلو می‌رفت. بزرگی و عظمت این امواج به حدّی بود که حضرت نوح به محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام متوسّل شد و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند داد تا از غرق شدن نجات پیدا کند و خداوند متعال نیز دعای او را مستجاب فرمود و مانع غرق شدن آن‌ها گردید که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

### توضیحاتی پیرامون رسالت حضرت نوح و ماجرای طوفان نوح:

در سوره هود خداوند متعال برای بیدار ساختن افکار عمومی و توجّه دادن به واقعیّات زندگی و سرنوشت شوم گنهکاران قسمت‌های قابل ملاحظه‌ای از تاریخ انبیاء پیشین را بیان فرموده است.

در این سوره مبارکه علاوه بر حالات حضرت نوح به سرگذشت حضرت هود، صالح، ابراهیم، لوط و موسی علیهم‌السّلام نیز اشاره شده است. آیات ۲۵ تا ۴۸ سوره هود در رابطه با حضرت نوح و رسالت آن حضرت و نافرمانی امتش و گرفتار شدن آن‌ها بوده و در این آیات شریفه بیان شده که چگونه طوفان نوح همه آن‌ها را غرق کرد و به هلاکت رساند «به استثناء عده قلیلی که به حضرت نوح ایمان آورده بودند و به همراه حضرت نوح سوار کشتی شده بودند».

حضرت نوح علیه‌السّلام مدّت نهصد و پنجاه سال مردم را به طرف توحید و یکتاپرستی دعوت کرد لیکن طیّ این مدّت عده کمی به آن حضرت ایمان آوردند و طبق آنچه که در برخی از روایات آمده تعداد ایمان‌آوردگان به آن حضرت که همراه با او سوار کشتی شده و از آن طوفان وحشتناک نجات یافتند هشتاد نفر و یا حتی کمتر از هشتاد نفر بودند.

حضرت نوح از هر فرصتی برای هدایت امتش بهره می‌برد لیکن آن‌ها ایمان نمی‌آوردند.

در آیات پنجم تا نهم سوره نوح آمده که:

حضرت نوح به خداوند متعال عرض می‌کند:  
خداوندا:

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا «آیه ۵».

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا «آیه ۶».

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا  
اسْتِكْبَارًا «آیه ۷».

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا «آیه ۸».

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا «آیه ۹»، یعنی:

حضرت نوح به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

من قوم خودم را شب و روز به سوی تو خواندم «دعوت کردم» آیه ۵.

اما دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آن‌ها نیفزود «آیه ۶».

من هر زمان آن‌ها را دعوت کردم تا تو آن‌ها را بیمارزی آن‌ها انگشتان خویش را در گوش‌های خویش قرار دادند و لباس‌هایشان را بر خود پیچیدند «تا صدای حق را نشوند و چهره حضرت نوح را نبینند» و در مخالفت کردن و ایمان نیاوردن اصرار ورزیدند و استکبار نمودند «آیه ۷».

سپس من با صدای بلند آن‌ها را به اطاعت تو دعوت کردم «یعنی دست از دعوت

برنداشتم و با صدای بلند آن‌ها را به سوی تو دعوت کردم» «آیه ۸».

در دعوت خودم اصرار داشتم و به صورت آشکار و نهان مردم را به سوی تو

دعوت کردم و حقیقت توحید و ایمان را به آن‌ها بیان کردم «آیه ۹».

علیرغم این همه تلاش و کوشش حضرت نوح، امتش او را تکذیب نموده و حتی

حضرت نوح را تهدید می‌کردند که اگر دست از دعوت خود برداری تو را سنگسار می‌کنیم.

در آیه ۹ سوره قَمَر و در آیه ۱۱۶ سوره شعرا آمده که:  
 كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ - «آیه ۹ سوره قَمَر»، یعنی:  
 پیش از آن‌ها قوم نوح پیامبر خویش یعنی حضرت نوح را تکذیب کردند و گفتند:  
 نوح دیوانه است و سپس با انواع آزارها و شکنجه‌ها آن حضرت را از ادامه رسالتش  
 منع نمودند «بازداشتند».

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ - «آیه ۱۱۶ سوره شعرا»، یعنی:  
 مردم به حضرت نوح می‌گفتند:

اگر دست از کار خود برنداری سنگباران خواهی شد.  
 هنگامی که حضرت نوح از هدایت مردم به کلی مأیوس شد به خداوند متعال  
 عرض کرد:

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ «آیه ۱۰ سوره قمر».  
 فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «آیه ۱۱۸ سوره شعرا».  
 وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا «آیه ۲۶ سوره نوح»، یعنی:  
 حضرت نوح به خداوند متعال عرض کرد:

خدوندا من مغلوب شده‌ام «این گروه طاغی و مجرم بر من غلبه کردند»، پس انتقام  
 مرا از آن‌ها بگیر و مرا بر آن‌ها پیروز کن «آیه ۱۰ سوره قمر».

بین من و آن‌ها «بین من و مردم مجرمی که ایمان نمی‌آورند» جدایی بیفکن و مرا و  
 مؤمنینی را که با من هستند نجات بده و رهایی ببخش «آیه ۱۱۸ سوره شعرا».

خداوندا احدی از کافران را روی زمین زنده مگذار «آیه ۲۶ سوره نوح».  
 پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با نفرین حضرت نوح و درخواست آن حضرت از  
 خداوند متعال در رابطه با عذاب کردن امتش بازمی‌گردیم به بحث خودمان در رابطه  
 با آیات سوره مبارکه هود.

پس از اینکه امیدی به اصلاح و هدایت مردم باقی نماند حضرت نوح به امر  
 خداوند متعال مشغول غرس هسته خرما شد «کاشتن هسته خرما».

وقتی مردم حضرت نوح را در حال کاشتن هسته خرما «یا کاشتن نهال‌هایی»  
 می‌دیدند آن حضرت را مسخره کرده و به او می‌گفتند:

یا نوح، تا امروز پیامبر بودی حالا باغبان شده‌ای.

وقتی این هسته‌های خرما «وقتی این نهال‌ها» به درختان تنومندی تبدیل شدند حضرت نوح به دستور خداوند متعال آن‌ها را قطع کرد و مشغول ساختن کشتی شد. وقتی مردم این صحنه را می‌دیدند به حضرت نوح می‌گفتند:

ای نوح:

اول پیامبر بودی،

آنگاه باغبان شدی،

و حالا نجار شده‌ای و کشتی می‌سازی و سپس با تمسخر به آن حضرت می‌گفتند:

ای نوح:

تو در خشکی کشتی می‌سازی پس کجا آن را به آب خواهی انداخت، و حضرت نوح نیز در پاسخ به استهزاء و تمسخر آن‌ها به آن‌ها فرمود:

اگر ما را مسخره می‌کنید ما نیز همینگونه شما را مسخره خواهیم کرد و به زودی خواهید دانست که عذاب خوارکننده سراغ چه کسی خواهد آمد و چه کسی گرفتار عذاب ابدی خواهد شد.

وقتی کشتی ساخته شد خداوند متعال به حضرت نوح دستور داد که:

اهل بیت و خاندانت را غیر از همسر و یکی از پسرانت، همچنین مؤمنین از امتت را سوار کشتی نما «در روایات آمده که این مؤمنین هشتاد نفر یا کمتر از هشتاد نفر بوده‌اند».

وقتی که نوح و اهل بیتش «غیر از همسر و یک پسرش به نام کنعان» و آن عدّه قلیل از مؤمنین سوار کشتی شدند به دستور خداوند متعال آب از یک تنور شروع به فوران نمود «گفته شده که این تنور و این محلّ فوران آب در شهر کوفه بوده است» و آب از آسمان شروع به باریدن نمود به نحوی که گویا درهای آسمان گشوده شده‌اند، و در این رابطه خداوند متعال در آیه ۱۱ و ۱۲ سوره قمر می‌فرماید:

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ «آیه ۱۱ سوره قمر».

وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ «آیه ۱۲ سوره قمر»، یعنی:



پس درهای آسمان را با آبی فراوان گشودیم «آیه ۱۱ سوره قمر».  
 و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این دو آب «آب زمین  
 و آسمان» به اندازه‌ای که مقدر بود در هم آمیختند «آیه ۱۲ سوره قمر».  
 به هر حال وقتی ساختن کشتی به پایان رسید و نوح و اهل بیتش «غیر از همسر و  
 یکی از پسرانش» و حدود هشتاد نفر از مؤمنین امتش سوار سفینه «کشتی» شدند به  
 امر خداوند متعال آب از آسمان شروع به باریدن نمود و از زمین نیز فوران کرد و همه  
 جا را آب فرا گرفت و سفینه نوح «کشتی نوح» بر روی آب قرار گرفت در حالی که  
 امواج خروشان به بزرگی کوه‌ها در آن دیده می‌شد.

پس از اینکه همه کفار و مخالفین حضرت نوح و مسخره‌کنندگان آن حضرت  
 به هلاکت رسیدند و غرق شدند به دستور خداوند متعال بارندگی قطع شد و زمین  
 آب‌ها را در خود فرو برد و طوفان نوح خاتمه یافت و سفینه نوح به آرامی بر دامنه  
 کوه جودی پهلو گرفت.

داستان حضرت نوح مفصل‌تر از این است که بیان شد لیکن در تفاسیر مختلف از  
 قبیل مجمع‌البیان، المیزان، نمونه، صافی، برهان و نورالثقلین به جزئیات طوفان نوح و  
 قضایای مربوط به آن حضرت اشاره شده است که مثلاً:

مدّت حرکت سفینه نوح بر روی آب چقدر بوده است،

سفینه نوح چه مناطقی از زمین را سیر کرد،

طول و عرض و ارتفاع سفینه نوح «کشتی نوح» چقدر بوده است،

ارتفاع آب چقدر بوده،

آیا این طوفان عالمگیر بوده و یا اینکه در یک منطقه از کره زمین روی داده است

و نظایر این‌ها.

آنچه که مهم است درس‌های تربیتی و اخلاقی داستان حضرت نوح می‌باشد و  
 یکی از آن‌ها این است که :

انسان نتیجه اعمال خود را می‌بیند، یعنی:

چنانچه انسان مؤمن باشد و اعمال صالح انجام دهد یعنی به تکالیف شرعی خود  
 عمل نماید یعنی به واجبات عمل نموده «تمام واجبات» و از محرّمات اجتناب

نماید «تمام محرّمات» فواید و نتایج آن را هم در دنیا و هم مخصوصاً در آخرت خواهد دید،

و چنانچه انسان به خداوند متعال و انبیاء الهی و اوصیاء آنها ایمان نیاورد و نسبت به اوامر الهی تمرد و نافرمانی نماید یعنی اهتمام جدی به انجام واجبات و ترک محرّمات نداشته باشد سزای عمل خویش را خواهد دید که ممکن است هم در دنیا باشد و هم در جهان آخرت.

ذکر این نکته ضروری است که:

دنیا دار عمل است نه حساب، یعنی:

دنیا محلّ انجام تکالیف شرعی است نه محلّ دادن پاداش یا مجازات، زیرا دار حساب و محلّ دادن پاداش و عقاب جهان آخرت می باشد.  
لذا:

خداوند متعال در اکثر موارد در دنیا افراد بدعمل و گنهگار «یعنی کفار و مشرکین و منافقین و مسرفین در گناه» را به حال خودشان رها می کند و کاری به کار آنها ندارد تا اینکه روز قیامت فرا برسد و آن زمان است که شدیدترین عذابها نصیب این افراد خواهد شد، لیکن در پاره‌ای موارد حتی در دنیا نیز خداوند متعال به بدکاران غضب کرده و آنها را نابود می کند مثل قوم نوح و قوم لوط، زیرا این اقوام افراط در گناه نموده و ظلم را از حد گذراندند.

ناگفته نماند که این غضب الهی در مورد قوم نوح زمانی صورت گرفت که پس از نهصد و پنجاه سال دعوت مردم به وسیله حضرت نوح عدّه قلیلی به آن حضرت ایمان آوردند به نحوی که تعداد مؤمنینی که همراه حضرت نوح سوار سفینه نوح شده و از هلاکت نجات یافتند حدود هشتاد نفر عنوان شده است.

در رابطه با افراد مؤمن و با ایمان نیز این قضیه صادق است، یعنی :

قرار نیست که هر کس ایمان و عملش بهتر و بیشتر باشد در دنیا متنعم به انواع نعمات بشود، یعنی دارای ثروت فراوان، اولاد زیاد، جسم سالم و... باشد گرچه ممکن است به مؤمنین نیز این نعمات در دنیا اعطا شود، لیکن قاعده کلی و اساسی این است که:

دنیا دار عمل است نه دار حساب و پاداش و عقاب،  
و آخرت دار حساب است و دار پاداش و عقاب نه دار عمل.  
مطالبی که ملاحظه فرمودید گزیده و خلاصه‌ای بود که مفسرین محترم ذیل آیه ۲۵  
تا ۴۸ سوره هود، آیه ۵ تا ۹ و آیه ۲۶ سوره نوح، آیه ۹ و ۱۱ و ۱۲ سوره قمر و آیه  
۱۱۶ و ۱۱۸ سوره شعرا عنوان نموده‌اند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱. ملاحظه فرمودید که در آیه ۴۲ سوره هود که مورد بحث ما می‌باشد آمده که:  
وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ، یعنی:  
سفینه نوح «کشتی حضرت نوح» حضرت نوح و همراهانش را در میان امواجی که  
بزرگی آن‌ها به اندازه کوه بود «به اندازه کوه‌ها» به حرکت درآورد.  
انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:  
وقتی حضرت نوح این امواج خروشان را دید ترسید که خودش و تعداد معدود  
افراد مؤمن همراه او نیز غرق بشوند لذا به محمد و آل محمد علیهم السلام توسل نموده  
و از خداوند متعال در خواست نمود تا آن‌ها را از غرق شدن نجات دهد و خداوند  
متعال نیز دعای آن حضرت را اجابت فرمود و آن‌ها را از غرق شدن نجات داد.

۲. ملاحظه فرمودید که:

اکثریت قریب به اتفاق قوم نوح از ایمان آوردن به آن حضرت امتناع نموده و در  
وادی کفر و الحاد به سر می‌بردند، و هنگامی که حضرت نوح به امر خداوند متعال  
مشغول ساختن سفینه «کشتی» شد و آن را به اتمام رساند عده قلیلی که تعداد آن‌ها  
حدود هشتاد نفر بیان شده وارد سفینه نوح شده و از هلاکت نجات یافتند.

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۳۸ تا ۷۲.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۱۵، ۹۱ تا ۱۵۱.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۶ تا ۴۶۹.

المیزان، جلد بیستم، صفحه ۱۰، ۱۱، ۵۰، ۶۰، ۸۳، ۸۴، ۸۹ تا ۹۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۱۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۷۵، حدیث ۷۷ «حدیث ۴۶۸۲».

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:  
 مَثَل اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَثَل سفینه نوح است، یعنی هر کس به اهل بیت پیامبر اکرم پناه ببرد و امامت و ولایت آن ذوات مقدسه را بپذیرد و در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی مطیع محض آن بزرگواران باشد و دستورات آن ذوات مقدسه را بی قید و شرط اطاعت نماید اهل نجات است و گرنه گرفتار عذاب الیم و ابدی جهنم خواهد بود.

### حدیث

(الف) احادیث مربوط به این موضوع که حضرت نوح و سایر انبیاء الهی به محمد و آل محمد علیهم السلام «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» توسل نموده و از خداوند متعال حاجت می خواستند «منحصراً هنگام مواجه شدن با مشکلات حاد»، و خداوند متعال نیز حاجات آنها را برآورده می ساخت.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

روزی یک نفر یهودی خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسید و به آن حضرت عرض کرد:

آیا تو افضلی یا حضرت موسی «یعنی آیا مقام تو در پیشگاه الهی بالاتر است یا مقام حضرت موسی».

وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

وقتی از حضرت آدم آن خطا سر زد «خوردن از میوه ممنوعه در بهشت» و از بهشت بیرون رانده شد اینگونه و با این جملات به درگاه الهی توبه نمود و به خداوند متعال عرض کرد:

«اللَّهُمَّ إِنَّ أَسْأَلَكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي»، فَغَفَرَ اللهُ لَهُ، یعنی:

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

به حق محمد و آل محمد علیهم السلام از تو درخواست می کنم که مرا ببخشی و

بیامری،

و خداوند متعال نیز حضرت آدم را بخشید و از خطایش درگذشت. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش به آن فرد یهودی در رابطه با برتری مقام خودش و اهل بیتش به انبیاء عظام الهی فرمود: وقتی که حضرت نوح سوار سفینه شد «سوار کشتی شد» و آن امواج خروشان را دید از غرق شدن ترسید و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ، فَنَجِّهِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، یعنی: حضرت نوح به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

به حق محمد و آل محمد علیهم السلام «یعنی به حق چهارده معصوم علیهم السلام» از تو درخواست می‌کنم که مرا از غرق شدن نجات دهی، و خداوند عزوجل نیز او را نجات داد.

وقتی حضرت ابراهیم به داخل آتش انداخته شد به خداوند متعال عرض کرد:  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا نَجَّيْتَنِي، فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا، یعنی:  
حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

به حق محمد و آل محمد علیهم السلام از تو درخواست می‌کنم که مرا نجات دهی و خداوند متعال نیز آتش را بر حضرت ابراهیم سرد و سلامت ساخت.

وقتی حضرت موسی عصای خودش را به زمین انداخت «و عصا تبدیل به اژدها شد» در دلش احساس ترس و بیم نمود و به همین جهت به خداوند متعال عرض کرد:  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمْتَنَنِي، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى، یعنی:  
حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

به حق محمد و آل محمد علیهم السلام از تو درخواست می‌کنم که آسوده خاطرم فرمایی،

و خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

نترس، که همانا تو برتری.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنگاه مرد یهودی را مخاطب

قرار داده و به او فرمود:

يَا يَهُودِيُّ:

إِنَّ مُوسَى لَوَ أَدْرَكَنِي، ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَبِنُبُوتِي لَمْ يَنْفَعَهُ إِيمَانُهُ شَيْئًا، وَلَا نَفَعَتْهُ النَّبُوءَةُ، يَعْنِي:

وجود مبارک پیامبر اکرم به مرد یهودی فرمود:

ای یهودی:

اگر حضرت موسی مرا درک می کرد «اگر در زمان رسالت من حضور می داشت»،

و به من و به نبوت ایمان نمی آورد ایمان و نبوت حضرت موسی هیچ فایده‌ای برای او نداشت.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان فرمایشات خویش

مجدداً مرد یهودی را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

يَا يَهُودِيُّ:

وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِي إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَيَقْدِمُهُ وَيُصَلِّي خَلْفَهُ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم به مرد یهودی فرمود:

ای یهودی:

حضرت مهدی که از ذریه و از نسل من می باشد وقتی که ظهور نماید و خروج کند

عیسی بن مریم به یاری و کمک حضرت مهدی نازل می شود و پشت سر آن حضرت

نماز می خواند «حضرت عیسی به حضرت مهدی علیه السلام اقتدا می کند»<sup>۱</sup>.

مواردی را که ملاحظه فرمودید «فضیلت و برتری وجود مقدس چهارده معصوم

علیهم السلام بر تمام انبیاء الهی اعم از انبیاء اولوالعزم یا غیر اولوالعزم»، در آیات

دیگر قرآن کریم نیز بیان شده و ذیل آن آیات شریفه توضیحات لازم به عرض

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۵۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۸۹، حدیث ۱۱۰ «حدیث ۴۷۱۵».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم بر یهودیان، صفحه ۹۷، حدیث ۲۸.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۱۴ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

رسیده و احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام ذیل آن آیات شریفه درج شده است.

جهت اطلاع عزیزان و استفاده هر چه بیشتر به اختصار به آن آیات شریفه و احادیث ذیل آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. خداوند متعال در آیه ۳۷ سوره بقره می‌فرماید:

فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ، فَتَابَ عَلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، یعنی :

پس، حضرت آدم از خداوند متعال کلمات و سخنانی دریافت کرد و آموخت، تا به واسطه آن‌ها و به وسیله آن‌ها به درگاه الهی توبه نماید،

و با آن کلمات و با آن سخنان توبه نمود،

و خداوند متعال نیز توبه او را پذیرفت چرا که خداوند متعال توبه‌پذیر و مهربان است.

ذیل این آیه شریفه توضیحات کاملی ارائه شده و به عرض رسیده است که: وقتی که حضرت آدم و حوا از میوه شجره ممنوعه خوردند و از بهشت بیرون رانده شدند به شدت نادم و پشیمان بودند و شب و روز گریه می‌کردند تا خداوند متعال توبه آن‌ها را بپذیرد و آن‌ها را ببخشد.

خداوند متعال برای اینکه توبه آدم و حوا را بپذیرد جبرئیل را نزد آن‌ها فرستاد و کلمات و سخنانی را به آن‌ها تعلیم فرمود تا به وسیله این کلمات و سخنان از درگاه الهی طلب مغفرت و آمرزش نمایند.

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده است که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:

مقصود از کلماتی که خداوند متعال به حضرت آدم تعلیم فرمود تا حضرت آدم به وسیله آن‌ها از خداوند متعال تقاضای بخشش نماید محمّد و آل محمّد علیهم السّلام بودند و حضرت آدم نیز خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند داد تا توبه آن‌ها را بپذیرد و خداوند متعال نیز توبه آن‌ها را پذیرفت.

ذیل آیه ۳۷ سوره بقره، همچنین ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ سوره بقره در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۲. خداوند متعال در آیه ۱۲۴ سوره بقره می فرماید:

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ، قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ، یعنی:

هنگامی که خداوند متعال حضرت ابراهیم را به چند امر «به اموری» امتحان فرمود و حضرت ابراهیم به خوبی از عهده این امتحانات و آزمایش ها برآمد خداوند متعال به او فرمود:

ای ابراهیم:

من تو را امام مردم قرار دادم «تو را برای مردم امام قرار دادم».

حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این امامت را برای فرزندان و نسل و دودمان من نیز قرار بده.

خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

عهد و پیمان من «یعنی امامت مردم» هرگز به ظالمین و ستمکاران نمی رسد.

ذیل این آیه شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده اند:

منظور از کلمات در این آیه شریفه «آیه ۱۲۴ سوره بقره» همان کلماتی هستند که خداوند متعال به حضرت آدم تعلیم فرمود و حضرت آدم با توسل به آن کلمات توبه نمود و خداوند متعال نیز توبه او را پذیرفت، یعنی:

حضرت ابراهیم علیه السلام به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام توسل نمود و خداوند متعال نیز به او مقام امامت را اعطا فرمود.

همچنین ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است که طبق آن احادیث نورانی و شریف وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور نمرود به داخل آتش انداخته شد جهت نجات از آتش به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام متوسل شد و به خداوند متعال عرض کرد:

يا الله يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد:



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا، یعنی:

ای خداوند یکتای یگانه بی نیاز که همه نیازمندان قصد او می کنند و حاجات و نیازهای خود را از او می خواهند،

ای خداوندی که نه فرزند کسی هستی و نه فرزندی داری،

ای خداوندی که هیچ شبیه و نظیر و مثل و مانندی نداری،

از تو مسئلت می کنم و تقاضا می نمایم که:

به حقّ محمد و آل محمد علیهم السّلام مرا از آتش نجات دهی «یعنی خداوندا

به حقّ وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مرا از این آتش حفظ کن و مرا نجات بده».

پس از این توسل و درخواست حضرت ابراهیم بود که خداوند متعال به آتش امر فرمود که:

«يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ - آیه ۶۹، سوره انبیاء»، یعنی:

ای آتش، برای حضرت ابراهیم سرد و سلامت باش.

پس از این دستور خداوند متعال بود که:

آتش تبدیل به گلستان شد و به حضرت ابراهیم علیه السّلام آسیبی وارد نگردید.

ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره «وَإِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»،

و ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ» توضیحات

کامل و جامعی به عرض رسیده است.

۳. خداوند متعال در آیات ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ سوره طه می فرماید:

«فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى» آیه ۶۷.

«قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى» آیه ۶۸.

«وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا...» آیه ۶۹، یعنی:

حضرت موسی پس از دیدن منظره سحرآمیز ساحران «رؤیت شدن طنابها

به صورت مارهای بزرگ و کوچک» در داخل خویش احساس ترس نمود «آیه

۶۷».

خداوند متعال می فرماید:

ما به حضرت موسی گفتیم:

نترس «ترس به خودت راه نده»، زیرا تو از هر جهت از سَحْرَه «ساحران» برتر و بالاتر هستی و مافوق آن‌ها می باشی و قطعاً تو پیروز خواهی شد «آیه ۶۸».

خداوند متعال می فرماید:

ما به حضرت موسی گفتیم:

آنچه را که در دست راست داری به زمین بینداز «یعنی عصایی را که در دست داری به زمین بینداز» تا آنچه را که سَحْرَه به زمین انداخته‌اند «ریسمان‌هایی که ظاهراً مثل مار می باشند» ببلعد «آیه ۶۹».

ذیل این آیات شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:

وقتی حضرت موسی آن منظره عجیب را دید «سحر ساحران و تبدیل شدن ظاهری طناب‌ها و ریسمان‌ها به مار» در دل خویش احساس ترس نمود و به همین جهت به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمِنْتَنِي، یعنی:

خداوندا:

به حقّ محمد و آل محمد علیهم السّلام «یعنی به حقّ وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» از تو درخواست می کنم که دلم را آرامش ببخشی.

پس از این درخواست حضرت موسی بود که خداوند متعال به او فرمود:

«لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى - آیه ۶۸، سوره طه»، یعنی:

ای موسی:

نترس و ترس به خودت راه نده که از هر جهت تو مافوق سَحْرَه «ساحران» هستی و از آن‌ها برتر و بالاتر می باشی و مسلماً تو پیروز می شوی.

ذیل این آیات شریفه «آیه ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ سوره طه» توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۴. خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره یوسف می فرماید:

«فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که برادران حضرت یوسف حضرت یوسف را با خود بردند و تصمیم گرفتند تا او را داخل مخفیگاه چاه قرار بدهند، ما به حضرت یوسف وحی کردیم و به او گفتیم که «وقتی که یوسف داخل چاه بود» غم مخور و ناراحت نباش، زیرا:

روزی فرا می رسد که تو برادرانت را از نقشه ای که آن‌ها بر علیه تو کشیده اند آگاه خواهی ساخت در حالی که آن‌ها تو را نمی شناسند «اشاره به زمانی است که حضرت یوسف در مصر به قدرت رسیده و در اوج عزت و اقتدار است و برادرانش در نهایت تواضع و فروتنی نزد او آمده اند تا در آن قحط سالی از حضرت یوسف کمک بگیرند، و این در حالی بود که حضرت یوسف آن‌ها را می شناخت لیکن آن‌ها حضرت یوسف را نمی شناختند».

ذیل این آیه شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده اند:

هنگامی که برادران حضرت یوسف او را داخل چاه قرار دادند حضرت جبرئیل بر حضرت یوسف نازل شد و به او فرمود:

ای پسر، چه کسی تو را در چاه انداخت.

حضرت یوسف به جبرئیل گفت:

برادرانم مرا به چاه انداختند، زیرا به خاطر منزلتی که من نزد پدرم حضرت یعقوب داشتم برادرانم به من حسادت می کردند.

جبرئیل علیه السلام به حضرت یوسف گفت:

آیا می خواهی از چاه بیرون بیایی.

حضرت یوسف به جبرئیل گفت:

با خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب است که اگر بخواهد مرا نجات خواهد داد

«حضرت یعقوب فرزند حضرت اسحاق است و حضرت اسحاق فرزند حضرت ابراهیم می باشد.»

جبرئیل علیه السلام به حضرت یوسف فرمود:

خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید که این کلمات را بگو و اینگونه دعا کن تا تو را از چاه نجات دهم، یعنی بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ،

اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ مِنْ اَمْرِىْ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا، وَ تَرْزُقْنِىْ مِنْ حَيْثُ اَخْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا اَخْتَسِبُ، يعنى:

ای خداوندی که حمد و ستایش مخصوص تو است و معبودی جز تو نیست،

ای خالق آسمانها و زمین،

ای صاحب جلالت و بزرگواری،

از تو مسئلت می کنم و از تو درخواست می نمایم که:

بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود بفرستی و در کار من گشایش و فرج قرار دهی،

و از جایی که گمان دارم و ندارم روزی و رزقم بدهی.

در ادامه این احادیث شریف آمده که:

پس از این دعا بود که خداوند متعال حضرت یوسف را از چاه نجات داد و سلطنت و فرمانروایی مصر را به او اعطا فرمود.

نتیجه مباحث این بخش «قسمت الف بخش حدیث» این می شود که:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام اشرف و افضل بر تمام انبیاء الهی می باشند و مقام آن ذوات مقدسه در پیشگاه خداوند متعال از تمام انبیاء الهی «اعم از انبیاء اولوالعزم و غیر اولوالعزم» برتر و بالاتر می باشد، و همانگونه که ملاحظه فرمودید انبیاء الهی وقتی با مشکل حادثی مواجه می شدند به محمد و آل محمد علیهم السلام توسل نموده و از طریق این ذوات مقدسه از خداوند متعال حاجات خویش را مسئلت می نمودند و خداوند متعال نیز به احترام محمد و آل محمد علیهم السلام حاجات آنها

را برآورده می‌ساخت، ضمن اینکه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام علّت غایبی خلقت می‌باشند و خداوند متعال همه مخلوقات خویش را به خاطر آن ذوات مقدّسه خلق فرموده است.

ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۷ سوره بقره در این رابطه توضیحاتی ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است.

ب) احادیث مربوط به این موضوع که مثلاً اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مثلاً سفینه نوح است، یعنی:

هر کس به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورد «اهل بیت پیامبر اکرم یعنی حضرت علی و حضرت زهرا سلام‌الله علیهما و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار که آیه تطهیر راجع به آنهاست و ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب توضیحات کاملی در این رابطه به عرض رسیده است» و امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه را بپذیرد و مطیع محض دستورات و فرامین آن بزرگواران باشد اهل نجات است، و در غیر این صورت اهل جهنّم است و جایگاه ابدی او آتش جهنّم می‌باشد.

۱. وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زُجَّ فِي النَّارِ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

مثلاً اهل بیت من در بین شما مثلاً سفینه نوح است «مثلاً کشتی نوح است»،

که هر کس به آن پناه برد نجات یافت،

و هر کس تخلف نمود به آتش پرتاب شد.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۸۵، حدیث ۹۹ «حدیث ۴۷۰۴».

عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد دوّم، باب ۳۱ «اخبار مجموعه»، صفحه ۱۰، حدیث ۱۰.

۲. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، یعنی:

یا علی:

مَثَلُ تَوْبِينِ أُمَّتٍ مِنْ مَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ اسْتِ «تو در میان اُمَّت من همانند کشتی نوح

هستی»، که:

هر کس به آن پناه برد نجات می یابد و هر کس از آن تخلف نماید غرق می شود.<sup>۱</sup>

۳. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، فَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ «و در بعضی از نسخه ها آمده که: مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا

هَلَكَ»، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

مَثَلِ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ مَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ اسْتِ، که:

هر کس به آن پناه برد نجات می یابد و هر کس از آن تخلف کند غرق می شود «هر

کس از آن تخلف کند هلاک می شود».

این حدیث را ابوذر از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.

قابل ذکر است که:

این حدیث شریف علاوه بر منابع شیعه «از قبیل: وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی و

بحارالانوار مجلسی و...» در منابع معتبر اهل سنت نیز آمده که اسامی تعدادی از آنها

را ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

عیون الاخبار ← ابن قتیبه دینوری

معجم الکبیر ← حافظ طبرانی

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۸۵، حدیث ۱۰۰ «حدیث ۴۷۰۵».

مستدرک	←	حاکم نیشابوری
تاریخ الخلفاء	←	سیوطی
مناقب	←	ابن مغزلی
میزان الاعتدال	←	ذهبی
فرائد السمطين	←	حموینی و... <sup>۱</sup>

۴. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم روزی به وجود مقدّس اباعبدالله الحسین علیه السّلام فرمود:

مَرْحَبًا بِكَ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...، یعنی:

خوش آمدی ای زینت آسمانها و زمین «خوش آمدی ای زینت بخش آسمانها و زمین».

أبی بن کعب که در آنجا حضور داشت به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله، آیا غیر از شما کسی هست که زینت بخش آسمانها و زمین باشد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال اُبی بن کعب فرمود:

قسم به خداوندی که مرا مبعوث به رسالت فرمود حسین بن علی در آسمانها با عظمت تر و پرشکوه تر از روی زمین است.

وجود مبارک پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به دستور خداوند متعال در سمت راست عرش نوشته شده است که:

إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ، یعنی:

وجود مقدّس امام حسین علیه السّلام چراغ هدایت و کشتی نجات است.

قابل ذکر است که:

اهل بیت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم همگی از یک نور می باشند، و همه

آن بزرگواران چراغ هدایت و سفینه نجات «کشتی نجات» هستند، لیکن سفینه سید و

سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السّلام به گونه دیگری است، زیرا خود آن ذوات

مقدّسه فرموده اند:

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۱۳۵ - ۱۳۶.

كُنَّا سُفُنَ النَّجَاةِ وَلَكِنْ سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَأَسْرَعُ، یعنی:

همه ما «اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السَّلام» کشتی های نجات هستیم، لیکن:

سفینه و کشتی سیدالشهداء اباعبدالله الحسین سلام الله علیه حرکتش بر امواج توفنده و گسترده دریاها سریع تر است و وسعت و گنجایش آن نیز بیشتر است «احتمالاً کنایه از این است که تعداد افرادی که با توسل به امام حسین علیه السَّلام از ضلالت و گمراهی نجات یافته و به ساحل نجات می رسند از بقیه معصومین علیهم السَّلام بیشتر هستند و توسل به آن حضرت سریع تر نتیجه می دهد»<sup>۱</sup>.

۵. ملاحظه فرمودید که:

مَثَلِ اَهْلِ بَيْتِ پيامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ است، یعنی:  
ائمه معصومین علیهم السَّلام سفینه های نجات هستند و هر کس به آنها پناه ببرد اهل نجات است و نجات می یابد،  
و هر کس از آن ذوات مقدسه تخلف نماید اهل هلاک است.

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السَّلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم السَّلام خدمت آن بزرگواران عرضه می داریم:

أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ،

وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ،

وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ،

وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ،

وَ الْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ،

وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ،

وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، یعنی:

۱. عیون اخبارالرضا علیه السَّلام، جلد اول، باب ششم، صفحه ۱۱۱ تا ۱۲۲، حدیث ۲۹.  
خصائص الحسینیه تألیف آیت الله شیخ جعفر شوشتری، صفحه ۲۰، ۵۳، ۵۴ «مقدمه و فصل سوم».



شما چهارده معصوم علیهم السّلام:

صراط مستقیم الهی هستید،

شما شاهد و گواه بر اعمال مردم در دنیا می‌باشید،

شما شفاعت‌کنندگان در روز قیامت هستید،

شما رحمت پیوسته «رحمت متّصل به حقّ» می‌باشید «ممکن است منظور این باشد که شما معصومین علیهم السّلام واسطه بین خالق و مخلوق هستید، یا اینکه منظور این است که شما معصومین علیهم السّلام بهترین و عالی‌ترین رحمت خداوند متعال به مخلوقات هستید»،

شما آیت و نشانه مستور و محفوظ در خزانه علم خداوند متعال هستید و نمی‌شناسد شما را مگر خدای شما، و مردم از شما جز هیکل خاکی و عنصری چیزی مشاهده نمی‌کنند «مقامات شما به حدّی رفیع است که برای بشر مقدور نیست آنچنان که باید و شاید شما را بشناسد و به شما معرفت پیدا کند»،

شما امانت محفوظ هستید، یعنی مصون از شرّ شیاطین انسی و جنّی می‌باشید و خداوند متعال شما را از تمام آفات و عیوب و پلیدی‌ها مصون و محفوظ نگه داشته است، لذا بر مردم است که امانت الهی را حفظ کنند، یعنی از شما معصومین علیهم السّلام تبعیت نموده و به شما ظلم نکنند و ولایت شما را انکار نکنند، شما باب حقّی هستید که مردم به وسیله شما امتحان می‌شوند و مورد امتحان قرار می‌گیرند، یعنی:

هر کس امامت و ولایت شما را پذیرفت از عهده امتحان برآمده و قبول شده است، و الا در زمره مردودین خواهد بود.

پس از عرض نمودن این مطالب به محضر مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام، مطلبی را خدمت آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم که در حدیث سفینه آمده است، یعنی:

به آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

مَنْ آتَاكُمْ نَجِي،

وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَك، یعنی:

هر کس به سوی شما آمد و ولایت و امامت شما را پذیرفت و از شما اطاعت و پیروی کرد از عذاب و عقاب نجات پیدا کرد و اهل بهشت شد و رستگار گردید، و هر کس از شما فاصله گرفت و ولایت و امامت شما را نپذیرفت و از شما تبعیت ننمود هلاکت اخروی را پذیرا شد یعنی خودش را از اهل جهنم نمود.<sup>۱</sup>

#### توضیحاتی پیرامون حدیث سفینه:

حدیث سفینه از احادیث بسیار معروفی است که از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهل بیت آن حضرت و در رابطه با ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده و به طور گسترده در کتب معروف و معتبر شیعه و سنی آمده که در صفحات قبل به تعدادی از کتب اهل سنت که این حدیث شریف را نقل نموده‌اند اشاره گردید.

این حدیث شریف را شش نفر از صحابه، هشت نفر از تابعین، سه نفر از علمای قرن دوم، هشت نفر از علمای قرن سوم، چهارده نفر از علمای قرن چهارم و... نقل نموده‌اند.

در کتاب عبقات الانوار حدیث سفینه از نود و دو کتاب که به وسیله نود و دو نفر از علمای معروف اهل سنت تألیف شده نقل گردیده است.

تمام علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که حدیث شریف سفینه از احادیث صحیحیه است که نزدیک به حدّ تواتر می‌باشد، و تعداد زیادی از حافظان و راویان حدیث و اهل سیره و تواریخ در تألیفات خویش آن را نقل نموده‌اند که تعداد آنها بالغ بر یکصد نفر می‌شود، و همگی آنها این حدیث را به عنوان حدیثی مورد قبول پذیرفته‌اند.

شش نفر از صحابه، این حدیث شریف را از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده‌اند که ذیلاً به اسامی آنها اشاره می‌شود.

ابوذر غفاری، ابوسعید خدری، ابن عباس، عامر بن واثله، انس بن مالک و سلمة بن اکوع.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۱ تا ۳۸۳.

در صفحات قبل و در بخش حدیث به حدیثی که ابوذر غفاری از پیامبر اکرم نقل نموده بود اشاره گردید، و اینک به یک حدیث دیگر نیز که از طریق صحابه پیامبر اکرم نقل شده اشاره می‌شود.

ابن مغزالی شافعی در کتاب مناقب از ابن عباس و همچنین از سلمه بن اکوع نقل می‌کند که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، یعنی:

مثال اهل بیت من در بین شما مثل سفینه نوح است، که:

هر کس به آن پناه ببرد و به آن تمسک نماید اهل نجات است،

و هر کس از آن تخلف و نافرمانی نماید اهل هلاک است و به هلاکت می‌رسد.

#### مفاد حدیث سفینه:

در توضیحات ذیل آیه ۴۲ سوره هود «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ...» به عرض رسید که:

به دستور خداوند متعال درهای آسمان با آبی فراوان گشوده شد و از زمین نیز آب‌های زیادی فوران نمود و طوفان و سیلاب همه جا را فرا گرفت و در خود فرو برد و فقط یک نقطه نجات باقی ماند و آن یک نقطه نیز سفینه نوح «کشتی نوح» بود که خداوند متعال سرنشینان آن را از غرق شدن و به هلاکت رسیدن نجات داد.

در ادامه آیه ۴۲ سوره هود آمده که:

وقتی حضرت نوح به پسرش فرمود: اِرْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ، یعنی:

پسرم همراه ما سوار کشتی شو و با کافران مباش، پسر نوح چون ایمان نداشت لذا از سوار شدن به کشتی امتناع نمود و به پدرش گفت:

سَأُورِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ، یعنی:

من به کوهی پناه می‌برم که مرا از آب «از غرق شدن» حفظ کند

نوح به پسرش گفت:

لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَ حَالِ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، یعنی:

امروز هیچ حافظ و پناهگاهی در برابر فرمان خداوند متعال نیست مگر آن کس را که خداوند متعال به او رحم کند «اشاره به مؤمنانی که سوار بر کشتی نجات شده بودند»، و در همین حال امواج خروشان میان نوح و پسرش حائل شد و پسر نوح غرق شد و در زمره غرق شدگان قرار گرفت.

تشبیه اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی حضرت علی علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار» به سفینه نوح و به کشتی نجات بسیار پرمعنی است و به ما می آموزد که:

۱. بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طوفان‌هایی امت اسلامی را فرا خواهد گرفت و فتنه‌هایی به پا خواهد شد که بسیاری از مردم را غرق می‌کند و آن‌ها را به هلاکت می‌رساند و برای رهایی از این طوفان‌ها و فتنه‌ها تنها یک نقطه امید و تنها یک محل امن وجود دارد و آن نیز کشتی نجات اهل بیت پیامبر می‌باشد که در این حدیث شریف «حدیث سفینه» به سفینه نوح تشبیه شده است.

۲. هر کس سوار سفینه نوح شد از مؤمنین بود، و هر کس از سوار شدن به کشتی نوح امتناع ورزید در زمره کافرین قرار داشت و به همین لحاظ حضرت نوح به پسرش گفت:

همراه ما سوار کشتی شو و از کافران مباش «یعنی هر کس که سوار کشتی نشد از کافرین بود»، همچنین:

حضرت نوح به پسرش گفت:

امروز هیچ پناهگاه و حافظی در برابر فرمان خدا نیست مگر آن کس که خداوند متعال به او رحم نماید و مشمول رحمت خداوند سبحان قرار بگیرد «اشاره به مؤمنینی که سوار کشتی نوح شدند»، یعنی:

هر کس سوار کشتی نوح شد مشمول رحمت خداوند متعال واقع شده است و در زمره مؤمنین است،

و هر کس از سوار شدن به کشتی نوح امتناع ورزید در زمره کافرین است و اهل جهنم می‌باشد، بنابراین:

با توجّه به تشبیه اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم به سفینه نوح نتیجه این می شود که: هر کس به اهل بیت پیامبر اکرم پناه ببرد و مطیع محض دستورات آن بزرگواران باشد مشمول رحمت خداوند متعال واقع شده و در زمره مؤمنین است، و هر کس از آن بزرگواران فاصله بگیرد و از دستورات آنها تخلف نماید در زمره کافرین است و اهل جهنّم می باشد.

۳. آنچه که باعث نجات امت اسلام است و باعث نجات امت اسلام خواهد بود اطاعت و پیروی از آن بزرگواران است، لذا در این حدیث شریف «حدیث سفینه» عنوان شده که:

وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، یعنی:

هر کس از دستورات اهل بیت پیامبر اکرم تخلف و نافرمانی نماید اهل هلاک می باشد، بنابراین:

آنچه که باعث رستگاری و نجات امت اسلام است اطاعت و پیروی محض و بی قید و شرط از اهل بیت پیامبر اکرم می باشد نه فقط محبت داشتن و مودت داشتن به آن ذوات مقدّسه، گرچه محبت داشتن به آن بزرگواران نیز واجب است و ذیل آیه ۲۳ سوره شوری «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۴. حدیث شریف سفینه تفسیری است بر این حدیث معروف که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

سَتَفَرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً،

فِرْقَةٌ نَاجِيَةٌ وَ الْبَاقُونَ فِي النَّارِ، یعنی:

امت من بعد از من هفتاد و سه فرقه می شوند که فقط یک فرقه از این هفتاد و سه فرقه اهل نجات می باشد و به بهشت می رود و هفتاد و دو فرقه دیگر اهل آتش می باشند.

بنابراین:

طبق حدیث شریف سفینه و طبق این حدیث نورانی که به عرض رسید «هر دو حدیث را بسیاری از علمای اهل سنت نقل نموده‌اند» فرقه ناجیه «گروهی که اهل نجات هستند و به بهشت می‌روند» گروهی هستند که به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعتصام و تمسک نموده و از آن بزرگواران اطاعت و تبعیت می‌نمایند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَأَسْتَمِثُّ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ...» توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرمودند:

سَتُفَرِّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً،

كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً وَ هِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّ عَلِيًّا، یعنی:

امت من بعد از من هفتاد و سه فرقه خواهد شد که همگی آن‌ها اهل آتش می‌باشند مگر یک فرقه، و آن فرقه ناجیه فرقه‌ای است که از وصی و جانشین من علی بن ابیطالب علیه السلام اطاعت و پیروی نماید.

۱. پیام قرآن، جلد نهم، امامت و ولایت در قرآن کریم، تألیف: آیت‌الله مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، صفحه ۸۱ تا ۸۶.

## آیه ۸۶ سوره هود:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ...»

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

آنچه را که خداوند متعال برای شما از حلال باقی گذاشته «سرمایه حلال، سود حلال» برای شما بهتر است، اگر ایمان داشته باشید.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

بقیه = باقیمانده، سودی که فروشنده پس از انجام معامله برایش باقی می ماند و آن را در راه حوائج و نیازهای خود خرج می کند.<sup>۲</sup>  
در آیات قبل آمده که:

خداوند متعال حضرت شُعَیب را به طرف مَدَین فرستاد تا آن‌ها را به سوی توحید و یکتاپرستی دعوت نماید.

مردم مَدَین گرفتار شرک و بت پرستی بودند و نه تنها بت می پرستیدند بلکه عاشق و شیفته درهم و دینار بودند و به عبارتی آن‌ها را نیز می پرستیدند، و لذا برای کسب ثروت و جمع کردن درهم و دینار کسب و کار خویش را آلوده به تقلب، کم فروشی و خلافتکاری‌های دیگر می نمودند.

حضرت شُعَیب به دستور خداوند متعال عازم مَدَین شد و پس از رسیدن به این شهر مردم آن‌جا را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

ای مردم:

خداوند یگانه یکتا را پرستش کنید که جز خداوند یگانه یکتا معبودی نیست،

ای مردم:

پیمان‌ه و وزن را کم نکنید «دست به کم فروشی نزنید»،

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۹۳.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۲۴۱.

۲. المیزان، جلد بیستم، صفحه ۲۵۸.

و در معاملات خودتان سر مردم کلاه نگذارید و اجناس و اشیاء مردم را معیوب جلوه ندهید «بر اجناس مردم عیب مگذارید» و در روی زمین فساد نکنید و بدانید که:

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ = سود حلال که از طرف خداوند متعال برای شما باقی می ماند برای شما بهتر است از مالی که از طریق کم فروشی به دست می آورید، اگر مؤمن باشید، یعنی:

سود و منفعت حلالی که خداوند متعال پس از معامله برای شما باقی می گذارد بهتر است از مالی که از طریق کم فروشی یا از طرق نامشروع دیگر کسب کنید، اگر مؤمن باشید، زیرا:

شخص مؤمن فقط از راه مشروع و راه حلالی که خداوند متعال مقرر و معین فرموده تجارت و کسب می کند و سود می برد نه از طریق حرام «کم فروشی، عیب گذاشتن روی جنس مردم، کالای معیوب را به جای کالای درست به مردم فروختن و...».

در انتهای آیه شریفه آمده که:

إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ، یعنی:

اگر ایمان دارید «به خداوند متعال و انبیاء الهی و اوصیاء آنها».

این تعبیر اشاره به این موضوع می نماید که:

این واقعیت را فقط کسانی می فهمند و درک می کنند که به خداوند متعال و سایر اصول اعتقادی ایمان داشته باشند، یعنی:

اگر انسان مؤمن باشد این موضوع و این حقیقت را درک می کند که سود و منفعت حلال ناشی از کسب و کار حلال به مراتب بهتر است از مال و ثروتی که از طریق حرام و نامشروع کسب شده باشد، گرچه سود و منفعت ناشی از کسب حلال ناچیز و اندک باشد.

اساساً این دو موضوع قابل مقایسه با هم نیستند که یکی بهتر از دیگری باشد، چرا که سود حلال کاملاً خوب است و مورد رضایت خداوند متعال است و سود حرام کاملاً بد، لیکن:



این امر بدیهی و این واقعیت ملموس را فقط کسانی می فهمند و درک می کنند که به خداوند متعال و به سایر اصول اعتقادی ایمان داشته باشند، یعنی:

فقط مؤمنین می فهمند که سود ناچیز و اندک ناشی از کسب حلال بهتر است از سودی که از طریق کم فروشی و کلاه گذاشتن سر مردم به دست می آید.

قابل ذکر است که مفسرین محترم برای بقیة الله معانی دیگری نیز ذکر کرده اند که ذیلاً به آنها اشاره می شود.

بقیة الله یعنی:

۱. سودی که خداوند متعال پس از یک معامله شرعی و حلال برای فروشنده کالا باقی می گذارد.

۲. اطاعت خداوند متعال، زیرا ثواب و پاداش اطاعت خداوند متعال برای همیشه باقی می ماند، لیکن دنیا زوال پذیر و از بین رفتنی است.

۳. هر موجودی که خداوند متعال او را برای بشریت نافع و سودمند قرار داده و وجود او باعث خیر و سعادت دنیوی و اخروی انسانها می باشد، لذا انبیاء الهی و اوصیاء آنها بقیة الله هستند و در صدر همه آنها وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند.

بنابراین:

با توجه به معانی مختلفی که از بقیة الله به عرض رسید معنی آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

ای مردم:

۱. منفعت و سود حلالی که خداوند متعال پس از کسب و کار حلال برای شما باقی می گذارد بهتر است، اگر مؤمن باشید.

۲. اطاعت خداوند متعال برای شما بهتر است زیرا ثواب و پاداش آن برای همیشه باقی می ماند، اگر مؤمن باشید.

۳. انسانهایی که خداوند متعال برای بشریت نافع و سودمند قرار داده و باعث خیر و سعادت دنیوی و اخروی بشریت می باشند برای شما بهتر است، اگر مؤمن

باشید، بنابراین:

حُجَجِ خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ يَعْنِي أَنْبِيَاءَ الْهَيْ وِ اَوْصِيَاءَ أَنْهَا مَصْدَاقُ رُوشَنِ وِ أَشْكَارِ بَقِيَّةِ اللَّهِ  
مِي بَاشَنَدِ، وِ دَرِ حَدِيثِ آمَدَه كَه:

وَقْتِي حَضْرَتِ شُعَيْبٍ بَه مَدِينِ رَسِيدِ بَا صَدَايِ بَلَنْدِ نَدَا دَادِ، اِي مَرْدَمِ:

مَنْ بَقِيَّةِ اللَّهِ هَسْتُمْ كَه خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ مِي فَرْمَايَدِ:

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

قَابِلِ ذَكَرِ اسْتِ كَه فَهْمِ وِ دَرَكِ اَيْنِ حَقَائِقِ مَشْرُوطِ بَه اِيْمَانِ شَدَه اسْتِ يَعْنِي:

اَيْنَكِه سُودِ حَلَالِ بَهْتَرِ اسْتِ اَزِ سُودِ حَرَامِ،

اَيْنَكِه اطَاعَتِ اَزِ خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ بَرَايِ مَرْدَمِ خُوبِ اسْتِ،

وِ اَيْنَكِه بَقِيَّةِ اللَّهِ «بَا هَرِ مَعْنِي كَه مَفْسَّرِينَ بِيَانِ كَرْدَه اَنْدِ» بَرَايِ مَرْدَمِ خُوبِ اسْتِ،

فَقَطِ بَرَايِ مُؤْمِنِينَ قَابِلِ دَرَكِ وِ فَهْمِ اسْتِ، يَعْنِي:

حَقِيقَتِ بَه اَيْنِ وُضُوحِ وِ رُوشَنِي رَا فَقَطِ كَسَانِي دَرَكِ مِي كَنْنَدِ كَه بَه خَدَاوَنَدِ

مَتَعَالِ وِ اَنْبِيَاءِ الْهَيْ وِ اَوْصِيَاءِ أَنْهَا اِيْمَانِ دَاشْتَه بَاشَنَدِ.

اَيْنَكِه مَصْدَاقِ اَتَمِّ وِ اَكْمَلِ بَقِيَّةِ اللَّهِ چَه اِفْرَادِي مِي بَاشَنَدِ اَنْشَاءِ اللَّهِ تَعَالَى دَرِ بَخْشِ

حَدِيثِ بِيَانِ خُوَاهَدِ شَدِ.<sup>۱</sup>

### توضیح:

حَضْرَتِ شُعَيْبٍ چَهَارْمِينَ پِيغمبرِ عَرَبِ مِي بَاشَدِ كَه نَامَشَانِ دَرِ قُرْآنِ كَرِيمِ ذَكَرِ شَدَه

اسْتِ وِ اَيْنِ پِيَامْبِرَانِ عَرَبِ كَه نَامَشَانِ دَرِ قُرْآنِ كَرِيمِ آمَدَه عِبَارَتَنْدِ اَزِ:

هُودِ، صَالِحِ، شُعَيْبِ وِ وَجُودِ مَقْدَسِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَمِ.

خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ گُوشَه اِي اَزِ زَنْدَگِي وِ اِحْوَالَتِ حَضْرَتِ شُعَيْبِ رَا دَرِ سُورَه اِي

اعْرَافِ، هُودِ، شَعْرَاءِ، قِصَصِ وِ عَنكَبُوتِ بِيَانِ فَرْمُودَه اسْتِ.

حَضْرَتِ شُعَيْبِ اَزِ اِهَالِي مَدِينِ بُوَدِ وِ مَدِينِ شَهْرِي اسْتِ دَرِ شَبَه جَزِيرَه عَرَبِ سْتَانِ

۱. مجمع البيان، جلد دوازدهم، صفحه ۱۱۰.

الميزان، جلد بیستم، صفحه ۲۵۸.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۹۳.

که بین راه مدینه و شام «سوریه فعلی» واقعی شده است. حضرت شُعَیْب معاصر حضرت موسی بود و یکی از دخترانش را به ازدواج حضرت موسی درآورد تا در مقابل آن حضرت موسی هشت سال برای حضرت شعیب کار کند.

قوم شُعَیْب از اهالی مَدَیْن و بت پرست بودند و فساد و کم فروشی و نقص مِکِیال و میزان «پیمانہ و ترازو» در میان آنان رواج داشت تا اینکه خداوند متعال حضرت شعیب را به سوی آنها فرستاد و به حضرت شعیب دستور داد تا آنها را از بت پرستی و کم فروشی و فساد روی زمین نهی نماید.

حضرت شعیب در رابطه با هدایت قومش تلاش زیادی کرد لیکن تلاشها و نصایح آن حضرت در قوم او تأثیری نداشت و آن قوم همچنان مشغول کفر و فسق و فجور و کم فروشی بودند و در روی زمین به انحاء مختلف فساد می نمودند «کم فروشی، غصب حقوق مردم، تجاوز به حقوق دیگران و...» و حضرت شعیب و تعداد قلیل ایمان آورندگان به آن حضرت را مسخره می کردند، تا اینکه خداوند متعال صیحه آسمانی را فرستاد «صدای مهیب و وحشتناک، یا چیزی مثل صاعقه» و این قوم بت پرست و ستمگر را نابود کرد و فقط حضرت شعیب و عده ای معدود که ایمان آورده بودند از عذاب الهی مصون و محفوظ ماندند. در برخی از روایات آمده که:

خداوند متعال قوم شعیب را فقط به خاطر خیانت در وزن و کِیْل «کم فروشی و کلاه گذاشتن سر مردم و تجاوز به حقوق دیگران» به هلاکت رساند. عرض شد که شعیب به قوم خویش گفت:

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام بقیه الله می باشند و حضرت مهدی امام زمان سلام الله علیه نیز که تنها باقیمانده بعد از پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد آخرین ذخیره خداوند متعال است و بقیه الله می باشد و خداوند متعال به وسیله آن حضرت اسلام را عالمگیر خواهد نمود و بساط ظلم و جور و شرک و کفر را برخواهد چید

و تمام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:

یا بن رسول الله:

آیا به امام قائم «حضرت مهدی علیه السلام» به عنوان امیرالمؤمنین سلام داده می شود.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نه، زیرا خداوند متعال عنوان امیرالمؤمنین را مخصوص علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داده است و قبل از حضرت علی علیه السلام هیچ کس به عنوان امیرالمؤمنین صدا نشده و نامیده نشده و پس از آن حضرت نیز کسی به این اسم و به این عنوان نامیده نخواهد شد «لَمْ يُسَمَّ بِهٖ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا يَتَسَمَّى بِهٖ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ»، مگر اینکه آن شخص کافر باشد.

آن مرد به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

پس، مردم به امام زمان علیه السلام چگونه سلام می کنند.

وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمودند:

مردم خدمت امام قائم علیه السلام عرض می کنند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ «سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای آخرین ذخیره الهی، سلام بر تو که دنیا به برکت وجود تو باقی مانده، یعنی خداوند متعال به برکت وجود تو دنیا را باقی گذاشته است».

وجود مقدس امام صادق علیه السلام سپس این آیه شریفه را «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - آیه ۸۶، سوره هود» تلاوت فرمودند.

۱. المیزان، جلد بیستم، صفحه ۲۷۹ - ۲۸۰.

«گفتاری پیرامون قصه شعیب و قوم او در قرآن».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۹۳.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۲۴۳ تا ۲۴۷.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۲۱۱، حدیث ۱.

این حدیث را عمر بن زاهر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. ابوبکر حضرمی نقل می‌کند:

وقتی وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام را به دربار هشام بن عبدالملک در شام بردند «هشام ملعون قبلاً به اطرافیان خویش گفته بود که ابتدا من محمّد بن علی «یعنی امام باقر علیه‌السلام» را تویخ و سرزنش می‌کنم و پس از من شما نیز او را سرزنش و تویخ نمائید».

وقتی آن حضرت وارد دربار شدند همه حضار را مورد خطاب داده و فرمودند السلام علیکم، و بدون اینکه به هشام بن عبدالملک به عنوان خلیفه مسلمین سلام بدهد و بدون اینکه از کسی اجازه بگیرند نشستند و همین امر باعث خشم بیشتر هشام ملعون شد و به همین جهت به امام باقر علیه‌السلام گفت:

همیشه مردی از خاندان شما به خیال اینکه امام می‌باشند مردم را به سوی خودشان دعوت کرده و بین مسلمین اختلاف انداخته‌اند.

پس از هشام بن عبدالملک ملعون سایر درباریان نیز وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام را سرزنش نمودند.

وقتی همه آنها ساکت شدند امام باقر علیه‌السلام از جای خود بلند شده و همه حاضرین را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مردم:

به کجا می‌روید و شما را به کجا می‌برند

ای مردم:

خداوند متعال آغاز شما را با ما رهبری کرده «خداوند متعال گذشتگان را به وسیله ما هدایت فرموده» و پایان شما را هم به دست ما به پایان می‌رساند.

اگر شما یک سلطنت و حکومت گذرا و شتابان دارید ما هم سلطنت و حکومتی موعود داریم «یعنی زمان ظهور امام زمان سلام‌الله علیه» که پس از آن سلطنت و

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۷۵، حدیث ۲ «حدیث ۱۰۷۷».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۴۵، حدیث ۱۹۰ «حدیث ۴۷۹۵».

حکومتی نیست.

هشام بن عبدالملک ملعون دستور داد تا امام باقر علیه السلام را به زندان افکندند و پس از مدتی آن حضرت را به همراه کاروانی به مدینه اعزام نمودند اما به شهرها و قصبات بین راه «بین شام تا مدینه» دستور دادند تا بازارها را به روی آن حضرت ببندند و خوردنی و آشامیدنی به آن حضرت و اصحاب آن حضرت ندهند.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام و اصحاب آن حضرت وقتی به شهر مدین رسیدند «شهر حضرت شعیب» مردم شهر در راه به روی آن‌ها بستند و آنگاه اصحاب آن حضرت از گرسنگی و تشنگی شکایت نمودند.

پس از این ماجرا بود که وجود مبارک امام باقر علیه السلام بر روی کوهی که مشرف به شهر مدین بود تشریف برده و با صدای بلند اهل شهر مدین را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

يا اهل المدينة الظالم اهلها انا بقیة الله، يقول الله تعالى «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» -  
 (آیه ۸۶، سوره هود)، یعنی:

ای اهل شهری که مردمش ستمکارند،

من بقیة الله هستم که خداوند متعال می فرماید:

بقیة الله برای شما بهتر است اگر ایمان دارید.

در همین حال مرد سالخورده‌ای از اهل مدین نزد مردم شهر آمد و به آن‌ها گفت: به خدا قسم که این ندا و دعوت همان ندا و دعوت حضرت شعیب می باشد، و به خدا قسم اگر درب بازارها را به روی این مرد «یعنی امام باقر علیه السلام» باز نکنید گرفتار عذاب الهی خواهید شد و آنگاه مردم شهر مدین درب بازار را به روی آن حضرت و اصحابش گشودند.<sup>۱</sup>

۳. مادر گرانقدر امام رضا علیه السلام حضرت نجمه علیها سلام می فرماید:

وقتی فرزندم علی را حامله بودم سنگینی حمل را حس نمی کردم و همواره از شکم

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۷۵ تا ۳۷۷، حدیث ۵ «حدیث ۱۲۷۱».

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۵۴۷، حدیث ۱۹۱ «حدیث ۴۷۹۶».

خودم صدای تسبیح و تهلیل و تحمید «سُبْحَانَ اللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ...» می شنیدم تا اینکه علی بن موسی الرضا علیه السلام را وضع حمل نمودم و به محض وضع حمل، فرزندم دو دستش را بر روی زمین نهاده و سرش را رو به آسمان بلند نموده و مشغول ذکر و دعا و حمد و ثنای الهی شد.

حضرت نجمه سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
در همین حال پدر فرزندم، موسی بن جعفر سلام الله علیه وارد شد و به من فرمود:

ای نجمه:

این کرامت خداوند متعال بر تو مبارک باد، و آنگاه وجود مقدس امام کاظم سلام الله علیه فرزندش علی بن موسی را در آغوش گرفته و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفته و سپس فرزندم را به من بازگردانده و به من فرمود:

ای نجمه:

فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ، يَعْنِي:

وجود مقدس علی بن موسی الرضا علیه السلام بقیة الله در روی زمین هستند.<sup>۱</sup>

۴. احمد بن اسحاق بن سعد اشعری می گوید:

خدمت امام عسکری سلام الله علیه شرفیاب شدم تا از آن حضرت سؤالی را بپرسم لیکن قبل از اینکه سؤال را مطرح نمایم وجود مقدس امام عسکری صلوات الله و سلامه علیه به من فرمود:

ای احمد بن اسحاق:

خداوند متعال از زمان حضرت آدم تاکنون زمین را خالی از حجت نگذاشته و تا روز قیامت نیز هیچ گاه زمین خالی از حجت خداوند متعال نخواهد بود، و به خاطر حجت خدا است که خداوند متعال بلا را از اهل زمین دفع می کند و باران را می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۱۹۲ «حدیث ۴۷۹۷».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب سوم، زمان ولایت امام رضا علیه السلام، صفحه ۳۷ و ۳۸، حدیث ۲.

احمد بن اسحاق می گوید:

خدمت امام عسکری علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

امام مسلمین و جانشین شما پس از شما چه کسی است.

احمد بن اسحاق نقل می کند که:

پس از این سؤال من، وجود مقدس امام عسکری علیه السلام از جای خود بلند شده و داخل خانه شدند و پس از لحظاتی بازگشتند در حالی که کودکی حدوداً سه ساله را به همراه داشتند که صورت او مانند ماه شب چهارده می درخشید و در این حال وجود مقدس امام عسکری علیه السلام به من فرمود:

ای احمد بن اسحاق:

اگر نزد خداوند تبارک و تعالی و نزد حُجج خداوند متعال «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» گرامی نبودی هرگز این پسر را به تو نشان نمی دادم، و سپس وجود مقدس امام عسکری علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

فرزندم «یعنی امام زمان علیه السلام» هم نام و هم کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد «نام مبارک پیامبر اکرم محمد است و کنیه آن حضرت ابوالقاسم می باشد»، و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

احمد بن اسحاق می گوید:

خدمت امام عسکری عرض کردم:

ای مولای من، آیا علامت و نشانه ای هست که قلبم بدان مطمئن شود «به یقین من

افزوده شود».

احمد بن اسحاق می گوید:

در همین حال پسر سه ساله امام عسکری علیه السلام «یعنی امام زمان علیه السلام»

به زبان فصیح عربی فرمودند:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ، یعنی:



من بقیة الله در روی زمین هستم و انتقام گیرنده از دشمنان خدا می باشم.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم ما «امام زمان علیه السلام» منصور به رُعب است و مؤیّد به نصر «در دل دشمنان آن حضرت رُعب و وحشت انداخته می شود و خود آن حضرت مؤیّد به نصر و کمک خداوند متعال است»،

زمین برای آن حضرت درنور دیده می شود و گنج های خود را آشکار می کند، سلطنت و حکومت آن حضرت شرق و غرب عالم را فرا می گیرد، و خداوند متعال به وسیله آن حضرت دینش را «دین اسلام را» بر تمام ادیان دیگر غلبه می دهد «دین اسلام عالمگیر می شود»،

و عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می گذارد «حضرت عیسی علیه السلام به امام زمان علیه السلام اقتدا می کند».

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

قائم ما حضرت مهدی علیه السلام در حالی که به خانه کعبه تکیه زده اند و سیصد و سیزده نفر گرد آن حضرت جمع شده اند ظهور می فرمایند و خروج می کنند و نخستین سخن آن حضرت پس از قیام این آیه شریفه است:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - آیه ۸۶ سوره هود».

وجود مقدّس امام زمان سلام الله علیه پس از تلاوت این آیه شریفه «آیه ۸۶ سوره

هود» می فرمایند:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، یعنی:

وجود مقدّس امام زمان علیه السلام می فرمایند:

من بقیة الله هستم،

من حجّت خدا بر شما هستم،

من خلیفه خدا «جانشین خدا» بر شما هستم.

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۱۹۳ «حدیث ۴۷۹۸».

کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد دوّم، باب ۳۸، صفحه ۸۰، حدیث ۱.

امام باقر علیه السلام سپس فرمودند:

پس از این «پس از ظهور امام زمان سلام الله علیه» همه مردم اینگونه به آن حضرت سلام می گویند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

این حدیث شریف را محمد بن مسلم از وجود مبارک امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۶. وجود مقدس مولی الموحدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پاسخ به سؤالات یک فرد زندیق که یکی از سؤالاتش این بود که حُجج خداوند متعال چه کسانی هستند فرمود:

حجج خداوند متعال وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تعدادی از اصفیاء و برگزیدگان خداوند متعال هستند که خداوند سبحان اطاعت از آنها را در ردیف اطاعت خودش قرار داده و اطاعت از آنها را به همه مردم واجب فرموده است.

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: خداوند متعال اطاعت از آنها را به همه مردم واجب نموده و در حق آنها فرموده:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ - آیه ۵۹، سوره نساء»

فرد زندیق پرسید:

منظور از این امر چیست؟

وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

مقصود از امر آن چیزی است که ملائکه الهی با آن از جانب خداوند متعال نازل می شوند در شبی که در آن شب هر امری با حکمت الهی مقدر و معین می گردد.

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۹۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد سوم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۱۹۴ «حدیث ۴۷۹۹».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۲۴۶.

کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد اول، باب ۳۲، صفحه ۶۰۳، حدیث ۱۶.

«اشاره به سوره مبارکه قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و سوره مبارکه دخان «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ - فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» می باشد که در شب قدر ملائکه الهی خدمت امام معصومی که در آن زمان در قید حیات می باشد نازل شده و مقدرات مردم را خدمت آن امام معصوم و آن حجت خدا عرضه می نمایند».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سپس فرمودند:

این حُجج خداوند متعال که ملائکه الهی به دستور خداوند متعال خدمتشان نازل می شوند «در شب مبارک قدر» و مقدرات مردم را به آن بزرگواران عرضه می دارند اینها بقیة الله می باشند،

و حضرت مهدی بقیة الله است که در پایان و در انقضای این مهلت خواهد آمد «پس از غیبت ظهور خواهد فرمود» و زمین را پر از قسط و عدل خواهد نمود پس از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد.

ذیل آیات شریفه سوره مبارکه قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» در رابطه با شب قدر و نزول ملائکه الهی در آن شب مبارک به محضر مقدّس ائمه معصومین علیهم السلام توضیحات کامل و جامعی ارائه شده است.<sup>۱</sup>

۷. وجود مقدّس امام زمان حضرت مهدی سلام الله علیه در پاسخ به سؤالات محمّد حمیری، طی نامه ای مرقوم فرمودند:

هر گاه خواستید به وسیله ما به خداوند متعال و به سوی ما توجه کنید این زیارت را بخوانید و بگوئید:

سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس،

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ،

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ،

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ،

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۱۹۵ «حدیث ۴۸۰۰».  
احتجاج طبرسی، جلد اوّل، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر فرد زندق.  
صفحه ۵۲۹ تا ۵۷۸ «صفحه ۵۶۲ و ۵۶۳»، حدیث ۱۳۷.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ، یعنی:

طبق دستور امام زمان سلام الله عليه آن حضرت را اینگونه زیارت کرده و به محضر مقدّس و مبارک آن امام همام عرض می کنیم:

سلام بر آل یس،

سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خداوند متعال و عارف و آگاه به آیاتش،

سلام بر تو ای باب خداوند متعال «سلام بر تو ای واسطه و راه وصول به حقّ و رفتن و تقرّب یافتن به سوی خداوند متعال»، و حافظ و نگهبان دین خدا «سرپرست دین خدا»،

سلام بر تو ای خلیفه خدا «جانشین خدا» و یاور و یاری کننده حقّ او،

سلام بر تو ای حجتّ خداوند متعال «حجتّ خداوند متعال بر مخلوقات خدا»،

و راهنمای اراده خدا،

سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا «تلاوت کننده قرآن کریم» و تفسیر کننده آیات شریفه آن،

سلام بر تو در تمام ساعات و لحظات شب و روز.

و آنگاه خدمت آن وجود مقدّس و نازنین عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، یعنی:

سلام بر تو ای بقیة الله در زمین خداوند متعال، یعنی:

سلام بر تو ای به جای مانده از طرف خداوند متعال در روی زمین، یعنی:

سلام بر تو ای آخرین ذخیره خداوند متعال که با ظهور خویش اسلام را عالمگیر خواهی نمود و زمین را پر از عدل و داد خواهی کرد و انتقام خون اجداد طاهرين خودت را از دشمنانتان خواهی گرفت.

این زیارت شریف که به زیارت آل یس معروف می باشد در مفاتیح الجنان نیز

آمده است.<sup>۱</sup>

۸. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام محضر آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ،

وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ،

وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ،

وَالذَّادَةَ الْحُمَاةِ،

وَأَهْلَ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ،

وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ، یعنی:

سلام بر شما معصومین علیهم السلام که:

امامان دعوت کننده مردم به سوی حق هستید،

و هادیان و زمامداران خلق به سوی سعادت می باشید،

و ولایت بر مردم دارید،

و طردکنندگان اعداء و دشمنان، و حمایت کنندگان دوستان و شیعیان هستید،

و اهل ذکر هستید، و صاحب امر می باشید یعنی اولی الامر هستید و معنی اولی الامر،

مفترض الطاعة بودن است «برای اهل ذکر بودن ائمه علیهم السلام ذیل آیه ۴۳ سوره

نحل که خداوند متعال می فرماید:

فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ...، توضیحات لازم ارائه شده است»،

و شما ذوات مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام:

بقیة الله هستید،

و برگزیده و انتخاب شده خداوند متعال و حزب خدا «حزب الله» و خزانة و

صندوق علم خداوند متعال و حجت خداوند متعال و صراط مستقیم خداوند متعال

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوم، توقیعاتی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده است، صفحه

۶۴۳، حدیث ۳۵۸.

می‌باشید، بنابراین:

معنی این آیه شریفه «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ - آیه ۸۶، سوره هود» این است که:

خداوند متعال می‌فرماید:

ای مردم:

آنچه که خداوند متعال برای شما باقی گذاشته است بهتر است، اگر ایمان داشته باشید، یعنی:

فهمیدن این مهم و این حقیقت مشروط به داشتن ایمان است،

یعنی:

اگر ایمان داشته باشیم می‌توانیم به این حقیقت مهم پی ببریم که: آنچه که خداوند متعال برای ما باقی گذاشته بهتر است.

آمدن کلمه و جمله بقیة الله در زیارت جامعه کبیره اشاره به این است که خداوند متعال بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ائمه معصومین علیهم السلام را برای راهنمایی خلق باقی گذاشته تا زمین از حجت خدا خالی نباشد، زیرا همه خیرات و برکاتی که به مردم می‌رسد فقط و فقط به خاطر ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد و در روایات است که:

لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، یعنی:

اگر حجت خداوند متعال در روی زمین نباشد زمین اهلس را به خود فرو می‌برد، بنابراین:

بقای زمین به وجود حجت خداوند متعال در روی زمین می‌باشد، همچنین:

در حدیث آمده است که:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ، یعنی:

حجت خداوند متعال قبل از همه مخلوقات بوده، و همزمان با مخلوقات بوده و

بعد از مخلوقات هم خواهد بود، لذا:

آخرین انسانی که از دنیا می‌رود حجت خداوند متعال می‌باشد تا زمین بدون حجت نباشد،

یعنی بعد از حجت خدا مخلوقی نخواهد بود، و لذا انقراض عالم وجود مساوی است با مرگ حجت خدا.

علامه درودآبادی در معنی بقیة الله عنوان نموده که:

بقیة الله به معنی کسی است که قبل از همه و بعد از همه موجود است و آن انوار محمد و آل محمد علیهم السلام هستند «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام»، و این معنا ذیل این قسمت از زیارت جامعه آمده که می فرماید:

بِكُمْ فَتَحَّ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ.

اگر در احادیث ذیل آیه مورد بحث «آیه ۸۶ سوره هود» و در زیارت شریف آل یس، وجود مقدس حجت بن الحسن المهدی صلوات الله و سلامه علیه بقیة الله نامیده شده و همه مردم بعد از ظهور آن حضرت به آن حضرت با عنوان بقیة الله عرض سلام می نمایند به این جهت است که:

وجود مبارک امام زمان علیه السلام آخرین حجت خداوند متعال و آخرین ذخیره الهی می باشد که خداوند متعال آن حضرت را برای راهنمایی و هدایت خلق باقی گذاشته تا به وسیله آن حضرت اهدافی را که انبیاء الهی و ائمه معصومین علیهم السلام به دنبال آن بودند محقق نماید، یعنی:

بقیة الله الاعظم امام زمان سلام الله علیه که آخرین ذخیره الهی هستند با ظهور خویش اسلام را عالمگیر خواهد فرمود و بساط شرک و کفر و نفاق برچیده خواهد شد و زمین پر از عدل و قسط خواهد گردید.<sup>۱</sup>

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی صفحه ۱۹۹ تا ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۵۳۲ و ۵۳۳.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۲۸۸.





## «سوره یوسف»

آیه ۱۵ سوره یوسف:

«فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ وَوَحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ».

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که برادران حضرت یوسف او را با خود بردند و تصمیم گرفتند حضرت یوسف را در مخفیگاه چاه قرار دهند ما به او وحی کردیم که برادرانت را در آینده از این کارشان مطلع خواهی ساخت در حالی که آنها نمی دانند «در حالی که آنها تو را نمی شناسد»<sup>۱</sup>.

### شرح لغات و توضیحات:

جُبٌّ = چاه «چاهی که بدنه و اطراف آن سنگ چین نشده باشد»؛

غِيَابَةٌ = مخفیگاه داخل چاه که از نظرها پنهان است.

معمولاً در چاه‌های مناطق بیابانی در قعر چاه و نزدیک سطح آب و در بدنه داخل چاه محل کوچک طاقچه ماندی درست می کردند که اگر کسی به پایین چاه و به قعر چاه می رفت می توانست روی آن بنشیند و ظرفی را که به همراه داشت پر از آب

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۰۴ - ۴۰۶.

نماید بدون اینکه خودش داخل آب شود.

طبعاً وقتی از بالای چاه نگاه شود این محل درست پیدا نیست.<sup>۱</sup>

حضرت یعقوب دوازده پسر داشت که کوچکترین آنها یوسف و بنیامین نام داشتند که از یک مادر بودند و مادر آنها راحیل نام داشت که از دنیا رفته بود «طبق بعضی از نقل‌ها».

حضرت یعقوب نسبت به این دو پسر و مخصوصاً نسبت به حضرت یوسف محبت بیشتری نشان می‌داد، زیرا:

این دو پسر کوچکترین فرزندان حضرت یعقوب بودند و طبعاً نیاز به حمایت و محبت بیشتری داشتند،

همچنین به علت نداشتن مادر به محبت بیشتری نیاز داشتند، ضمن اینکه در چهره و رفتار حضرت یوسف آثار و علائمی نمودار بود که او را از دیگران ممتاز می‌نمود. همین ابراز علاقه و ابراز محبت حضرت یعقوب به این دو برادر و مخصوصاً به حضرت یوسف باعث حسادت سایر برادران شد و لذا تصمیم گرفتند که حضرت یوسف را از بین ببرند و یا کاری کنند که او از حضرت یعقوب دور شود.

برادران حضرت یوسف برای اینکه طرح خود را عملی نمایند به نزد پدرشان حضرت یعقوب رفته و از او خواستند تا اجازه بدهد تا یوسف را جهت گردش و تفریح با خودشان به صحرا ببرند و نهایتاً موفق شدند اجازه حضرت یوسف را از پدرشان حضرت یعقوب گرفته و او را با خودشان به صحرا ببرند.

برادران حضرت یوسف وقتی او را به صحرا بردند او را به داخل چاه انداختند «در مخفیگاه چاه قرار دادند» که در آیه ۱۵ سوره یوسف و آیات بعد به آن اشاره شده که ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۵ سوره یوسف» می‌فرماید:

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ = هنگامی که برادران حضرت یوسف او را با خودشان به صحرا بردند و به اتفاق آراء تصمیم گرفتند تا او را داخل مخفیگاه

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۸۶ «ذیل آیه ۱۰ سوره یوسف».  
مفردات راغب.

چاه قرار دهند.

جواب جمله محذوف است، یعنی:

برادران حضرت یوسف آنچه را که قصد داشتند انجام دادند، یعنی حضرت یوسف را داخل مخفیگاه چاه گذاشتند.

قابل ذکر است که:

نقشه برادران یوسف ابتدا این بود که می‌خواستند او را بکشند لیکن به پیشنهاد بعضی از برادران تصمیمشان عوض شد و قرار بر این شد تا او را داخل چاه و در مخفیگاه چاه بگذارند «به جای پرتاب کردن داخل چاه» تا یوسف کشته نشود، بلکه به دست افراد یکی از کاروان‌های عبوری بیفتد و زنده بماند.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ = در این هنگام «زمانی که حضرت یوسف داخل چاه بود» به حضرت یوسف وحی کردیم و او را دلداری دادیم و به حضرت یوسف فرمودیم که:

غم مخور و ناراحت نباش، زیرا:

روزی فرا می‌رسد که برادرانت را از نقشه شومی که بر علیه تو کشیده‌اند آگاه خواهی ساخت در حالی که آن‌ها تو را نمی‌شناسند.

این قسمت از آیه شریفه اشاره به زمانی است که حضرت یوسف در مصر به قدرت رسیده و در اوج عزت و اقتدار است و برادرانش در نهایت تواضع و فروتنی خدمت حضرت یوسف آمده‌اند تا در آن قحط‌سالی از برادر خویش کمکی دریافت کنند در حالی که آن‌ها حضرت یوسف را نمی‌شناختند لیکن حضرت یوسف برادرانش را می‌شناخت.

قابل ذکر است که:

زمانی که حضرت یوسف توسط برادرانش در داخل چاه قرار گرفت هفت سال یا نه سال سن داشته است، و در بعضی از اقوال آمده که دوازده سال سن داشته است. برخی از مفسرین معتقدند که:

وقتی که داخل چاه به حضرت یوسف وحی شد این وحی الهی وحی نبوت بوده

همچنان که به حضرت عیسی و یحیی نیز در زمان کودکی وحی می‌شد.  
برخی از مفسرین نیز معتقدند که:

این وحی الهامی از جانب خداوند متعال به حضرت یوسف بود تا باعث آرامش خیال او شود و بداند که خداوند متعال حافظ و نگهبان او است.<sup>۱</sup>

دو یا سه روز پس از قرار گرفتن حضرت یوسف در داخل چاه کاروانی که از آن محل عبور می‌کرد به نزدیک آن چاه آمد و فردی از افراد کاروان دَلُو خویس را داخل چاه نمود تا آب تهیه نماید، و در همین حال وقتی حضرت یوسف دَلُو را دید آن را گرفت و وقتی فرد مأمور تهیه آب دَلُو را بالا کشید با کمال تعجب مشاهده کرد که کودک و یا یک نوجوان زیبایی به دَلُو چسبیده و بالا آمده است.

اینکه حضرت یوسف در داخل چاه چه دعایی کرد و خداوند متعال را به چه افرادی سوگند داد که خداوند متعال اینگونه او را حفظ کرد و نجات داد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

داستان حضرت یوسف در سوره یوسف به طور مفصل بیان شده لیکن خلاصه داستان این است که:

وقتی افراد کاروان حضرت یوسف را از چاه بیرون آوردند او را همراه خودشان به مصر بردند و در معرض فروش قرار دادند و عزیز مصر «همسر زلیخا» او را خرید و به منزل برد و به زلیخا سفارش کرد تا از یوسف به خوبی نگهداری کند.

حضرت یوسف در منزل عزیز مصر زندگی می‌کرد و رشد می‌نمود تا به حدّ رشد رسید و جوان بالغی گردید و در همین حال زلیخا «همسر عزیز مصر» دل‌باخته او شد و خواست تا با یوسف ارتباط برقرار نماید لیکن حضرت یوسف از این کار امتناع نمود و نهایتاً عزیز مصر و زلیخا تصمیم گرفتند تا او را به زندان بیندازند تا مردم خیال کنند که یوسف گنهکار بوده نه همسر عزیز مصر.

به هر حال حضرت یوسف به زندان انداخته شد «در باره سال‌های زندان حضرت یوسف مطالب مختلفی گفته شده است، لیکن هفت سال و به قول بعضی دوازده سال حضرت یوسف در زندان بوده است»، و زمانی که در زندان بود با دو جوان از غلامان

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۶۷، ۳۸۲، ۳۸۳، ۴۰۶، ۴۰۷.

دربار آشنا شد که آن‌ها نیز زندانی شده بودند و خواب آن دو جوان را تعبیر نمود و به یکی از آن‌ها گفت که به زودی به دار خواهد شد و اعدام خواهد گردید و به دیگری گفت که به زودی از زندان آزاد خواهد شد و به پیاله‌گردانی در دربار شاه مشغول خواهد شد «ساقی شدن در دربار و شراب دادن به شاه و درباریان».

پس از گذشت چند سال از زندانی شدن حضرت یوسف و پس از گذشت مدتی از آزاد شدن ساقی و پیاله‌گردان شاه و دربار، فرعون مصر «پادشاه مصر» خوابی دید و چون هیچ کس قادر به تعبیر خواب او نبود لذا با راهنمایی ساقی و پیاله‌گردان دربار که یوسف را می‌شناخت و در زندان با او آشنا شده بود و می‌دانست که یوسف تعبیر خواب می‌داند، به همین جهت حضرت یوسف را از زندان بیرون آوردند تا خواب فرعون مصر را تعبیر نماید.

به هر حال حضرت یوسف خواب فرعون مصر «شاه مصر» را تعبیر نمود و نهایتاً حضرت یوسف توسط فرعون مصر عزیز مصر شد، و این لقب «عزیز مصر» به کسی اختصاص پیدا می‌کرد که به سمت صدارت مصر منصوب می‌شد، یعنی وزیر پادشاه.

اینکه حضرت یوسف در زندان چه دعایی کرد و به چه افرادی توسل نمود و خداوند متعال را به آن‌ها سوگند داد تا خداوند متعال او را از زندان نجات دهد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) سوره مبارکه یوسف ۱۱۱ آیه دارد و تمام آیات این سوره جز چند آیه‌ای که در آخر سوره آمده مربوط به حضرت یوسف بوده و خلاصه‌ای از زندگی او را بیان می‌فرماید.

نام یوسف ۲۷ مرتبه در قرآن کریم آمده که ۲۵ مرتبه آن در سوره یوسف می‌باشد و دو مورد دیگر در سوره‌های دیگر قرآن کریم آمده است «آیه ۸۴ سوره انعام و آیه

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۲۶، «ذیل آیه ۹۳ تا ۱۰۲ سوره یوسف».  
تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۱۹ تا ۴۲۴ - ۴۷۷.

۳۴ سوره غافر».

محتوای سوره یوسف برخلاف اکثر سوره‌های قرآن کریم همگی به هم پیوسته می‌باشد و داستان زندگی حضرت یوسف را بیان می‌فرماید.

ب) وقتی که حضرت یوسف در زندان بود فرعون مصر «پادشاه مصر» فردی بود به نام ولید بن ریّان یا ریّان بن ولید.

عزیز مصر لقبی بود که فرعون مصر به کسانی می‌داد که سمت وزارت پادشاه مصر را بر عهده داشتند.

عزیز مصر در زمان ولید بن ریّان «فرعون مصر» فردی بود به نام قطفیر یا اطفیر، و همسر عزیز مصر زنی بود به نام زلیخا.

ج) وقتی که حضرت یوسف خواب فرعون مصر را تعبیر نمود لقب عزیز مصر به او اختصاص یافت و حضرت یوسف فرمانروای مصر و عزیز مصر شد.

د) اینکه حضرت یوسف در چاه و در زندان به چه ذوات مقدّسه‌ای متوسّل شد و خداوند متعال را به چه افراد مقدّس و گرانقدری سوگند داد تا خداوند متعال او را از چاه و زندان نجات داد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام فرمودند:

وقتی که برادران حضرت یوسف او را داخل چاه قرار دادند جبرئیل علیه‌السّلام بر حضرت یوسف نازل شد و به او گفت:

ای پسر:

چه کسی تو را در چاه قرار داد.

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۱۸۶.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۵۳۰.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۴۹ - ۴۹۸.

حضرت یوسف به جبرئیل گفت:

برادرانم مرا داخل چاه قرار دارند، زیرا به خاطر منزلتی که من نزد پدرم داشتم آنها به من حسد می‌ورزیدند.

جبرئیل به یوسف گفت:

آیا می‌خواهی از چاه بیرون بیایی.

حضرت یوسف به جبرئیل گفت:

با خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب است که اگر بخواهد مرا نجات خواهد داد «حضرت یوسف فرزند حضرت یعقوب، و او فرزند حضرت اسحاق و او نیز فرزند حضرت ابراهیم بود».

جبرئیل علیه‌السلام به یوسف گفت:

خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب می‌فرماید که این کلمات را بگو و اینگونه دعا کن تا نجات پیدا کنی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَتَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ،

یعنی:

خداوندا،

ای خداوندی که حمد و ستایش مخصوص تو است و معبودی جز تو نیست،

ای خالق آسمان‌ها و زمین،

ای صاحب جلالت و بزرگواری:

از تو مسئلت می‌کنم و درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام درود بفرستی و از آنچه که در آن هستم برای من گشایش و فرج قرار دهی و از جایی که گمان دارم یا ندارم روزی و رزقم بدهی،

و پس از این دعا بود که خداوند متعال حضرت یوسف را از داخل چاه نجات داد و او را فرمانروای مصر نمود.<sup>۱</sup>

### توضیح:

این حدیث شریف به دو طریق از امام صادق علیه السلام نقل شده است یعنی: هم ابو سیار این حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل نموده است، و هم فردی به نام مسمع.

۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام در زندان بود خداوند متعال به او وحی نموده و به وی فرمود:

ای پسر یعقوب، اینگونه دعا کن «تا خداوند متعال تو را از زندان نجات دهد»، و به خداوند متعال عرض کن:

ای بزرگ همه بزرگ‌ها،

ای کسی که شریک و هم‌تا نداری،

ای خالق خورشید و ماه،

ای درهم کوبنده ظالمین و ستمگران،

ای بی‌نیازکننده نیازمندان:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَ مَخْرَجًا،

وَ تَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۱۷۶ - ۱۷۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۵۲۸ - ۵۲۹.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۴۸، حدیث ۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۹۷، حدیث ۲۲ «حدیث ۴۸۸۴».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۹۸، حدیث ۲۳ «حدیث ۴۸۸۵».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۱۴.



خداوندا:

از تو درخواست می‌کنم که:

به حقّ محمد و آل محمد علیهم‌السّلام در کار من گشایش و فرج قرار دهی  
«مشکل مرا مرتفع نمایی».

و از آنجایی که گمان دارم و ندارم به من روزی بدهی.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمود:

وقتی حضرت یوسف اینگونه دعا کرد خداوند متعال نیز دعای حضرت یوسف را  
اجابت نمود و او را از زندان نجات داد.

این حدیث شریف را اسحاق بن یسار از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام نقل  
نموده است.<sup>۱</sup>

---

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۵۹، حدیث ۵۵.  
تفسیر نورالقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۰۹، حدیث ۲۱۲ «حدیث ۵۰۷۴».

### آیه ۱۰۸ سوره یوسف:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...».

#### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

به مردم بگو:

این راه من است که من و پیروانم با بصیرت و آگاهی کامل همه مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می کنیم «روش من و پیروانم این است که با بصیرت و بینایی کامل مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می کنیم».<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

سَبِيلٌ = طریق و راهی که آماده برای رفتن است، و دین اسلام طریق و راهی است که انسان را به بهشت می رساند، راه حق،

جمع سَبِيلٌ می شود سُبُلٌ،

بَصِيرَةٌ = آگاهی، دلیل، حجت، برهان؛

تَبِعْتِ = پیروی.<sup>۲</sup>

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۰۸ سوره یوسف» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور می دهد که:

ای پیامبر:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي = این است راه و طریقه من

أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ = که همه مردم را به سوی ایمان محض و توحید خالص دعوت می کنم آن هم دعوتی که با بصیرت و آگاهی کامل صورت می گیرد و از روی یقین می باشد و با دلایل و براهین قاطع و محکم همراه می باشد.

۱. تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۱۶.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۵۹۸.

۲. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۳۰۹.

أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِي = یعنی هم من شما را به طرف خدا و دین خدا دعوت می‌کنم، و هم کسانی که به من ایمان آورده و از من تبعیت و پیروی می‌کنند شما را به طرف خدا و دین خدا دعوت می‌کنند.

طبق این آیه شریفه هر مسلمانی که پیرو و تابع پیامبر اکرم می‌باشد و از آن حضرت تبعیت می‌نماید به نوبه خود دعوت‌کننده مردم به سوی خداوند متعال و دین حق «دین اسلام» می‌باشد و باید با گفتار و کردار خود یعنی با حرف و عمل خویش «با قول و فعل خویش» مردم را به طرف خدا و دین خدا دعوت نماید، و به عبارت دیگر: مقصود از أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِي این است که می‌خواهد بفرماید:

بار این دعوت تنها به دوش من «یعنی پیامبر اکرم» نیست بلکه تمام افرادی نیز که از من تبعیت می‌کنند این وظیفه را به عهده دارند، و در واقع این قسمت از آیه شریفه دعوت به سوی خدا را تعمیم و توسعه داده و می‌فهماند که:

بار این دعوت «دعوت مردم به سوی خدا و به سوی دین حق» فقط به دوش پیامبر اکرم نمی‌باشد. گرچه از ظاهر آیه شریفه این توسعه و تعمیم فهمیده می‌شود لیکن به نظر می‌رسد که شرکت دادن پیروان با این عمومیت مد نظر نباشد، زیرا:

سبیلی که در این آیه شریفه آمده دعوت به سوی ایمان محض و توحید خالص می‌باشد آن هم دعوتی که همراه با بصیرت و یقین کامل می‌باشد، لذا:

در چنین سبیلی تنها کسانی شرکت دارند که:

۱. خودشان در دین خدا خالص و مخلص باشند.

۲. عالم به مقام ربّ العالمین باشند.

۳. دارای بصیرت و آگاهی باشند

۴. دارای یقین باشند، بنابراین:

این مقام شامخ «دعوت مردم به سوی خدا با بصیرت و یقین کامل» مقامی نیست که مومنینی که خداوند متعال آن‌ها را در آیه ۱۰۶ همین سوره مشرک خوانده «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» به آن نائل شوند، بنابراین:

گرچه هر مسلمانی که پیرو و تابع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد به نوبه خود دعوت‌کننده مردم به سوی خداوند متعال و دین حق می‌باشد و باید با

گفتار و کردار خویش «حرف و عمل خویش» مردم را به راه الله دعوت نماید، لیکن این آیه شریفه «آیه ۱۰۸ سوره یوسف» مصادیق اتمّ و اکملی دارد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد، یعنی:

دعوت کنندگان مردم به سوی حقّ و هدایت کنندگان مردم به سوی خداوند متعال و دین خداوند متعال که در عین تبعیت از پیامبر اکرم خودشان در دین خدا خالص و مخلص می باشند و در اعلی درجه عالم به مقام ربّ العالمین هستند و در یقین کامل بوده و در عالی ترین درجه بصیرت و آگاهی می باشند ائمه معصومین علیهم السّلام هستند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي - آیه ۱۰۸، سوره یوسف» فرمودند:  
 ذَاكَ رَسُولَ اللَّهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِمْ، یعنی:  
 دعوت کنندگان مردم به سوی خدا و دین خدا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و اوصیاء بعد از آن حضرت «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» می باشند.  
 این حدیث را سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. علی بن حسان می گوید:

خدمت امام جواد علیه السّلام عرض کردم:

۱. المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۱۵۱.

مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۳۱۰.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۱۷.

۲. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۲۹۷، حدیث ۶۶ «حدیث ۱۱۴۵».

المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۱۵۶ - ۱۵۷.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۰۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۶۷، حدیث ۱.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۷۲۳، حدیث ۲۳۸ «حدیث ۵۱۰۰».

یابن رسول الله:

مردم کم سن و سال بودن شما را در امر امامت به شما ایراد می گیرند.  
وجود مبارک امام جواد علیه السلام فرمودند:

مردم به چه چیزی اعتراض دارند و چه چیزی را انکار می کنند در حالی که این  
فرمایش خداوند متعال به پیامبر اکرم می باشد که به آن حضرت دستور می دهد که  
ای پیامبر:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي.

وجود مبارک امام جواد علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
به خدا سوگند:

غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه  
و آله و سلم پیروی و تبعیت نکرد و در آن زمان حضرت علی علیه السلام نه سال از  
عمر مبارکشان می گذشت و من نیز نه سال سن دارم.<sup>۱</sup>

### توضیح:

عین این حدیث را علی بن اسباط نیز از وجود مقدس امام جواد علیه السلام نقل  
نموده است، ضمن اینکه از امام هادی علیه السلام نیز نظیر این حدیث نقل شده  
است.<sup>۲</sup>

۳. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا  
إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي - آیه ۱۰۸، سوره یوسف» فرمودند:  
منظور این آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است،

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۲۳، حدیث ۸ «حدیث ۹۹۳».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۰۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۶۷، حدیث ۲.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۷۲۵، حدیث ۲۳۹ «حدیث ۵۱۰۱».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۶۹، حدیث ۷.

و آن حضرت اولین کسی بود که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و رسالت آن حضرت را تصدیق نمود. این حدیث شریف را ابو عمرو زبیری از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي - آیه ۱۰۸، سوره یوسف» فرمودند: مقصود از مَنْ اتَّبَعَنِي در این آیه شریفه وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و آل محمد علیهم السلام می باشند «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام». این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

این حدیث را اسماعیل جعفری نیز از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup> ۵. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام به محضر آن بزرگواران عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، یعنی:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السلام که دعوت کنندگان مردم به سوی خداوند متعال هستید.

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ، یعنی:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السلام که دعوت کنندگان مردم به سوی خداوند متعال می باشید.

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۵۷.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۳.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۲۷، حدیث ۲۴۳ «حدیث ۵۱۰۵».

۳. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۶.

دُعَاة جمع داعی است و داعی یعنی دعوت کننده.

باید گفت که داعی الی الله «دعوت کننده مردم به سوی خداوند متعال» غیر از معصوم شخص دیگری نمی تواند باشد، زیرا:

غیر معصوم هر کس که می خواهد باشد کم و بیش تابع نفس اماره است و در معرض خطا و لغزش می باشد لذا در دعوت مردم به سوی خداوند متعال صد درصد خالص و مخلص نیست، لیکن معصوم چون دارای مقام عصمت می باشد به همین جهت از متابعت هوای نفس برکنار است و جز رضای خدا را نمی طلبد لذا در دعوت مردم به سوی خداوند متعال به طور قطع و مسلم خالص و مخلص می باشد و هیچگونه شائبه خطا و لغزش و اشتباه در آن راه ندارد، بنابراین:

تخصیص دادن دعوت مردم به سوی خداوند متعال به ائمه معصومین علیهم السلام اشاره به این نکته دارد که:

دعوت کنندگان حقیقی فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السلام هستند و لاغیر، چرا که خداوند متعال آن ها را به عنوان خلیفه خویش و حجت خویش برگزیده و به آن ها مقام عصمت اعطا فرموده و مقام امامت را به آن ها اختصاص داده تا مردم را به سوی خداوند متعال دعوت نموده و به صراط مستقیم الهی هدایت فرمایند، لذا:

دعوت کنندگان حقیقی فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السلام هستند «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» و دیگران دعوت کنندگان مجازی می باشند، یعنی:

کسانی که اوامر و نواهی ائمه معصومین علیهم السلام را به مردم ابلاغ می کنند و مردم را به سوی خداوند متعال و به سوی ائمه معصومین علیهم السلام دعوت می کنند «دعوت مردم به پذیرش امامت و ولایت آن ذوات مقدسه» آن ها نیز دعوت کنندگان مردم به سوی حق هستند لیکن آن ها دعوت کنندگان مجازی می باشند چرا که دعوت کننده حقیقی مردم به سوی خدا فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السلام هستند و این مأموریت از جانب خداوند متعال فقط به آن ها محوّل شده و پیروان آن ها نیز به تبعیت از آن ها مردم را به سوی حق دعوت می کنند، یعنی فرمایشات آن بزرگواران را به مردم ابلاغ می کنند.

در قسمت دیگری از زیارت نورانی جامعه کبیره هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السّلام به آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم:

إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ، یعنی:

شما ائمه معصومین علیهم السّلام مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می‌کنید و مردم را به سوی حق دلالت می‌فرمائید.

قابل ذکر است که:

عَلَيْهِ تَدْلُونَ، یعنی:

شما ائمه معصومین علیهم السّلام مردم را به سوی خداوند متعال دلالت و راهنمایی می‌کنید که ظاهراً این معنی شبیه به معنی إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ می‌باشد، لیکن مقام دلالت با دعوت تفاوت دارد، زیرا:

دعوت فقط به گفتن است،

اما دلالت ارائه طریق را نیز شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۹، ۳۸۶، ۳۸۷.



## «سوره رعد»

آیه ۷ سوره رعد:

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ، إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ».

ترجمه:

آن‌هایی که کافر شدند «یعنی کفار» می‌گویند:  
چرا آیه و نشانه‌ای «معجزه‌ای» از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل نشده  
«نمی‌شود»،

سپس خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:  
تو فقط انذارکننده و بیم‌دهنده هستی «ترساندن مردم از نافرمانی خدا»، و برای هر  
گروهی هدایت‌کننده‌ای است.<sup>۱</sup>

شرح لغات و توضیحات:

انذار = بیم دادن، خبری که همراه با ترساندن باشد، ترساندن؛  
مُنذِر = اسم فاعل است یعنی بیم‌دهنده، ترساننده؛  
هادی = هدایت‌کننده، راهنمایی‌کننده، ارشادکننده.  
این آیه شریفه متعرض گفتار کفار است و گفتار آن‌ها را رد می‌کند.  
در واقع این آیه شریفه به ایرادات کفار و مشرکین لجوج درباره نبوت پاسخ داده

۱. تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۵۴.

و گفتار آن‌ها را رد می‌کند

در این آیه شریفه آمده است که:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ = كَفَّار و مشرکین می‌گویند:

چرا معجزه‌ای از ناحیه پروردگارش به او نازل نشده است، یعنی:

چرا معجزه‌ای از ناحیه خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل نشده «نمی‌شود».

با اینکه طی ۲۳ سال رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ده‌ها و صدها معجزه توسط پیامبر اکرم صورت گرفت که شَقُّ الْقَمَرِ «دو نیمه شدن ماه» از نمونه‌های آشکار آن می‌باشد که در آیه اول و دوم سوره قَمَر به آن اشاره شده و پس از این معجزه بود که کَفَّار و مشرکین دو نیمه شدن ماه را سِحْرِ مستمر عنوان نمودند، و تعبیر به مستمر در آیه دوم سوره قَمَر «يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» اشاره به این دارد که کَفَّار و مشرکین لجوج معجزات مکرری از پیامبر اکرم دیده بودند که شَقُّ الْقَمَر ادامه آن معجزات بود، لذا کَفَّار و مشرکین همه آن‌ها را به تداوم سِحْر و جادو حمل می‌کردند و آن را سحری مستمر می‌پنداشتند، گرچه این تهمت‌ها بهانه‌ای بود به منظور عدم تسلیم در مقابل حق.

از معجزات دیگر پیامبر اکرم کنده شدن درخت از محلّ خودش و آمدن به خدمت پیامبر اکرم و سپس بازگشت به مکان اصلی خویش بود که در خطبه قاصعه نهج البلاغه به آن اشاره شده است و صدها معجزه دیگر.

قابل ذکر است که عالم و محدث بزرگوار شیخ حرّ عاملی در کتاب شریف «إثباتُ الهداةِ بالتَّصوُّصِ وَالْمُعْجِزَاتِ» صفحه ۱۹۴، ۱۹۵ و ۱۹۶ جلد دوم این کتاب شریف «حدیث ۷۱۸ و ۷۲۰» نقل نموده که:

ز مخشری در تفسیر کشاف و ابن شهر آشوب در کتاب مناقب عنوان نموده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حدود سه هزار معجزه داشته است. عالم بزرگوار شیخ حرّ عاملی در جلد اول و دوم کتاب اثبات الهداة به ده‌ها معجزه پیامبر اکرم اشاره نموده است.

انبیاء پیشین نیز معجزاتی داشته‌اند لیکن معجزات آن‌ها در زمان خودشان بوده و بعد از رحلت انبیاء الهی باقی نمانده است، یعنی:

آن معجزات فقط در همان زمان برای مردم همان زمان معجزه بوده نه برای مردمان آینده زیرا این معجزه برای همیشه ادامه نداشته است، مانند اژدها شدن عصای حضرت موسی و یا زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی، لیکن:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم علاوه بر صدها معجزه‌ای که در زمان حیات مبارکشان داشته‌اند معجزه باقیه‌ای مانند قرآن کریم دارند که برای همیشه و برای ابد معجزه می‌باشد.

ذیل آیه ۱۷، سوره هود «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ...» در رابطه با معجزه بودن قرآن کریم مطالبی بیان شده و به عرض رسیده که:

خداوند متعال می‌فرماید «در آیه ۸۸ سوره اسراء»،

اگر جنّ و انس جمع شوند نمی‌توانند نظیر قرآن را بیاورند،

همچنین خداوند متعال فرموده:

اگر می‌توانید ده سوره مانند سوره‌های قرآن کریم و یا حتی یک سوره مانند سوره‌های قرآن کریم را بیاورید «آیه ۱۳ سوره هود، آیه ۲۳ سوره بقره».

بنابراین:

در این آیه شریفه «آیه هفتم سوره رعد» صحبت از این است که کفّار و مشرکین لجوج و عنود معجزه بزرگ و عظیمی مانند قرآن کریم را کوچک شمرده و آن را به حساب نمی‌آوردند و می‌گفتند:

چرا پیامبر اکرم معجزه‌ای مانند معجزه پیامبران گذشته نمی‌آورد، مانند:

عصای حضرت موسی که تبدیل به اژدها شد،

و یا زنده کردن مرده توسط حضرت عیسی، و...، گرچه همانطور که عرض شد صدها معجزه توسط پیامبر اکرم صورت گرفت «غیر از معجزه باقیه آن حضرت که قرآن کریم می‌باشد» که یکی از آنها موضوع شَقُّ الْقَمَرِ می‌باشد که در آیه اوّل و دوّم سوره قمر و احادیث ذیل آن آیات شریفه به این معجزه اشاره شده است، لیکن:

مسئله این جا است که:

کفّار و مشرکین لجوج و گمراه حقیقتاً به دنبال این نبودند که با دیدن یک و یا دو معجزه به پیامبر اکرم ایمان بیاورند و مسلمان شوند، چرا که اگر واقعاً به دنبال این هدف

بودند بایستی پس از دیدن یک یا دو معجزه به آن حضرت ایمان می آوردند، بنابراین: این کفار و مشرکینی که در این آیه شریفه «آیه هفتم سوره رعد» مورد صحبت می باشند، عناصر لجباز و سرکشی بودند که به هیچ وجه قصد نداشتند به پیامبر اکرم ایمان بیاورند و پیشنهاد آن‌ها «ارائه مستمر معجزه توسط پیامبر اکرم» از روی لجبازی و عدم تسلیم در مقابل حق و استهزاء و تمسخر پیامبر اکرم بود. همانطور که عرض شد:

کفار و مشرکین بعد از هر معجزه‌ای که از پیامبر اکرم می دیدند طلب معجزه دیگری می کردند و اگر تا روز قیامت هم از جانب پیامبر اکرم برای آن‌ها معجزه می شد باز هم ایمان نمی آوردند همچنان که بسیاری از آن‌ها ایمان نیاوردند. در رابطه با درخواست مکرر کفار و مشرکین از پیامبر اکرم که معجزه‌ای به آن‌ها نشان بدهد در آیات دیگر قرآن کریم نیز صحبت به میان آمده است که از جمله آن‌ها آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء می باشد و در این آیات شریفه آمده که:

کفار و مشرکین به پیامبر اکرم می گفتند:

ما به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه:

از این سرزمین چشمه پر آبی برای ما خارج کنی، یا:

باغی از درختان خرما و انگور در اختیار تو باشد که جویبارها و نهرها در لابه لای درختانش به جریان بیندازی، یا:

قطعات آسمان را «سنگ‌های آسمانی را» بر سر ما فرود آوری، یا:

خدا و ملائکه را نزد ما بیاوری، یا:

خانه‌ای از طلا داشته باشی، یا:

به آسمان بروی، ولی هرگز به خاطر به آسمان رفتن تو به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه نامه‌ای برای ما بیاوری تا آن را بخوانیم.

بنابراین:

تقاضای مردم از پیامبر اکرم تا معجزه‌ای نشان بدهد دو حالت داشت:

۱. افرادی که به دنبال حقیقت بودند و واقعاً می خواستند مطمئن شوند که پیامبر

اکرم از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده است.

این افراد با دیدن یک معجزه ایمان می‌آوردند و مسلمان می‌شدند.

۲. افرادی که دارای حسن نیت نبوده و دنبال حقیقت نبودند و واقعاً معجزه را برای هدایت شدن خودشان نمی‌خواستند لذا هر روز از پیامبر اکرم تقاضای معجزه می‌کردند.

اینگونه معجزات که معجزات اقتراحی نامیده می‌شود برای هدایت نبوده بلکه درخواست‌کنندگان چنین معجزاتی کفار و مشرکین لجباز و بهانه‌گیر و سرکش بودند که هر زمان تقاضای یک معجزه می‌کردند و هدفشان نیز تمسخر و استهزاء پیامبر اکرم بود، و بدیهی است که وجود مقدس پیامبر اکرم به درخواست آن‌ها تن در نمی‌داد چرا که قصد درخواست‌کنندگان چنین معجزاتی کشف حقیقت نبوده است «گرچه در پاره‌ای مواقع به درخواست آن‌ها پاسخ می‌داد تا عذر و بهانه‌ای برای آن‌ها باقی نماند، و صورت گرفتن ده‌ها معجزه نیز دال بر این مطلب می‌باشد».

بنابراین:

معنی آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ - آیه ۷، سوره رعد» به طور خلاصه این شد که:

کفار و مشرکین می‌گویند:

چرا آیه و نشانه‌ای «معجزه‌ای» از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل نشده «نمی‌شود».

بعضی از مفسرین از جمله صاحب تفسیر منهج الصادقین احتمال می‌دهد که:

مقصود از درخواست کفار و مشرکین از پیامبر اکرم برای معجزه و اینکه چرا آن حضرت معجزه‌ای مانند پیامبران پیشین نمی‌آورد این است که:

چرا مثل عذابی که به امت‌های گذشته نازل شده «مثل عذابی که به قوم لوط و قوم شعیب و قوم نوح، همچنین به فرعون و اقوام دیگر نازل شد» به آن‌ها نازل نمی‌شود، که خدوند متعال در جواب این کفار و مشرکین لجوج و سرکش به پیامبر می‌فرماید تو انذارکننده هستی و عذاب کردن کفار و مشرکین و نازل نمودن بلا به آن‌ها به دست خداوند متعال می‌باشد.

ملاحظه فرمودید که:

ابتدای آیه شریفه در رابطه با درخواست کفار و مشرکین از پیامبر اکرم بود که:  
 ۱. چرا معجزه‌ای نمی‌آورد «مانند معجزات انبیاء گذشته از قبیل عصای حضرت موسی و یا زنده کردن اموات توسط حضرت عیسی»، با اینکه پیامبر اکرم این قبیل معجزات را نشان داده بود ضمن اینکه قرآن کریم بالاترین معجزه است.

۲. چرا مثل عذابی که به امت‌های گذشته‌های نازل شده به آن‌ها نازل نمی‌شود.  
 پس از این سؤال و درخواست کفار و مشرکین، خداوند متعال در ادامه آیه شریفه وجود مقدس پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می‌فرماید:  
 ای پیامبر:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ = تو فقط اندازکننده و بیم‌دهنده هستی و برای هر قوم و ملتی هادی و راهنمایی است.  
 خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه به کفار و مشرکین نمی‌فرماید که وظیفه پیامبر اکرم چیست،

و حتی به پیامبر اکرم نمی‌فرماید که به کفار بگو که وظیفه من انداز و بیم دادن است «ترساندن مردم از نافرمانی خداوند متعال»، لذا:

خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه اصلاً اسمی از کفار و مشرکین نیاورده و خواسته بفهماند که اساساً کفار در این قضیه استحقاق جواب ندارند، و به همین منظور خداوند سبحان مستقیماً پیامبر اکرم را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:  
 ای پیامبر:

تو مُنذِر هستی، یعنی:

تو بیم‌دهنده و ترساننده مردم از رفتن به راه انحراف هستی و دعوت‌کننده مردم به صراط مستقیم الهی می‌باشی، یعنی:

ای پیامبر:

تو هدایت‌کننده‌ای هستی که مردم را از راه انداز «ترساندن از پیمودن راه انحرافی» هدایت می‌کنی، پس:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ، یعنی:

ای پیامبر:

تو دعوت کننده مردم به سوی توحید و هدایت کننده مردم به سوی خداوند متعال هستی که آن‌ها را از طریق انذار و بیم دادن هدایت می کنی «بیم دادن از عذاب الیمی که در انتظار کفار و مشرکین می باشد».

وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، یعنی:

برای هر قوم و ملتی هادی و راهنمایی است.

بنابراین:

در این آیه شریفه دو نوع و دو قسم دعوت کننده و هدایت کننده به سوی خداوند متعال مشهود می باشد:

۱. دعوت کننده و هدایت کننده‌ای که وظیفه‌اش انذار و بیم دادن است تا گمراهان و منحرفین از بیراهه به راه بیایند و در صراط مستقیم قرار بگیرند.

۲. دعوت کننده و هدایت کننده‌ای که مردم را پس از آمدن به راه و پس از قرار گرفتن در صراط مستقیم به جلو می برد که از اوّلی به نام رسول و از دوّمی به نام امام یاد می شود.

به عبارت دیگر:

مُنذِرٌ عَلَّتْ مُّحَدِّثَةٌ است یعنی عامل ایجادکننده،

و هادی عَلَّتْ مُّبْقِيَةٌ است یعنی عامل بقاء و نگهداری کننده، بنابراین:

در این آیه شریفه:

مِنذِرٌ وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که دین اسلام را بنا نهاده و تأسیس فرموده است،

و هادی امام معصوم منصوب از ناحیه خداوند متعال می باشد که حافظ و نگاهبان شریعت اسلام است و باعث می شود تا دین باقی بماند و در نتیجه هدایت مردم استمرار پیدا نماید، لذا:

«مُنذِرٌ» و «هادی» هر دو وظیفه هدایت دارند، یعنی:

مُنْدِر که وجود مبارک پیامبر اکرم باشد دین اسلام را پایه گذاری و تأسیس نموده که اساس هدایت مردم است، و هادی که ائمه معصومین علیهم السّلام باشند دین اسلام را حفاظت و نگهداری می کنند و پس از پیامبر اکرم عهده دار هدایت مردم هستند تا هدایت مردم استمرار داشته باشد و انحرافی در دین ایجاد نشود.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مبارک امام مجتبی صلوات الله و سلامه علیه فرمودند: روزی جدّم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بر روی منبر خطبه خواند و پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمود:

ای مردم:

من از جانب حق تعالی فرا خوانده شده ام و به زودی از بین شما خواهم رفت و دعوت حق را لیبیک خواهم گفت.

ای مردم:

من در بین شما دو یادگار با ارزش به جای می گذارم، یکی کتاب خدا «قرآن کریم»، و دیگری عترت و اهل بیتم.

ای مردم:

تا زمانی که به این دو یادگار من «قرآن و اهل بیتم» تمسّک نمائید و چنگ بزیند هرگز گمراه نخواهید شد.

ای مردم:

از اهل بیتم بیاموزید و هرگز به این فکر نباشید که بخواهید به آنها چیزی بیاموزید زیرا آنها اعلّم بر شما هستند «عالم تر و داناتر از شما هستند».

ای مردم:

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰ - ۲۱.

المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۱۸۹ - ۱۹۰.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۵۴ تا ۱۵۷.



زمین از وجود اهل بیت من خالی نمی شود زیرا اگر آنها روی زمین نباشند زمین اهل خود را «همه مردم را» در خود فرو خواهد برد.

وجود مبارک پیامبر اکرم در ادامه صحبت خویش به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

من می دانم که تو هرگز زمین را از حجّت خودت خالی نخواهی گذاشت حتی اگر حجّت تو و این انذارکننده «مُنذِر» مورد اطاعت واقع نشوند.

امام مجتبی علیه السلام می فرماید:

وقتی جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم از منبر پایین آمدند به ایشان عرض کردم:

یا رسول الله:

مگر شما حجّت خداوند متعال بر تمام مردم نیستید.

وجود مبارک پیامبر اکرم به من فرمود:

پسرم، حسن جان:

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ «آیه ۷، سوره رعد».

وجود مبارک پیامبر اکرم پس از تلاوت این آیه شریفه به من فرمود:

پسرم، حسن جان:

من مُنذِر هستم «انذارکننده و بیم دهنده»،

و پدرت علی بن ابیطالب هادی است «هدایت کننده امت».

امام مجتبی علیه السلام می فرماید:

خدمت جدّم رسول الله عرض کردم:

شما فرمودید که هیچ گاه زمین از حجّت خدا خالی نخواهد شد.

جدّ بزرگوارم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

پسرم، حسن جان:

بعد از من پدرت علی بن ابیطالب حجّت خدا بر مردم است،

و تو بعد از پدرت علی بن ابیطالب امام و حجّت خدا هستی،

و بعد از تو برادرت حسین امام و حجّت خدا است و جانشین تو می باشد،  
و بعد از حسین پسرش علی امام و حجّت خدا است،  
و پس از علی بن حسین پسرش محمّد امام و حجّت خدا است،  
و پس از محمّد بن علی پسرش جعفر امام و حجّت خدا است،  
و پس از جعفر بن محمّد پسرش موسی امام و حجّت خدا است،  
و پس از موسی بن جعفر پسرش علی امام و حجّت خدا است،  
و پس از علی بن موسی پسرش محمّد امام و حجّت خدا است،  
و پس از محمّد بن علی پسرش علی امام و حجّت خدا است،  
و پس از علی بن محمّد پسرش حسن امام و حجّت خدا است،  
و پس از حسن بن علی پسرش حجّت قائم حجّت خداوند متعال و امام شیعیان  
است که اولیاء خدا را «دوستان خدا را» نجات می دهد.  
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش  
فرمودند:

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند متعال آن روز را آنقدر  
طولانی می کند تا قائم ما قیام نماید «یعنی امام زمان علیه السلام» و زمین را پر از عدل  
و داد کند، پس از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد، بنابراین:  
زمین هیچ گاه از وجود شما «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» خالی نخواهد ماند.<sup>۱</sup>

۲. فضیّل می گوید که از امام صادق علیه السلام درباره لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ در آیه هفتم سوره  
رعد سؤال کردم و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمود:  
كُلُّ اِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ، یعنی:  
هر امام هادی و هدایتگر مردمی است که در عصر آن امام زندگی می کنند.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۶، حدیث ۲.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۲، حدیث ۱ «حدیث ۴۹۶».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۲۴.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۱۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۸، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۳۷، حدیث ۲۰ «حدیث ۵۱۳۳».

۳. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷، سوره رعد» فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مُنذِر است، و در هر زمان هادی و هدایتگری از ما «اهل بیت پیامبر اکرم» هست که مردم را به آنچه که پیامبر اکرم آورده هدایت می کند،

و بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابیطالب علیه السّلام هادی امّت است «هدایت کننده مردم به سوی خدا و به صراط مستقیم الهی»، و بعد از علی بن ابیطالب علیه السّلام اوصیاء آن حضرت یکی پس از دیگری هدایت امّت را بر عهده دارند.

این حدیث را بُریدِ عَجَلی از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

این حدیث شریف را شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، همچنین شیخ سلیمان قندوزی «از علمای معروف اهل سنت» در کتاب ینابیع المودّه نقل نموده اند.<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷، سوره رعد» فرمودند:

مقصود از مُنذِر وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و مقصود از هادِ علی بن ابیطالب علیه السّلام است که هادی امّت است.

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۲، حدیث ۲ «حدیث ۴۹۷».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۱۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۸، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۳۹، حدیث ۲۱ «حدیث ۵۱۳۴».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۰، حدیث ۹ «پاورقی».

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۲، حدیث ۳ «حدیث ۴۹۸».

المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۲۲۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۸ - ۳۹۰، حدیث ۵ و ۱۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۳۹، حدیث ۲۲ «حدیث ۵۱۳۵».

۵. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷، سوره رعد» فرمودند:

مقصود از مُنذِر «بیم‌دهنده» وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد،

و مقصود از هادی «هدایت‌کننده» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام است، و به خدا سوگند تا روز قیامت مقام هدایت امت در میان ما خواهد بود.

این حدیث را عبدالرحیم قصیر از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

این حدیث شریف را شیخ سلیمان قندوزی «از علمای اهل سنت» نیز در کتاب ینابیع المودّه نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۶. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:  
آیه‌ای از قرآن کریم نازل نشده مگر اینکه من می‌دانم که این آیه شریفه کجا نازل شده و درباره چه کسی نازل شده و در رابطه با چه موضوعی نازل شده است.  
فردی که در محضر حضرت امیر علیه السّلام بود سؤال کرد:  
یا ابوالحسن:

درباره خودت چه آیاتی نازل شده است.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام آیه هفتم سوره رعد «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» را تلاوت نموده و فرمودند:

این آیه شریفه درباره من نازل شده، که مقصود از مُنذِر «بیم‌دهنده» وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد و آن حضرت اندازدهنده است،

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۳، حدیث ۴ «حدیث ۴۹۹».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۲۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۳۹، حدیث ۲۳ «حدیث ۵۱۳۶».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۶ «پاورقی».

و مقصود از هادی من هستم و امت را به سوی آن چیزی که پیامبر اکرم آورده هدایت می‌کنم.

این حدیث را عباد بن عبدالله از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

این حدیث شریف در امالی شیخ صدوق و در شواهد التنزیل حاکم حسکانی «از علمای اهل سنت» نیز آمده است.<sup>۲</sup>

۷. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» فرمودند:

هر امامی هادی و هدایتگر قومی است که در زمان آن امام زندگی می‌کنند «هر امام هادی و هدایت‌کننده قوم زمان خودش می‌باشد».

این حدیث را محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

### توضیح:

این حدیث شریف در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه صدوق و در کتاب ینابیع الموده شیخ سلیمان قندوزی «از علمای اهل سنت» نیز آمده است.<sup>۴</sup>

۸. روزی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نیز در حضور آن حضرت بود آب طلبید و با آن آب وضو

---

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۳۷، حدیث ۱۵ «حدیث ۵۱۲۸».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۷ «پاورقی».

۳. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۲۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۰، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۳۷، حدیث ۱۹ «حدیث ۵۱۳۳».

۴. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۰، حدیث ۸ «پاورقی».

گرفت و پس از پایان وضو دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفت و بر سینه خودش گذاشت «یعنی سینه مبارک پیامبر اکرم» و فرمود:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ «یعنی وجود مبارک پیامبر اکرم مُنْذِرٌ می باشد»، سپس وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دست مبارک خویش را روی سینه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام گذاشته و فرمود:

لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هادی و هدایت کننده امت است».

آنگاه وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

ای علی:

تو مشعل فروزان و غایت هدایت و پرچم هدایت هستی، و من شهادت و گواهی می دهم که تو دارای این مقامات و فضائل می باشی. این حدیث را ابو بریده اسلمی از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده، و ابو حمزه نیز از وجود مبارک امام باقر علیه السلام نقل نموده است. این حدیث شریف علاوه بر منابع شیعه در کتب معتبر اهل سنت از قبیل مستدرک حاکم، و شواهد التنزیل حاکم حسکانی نیز آمده است.<sup>۱</sup>

۹. وجود مقدس امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷، سوره رعد» در شأن ما نازل شده و وجود مقدس پیامبر اکرم در این رابطه فرمودند:

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۲۳ - ۲۲۴.

مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۰، حدیث ۱۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۴، حدیث ۲۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۵، حدیث ۲۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۳۷، حدیث ۱۷.

ای علی:

من مُنذِرِ هستم و تو هادی «هدایت کننده»،

و سپس وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

به خدا سوگند، هدایتگری «وظیفه هدایت امت»، نجات بخشی، و سعادت آفرینی تا روز قیامت در میان ما است.

این حدیث را مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۰. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

من مُنذِرِ هستم و علی بن ابیطالب هادی،

و سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هر امامی هادی و هدایتگر مردمی است که در عصر آن امام زندگی می کنند «هر

امامی هادی و هدایتگر مردم زمان خودش می باشد».

این حدیث را حنان بن سدیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱۱. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت درباره این آیه شریفه «أَتَمَّا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ

هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» فرمودند:

من آن بیم دهنده هستم «من هستم آن مُنذِر»،

و در هر دوران و در هر زمان امامی از ما در بین مردم وجود دارد که مردم را هدایت

می کند.

امام باقر علیه السلام سپس فرمودند:

هادیان «هدایت کنندگان مردم» پس از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۲، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۳۹، حدیث ۲۵ «حدیث ۵۱۳۸».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۳، حدیث ۱۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۴۱، حدیث ۲۸ «حدیث ۵۱۴۱».

و سلم امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام است و پس از آن حضرت اوصياء آن حضرت «جانشینان آن حضرت» یکی پس از دیگری هدایتگر مردم خواهند بود. وجود مقدس امام باقر عليه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند: به خدا قسم امر هدایت از میان ما بیرون نرفته و تا روز قیامت میان ما خواهد بود. این حدیث را برید بن معاویه از امام باقر عليه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۲. وجود مقدس امام باقر عليه السلام از وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت درباره این آیه شریفه «أَتَمَّا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» فرمودند: من مُنْذِرٌ هستم،

و علی بن ابیطالب هادی «هدایت کننده» مردم به سوی امر من «هدایت کننده مردم به سوی دین اسلام و هدایت کننده مردم به صراط مستقیم الهی».

این حدیث را جابر از وجود مقدس امام باقر عليه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱۳. وجود مقدس امام صادق عليه السلام درباره این آیه شریفه «أَتَمَّا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» فرمودند:

مُنْذِرٌ وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و هادی وجود مبارک امیر المؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام است، و بعد از آن حضرت ائمه معصومین علیهم السلام هادی مردم «هدایت کننده مردم به سوی خداوند متعال و هدایت کننده مردم به صراط مستقیم الهی» می باشند. وجود مبارک امام صادق عليه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: این آیه شریفه ردّ کسانی است که وجود امام را در هر عصر و زمانی انکار می کنند، و مُنْكَرٌ این هستند که زمین هیچ گاه خالی از حجت نخواهد بود «مُنْكَرٌ وجود حجت خدا در تمام اعصار و زمانها می باشند».

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۳، حدیث ۱۷.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۴، حدیث ۱۸.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۷۴۱، حدیث ۲۹ «حدیث ۵۱۴۲».



وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام در پایان فرمایش خویش از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل نمودند که آن حضرت فرمودند:  
 هرگز زمین از امام و از حجّت خدا خالی نخواهد بود،  
 حال آن امام یا ظاهر است که مردم او را می‌بینند،  
 یا اینکه آن امام از دید مردم غائب است.  
 این حدیث شریف را ابوبصیر از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۴. وقتی این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» نازل شد وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
 أَنَا الْمُنذِرُ، وَعَلَى الْهَادِي مِنْ بَعْدِي، یعنی:  
 من مُنذِر هستم،

و پس از من علی بن ابیطالب هادی و هدایت کننده مردم است، آنگاه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

يَا عَلِيُّ:

بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه‌السلام فرمود:

يا علي:

اهل هدایت «طلب کنندگان هدایت» به وسیله تو هدایت می‌شوند.

این حدیث را ابن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۳۹، حدیث ۲۴ «حدیث ۵۱۳۷».

۲. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۱.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۱۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۵، حدیث ۲۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۳۷، حدیث ۱۶ «حدیث ۵۱۲۹».

## توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ، یعنی:

اهل هدایت و طالبین هدایت به وسیله تو به سوی خداوند متعال و به صراط مستقیم الهی هدایت می شوند، یعنی:

هر کس طالب هدایت است و می خواهد به سوی خداوند متعال و به صراط مستقیم الهی هدایت شود باید به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که حجت خداوند متعال بر مخلوقات می باشد ایمان بیاورد و از دستورات آن حضرت اطاعت نماید تا به راه راست و به صراط مستقیم الهی هدایت شود.

بدیهی است پس از آن حضرت یازده امام معصوم و وظیفه هدایت خلق را بر عهده دارند و مردم وظیفه دارند تا از آن ذوات مقدّسه که حجت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند اطاعت نمایند و در این صورت است که مردم به راه راست و صراط مستقیم الهی هدایت شده و در دنیا و آخرت فائز و رستگار می شوند.

هنگام زیارت وجود مقدّس حجة بن الحسن القائم المهدی صلوات الله و سلامه علیه به محضر آن امام همام عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، یعنی:

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش «سلام بر تو ای حجت خداوند متعال در

روی زمین»،

سلام بر تو ای چشم خدا «دیده خدا» در میان مخلوقاتش،

سلام بر تو ای نور خدا که طالبین هدایت و اهل هدایت به وسیله تو «به وسیله شما

که نورالله هستید» به راه راست و به صراط مستقیم الهی هدایت می شوند. این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده و در اوائل مفاتیح الجنان آمده و طی آن هر یک از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام در روزهای هفته زیارت می شوند و این زیارت شریف «قسمتی از آن را که مرتبط با بحث بود ملاحظه فرمودید» مربوط به زیارت امام زمان سلام الله علیه در روز جمعه می باشد.

قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۱۸۱ سوره اعراف «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ...»

و ذیل آیه ۷۳ سوره انبیاء «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...»

و ذیل آیه ۳۵ سوره یونس «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ...» توضیحات لازم ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وظیفه هدایت مردم را به عهده دارند و این وظیفه را خداوند متعال بر عهده آنها محول فرموده است.

۱۵. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای مردم:

توسط من انذار می شوید،

و به وسیله علی بن ابیطالب هدایت می شوید،

و آنگاه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه شریفه را «إِنَّمَا

أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» تلاوت فرمودند.

این حدیث را عبدالله بن عمر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۶. ابوهریره می گوید:

از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم راجع به این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۴، حدیث ۱۹.

مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» سؤال کردم که مقصود این آیه شریفه چیست. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤال من فرمودند: هدایت کننده این امت علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۱</sup>

۱۷. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از به جای آوردن حج و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محل غدیر خم و در حضور جمع کثیری از حجاج بیت الله الحرام که در معیت آن حضرت بودند «تعداد جمعیت تا یکصد و بیست هزار نفر نیز عنوان شده است» خطبه مفصل و بسیار مهمی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَلَا وَ إِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ،

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ،

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ، یعنی:

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که من انذارکننده هستم و علی بن ابیطالب هدایت کننده است «من مُنْذِرٌ هستم و علی بن ابیطالب علیه السلام هادی»،

ای مردم:

من نبی هستم «پیامبر هستم» و علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است،

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۹۵، حدیث ۲۶.

ای مردم، بدانید و آگاه باشید که:  
 که خاتم امامان «آخرین امام معصوم» حضرت قائم مهدی از ما است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

در این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد»، منظور از مُنذِر وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد، و منظور از هادی «هدایت کننده» وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند که حجّت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم زعامت و امامت مسلمین و هدایت مردم به صراط مستقیم الهی از طرف خداوند متعال بر عهده آن ذوات مقدّسه محوّل شده است. احادیث فراوانی از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام در این رابطه صادر شده که به تعدادی از آنها اشاره شد و ملاحظه فرمودید. اهل تسنّن نیز در کتاب های خویش به این احادیث نورانی اشاره نموده اند که به عنوان نمونه به تعدادی از این احادیث اشاره می شود.

الف) فخر رازی در تفسیر کبیر از ابن عبّاس نقل می کند که:  
 وقتی این آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - آیه ۷ سوره رعد» نازل شد وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دست خویش را بر روی سینه خودش گذاشت و فرمود:

أَنَا الْمُنذِرُ، یعنی:

من مُنذِر هستم،

ثُمَّ أَوْمَأَ إِلَى مَنْكِبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ:

أَنْتَ الْهَادِي، بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي، یعنی:

سپس پیامبر اکرم به علی بن ابیطالب علیه السّلام اشاره نموده و فرمود:

تو هادی هستی «هدایت کننده امت»،

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۹»، حدیث ۳۲.

و بعد از من اهل هدایت و طالبین هدایت به وسیله تو هدایت می شوند.  
این حدیث شریف را علاوه بر فخر رازی علمای دیگر اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آن‌ها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

ابن کثیر	←	در تفسیر خویش
ابن صَبَّاح مالکی	←	در فصول المهمه
گنجی شافعی	←	در کفایة الطالب
سیوطی	←	در درالمنثور
طبری	←	در تفسیر خویش
ثعلبی	←	در الکشف
ابو حیان اندلسی	←	در تفسیر خویش به نام بحرالمحیط
نیشابوری	←	در تفسیر خویش و... <sup>۱</sup>

(ب) میرغیاث‌الدین در کتاب حبیب السیر می‌نویسد:

به طرق متعددی نقل شده که:

وقتی آیه شریفه **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ** نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

**أَنَا الْمُنذِرُ وَأَنْتَ الْهَادِي،**

**بِكَ يَا عَلِيُّ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي،** یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

من مُنذِرٌم و تو هادی «هدایت‌کننده امت به صراط مستقیم الهی»،

ای علی:

بعد از من طالبین هدایت و اهل هدایت به وسیله تو به صراط مستقیم الهی هدایت می‌شوند.

این حدیث را دیگر علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که به

۱. تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۵۷.

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۲۳.

اسامی تعدادی از آنها ذیلاً اشاره می شود:  
ألوسی در روح المعانی  
شبلنجی در نور الابصار  
شیخ سلیمان قندوزی در ینابیع المودّه<sup>۱</sup>.

### آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد:

«أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۱۹».

«الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ - آیه ۲۰».

«وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ - آیه ۲۱».

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ - آیه ۲۲».

«جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ - آیه ۲۳».

«سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ - آیه ۲۴».

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّغْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ - آیه ۲۵».

### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، آیا این شخص مانند کسی است که نابینا و کوردل و گمراه است، تنها صاحبان عقل «عقلا و خردمندان» متذکر می شوند «فقط صاحبان عقل این تفاوت را می فهمند» «آیه ۱۹».

اولوا الالباب کسانی هستند که:

به عهد خداوند متعال وفا می کنند و پیمان شکنی نمی نمایند «آیه ۲۰»

با کسانی پیوند برقرار می کنند که خداوند متعال امر فرموده تا با آنها پیوند برقرار کنند، و از پروردگارشان می ترسند، و از بدی حساب در روز قیامت «دقت در حسابرسی روز قیامت» خوف و وحشت دارند «ترس و بیم دارند» «آیه ۲۱».

به خاطر خداوند متعال «به منظور رسیدن به پاداش الهی» صبر می کنند و نماز را به پا می دارند و از آنچه که به آنها روزی داده ایم در آشکار و نهان انفاق می کنند و با



حسَنات، سَيِّئات را از بین می‌برند و پایان نیک سرای دیگر از آن‌ها است «آیه ۲۲». بهشت‌های جاویدانی که وارد آن می‌شوند به همراه پدران و همسران و فرزندان صالح آن‌ها، و فرشتگان از هر دری به آن‌ها وارد می‌شوند «آیه ۲۳». و به آن‌ها می‌گویند:

سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتان،

و چه نیکو است سرانجام و عاقبت آن سرا «آیه ۲۴».

و آن‌هایی که عهد خداوند متعال را پس از محکم کردنش می‌شکنند و پیوندهایی را که خداوند دستور برقراری آن‌ها را داده قطع می‌کنند و در روی زمین فساد می‌کنند، لعنت برای آن‌ها است و مجازات سرای آخرت «برای آن‌ها است لعنت و جایگاه بد» «آیه ۲۵»<sup>۱</sup>.

### شرح لغات و توضیحات:

لُبُّ = به مغز هر چیز و به بهترین قسمت هر چیز لُبُّ گفته می‌شود و مقصود از لُبُّ انسان عقل انسان است.

جمع لُبُّ می‌شود الباب و، ألباب یعنی عقل‌ها.

به عبارت دیگر:

لُبُّ عبارت است از عقل پیراسته از هر نوع شائبه و آلودگی، لذا:

لُبُّ یعنی عقل خالص و پاک و عاری از آلودگی‌ها، بنابراین:

هر لُبُّبی عقل است، ولی:

هر عقلی ممکن است لُبُّ نباشد، و به همین جهت قرآن کریم مطالبی را که فقط

عقول خالص و پاک آن را درک می‌کنند به اولوالالباب نسبت می‌دهد.

اولوالالباب = صاحبان عقل، صاحبان خرد، عُقَلَا، خردمندان؛

نقطه مقابل اولوالالباب می‌شود افراد بی‌عقل و بی‌مغز و پوک و بی‌محتوا که در این

آیات شریفه از آن‌ها به عنوان اعمی و کوردل یاد شده است.

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۱ - ۵۷.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۳۴.

أعمى = کسی که فاقد چشم یا فاقد بصیرت باشد «(۱) کور، نابینا؛ (۲) کوردل»؛  
 عهد = پیمانی که مراعاتش لازم باشد؛  
 اینکه مقصود از عهدالله چه می باشد ذیل آیات شریفه به عرض خواهد رسید.  
 میثاق = پیمان محکم، پیمان محکم و موکد؛  
 نقض = شکستن، گسستن؛

نقض عهد و پیمان = عهد شکستن، عهدشکنی، پیمان شکستن، پیمان شکنی؛  
 وصل = پیوند دادن دو چیز به یکدیگر؛  
 یخشونَ = از خَشیت می آید یعنی ترس، وحشت؛  
 یخافونَ = از خوف می آید یعنی ترس، وحشت؛  
 خوف = خَشیت = فزع = ترس و وحشت؛

خَشیت = بیم و خوف و ترس و وحشتی که با تعظیم و بزرگداشت همراه می باشد  
 که غالباً از علم و آگاهی ناشی می شود و به همین جهت کلمه خَشیت به علما  
 اختصاص دارد، و در مواردی نیز خوف و خَشیت مترادف می باشند.

خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره فاطر می فرماید:

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ، یعنی:

از میان بندگان خدا فقط علما از خداوند متعال می ترسند «خَشیت دارند»، یعنی  
 ترس علما از خداوند متعال توأم با تکریم و تعظیم خداوند متعال است و این تعظیم  
 و تکریم نیز ناشی از علم و آگاهی علما از عظمت خداوند متعال می باشد، لذا:  
 ترس علما از خداوند متعال ناشی از آگاهی آن ها از عظمت خداوند متعال و  
 احساس مسئولیت در برابر خالق متعال می باشد.

سوء = بدی، هر چیزی که تحمّل آن برای انسان دشوار است، هر چیزی که موجب  
 غم و اندوه انسان شود؛

سوء الحِساب = بدی حساب، مقصود از سوء الحِساب در این آیات شریفه به معنی  
 رسیدگی دقیق و بدون گذشت به اعمال خوب و بد انسان در روز قیامت می باشد و  
 به اصطلاح مو از ماست کشیدن است؛

إبتغاء = طلب کردن، خواستن، کوشش و اجتهاد در طلب است؛

دَرء = دفع کردن؛

عَدْنُ = اقامت طولانی، توقف طولانی؛

عُقْبَى = سرانجام، عاقبت؛

دار = خانه، سرا؛

فَسَاد = خارج شدن از حدّ اعتدال، خواه کم باشد خواه زیاد. ضدّ فساد صلاح است؛

جَنَّت = بهشت، جمع جَنَّت می شود جَنَّات!

این آیات شریفه «آیه ۱۹ تا ۲۴ سوره رعد» در رابطه با اولوالالباب بوده «صاحبان

عقل، خردمندان» و ویژگی ها و خصوصیات اولوالالباب را بیان می فرماید.

خداوند متعال در اولین آیه مورد بحث «آیه ۱۹» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می فرماید:

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ الرِّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى = ای پیامبر:

آیا کسی که می داند که آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده حقّ می باشد

«یعنی کسی که می داند که قرآن و وحی الهی و اسلام و خلاصه آنچه که به عنوان

دین اسلام از طرف خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده حقّ می باشد» و به دنبال

پی بردن به این حقیقت دعوت تو را اجابت کرده و اسلام می آورد و دستورات تو

را اطاعت می کند آیا چنین شخصی همانند کسی است که کوردل و نابینا است،

یعنی آیا این دو نفر با هم برابر می باشند و یکسان و مساوی هستند.

این قسمت از آیه شریفه که بیان شد استفهام انکاری است و می خواهد بفرماید که:

افرادی که حقّ را می فهمند هرگز و ابداً مثل و مانند افرادی نیستند که حقّ را

نمی فهمند.

به عبارت دیگر:

مقصود آیه شریفه این است که:

افرادی که راه صحیح و درست را می فهمند و حقّ را از باطل تشخیص داده و به

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۱.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۱.

مفردات راغب.

دنبال حقّ می‌روند به هیچ‌وجه مانند افرادی نیستند که حق را نمی‌فهمند و به دنبال باطل رفته و از باطل تبعیت می‌کنند.

در آیات شریفه دیگری نیز این موضوع بیان شده است، مثلاً در آیه ۵۰ سوره انعام و آیه ۱۶ سوره رعد آمده که:

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ، یعنی:

آیا شخص نابینا و کور مثل شخص بینا است.

اگر افراد جاهل به حق کوردل و نابینا توصیف شده‌اند و افرادی که عالم به حق هستند به افراد بینا و با بصیرت تشبیه شده‌اند اشاره به این معنا است که:

عالم به حقّ بینا و بصیر است،

و جاهل به حقّ کوردل و نابینا است.

نکته جالب این است که:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۹ سوره رعد» نمی‌فرماید که:

آیا آن‌هایی که حقّ را تشخیص می‌دهند با آن‌هایی که حقّ را تشخیص نمی‌دهند یکسان و مساوی هستند، بلکه:

خداوند متعال اصلاً نام گروه دوم را ذکر نفرموده و از آن‌ها به عنوان اعمی «کوردل

و نابینا» یاد کرده و فرموده:

آیا آن‌هایی که حقّ را تشخیص می‌دهند و می‌دانند که آنچه از طرف خداوند متعال

به پیامبر اکرم نازل شده حق و درست می‌باشد،

آیا این افراد مانند کسانی هستند که کوردل و نابینا می‌باشند.

قابل ذکر است که:

مقصود از اعمی و کوردل در این آیه شریفه کسانی هستند که حق را نمی‌فهمند و

به پیامبر اکرم ایمان نمی‌آورند و در راه ضلالت و گمراهی گام برمی‌دارند.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ = فقط صاحبان عقل متذکر این قضیه می‌شوند، یعنی:

فقط صاحبان عقل «افراد عاقل، عقلا، خردمندان» این موضوع را می‌فهمند.

به عبارت دیگر:

فقط صاحبان عقل قدرت تمیز و قدرت تفریق «فرق گذاشتن» داشته و قادر هستند که حق را از باطل تشخیص داده و به طرف حق بروند، یعنی:

فقط اولوالالباب «صاحبان عقل» می فهمند که آنچه که از ناحیه خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده حق و درست است «همه احکام و دستورات دین، از جمله ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام»، و متعاقب این فهم و تشخیص به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان آورده و کلیه دستورات آن بزرگواران را بدون کم و کاست و مو به مو اطاعت کرده و آنها را به مرحله اجرا درمی آورند.

نقطه مقابل اولوالالباب «صاحبان عقل» کسانی هستند که قدرت تمیز دادن و قدرت تفریق «فرق گذاشتن» بین حق و باطل را ندارند، لذا یا اصلاً به پیامبر اکرم ایمان نیاورده و مسلمان نمی شوند،

یا اینکه اگر ظاهراً هم اسلام آورده و مسلمان بشوند همه دستورات و فرامین پیامبر اکرم را اجرا نمی کنند و به آن ایمان نمی آورند «مثلاً به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان نمی آورند».

به اینگونه افراد که حق را نمی فهمند در این آیه شریفه اعمی و کوردل گفته شده است، یعنی نابینایان و کوردلان و گمراهان.

اینکه مصداق آیه شریفه چه کسانی هستند که حق را از باطل به راحتی تشخیص می دهند،

و اینکه مصداق اولوالالباب چه کسانی می باشند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

بنابراین:

اولین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب این شد که:

اولوالالباب دارای قدرت تفریق و قدرت تمیز بین حق و باطل بوده و به دنبال آن از حق تبعیت و پیروی می کنند.

دومین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب «صاحبان عقل» در آیه بعد «آیه ۲۰ سوره رعد» آمده و آن این است که اولوالالباب:

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ = اولوالالباب کسانی هستند که:

به عهد خداوند متعال وفا می کنند و پیمان شکنی نمی نمایند.

مقصود از اینکه اولوالالباب به عهد خداوند متعال وفا کرده و پیمان شکنی نمی نمایند

شامل موارد ذیل می شود:

۱. عهد و پیمان های فطری و ذاتی:

یعنی عهد و پیمان هایی را که خداوند متعال از فطرت انسان ها گرفته تا خداوند

متعال را به یگانگی بپرستند.

مقصود این است که:

خداوند متعال انسان را فطرتاً و ذاتاً موحد و خداشناس خلق فرموده است،

لذا انسان ها ذاتاً خداشناس و با فطرت توحیدی به دنیا می آیند و به همین جهت

از این موضوع به عنوان عهد و پیمان فطری و ذاتی یاد می شود که انسان ها باید به آن

وفادار بوده و با آن مخالفت نکنند.

قابل ذکر است که:

خداوند متعال موارد دیگری را نیز در ذات و فطرت انسان ها خلق فرموده و

انسان ها باید به آن وفادار باشند که از این موارد می توان به چند نمونه اشاره کرد که

در ذات و فطرت انسان نهفته است از قبیل:

طرفدار عدالت بودن،

تنفر از ظلم و بیدادگری،

عشق به حق و ... لذا:

اگر انسان هایی با حق مخالفت نموده و از باطل طرفداری می کنند، یا به دیگران ظلم

نموده و عدالت را زیر پا می گذارند و ... در واقع این افراد با فطرت خودشان مخالفت

می کنند، یعنی:

به عهد و پیمان الهی وفادار نبوده و پیمان شکنی می نمایند.

۲. عهد و پیمان های عقلی:

خداوند متعال به انسان ها عقل داده تا از این طریق صلاح و فساد و خوب و بد را

تمیز داده و دچار گمراهی و انحراف نشده و در روی زمین فساد نکنند، لذا: کسانی که در روی زمین فساد می‌کنند در واقع به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال پایبند نمی‌باشند و پیمان‌شکنی می‌کنند.

### ۳. عهد و پیمان‌های شرعی:

خداوند متعال با ارسال رُسُل و فرستادن پیامبران از مردم عهد و پیمان گرفته تا خداوند متعال را اطاعت کرده و به دستور خداوند متعال از پیامبران و از اوصیاء آنها نیز اطاعت نمایند و از ارتکاب گناه خودداری کنند.

بدیهی است که عهد و پیمان‌های شرعی که بین مؤمنین منعقد می‌شود در حوزه عهد و پیمان‌های شرعی واقع شده و رعایت آنها لازم و واجب می‌باشد. تا این جا دو ویژگی و خصوصیت اولوالالباب «صاحبان عقل - خردمندان» بیان شد، و آن اینکه اولوالالباب:

۱. قدرت تفریق و قدرت تمیز بین حق و باطل را دارند «فرق گذاشتن بین حق و باطل»، و به دنبال شناختن حق از حق تبعیت و پیروی می‌کنند.

۲. به عهد و پیمان‌هایی که با خداوند متعال بسته‌اند وفا کرده و پیمان‌شکنی نمی‌نمایند.

این عهد و پیمان‌ها شامل عهد و پیمان‌های ذاتی و فطری، عقلی، و شرعی می‌باشند که به اختصار راجع به آنها مطالبی عرض شد. عهد و پیمانی که خداوند متعال از انسان‌ها گرفته و از انسان‌ها تعهد گرفته تا به آنها وفادار بمانند مصداق اتم و اکملی نیز دارند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

سومین خصوصیت و ویژگی اولوالالباب در آیه بعد «آیه ۲۱ سوره رعد» آمده و آن این است که:

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ = اولوالالباب «صاحبان عقل» به چیزی نزدیک می‌شوند که خداوند متعال به آن امر فرموده است.

به عبارت دیگر:

سوّمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب این است که آن‌ها در دنیا با کسانی ارتباط و پیوند برقرار می‌کنند که خداوند متعال امر فرموده است. این‌که اولوالالباب در دنیا با چه کسانی باید ارتباط و پیوند داشته باشند ممکن است موارد ذیل مدّ نظر باشد.

۱. مقصود پیوند با پیامبران و انبیاء الهی است،

یعنی ایمان آوردن به انبیاء الهی و تبعیت از آن‌ها.

۲. مقصود صله رحم می‌باشد، یعنی پیوند و ارتباط با اقوام و بستگان.

۳. مقصود ارتباط و پیوند با خواهران و برادران ایمانی و یاری و کمک به آن‌ها می‌باشد. همانطور که عرض شد همه موارد فوق می‌توانند مصداق وصل و پیوندی باشند که خداوند متعال به ما امر فرموده تا با آن‌ها ارتباط و پیوند برقرار نمائیم، لیکن این دستور خداوند متعال یک مصداق اتمّ و اکملی دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

بنابراین:

اولوالالباب در دنیا فقط با کسانی ارتباط و پیوند برقرار می‌کنند که خداوند متعال امر فرموده و شرع مقدّس آن را واجب و لازم دانسته است، لذا: کسانی که در دنیا با هر کس و ناکسی ارتباط برقرار نموده و برای آن‌ها مهم نیست که طرف مقابل آن‌ها ولایتمدار است یا بی‌ولایت، مؤمن است یا بی‌دین، قطعاً این افراد در زمره اولوالالباب قرار نخواهند گرفت و در آخرت نیز ملازم و همراه آنان نخواهند بود.

چهارمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب که در آیه ۲۱ به آن اشاره شده این است که اولوالالباب:

وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ = اولوالالباب از پروردگار خویش می‌ترسند.

قابل ذکر است که:

ترس از خداوند متعال الزاماً به معنی ترس از مجازات و حساب او نیست، بلکه: پی بردن به عظمت خالق متعال و احساس سنگین بودن وظیفه عبودیت و بندگی



«حَتَّىٰ بَدُونَ تَوَجَّهَ بِهِ مَجَازَاتٍ وَ كَيْفِرُ» در دل مؤمنین واقعی و راستین خود به خود یک نوع حالت ترس و وحشت ایجاد می‌کند که این ترس و وحشت زائیده ایمان و آگاهی از عظمت خداوند متعال و احساس مسئولیت در برابر ذات اقدس اله می‌باشد، لذا:

این نوع ترس و وحشت که خَشْيَتِ نامیده می‌شود و خداوند متعال آن را در آیه ۲۸ سوره فاطر «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» به علما اختصاص داده چهارمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب می‌باشد.

پنجمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب که در این آیه شریفه «آیه ۲۱ سوره رعد» به آن اشاره شده این است که:

وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ = اولوالالباب از سوء حساب «بدی حساب» در روز قیامت می‌ترسند.

مقصود از ترس اولوالالباب از سوء حساب در روز قیامت این است که: اولوالالباب «صاحبان عقل، عقلا، خردمندان» می‌ترسند از اینکه خداوند متعال در روز قیامت به حساب آن‌ها با دَقَّت رسیدگی نماید و به اصطلاح مو را از ماست بکشد، یعنی:

اولوالالباب می‌ترسند از اینکه خداوند متعال در روز قیامت به جای فضل خویش با عدل خویش به اعمال آن‌ها رسیدگی نماید که در این صورت غیر از معصومین علیهم‌السلام بقیه افراد دچار مشکل خواهند شد «با درجات مختلف»، لذا: اولوالالباب از اینکه خداوند متعال به حساب آن‌ها با دَقَّت رسیدگی نماید ترس و وحشت دارند.

ششمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب در آیه بعد «آیه ۲۲ سوره رعد» آمده و آن این است که اولوالالباب:

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ = اولوالالباب کسانی هستند که به خاطر خداوند متعال و در راه انجام اوامر و دستورات خداوند سبحان صبر می‌کنند و مرتکب گناه نمی‌شوند.

صبر در راه جلب رضایت خداوند متعال می‌تواند به طرق ذیل باشد:

۱. صبر در طاعت و بندگی خداوند متعال:

یعنی در انجام فرائض و واجبات که سختی‌ها و مشکلاتی دارد صبور باشند.

### ۲. صبر در معصیت:

یعنی وقتی در محیطی قرار گرفتند که امکان گناه در آن وجود دارد صبر پیشه نموده و مرتکب گناه نشوند،  
یا اگر با پول حرامی مواجه شدند صبر پیشه کرده و از تملک و تصاحب آن خودداری کنند و مواردی نظیر این‌ها.

### ۳. صبر در مصیبت:

یعنی چنانچه مصیبتی به آن‌ها وارد «از دست دادن عزیزان، بیماری، فقر، و هر نوع گرفتاری و بلا» جَزَع و فَزَع نکرده و خدای ناکرده لب به اعتراض نگشوده و از این بابت شکوه و گلایه نکنند، یعنی:

راضی به قضا و قدر الهی بوده و به خداوند متعال توکل نمایند.  
برخی نیز اظهار می‌کنند که:

علاوه بر موارد سه‌گانه فوق در برابر نعمات الهی نیز باید صبور بود،  
یعنی نعمات فراوان باعث نشود که انسان به غرور و مستی و بی‌بندوباری کشیده شود و گرفتار اسراف و تبذیر شود که طبق آیه ۲۷ سوره اسراء «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» در زمره اخوان الشیاطین «برادران شیاطین» خواهد بود.

نکته مهم در صبور بودن این است که:

صبر و شکیبایی فقط بایستی به خاطر خداوند متعال و جلب رضایت حق تعالی باشد و بس، و در این صورت است که صبر ارزش و معنا پیدا می‌کند، لیکن:

چنانچه انسان صبر پیشه کند تا مردم نگویند چه آدم کم‌ظرفیتی است، و یا اینکه دشمنانش او را شماتت و سرزنش نکنند،

و یا اینکه مردم از او تعریف و تمجید کنند و بگویند که چه انسان صبوری است، و مطالبی از این قبیل، در این صورت این صبر یا اصلاً ارزش ندارد و یا بسیار کم‌ارزش می‌باشد،

بنابراین:

ششمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب این است که: اولوالالباب در تمام مراحل زندگی صبور هستند و صبر پیشه می‌نمایند آن هم فقط برای خداوند متعال و فقط برای جلب رضایت حق تعالی. هفتمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب این است که: **وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ** = اولوالالباب کسانی هستند که اقامه نماز می‌کنند، یعنی: نماز را با همه حدود آن به جای می‌آورند و در راه اقامه نماز هرگز کوتاهی و سهل‌انگاری نمی‌کنند، آن هم نمازی که تمام شرایط و مقدمات آن فراهم شده باشد. هشتمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب این است که: **وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً** = اولوالالباب کسانی هستند که آنچه خداوند متعال به آن‌ها روزی داده و به آن‌ها اعطا فرموده به طور آشکار و نهان در راه خدا انفاق می‌کنند.

این انفاق شامل همه نعمات و مواهبی است که خداوند متعال به انسان‌ها اعطا فرموده است و فقط منحصر به انفاق مالی نمی‌شود، یعنی: اولوالالباب «صاحبان عقل، عقلا، خردمندان» آنچه را که خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده در راه جلب رضایت خداوند سبحان انفاق می‌کنند، یعنی: علاوه بر مال و ثروتشان از علم و قدرت و موقعیت اجتماعی و مقام و نفوذ خودشان نیز به طور آشکار و نهان در راه خداوند متعال هزینه کرده و انفاق می‌نمایند. قابل ذکر است که:

فقط در این آیه شریفه نیست که مسئله انفاق و زکات بلافاصله پس از موضوع اقامه نماز آمده است، بلکه در اکثریت قریب به اتفاق آیات شریفه‌ای که امر به اقامه نماز شده «اعم از اینکه **أَقَامُوا الصَّلَاةَ، يُقِيمُوا الصَّلَاةَ، يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ** آمده باشد»، بلافاصله امر به انفاق و پرداخت زکات شده است که حاکی از اهمیت فوق‌العاده این دو فریضه می‌باشد.

ذیل آیات اول تا پنجم سوره بقره احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شد که طبق آن احادیث شریف کسی که زکات مالش را نپردازد «حقوق شرعی خویش اعم از خمس و زکات» نمازش مورد قبول واقع نمی‌شود.

نهمین ویژگی و خصوصیت اولوالالباب این است که: *وَيَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ* = اولوالالباب کسانی هستند که آنها به وسیله حسنات «کارهای نیک و پسندیده» سیئات خودشان «گناهان و کارهای زشت» را از بین می‌برند، یعنی:

اگر عمل زشتی از آنها سرزد و احیاناً مرتکب گناه شدند با انجام عمل صالح و کار نیک، عمل زشت و گناه خودشان را از بین می‌برند «ضمن توبه و استغفار با انجام عمل صالح سیئات خودشان را از بین می‌برند»، و اثر آن عمل زشت و گناه را محو می‌نمایند.

به عبارت دیگر:

اولوالالباب پس از انجام عمل زشت و ارتکاب گناه که ممکن است از آنها سربزند علاوه بر توبه و ابراز ندامت و تصمیم به عدم تکرار آن، اعمال صالح و پسندیده انجام می‌دهند تا با عنایت و فضل خداوند متعال اثر آن لغزش و گناه محو شده و از بین برود، و در همین رابطه خداوند متعال در آیه ۱۱۴ سوره هود می‌فرماید:

*إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ*، یعنی:

حسنات «کارهای نیک اعم از واجب و مستحب»، سیئات را از میان می‌برند و آثار آن را محو می‌کنند،

و این امر ناشی از لطف و فضل خداوند متعال به بندگانش می‌باشد،

بنابراین:

اولوالالباب «صاحبان عقل و خرد، عقلا» دارای نه ویژگی و خصوصیت می‌باشند «نه ویژگی که در این آیات شریفه به آنها اشاره شده است»، به قرار ذیل:

۱. قدرت تفریق «فرق گذاشتن» و قدرت تمیز بین حقّ و باطل دارند و متعاقب آن از حقّ تبعیت می‌کنند.

۲. به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفا نموده و پیمان‌شکنی نمی‌کنند

۳. با کسانی ارتباط و پیوند برقرار می‌کنند که خداوند متعال امر به برقراری ارتباط و پیوند با آنها فرموده است.

۴. از خداوند متعال می‌ترسند «به علت پی بردن به عظمت خداوند متعال و

احساس سنگین بودن وظیفه عبودیت و بندگی در برابر خالق متعال».

۵. ترس از حسابرسی روز قیامت دارند و می ترسند از اینکه خداوند متعال به طور دقیق به اعمال آنها رسیدگی کرده و به اصطلاح مو را از ماست بکشد.

۶. در تمام مراحل زندگی صبور هستند و به قضا و قدر الهی رضایت دارند و هیچ گاه لب به اعتراض و شکایت نمی گشایند و همواره شاکر به درگاه الهی هستند.

۷. نماز را با تمام حدود و شرایط آن اقامه می کنند

۸. در راه خدا انفاق می کنند «با تمام امکاناتی که خداوند متعال در اختیار آنها قرار داده است»، که از جمله آنها انفاق مالی و زکات می باشد.

۹. چنانچه مرتکب لغزشی بشوند با انجام اعمال صالح آثار لغزش را محو نموده و از بین می برند «به وسیله حسنات، سیئات را از بین می برند».

خداوند متعال پس از اشاره به ویژگی ها و خصوصیات اولوالالباب در انتهای این آیه شریفه «آیه ۲۲ سوره رعد» به سرانجام و به عاقبت نیک آنها اشاره نموده و می فرماید:

أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ = عاقبت نیک و سرانجام پسندیده از آن اولوالالباب می باشد.

منظور از عُقْبَى الدَّارِ در این آیه شریفه بهشت عدن و خلود است، یعنی:

اولوالالباب سرانجام و عاقبت نیکی دارند یعنی وارد بهشت می شوند که در آیه بعد «آیه ۲۳ سوره رعد» به آن اشاره شده و آمده است که:

جَنَّاتٌ عِدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ = اولوالالباب به همراه پدران و همسران و فرزندان صالح خویش وارد بهشت هایی می شوند که برای همیشه داخل آنها خواهند بود و در همین حال:

وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ = ملائکه الهی از هر دری «درهای هشت گانه بهشت» به آنها وارد شده و با آنها صحبت می کنند که در آیه بعد «آیه ۲۴» به آن اشاره شده است و آن این است که:

ملائکه الهی به اولوالالباب که وارد بهشت شده اند می گویند:

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ = سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتان،

چه پایان نیک و چه سرانجام خوبی.

در واقع ملائکه الهی اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و همیشگی در بهشت عدن بشارت می دهند که هرگز دچار ناراحتی و غم و اندوه نخواهید شد و همه اینها به خاطر صبری است که شما «اولوالالباب» در دنیا داشتید. ملاحظه فرمودید که:

برای اولوالالباب نه ویژگی بیان شد لیکن در این آیه شریفه «آیه ۲۴ سوره رعد» انگشت بر روی یکی از آنها گذاشته شده و آن هم موضوع صبر است، یعنی: ملائکه الهی به اولوالالباب می گویند:

سلام بر شما که در دنیا صبور بودید و به خاطر جلب رضایت خداوند متعال در تمام مراحل زندگی یعنی هنگام طاعت و عبادت، هنگام مواجه شدن با معصیت، و هنگام مواجه شدن با مصیبت صبر پیشه می کردید، لذا در آیه ۲۴ سوره رعد از بین تمام ویژگی های اولوالالباب فقط به موضوع صبر اشاره شده و این امر حاکی از اهمیت فوق العاده صبر می باشد. از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ،  
وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ،  
وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ، یعنی:

صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به تن «بدن»، همچنان که تن و بدن بدون سر ارزشی ندارد، ایمان بدون صبر نیز ارزش و فایده ای ندارد. در رابطه با اهمیت صبر به یک آیه شریفه نیز اشاره می شود.

خداوند متعال در آیه دهم سوره زمر می فرماید:

إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ، یعنی:

صابران و شکیبایان اجر و پاداش خودشان را بی حساب دریافت می کنند «خداوند متعال اجر و پاداش صابران را بی حساب می دهد».

آیه بعد «آیه ۲۵ سوره رعد» در رابطه با افرادی است که عهد خودشان را با خدا شکسته و با کسانی که خداوند متعال امر به پیوند داده قطع ارتباط نموده‌اند.

در این آیه شریفه «آیه ۲۵» خداوند متعال می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ = کسانی که عهد الهی را بعد از محکم کردن می‌شکنند، یعنی:

کسانی که عهد و پیمانی را که با خداوند متعال منعقد نموده‌اند می‌شکنند «عهد و پیمان خویش را با خداوند متعال می‌شکنند».

ذیل آیه ۲۰ سوره رعد راجع به عهد و پیمانی که خداوند متعال از انسان‌ها گرفته صحبت شد و به عرض رسید که:

اولوالالباب دارای ویژگی‌های هستند و یکی از ویژگی‌های آن‌ها این است که به عهد و پیمان خداوند متعال وفا نموده و هرگز پیمان‌شکنی نمی‌کنند،

و سپس در انتهای آن آیات شریفه «آیه ۱۹ تا ۲۴» به سرنوشت نیک آن‌ها در قیامت اشاره شد که بهشت عدن جایگاه آن‌ها است «گفته شده که جنات عدن جایگاه و محل خاصی از بهشت می‌باشد که به افراد ویژه‌ای اختصاص دارد».

در این آیه شریفه «آیه ۲۵ سوره رعد» صحبت از افرادی است که عهد و پیمان خداوند متعال را می‌شکنند، و:

وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ = قطع رابطه می‌کنند با کسانی که خداوند متعال امر به پیوند با آن‌ها صادر فرموده است، یعنی:

دقیقاً مخالف دستور خداوند متعال عمل می‌کنند، یعنی:

با کسانی که خداوند متعال امر فرموده پیوند و ارتباط داشته باشند قطع ارتباط می‌کنند.

افراد مدّ نظر این آیه شریفه «آیه ۲۵ سوره رعد» نقطه مقابل اولوالالباب می‌باشند، یعنی

اولوالالباب به عهد خداوند متعال وفا می‌کنند،

اما این‌ها عهد خدا را می‌شکنند.

اولوالالباب با کسانی ارتباط و پیوند برقرار می‌کنند که خداوند متعال امر به ارتباط

و پیوند با آنها را صادر فرموده است، اما اینها قطع رابطه می‌کنند با کسانی که خداوند متعال امر به ارتباط با آنها را صادر فرموده است.

اینکه مقصود از عهد خداوند متعال چیست، و اینکه خداوند متعال امر به پیوند و ارتباط با چه کسانی را صادر فرموده انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد. در ادامه آیه شریفه «آیه ۲۵» آمده که: **وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ** = در روی زمین فساد می‌کنند. فساد نقطه مقابل صلاح است و به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود «هر ظلم و هر گناهی فساد محسوب می‌شود».

در ادامه آیه شریفه به سرنوشت این گروه اشاره شده و آمده است که: **أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ** = برای آنها است لعنت الهی و بدی سرای آخرت، یعنی:

برای آنها است لعنت الهی «دور شدن از رحمت خداوند متعال» و محرومیت از بهشت، همچنین برای آنها است عذاب ابدی و همیشگی جهنم.

### توضیح:

در این آیات شریفه دو گروه و دو طایفه مورد بحث می‌باشند: الف) اولوالالباب که آیه ۱۹ تا ۲۴ سوره رعد به ویژگی‌ها و خصوصیات آنها و به سرانجام کار آنها در آخرت اشاره می‌کند.

ب) گروهی که نقطه مقابل اولوالالباب واقع شده‌اند و آیه ۲۵ سوره رعد و به ویژگی‌ها و خصوصیات آنها و به سرانجام کار آنها در آخرت اشاره می‌کند. ذیلاً ویژگی‌ها و مشخصات اولوالالباب و ویژگی‌ها و مشخصات گروه مقابل آنها را در مقایسه با یکدیگر ملاحظه می‌فرمائید «به طور اختصار»:



۱. اولوالالباب به عهد خویش با خداوند متعال وفا می‌کنند و هرگز پیمان‌شکنی نمی‌کنند «آیه ۲۰»، لیکن:

گروه مقابل آن‌ها نقض عهد نموده و پیمان‌شکنی نموده و عهد خویش با خدا را می‌شکنند «آیه ۲۵».

۲. اولوالالباب با کسانی ارتباط و پیوند برقرار می‌کنند که خداوند متعال امر به ارتباط و پیوند با آن‌ها را صادر فرموده است «آیه ۲۱»، لیکن:

گروه مقابل آن‌ها با کسانی که خداوند متعال امر به پیوند و ارتباط صادر فرموده قطع ارتباط می‌کنند «آیه ۲۵».

۳. اولوالالباب به طور آشکار و نهان در راه خدا انفاق می‌کنند و احیاناً اگر مرتکب لغزش و گناهی بشوند با انجام اعمال صالح آثار لغزش خودشان را از بین می‌برند «آیه ۲۲»، لیکن:

گروه مقابل آن‌ها نه تنها عمل صالح انجام نمی‌دهند بلکه همواره مرتکب خطا و گناه شده و در روی زمین فساد می‌کنند «آیه ۲۵»

و نتیجه این می‌شود که:

۴. ملائکه الهی به اولوالالباب می‌گویند سَلَامٌ عَلَیْكُمْ، یعنی: سلامتی و امنیت ابدی و همیشگی در انتظار اولوالالباب می‌باشد «آیه ۲۴»، لیکن:

برای گروه مقابل آن‌ها لعنت ابدی و همیشگی است «آیه ۲۵».

۵. سرنوشت اولوالالباب عُقَبَى الدَّارِ می‌باشد، یعنی ورود به بهشت عدن و خُلُود در آن «آیه ۲۳ و ۲۴»، لیکن:

برای گروه مقابل آن‌ها سُوء الدَّارِ است، یعنی عذاب الیم و ابدی جهنم «آیه ۲۵». اینکه مصداق اولوالالباب در آیات شریفه قرآن کریم چه کسانی هستند و مصداق گروه مقابل آن‌ها «افراد مدّ نظر آیه ۲۵ سوره

رعد» چه افرادی می‌باشند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

(الف) احادیث مربوط به اولوالالباب و اینکه مقصود از اولوالالباب «صاحبان عقل» در آیه ۱۹ سوره رعد و دیگر آیات شریفه قرآن کریم چه کسانی می‌باشند.

۱. عقبه بن خالد می‌گوید:

من به اتفاق معلی بن خنیس و چند نفر دیگر از شیعیان به منزل امام صادق علیه‌السلام رفته و خدمت آن حضرت شرفیاب شدیم.

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام وقتی ما را مشاهده نمودند به ما خوش آمد گفته و ما را مورد تفقد قرار داده و به ما فرمودند:

أَنْتُمْ أَوْلُو الْأَلْبَابِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:  
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُو الْأَلْبَابِ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام، عقبه بن خالد و معلی بن خنیس و دیگر شیعیان خویش را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها فرمودند:

مقصود از اولوالالباب «صاحبان عقل، عقلا، خردمندان» در قرآن کریم شما شیعیان هستید که خداوند متعال در قرآن کریم «در چندین آیه» می‌فرماید:

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُو الْأَلْبَابِ، یعنی:

فقط شیعیان اثنی عشری صاحبان عقل هستند «اولوالالباب هستند» و متذکر می‌شوند و می‌فهمند.<sup>۲</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۲ تا ۵۶، ۵۸، ۵۹.

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۵۲.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰ تا ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۷.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۴، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۶۱، حدیث ۷۸ «حدیث ۵۱۹۱».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۲۳.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۴، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۹ سوره زمر».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۲۴ «حدیث ۹۶۷۹» «ذیل آیه ۹ سوره زمر».

**توضیح:**

طبق این حدیث شریف و نورانی که ملاحظه فرمودید و دیگر احادیثی که ملاحظه خواهید فرمود مقصود از اولوالالباب «صاحبان عقل» شیعیان اثنی عشری هستند و لاغیر.

ذیل آیه ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد ملاحظه فرمودید که:

فقط اولوالالباب قدرت تمیز و قدرت تفریق «فرق گذاشتن» بین حق و باطل را دارند،

فقط اولوالالباب به عهد خویش با خداوند متعال وفا می کنند، و ویژگی های دیگری که ذیل آن آیات شریفه مطرح گردید و راجع به آنها توضیحات لازم به عرض رسید.

بنابراین:

معنی آیه ۱۹ سوره رعد «تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن» این می شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

آیا کسانی که می دانند آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده حق می باشد، آیا اینها همانند کسانی هستند که کوردل و نابینا می باشند، و آیا این دو گروه یکسان و همانند هم می باشند،

و در انتهای آیه ۱۹ سوره رعد آمده که:

این حقیقت را فقط اولوالالباب متذکر می شوند و می فهمند.

با توجه به اینکه مقصود از اولوالالباب شیعیان دوازده امامی هستند لذا معنی مختصر و خلاصه این آیه شریفه «آیه ۱۹ سوره رعد» این می شود که:

فقط شیعیان دوازده امامی هستند که آنچه را که خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل فرموده بدون کم و کاست قبول دارند و آنها را حق می دانند، یعنی:

هر آنچه را که خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل فرموده حق می دانند و به آن ایمان دارند نه اینکه به بعضی از آنها ایمان داشته باشند و به بعضی دیگر کفر بورزند، لذا:

معنی آیه شریفه این می شود که:

آیا شیعیان دوازده امامی که به تمام آنچه که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده ایمان دارند و آن را حق می‌دانند، آیا این شیعیان با دیگران که اینگونه نیستند یکسان می‌باشند، یعنی:

آیا شیعیان دوازده امامی با غیرشیعیان که در این آیه شریفه از آن‌ها به نام اعمی و کوردل یاد شده است یکسان و مساوی می‌باشند.

پاسخ این است که:

هرگز شیعیان اثنی عشری با دیگران یکسان نیستند، زیرا:

در آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد آمده که:

اولوالالباب «یعنی شیعیان اثنی عشری» که دارای نه ویژگی هستند دارای سرانجام و عاقبت نیکویی هستند که از آن به عنوان عُقَبَى الدَّار یاد شده و اضافه شده است که:

اولوالالباب «یعنی شیعیان دوازده امامی» وارد جَنَّتِ عَدْنِ می‌شوند که جایگاه خاص و ویژه‌ای در بهشت می‌باشد، لیکن:

غیرشیعیان که عهدشکنی نموده و پیمان خویش را با خداوند متعال زیر پا گذاشتند و با کسانی که خداوند متعال امر به برقراری ارتباط فرموده بود قطع رابطه نمودند «مضمون و محتوای آیه ۲۵ سوره رعد»، سرنوشت شومی دارند و عذاب الیم و ابدی جهنم در انتظار آن‌ها است.

عرض شد که:

اولوالالباب «یعنی شیعیان اثنی عشری» به آنچه که خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل فرموده ایمان دارند و آن را حق می‌دانند «به تمام آنچه که به پیامبر اکرم نازل شده نه به بعضی از آن‌ها»، و مهم‌ترین چیزی که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد به نحوی که خداوند متعال در آیه ۶۷ سوره مائده به پیامبر اکرم می‌فرماید که اگر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام را به مردم ابلاغ نکنی گویا وظیفه رسالت خویش را انجام نداده‌ای و ابلاغ رسالت نکرده‌ای.

خداوند متعال در آیه ۶۷ سوره مائده پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، یعنی:  
ای پیامبر:

آنچه را که از طرف پروردگارت به تو نازل شده «در مورد امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام» به مردم برسان و به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی ابلاغ رسالت ننموده‌ای «مثل اینکه هیچ کاری نکرده‌ای».  
با این توضیحاتی که به عرض رسید معنی آیه ۱۹ سوره رعد این می‌شود که:  
خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

آیا کسی که می‌داند که آنچه از ناحیه پروردگارت به تو نازل شده حق می‌باشد «از جمله موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام»، و به تمام آنچه که از ناحیه پروردگارت به تو نازل شده ایمان دارد، آیا:

این فرد یا این افراد مساوی و یکسان هستند با کسانی که این اعتقاد را ندارند، و سپس اضافه شده که:

و این موضوع را فقط اولوالالباب یعنی فقط شیعیان دوازده امامی متذکر می‌شوند و می‌فهمند، و خلاصه کلام اینکه:

آیا شیعیان دوازده امامی که به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت و از نسل صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها ایمان دارند و آن را حق می‌دانند و نازل شده از جانب خداوند متعال می‌دانند، آیا این‌ها با دیگران که چنین عقیده‌ای ندارند و در این آیه شریفه «آیه ۱۹ سوره رعد» اعمی و کوردل معرفی شده‌اند یکسان هستند.

آیات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ سوره رعد به این سؤال پاسخ می‌دهند که:  
هرگز این دو طایفه و این دو گروه در پیشگاه خداوند متعال یکسان و برابر نیستند، زیرا:

شیعیان دوازده امامی که همان اولوالالباب باشند همراه با پدران و همسران و فرزندان صالح خویش وارد بهشت می شوند آن هم بهشت و جنت عدن، در حالی که ملائکه الهی به آنها سلام می دهند، لیکن:

غیر شیعیان به علت نپذیرفتن ولایت و امامت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده روز قیامت گرفتار لعنت خداوند متعال شده و جایگاه آنها جهنم می باشد و عذاب الیم و ابدی جهنم در انتظار آنها می باشد «مضمون و محتوای آیه ۲۵ سوره رعد».

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با حدیث اول می پردازیم به ادامه احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام.

قابل ذکر است که این احادیث شریف «حدیث دوم و به بعد» ذیل آیه نهم سوره زمر آمده اند.

خداوند متعال در آیه نهم سوره زمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می فرماید:

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ، یعنی:

ای پیامبر:

به مردم بگو:

آیا کسانی که می دانند «عالمان - آگاهان» با کسانی که نمی دانند «جاهلان - ناآگاهان» یکسان و مساوی هستند،

نه، هرگز این دو طایفه «عالمان و جاهلان» با یکدیگر مساوی و برابر نیستند،

اما این موضوع را فقط اولوالالباب متذکر می شوند و می فهمند.

اینکه مقصود از عالمان چه کسانی هستند و مقصود از جاهلان و ناآگاهان چه افرادی هستند و منظور از اولوالالباب چه کسانی می باشند در ادامه بحث و در بخش حدیث «ادامه بخش حدیث» ملاحظه خواهید فرمود.

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» فرمودند:

إِنَّمَا نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ،  
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ عَدُوْنَا،  
وَشَيْعَتُنَا أَوْلُو الْأَلْبَابِ، یعنی:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
فقط ما هستیم که می دانیم «ما هستیم عالمان»،  
آنان که نمی دانند دشمنان ما هستند «دشمنان ما جاهل و ناآگاه می باشند»،  
و شیعیان ما اولوالالباب هستند «شیعیان ما صاحبان عقل و خرد می باشند».  
این حدیث شریف را جابر از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به ابوبصیر فرمودند:  
ای ابوبصیر:

خداوند متعال ما را و شیعیان ما را و دشمنان ما را در آیه ای از آیات شریفه قرآن  
کریم یاد نموده و فرموده:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره  
زمر»، پس ای ابابصیر:

نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ، وَ عَدُوْنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، وَ شَيْعَتُنَا أَوْلُو الْأَلْبَابِ، یعنی:  
ما هستیم عالمان «ما کسانی هستیم که می دانند»،  
و دشمنان ما جاهلانند «دشمنان ما کسانی هستند که نمی دانند»،  
و شیعیان ما اولوالالباب «صاحبان عقل» هستند.<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۰۷، حدیث ۱ «حدیث ۵۴۷».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۳۸.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۷۰.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۱، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۵، حدیث ۲۰ «حدیث ۹۶۷۵».

۲. مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۳.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۳۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۲، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۵، حدیث ۱۷ «حدیث ۹۶۷۲».

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۱۷.

۴. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» فرمودند:  
 ما همان کسانی هستیم که می دانیم «ما عالمیم»،  
 دشمنان ما کسانی هستند که نمی دانند «دشمنان ما همان جاهلانند»،  
 و شیعیان ما اولوالالباب «صاحبان عقل، عاقلان» می باشند.  
 این حدیث را ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۵. محمد بن مروان می گوید:

از وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» سؤال کردم که مقصود از کسانی که می دانند و نمی دانند چه کسانی هستند و مقصود از اولوالالباب چه افرادی می باشند.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از کسانی که می دانند ما هستیم «ما هستیم عالمان»،  
 مقصود از کسانی که نمی دانند دشمنان ما هستند «جاهلان و ناآگاهان دشمنان ما هستند»

و مقصود از اولوالالباب «صاحبان عقل» شیعیان ما هستند.<sup>۲</sup>

۶. حسن عجلی می گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی از آن حضرت سؤال کرد:  
 یابن رسول الله:

مقصود از عالمان و جاهلان «کسانی که علم دارند و می دانند، و کسانی که جاهل و نادان هستند و نمی دانند» و مقصود از اولوالالباب در این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۳، حدیث ۹.

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۲۵ «حدیث ۹۶۸۰».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۳، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۲۶ «حدیث ۹۶۸۱».



يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» چه کسانی هستند.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

ما کسانی هستیم که می دانند «مقصود از عالمان ما هستیم»،

دشمنان ما کسانی هستند که نمی دانند «مقصود از افراد جاهل و نادان دشمنان ما

می باشند»،

و شیعیان ما اولوالالباب هستند «مقصود از اولوالالباب شیعیان ما هستند»<sup>۱</sup>.

قابل ذکر است که:

ذیل آیه نهم سوره زمر نیز در این رابطه توضیحاتی به عرض رسیده است.

ب) احادیث مربوط به آیه ۲۰ سوره رعد و اینکه مقصود از عهد خداوند متعال

در این آیه شریفه چه می باشد.

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ، فَمَنْ وَفَا بَعِثْنَا فَقَدْ وَفَى بِعَهْدِ اللَّهِ،

وَمَنْ خَفَرَهَا فَقَدْ خَفَرَ ذِمَّةَ اللَّهِ وَعَهْدَهُ، یعنی:

ما هستیم عهد و پیمان خداوند متعال، پس:

هر کس به عهد و پیمان ما وفا کند به عهد و پیمان خداوند متعال وفا نموده است،

و هر کس با ما پیمان شکنی نماید عهد و پیمان خداوند متعال را شکسته است.

این حدیث را خیشمه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ - آیه بیستم سوره رعد» در

شان آل محمد علیهم السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده

است.

خداوند متعال در روز آلت و در عالم ذر «قبل از خلقت جسم انسانها» از مردم

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۴، حدیث ۱۲.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۲۱، حدیث ۳ «حدیث ۵۸۴».

برای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه معصومین بعد از آن حضرت عهد و پیمان گرفته است.

این حدیث را محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

در توضیحات ذیل آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد به عرض رسید که:

اولوالالباب «انسان‌های عاقل» دارای ویژگی‌هایی هستند که اولین ویژگی آن‌ها این است که قدرت تفریق و تمیز بین حق و باطل دارند و به دنبال این تشخیص به دنبال حق رفته و از آن تبعیت می‌نمایند.

در احادیث ذیل آیه ۱۹ سوره رعد ملاحظه فرمودید که:

مقصود از اولوالالباب شیعیان دوازده امامی هستند که حق را از باطل تمیز داده و به دنبال آن رفتند و از آن تبعیت نمودند،

یعنی به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان آورده ولایت و امامت آن ذوات مقدسه را پذیرفتند و دستورات آن بزرگواران را بدون قید و شرط اجرا نمودند.

شیعیان اثنی عشری اولوالالباب هستند و دیگران بی عقل و بی مغز می‌باشند که در آیه ۱۹ سوره رعد از آن‌ها به عنوان اعمی «نابینا و کوردل» یاد شده است، زیرا:

عاقل واقعی و حقیقی کسی است که در دنیا از حُجج خداوند متعال اطاعت نماید و در آخرت برای همیشه از انواع نعمات الهی بهره‌مند شود، یعنی عاقل کسی است که دنیای فانی و زودگذر را مقدمه‌ای برای جهان ابدی خویش قرار دهد و آخرت خویش را آباد نماید و انشاءالله تعالی شیعیان دوازده امامی اینگونه می‌باشند، و هر کس غیر از این باشد بهره‌ای از عقل نبرده است، یعنی:

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۷، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۶۱، حدیث ۸۰ «حدیث ۵۱۹۳».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۲۲.

کسی که دنیای فانی و زودگذر خویش را آباد نماید و جهان ابدی خویش را خراب کند و خودش را گرفتار عذاب ابدی و همیشگی جهنم نماید قطعاً ذره‌ای عقل ندارد گرچه مردم در دنیا او را عاقل بپندارند، و غیر شیعه در این صنف و گروه واقع شده‌اند، و به همین لحاظ در احادیثی که به عرض رسید ملاحظه فرمودید که مقصود از اولوالالباب «انسان‌های دارای عقل» فقط شیعیان اثنی عشری هستند و لا غیر.

دومین ویژگی اولوالالباب این است که به عهد خداوند متعال وفا می‌کنند، و با توجه به احادیث ذیل آیه بیستم سوره رعد که منظور از عهد و پیمان خداوند متعال پذیرش امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام عنوان شده است، لذا: اولوالالباب کسانی هستند که به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت و از نسل صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها ایمان آورده و از آن بزرگواران اطاعت می‌نمایند، و این‌ها همان شیعیان دوازده امامی هستند که مطیع محض ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده و آن ذوات مقدسه را که حجت خداوند متعال و امام منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشند به عنوان امام خویش انتخاب نموده‌اند.

ج) احادیث مربوط به آیه ۲۱ سوره رعد و اینکه خداوند متعال به مردم دستور داده تا با آل محمد علیهم‌السلام ارتباط و پیوند برقرار نمایند «ادامه احادیث ذیل آیه ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد».

۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

همانا رَحِم به عرش الهی آویخته و می‌گوید:

خداوندا:

با آن کس که با من ارتباط و پیوند برقرار نموده ارتباط و پیوند برقرار فرما،

و با هر کس که با من قطع رابطه نموده با او قطع رابطه فرما.

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

گوینده این سخنان رَحِم آل محمد علیهم‌السلام هستند «یعنی اهل بیت پیامبر اکرم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» که خداوند متعال می فرماید:  
 «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ - آیه ۲۱، سوره رعد».  
 این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

آویختن رَحِم به عرش کنایه از درخواست حقّ خویش است در محضر خداوند متعال و سرعت اجابت او؛

رَحِم = قوم و خویش، فامیل «جمع رَحِم می شود اَرْحَام»؛  
 مقصود این حدیث شریفه این است که:

آل محمّد علیهم السلام یعنی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خداوند متعال عرض می کنند:  
 خداوند!

با کسانی که با ما ارتباط و پیوند برقرار نموده اند «امامت و ولایت ما را پذیرفته اند و از ما اطاعت می کنند» ارتباط و پیوند برقرار فرما «یعنی رحمت خویش را شامل حال آن ها بفرما»،

و با کسانی که با ما قطع ارتباط نموده اند «امامت و ولایت ما را انکار نموده و از دستورات ما سرپیچی نموده و می نمایند» قطع ارتباط بفرما «یعنی رحمت خویش را شامل حال آن ها نفرما».

با توجه به اینکه دعای آل محمّد علیهم السلام مُستجاب می باشد لذا کسانی که امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه را بپذیرند و از دستورات آن ذوات مقدّسه اطاعت نمایند «واجبات را انجام داده و محرّمات را ترک نمایند» مشمول رحمت حق تعالی واقع شده و وارد جنّت عدنّ خواهند شد که در آیه ۲۳ سوره رعد به آن ها اشاره شده است. این افراد که در آیه ۱۹ سوره رعد از آن ها به عنوان اولوالالباب یاد شده همان

۱. اصول کافی، جلد سوّم، صفحه ۲۲۲، حدیث ۷، «حدیث ۱۹۷۱».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۲۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۵، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۶۷۱، حدیث ۸۱، «حدیث ۵۱۹۴».

شیعیان اثنی عشری هستند که وارد جَنَّتِ عَدْنِ «بهشتِ عَدْن» خواهند شد و برای همیشه از انواع نعمات بهشتی بهره‌مند خواهند شد، و افرادی هم که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و اهل بیت پیامبر اکرم را انکار نمایند و از دستورات آن ذوات مقدسه سرپیچی نمایند مورد لعنت خداوند متعال واقع خواهند شد و گرفتار عذاب الیم و ابدی جهنم خواهند شد که در آیه ۲۵ سوره رعد به آن‌ها اشاره شده است.

۲. عمر بن یزید می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:

یابن رسول‌الله:

منظور این آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ - آیه ۲۱ سوره رعد»

چیست؟

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

این آیه شریفه در رابطه با ارتباط و پیوند با آل محمد علیهم‌السلام و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و در مورد اقوام و خویشاوندان تو نیز می‌باشد.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدس امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام فرمودند:

این آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ - آیه ۲۱ سوره رعد» در شأن آل محمد علیهم‌السلام نازل شده و آل محمد علیهم‌السلام به عرش الهی آویخته و به خداوند متعال عرض می‌کنند:

اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي، یعنی:

۱. اصول کافی، جلد سوم، صفحه ۲۲۸، حدیث ۲۸ «حدیث ۱۹۹۲».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۵۶.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۲۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۶، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۶۳، حدیث ۸۴ «حدیث ۵۱۹۷».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۲۰.

خداوند:

پیوند برقرار فرما با کسانی که با ما پیوند دارند،  
و قطع ارتباط فرما با کسانی که با ما قطع ارتباط نموده‌اند.  
وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ بَعْدَهَا فِي أَرْحَامِ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

این موضوع «وجوب صله رَحِم و شکایت ارحام به خداوند متعال از کسانی که با آنها قطع رَحِم نموده‌اند، و دعا نسبت به ارحامی که صله رَحِم به جای آورده‌اند» نسبت به ارحام مؤمنین نیز جریان دارد.

قابل ذکر است که مقصود از مؤمنین در روایات و احادیث کسانی هستند که ایمان کامل دارند، یعنی به خدا و رسول خدا و ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان دارند، لذا مؤمن در احادیث یعنی شیعیان.

این حدیث شریف را محمّد بن فضیل و علاء بن فضیل از وجود مقدّس امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام نقل نموده‌اند.<sup>۱</sup>

۴. عمر بن مریم می‌گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ - آیه ۲۱ سوره رعد» سؤال کردم.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

مِنْ ذَلِكَ صِلَةُ الرَّحِمِ، وَ غَايَةُ تَأْوِيلِهَا صِلَتُكَ إِيَّانَا، یعنی:

۱. اصول کافی، جلد سوّم، صفحه ۲۲۸، حدیث ۲۶ «حدیث ۱۹۹۰».

مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۴.

المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۲۵۶.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۷، حدیث ۷.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۸، حدیث ۱۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۸، حدیث ۱۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۲۲، حدیث ۲۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۶۵، حدیث ۸۷ «حدیث ۵۲۰۰».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۶۵، حدیث ۸۹ «حدیث ۵۲۰۲».

یکی از معانی این آیه شریفه صلّه رَحِم می باشد «پیوند و ارتباط با اقوام و بستگان خودتان»، لیکن:

عالی ترین و کامل ترین مصداق این آیه شریفه و مصداق اتم و اکمل آن صلّه و پیوند با آل محمّد علیهم السّلام و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ - آیه ۲۱ سوره رعد» فرمودند:

هُوَ صَلَّةُ الْإِمَامِ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِمَا قَلَّ أَوْ كَثُرَ، ثُمَّ قَالَ:

وَمَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا تَزْكِيَتَكُمْ، يَعْنِي:

منظور این آیه شریفه برقرار ساختن ارتباط و پیوند با امام معصوم می باشد در هر سال از طریق کمک مالی، کم باشد یا زیاد «احتمالاً منظور تقدیم خمس به محضر مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد».

امام صادق علیه السّلام سپس فرمودند:

منظور من از این کار فقط تزکیه نمودن و پاک کردن شما است «پرداختن خمس اموال به ائمه معصومین علیهم السّلام توسط شیعیان، نتیجه اش تزکیه و پاک شدن اموال شیعیان می شود».

این حدیث را حسین بن موسی نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که مقصود از اولوالالباب شیعیان اثنی عشری می باشند، لذا چنانچه شیعیان دوازده امامی مطیع محض اوامر و دستورات ائمه معصومین علیهم السّلام باشند و دستورات آن ذوات مقدّسه را که دستورات خداوند متعال می باشد بدون چون و

۱. المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۲۵۶.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۹، حدیث ۱۳.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۲۰، حدیث ۱۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۶۵، حدیث ۹۰ «حدیث ۵۲۰۳».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۲۰-۲۲۱.

چرا اجرا نمایند و به تکلیف شرعی خویش عمل نمایند که به قسمت‌هایی از آنها ذیل آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره رعد اشاره شد، یعنی:

نماز را به پا دارند،

حقوق شرعی خویش را ادا نمایند «پرداختن خمس و زکات و سایر دیون شرعی»،  
از خداوند متعال بترسند که نتیجه ترس از خداوند متعال احتراز از معاصی و گناهان است،

از دقت در رسیدگی به اعمالشان در روز قیامت بترسند،

در تمام مراحل زندگی خویش صبور باشند «صبر در طاعت، صبر در معصیت، صبر در مصیبت و هنگام مواجه شدن با گرفتاری و بیماری و فقر و...»،  
و انجام سایر تکالیف شرعی که در آیات دیگر قرآن کریم و احادیث به آنها اشاره شده، در این صورت:

شیعیان به همراه پدران و همسران و فرزندان صالح خویش وارد جَنَّتِ عَدْنُ می‌شوند و از انواع نعمات بهشتی بهره‌مند می‌شوند، و خلاصه کلام اینکه خداوند متعال به این شیعیان با عمل وعده انواع نعمات بهشتی داده و فرموده:

«أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ - آیه ۲۲ سوره رعد».

عرض شد که:

شیعیان دوازده امامی در صورت انجام تکالیف شرعی خویش «انجام واجبات و ترک محرّمات» مورد شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام واقع شده و خداوند متعال نیز با فضل خویش انشاءالله تعالی از نواقص اعمال آنها چشم‌پوشی خواهد فرمود و آنها را به جَنَّتِ عَدْنُ «بهشت عدن» وارد خواهد نمود.

آنچه که از سایر آیات شریفه قرآن کریم و از احادیث و روایات استفاده می‌شود این است که:

جَنَّتِ عَدْنُ محل خاصی از بهشت است که اختصاص به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام و جمعی از خواص از پیروان آنها «شیعیان واقعی و راستین» که به تکالیف شرعی خویش عمل می‌کنند» دارد و خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره رعد به شیعیان با عمل وعده جَنَّتِ نَعِيمِ داده است.



به عنوان تیمن و تبرک به دو حدیث شریف اشاره می‌شود «در رابطه با جنات عدن».

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نمودند که ان حضرت فرمودند:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي وَ يَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنِ الَّتِي غَرَسَهَا اللَّهُ رَبِّي بِيَدِهِ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلْيَتَوَلَّ وَلِيَّهُ، وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لْيَسَلِّمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عَشْرَتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي، أَعْطَاهُمْ اللَّهُ فَهْمِي وَ عِلْمِي،

إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا أَمْرَ أُمَّتِي،

الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ،

الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صَلَاتِي،... یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس می‌خواهد مثل من زندگی کند و مثل من از دنیا برود «زندگی و مرگش مثل زندگی و مرگ من باشد»،

و داخل جنت عدن بشود که پروردگارم به دست قدرت خود آن را کاشته است «ساخته است».

باید علی بن ابیطالب علیه‌السلام را دوست بدارد و از او اطاعت کند و با دوست علی بن ابیطالب دوستی نماید و با دشمن علی بن ابیطالب دشمنی نماید و تسلیم و مطیع اوصیاء آن حضرت باشد «تسلیم و مطیع ائمه معصومین علیهم‌السلام باشد و از آنها اطاعت نماید»، زیرا:

آن‌ها اهل بیت من و عترت من هستند و از گوشت و خون من می‌باشند، و خداوند متعال فهم و علم مرا به آنان اعطا فرموده است؛

من از کار ائمتم به خداوند متعال شکایت می‌کنم،

از دست آن عده از ائمتم که فضیلت اهل بیت مرا انکار نمایند و با آنها قطع ارتباط نمایند «در حالی که طبق آیه ۲۱ سوره رعد مردم موظف به ارتباط و پیوند با آنها هستند».

این حدیث را ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup> همچنین از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرمودند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَمَاتِي وَ يَسْكُنَ جَنَّتِي الَّتِي وَ عَدَنِي اللهُ رَبِّي جَنَّاتِ عَدْنِ...  
فَلْيُؤَالِ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ بَعْدِهِ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس دوست دارد و خشنود می شود که زندگی و مرگش مانند زندگی و مرگ من باشد،

و در بهشتی که خداوند متعال به من وعده فرموده و در جَنَاتِ عَدْنِ ساکن شود باید از علی بن ابیطالب علیه السلام و از ذرّیه او «یعنی از ائمه علیهم السلام» اطاعت نماید و آن‌ها را دوست داشته باشد.<sup>۲</sup>

(د) حدیث مربوط به آیه ۲۵ سوره رعد و اینکه این آیه شریفه اوضاع و احوال دشمنان آل محمد علیهم السلام و دشمنان اهل بیت پیامبر اکرم را بیان می فرماید.

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۵ سوره رعد» دشمنان آل محمد علیهم السلام را ذکر نموده و می فرماید:

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ، یعنی:

این آیه شریفه درباره دشمنان آل محمد علیهم السلام می باشد که عهد و پیمان خویش را با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شکستند در حالی که خداوند متعال در عالم ذر و پیامبر اکرم در روز غدیر خم از مردم برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امامت و ولایت آن حضرت عهد و پیمان گرفتند لیکن مردم این عهد و

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۹، حدیث ۵ «حدیث ۵۳۵».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۷۰، حدیث ۱۰۶ «حدیث ۵۲۱۹».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۲۴۷، حدیث ۲۳۵ «حدیث ۴۲۵۳».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۵۴ «ذیل آیه ۷۲ سوره توبه».

پیمان را نقض نموده و پیمان شکنی کردند «بعد از رحلت پیامبر اکرم امامت حضرت امیر علیه السلام را نپذیرفتند».

وجود مبارک امام رضا علیه السلام در پایان فرمایش فرمودند:  
خداوند متعال در انتهای آیه ۲۵ سوره رعد به سرنوشت دشمنان آل محمد  
علیهم السلام که عهد و پیمان خویش را با آنها شکسته و ارتباط و پیوند خویش را با  
آل محمد علیهم السلام قطع نموده‌اند اشاره نموده و می‌فرماید:

أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ، یعنی:

لعنت الهی است بر دشمنان آل محمد علیهم السلام،

و برای آنها است مجازات سرای آخرت، یعنی:

عذاب الیم و ابدی جهنم در انتظار دشمنان آل محمد علیهم السلام می‌باشد.

این حدیث را محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۲۹.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۱۷، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۷۷، حدیث ۱۱۶ «حدیث ۵۲۲۹».

### آیه ۲۷ و ۲۸ سوره رعد:

«قُلْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ» آیه ۲۷.  
 «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آیه ۲۸.

#### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

خداوند متعال هر کس را که بخواهد گمراه می کند و هر کس را که به طرف خداوند متعال باز گردد به سوی خویش هدایت می کند «آیه ۲۷».  
 آن‌ها «کسانی که انابه کرده و به سوی خدا بازگشته‌اند» کسانی هستند که: ایمان آورده‌اند و دل‌های آن‌ها با ذکر و با یاد خدا آرامش یافته است، بدانید و آگاه باشید که با یاد خدا و ذکر خدا دل‌ها آرامش می‌یابند «آیه ۲۸»<sup>۱</sup>.

#### شرح لغات و توضیحات:

ضَلَّاتٌ = گمراهی، عدول و انحراف از صراط مستقیم «ضدّ ضلالت هدایت است»؛

به هر نوع انحراف و عدول از راه راست ضلالت گفته می‌شود، خواه عمدی باشد خواه سهوی، خواه کم باشد خواه زیاد.

إِنَابَةٌ = رجوع به حقّ از طریق توبه، رجوع و بازگشت به خدا - با توبه و اخلاص عمل به سوی خدا بازگشتن؛

اطمینان = سکون و آرامش، آسودگی خاطر، خاطر جمعی؛

ذِكْرٌ = یاد کردن، یاد آوردن «حضور چیزی در قلب یا زبان»<sup>۲</sup>.

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۸.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۴۶.

۲. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۸.

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۶۳.  
مفردات راغب.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۷ سوره رعد» پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می‌فرماید:

ای پیامبر:

قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ = به مردم بگو:

خداوند متعال هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند، یعنی:

خداوند متعال هر کس را که به سوی خدا نرود و به سوی او رجوع ننماید و انا به نکند گمراه می‌کند.

به عبارت دیگر:

مشیت و اراده خداوند متعال بر گمراهی فردی تعلق می‌گیرد که آن فرد از خدا رویگردان شده و به طرف خدا بازگشت ننماید، یعنی:

خداوند متعال با مشیت و اراده خود کسی را گمراه می‌کند که آن کس به طرف خدا نرود، بنابراین:

گمراه بودن گمراهان مربوط به خودشان است که چون به طرف خدا نرفته‌اند و از خدا اطاعت نکرده‌اند لذا گمراه شده‌اند، و به دنبال آن مشیت و اراده خداوند متعال بر آن تعلق گرفته که کسانی که به طرف خدا نرفته‌اند گمراه باشند.

به هر حال نتیجه کلام این است که:

خداوند متعال ابتدا به ساکن و بدون مقدمه کسی را گمراه نمی‌نماید بلکه این انسان‌ها هستند که از خداوند متعال اعراض نموده و به سوی باطل می‌روند و آن زمان است که مشیت الهی بر گمراه بودن آن‌ها تعلق می‌گیرد، و به همین جهت است که در آیات مختلفی آمده که:

خداوند متعال فاسقین و کفار و منحرفین از حق را گمراه می‌نماید.

به عنوان نمونه به چند آیه شریفه اشاره می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ «آیه ۲۶ سوره بقره»، یعنی:

خداوند متعال فقط فاسقان را با آن گمراه می‌سازد «خداوند متعال گمراه نمی‌کند

مگر افراد فاسق و بدکار را».

فِسْقٌ = خارج شدن از حدود شرع - فسق بر گناه اطلاق می شود خواه کم باشد خواه زیاد، لیکن بیشتر به گناه زیاد اطلاق می شود، لذا:

فَاسِقٌ یعنی گنهکار «کسی که مرتکب گناه می شود».

يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ «آیه ۲۷ سوره ابراهیم»، یعنی،

خداوند متعال ظالمین و ستمگران را گمراه می سازد.

ظَلَمٌ = تجاوز و تعدی از حق.

يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ «آیه ۳۴ سوره مؤمن»، یعنی:

خداوند متعال هر اسراف کار تردیدکننده و سوسه گر را گمراه می کند.

در آیه ۳۵ سوره مؤمن «غافر» به معرفی مُسْرِفَانِ مُرْتَابٍ پرداخته شده و آمده است

که مُسْرِفَانِ مُرْتَابٍ کسانی هستند که:

در آیات الهی به مجادله برمی خیزند بدون اینکه دلیلی برای آن‌ها آمده باشد «در

برابر آیات بینهات الهی موضع گیری می کنند».

كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ «آیه ۷۴ سوره مؤمن»، یعنی:

خداوند متعال اینگونه کافرین را گمراه می سازد.

پس از ارائه توضیحاتی مبنی بر اینکه خداوند متعال هیچ کس را بدون علت و بدون

مقدمه گمراه نمی سازد بلکه این خود انسان‌ها هستند که با اعراض از حق و تمایل به

باطل اسباب گمراهی خویش را فراهم می سازند، و نتیجه این می شود که مشیت الهی

بر این تعلق بگیرد که آن‌ها «فاسقین، ظالمین، مُسْرِفِينَ مُرْتَابٍ، کافرین» گمراه باشند.

پس از ارائه این توضیحات باز می گردیم به بحث خودمان و آیه ۲۷ سوره رعد.

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۷ سوره رعد» به پیامبر اکرم فرمود:

قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ، که توضیحات لازم راجع به آن به عرض رسید.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ = خداوند متعال هر کس را که به درگاه خداوند متعال انابه و

تضرع کند به سوی خود هدایت می کند، یعنی:

خداوند متعال کسی را هدایت می کند که آن کس با تضرع و انابه به طرف خداوند

متعال برود و از خداوند متعال بخواهد که مورد هدایت واقع شود.

به عبارت دیگر:

کسانی که به طرف خدا رفته و از در اطاعت وارد شده‌اند خداوند متعال آن‌ها را هدایت می‌کند و بر توفیقات آن‌ها می‌افزاید، بنابراین:

هدایت خداوند متعال شامل حال افرادی می‌شود که به سوی خداوند متعال بروند و اوامر او را اطاعت می‌کنند و طالب هدایت باشند و در این صورت است که مشیت الهی بر این تعلق می‌گیرد که آن‌ها هدایت شوند و بر توفیقات آن‌ها افزوده شود. آیه بعد «آیه ۲۸ سوره رعد» تفسیر قسمت آخر آیه ۲۷ بوده و مَنْ أَنَابَ را تبیین می‌فرماید.

در انتهای آیه ۲۷ آمده بود که:

يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ، یعنی:

خداوند متعال کسی را هدایت می‌کند که به سوی خدا بازگشت و انابه نماید. اینکه مَنْ أَنَابَ «آن‌ها که به سوی خدا بازگشته‌اند» چه کسانی هستند در آیه بعد «آیه ۲۸» بیان شده و آمده که:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ = آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌های آن‌ها با یاد خدا آرامش یافته است.

از ظاهر سیاق آیه برمی‌آید که این آیه شریفه «آیه ۲۸ سوره رعد» بیان قسمت آخر آیه ۲۷ «يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ» می‌باشد، و در این صورت معنی آیه شریفه این می‌شود که:

کسانی که به درگاه خداوند متعال انابه نمایند و به سوی خداوند متعال رجوع و بازگشت کنند خداوند متعال آن‌ها را هدایت می‌فرماید،

و این‌ها همان کسانی هستند که به خداوند متعال ایمان آورده‌اند و دل‌های آن‌ها با یاد خداوند متعال آرامش یافته است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از الَّذِينَ آمَنُوا «کسانی که ایمان آورده‌اند» کسانی هستند که دارای ایمان کامل می‌باشند، یعنی کسانی هستند که:

به یگانگی خداوند متعال و رسالت و نبوت پیامبر اکرم و به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان و اعتقاد دارند و اینها هستند که دل آنها با یاد خدا آرامش پیدا می‌کند.

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد و با عنایت به احادیث شریفی که در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود معنی *يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ* «قسمت آخر آیه ۲۷» و معنی آیه ۲۸ سوره رعد این می‌شود که:

کسانی که به سوی خدا رفته و از در اطاعت وارد شده‌اند خداوند متعال آنها را به سوی خویش هدایت می‌کند و بر توفیقات آنها می‌افزاید و اینها کسانی هستند که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان آورده‌اند و دل‌های آنها با یاد خداوند متعال آرامش یافته است.

بنابراین:

مقصود از *الَّذِينَ آمَنُوا* در آیه ۲۸ سوره رعد شیعیان اثنی عشری هستند که به سوی خداوند متعال رفته و از در اطاعت وارد شده‌اند و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان آورده‌اند و لذا مشیت الهی بر این تعلق گرفته که آنها هدایت شوند و اینها همان کسانی هستند که دل‌های آنها با یاد خداوند متعال آرامش یافته است.

و در انتهای آیه شریفه آمده است که:

*أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ* = آگاه باشید و بدانید که:

با ذکر و با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابند.

در این قسمت از آیه شریفه خداوند متعال بندگان خود را تشویق می‌کند که دل‌های خویش را با توجه به نعمات بیکران الهی و وعده‌هایی که خداوند متعال به مؤمنین داده تسکین دهند چرا که وعده‌های خداوند متعال حق است و حتمی است و هیچ چیز برای آرامش دل‌های مضطرب و پر تشویش و نگران بهتر از نویدها و مژده‌ها و وعده‌های خداوند متعال نیست «وعده‌هایی که خداوند متعال برای مؤمنین در بهشت داده است». بنابراین:

غیر از خداوند متعال و دستورات الهی و تعالیم انبیاء عظام الهی و اوصیاء آنها هیچ



چیز نمی‌تواند باعث آرامش و طمأنینه و راحتی فکر و خیال انسان باشد چرا که اتکاء به غیر خداوند متعال و اتکاء به امور مادی نمی‌تواند باعث آرامش خاطر انسان شود، زیرا این عوامل مادی خودشان در معرض زوال و نابودی می‌باشند. عواملی که می‌توانند در دنیا باعث نگرانی و اضطراب و تشویش خاطر و افسردگی انسان‌ها شوند فراوان هستند که ذیلاً به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. ترس از آینده تاریک و مبهم.
۲. ترس از فقر و تنگدستی و نیاز پیدا کردن به مردم.
۳. ترس از بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج.
۴. ترس از مرگ، مخصوصاً ترس از مرگ نابهنگام و زودرس.
۵. ترس از سوانح طبیعی مانند زلزله و...
۶. ترس از مرگ اقوام و بستگان نزدیک و تنها شدن انسان پس از مرگ آن‌ها.
۷. دنیاپرستی و عوارض ناشی از آن از قبیل:  
حرص فراوان جهت رسیدن به مقام یا ثروت که هیچ‌گاه انسان از آن‌ها اشباع نمی‌شود.

حَسَد ورزیدن به دیگران که همین یک امر می‌تواند آرامش روحی و روانی انسان را مختل کند.

۸. پوچ‌گرایی و احساس پوچی و بی‌هدف بودن زندگی نیز از مواردی است که می‌تواند آرامش انسان‌ها را از بین ببرد.

۹. و ده‌ها موضوع دیگر که همواره باعث اضطراب و تشویش انسان‌ها شده و آسایش و آرامش را از آن‌ها سلب می‌کند، لیکن:

اگر انسان حقیقتاً موحد و مؤمن و خداشناس باشد به حقیقت این دنیای فانی و زودگذر واقف خواهد شد و در این صورت عوامل اضطراب و تشویش که به آن‌ها اشاره شد نمی‌تواند آسایش و آرامش روحی و روانی او را سلب نماید و یا لاقلاً حدّ اقل لطمه را به او وارد خواهد نمود،

یعنی هر چه مراتب ایمان انسان قوی‌تر باشد عوامل مادی کمتر می‌توانند در او تأثیر سوء داشته باشند و کمتر می‌توانند باعث سلب آسایش و آرامش روحی و روانی

او بشوند، زیرا:

مؤمنین واقعی و راستین می‌دانند که پس از این دنیای فانی و زودگذر دنیای دیگری وجود دارد که زوال پذیر نیست و مؤمنین در آن‌جا برای همیشه غرق در انواع نعمات الهی هستند، لذا:

مؤمنین واقعی و راستین برای رسیدن به این نعمات جاوید الهی حداکثر توان خویش را به کار می‌برند تا واجبات را به نحو احسن انجام دهند و از محرمات اجتناب نمایند تا بدین وسیله رضایت خداوند متعال را جلب نموده و در جهان آخرت از انواع نعمات الهی بهره‌مند شوند و به همین جهت مؤمنین واقعی و راستین در دنیا دچار اضطراب و تشویش نمی‌شوند و یا اینکه کمتر دچار آن می‌شوند «بنا به درجه ایمان آن‌ها» چرا که همواره به یاد خدا هستند و یاد خدا باعث آرامش دل‌های آن‌ها می‌باشد و این فرمایش خداوند متعال است که:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، یعنی

با یاد خداوند متعال دل‌ها آرامش پیدا می‌کنند.

در آیه دوم سوره انفال خداوند متعال می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ، یعنی:

مؤمنین، تنها کسانی هستند که وقتی نام خداوند متعال برده می‌شود دل‌های آن‌ها ترسان می‌شود.

مقصود از وَجَل «خوف و ترس» در این آیه شریفه ناشی از دو چیز می‌تواند باشد:

۱. ترسیدن به خاطر درک مسئولیت‌ها و احتمال عدم قیام به وظائف لازم در برابر

خداوند متعال.

۲. ترس به خاطر درک عظمت مقام خداوند متعال و توجه به وجود بی‌انتهای و

پرمهابت او، لذا:

ترس و خَشْيَتِ از خداوند متعال به علما نسبت داده شده و در آیه ۲۸ سوره فاطر

آمده که:

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ، یعنی:

تنها بندگان عالم و آگاه از عظمت خداوند متعال از خدا می‌ترسند.

از یک طرف در آیه ۲۸ سوره رعد می خوانیم که:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، یعنی:

با یاد خداوند متعال دل‌ها آرامش و سکون و طمأنینه پیدا می کنند،

و از طرف دیگر در آیه دوّم سوره انفال می خوانیم که:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ، یعنی:

مؤمنین کسانی هستند که وقتی نام خدا برده می شود دل‌های آن‌ها ترسان

می شود.

ممکن است به نظر برسد که این دو آیه شریفه با یکدیگر منافات دارند در حالی

اصلاً اینگونه نیست، زیرا:

منظور آیه ۲۸ سوره رعد «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آرامش و سکون و طمأنینه

دل‌ها در برابر عوامل مادی است که اغلب مردم را نگران می کند و آن‌ها را دچار

تشویش می سازد و آن‌ها را مضطرب می کند و این نگرانی و تشویش تخریب کننده

و ویرانگر است و هیچگونه آثار مثبتی به دنبال ندارد، لیکن:

منظور از ترس در آیه دوّم سوره انفال «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»

ترس سازنده و مفید است که اختصاص به مؤمنین دارد و مقصود از این ترس این

است که:

مؤمنین واقعی و راستین وقتی به یاد خدا می افتند و نام خدا در پیش آن‌ها برده

می شود خائف و ترسان می شوند که آیا به همه وظائف خویش و به همه تکالیف

شرعی خویش عمل کرده اند یا نه، و همین امر باعث می شود تا لرزه بر اندام آن‌ها

بیفتد و در فکر اصلاح خود افتاده و نواقص اعمال خود را جبران نمایند و مرتکب

گناه نشوند و این ترس ترسی است سازنده و مفید، و خلاصه کلام اینکه:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، یعنی:

ذکر و یاد خداوند متعال باعث آرامش دل‌ها است «آرامش در برابر عوامل مادی

که غالب مردم را نگران می سازد و به تعدادی از مصادیق آن در صفحات قبل اشاره

شد.»

مقصود از ذکر و یاد خداوند متعال چیست که باعث آرامش دل‌ها می‌شود.

ذکر بر دو نوع می‌باشد.

۱. ذکر زبانی، یعنی:

تسبیح و تهلیل خداوند متعال گفتن در قالب الفاظ مثل گفتن:  
 اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، و یا اذکار  
 دیگر.

۲. ذکر قلبی، یعنی:

قلب و دل و روح و فکر انسان عمیقاً متوجه خداوند متعال و عظمت او باشد و  
 خداوند متعال را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار و افکار خود بداند و همین امر باعث  
 شود تا فرد به هیچ عنوان مرتکب گناه نشود.

در فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام آمده که:

ذکر و یاد خداوند متعال فقط اذکار زبانی از قبیل گفتن تکبیر و تهلیل و تسبیح و  
 تسبیحات اربعه و امثال آنها نیست گرچه آنها نیز ذکر خدا هستند،  
 بلکه:

ذکر و یاد خدا بودن آن است که وقتی انسان با حرام مواجه شد از خدا بترسد و  
 مرتکب فعل حرام نشود «مرتکب گناه نشود» گرچه ذکر زبانی هم به نوبه خود یاد  
 خدا بودن محسوب می‌شود، لیکن مهم این است که انسان قلباً به یاد خدا باشد که  
 این امر باعث می‌شود تا انسان مرتکب گناه نشود.

بنابراین معنی آیه ۲۷ و ۲۸ سوره رعد به اختصار این می‌شود که:

هرکس به طرف خدا برود و از در اطاعت وارد شود خداوند متعال او را به سوی  
 خویش «به سوی خدا» هدایت می‌کند، و این‌ها «کسانی که به سوی خدا رفته‌اند و  
 خداوند متعال آن‌ها را هدایت فرموده است» کسانی هستند که:

به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام ایمان  
 آورده‌اند و دل‌های آن‌ها با ذکر خداوند متعال و با یاد خداوند متعال آرامش و  
 تسکین یافته است.

ذِكْرُ اللَّهِ «ذکر خدا» مصداق اتمّ و اکملی نیز دارد که در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. انس بن مالک می گوید:

در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه شریفه را «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ - آیه ۲۸ سوره رعد» را تلاوت نمودم. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آیا می دانی این ها چه کسانی هستند «آیا می دانی این هایی که ایمان آورده اند و دل های آن ها با یاد خدا آرامش یافته چه کسانی هستند». عرض کردم: خیر نمی دانم این ها چه کسانی هستند. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ شِيعَتُنَا، یعنی: منظور از کسانی که ایمان آورده اند و دل های آن ها با یاد خدا آرامش یافته است، ما اهل بیت و شیعیان ما هستیم.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

وقتی این آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ - آیه ۲۸ سوره رعد» نازل شد وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ذَاكَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ، یعنی: این ها «کسانی که ایمان آورده اند و دل های آن ها با یاد خداوند متعال آرامش یافته است» کسانی هستند که:

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۸ - ۶۰.

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۶.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۲ تا ۲۵۵.

۲. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۲۹، حدیث ۳.

خداوند متعال و رسول خدا و اهل بیت رسول الله را دوست می‌دارند، آن‌ها هم دوست داشتن درست و صادقانه نه دوست داشتن از روی کذب و دروغ «دوست داشتن حقیقی و صادقانه نه دوست داشتن دروغین و منافقانه»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

طبق این دو حدیث نورانی و شریف مؤمنین واقعی و راستین که دل‌های آن‌ها با یاد خدا و با ذکر خدا آرامش و تسکین پیدا می‌کند فقط و فقط شیعیان اثنی عشری هستند و لا غیر، یعنی:

افرادی که ولایت و امامت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام را پذیرفته و مُحَبِّ آن ذوات مقدسه بوده و به این اعتقاد و به این عشق و ارادت خویش افتخار و مباحثات می‌کنند.

۳. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ - آیه ۲۸ سوره رعد» فرمودند:

بِمُحَمَّدٍ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَ هُوَ ذِكْرُ اللَّهِ، یعنی:

به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و به وسیله آن حضرت و با یاد کردن آن وجود مقدس دل‌ها آرامش پیدا می‌کنند زیرا آن حضرت ذکر الله می‌باشد. این حدیث را خالد بن نجیح از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش «تفسیر قمی» نقل می‌کند که:

در این آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ - آیه ۲۸ سوره رعد»، مقصود از الَّذِينَ آمَنُوا شیعیان هستند،

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۳.

۲. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۳.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۳۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۲۹، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۷۷، حدیث ۱۱۸ «حدیث (۵۲۳۱)».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۵۵.

و مقصود از ذکر الله امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین  
علیهم السلام می باشند.<sup>۱</sup>

---

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۳۰.  
تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۲۹، حدیث ۱.  
تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۷۷، حدیث ۱۱۹ «حدیث ۵۲۳۲».

## آیه ۲۹ سوره رعد:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ».

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح «کارهای نیکو و شایسته» انجام دادند «کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام می دهند» بهترین‌ها و پاکیزه‌ترین‌ها نصیب آن‌ها است و بهترین سرانجام‌ها را دارند.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

طَيِّبٌ = طاهر، پاک، پاکیزه، حلال، بهترین از هر چیز، خوشی، خوش؛

طَيِّبٌ در اصل به معنای چیزی است که حواس و نفس انسان «جان و روح انسان» از آن لذت برد و ضد آن خبیث می باشد.

گاهی کلمه طیب در مورد طعام به کار برده می شود، و مقصود از طعام طیب طعام و غذایی است که از طریق حلال و مشروع تهیه شده باشد، مثل:

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ «آیه ۵۷ سوره بقره».

گاهی طیب به عنوان وصف برای انسان به کار برده می شود و مقصود انسانی است که از اعمال زشت و از گناهان پاک است و آراسته به ایمان و اعمال صالح می باشد، مثل:

الَّذِينَ تَتَوَقَّأُ هُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ «آیه ۳۲ سوره نحل».

أَطْيَبٌ = بهترین، پاکیزه ترین.

مَوْتٌ أَطْيَبٌ طُوبَىٰ می باشد، و

طُوبَىٰ = ۱- بهترین، پاکیزه ترین؛ ۲- خوشا به حال؛ ۳- نام درختی است در بهشت؛

طُوبَىٰ لَهُمْ = ۱- خوشا به حال آن‌ها؛ ۲- بهترین‌ها و پاکیزه ترین‌ها برای آن‌ها است؛

۳- درخت طُوبَىٰ در بهشت برای آن‌ها است.

حُسْنٌ = هر چیزی که بهجت آفرین و شادی بخش و مورد رغبت و میل انسان باشد،

۱. تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۴۴.



خوبی، خوشی؛

مآب = ۱- بازگشتن؛ ۲- مکان و زمان بازگشتن.<sup>۱</sup>

در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره رعد آمده بود که:

هر کس به طرف خدا برود و از در اطاعت وارد شود خداوند متعال او را به سوی خود «به سوی خدا» هدایت می‌کند،

و این‌ها «کسانی که به سوی خدا رفته و خداوند متعال نیز آن‌ها را هدایت فرموده است» کسانی هستند که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان آورده‌اند،

و دل‌های آن‌ها با ذکر و با یاد خداوند متعال آرامش یافته است «می‌یابد».

این آیه شریفه «آیه ۲۹ سوره رعد» در ادامه دو آیه قبل بوده و ضمن بیان سرنوشت این مؤمنین مضمون آیات قبل را تکمیل می‌فرماید.

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ = کسانی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان بیاورند و اعمال صالح انجام دهند،

یعنی به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند «عمل به واجبات و ترک محرمات».

طُوبَى لَهُمْ = یعنی:

۱. خوشا به حال آن‌ها.

۲. بهترین‌ها و پاکیزه‌ترین‌ها برای آن‌ها.

۳. درخت طُوبَى در بهشت برای آن‌ها.

با توجه به اینکه متعلق طُوبَى محذوف می‌باشد، یعنی:

با توجه به اینکه عنوان نشده که بهترین‌ها و پاکیزه‌ترین‌ها چه چیزهایی نصیب این مؤمنین می‌شود «کسانی که به خدا و رسول و اوصیاء رسول‌الله ایمان دارند، یعنی شیعیان اثنی عشری»، لذا:

مفهوم کلمه طُوبَى از هر نظر وسیع و نامحدود است، بنابراین:

طُوبَى لَهُمْ، یعنی:

خوشا به حال مؤمنین «شیعیان»، که:

بهترین و پاکیزه‌ترین همه چیزها نصیب آن‌ها است، یعنی:

بهترین زندگی و معیشت «بهترین حیات و زندگی»،

بهترین نعمات الهی،

بهترین دوستان «سایر مؤمنین و شیعیان که دوستان آن‌ها هستند»،

بهترین آرامش،

بهترین لطف خاص خداوند متعال،

و خلاصه کلام اینکه:

۱. خوشا به حال مؤمنین «شیعیان».

۲. که از هر چیز بهترینش نصیب این مؤمنین است.

عنایت فرمائید، بهترین و پاکیزه‌ترین نه بیشترین، گرچه ممکن است بیشترین نیز باشد.

۳. ضمن اینکه شاخه‌های درخت طوبی نیز در بهشت بر سر آن‌ها است که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

و در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَ حُسْنُ مَا بٍ = برای آن‌ها «شیعیانی که به تکالیف شرعی خویش عمل می‌کنند»  
محلی نیکو است که به سوی آن بازمی‌گردند و بهترین سرانجام و عاقبت را دارند،  
یعنی بهشت و جَنَّتِ عَدْنُ الهی.

بنابراین، خلاصه معنی آیه شریفه این می‌شود که:

کسانی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان آورده و اعمال صالح انجام می‌دهند «یعنی شیعیانی که به تکالیف شرعی خویش عمل می‌کنند»، طُوبَى لَهُمْ، یعنی:

الف) خوشا به حال این‌ها که با ایمان و عمل صالح خودشان رضایت خداوند متعال را جلب کرده‌اند.

ب) بهترین و پاکیزه‌ترین همه چیزها نصیب آن‌ها است، از قبیل:

بهترین زندگی و معیشت «حیات و نعمت طیبه»،

بهترین آرامش،  
 بهترین دوستان،  
 بهترین و عالی ترین الطاف خاص خداوند متعال،  
 بهترین و پاکیزه ترین نعمات الهی،  
 بهترین و پاکیزه ترین خیرها.

ج) شاخه های درخت طوبی بر سر آنها است «در بهشت»، و حُسْنُ مَآبٍ، یعنی: سرانجام کارشان بهترین سرانجام ها است «ورود به بهشت»، و برای آنها محلّی نیکو است که به سوی آن باز می گردند، یعنی وارد بهشت شده و از انواع نعمات بهشتی بهره مند می شوند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

در هر آیه ای از آیات شریفه قرآن کریم که جمله «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» آمده و سپس برای این افراد «افرادی که ایمان آورده و به تکالیف شرعی خویش عمل نموده اند» بهشت و حور و قصور و نعمات الهی در بهشت وعده داده شده، مقصود از این افراد کسانی هستند که:

به یگانگی خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم و امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت و از نسل صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها ایمان آورده و آن ذوات مقدّسه را امام منصوب از ناحیه خداوند متعال و واجب الاطاعه بدانند و تمام دستورات آن بزرگواران را بدون قید و شرط اجرا نمایند، و تنها در این صورت است که مشمول رحمت واسعه الهی شده و خداوند متعال آنها را وارد بهشت می کند و شاخه های درخت طوبی بر سر آنها سایه می افکند.

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۶۱ - ۶۲.

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۶۷ تا ۲۶۹.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۴۶ - ۲۴۷.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۳۱.

خلاصه کلام اینک:

توحید بدون نبوت، و این دو بدون امامت و ولایت، مورد قبول خالق متعال نیست، زیرا:

اطاعت بی قید و شرط از وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام امر و دستور خداوند متعال است،

و عدم اطاعت از این ذوات مقدسه تخلف و سرپیچی از دستور خداوند سبحان می باشد،

و کسی هم از دستور خداوند متعال سرپیچی نماید از رحمت الهی دور شده و مشمول لعنت الهی می شود،

و کسی که مورد لعنت خداوند متعال بگیرد جایگاه او جهنم است، لذا:

مقصود از این جمله از آیات شریفه قرآن کریم «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»،

شیعیان اثنی عشری هستند که تنها فرقه ناجیه می باشند و خداوند متعال انواع

نعمات مادی و معنوی را در بهشت به آنها وعده فرموده است.

ذیل آیات شریفه ای که ذیلاً ملاحظه می فرمائید به این موضوع اشاره شده و

توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است.

آیه ۵۷ و ۵۸ سوره یونس «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ».

آیه ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».

آیه ۲۷ و ۲۸ سوره رعد «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ».

آیه ۲۹ سوره فتح «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً...».

آیه ۱۰ سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ».

آیه ۱۲ سوره حدید «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ».

آیه ۱۵۹ سوره انعام «الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا».

**حدیث:**

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:  
 طوبی درختی است در بهشت که در خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام  
 می‌باشد،  
 و شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت «درخت طوبی» در خانه هر یک از شیعیان  
 قرار دارد، و در زیر سایه هر برگ از برگ‌های این درخت یک امت می‌تواند بنشیند  
 و بیاساید.  
 این حدیث را ابو عبیده از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل  
 می‌کند که آن حضرت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

يَا عَلِيُّ:

أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي،

وَ أَنْتَ صَاحِبُ شَجَرَةِ طُوبَى فِي الْجَنَّةِ،

أَصْلُهَا فِي دَارِكَ وَ أَغْصَانُهَا فِي دَارِ شِيعَتِكَ وَ مُحِبِّيكَ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب  
 علیه‌السلام فرمودند:

یا علی:

تو بعد از من «بعد از رحلت من» مظلوم واقع خواهی شد «یعنی به تو ظلم خواهند  
 کرد و حقّ تو را غصب خواهند نمود»،

یا علی:

تو صاحب درخت طوبی هستی در بهشت،  
 ریشه و تنه درخت طوبی در خانه تو است،  
 و شاخه‌ها و برگ‌های درخت طوبی در خانه شیعیان تو و محبّین تو «دوستداران

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۲۹، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۷۹، حدیث ۱۲۱ «حدیث ۵۲۳۴».

تو» می باشد.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: خداوند متعال دوستی و محبت ائمه معصومین از اهل بیت مرا رزق و روزی هر کس که بفرماید آن فرد به خیر دنیا و آخرت رسیده است، و هیچ کس تردید نکند که جایگاه چنین شخصی بهشت می باشد «جایگاه محبّین ائمه معصومین علیهم السّلام و اهل بیت پیامبر اکرم». وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پایان فرمایش خویش فرمودند:

طُوبَى لِمُحِبِّى أَهْلَ بَيْتِى، یعنی:

(الف) خوشا به حال محبّین اهل بیت من

(ب) شاخه ها و برگ های درخت طوبی در بهشت بر سر محبّین اهل بیت من قرار دارد.

(ج) بهترین و پاکیزه ترین چیزها نصیب محبّین اهل بیت من می باشد و در یک کلام:

خوشا به حال شیعیان اثنی عشری،

شیعیانی که به تکالیف شرعی خویش عمل می نمایند، یعنی واجبات را انجام داده و از محرّمات اجتناب می کنند.

این حدیث را ابو سعید خدری از پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. عمر بن خطّاب در آخرین روزهای عمر خویش امر خلافت و تعیین خلیفه بعد از خودش را به یک شورای شش نفره متشکّل از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و پنج نفر دیگر به نام های عثمان بن عفّان، زبیر بن عوّام، طلحه بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص محوّل نمود تا از بین

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۸۱، حدیث ۱۲۶ «حدیث ۵۲۳۹».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۸۳، حدیث ۱۲۸ «حدیث ۵۲۴۱».

خصال صدوق، جلد دوّم، صفحه ۲۹۲، باب خصال بیست گانه و بیشتر، حدیث ۱.

خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نمایند.

عامر بن وائله می گوید:

وقتی عمر بن خطاب از دنیا رفت و شش نفر از اعضاء شورا برای تعیین خلیفه اجتماع نمودند، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پنج نفر دیگر از اعضاء شورا را مخاطب قرار داده و در رابطه با حقانیت خویش مطالبی را بیان فرمودند تا مطلب برای اعضاء شورا روشن تر شود تا بعدها نگویند که ما از این مسائل اطلاعی نداشتیم، گرچه فضائل و مناقب مولی الموحّدين علی بن ابیطالب علیه السلام را همه مسلمین می دانستند و آنها را بارها و بارها از لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بودند.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در خانه‌ای که این شورا تشکیل شده بود بیاناتی ایراد فرمودند که به قسمت‌های کوتاهی از آن که به بحث ما «آیه ۲۹ سوره رعد» مربوط می شود اشاره می گردد.

حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

مردم ابوبکر را خلیفه کردند با اینکه من به امر خلافت ذی حق بودم، ابوبکر عمر بن خطاب را به عنوان خلیفه تعیین نمود در حالی که من اولی و احقّ بودم «من سزاوار بودم و خلافت حقّ من بود».

اکنون عمر بن خطاب در وصیّت خود مرا با پنج نفر دیگر در شورا قرار داده و مرا ششمی آنها قرار داده و فضل و تقدّم مرا در نظر نگرفته، که اگر من بخواهم بر فضیلت و تقدّم خودم ادله‌ای ارائه بخواهم نمود که هیچ کس نمی تواند آنها را انکار کند.

آنگاه وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در قسمتی از بیانات نورانی خویش فرمودند «خطاب به پنج نفر از اعضاء شورا»:

شما را به خدا سوگند:

آیا در میان شما غیر از من کسی هست که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرموده باشد:

طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَّقَ عَلَيْكَ،

وَ وَيْلٌ لِّمَنْ ابْغَضَكَ وَ كَذَبَ عَلَيْكَ،

قالوا: اَللّٰهُمَّ لَا، یعنی:

حضرت امیر علیه السلام به آن پنج نفر از اعضاء شورای خلافت فرمودند: آیا در بین شما جز من کسی هست که پیامبر اکرم درباره او فرموده باشد: یا علی:

خوشا به حال کسی که تو را دوست بدارد و مقام تو را تصدیق کند، و وای بر حال کسی که تو را دشمن بدارد و مقام تو را تکذیب نماید. اعضاء شورای خلافت «و مردمی که آن جا حضور داشتند» عرض کردند: به خدا سوگند، نه.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اعضاء شورای خلافت را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

شما را به خدا قسم:

آیا در میان شما غیر از من کسی هست که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرموده باشد:

همانا طوبی درختی است در بهشت که ریشه و تنه آن در خانه علی بن ابیطالب است،

و هیچ مؤمنی نسبت «هیچ شیعه ای نیست» مگر اینکه در خانه او در بهشت شاخه ای از درخت طوبی نباشد.

اعضاء شورا «و مردمی که آن جا حضور داشتند» عرض کردند: به خدا قسم، نه!<sup>۱</sup>

۵. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر گرانقدر خویش صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند: ای فاطمه:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۸۳، حدیث ۱۲۹ «حدیث ۵۲۴۲».

خصال شیخ صدوق، جلد دوم، باب خصال چهل گانه و بیشتر، احتجاج حضرت امیر علیه السلام در روز شورای خلافت، صفحه ۳۳۱ تا ۳۴۵ «صفحه ۳۳۵ - ۳۳۷»، حدیث ۱۸.



از ناحیه خداوند متعال راجع به برادرم و پسرعمویم علی بن ابیطالب و راجع به تو بشارتی به من آمده و آن این است که:

خداوند متعال فاطمه سلام الله علیها را به علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج فرموده و به همسری او در آورده است و به نگهبان بهشت دستور فرموده تا درخت طوبی را تکان بدهد و درخت طوبی به تعداد همه محبین و دوستداران اهل بیت من امان‌نامه‌هایی بار گرفت، و خداوند متعال ملائکه‌ای را از جنس نور در زیر طوبی خلق فرمود و به هر یک از آنها امان‌نامه‌هایی داد تا روز قیامت آن ملائکه الهی وقتی با محبین و دوستداران اهل بیت من مواجه شدند یکی از آن امان‌نامه‌ها به او بدهند،

و این امان‌نامه‌ها سند برائت از آتش جهنم می‌باشد «تضمینی است برای جلوگیری از ورود جهنم»<sup>۱</sup>.

۶. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، فَلَمْ يُرِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهُدَايَةِ، یعنی:

خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به ما تمسک جوید و پس از هدایت یافتن قلب او منحرف نگردد «طوبی بر آن کس ارزانی باد که هنگامی که قائم ما از نظرها غایب است امر ولایت ما را محکم نگه دارد و دلش بعد از هدایت یافتن به انحراف کشیده نشود».

ابو بصیر که این حدیث را نقل نموده می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

طوبی چیست؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

طوبی درختی است در بهشت که ریشه و تنه آن در خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۵، حدیث ۱۷.

علیه السلام می باشد و هیچ مؤمنی نیست «هیچ شیعه ای نیست» که شاخه ای از درخت طوبی در خانه او نباشد، و این فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنَ مَا بِهِ «آیه ۲۹ سوره رعد»<sup>۱</sup>.

۷. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نمودند که آن حضرت فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَائَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي، وَ أَكْرَمَ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند «یعنی وجود مقدّس امام زمان سلام الله علیه را درک کند»،

و پیش از ظهور حضرت قائم و در زمان غیبت آن حضرت به امامت او معتقد باشد و پیرو آن حضرت باشد،

و با دوستان آن حضرت دوست باشد «دوستان آن حضرت را دوست داشته باشد»،  
و با دشمنان آن حضرت دشمن باشد.

چنین شخصی در روز قیامت از رفقا و دوستان من خواهد بود،  
و گرامی ترین امت من می باشد.

این حدیث شریف را ابو حمزه از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۸. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۳۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۸۵، حدیث ۱۳۱ «حدیث ۵۲۴۴».

معانی الاخبار صدوق، جلد اوّل، باب ۴۵، صفحه ۲۶۳، حدیث ۱ «معنی طوبی».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۸۵، حدیث ۱۳۲ «حدیث ۵۲۴۵».

کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد اوّل، باب ۲۵.

روایات پیامبر اکرم درباره امام زمان علیه السلام، صفحه ۵۳۵، حدیث ۲.

و آله و سلم نقل نمودند که آن حضرت فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ،  
يَأْتَمُّ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ، وَ يَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ،  
أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ، يَعْنِي:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند،

و پیش از قیام و ظهور آن حضرت به او اقتدا نموده و از آن حضرت پیروی نماید، همچنین از امامان قبل از آن حضرت نیز تبعیت نماید و از دشمنان آنها (از دشمنان ائمه معصومین علیهم السلام) برائت و بیزاری داشته باشد و به خداوند متعال پناه ببرد،

چنین شخصی از رفقای من محسوب شده و گرامی ترین امت من می باشد.

این حدیث را سدیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۹. وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نمودند که آن حضرت فرمودند:

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن «ریشه و تنه آن» در بهشت در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و مؤمنی نیست مگر اینکه شاخه‌ای از درخت طوبی در منزل او وجود دارد «شاخه‌ای از درخت طوبی در منزل شیعیان در بهشت».

این حدیث شریف را ابو بصیر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۵.

روایات پیامبر اکرم درباره امام زمان علیه السلام، صفحه ۵۳۵، حدیث ۳.

۲. اصول کافی، جلد سوم، صفحه ۳۳۶، حدیث ۳۰ «حدیث ۲۳۰۰».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۳۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰، حدیث ۷.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۷۸۱، حدیث ۱۲۴ «حدیث ۵۲۳۷».

قابل ذکر است که:

عین این حدیث را ابو بصیر از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام و آن حضرت نیز از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که طبق بعضی از آن احادیث نورانی و شریف طوبی درختی است در بهشت که اصل آن درخت یعنی ریشه و تنه آن در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واقع شده و شاخه‌های آن در منزل شیعیان قرار دارد،

و طبق بعضی دیگر از این احادیث شریف طوبی درختی است در بهشت که اصل آن درخت یعنی ریشه و تنه آن در بهشت در منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام واقع شده و شاخه‌های آن در منزل شیعیان قرار دارد «فقط به تعدادی از این احادیث شریف اشاره شد».

اینکه چگونه ممکن است اصل درخت طوبی «ریشه و تنه درخت طوبی» در بهشت هم در منزل پیامبر اکرم باشد و هم در منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، حدیث بعد به آن اشاره می‌فرماید.

۱۰. وجود مقدّس امام باقر و امام کاظم علیهما السلام فرمودند:

از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره طوبی سؤال شد.  
وجود مقدّس پیامبر اکرم فرمودند:

شَجَرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِي وَ فَرْعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن «ریشه و تنه آن» در خانه من است و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت می‌باشد.

بار دیگر «پس از چند روز» مجدداً از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره طوبی سؤال شد.

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۱۳.

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

شَجْرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَفَرْعُهَا عَلِيُّ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَعْنِي:

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن «ریشه و تنه آن» در خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت می‌باشد.

سؤال‌کنندگان این مطلب به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

دفعه اول که راجع به طوبی سؤال کردیم فرمودید طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه من است «یعنی خانه پیامبر اکرم» و شاخه‌های آن در خانه اهل بهشت می‌باشد، لیکن:

دفعه دوم که راجع به طوبی از شما سؤال کردیم فرمودید طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنَّ دَارِي وَ دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي الْجَنَّةِ بِمَكَانٍ وَاحِدٍ، يَعْنِي:

خانه من و خانه علی بن ابیطالب علیه السلام در بهشت در یک جا و یک مکان می‌باشد «این حدیث شریف هم از ناحیه امام باقر علیه السلام صادر شده و هم از ناحیه امام کاظم علیه السلام»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

این حدیث شریف را علمای معروف اهل سنت نیز نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آن‌ها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۶۲.

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۵.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۳۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۴، حدیث ۱۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۴۲، حدیث ۳۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۸۷، حدیث ۱۳۷، «حدیث ۵۲۵۰».

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل «از امام کاظم علیه السلام نقل نموده». شیخ سلیمان قندوزی در ینابیع المودّه «هم از امام باقر و هم از امام کاظم علیهما السلام». ثعلبی در تفسیر ثعلبی «از امام باقر علیه السلام نقل کرده»<sup>۱</sup>.

۱۱. بلال بن حمامه «مؤذن خاصّ پیامبر اکرم» نقل می کند: روزی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در میان ما حاضر شد در حالی که چهره مبارک آن حضرت مانند ماه شب چهارده می درخشید. عبدالرحمن بن عوف به پیامبر اکرم عرض کرد: یا رسول الله: این نور چیست.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: این نور تأثیر مژده و بشارتی است که خداوند متعال درباره برادرم و پسرعمویم علی بن ابیطالب و دخترم فاطمه به من داده است، و این مژده و بشارت این است که:

خداوند متعال دخترم فاطمه را به ازدواج علی بن ابیطالب درآورده و به خزانه دار بهشت دستور فرموده تا درخت طوبی را تکان دهد و آنگاه درخت طوبی امان نامه هایی را «سند و برات برائت از آتش جهنّم» بار گرفت «ثمر و میوه ای داد که آن میوه امان نامه هایی بود که موجب برائت از آتش جهنّم می شود». خداوند متعال در زیر درخت طوبی ملائکه ای را از جنس نور خلق فرمود و به دست هر یک از آن ملائکه امان نامه ای اعطا فرمود «سند برائت از آتش جهنّم» که وقتی روز قیامت می رسد آن ملائکه در میان خلق ندا در داده و به محبّین اهل بیت من امان نامه و سند برائت از آتش جهنّم می دهند و هیچ یک از محبّین اهل بیت مرا نخواهید یافت مگر اینکه به او امان نامه ای داده شده که باعث رهایی وی از اسارت

۱. المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۲۸۵.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۴ و ۴۴۲، حدیث ۱۴ و ۳۱.

آتش می‌باشد و مانع می‌شود تا او به جهنم برود.  
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش  
فرمودند:

برادرم و پسرعمویم علی بن ابیطالب و دخترم فاطمه سلام الله علیهما مردان و زنان  
بسیاری از امت مرا «محبین اهل بیت پیامبر اکرم و شیعیان آن بزرگواران» از آتش  
جهنم خواهند رهاوند.

این حدیث در مناقب «از کتب معتبر اهل سنت» نیز آمده است.<sup>۱</sup>

۱۲. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
طوبی درختی است در بهشت که اصل آن یعنی ریشه و تنه آن در خانه من است  
و شاخه‌های آن در خانه اهل بهشت.

راوی این حدیث شریف که انس بن مالک می‌باشد می‌گوید:  
روز دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره طوبی فرمود:  
طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه علی بن ابیطالب است و شاخه‌های  
آن در خانه‌های اهل بهشت.

عمر بن خطاب که در آن جا حاضر بود به پیامبر اکرم عرض کرد:  
یا رسول الله:

شما چند روز قبل فرمودید که اصل درخت طوبی در منزل شما است،  
لیکن امروز می‌فرمائید که اصل درخت طوبی «ریشه و تنه آن» در منزل علی بن ابیطالب  
می‌باشد و این چگونه است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عمر بن خطاب فرمود:  
مگر نمی‌دانی که:

خانه من و خانه علی بن ابیطالب در بهشت یکی است،  
حجره من و حجره علی بن ابیطالب یکی است،

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۴۰، حدیث ۲۸.

قصر من و قصر علی بن ابیطالب یکی است،  
شأن و مقام من و علی بن ابیطالب یکسان است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در بهشت در یک مکان واحد می باشد، یعنی:  
منزل آن دو بزرگوار در بهشت در یک جا و در یک مکان واحد می باشد یعنی  
منزل آن دو بزرگوار یکی است و درخت طوبی نیز در این منزل واحد قرار دارد، و  
شاخه های آن در منازل شیعیان است و بر سر آنها سایه می افکند.  
درباره اهمیت و عظمت درخت طوبی به یک حدیث اشاره می شود.  
وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

طوبی درختی است در بهشت عدن که خداوند متعال آن را به دست قدرت خویش  
کاشته است.

این حدیث شریف را ابو حمزه از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده  
است.<sup>۲</sup>

ذیل آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد در رابطه با جنّت عدن توضیح مختصری ارائه شده  
است.

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۴۱، حدیث ۳۰.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۲، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۷۸۵، حدیث ۱۳۴ «حدیث ۵۲۴۷».



**آیه ۴۳ سوره رعد:**

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ».

**ترجمه:**

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:  
ای پیامبر:

کافران می گویند تو فرستاده خدا نیستی «تو پیامبر نیستی»،

ای پیامبر:

به آن‌ها بگو:

شهادت خداوند متعال و شهادت کسی که علم کتاب نزد او است میان من و شما  
کافی است،

یعنی:

شهادت و گواهی دادن خداوند متعال به رسالت من،

و شهادت و گواهی دادن کسی که علم کتاب نزد او است «به رسالت و نبوت من»

برای صدق ادعای من کافی است.<sup>۱</sup>

**شرح لغات و توضیحات:**

رَسُول = فرستاده شده، کسی که مأمور رساندن پیام از کسی به دیگری باشد، سفیر،

قاصد، پیامبر؛

مُرْسِل = ارسال کننده، فرستنده، پیغام فرستنده؛

مُرْسَل = فرستاده شده، پیغام آور، پیامبر، نبی؛

مُرْسَلین = پیامبران؛

شَهِيد = شاهد، گواه «جمع شهید می شود شُهَدَاء».<sup>۲</sup>

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» به پیامبر اکرم می فرماید:

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۵۸ - ۹۰.

۲. مفردات راغب.

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا = یعنی:

ای پیامبر:

کافران می گویند که تو پیامبر نیستی و از جانب خداوند متعال فرستاده نشده‌ای. در ادامه آیه شریفه خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می فرماید:

ای پیامبر:

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ = به کافران بگو:

شهادت و گواهی خداوند متعال،

و شهادت و گواهی کسی که تمام علم کتاب نزد او است درباره صدق ادعای پیامبری من کافی است.

به عبارت دیگر:

معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

در جواب کافران که به تو می گویند تو فرستاده خدا نیستی و پیامبر نمی باشی به آن‌ها بگو:

من برای اثبات ادعای پیامبری و رسالتم دو شاهد و دو گواه دارم و این دو شاهد برای اثبات ادعای رسالت من کافی است، و این دو شاهد و دو گواه من عبارتند از:

۱. خداوند متعال، یعنی:

خداوند متعال شهادت و گواهی می دهد که من پیامبر هستم و فرستاده خداوند متعال هستم برای هدایت بشر.

یکی از معانی شهادت دادن خداوند متعال به رسالت پیامبر اکرم این است که:

چون قرآن کریم از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده و همه جنّ و انس «اجنّه و انسان‌ها» نمی توانند و نتوانسته‌اند و نخواهند توانست مثل قرآن کریم یاده سوره

مثل سوره‌های قرآن کریم و یا حتی یک سوره مثل سوره قرآن کریم بیاورند، لذا:

آنچه که در قرآن کریم درباره تصدیق رسالت و نبوت پیامبر اکرم آمده در واقع

گواهی و شهادت خداوند متعال است بر رسالت پیامبر اکرم و اینکه آن حضرت فرستاده خداوند متعال است.

ذیل آیه ۱۷ سوره هود «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» به عرض رسید که:

قرآن کریم معجزه باقیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و اگر جن و انس جمع شوند نمی توانند مثل قرآن کریم را بیاوند.

۲. شاهد و گواه دوّم من «یعنی پیامبر اکرم» کسی است که تمام علم کتاب نزد او است، یعنی:

کسی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد او می باشد شاهد و گواه دوّم من است که من پیامبر هستم و خداوند متعال مرا برای هدایت انسانها فرستاده است. خلاصه کلام اینکه:

طبق این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» پیامبر اکرم برای صدق گفته خویش و برای اثبات ادّعای پیامبری خویش به دستور خداوند متعال دو شاهد و دو گواه ارائه می فرماید که عبارتند از:

۱. خداوند متعال.

۲. کسی که تمام علم کتاب نزد او است.

منظور و مراد از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» چیست؟ احتمالاً منظور از کتاب، قرآن کریم است گرچه احتمالات دیگری نیز داده شده، مثلاً گفته شده که:

ممکن است منظور از کتاب، علم به همه کتب آسمانی باشد «قرآن کریم، تورات، انجیل و...»،

ممکن است منظور از کتاب، لوح محفوظ باشد،

ممکن است منظور از کتاب، اسم اعظم خداوند متعال باشد،

و بالاخره ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه همه موارد فوق باشد.

به هر حال مراد و منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» هر کدام از موارد فوق که باشد نتیجه این می شود که:

کسانی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد آنها است و تمام علم کتاب را دارند شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشند و گواهی می دهند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خدا است و خداوند متعال آن حضرت را برای هدایت بشر فرستاده است.

اینکه صاحبان علم کتاب چه افرادی می باشند انشاء الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

مقام و منزلت صاحبان علم کتاب همین بس که خداوند متعال خودش و آنها را شاهد و گواه بر رسالت پیامبرش معرفی فرموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» فرمودند:

عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، یعنی:

به خدا قسم تمام علم کتاب نزد ما است، و آن حضرت این جمله را دوبار تکرار فرمودند.

این حدیث را سدید از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۸۸، ۹۰، ۹۱.

مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۱۳ - ۱۱۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۸ - ۳۱۱.

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۸۵ - ۲۸۶ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۹۸.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۹۹ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۷۸، حدیث ۳ «حدیث ۶۵۹».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۵.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۲.

تفسیر نور الثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۸ «حدیث ۵۳۲۱».

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤال برید بن معاویه که پرسیده بود مقصود از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» چیست، فرمودند:

إِنَّا عَنِّي وَعَلِيِّ أَوْلْنَا وَأَفْضَلْنَا وَخَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَعْنِي:  
مقصود از کسانی که علم کتاب به طور کامل نزد آنهاست ما هستیم،  
و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پس از پیامبر اکرم اول ما و افضل ما  
«برترین ما» و بهترین ما می باشد.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام دست مبارک خویش را بر سینه خودشان گذاشته و فرمودند:

عِنْدَنَا وَاللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ، يَعْنِي:  
به خدا قسم:

تمام علم کتاب نزد ما است.

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، يَعْنِي:

کسی که تمام علم کتاب نزد او است آن شخص وجود مقدّس امیرالمؤمنین

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳، حدیث ۶ «حدیث ۶۰۷».

مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۱.

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۷، حدیث ۲۰۷ «حدیث ۵۳۲۰».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳، حدیث ۵ «حدیث ۶۰۶».

مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۷۱ «حدیث ۸۲۶۹»، «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث را عمر بن اذینه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ كُفِيَ بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» فرمودند:

به خدا قسم:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود که تمام علم کتاب را می دانست.

این حدیث را عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۶. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام درباره مَن عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً، قُلْ كُفِيَ بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» فرمودند:

کسی که تمام علم کتاب نزد او است امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۷. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از مَن عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً، قُلْ كُفِيَ بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۴۵.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۶، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۹ «حدیث ۵۳۲۲».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۲۰ «حدیث ۵۳۳۲».

۳. المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۳۲۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۱۸ «حدیث ۵۳۳۱».

این حدیث را جابر از وجود مبارک امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۸. عده‌ای از اصحاب خدمت امام باقر علیه‌السلام نشستند و در همان حال پسر عبدالله بن سلام از کنار آن‌ها عبور نمود و در این زمان یکی از اصحاب به محضر مبارک امام باقر علیه‌السلام عرض کرد:

یا بن رسول‌الله:

این فرد «عبدالله بن سلام» کسی است که بعضی‌ها گمان می‌کنند که پدر او علم کتاب را می‌داند.

در بعضی از احادیث نیز آمده که:

یکی از اصحاب خدمت امام باقر علیه‌السلام عرض کرد:

یا بن رسول‌الله:

عبدالله بن سلام چنین ادعا می‌کند که این آیه شریفه «يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» درباره پدر او می‌باشد.

وجود مبارک امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

خیر اینطور نیست، بلکه مقصود از کسی که تمام علم کتاب نزد او می‌باشد وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است که آیات فراوانی در شأن آن حضرت نازل شده که یکی از آن آیات شریفه آیه ۴۳ سوره رعد می‌باشد که درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ».

این حدیث را یحیی حلی و عبدالله بن عطا از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۷.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۱۹ «حدیث ۵۳۳۲».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۸، حدیث ۹.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۹، حدیث ۱۴.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴.

### توضیح:

این حدیث را ابن مغزلی شافعی در مناقب، و ثعلبی در تفسیر خویش نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۹. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:  
این آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده و آن حضرت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عالم این امت است.  
این حدیث را فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱۰. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» فرمودند:

من همان کسی هستم که تمام علم کتاب نزد او است.  
این حدیث را سلمان فارسی از حضرت امیر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱۱. ابو سعید خدری می گوید:  
از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره این آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» پرسیدم.  
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۱، حدیث ۲۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۲، حدیث ۲۵.

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴ - ۶۴۵.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۸، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۱، حدیث ۲۱۴ «حدیث ۵۳۲۷».

۳. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۸، حدیث ۱۱.



منظور از کسی که تمام علم کتاب نزد او است برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.<sup>۱</sup>

۱۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه معصومین بعد از آن حضرت می باشد «یعنی علم کتاب به طور کامل نزد وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام می باشد». این حدیث را عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱۳. وجود مقدّس امام باقر و امام صادق و امام کاظم و امام رضا صلوات الله و

سلامه علیهم اجمعین فرمودند:

منظور از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ «کسی که تمام کتاب نزد او است» در این آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث شریف را محمّد بن مسلم، ابو حمزه ثمالی، جابر بن یزید، علی بن فضال، ابو بصیر، احمد بن محمّد کلبی، محمّد بن فضیل، زید بن علی، محمّد بن حنفیه، سلمان فارسی، ابو سعید خدری، اسماعیل سدّی و... از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم السلام نقل نموده اند.<sup>۳</sup>

۱. المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۳۱۲.

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۴۴.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۹، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۲۱، حدیث ۲۱۱ «حدیث ۵۳۲۴».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۹۹.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۰، حدیث ۱۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۲۱، حدیث ۲۱۳ «حدیث ۵۳۲۵».

۳. المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۳۱۲ - ۳۱۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۱، حدیث ۱۹.

۱۴. یکی از اصحاب به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:  
یا اباالحسن:

مرا از بهترین فضائل و مناقب خویش آگاه فرما.  
وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به او فرمود:  
از آنچه که خداوند متعال در قرآن کریم درباره من فرموده یا از سایر فضائل.  
آن فرد به حضرت امیر علیه السلام عرض کرد:  
خداوند متعال درباره شما چه آیاتی را نازل فرموده است.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پاسخ به سؤال او چند آیه شریفه از آیات قرآن کریم را که درباره آن حضرت نازل شده تلاوت فرمودند که فقط به دو آیه شریفه اشاره می شود.

(الف) «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ» (آیه ۱۷ سوره هود).

(ب) «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ

الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد»، یعنی:

منظور از کسی که تمام علم کتاب نزد او است من هستم «یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام».

این حدیث شریف را سلیم بن قیس از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

(الف) ذیل آیه ۱۷ سوره هود «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ» توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از شاهد در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، یعنی:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۷، حدیث ۲۰۵ «حدیث ۵۳۱۸».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴.

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۳۳۵، حدیث ۶۵.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و بر صدق ادعای پیامبر اکرم شهادت و گواهی می دهد.

ب) در آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان شاهد بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده، ضمن اینکه عنوان شده که:

تمام علم کتاب نزد آن حضرت می باشد.

با توجه به این حدیث شریف و دیگر احادیثی که به عرض رسید و انشاء الله تعالی به عرض خواهد رسید معنی آیه ۴۳ سوره رعد این می شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:  
ای پیامبر:

کافران می گویند تو فرستاده خدا نیستی «تو پیامبر نیستی».

ای پیامبر به آنها بگو:

شهادت خداوند متعال و شهادت کسی که تمام علم کتاب نزد او است میان من و شما کافی است، یعنی:

ای پیامبر به کافران بگو:

من برای اثبات ادعای رسالتم دو شاهد و دو گواه دارم:

اولین شاهد و گواه من خود خداوند متعال می باشد «ذات اقدس اله شاهد و گواه بر رسالت و نبوت من می باشد».

و دومین شاهد و گواه من امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که تمام علم کتاب نزد او است.

قابل ذکر است که:

همه ائمه معصومین علیهم السلام مصداق آیه ۴۳ سوره رعد می باشند و تمام علم کتاب «قرآن کریم، تمام کتب آسمانی، اسم اعظم خداوند متعال، لوح محفوظ» نزد آنها می باشد، بنابراین:

آیه ۴۳ سوره رعد دو فضیلت از فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» را بیان می فرماید.  
یکی اینکه آن حضرت شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،  
و دیگر اینکه تمام علم کتاب نزد آن حضرت می باشد.

۱۵. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:  
این آیه شریفه «و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» در مورد ائمه معصومین علیهم السلام نازل شده و مقصود این آیه شریفه ما هستیم «یعنی تمام علم کتاب نزد ائمه معصومین علیهم السلام می باشد».  
این حدیث شریف را عمر بن حنظله از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۶. هنگام زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز میلاد مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خدمت آن حضرت عرض می کنیم:  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ،  
یعنی:

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین که تمام علم کتاب نزد او است «سلام بر تو که تمام علم کتاب نزد تو است».  
این زیارت نورانی از ناحیه وجود مقدّس امام صادق علیه السلام صادر شده و محمّد بن مسلم آن را از امام صادق علیه السلام نقل نموده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۲۱، حدیث ۲۱۵ «حدیث ۵۳۲۸».

**توضیح:**

بحث در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» در رابطه با عِلْمُ الْكِتَابِ بود «یکی از موضوعات مورد بحث در این آیه شریفه» و کسانی که صاحب علم کتاب هستند یعنی تمام علم کتاب بدون کم و کاست و به طور کامل نزد آنان می‌باشد. ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

در جواب کَفَّار که می‌گویند تو پیامبر نیستی و فرستاده خداوند متعال نمی‌باشی به آن‌ها بگو:

من برای اثبات ادّعای رسالت الهی خودم دو شاهد و دو گواه دارم، که: یکی از آن‌ها خداوند متعال است «ذات اقدسِ اله»،

و دیگری کسی که و یا کسانی که:

وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، یعنی:

دوّمین شاهد و گواه من کسی است که «کسانی هستند که»:

تمام علم کتاب «قرآن کریم، یا اسم اعظم خداوند متعال، یا لوح محفوظ، یا همه کتب آسمانی، و یا همه مواردی که به آن‌ها اشاره شد» نزد آن‌ها می‌باشد.

در احادیث ذیل این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» ملاحظه فرمودید که منظور از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ «کسانی که تمام علم کتاب نزد آن‌ها می‌باشد» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت و نسل صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها می‌باشند، یعنی:

این ذوات مقدّسه، هم شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشند «ضمن اینکه وصی و جانشین آن حضرت نیز می‌باشند»،

و هم اینکه تمام علم کتاب نزد آن‌ها می‌باشد.

در آیه چهلم سوره نمل صحبت از فردی است که علمی از کتاب دارد،

یعنی علمی از کتاب را خداوند متعال به او اعطا فرموده است.

این فرد آصف بن برخیا نام دارد که وصی و جانشین حضرت سلیمان است که با داشتن علمی از کتاب «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» توانست تخت ملکه سبا را در مدّت چند ثانیه

یعنی در یک طرفه‌العین و در یک چشم به هم زدن از سرزمین یمن به سرزمین شام و فلسطین منتقل نماید.

جهت پی بردن به این موضوع به خلاصه آن اشاره می‌شود.  
از آیه ۲۰ سوره نمل تا آیه ۴۴ این سوره در رابطه با حضرت سلیمان و ملکه سبا و آصف بن برخیا می‌باشد که خلاصه آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

حضرت سلیمان پس از پدرش همه مواهب پدرش را به ارث برد یعنی علم و دانش و مال و حکومت را از پدرش حضرت داود به ارث برد، ضمن اینکه پیامبری بود که مردم را به سوی حق و پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد.

از آیات شریفه سوره نمل و سوره سبا استفاده می‌شود که:  
داستان حکومت حضرت سلیمان جنبه عادی نداشت بلکه توأم با خرق عادات و معجزات مختلفی بود که قسمتی از آنها از قبیل حکومت حضرت سلیمان بر اجنه و پرندگان و درک کلام مورچگان و گفتگوی با هدهد در سوره نمل و سوره سبا آمده است.

حضرت سلیمان در منطقه شام حکومت داشت و یک روز هدهد برای او خبر آورد که من در سرزمین سبا «منطقه یمن» زنی را دیدم که پادشاه آن کشور می‌باشد و در آنجا سلطنت می‌کند و به همراه ملت خویش خورشیدپرست می‌باشند و به جای پرستش خدای یگانه خورشید را می‌پرستند.

حضرت سلیمان به ملکه سرزمین سبا نامه‌ای نوشت و آن را به هدهد داد و به او دستور داد تا نامه را به کشور سبا «کشور یمن فعلی» برده و نامه را به قصر ملکه سبا یعنی به قصر بلقیس بپندازد تا آنها این نامه را بخوانند.

مضمون نامه حضرت سلیمان به ملکه سبا پس از حمد و ثنای خداوند متعال این بود که:

در مقابل من «یعنی حضرت سلیمان» برتری جویی نکنید و به سوی من بیایید و تسلیم حق شوید «یعنی به خدای یگانه ایمان بیاورید».

ملکه سبا پس از خواندن نامه حضرت سلیمان با اطرافیان خویش مشورت کرد و نهایتاً تصمیم گرفت تا به همراه عده‌ای از اشراف و بزرگان کشورش نزد حضرت

سلیمان بیاید و از نزدیک با دین و آئین حضرت سلیمان آشنا شود.  
حضرت سلیمان مطلع شد که بلقیس «ملکه سبا» به همراه تعدادی از مسئولین بلندیپایه کشورش به طرف شام «سوریه و لبنان و فلسطین فعلی» عازم هستند تا با او دیدار نمایند.

حضرت سلیمان پس از اطلاع از این قضیه تصمیم گرفت تا قدرت‌نمایی کرده و با انجام کار شگرف و عظیم ملکه سبا و اطرافیانش را با قدرت اعجاز خود آشنا نماید تا آن‌ها به خدای یگانه ایمان بیاورند، لذا حضرت سلیمان به اطرافیان خویش گفت:  
«يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ - آیه ۳۸ سوره نمل»، یعنی:  
ای گروه بزرگان:

کدام یک از شما می‌توانید تخت ملکه سبا را «تخت بلقیس را» برای من بیاورید قبل از اینکه آن‌ها به حال تسلیم نزد من بیایند.  
منظور حضرت سلیمان این بود که:

وقتی بلقیس تخت با عظمت خویش را پیش حضرت سلیمان ببیند و متوجه شود که تخت جلوتر از صاحبش به خدمت حضرت سلیمان آمده از این عمل خارق‌العاده و از دیدن این معجزه به حضرت سلیمان و به خداوند یگانه ایمان بیاورد که اینگونه نیز شد، یعنی:

وقتی بلقیس به خدمت حضرت سلیمان آمد و تخت خودش را نزد حضرت سلیمان دید از پرستش خورشید و از بت‌پرستی توبه نمود و به خدای یگانه ایمان آورد.

قابل ذکر است که:

ملکه سبا «بلقیس» تخت عظیم و بزرگ و بس گرانبهائی داشت که آن را در قصر خویش در محل مخصوصی قرار داده بود و نگهبانان زیادی را مأمور نموده بود تا از آن تخت گرانبها محافظت نمایند.

با این حال و با این وضعیّت وقتی بلقیس از سرزمین سبا به شام آمد و به خدمت حضرت سلیمان رسید و ملاحظه کرد که تخت او این مسافت طولانی را زودتر از او طی کرده و نزد حضرت سلیمان آورده شده لذا از بت‌پرستی و خورشیدپرستی

توبه نمود و به خدای یگانه ایمان آورد.

علی ایحال، پس از اینکه حضرت سلیمان به اطرافیان خود فرمود که چه کسی می تواند تخت بلقیس را نزد من بیاورد قبل از اینکه او به این جا برسد، یکی از اجنّه گفت:

قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ، يَعْنِي:

یکی از اجنّه «دیو نیرومندی از طایفه جن» به حضرت سلیمان عرض کرد:

«أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ - آیه ۳۹ سوره نمل»، یعنی:

قبل از اینکه مجلس تو پایان بگیرد و قبل از اینکه از مجلس قضاوت خود برخیزی تخت بلقیس را نزد تو حاضر می کنم.

گفته شده که حضرت سلیمان از صبح تا حوالی ظهر بر مسند قضاوت می نشست است، یعنی:

این دیو نیرومند از طایفه جن قادر بود ظرف چند ساعت تخت بلقیس را از سرزمین سبا «کشور یمن فعلی» به منطقه شام «سوریه و فلسطین فعلی» منتقل نماید، یعنی:

این دیو نیرومند از طایفه جن می توانست تخت عظیم بلقیس را ظرف چند ساعت چند صد کیلومتر نقل مکان بدهد، که این کار در نوع خودش عملی است شگفت و خارق العاده.

پس از اظهارات این دیو نیرومند از طایفه جن فرد دیگری به پا خاسته و به حضرت سلیمان عرض کرد:

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ، يَعْنِي:

کسی که علم محدود و بسیار مختصری از کتاب را داشت به حضرت سلیمان عرض کرد:

«أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ - آیه ۴۰ سوره نمل»، یعنی:

من تخت بلقیس را نزد تو حاضر می کنم قبل از آنکه چشم بر هم زنی، یعنی:

من قبل از یک چشم به هم زدن تخت بلقیس را نزد تو حاضر می کنم.

و در ادامه آیه شریفه «آیه ۴۰ سوره نمل» آمده است که:



فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ، قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي، یعنی:

وقتی حضرت سلیمان موافقت خود را اعلام نمود بلافاصله و در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن تخت بلقیس در کنار حضرت سلیمان بود، و هنگامی که حضرت سلیمان تخت بلقیس را نزد خویش دید زبان به شکر خداوند متعال گشود و گفت:

این از فضل پروردگار من است.

کسی که تخت با عظمت بلقیس را در مدّت یک چشم به هم زدن یعنی در مدّت یکی دو ثانیه از سرزمین سبا به شام منتقل کرد و این تخت بزرگ را در مدّت چند ثانیه چند صد کیلومتر نقل مکان داد فردی بود به نام آصف بن برخیا که وزیر و جانشین حضرت سلیمان بود.

آصف بن برخیا، عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ داشت، یعنی:

علم بسیار مختصر و محدودی از کتاب را داشت نه عِلْمُ الْكِتَابِ «نه تمام علم کتاب».

آصف بن برخیا که عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ «علمی از کتاب نه تمام علم کتاب» داشت توانست قبل از یک چشم به هم زدن یعنی در ظرف یکی دو ثانیه تخت با عظمت بلقیس را چند صد کیلومتر نقل مکان نماید و آن را از سرزمین سبا «کشور یمن» به سرزمین شام «سوریه و لبنان و فلسطین فعلی» منتقل کند، حال تصوّر بفرمائید کسی که و یا کسانی که تمام علم کتاب نزد آنها است چه قدرتی دارند.

ذیل آیه ۴۳ سوره رعد به عرض رسید که:

منظور از کتاب در آیه ۴۳ سوره رعد و آیه ۴۰ سوره نمل ممکن است:

قرآن کریم باشد، یا

تمام کتب آسمانی باشد، یا

یا اسم اعظم خداوند متعال باشد، و یا

لوح محفوظ الهی باشد، و ممکن است همه آنها منظور باشد، به هر حال:

مقصود از کتاب هر چه که باشد ائمه معصومین علیهم السلام تمام علم کتاب را

دارند «عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»،

و آصف بن برخیا که آن کار عظیم و خارق العاده را انجام داد «انتقال تخت بلقیس از سرزمین سبا به شام در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن» فقط علمی از کتاب را داشت، یعنی:

علم مختصر و محدودی از کتاب «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ».

برای پی بردن به قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام که عِلْمُ الْكِتَابِ نزد آنها است و تمام علم کتاب را دارند،

و پی بردن به قدرت وصی و جانشین حضرت سلیمان یعنی آصف بن برخیا که عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ نزد او بود و علم مختصر و محدودی به کتاب داشت، و برای مقایسه قدرت آنها با یکدیگر به چند حدیث شریف اشاره می شود.

قبل از پرداختن به احادیث شریف صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام لازم است توضیح مختصری راجع به لوح محفوظ ارائه شود.

### لوح محفوظ چیست؟

لوح محفوظ لوحی است که از هر دگرگونی محفوظ می باشد و مشتمل بر تمامی جزئیات است که خداوند متعال قضا و مشیّت خویش را بر مخلوقاتش اعمال فرموده است و در نتیجه آمار و خصوصیات همه چیزها در آن هست «در لوح محفوظ»، و این لوح محفوظ در قرآن کریم و در کلام خداوند متعال به اسامی مختلفی نامیده می شود که عبارتند از:

۱. امّ الكتاب؛ ۲. کتاب مبین؛ ۳. امام مبین؛ ۴. کتاب مکنون.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به یکی از اصحاب خویش به نام سدید

فرمود:

۱. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۹۷ تا ۱۱۵ «ذیل آیه ۲۰ تا ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۵۹ تا ۵۱۵ «ذیل آیه ۱۷ تا ۴۰ سوره نمل».

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۰۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

ای سدیر:

آیا می‌دانی کسی که علمی از کتاب داشت «اشاره به آصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان که خداوند متعال در آیه ۴۰ سوره نمل درباره او فرموده که الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» چه اندازه از علم کتاب نزد او بود.

سدیر می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:

یا بن رسول‌الله:

نمی‌دانم، شما به من خبر دهید.

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

به اندازه یک قطره آب نسبت به همه آب دریاها «یعنی علم آصف بن برخیا از کتاب به اندازه یک قطره بود در برابر آب تمام دریاها».

سدیر می‌گوید:

آنگاه وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام دست مبارک خویش را روی سینه خودشان گذاشته و دو دفعه این کلام را تکرار فرمودند که:

عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، یعنی:

به خدا قسم تمام علم کتاب به طور کامل نزد ما است «یعنی علم و قدرت آصف بن برخیا که آن کار عظیم و خارق‌العاده را انجام داد در مقابل علم و قدرت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام مثل قطره است در مقابل دریا».<sup>۱</sup>

۲. از محضر مبارک امام صادق علیه‌السلام سؤال شد که:

آیا کسی که علمی از کتاب دارد «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» اعلم است و عالم‌تر

می‌باشد،

یا کسی که تمام علم کتاب نزد او است «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ».

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۷۸، حدیث ۳ «حدیث ۶۵۹».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۵.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۸، «حدیث ۵۳۲۱».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

علم و دانش کسی که علمی از کتاب دارد نسبت به علم و دانش کسی که تمام علم کتاب نزد او است مانند پشه‌ای است که بال‌های خود را از آب دریا تر می‌نماید «علم و قدرت کسی که تمام علم کتاب نزد او است مثل آب دریاها است، و علم و قدرت کسی که علمی از کتاب دارد مثل رطوبتی است که بال‌های پشه در تماس با آب دریا کسب می‌کند».

این حدیث را عمر بن اذینه از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. ابو سعید خدری نقل می‌کند که:

از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره این آیه شریفه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ - آیه ۴۰» سؤال کردم و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمود:

مقصود از این آیه شریفه وصی و جانشین حضرت سلیمان می‌باشد.  
ابو سعید خدری می‌گوید:

از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره این آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» سؤال کردم و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمود:

مقصود از این آیه شریفه برادرم علی بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در مسجد نشسته بودند که دو مرد برای رفع خصومت نزد آن حضرت آمدند.

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۴۵.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۶، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۹، «حدیث ۵۳۲۲».

۲. المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۳۱۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۹، حدیث ۱۲.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۵۰۳، «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

یکی از آن دو نفر از خوارج و نواصب بود و حکم حضرت امیر علیه السلام نیز بر ضرر وی صادر شد.

آن فرد ناصبی «دشمن حضرت امیر علیه السلام» به وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام گفت:  
یا علی:

به خدا سوگند که به عدالت قضاوت نکردی و به عدالت رفتار نمودی.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به آن مرد ناصبی فرمود:  
مسخ شو و دور شو ای دشمن خدا، و در همان لحظه آن مرد ناصبی به یک سگ سیاه تبدیل شد و در حالی که اشک از چشم‌هایش سرازیر بود دم خود را تکان می‌داد.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به حال او رقت و دلسوزی نمود و دعا فرمود و آن مرد ناصبی که تبدیل به سگ سیاهی شده بود دوباره به صورت انسان درآمد و آدم شد و در حالی که دستپاچه و وحشت‌زده بود از مسجد گریخت.

حاضرین در مسجد با حالت بُهت و حیرت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نگاه می‌کردند که آن حضرت به حضار فرمودند:

شما را چه می‌شود که اینگونه شگفت‌زده شده‌اید.

حاضرین در مسجد به آن حضرت عرض کردند:

چگونه تعجب نکنیم در حالی که دیدیم چه کردید.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

مگر نمی‌دانید که آصف بن برخیا که وصی و جانشین حضرت سلیمان بود کاری

شبییه به این انجام داد «معجزه و خرق عادت».

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش

فرمودند:

آصف بن برخیا که وصی و جانشین حضرت سلیمان بود فقط یک حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می‌دانست و او با همین یک حرف از حروف

اسم اعظم خداوند متعال در کمتر از یک چشم به هم زدن تخت ملک سبا را نزد حضرت سلیمان آورد،

در حالی که ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می‌دانیم،

و یک حرف از حروف اسم اعظم را خداوند متعال نزد خود نگه داشته و آن را به کسی نیاموخته است.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

اسم اعظم خداوند متعال هفتاد و سه حرف است و آصف بن برخیا فقط یکی از حروف اسم اعظم را می‌دانست و به وسیله آن یک حرف تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان آورد و این عمل در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن صورت گرفت،

و این در حالی است که هفتاد و دو حرف از اسم اعظم نزد ما است و یک حرف آن نزد خداوند متعال است که آن را به خودش اختصاص داده است.

این حدیث را جابر از وجود مبارک امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۶. وجود مبارک امام عسکری سلام الله علیه فرمودند:

اسم اعظم خداوند متعال هفتاد و سه حرف است که یکی از آنها نزد آصف بن برخیا بود و با آن یک حرف بود که در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان حاضر کرد،

در حالی که هفتاد و دو حرف از اسم اعظم خداوند متعال نزد ما است و یک حرف نیز

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۵۴۵، حدیث ۷۸ «حدیث ۸۲۷۶»، «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

۲. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۳۴، حدیث ۱ «حدیث ۶۰۸».

المیزان، جلد سی‌ام، صفحه ۲۹۶ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۱۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۷، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۷۲ «حدیث ۸۲۷۰»، «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۵۰۳ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

مخصوص خداوند متعال است و خداوند متعال آن را به خودش اختصاص داده است. این حدیث را علی بن محمد نوفلی از امام عسکری علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۷. جابر نقل می کند که:

به محضر مبارک امام باقر علیه السلام عرض کردم:  
درباره این آیه شریفه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ، أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ - آیه ۴۰ سوره نمل» توضیح بفرمائید.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

ای جابر:

خداوند متعال اسم اعظم خویش را بر هفتاد و سه حرف قرار داد. آن عالم «آصف بن برخیا» فقط یکی از آن حروف «یکی از حروف اسم اعظم» را می دانست و با آن یک حرف تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان حاضر کرد در حالی که هفتاد و دو حرف اسم اعظم خداوند متعال نزد ما است و علم به یک حرف دیگر نزد خداوند متعال است که آن را در عالم غیب حفظ فرموده است «فقط به خودش اختصاص داده است».<sup>۲</sup>

۸. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

اسم اعظم خداوند متعال بر هفتاد و سه حرف استوار است و آصف بن برخیا فقط یکی از آن حروف را می دانست و با آن یک حرف در مدت کمتر از یک چشم به هم زدن تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان حاضر کرد در حالی که هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال نزد ما است،  
و یک حرف دیگر اسم اعظم را خداوند متعال از امور غیبی قرار داده است

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۴، حدیث ۳ «حدیث ۶۱۰».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۹۷ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۸، حدیث ۲ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۷۳ «حدیث ۸۲۷۱».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۹، حدیث ۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

«مخصوص خودش قرار داده است».

این حدیث شریف را سعد بن ابی عمر و جلاب از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>  
 عین این حدیث را عمر حلال نیز از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) آصف بن برخیا که وصی و جانشین حضرت سلیمان بود و طبق آیه ۴۰ سوره نمل «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ، أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» بخشی از علم کتاب را داشت و فقط یک حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می دانست و با همین یک حرف توانست تخت ملکه سبا را در مدت کمتر از یک چشم به هم زدن صدها کیلومتر نقل مکان بدهد و آن را در شام نزد حضرت سلیمان حاضر نماید.

ب) حداکثر حروف اسم اعظم را که خداوند متعال به پیامبران خویش اعطا فرموده بیست و پنج حرف می باشد «غیر از پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت» و این مطلب در اصول کافی «جلد اول، صفحه ۳۳۴، حدیث ۲، «حدیث ۶۰۹» و تفسیر برهان «جلد هفتم، صفحه ۳۸، حدیث ۳، «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل» آمده است.

ج) وجود مقدس پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می دانند، و طبق آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» تمام علم کتاب نزد آن ذوات مقدسه می باشد.

د) یک حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال اختصاص به ذات اقدس الهی دارد و مخصوص به خداوند متعال است.

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۹، حدیث ۵ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۳۹، حدیث ۶۹ «حدیث ۸۲۶۷»، «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».



ه) عرض شد که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام دارای علم کتاب هستند و تمام علم کتاب نزد آن ذوات مقدّسه است و هفتاد و دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم خداوند متعال را می دانند، در حالی که آصف بن برخیا علمی از کتاب را داشت و فقط بخش مختصری از علم کتاب نزد او بود و فقط یک حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم خداوند متعال را می دانست.

معنی مطالب فوق این نیست که علم و قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام هفتاد و دو برابر علم و قدرت آصف بن برخیا می باشد، بلکه: همانطور که در احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام آمده و به تعدادی از آنها اشاره شد نسبت علم و قدرت آصف بن برخیا نسبت به علم و قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مثل یک قطره است در مقابل آب تمام دریاها، و یا:

اگر پشه‌ای بر روی دریایی حرکت کند و بال‌های خویش را به دریا زده و آنها را خیس نماید رطوبتی که بر بال‌های پشه حاصل می شود علم و قدرت آصف بن برخیا است و تمام آب دریا علم و قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام، و به عبارت دیگر:

علم و قدرت آصف بن برخیا اصلاً قابل قیاس با علم و قدرت چهارده معصوم علیهم السّلام نمی باشد.



## «سوره ابراهیم»

آیه ۵ سوره ابراهیم:

«وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ایام الله را به آنان یادآوری کن که در این یادآوری آیاتی است «نشانه‌هایی است» برای هر کسی که صبور و شکرگزار است.<sup>۱</sup>

شرح لغات و توضیحات:

ایام = جمع یوم یعنی روزها «ایام الله = روزهای خدا»؛

تذکیر = یادآوری کردن، متذکر شدن؛

ذکرهم = به آنها یادآوری کن، آنها را متذکر شو؛

صبار و شکور هر دو صیغه مبالغه می باشند، پس:

صبار = بسیار صبور، بسیار صبرکننده؛

شکور = بسیار شاکر، بسیار شکرگزار.<sup>۲</sup>

---

۱. تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۱۲.

۲. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۷.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۱۷.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵ سوره ابراهیم» به یکی از مأموریت‌های بزرگ حضرت موسی بن عمران اشاره کرده و می‌فرماید:

ای موسی:

وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ = ایام الله «روزهای خدا» را به آن‌ها یادآوری کن.  
خداوند متعال به حضرت موسی بن عمران دستور می‌فرماید که:

ای موسی:

ایام الله را برای قوم خویش یادآوری کن و این روزها را به قوم خودت یادآوری نما. همه ایام و همه روزها متعلق به خداوند متعال می‌باشد همانگونه که همه مکان‌ها متعلق به خداوند متعال است،

لذا اگر مکان خاصی به نام بیت الله «خانه خدا» نامیده شده دلیل بر اهمیّت و ویژگی خاص آن مکان می‌باشد، همچنین:

اشاره به روزهای خاصی به عنوان یوم الله «روز خدا» و به عنوان ایام الله «روزهای خدا» نیز دلیل بر اهمیّت و ویژگی خاص آن روز و آن روزها می‌باشد، یعنی در آن روز و یا در آن روزها حوادث مهمی به وقوع پیوسته است و یا خواهد پیوست. اگر خداوند متعال به حضرت موسی امر می‌کند که ایام الله «روزهای خدا» را به امت خودش یادآوری نماید مقصود این است که روزهایی را که به امت‌های قبل از حضرت موسی عذاب نازل شده و یا به آن‌ها نعمت‌هایی داده شده برای مردم روشن نماید و به آن‌ها یادآوری کند تا بدین وسیله مؤمنین از این قضیه پند و عبرت بگیرند.

به عبارت دیگر:

ایام الله زمان‌ها و روزهایی هستند که آیات خداوند متعال و قدرت لایزال الهی برای انسان‌ها ظاهر می‌شود که ممکن است این قدرت خداوند متعال به صورت عذاب بروز و ظهور نماید و یا ممکن است به صورت نعمت ظاهر شود، لذا:

آن روزی که عذاب الهی نازل می‌شود،

و یا آن روزی که نعمات الهی بر بندگان ظاهر می‌شود هر دو آن‌ها ایام الله هستند چرا که در آن روزها حوادث خاص و ویژه‌ای ظهور و بروز نموده‌اند، مثلاً:

روزی یا روزهایی که قوم نوح و عاد و ثمود به هلاک رسیدند، و یا روزی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام از آتش نجات یافت، و یا روزی که قوم موسی از چنگال فرعونیان نجات پیدا کرد که همه آن‌ها ایام الله می‌باشند، زیرا:

در آن روزها قدرت و عزّت و عظمت خداوند متعال ظاهر و آشکار شده است که در یک مورد به صورت قهر و عذاب است «هلاک قوم نوح و عاد و ثمود و...» و در مورد دیگر به صورت لطف و تفضّل بوده است «نجات حضرت ابراهیم علیه‌السلام از آتش و نجات قوم موسی از چنگال فرعون و...». روز مرگ انسان یوم الله محسوب می‌شود زیرا در آن روز قدرت و سلطنت خداوند متعال به آن شخص «شخصی در حال مرگ و در حال احتضار» هویدا و آشکار می‌گردد، همچنین:

روز قیامت نیز یوم الله می‌باشد زیرا در آن روز قدرت و عزّت و سلطنت خداوند متعال برای همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر ظاهر و آشکار می‌شود و همگان به وضوح آن را می‌بینند، بنابراین:

هر روزی که در آن روز حوادث ویژه و خاصی به وقوع پیوسته و یا به وقوع خواهد پیوست «اعم از اینکه نزول بلا و عذاب باشد و یا نزول رحمت الهی» آن روز یوم الله است، لیکن برای ایام الله مصادیق بارز و آشکاری وجود دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ = در این یادآوری «یادآوری ایام الله» آیات و نشانه‌هایی است برای صابرين و شاکرين.

به عبارت دیگر:

یادآوری و متذکر شدن به ایام الله عبرت و پندی است برای مؤمنین،

آن مؤمنینی که صَبَّار هستند «بسیار صبور می‌باشند»،

و آن مؤمنینی که شکور هستند «بسیار شاکر و سپاسگزار می‌باشند».

بنابراین:

بسیار صابر بودن و بسیار شاکر بودن از ویژگی‌ها و خصوصیات بارز و آشکار مؤمنین می‌باشد، زیرا:

انسان در دنیا یا گرفتار مشکلات و سختی‌ها و بلاها می‌باشد که در این صورت باید صبر پیشه کند و صَبَّار باشد،

یا اینکه غرق در نعمات و خوشی‌ها است که در این صورت باید شاکر و سپاسگزار باشد و بلکه باید شکور باشد.

بنابراین:

مؤمنین واقعی و راستین دو ویژگی و دو صفت ممتاز باید داشته باشند «علاوه بر سایر صفات کمال» که یکی از آن‌ها صَبَّار بودن است «بسیار صابر بودن» و دیگری شکور بودن «بسیار شاکر و سپاسگزار بودن».

اگر مؤمنین این دو صفت و این دو ویژگی را داشته باشند هنگام مواجه شدن با مشکلات و مصائب صبر پیشه کرده و دست و پای خود را گم نمی‌کنند، و هنگام شادی و سرور و رسیدن به نعمات الهی دچار غفلت نشده و کفران نعمت نمی‌کنند و مرتکب گناه و معصیت نمی‌شوند.

صبر بیشتر در این موارد به کار برده می‌شود:

۱. صبر در طاعت خداوند متعال، یعنی:

چنانچه انسان در انجام فرائض و واجبات و انجام اوامر خداوند متعال با مشکلات و سختی‌ها مواجه شد صبر پیشه نماید.

۲. صبر در معصیت، یعنی:

هنگام مواجه شدن با صحنه‌هایی که احتمال معصیت در آن‌ها باشد صبر پیشه کرده و مرتکب گناه نشود، مثلاً:

اگر با پول حرام مواجه شد،

یا در محلی خلوت با زن نامحرمی مواجه شد، یا موارد دیگری که امکان انجام گناه ممکن و میسر شد تسلیم نفس خود نشده و صبر پیشه کرده و از ارتکاب گناه

خودداری نماید.

۳. صبر در مصائب، یعنی:

هنگام مواجه شدن با سختی‌ها و مشکلات و مصائب مختلف از قبیل:

از دست دادن عزیزان،

از دست دادن مال و ثروت و گرفتار فقر شدن،

از دست دادن سلامتی و گرفتار بیماری شدن و امثال این قضایا خود را نباخته و

خدای ناکرده لب به شکایت و اعتراض باز نکند، بلکه:

صبر پیشه کرده و با توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام از درگاه

خداوند متعال درخواست نماید تا مشکلات و مصائب او رفع شود.

ذیل آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره رعد نیز درباره صبر و اجر و پاداش صابرين مطالبی به

عرض رسیده است.

شُکر چیست؟

شُکر کردن یعنی سپاسگزاری کردن از خداوند متعال به خاطر نعماتی که به

انسان اعطا فرموده است که ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین آن شُکر زبانی است، یعنی:

گفتن الحمد لله ربّ العالمین، یا گفتن الحمد لله، و یا به هر زبان و بیان دیگری

از خداوند متعال سپاسگزاری کردن، لیکن:

نوع عالی شُکر و درجه اعلای آن و در واقع حقیقت شُکر، شُکر عملی است، یعنی:

نعماتی را که خداوند متعال به انسان اعطا فرموده در جای خودش خرج کند، یعنی:

نعمات الهی را همان جایی خرج کند و در همان راهی صرف نماید که خداوند

متعال امر فرموده است، مثلاً:

از نعمت چشم، گوش، زبان و سایر اعضاء و جوارح خودمان، همچنین از ثروت

و مقام و موقعیت اجتماعی و هوش و ذکاوتمان دقیقاً آنگونه استفاده کنیم که

خداوند متعال امر فرموده است، و چنانچه نعمات الهی را در جهت خلاف دستور

خداوند متعال خرج کنیم در رابطه با آن عضو و آن نعمت کُفران نعمت نموده‌ایم

و خداوند متعال به کُفران نعمت‌کنندگان وعده عذاب شدید داده و آن‌ها را تهدید

به عذاب شدید نموده و در آیه هفتم سوره ابراهیم فرموده:

وَلَيْنَ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ، یعنی:

و اگر کُفران نعمت کنید «نعمات الهی را در غیر راهی که خداوند متعال امر فرموده خرج کنید» عذاب و مجازات من شدید و سخت است.  
بنابراین:

اگر با چشم خویش به نامحرم نگاه کنیم در رابطه با چشم خودمان کُفران نعمت کرده‌ایم «شکر نعمت چشم یعنی نگاه کردن به آیات الهی و به دنبال آن تفکر در قدرت خداوند متعال، همچنین شکر نعمت چشم نگاه کردن به آیات قرآن کریم و تلاوت و تدبّر در آن‌ها و مطالعه احادیث و روایات ائمه معصومین علیهم السّلام و... می‌باشد، و اگر این‌ها را ترک کنیم کُفران نعمت نموده‌ایم».

اگر با زبان خودمان به دیگران ناروا بگوئیم و بین مردم اختلاف ایجاد کنیم در رابطه با آن عضو کُفران نعمت کرده‌ایم «شکر نعمت زبان امر به معروف کردن و نهی از منکر نمودن می‌باشد یعنی دعوت مردم به نیکی‌ها و بر حذر داشتن آن‌ها از محرّمات می‌باشد و...».

اگر با عقل و هوشمان ثروت حرام کسب کنیم از عقل و هوشمان استفاده نابجا نموده‌ایم و در این رابطه کُفران نعمت کرده‌ایم، خلاصه کلام اینکه:  
شُکر نعمت به جای آوردن یعنی:

همه نعمات خداوند متعال «اعم از نعمت عقل، هوش، ثروت، سلامتی جسم، قدرت، مقام، اعضاء و جوارح از قبیل چشم، گوش، زبان و...» در همان راهی خرج شود که خداوند متعال امر فرموده است، لذا:

اگر این نعمات را در غیر راهی که خداوند متعال دستور داده خرج کنیم کُفران نعمت نموده‌ایم و مجازات کُفران نعمت‌کنندگان طبق آیه هفتم سوره ابراهیم عذاب شدید خداوند متعال می‌باشد. ذیل آیات شریفه سوره تکاثر نیز در رابطه نعمت‌های خداوند متعال که به بشر اعطا شده توضیحاتی به عرض رسیده است.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۷ تا ۹۹.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۱۰، ۲۸، ۲۹.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۵.



**حدیث:**

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

إَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ:

يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ، وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، يَعْنِي:

إَيَّامُ اللَّهِ «إَيَّامُ خِذَا» سَهْ رَوْزِ اسْت:

الف) روز قیام و ظهور قائم آل محمّد علیهم السّلام «روز ظهور امام زمان علیه السّلام»،

ب) روز رجعت،

ج) روز قیامت.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

إَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ،

يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ، وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، يَعْنِي:

إَيَّامُ اللَّهِ «إَيَّامُ رَوْزَهَائِ خِذَا» سَهْ رَوْزِ اسْت.

الف) روز قیام و ظهور قائم آل محمّد علیهم السّلام «روز ظهور امام زمان علیه السّلام»،

ب) روز رجعت

ج) روز قیامت.<sup>۲</sup>

**توضیح:**

كُرَّةٌ به معنی رجوع و بازگشتن می باشد، وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ یعنی روز رجعت و بازگشت،

لذا:

۱. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۷، حدیث ۷ «حدیث ۵۳۳۹».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۲۰.

خصال صدوق، جلد اول، صفحه ۱۲۷، باب خصال سه گانه، حدیث ۶۶.

۲. المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۳۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۹، حدیث ۲.

معانی الاخبار صدوق، جلد دوم، باب ۴۰۹، صفحه ۳۵۸، حدیث ۱.

يَوْمُ الْكُرَّةِ «روز رجعت» در احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید و به عنوان یوم الله از آن یاد شد هم می تواند اشاره به رجعت ائمه معصومین علیهم السلام و بازگشت آن ذوات مقدسه به دنیا باشد که در احادیث فراوانی به این موضوع اشاره شده است، و هم می تواند اشاره به رجعت و بازگشت انسان به سوی حق باشد «یعنی مرگ انسان»، و می تواند هر دو این ها باشد. قابل ذکر است که:

ایام الله منحصر به این سه روز نیست بلکه این سه روز از مصادیق بارز و آشکار ایام الله هستند و مهم ترین و بارزترین مصداق ایام الله می باشند.

### آیه ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ سوره ابراهیم:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» آیه ۲۴.  
 «تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» آیه ۲۵.  
 «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» آیه ۲۶.

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

آیا ندیدی «آیا نمی بینی» که خداوند متعال چگونه مَثَل می زند. کلمه طیبیه مانند نهال و درختی است که ریشه اش در زمین است و شاخه های آن رو به آسمان می باشد «خداوند متعال برای کلمه طیبیه مثالی زده و آن را به شجره و درخت پاک و تمیزی تشبیه فرموده که ریشه آن در زمین است و ثابت و محکم می باشد و شاخه های آن در آسمان است» آیه ۲۴.

این شجره طیبیه «این درخت پاکیزه» همیشه به اذن پروردگارش میوه می دهد، و خداوند متعال این مَثَل ها را برای مردم می زند تا شاید مردم متذکر شوند «عبرت بگیرند» آیه ۲۵.

و مَثَل کلمه خبیثه مانند درختی خبیث و پلید است که از زمین کنده شده و آرام و قرار ندارد «جز ضرر و زیان خاصیت دیگری ندارد» آیه ۲۶،<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

منظور از کلمه طیبیه چیست؟

۱. بعضی از مفسرین آن را به کلمه توحید «جمله لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تفسیر کرده اند.
۲. بعضی آن را به ایمان تفسیر نموده اند «کلمه طیبیه یعنی ایمان».
۳. بعضی آن را به قرآن تفسیر کرده اند «کلمه طیبیه یعنی قرآن».
۴. بعضی آن را طاعات الهی تفسیر کرده اند، زیرا طاعات برای صاحب خود خیر

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۴ تا ۱۲۸.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۷۹.

و برکت به همراه دارد.

۵. بعضی از مفسرین کلمه طَّيْبَه را به شخص مؤمن تفسیر نموده‌اند.

۶. برخی معتقدند که کلمه طَّيْبَه عبارت است از معارف حَقَّه‌ای که ریشه در اعماق وجود انسان دارد. با توجَّه به اینکه ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السَّلام و ایمان به آنچه که از ناحیه خداوند متعال به آن ذوات مقدَّسه نازل شده همه موارد فوق را در بر می‌گیرد، لذا:

مقصود از کلمه طَّيْبَه ایمان است «ایمان به خدا و رسول و اوصیاءِ رسول الله» که خداوند متعال آن را به شجره طَّيْبَه‌ای تشبیه فرموده که مصداق این شجره طَّيْبَه محمَّد و آل محمَّد علیهم السَّلام و شیعیان آن ذوات مقدَّسه می‌باشند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

أَصْل = پایه و اساس و ریشه هر چیز که وجود آن چیز به او بستگی دارد؛

فَرْع = شاخه «جمع فَرْع می‌شود فُرُوع»؛

ثَبَات = دوام و استقرار یافتن «ضد ثَبَات، زوال است»؛

ثَابِت = محکم، پابرجا، پایدار، بادوام؛

أَكْل = خوراکی، خوردن، ثَمَر، میوه، آنچه که خورده می‌شود؛

إِيتَاء = دادن، اعطا کردن؛

شَجَرٌ = درخت «جمع شَجَر می‌شود اشجار»، واحد آن شجره است؛

حَیْن = وقت، زمان؛

كُلِّ حَیْنٍ = هر زمان، هر وقت «همیشه»؛

طَّيِّبٌ = پاک، پاکیزه؛

خَبِيثٌ = آنچه که به جهت پستی و پلیدی مورد تنفّر و انزجار می‌باشد؛

پَلِيدٌ = ناپاک؛

إِجْتِنَاتٌ = از بیخ برکندن، از ریشه کندن؛

کلمه طَّيْبَه = ایمان داشتن به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله و آنچه که از ناحیه

خداوند متعال به این ذوات مقدَّسه نازل شده است؛

کلمه خَبِيثَه = ایمان نداشتن «ایمان نداشتن به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله»،

شرک و کفر نیز مشمول کلمه خبیثه می‌شوند.

کلمه خبیثه در مقابل کلمه طیبه، و شجره خبیثه در مقابل شجره طیبه واقع شده و نقطه مقابل یکدیگر می‌باشند، و انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مصداق انحصاری شجره طیبه محمد و آل محمد علیهم‌السلام و شیعیان آن ذوات مقدسه می‌باشند،

و مصداق شجره خبیثه دشمنان محمد و آل محمد علیهم‌السلام و منکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدسه هستند که یکی از مصادیق بارز و آشکار شجره خبیثه بنی‌امیه و غاصبین خلافت می‌باشند.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در این آیات شریفه و دیگر آیات شریفه قرآن کریم با بیان جملاتی نظیر **ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا، يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ، يَضْرِبُ اللهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ، وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ، تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ،** برای انسان‌ها مثل می‌زند تا مردم آن مطلب را کاملاً متوجه بشوند و آن را به خوبی درک نمایند.

در انتهای بعضی از این مثل‌ها خداوند متعال فرموده.

**لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ، لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ،** یعنی:

ما در قرآن کریم برای مردم این مثل‌ها را می‌زنیم تا شاید تفکر و اندیشه نمایند و شاید متذکر بشوند و پند بگیرند و در نتیجه به خدای یگانه و انبیاء الهی و اوصیاء آن‌ها ایمان آورده و به راه راست هدایت شوند.

در این آیات شریفه «آیه ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ سوره ابراهیم» نیز خداوند متعال مثل می‌زند تا بلکه مردم متذکر شده و به صراط مستقیم هدایت شده و حق را بپذیرند.

خداوند متعال در اولین آیه «آیه ۲۴ سوره ابراهیم» می‌فرماید:

**الَّذِينَ تَرَكَوْا ضَرْبَ اللهِ مَثَلًا = آیا ندیدی «آیا نمی‌بینی»** که خداوند متعال چگونه مثل می‌زند.

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۶ - ۱۲۷.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۷۸ - ۸۱.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۸۰ - ۳۸۴.

مفردات راغب.

همانطور که عرض شد خداوند متعال مسائل عقلی را در قالب مسائل حسّی «محسوسات» بیان نموده و آن را تشبیه می‌فرماید تا در ذهن مردم بهتر اثر کند و مردم موضوع را کاملاً بفهمند. اینک خداوند متعال چه چیزی را به چه چیزی تشبیه می‌فرماید در ادامه آیه شریفه آمده است.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه کلمه طیبّه را به شجره طیبّه تشبیه نموده و می‌فرماید:

كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ = این کلمه طیبّه یعنی این معارف حقّه الهی یعنی ایمان به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله و ایمان به آنچه که به آن ذوات مقدّسه نازل شده مثل شجره طیبّه‌ای است «مثل درخت پاک و تمیزی است» که:

أَصْلُهَا ثَابِتٌ = ریشه آن داخل زمین است و ریشه ثابت و محکم و پابرجایی دارد که سیل و طوفان و عوامل دیگر نمی‌تواند آن را از جا بکند.

وَ فَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ = شاخه‌های این شجره طیبّه «شاخه‌های این درخت پاک و پاکیزه» رو به آسمان است.

این بیان حاکی از عظمت و رفعت این شجره طیبّه می‌باشد.

بنابراین:

معنی این آیه شریفه «آیه ۲۴ سوره ابراهیم» این شد که:

خداوند متعال در این آیه شریفه کلمه طیبّه یعنی معارف حقّه الهیه را «یعنی ایمان به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله را» به شجره طیبّه «به درخت پاک و پاکیزه‌ای» تشبیه فرموده که ریشه آن داخل زمین است و محکم و پابرجا است به نحوی که هیچ چیز نمی‌تواند آن را از جا بکند،

و شاخه‌های این درخت پاک و پاکیزه «شاخه‌های این شجره طیبّه» رو به آسمان است و این بیان حاکی از عظمت و رفعت این شجره طیبّه می‌باشد.

در آیه بعد «آیه ۲۵ سوره ابراهیم» خداوند متعال به یکی دیگر از ویژگی‌های این شجره طیبّه اشاره نموده و می‌فرماید:

تَوْتَىٰ أَكْلُهَا كُلِّ حِينٍ بِأَذْنِ رَبِّهَا = این شجره طیبّه به اذن خداوند متعال هر صبح و شام

و همیشه و در تمام فصول سال میوه می دهد،

یعنی:

میوه دادن این شجره طیبه منحصر به یک ماه و یا یک فصل خاص نمی باشد بلکه میوه دادن این درخت پاک و پاکیزه همیشگی است و انسانها در تمام طول سال از میوه آن بهره می برند و از آن استفاده می کنند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ = خداوند متعال این چنین برای مردم مثل می زند شاید متذکر بشوند و از آن پند بگیرند، یعنی:

خداوند متعال برای مردم اینگونه مثل می زند تا مردم تعقل و اندیشه نموده و پند و عبرت بگیرند و حقیقت ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام را بهتر درک نمایند و با عمل به دستورات آن ذوات مقدسه در دنیا و آخرت رستگار و سعادتمند شوند.

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در این دو آیه شریفه «آیه ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم» کلمه طیبه را به شجره طیبه ای تشبیه فرموده که این شجره طیبه و مبارک همیشه میوه و ثمر می دهد و انسانها هر صبح و شام و در طی تمام فصول سال از آن بهره مند می شوند. این دو آیه شریفه با تشبیه کلمه طیبه به شجره طیبه می خواهد این مطلب را بیان بفرماید که:

کلمه طیبه «یعنی ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و ایمان به آنچه که از ناحیه خداوند متعال به این ذوات مقدسه نازل شده و عمل به دستورات آن بزرگواران» همیشه مفید حال انسانها است و انسانها همیشه ایام از آن بهره مند می شوند، و این کلمه طیبه که به شجره طیبه تشبیه شده آنچنان ریشه و بنیان محکمی دارد که هیچ گاه زوال نمی پذیرد.

اینکه مصداق این شجره طیبه و مبارک چه افرادی می باشند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

در مقابل این کلمه طیبه «که به شجره طیبه تشبیه شده» و درست در نقطه مقابل

آن صحبت از کلمه خبیثه‌ای است که او نیز به یک درخت و به یک شجره تشبیه شده، آن هم شجره‌ای تحت عنوان شجره خبیثه که توضیحات آن در آیه بعد «آیه ۲۶ سوره ابراهیم» آمده است.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ = مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ  
مانند شجره خبیثه‌ای است «مانند درخت خبیث و پلید و ناپاکی است» که ریشه آن از زمین کنده شده و آرام و قرار ندارد و جز ضرر و زیان خاصیت دیگری ندارد.

منظور از کلمه خبیثه همان کُفر و شرک و برنامه‌های گمراه‌کننده است که به یک شجره خبیثه و به یک درخت پلید و زشت تشبیه شده که در زمین ریشه ندارد و این قضیه کنایه از این است که این درخت خبیث و پلید استحکام و ثبات ندارد، و لذا در مقابل سیل و طوفان قدرت نداشته و به راحتی از بین می‌رود، ضمن اینکه:

این شجره خبیثه به علت نداشتن ریشه و استحکام ثمر و میوه نیز ندارد.

این شجره خبیثه بدون ریشه به گیاهان انگلی تشبیه شده که به تنه و شاخه درختان دیگر می‌پیچند و از خودشان خاصیت و اثری ندارند.

بنابراین، کلمه خبیثه یعنی:

عدم اعتقاد به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام و رفتن به سوی شرک و کُفر و سایر عقائد انحرافی.

این کلمه خبیثه به شجره خبیثه‌ای تشبیه شده «به درخت خبیث و پلیدی تشبیه شده» که:

ریشه ندارد، لذا آرام و قرار نیز ندارد و در برابر طوفان‌ها هر روز به گوشه‌ای پرتاب می‌شود،

و چون نه برگ دارد، نه میوه دارد، نه سایه دارد، ضمن اینکه مزاحم دیگران نیز می‌باشد به همین جهت درختی است پلید و خبیث و شوم که در آیه شریفه از آن به عنوان شجره خبیثه یاد شده است.

اینکه مصداق شجره خبیثه چه افرادی می‌باشند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.



ملاحظه فرمودید که:

در این آیات شریفه کلمه طَیْبَه به شجره طَیْبَه تشبیه شده تا موضوع کاملاً قابل حس و قابل درک باشد و انسان‌ها بتواند به اهمیّت آن پی ببرند. بیشتر مفسّرین اعتقاد دارند که:

لازم نیست چنین درختی وجود خارجی داشته باشد بلکه خداوند متعال کلمه طَیْبَه را به این شجره طَیْبَه پرخیز و برکت و مبارک تشبیه فرموده تا انسان‌ها حقیقت کلمه طَیْبَه را به خوبی درک کنند، گرچه از اینگونه اشجار در طبیعت کم نیستند که سالیان متمادی میوه و ثمر می‌دهند و انسان‌ها را از میوه و ثمر خویش بهره‌مند می‌سازند.

در رابطه با شجره خبیثه نیز وضع به همین‌گونه است، یعنی:

لازم نیست که چنین درختی وجود خارجی داشته باشد، لیکن خداوند متعال کلمه خبیثه را به این شجره خبیثه تشبیه فرموده تا مردم قضیه را به خوبی درک نمایند، یعنی:

خداوند متعال کلمه خبیثه را به درخت خبیث و پلیدی تشبیه فرموده که ریشه و شاخ و برگ و میوه نداشته و جز ضرر و زیان نفعی برای انسان ندارد، گرچه در طبیعت کم نیستند گیاهانی که شبیه به چنین ویژگی‌هایی را دارند مثل بسیاری از گیاهان پيچنده و بالارونده که زندگی انگلی داشته و به تنه درختان چسبیده و از آن بالا می‌روند، لیکن همانطور که عرض شد تشبیه کلمه طَیْبَه به شجره طَیْبَه و تشبیه کلمه خبیثه به شجره خبیثه نوعی تشبیه معقول به محسوس می‌باشد تا همگان مطلب را خوب بفهمند.

بنابر این معنی آیات شریفه به اختصار این می‌شود که:

کلمه طَیْبَه «یعنی معارف حقّه الهیّه، یعنی ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام و ایمان به آنچه که خداوند متعال به این ذوات مقدّسه نازل فرموده» مانند درخت محکم و استواری است که پر از میوه‌های گوناگون می‌باشد و سراسر سال و در تمام ایّام و ساعات مردم از میوه‌ها و ثمرات آن‌ها بهره‌مند می‌شوند،

و کلمه خبیثه «ایمان نداشتن به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین

عليهم السّلام و رفتن به سوی شرک و کفر و مکاتب انحرافی» مانند درخت بی ریشه و سستی است که با وزش کمترین نسیمی به این طرف و آن طرف پرتاب می شود و آرام و قرار ندارد، ضمن اینکه هیچ میوه و ثمری نداشته و سراسر زیان است و ضرر.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به مصادیق شجره طیّبه و شجره خبیثه اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره شجره طیّبه در این آیه شریفه «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - آیه ۲۴ سوره ابراهیم» فرمودند: وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اصل و ریشه این شجره طیّبه است «اصل و ریشه این درخت پاکیزه است»،

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تنه این شجره طیّبه می باشد «تنه این درخت پاکیزه می باشد»،

ائمه معصومین علیهم السّلام شاخه های شجره طیّبه هستند، علم و دانش ائمه معصومین علیهم السّلام میوه شجره طیّبه می باشد، و شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام برگ های این شجره طیّبه هستند. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند: به خدا قسم:

وقتی مؤمنی به دنیا می آید «وقتی یک شیعه متولّد می شود» برگی در آن شجره طیّبه می روید «یک برگ به برگ های این شجره طیّبه اضافه می شود»، و وقتی یک مؤمن از دنیا می رود «وقتی یک شیعه از دنیا می رود»، یک برگ از شجره طیّبه می افتد «یک برگ از برگ های شجره طیّبه کم می شود».

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۶ تا ۱۲۸.

المیزان، جلد بیست و سوّم، صفحه ۷۸ تا ۸۱.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۸۰ تا ۳۸۶.

این حدیث را عمرو بن حُرَیث از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می‌کند که آن حضرت درباره این آیه شریفه «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - آیه ۲۴ سوره ابراهیم» فرمودند:

من اصل و ریشه آن درخت هستم «اصل و ریشه شجره طیبیه»،  
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام تنه آن درخت می‌باشد،  
ائمّه معصومین علیهم‌السلام شاخه‌های آن درخت هستند،  
علم و دانش ما «چهارده معصوم علیهم‌السلام» میوه آن درخت است،  
و شیعیان ما برگ‌های این درخت می‌باشند.

سپس وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام ابوحمزه ثمالی را که راوی این حدیث شریف می‌باشد مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای ابوحمزه:

به خدا قسم:

هر نوزاد شیعه‌ای «مؤمنی» که به دنیا می‌آید برگی به این درخت «به این شجره طیبیه» افزوده می‌شود،

و هنگامی که یک شیعه از دنیا می‌رود یک برگ از آن درخت می‌افتد.<sup>۲</sup>

۳. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - آیه ۲۴ سوره ابراهیم» فرمودند:  
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اصل و ریشه شجره طیبیه است،

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۸۰ «حدیث ۱۱۵۹».

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۹۵.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۹۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۴۵، حدیث ۵۳ «حدیث ۵۳۸۵».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۹۰.

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۹۸، حدیث ۲.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تنه این درخت می باشد، صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها شاخه این درخت است، ائمه معصومین علیهم السلام میوه این درخت می باشند، و شیعیان آن ذوات مقدسه برگ های این درخت هستند. وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: هر گاه شیعه ای از دنیا برود برگی از این درخت «از این شجره طیبه» می افتد، و هر گاه شیعه ای به دنیا بیاید یک برگ به آن درخت افزوده می شود. وجود مقدس امام باقر علیه السلام سپس فرمودند: مقصود از این آیه شریفه «تَوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا - آیه ۲۵ سوره ابراهیم» دستورات و اوامری است که ائمه معصومین علیهم السلام به شیعیان خویش صادر می فرمایند.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در پایان فرمایشات خویش فرمودند: خداوند متعال در این آیه شریفه «مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ - آیه ۲۶ سوره ابراهیم» به دشمنان آل محمد علیهم السلام مثل زده است «یعنی مقصود از شجره خبیثه در این آیه شریفه دشمنان آل محمد علیهم السلام و غاصبین حقوق آن بزرگواران و منکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدسه می باشند.

این حدیث شریف را سلام بن مستنیر از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - آیه ۲۴ سوره ابراهیم» فرمودند: منظور از این شجره طیبه «درخت پاکیزه» وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه

۱. تفسیر قمی، جلد دوم، صفحه ۵۳۱ - ۵۳۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۹۹، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۰، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۵۱، حدیث ۶۷ «حدیث ۵۳۹۹».

و آله و سلم می باشد،

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تنه «ساقه» این درخت طیبه است، صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها شاخه این شجره طیبه می باشد، فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها «یعنی وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام» میوه این درخت طیبه هستند، و شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام برگ های این درخت می باشند. وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: هر گاه یکی از شیعیان ما از دنیا برود برگی از آن درخت می افتد، و هر گاه نوزادی از شیعیان ما به دنیا بیاید یک برگ به آن درخت «به آن شجره طیبه» افزوده می شود.

این حدیث را جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است. قابل ذکر است که در مجمع البیان این حدیث از طریق ابن عقده از امام باقر علیه السلام نقل شده است.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت درباره این آیه شریفه «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - آیه ۲۴ سوره ابراهیم» فرمودند: ما آن شجره طیبه ای هستیم که اصل و ریشه آن محکم و استوار است و شاخه های آن در آسمان می باشد.

وجود مبارک امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: ما به هر اندازه و هر قدر که بخواهیم از علم خودمان به شیعیان خویش اعطا می کنیم.

۱. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۹۹، حدیث ۵.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۹۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۴۷، حدیث ۵۸ «حدیث ۵۳۹۰».

مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۶.

معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۴۳۰ «باب اخبار کمیاب»، صفحه ۴۲۵، حدیث ۶۱.

این حدیث را حلبی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۶. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - آیه ۲۴ سوره ابراهیم» فرمودند:

اصل و ریشه این شجره طیبه «این درخت پاک» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

ساقه و تنه این درخت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است،

امام حسن و امام حسین علیهما السلام میوه این شجره طیبه هستند،

نه امام معصوم از فرزندان امام حسین علیه السلام شاخه های این درخت می باشند، و شیعیان آن ها برگ های این درخت هستند.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به خدا قسم:

هر وقت یکی از این شیعیان از دنیا می رود یک برگ از آن درخت می افتد.

وجود مبارک امام صادق علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا - آیه ۲۵ سوره ابراهیم»

اوامر و دستوراتی است که امام معصوم در هر سال صادر می فرماید.

این حدیث را عمر بن صالح سابری «و در برخی از روایات عمر بن سالم

سابری» از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۷. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از شجره خبیثه در این آیه شریفه «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ

فَوْقِ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ - آیه ۲۶ سوره ابراهیم» بنی امیه می باشند.

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۴۷، حدیث ۵۶ «حدیث ۵۳۸۸».

۲. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۰، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۴۷، حدیث ۵۵ «حدیث ۵۳۸۷».

کمال الدین و تمام النعمه صدوق، جلد دوّم، باب ۳۳، صفحه ۲۰، حدیث ۳۰.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۹۰.

این حدیث شریف را ابوجارود از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۸. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - آیه ۲۴ سوره ابراهیم» فرمودند:  
وجود مقدّس مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اصل و ریشه این شجره طیبیه است،

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تنه این درخت پاکیزه می باشد،  
ائمه معصومین علیهم السّلام شاخه های این شجره طیبیه هستند،  
علم و دانش ائمه معصومین علیهم السّلام میوه این درخت می باشد،  
و شیعیان آن بزرگواران برگ های آن درخت می باشند.  
وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
به خدا قسم:

وقتی یک شیعه «یک مؤمن» از دنیا می رود برگی از آن درخت می افتد،  
و وقتی که یک شیعه «یک مؤمن» به دنیا می آید برگی بر شجره طیبیه افزوده می شود.  
وجود مبارک امام صادق علیه السّلام سپس فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا - آیه ۲۵ سوره ابراهیم» علم و دانش ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد که همچون میوه گوارایی در اختیار مردم قرار می گیرد، زمانی که از ائمه معصومین علیهم السّلام سؤال می شود و آن ذوات مقدّسه پاسخ می گویند.

این حدیث شریف را محمّد بن یزید از وجود مبارک امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۸.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۹۶.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۱، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۵۱، حدیث ۶۹ «حدیث ۵۴۰۱».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۱، حدیث ۱۱.

۹. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره این دو آیه شریفه «ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ - تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا - آيات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم» فرمودند:

این دو آیه شریفه مثلی است که خداوند متعال درباره اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زده است،

و در این آیه شریفه «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ - آیه ۲۶ سوره ابراهیم» خداوند متعال به دشمنان محمّد و آل محمّد علیهم السلام اشاره فرموده و درباره آنها مثل زده است.

این حدیث را عبدالرحمن بن سالم اشل از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) اگر در بعضی از این احادیث شریف ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها شاخه شجره طیبه می باشد، و در بعضی دیگر از احادیث نورانی ملاحظه شد که وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السلام شاخه شجره طیبه می باشند بین این احادیث شریف هیچگونه منافاتی وجود ندارد، زیرا:

آیه ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم و احادیث شریف ذیل این دو آیه شریفه در صدد بیان این مطلب هستند که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام مصداق شجره طیبه ای هستند که آیه ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم به آنها اشاره فرموده، و شیعیان آن ذوات مقدّسه یعنی شیعیان اثنی عشری برگ های این شجره طیبه می باشند، همچنین:

۱. المیزان، جلد بیست و سوّم، صفحه ۹۶.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۲، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۴۹، حدیث ۶۶ «حدیث ۵۳۹۸».



دشمنان محمّد و آل محمّد علیهم السّلام و منکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه شجره خبیثه‌ای هستند که آیه ۲۶ سوره ابراهیم به آنها اشاره نموده است که غاصبین حقوق ائمه معصومین علیهم السّلام و بنی امیه یکی از مصادیق بارز و آشکار شجره خبیثه می‌باشند.

(ب) ذیل آیه ۶۰ سوره اسراء «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که مقصود از شجره ملعونه در این آیه شریفه بنی امیه و دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند که حقوق آن ذوات مقدسه را غصب نمودند.

### آیه ۲۷ سوره ابراهیم:

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ».

#### ترجمه:

خداوند متعال مؤمنین را به خاطر گفتار و اعتقاد ثابت و پایدارشان در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه می‌دارد،

و خداوند متعال ظالمین و ستمگران را گمراه می‌کند،

و خداوند متعال هر کاری را که بخواهد و صلاح بداند انجام می‌دهد.<sup>۱</sup>

این آیه شریفه عنایت و ویژه حقّ تعالی را به مؤمنین بیان می‌فرماید که خداوند متعال آن‌ها را در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه داشته و مانع انحراف و لغزش آن‌ها می‌شود.

اینکه مقصود از ثابت قدم نگه داشتن مؤمنین در دنیا و آخرت چیست و مقصود از مؤمنین چه افرادی می‌باشند انشاءالله تعالی در توضیحات ذیل آیه شریفه و همچنین در بخش حدیث معین و مشخص خواهد شد.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ = خداوند متعال مردم مؤمن را به خاطر گفتار و اعتقاد ثابت و پایدارشان ثابت قدم نگه می‌دارد.

مقصود از قول ثابت در این آیه شریفه همان ایمان است که به وسیله دلایل و براهین محکم به اثبات رسیده است، لذا:

معنی آیه شریفه این می‌شود که:

خداوند متعال مردم مؤمن را به خاطر ایمانشان «ایمان به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام» ثابت قدم نگه می‌دارد و مانع می‌شود تا آن‌ها گمراه شوند.

به عبارت دیگر:

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۹.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۷۹.

خداوند متعال مؤمنین را به خاطر استقامت در دین و محکم بودن اعتقادشان ثابت قدم نگه می‌دارد و مانع می‌شود که آن‌ها دچار لغزش شده و گمراه شوند، هم در دنیا و هم در آخرت.

اینکه معنی ثابت قدم نگه داشته شدن مؤمنین توسط خداوند متعال در دنیا و آخرت چیست در ادامه بحث به عرض خواهد رسید.

بنابراین:

خداوند متعال مؤمنینی را در دینشان ثابت قدم نگه می‌دارد و مانع لغزش و گمراهی آن‌ها می‌شود که این مؤمنین در گفتار و اعتقادشان محکم و استوار باشند.

گرچه اینگونه مؤمنین در گفتار و اعتقادشان محکم و استوار هستند لیکن مهم این جا است که:

اگر مشیت و اراده خداوند متعال تعلق نگیرد این استحکام در عقیده برای آن‌ها سودی نخواهد داشت.

به عبارت دیگر:

محکم و استوار بودن اعتقادات مؤمنین برای آن‌ها زمانی مفید و سودمند است که مشیت خداوند متعال به این تعلق بگیرد که این مؤمنین در اعتقادشان ثابت قدم باشند، لذا همه امور به خداوند متعال بازگشت می‌کند، لیکن چیزی که هست این است که: میان این دو باب یعنی باب هدایت و ضلالت فرق است، و آن فرق این است که: آغاز و ابتداء هدایت از ناحیه خداوند متعال است و نتیجه آن اهتداء بنده می‌باشد «نتیجه آن هدایت یافتن بندگان می‌باشد».

لیکن:

در باب ضلالت و گمراهی، آغاز و ابتداء ضلالت از ناحیه خود انسان می‌باشد و نتیجه آن سلب توفیقات الهی است که منجر به گمراه شدن انسان می‌شود.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ = یعنی:

خداوند متعال مؤمنین را «ایمان آورندگان به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام» به خاطر استقامتشان در دین و به خاطر محکم بودن اعتقادشان در دنیا و

آخرت ثابت قدم نگه می‌دارد و مانع می‌شود تا آن‌ها دچار لغزش شده و گمراه شوند. معنی ثابت قدم شدن مؤمنین در دنیا کاملاً روشن است، یعنی:

خداوند متعال مؤمنینی را که به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام ایمان دارند و اعتقاد آن‌ها نیز محکم و استوار می‌باشد در دنیا ثابت قدم نگه می‌دارد یعنی مانع می‌شود تا آن‌ها دچار لغزش شده و گمراه شوند، چرا که در دنیا لغزشگاه‌های فراوانی وجود دارد که می‌توانند باعث هلاکت انسان‌ها و گمراهی آن‌ها بشوند از قبیل:

پول و ثروت، مقام، شهوت، و... و در یک کلام تعلقات مادی و دنیوی، لذا: خداوند متعال مؤمنین با اوصاف فوق‌الاشاره را ثابت قدم نگه می‌دارد و مانع می‌شود تا عوامل مادی «از قبیل مال، مقام، شهوت و...» باعث گمراهی و ضلالت آن‌ها بشود،

اما ثابت قدم نگه داشتن مؤمنین در آخرت چه معنا و مفهومی دارد. بدیهی است که:

آخرت نه جای گمراهی و لغزش است و نه جای عمل، بلکه: آخرت سرای حسابرسی به اعمالی است که انسان‌ها در دنیا انجام داده‌اند تا به نیکان پاداش و به بدکاران عذاب و عقاب داده شود، بنابراین:

مراد و مقصود از آخرت در این آیه شریفه «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ - آیه ۲۷، سوره ابراهیم» عالم مرگ و اولین لحظات ورود به آخرت می‌باشد «هنگام مرگ و حالت احتضار».

بنابراین:

کسانی که به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام ایمان دارند «یعنی مؤمنین»،

و در دینشان نیز محکم و استوار هستند،

خداوند متعال آن‌ها را هم در دنیا ثابت قدم نگه می‌دارد «مانع می‌شود تا عوامل مختلف مادی آن‌ها را گمراه کند»،

و هم در آخرت آن‌ها را ثابت قدم نگه می‌دارد «یعنی مؤمنین را هنگام مرگ و در لحظه جان دادن ثابت قدم نگه می‌دارد و مانع می‌شود تا آن‌ها گمراه شوند».

قابل ذکر است که:

شیطان سعی می‌کند هنگام مرگ مؤمنین آن‌ها را گمراه نموده و از دین خارج نماید، لیکن خداوند متعال آن‌ها را ثابت‌قدم نگه داشته و مانع می‌شود تا شیطان آن‌ها را گمراه کند.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

و يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ = و خداوند متعال ظالمین را گمراه می‌کند.

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسیده خداوند متعال هیچ کس را گمراه نمی‌کند زیرا خداوند متعال پیامبران را فرستاده تا بشر را به راه راست هدایت نمایند، بنابراین: این انسان‌ها هستند که مرتکب فسق و فجور شده و به دیگران ظلم نموده و از حقّ اعراض می‌نمایند و در نتیجه هدایت خداوند متعال و توفیقات الهی از آن‌ها سلب می‌شود، لذا در این قسمت از آیه شریفه «آیه ۲۷ سوره ابراهیم» ملاحظه می‌فرمائید که خداوند متعال می‌فرماید:

و يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ، یعنی:

خداوند متعال ظالمین و ستمکاران را گمراه کرده و هدایت خویش را از آن‌ها سلب می‌نماید.

و یا در آیه ۲۶ سوره بقره آمده که:

وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ، یعنی:

خداوند متعال گمراه نمی‌کند مگر فاسقین را، بنابراین:

هدایت تنها از طرف خداوند متعال است که:

اولاً انسان را بر فطرت توحید خلق فرموده است، یعنی:

فردی که به دنیا می‌آید ذاتاً موحد و یکتاپرست می‌باشد،

ثانیاً خداوند متعال این فطرت را با فرستادن پیامبران تأیید و تأکید فرموده است،

ثالثاً مؤمنین را در ایمانشان ثابت‌قدم نگه داشته و مانع لغزش و گمراهی آن‌ها

می‌شود،

لیکن:

ضلالت و گمراهی مربوط به خود انسان است، یعنی:

نقطه شروع گمراهی و ضلالت به خود انسان‌ها بازمی‌گردد.  
به عبارت دیگر:

خداوند متعال همه انسان‌ها را بر فطرت توحید خلق می‌فرماید و سپس انبیاء را می‌فرستد تا این هدایت فطری و ذاتی نشو و نما کرده و بروز و ظهور نماید. از این مرحله به بعد است که بعضی از انسان‌ها به ندای باطنی خودشان که همان فطرت توحید می‌باشد پاسخ مثبت داده و از انبیاء الهی و اوصیاء آنها تبعیت و پیروی می‌نمایند و خداوند متعال نیز آنها را مجدداً کمک کرده و مانع لغزش و گمراهی آنها می‌شود «در طول زندگی و هنگام مرگ»،  
لیکن:

عده‌ای نیز هستند که با ندای باطنی خودشان که همان فطرت توحید می‌باشد مخالفت کرده و به دنبال آن از پیروی و تبعیت انبیاء الهی و اوصیاء آنها خودداری نموده و مرتکب ظلم و گناه می‌شوند و در نتیجه هدایت خداوند متعال و توفیقات الهی از آنها سلب می‌شود.

ذیل آیه ۲۷ و ۲۸ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ، قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ»، و ذیل آیه ۳۰ سوره روم «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَئِيمِ، فَطَرَتِ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» در رابطه موضوع هدایت و موضوع فطری بودن دین مطالبی به عرض رسیده است.

در انتهای آیه شریفه «آیه ۲۷ سوره ابراهیم» آمده که:

وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ = خداوند متعال هر کاری را که مصلحت بداند و اراده بفرماید انجام می‌دهد، یعنی:

خداوند متعال در رابطه با تثبیت ایمان مؤمنین و خوار و ذلیل کردن ظالمین و فاسقین و به طور کلی در تمام امور هر چه را که مصلحت بداند و اراده بفرماید انجام می‌دهد و چیزی میان مشیّت خداوند متعال و فعل خداوند سبحان حائل نمی‌شود.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۳۰ - ۱۳۱.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۸۱ تا ۸۴ - ۹۹.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۸۸.

**حدیث:**

۱. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند: وقتی انسان به آخرین روز عُمر خود در دنیا و اوّلین روز زندگی خویش در آخرت می‌رسد «یعنی لحظه مرگ انسان و زمانی که در حال جان دادن می‌باشد» اموال و فرزندان و اعمال او در مقابلش مجسّم می‌شوند.

فرد در حال احتضار «فرد در حال مرگ و لحظه جان دادن» در همین حال رو به اموال خویش نموده و به آنها می‌گوید:

به خدا قسم من در طول عمرم در گردآوری و انداختن شما کوشیدم و در جمع‌آوری شما حریص بودم، اکنون شما برای من چه دارید «چه فایده‌ای برای من دارید و برای من چه کاری می‌توانید انجام دهید».

اموال شخص محتضر به او می‌گویند:

می‌توانی به اندازه کفن خویش از ما برداری.

فرد محتضر «فرد در حال مرگ و جان دادن» رو به فرزندان خویش نموده و به آنها می‌گوید:

به خدا قسم من دوستدار شما بودم و از شما حمایت می‌کردم، امروز و در این حال برای من چه دارید «برای من چه فایده‌ای دارید و برای من چه کاری می‌توانید انجام دهید».

فرزندان فرد محتضر به او می‌گویند:

تو را تا قبرستان همراهی کرده و در آنجا دفن می‌کنیم.

فرد در حال احتضار رو به اعمال خویش نموده و به آنها می‌گوید:

من به شما علاقه و تمایل زیادی نداشتم و شما بر من سنگینی می‌کردید «با اکراه و با سختی اعمالم را انجام می‌دادم»، اکنون شما برای من چه دارید.

اعمال فرد محتضر به او می‌گویند:

ما مونس و همنشین تو در قبر هستیم و تا روز قیامت در کنار تو هستیم.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

اگر فرد محتضر از جمله ولایتمداران باشد «ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته باشد، یعنی اگر فرد محتضر از شیعیان باشد» از جانب خداوند متعال به او مژده و بشارت بهشت داده می شود،

و این همان فرمایش خداوند متعال است که می فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ - آیه ۲۷ سوره ابراهیم». این حدیث شریف را سوید بن غفله از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که زمان مرگ یکی از دوستداران ما و شیعیان ما فرا می رسد شیطان از طرف راست به او نزدیک شده و سعی می کند تا او را از ولایت ما بازدارد و ایمان او را از او بگیرد لیکن موفق نمی شود. شیطان بار دیگر از طرف چپ به طرف شیعه ما که در حال احتضار است نزدیک می شود و تلاش می کند تا او را از ولایت ما بازدارد و ایمانش را بگیرد لیکن خداوند متعال مانع می شود و نمی گذارد که شیطان به هدفش برسد «خداوند متعال نمی گذارد که شیطان، شیعه در حال موت را گمراه کند»،

و این فرمایش خداوند متعال است که می فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ - آیه ۲۷ سوره ابراهیم». این حدیث را صفوان بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۶، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱۱، حدیث ۸.

۲. المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۹۸.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۹.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۹، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۵۵، حدیث ۷۳، «حدیث ۵۴۰۵».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۸۸.



۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وقتی که یک فرد مؤمن از دنیا می رود و او را داخل قبر می گذارند نکیر و مُنکر از او می پرسند:

مَنْ رَبُّكَ، یعنی خدای تو کیست؟

او جواب می دهد:

اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي، یعنی خداوند متعال خدای من است.

نکیر و منکر از او می پرسند:

مَنْ نَبِيِّكَ، یعنی پیامبر تو کیست.

او جواب می دهد:

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم پیامبر من است.

نکیر و مُنکر از او می پرسند:

مَنْ إِمَامُكَ، یعنی:

امام تو کیست؟

او جواب می دهد:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام امام من است «و همینطور بقیّه ائمّه معصومین علیهم السّلام».

در این هنگام از جانب خداوند متعال ندا می رسد که:

بنده من راست می گوید، از قبر او راهی به بهشت بگشائید «قبرش را به بهشت متصل کنید»، و سپس به او گفته می شود:

بیارام و استراحت کن که هیچ سختی و مشقّتی در کار نیست،

و این همان فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ - آیه ۲۷ سوره ابراهیم».

این حدیث شریف را ابو بصیر از وجود مبارک امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۰۹، حدیث ۷.

۴. محمّد بن سنان می گوید:

یک سال قبل از اینکه امام کاظم علیه السلام را به عراق ببرند «به زندان هارون الرشید ملعون در بغداد» یک روز به محضر آن حضرت شرفیاب شدم در حالی که فرزندشان علی «یعنی امام رضا علیه السلام» نیز در خدمت آن حضرت بود.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

ای محمّد:

امسال مسئله ای پیش خواهد آمد سعی کن به خاطر آن بی تابی نکنی، و آنگاه وجود مقدّس مبارک امام کاظم علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

«وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ - آیه ۲۷ سوره ابراهیم».

محمّد بن سنان می گوید:

خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله: قضیه چیست؟

وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام به فرزند خویش یعنی به امام رضا علیه السلام

اشاره نموده و فرمود:

هر کس به این فرزندم ظلم کند و حقّ او را غصب کند «حقّ او را ندهد» و امامت او را بعد از من انکار کند مانند کسی است که به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ظلم نموده و حقّ او را غصب کرده و امامت آن حضرت را بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم انکار نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

با توجه به احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی و تأویل آیه ۲۷ سوره ابراهیم

این می شود که:

خداوند متعال کسانی را که امامت و ولایت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام را پذیرفته اند «یعنی شیعیان اثنی عشری» و از آن ذوات مقدّسه تبعیت و

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۵۷، حدیث ۷۶، «حدیث ۵۴۰۸».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب چهارم، صفحه ۶۱، حدیث ۲۹.

پیروی می کنند در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه می دارد، یعنی:  
 خداوند متعال شیعیان را در دنیا ثابت قدم نگه می دارد و مانع می شود تا عوامل  
 مختلف آن‌ها را منحرف و گمراه نماید، همچنین:  
 آن‌ها را در حال احتضار و در حال جان دادن و در لحظه مرگ ثابت قدم نگه  
 می دارد و نمی گذارد که شیطان بر آن‌ها مسلط شده و آن‌ها را از ولایت ائمه معصومین  
 علیهم السّلام دور نماید و آن‌ها را از دین خارج کند،  
 همچنین:

خداوند متعال شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام را در داخل قبر نیز مورد عنایت  
 ویژه قرار داده و آن‌ها را به بهشت مزده و بشارت می دهد،  
 و خداوند متعال ظالمین به آل محمد علیهم السّلام و غاصبین حقوق ائمه  
 معصومین علیهم السّلام را از توفیقات الهی بی بهره می سازد و هدایت خویش را از  
 غاصبین حقوق آن ذوات مقدسه سلب می نماید، و در نتیجه ظالمین به آل محمد  
 علیهم السّلام گرفتار ضلالت و گمراهی شده و جایگاه ابدی و همیشگی آن‌ها جهنّم  
 است،

و خداوند متعال در رابطه با تثبیت ایمان شیعیان و پیروان ائمه معصومین  
 علیهم السّلام و خوار و ذلیل کردن دشمنان آن ذوات مقدسه و منکرین امامت و  
 ولایت آن بزرگواران هر چه را که مصلحت بدانند و اراده بفرماید انجام می دهد و  
 هیچ چیز نمی تواند بین مشیت خداوند متعال و فعل خداوند سبحان حائل شود،  
 یعنی خداوند متعال قادر مطلق است و هیچ چیز نمی تواند مانع امر و مشیت و فعل  
 خداوند متعال بشود.

### آیه ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ» آیه ۲۸.  
«جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ» آیه ۲۹.

#### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

آیا ندیدی «آیا نمی بینی» کسانی را که نعمت خدا را به کُفران تبدیل کردند «شکر نعمت خدا را به کُفران نعمت تبدیل کردند» و قوم و طایفه خود را به خانه هلاک «جهنّم» کشاندند. «آیه ۲۸»

این دارالبوار «این خانه هلاک و نیستی» همان جهنّم است که کُفران نعمت کنندگان وارد آن جهنّم می شوند، و جهنّم چه بد جایگاهی است. «آیه ۲۹»<sup>۱</sup>.

#### شرح لغات و توضیحات:

إِخْلَالٌ = قرار دادن چیزی در محلی؛

بُورٌ = هلاکت، هلاک؛

دَارُ الْبُورِ = خانه هلاکت «منظور از دارالبوار در این آیات شریفه جهنّم می باشد»؛

قوم بور = قوم هلاک شونده - قوم هلاک شده.<sup>۲</sup>

بحث در این دو آیه شریفه «آیه ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم» درباره تمام انسان هایی است که کُفران نعمت می کنند، مخصوصاً این دو آیه شریفه درباره رهبران ضلالت و گمراهی است که کُفران نعمت می کنند و به دنبال آن ها پیروانشان نیز کفران نعمت می نمایند، و نتیجه این می شود که هر دو آن ها «رهبران ظلم و کفر و پیروان آن ها» وارد جهنّم شوند.

چون رهبران ظلم و کفر باعث این شده اند که پیروان آن ها نیز کفران نعمت نموده

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۹.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۹۲.

۲. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۲۹.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۸۴.

و وارد جهنم شوند لذا در آیه شریفه آمده که:

کسانی که کفران نعمت نموده‌اند «یعنی رهبران ظلم و کفر»، قوم و طایفه و پیروان خویش را نیز به سوی کفران نعمت سوق داده و آن‌ها را به جهنم کشانده‌اند.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۸ سوره ابراهیم» وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا = آیا ندیدی «آیا نمی‌بینی» کسانی را که نعمت خدا را تبدیل به کفران نمودند، یعنی:

آیا ندیدی «نمی‌بینی» کسانی را که به جای شکر نعمت کفران نعمت نمودند.  
شکر نعمت یعنی:

۱. سپاسگزاری از خداوند متعال با زبان «در رابطه با نعماتی که خداوند متعال به انسان اعطا فرموده است»، با گفتن الحمدلله و یا با هر ذکر دیگر.

۲. صرف کردن نعمت در همان راهی که خداوند متعال امر فرموده است.  
کُفران نعمت یعنی:

۱. عدم سپاسگزاری از خداوند متعال با زبان.

۲. صرف کردن نعمت در جهت خلاف امر خداوند متعال، یعنی:

اگر انسان نعمات الهی را در غیر راهی که خداوند متعال مقرر فرموده صرف نماید کُفران نعمت نموده و جای کفران نعمت‌کنندگان جهنم می‌باشد.

لازم به ذکر است که:

گرچه شکر با زبان «شکر زبانی مثلاً گفتن الحمدلله یا الحمدلله رب العالمین» نیز لازم است و خوب می‌باشد لیکن اصل و حقیقت شکر، شکر عملی است،

یعنی:

صرف کردن و خرج کردن نعمات الهی در همان راهی که خداوند متعال مقرر فرموده است، که اگر خلاف این کار صورت بگیرد کُفران نعمت شده است و

کسانی که کفران نعمت نمایند طبق آیه ۲۹ سوره ابراهیم «جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَ بِئْسَ الْقَرَارُ»، و آیه ۷ سوره ابراهیم «وَلَيْسَ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» مستحق عذاب الهی

هستد و جایگاه آن‌ها جهنم می‌باشد.

نعمت در این آیه شریفه شامل همه مواهبی است که خداوند متعال به انسان اعطا فرموده است از قبیل:

سلامتی «که خود سلامتی شامل دهها نعمت می شود، یعنی سلامتی چشم، گوش، قلب و... و اساساً هر یک از اعضاء و جوارح بدن انسان یک نعمت مستقل می باشند مثل چشم، گوش، زبان و...»، رزق حلال، امنیت، اولاد و...

قابل ذکر است که نعمات الهی به قدری زیاد هستند که طبق آیه ۳۴ سوره ابراهیم «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» قابل شمارش نمی باشند،

لیکن عالی ترین نعمتی که خداوند متعال به بشریت اعطا فرموده و هیچ نعمتی با آن قابل قیاس نیست فرستادن انبیاء و اوصیاء آنها می باشد که در صدر همه آنها وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشند که اگر کسی نسبت به این نعمت عظیم «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام» که عظیم ترین نعمت خداوند متعال می باشند کفران نعمت نماید مستحق عذاب الیم است که در ادامه آیه شریفه و در آیه ۲۹ سوره ابراهیم به آن اشاره خواهد شد.

پذیرش ولایت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و اجرای بی قید و شرط دستورات آن ذوات مقدسه یعنی به جای آوردن شکر این نعمت عظیم الهی، و عدم پذیرش ولایت آن ذوات مقدسه و عدم اطاعت بی چون و چرا از آن بزرگواران یعنی کفران نعمت نمودن، آن هم کفران نعمت نمودن نسبت به عظیم ترین و بزرگ ترین نعمت خداوند متعال، که نتیجه این کفران نعمت ورود در آتش جهنم و اقامت دائمی در آن می باشد.

مقصود از کسانی که کفران نعمات الهی را نموده اند همه افرادی هستند که در طول تاریخ کفران نعمت نموده اند و یا خواهند نمود، لیکن مصداق اتم و اکمل کفران نعمت کنندگان که مد نظر این دو آیه شریفه «آیه ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم» می باشد کسانی هستند که از پذیرش امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام خودداری نموده و با آن ذوات مقدسه به دشمنی برخاسته و حقوق آن بزرگواران را غصب کردند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

بنابراین:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۸ سوره ابراهیم» اوضاع و احوال همه کُفران نعمت‌کنندگان و بالخصوص اوضاع و احوال پیشوایان و رهبران ضلالت و کفر را بیان می‌فرماید که به جای شکر نعمت «پذیرش و ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و اطاعت از آن ذوات مقدّسه» کُفران نعمت نمودند «با آن بزرگواران به مخالفت برخاستند» و پیروان خویش را نیز با خودشان همراه کرده و آن‌ها را به وادی هلاکت «یعنی به جهنّم» کشاندند که در ادامه آیه شریفه خواهد آمد.  
در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَ أَخْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ = رهبران ضلالت و کُفر خودشان کفران نعمت نمودند و پیروان آن‌ها نیز به تبعیت از آن‌ها کفران نعمت نمودند و نتیجه این شد که:  
رهبران کفر و ضلالت با کفران نعمت نمودن خودشان را جهنمی کردند و پیروان خویش را نیز به همراه خودشان به دارالبوار یعنی به خانه هلاکت و نیستی سوق دادند که همان جهنّم باشد.

آیه بعد «آیه ۲۹ سوره ابراهیم» دارالبوار را اینگونه معنی می‌کند که:  
جَهَنَّمَ يَصْلُونَهَا وَ بئس القارّ = دارالبوار همان جهنّم است که کفران نعمت‌کنندگان وارد آن می‌شوند، و جهنّم بد جایگاهی است و بدترین جایگاه‌ها می‌باشد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:  
چگونه است حال مردمی که سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را تغییر داده و آن را دگرگون ساختند و از وصی و جانشین ایشان «یعنی از حضرت امیر علیه‌السلام» اعراض نموده و رویگردان شدند، آیا این مردم نمی‌ترسند که عذاب بر آن‌ها نازل شود.

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۳۲-۱۳۳.  
المیزان، جلد بیست و سوّم، صفحه ۸۵-۸۶.  
تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۳۹۲-۳۹۳.

آنگاه وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیه شریفه را «الْم تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا، وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ - آیه ۲۸ سوره ابراهیم» تلاوت نموده و پس از تلاوت این آیه شریفه فرمودند:

نَحْنُ النُّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا يُفَوِّزُ مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَعْنِي:

ما هستیم «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» آن نعمتی که خداوند متعال به بندگانش اعطا و انعام فرموده است، و به وسیله ما هر کسی در روز قیامت فائز و رستگار می شود.

این حدیث شریف را اصبع بن نباته از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «الْم تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ - آیه ۲۸ سوره ابراهیم» درباره کسانی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دشمنی کرده و با آن حضرت به جنگ پرداخته و وصیت او را درباره جانشینش انکار نمودند «وصیت و سفارش پیامبر اکرم را درباره امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام انکار نمودند».

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۵، حدیث ۱، «حدیث ۵۶۵».

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۹۹.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱۵، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱۶، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۵۹، حدیث ۷۹، «حدیث ۵۴۱۱».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۶۱، حدیث ۸۴، «حدیث ۵۴۱۶».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۶، حدیث ۴، «حدیث ۵۶۸».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱۵، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۵۹، حدیث ۸۰، «حدیث ۵۴۱۲».



۳. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه «الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ - آیه ۲۸ سوره ابراهیم» فرمودند:  
 نَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَايُفُوزُ مَنْ فَازَ، يَعْنِي:  
 به خدا قسم ما همان نعمت الهی هستیم که خداوند متعال به بندگانش اعطا فرموده است، و هر کس که بخوهد رستگار شود با ما رستگار می‌گردد «فقط کسانی رستگار و فائز می‌شوند که امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را بپذیرند و از آن ذوات مقدّسه تبعیت نمایند».

این حدیث را عثمان بن عیسی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. وجود مبارک امام کاظم علیه‌السلام به هارون الرشید ملعون فرمود:  
 شما «غاصبین خلافت» مشمول این آیه شریفه «الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ - آیه ۲۸ سوره ابراهیم» هستید که کُفران نعمت نمودید «یعنی شما غاصبین خلافت با غضب خلافت کُفران نعمت نمودید و خودتان و پیروانتان را جهنمی کردید».

این حدیث را ابن طلحه انصاری از وجود مبارک امام کاظم علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام اعظم نعم الهی هستند «عظیم‌ترین نعمت خدا هستند» که خداوند متعال به بشریت اعطا فرموده است.  
 ذیل آیه ۸۳ سوره نحل «يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا»،

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۳۳.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱۶، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۶۱، حدیث ۸۲ «حدیث ۵۴۱۴».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۱۸، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۶۳، حدیث ۸۷ «حدیث ۵۴۱۹».

و ذیل آیه ۸ سوره تکوین «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»،  
و ذیل آیه ۲۰ سوره لقمان «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» در این رابطه توضیحاتی  
ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده است.

ب) افرادی که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دشمنی کرده و با آن حضرت  
جنگیدند،

افرادی که بعد از رحلت آن حضرت با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام  
مخالفت کرده و حق آن حضرت را غصب نمودند و همسر گرانقدر آن حضرت یعنی  
صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را به شهادت رساندند،  
و افرادی که حق دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام را غصب نمودند،  
و در یک کلام:

دشمنان وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام و منکرین امامت و ولایت  
آن ذوات مقدّسه مصداق اتمّ و اکمل کفران نعمت کنندگان هستند که خودشان و  
پیروانشان را به دارالبوار یعنی به جهنّم کشاندند، یعنی مصداق اتمّ و اکمل کفران  
نعمت کنندگان مورد اشاره در این دو آیه شریفه «آیه ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم»  
دشمنان محمّد و آل محمّد علیهم السّلام و منکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه  
می باشند.

به عرض رسید که:

همه کفران نعمت کنندگان در طول تاریخ مشمول این دو آیه شریفه می باشند،

لیکن:

نعمت هر چه عالی تر و عظیم تر باشد قطعاً کفران آن نیز عذاب و عقوبت بیشتری  
به همراه دارد، و چون وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام عظیم ترین نعمت  
خداوند متعال به بشریت می باشند لذا مخالفت با این ذوات مقدّسه و انکار امامت  
و ولایت آن بزرگواران و عدم تبعیت و پیروی از آن ذوات مقدّسه یعنی کفران  
عالی ترین نعمت خداوند، و نتیجه چنین کفرانی گرفتار شدن به شدیدترین عذاب  
خداوند متعال و قرار گرفتن در بدترین جای جهنّم می باشند.

ج) در احادیث ذیل آیه ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم ملاحظه فرمودید که ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند:

بِنَا يَفُوزُ مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، یعنی:

به وسیله ما هر کسی در روز قیامت فائز و رستگار می شود.

ذیل آیه ۲۰ سوره حشر «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ، أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ» توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف فقط افرادی فائز و رستگار هستند و وارد بهشت می شوند که در دنیا امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته و مطیع محض آن ذوات مقدسه بوده و دستورات آن بزرگواران را بی قید و شرط به مرحله اجرا گذاشته اند، یعنی:

روز قیامت فقط شیعیان فائز و رستگار هستند و وارد بهشت می شوند و لا غیر «شیعیانی که به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند».

در رابطه با اینکه تنها فرقه ناجیه شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام می باشند ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا» توضیحات کاملی ارائه شده است.

### آیه ۳۷ سوره ابراهیم:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ».

#### ترجمه:

پیامبر خدا حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند متعال عرض می کند:  
خداوندا:

من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی «یعنی سرزمین مکه» در کنار خانه‌ای که حَرَم تو است «یعنی خانه کعبه» ساکن نمودم تا نماز را به پای دارند،  
خداوندا:

تو قلب‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها ساز و از ثمرات به آن‌ها روزی بده تا  
آن‌ها شکر تو را به جای بیاورند.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

سُكِنِي = ساکن کردن، سکونت دادن؛

أَسْكَنْتُ = ساکن کردم، سکونت دادم؛

ذُرِّيَّة = فرزندان، اولاد؛

وَادِي = زمین و شکاف میان دو کوه، صحرا و بیابان؛

زَرْع = زراعت، کشتکاری؛

مَزْرُوع = کاشته شده، کشت شده؛

فُؤَاد = قلب، دل «جمع فُؤَاد می شود أَفْئِدَةٌ»؛

هَوَى = میل، تمایل، خواهش دل، دوست داشتن؛

وَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ = سرزمین بدون کشت و زرع، منظور از وادی و سرزمین بی کشت و زرع در این آیه شریفه وادی و سرزمین مکه است که آب و زراعتی نداشت.

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۴۰.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۴۱۲.

«غَيْرِ ذِي زَرْعٍ» با «غَيْرِ ذِي مَرْوَعٍ» تفاوت دارد و تأکید و مبالغه را می‌رساند، یعنی: مقصود از وادی غَيْرِ ذِي زَرْعٍ وادی و سرزمینی است که شرایط کشت و زرع و رویش گیاه در آن وجود ندارد مثل ریگزار و شوره‌زار، بنابراین:

وَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ = سرزمینی که شرایط کشت و زرع و رویش گیاه در آن جا تقریباً وجود ندارد، مثل شوره‌زار و کویر.

وَادٍ غَيْرِ ذِي مَرْوَعٍ = وادی و سرزمینی که کشت و زرع و گیاه در آن جا نیست نه اینکه آن سرزمین شرایط کشت و زرع را ندارد، بلکه مقصود این است که: کسی نبوده که کشت و زرع نماید و گیاه بکارد، و یا اینکه اگر هم کسانی بوده‌اند لیکن اقدام به کشت و زرع و کاشتن گیاه ننموده‌اند.

تَهْوَى إِلَيْهِمْ = مقصود از این جمله تمایل و توجه مردم به ذریّه حضرت ابراهیم می‌باشد، یعنی تمایل و توجه مردم به حضرت اسماعیل و فرزندان حضرت اسماعیل.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از دعای حضرت ابراهیم در جمله تَهْوَى إِلَيْهِمْ مُحَمَّدٌ و آل مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامٌ می‌باشند.

عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ = کنار خانه تو «یعنی خداوند متعال» که مُحَرَّمٌ می‌باشد، یعنی کنار کعبه که مُحَرَّمٌ می‌باشد، و اینکه مقصود از مُحَرَّمٌ در این آیه شریفه چیست انشاء الله تعالی در توضیحات ذیل آیه شریفه به عرض خواهد رسید.

ثَمَرٌ = هر نوع میوه خوراکی «جمع ثَمَرٌ می‌شود ثَمَرَاتٌ»<sup>۱</sup>.

وقتی که حضرت ابراهیم علیه السلام از کنیز خویش به نام هاجر صاحب فرزندی شد و نام او را اسماعیل گذاشت، همسر اوّل حضرت ابراهیم به نام ساره که فرزندی نداشت از این موضوع ناراحت شد و نتوانست هاجر و فرزندش اسماعیل را تحمّل کند، لذا از حضرت ابراهیم خواست که آن مادر و فرزند را به نقطه دیگری ببرد، و حضرت ابراهیم نیز طبق فرمان خداوند متعال در برابر این درخواست تسلیم

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۴۰.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۱۱۵ - ۱۱۶.  
مفردات راغب.

شد و اسماعیل و مادرش هاجر را به سرزمین مکه انتقال داد که یک سرزمین خشک و بی آب و علف بود، و سپس حضرت ابراهیم با اسماعیل و هاجر خداحافظی کرد و آنجا را ترک نمود.

وقتی هاجر و فرزندش اسماعیل در سرزمین گرم و سوزان و خشک مکه تشنه شدند هاجر برای نجات فرزندش اسماعیل تلاش فراوانی نمود و از آنجا که خداوند متعال اراده فرموده بود تا این محل عبادتگاه مردم شود لذا چشمه زمزم را برای هاجر و اسماعیل آشکار نمود تا آنها از تشنگی از بین نروند.

طولی نکشید که قبیله بیابانگرد جرهم که از آن حوالی عبور می کردند از حضور یک زن و فرزند خردسالش در کنار چشمه آب «زمزم» مطلع شده و در آنجا رحل اقامت افکندند و در آن محل مقیم شدند و کم کم مکه شکل گرفت.

این آیه شریفه «آیه ۳۷ سوره ابراهیم» موضوع اسکان داده شدن حضرت اسماعیل و مادرش هاجر را در سرزمین خشک و سوزان مکه و همچنین دعای حضرت ابراهیم را درباره حضرت اسماعیل و ذریه او «اولاد و فرزندان حضرت اسماعیل» بیان می فرماید.

در این آیه شریفه آمده که حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض می کند:  
 رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ = خداوندا، من بعضی از فرزندانم را (یعنی حضرت اسماعیل و مادرش هاجر) در یک سرزمین خشک و بی آب و علف که فاقد هر گونه زراعت و آب و گیاه می باشد اسکان دادم که کنار خانه ای است که حرم تو می باشد، یعنی:

خداوندا، من اسماعیل و مادرش هاجر را در سرزمین مکه که یک سرزمین خشک و سوزانی است اسکان دادم که در کنار خانه امن تو می باشد (یعنی خانه کعبه).

با اینکه در زمان ورود حضرت ابراهیم و همسرش هاجر و فرزندش حضرت اسماعیل به این منطقه بی آب و علف که بعدها مکه نام گرفت شهر مکه بنا نشده بود، پس کلام حضرت ابراهیم چه معنا دارد که به خداوند متعال عرض می کند:  
 خداوندا:

من بعضی از فرزندانم را «اشاره به حضرت اسماعیل و مادرش هاجر و ذریه

حضرت اسماعیل که پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت نیز مدّ نظر آیه شریفه می باشد که در بخش حدیث خواهد آمد» در یک سرزمین خشک و سوزان و در کنار خانه و حرم امن تو یعنی خانه کعبه اسکان دادم.

در این خصوص اقوال مختلفی وجود دارد که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

۱. این دعای حضرت ابراهیم بعد از ساخته شدن مکه بوده است، زیرا حضرت ابراهیم مکرّر به مکه آمده و از اسماعیل و هاجر سرکشی نموده است، یعنی:

وقتی حضرت ابراهیم فرزندش اسماعیل و مادر او یعنی هاجر را از سرزمین فلسطین به مکه آورد هنوز شهری بنا نشده بود «شهر مکه» و خانه کعبه ساخته نشده بود، لیکن:

وقتی حضرت ابراهیم در نوبت دوم به سرکشی اسماعیل و هاجر آمد ملاحظه کرد که قوم و قبیله جرّهّم دور فرزندش را گرفته اند و چشمه ای در آن جا جاری است «چشمه زمزم» و منطقه کم کم به شکل یک شهر و آبادی درآمده است، و این جا بود که از خداوند متعال درخواست نمود که:

خداوندا، این محلّ را بلد امن «شهر امن» قرار بده «یعنی شهر مکه را» و قلوب مردم را متوجّه آن ها بنما «اسماعیل و فرزندانش» و آن ها را از انواع میوه ها بهره مند کن.

۲. حضرت ابراهیم می دانست که به دستور خداوند متعال در این منطقه و در این سرزمین خانه کعبه را خواهد ساخت، یعنی:

وجود خانه کعبه و ساخته شدن آن به اذن و امر خداوند متعال برای حضرت ابراهیم مسلّم و قطعی بود.

۳. خانه قبلاً وجود داشته اما به وسیله دو قبیله ای که در آن سرزمین سکونت داشتند از بین رفته، و زمانی که حضرت ابراهیم به سرزمین مکه آمدند تنها آثار و بقایای خانه خدا در آن جا به چشم می خورد.

ملاحظه فرمودید که در این آیه شریفه «آیه ۳۷ سوره ابراهیم» کعبه و خانه خدا به عنوان بیت و خانه مُحَرَّم توصیف شده است.

مُحَرَّم اسم مفعول می‌باشد به معنی حرام شده، و اینکه چرا کعبه به عنوان مُحَرَّم توصیف شده است ممکن است بنا به دلایل ذیل باشد «یکی از آن‌ها یا همه آن‌ها»:

۱. احدی حق ندارد بدون احرام به آن نزدیک شود «حرام است کسی بدون احرام به آن نزدیک شود».

۲. اموری که در سایر مناطق و سایر بلاد آزاد می‌باشد این‌جا حرام است، از قبیل:

صید حیوانات، دستگیری مجرمینی که به این خانه پناه آورده‌اند و ...

۳. منظور عظیم الحرمه بودن این خانه است، یعنی:

این خانه احترام عظیم و حرمت والایی دارد.

قابل ذکر است که:

یکی از دعاها و درخواست‌های حضرت ابراهیم علیه‌السلام از خداوند متعال این بود که خداوند سبحان شهر مکه را شهر امن قرار بدهد و خداوند متعال نیز دعای حضرت ابراهیم را مستجاب فرمود، لذا:

به امر خداوند متعال مکه امنیت یافت و شهر امن شد، یعنی:

انسان‌ها و حتی حیوانات در این سرزمین در امن و امان می‌باشند، یعنی:

صید حیوانات در این سرزمین ممنوع است،

تعقیب مجرمینی که به این حرم و به این خانه پناه ببرند جایز نیست، و موارد دیگری که در کتب فقهی به آن اشاره شده است.

بنابراین:

دعا و درخواست حضرت ابراهیم از خداوند متعال این است که:

خداوندا:

من بعضی از فرزندانم «حضرت اسماعیل و فرزندان اسماعیل که بعداً به دنیا خواهند آمد» را در سرزمین خشک و سوزان و فاقد هر گونه زراعت و آب و گیاه نزد خانه‌ای که حرم تو است «یعنی خانه کعبه» اسکان دادم، تا:

رَبَّنَا لِتَقِيمُوا الصَّلَاةَ = نماز را به پا دارند، یعنی:

خداوندا:

من بعضی از فرزندانم را در این وادی که نزد خانه تو و حرم امن تو می‌باشد ساکن



نمودم تا نماز را اقامه نمایند.

سپس حضرت ابراهیم علیه السلام دعای خویش و درخواست خویش از خداوند متعال را اینگونه ادامه می دهد که:

خداوندا:

فَاجْعَلْ أَقْدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ = قلب‌ها و دل‌های گروهی از مردم را متوجّه آنها قرار بده، یعنی:

قلوب و دل‌های مردم را متوجّه اسماعیل و فرزندان اسماعیل «که بعداً به دنیا خواهند آمد» کن، و مهر و محبت آنها را در دل مردم بیفکن «دل‌های مردم را به آنها متمایل کن».

بدیهی است که اگر خداوند متعال دل‌های مردم را به خاطر انجام حج و عمره و تجارت متوجّه مکه نمی کرد زندگی ساکنین مکه و از جمله زندگی حضرت اسماعیل و ذریّه و اولاد آن حضرت با مشکل مواجه می شد.

در واقع تقاضای حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند متعال این است که دل‌های مردم متوجّه و متمایل به ذریّه اش بشود به نحوی که شهر و دیار خود را رها کرده و به این سرزمین خشک و بی آب و علف یعنی سرزمین مکه آمده و در کنار ذریّه و اولاد حضرت اسماعیل سکونت نمایند، همچنین:

مردم به زیارت خانه خدا بیایند که در این صورت قهراً با ذریّه حضرت ابراهیم یعنی با حضرت اسماعیل و اولاد او انس و الفت خواهند گرفت.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از دعا و تقاضای حضرت ابراهیم از خداوند متعال درباره تمایل پیدا کردن قلوب مردم به ذریّه و اولاد حضرت اسماعیل وجود مقدّس پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت می باشد زیرا آن ذوات مقدّسه از ذریّه و نسل حضرت اسماعیل علیه السلام می باشند.

در ادامه دعا و تقاضای حضرت ابراهیم از خداوند متعال آمده است که:

خداوندا:

وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ = حضرت اسماعیل و ذریّه حضرت اسماعیل را از انواع میوه‌ها «ثمرات مادّی و معنوی» بهره مند کن تا تو را عبادت و پرستش نمایند

و شکر نعمات تو را به جا بیاورند.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام به مردمی که در حال طواف خانه خدا بودند نگریسته و فرمودند:

مردم در زمان جاهلیت اینگونه طواف می‌کردند «زمانی که مُشْرک بودند».

امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مردم دستور دارند «خداوند متعال به آنها دستور فرموده» که گرد خانه خدا «کعبه» طواف نموده و سپس به طرف ما بیایند و ولایت و محبّت خودشان را به ما اعلام نمایند،

و یاری و نصرت خودشان را نسبت به ما اعلام و عرضه نمایند، و آنگاه وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام این آیه شریفه را «فَاجْعَلْ أَفْتَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ - آیه ۳۷ سوره ابراهیم» تلاوت فرمودند.

در تفسیر عیاشی اضافه شده که:

امام باقر علیه‌السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

منظور از إِلَيْهِمْ در این آیه شریفه آل محمّد علیهم‌السلام هستند، و سپس فرمودند:

مردم باید به سوی ما بیایند «پذیرش امامت ما و اطاعت از ما» و این کلام را امام باقر علیه‌السلام دو بار تکرار فرمودند.

این حدیث را فضیل از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۴۲ تا ۱۴۴.

المیزان، جلد بیست و سوم، صفحه ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۱۶.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۶ تا ۴۱۸.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۸، حدیث ۱ «حدیث ۱۰۱۷».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۷ - ۳۰.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۲۷، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۳۲، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۷۳، حدیث ۱۰۹ «حدیث ۵۴۴۱».

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام به طواف کنندگان کعبه نگاه نموده و فرمودند: به خدا قسم مردم چنین دستوری ندارند «خداوند متعال به مردم اینگونه دستور نداده است»، بلکه:

مردم دستور دارند «خداوند متعال به آنها دستور فرموده» که حجّ خودشان را انجام بدهند و سپس به سوی ما آمده و محبّت و دوستی خویش را به ما اعلام نمایند و یاری و نصرت خویش را به ما عرضه بدارند «مردم وظیفه دارند پس از اتمام مناسک حجّ به سوی ما آمده و ضمن اعلام پذیرش امامت و ولایت ما مراتب ارادت و اطاعت خویش را به ما اظهار و عرضه نمایند».

این حدیث را ابی عبیده از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. سدیر می گوید:

وجود مبارک امام باقر علیه السّلام در حال ورود به مسجد الحرام بودند و در همان حال من در حال خارج شدن از مسجد الحرام بودم که وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام دست مرا گرفت و رو به کعبه ایستاد و فرمود:

یا سَدِيرُ:

إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَخْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا، ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّهَمُونَ لَنَا، يَعْنِي:

امام باقر علیه السّلام به سدیر فرمودند:

ای سدیر:

مردم مأمور هستند و مکلف می باشند که نزد این سنگ ها آمده و آن را طواف نمایند «مردم موظف هستند به خانه خدا بیایند و خانه خدا را طواف نمایند»، سپس نزد ما آمده و ولایت و محبّت خویش را به ما اعلام نمایند «امامت ما را پذیرفته و تبعیت خودشان را از ما اعلام نمایند».<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

مردم موظف و مأمورند که این سنگ ها را طواف کنند «یعنی کعبه را»، آنگاه به

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۹، حدیث ۲ «حدیث ۱۰۱۸».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۹، حدیث ۳ «حدیث ۱۰۱۹».

سوی ما کوچ کرده و ولایت و موَدّت خویش را به ما اعلام کرده و ما را یاری نمایند، و سپس امام باقر علیه السّلام این آیه شریفه را «فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ - آیه ۳۷ سوره ابراهیم» تلاوت فرمودند:<sup>۱</sup>

### توضیح:

احادیث شریفی را که ملاحظه فرمودید مبین این مطلب هستند که انجام دادن فریضه حج بدون پذیرفتن امامت و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام دقیقاً مثل حج و طوافی است که مُشرکین قبل از بعثت پیامبر اکرم انجام می دادند، و به عبارت دیگر:

اسلام بدون پذیرش امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام ارزشی نداشته و اعمال اینگونه افراد که ائمه معصومین علیهم السّلام را به عنوان امام منصوب از جانب خداوند متعال قبول ندارند مانند اعمالی است که مُشرکین انجام می دهند و لذا خود این افراد نیز مثل مُشرکین می باشند.

انکار امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنی با آن ذوات مقدّسه یعنی کفر،

و پذیرش امامت و ولایت آن بزرگواران و محبّت داشتن به آن عزیزان یعنی ایمان.

این معنا در روایات و احادیث فراوانی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که به عنوان نمونه فقط به یک حدیث اکتفا می شود.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ، یعنی:

دوستی با ما و محبّت داشتن به ما یعنی ایمان،

و بغض و دشمنی با ما یعنی کفر.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۴۳.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۶، حدیث ۱۲ «حدیث ۴۸۵».

تفسیر برهان، جلد اول، گفتار اول، فصل دوم، باب دوم، صفحه ۸۷، ۸۸، ۸۹.

ملاحظه فرمودید که حج بدون ولایت و امامت حج نیست، همچنین:

سایر عبادات نیز بدون امامت و ولایت ارزش و اعتباری ندارند.

قبل از پرداختن به ادامه احادیث ذیل آیه ۳۷ سوره ابراهیم لازم است به چند حدیث شریف اشاره شود «در رابطه با اینکه بدون پذیرش امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام حج و سایر عبادات پذیرفته نخواهند شد و مورد قبول درگاه الهی نیستند».

الف) وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام در عرفات «هنگام و قوف در عرفات که یکی از ارکان حج می باشد» به یکی از علمای آن زمان به نام زُهری فرمودند:  
ای زُهری:

به نظر تو تعداد جمعیت حاضر در عرفات چقدر است.

زُهری به امام سجّاد علیه السّلام عرض کرد:

به نظرم چهارصد هزار تا پانصد هزار نفر برای انجام اعمال حج در این صحرا گرد آمده اند و مشغول راز و نیاز با خداوند متعال می باشند.

امام سجّاد علیه السّلام به زُهری فرمودند:

چقدر ناله و فریاد و ضجه در این بیابان زیاد است، اما حج کنندگان کم می باشند «ضجه کننده زیاد است و حج به جای آورنده کم».

زُهری می گوید:

خدمت امام سجّاد علیه السّلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

تمام این جمعیت به قصد حج آمده اند و مشغول انجام وظیفه دینی خودشان هستند، آیا این جمعیت اندک است و تعداد آن ها کم است.

زُهری می گوید:

امام سجّاد علیه السّلام به من فرمود:

زهری، نزدیک من بیا، و وقتی من به نزدیک آن حضرت رفتم امام سجّاد علیه السّلام

دستی به صورت من کشید و فرمود:

زهری، حالا جمعیت را نگاه کن و ببین چه می بینی.

زهري می گوید:

وقتی نگاه کردم تمام آن جمعیت را به صورت خر و خوک و گرگ دیدم، و در بین آنها تعداد معدود و اندکی را به صورت انسان مشاهده نمودم.

زهري می گوید:

خدمت امام سجّاد علیه السّلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

این چه منظره‌ای است که می بینم و مشاهده می کنم.

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

ای زهري

حاجیان واقعی «حجّاج واقعی بیت الله الحرام» همان چند نفری هستند که تو آنها در شکل انسان مشاهده می کنی و آنها شیعیان ما می باشند،

و آنهایی که به صورت خر و خوک و گرگ می بینی کسانی هستند که امامت ما را قبول ندارند، و آنگاه وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام مجدداً دست مبارک خویش را به صورت زُهری کشیدند و آنگاه زُهری مردم را به صورت اوّل که بودند مشاهده نمودند «همه را به صورت انسان دیدند».

معنی این سخن این است که شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام ظاهراً و باطناً «به صورت ظاهر و به صورت حقیقی» انسان هستند و اعمال آنها مورد پذیرش درگاه الهی است و آنها حاجی واقعی هستند،

لیکن غیرشیعه ظاهراً به صورت انسان هستند اما در باطن و در حقیقت امر مانند حیوانات هستند و اعمال آنها از جمله حجّ آنها مورد پذیرش درگاه الهی نیست.

حدیث شریف مفصّل تر از این بود که ملاحظه فرمودید فقط قسمتی از آن به

عرض رسید.<sup>۱</sup>

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۴۳ - ۴۴۴ «قسمت ۶۲ خطبه».

به نقل از: جامع احادیث الشّیعه: آیت الله العظمی بروجردی.

ب) فردی به امام سجّاد علیه السّلام عرض کرد:

یا بن رسول الله:

ما وقتی در عرفات و منی وقوف می‌کنیم ذکر خدا را بر زبان جاری کرده و به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام صلوات می‌فرستیم و... وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

بهتر است هنگامی که در عرفات و منی هستید بر نفوس خودتان در رابطه با توحید و یگانگی خداوند متعال تجدید عهد نمائید «یعنی در دل خویش تجدید عهد نمائید که خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد».

همچنین نسبت به رسالت پیامبر اکرم و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمّه معصومین علیهم السّلام تجدید عهد نمائید «یعنی در دل خویش تجدید عهد نمائید و اقرار نمائید که پیامبر اکرم بنده مخلص خدا و رسول خداوند متعال است، و حضرت امیر علیه السّلام و امام حسن و امام حسین و امام سجّاد علیهم السّلام بندگان مخلص و حجت خدا و امام منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشند و واجب‌الاطاعه هستند».

امام سجّاد علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

اگر در عرفات و منی مشغول این کار شدید خداوند متعال بر ملائکه خویش مباحثات نموده و می‌فرماید:

ای ملائکه من:

این‌ها بندگان من و کنیزان من هستند که شهبوات نفسانی خویش را زیر پا گذاشته و از راه‌های دور و نزدیک به این‌جا آمده و رضایت مرا می‌طلبند.

ملائکه الهی به دستور خداوند متعال به جمعیت حاضر در عرفات و منی نگاه کرده و به خداوند متعال عرض می‌کنند:

خداوندا:

قلب بعضی از این‌ها سیاه است و دودی مانند دود جهنّم در قلب آنان دیده می‌شود.

خداوند متعال به ملائکه خویش می‌فرماید:

این‌ها اشقیاء هستند که سعی و تلاش آن‌ها در دنیا به هدر رفته است.

آن‌ها کسانی را بزرگ و واجب‌الاطاعه می‌دانند که ما ذلیلشان ساخته‌ایم، «آن‌ها از ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی تبعیت می‌کنند»، و کسانی را که کوچک می‌شمارند که ما به آن‌ها عظمت دادیم «یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام را کوچک شمرده و از آن ذوات مقدسه تبعیت نمی‌کنند، در حالی که خداوند متعال به آن ذوات مقدسه عظمت بخشیده و آن بزرگواران را واجب‌الاطاعه قرار داده است».

اگر آن‌ها با این عقیده از دنیا بروند عذاب سختی در انتظار آن‌ها است، زیرا آن‌ها معتقدند که حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» به خداوند متعال دروغ بسته، و یا اینکه به غلط و به اشتباه پسر عمّ خویش علی بن ابیطالب را به عنوان وصی و جانشین خویش انتخاب کرده است.

ملائکه الهی در داخل جمعیت حاضر در عرفات و منی افرادی را نیز مشاهده می‌کنند که قلوب آن‌ها نورانی و روشن است به نحوی که نور قلب آن‌ها به آسمان‌ها رفته و به ساق عرش رسیده است.

خداوند متعال به ملائکه خویش می‌فرماید:

افرادی که نور قلب آن‌ها به ساق عرش می‌رسد اینگونه هستند که:

کسانی را که ما بزرگ دانسته‌ایم بزرگ می‌دانند،

و کسانی را که ما خوار و ذلیل می‌دانیم خوار و ذلیل می‌دانند «یعنی پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام را بزرگ می‌دانند و دشمنان آن ذوات مقدسه را خوار و ذلیل».

این‌ها کسانی هستند که:

حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» را در تمام احوال و اقوال صادق می‌دانند و او را از نظر فضیلت بر دیگران برتری می‌دهند و معتقدند که:

نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب به عنوان وصی و جانشین رسول الله به حق

بوده و به دستور خداوند متعال بوده است،

این‌ها به جهت داشتن اعتقاد صحیح و سالم و پذیرش رسالت پیامبر اکرم و

امامت علی بن ابیطالب اعمالشان مورد قبول است،



ما آنان را در غرفه‌های بهشت جای خواهیم داد و از آب گوارای بهشت سیرایشان خواهیم نمود،

و این پاداش برای اعمال صالح آنها است که بر اساس ولایت علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین او انجام شده است «خلاصه‌ای از حدیث شریف نقل شد، و معنی آن این است که فقط اعمال شیعیان مقبول درگاه الهی است و لاغیر»<sup>۱</sup>.

(ج) عبدالرحمن بن کثیر نقل می‌کند:

در خدمت امام صادق علیه‌السلام به حج مشرف شدم، و وقتی امام صادق علیه‌السلام بر بالای کوه رفته و جمعیت انبوه حجّاج را مشاهده نمودند فرمودند:

سر و صدا چقدر زیاد است و حج گزار چه اندک.

خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:

آیا خداوند متعال دعای این جمع کثیر را مستجاب نمی‌کند.

وجود مبارک امام صادق علیه‌السلام به من فرمودند:

وای بر تو،

خداوند متعال شرک به خود را نمی‌بخشد «دعای مُشرک را مستجاب نمی‌کند و

مُشرک را هرگز نمی‌آمرزد».

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

کسی که ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه‌السلام را انکار کند مثل پرستنده

بُت است «منکر امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مانند بت پرست می‌باشد یعنی مشرک است».

در روایت دیگری از ابو بصیر آمده که ابو بصیر نقل می‌کند:

در مراسم حج وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام دست مبارک خویش را به

صورت من کشیدند و متعاقب آن مشاهده کردم که بیشتر مردم «جمعیت حج گزار»

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۴۵ - ۴۴۶، «ذیل این

قسمت از خطبه شریف: جِئُوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى».

به نقل از: جامع احادیث الشیعه: آیت‌الله العظمی بروجردی.

مانند خوک و میمون هستند جز بعضی از افراد «فقط معتقدین به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام به شکل انسان بودند»<sup>۱</sup>. پس از ذکر چند حدیث در رابطه با اهمیّت ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام و اینکه شرط قبولی اعمال پذیرفتن امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد می پردازیم به ادامه احادیث ذیل آیه ۳۷ سوره ابراهیم.

۵. وجود مقدّس امام باقر علیهم السّلام فرمودند:

دعا و درخواست حضرت ابراهیم علیه السّلام به درگاه خداوند متعال در این آیه شریفه «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ... فَأَجْعَلْ أَقْدَةَ مَنْ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ - آیه ۳۷ سوره ابراهیم» تنها درباره ما بود «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم»، و منظور از ذریّه نیز ما می باشیم و ما ادامه آن عترت هستیم. این حدیث را حنان بن سدیر از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۶. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «فَأَجْعَلْ أَقْدَةَ مَنْ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ - آیه ۳۷ سوره ابراهیم» فرمودند: مردم باید به قصد حج به سوی کعبه بیایند و خانه خدا را تعظیم و تکریم کنند زیرا خداوند متعال این مکان را تکریم نموده است، و آنگاه به دیدار ما بیایند چرا که ما هادی و راهنمای خلق به سوی خداوند متعال هستیم.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۹۲۶، حدیث ۶ «ذیل آیه ۵۷ و ۶۷ سوره حجر».

تفسیر برهان، جلد اول، «مقدمه، ابوالحسن عاملی نباطی فتونی»، گفتار اول، فصل دوم، باب دوم، صفحه ۸۸.

۲. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۴۲.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۲۷ تا ۵۲۹، حدیث ۲، ۷ و ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۷۳، حدیث ۱۰۶ - ۱۰۷ «حدیث ۵۴۳۸ و ۵۴۳۹».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۶.

۳. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۶.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۳۰، حدیث ۱۱.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۵۳۱، حدیث ۱۳.

۷. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

این آیه شریفه «فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ - آیه ۳۷ سوره ابراهیم» درباره کسی است که از خانه خود با توشه حلال و مرکب حلال به قصد زیارت خانه خدا آمده در حالی که عارف به حقّ ما است و از اعماق وجود خویش ما را دوست دارد.

وجود مبارک امام باقر علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: منظور از دعای حضرت ابراهیم کعبه و خانه خدا نیست زیرا در این صورت به جای تَهْوِي إِلَيْهِمْ باید تَهْوِي إِلَيْهِ به کار می‌رفت.

به خدا قسم ما منظور دعای حضرت ابراهیم هستیم، لذا: هر کس دلش تمایل به ما داشته باشد و ما را دوست داشته باشد حجّ او پذیرفته است و حجّ او مقبول می‌باشد و چنین شخصی در روز قیامت از عذاب جهنّم در امان است.

این حدیث را زید شحام از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

مقصود از این احادیث شریف و مقصود از فرمایشات ائمه معصومین علیهم السّلام در رابطه با اینکه آن ذوات مقدّسه از ذرّیه و از نسل حضرت ابراهیم علیه السّلام می‌باشند این است که آن بزرگواران می‌فرمایند:

ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از ذرّیه و از نسل حضرت اسماعیل و ابراهیم علیهما السّلام می‌باشیم،

و دعای حضرت ابراهیم و تقاضای آن حضرت از خداوند متعال که قلوب مردم را متوجّه و متمایل ذرّیه‌اش بنماید ما اهل بیت پیامبر اکرم هستیم،

یعنی ضمیر در تَهْوِي إِلَيْهِمْ به اهل بیت پیامبر اکرم بازمی‌گردد، لذا:

دعا و درخواست حضرت ابراهیم علیه السّلام در این آیه شریفه «فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ

۱. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۷۵، حدیث ۱۱۰ «حدیث ۵۴۴۲».

النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ - آیه ۳۷ سوره ابراهیم» این است که:  
خداوندا:

قلوب مردم را متمایل و متوجّه محمّد و آل محمّد علیهم السّلام بنما.

## فهرست احاديث

۱۳ ..... إِنَّ غَنَائِمَ بَدْرٍ كَانَتْ لِلنَّبِيِّ خَاصَّةً فَقَسَمَهَا بَيْنَهُمْ تَفْضُلاً مِنْهُ.

۱۸ ..... إِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

صِلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ، إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَارَعَةً فَأَقْتَدِهَا مِنْ مَالِي، ..... ۱۸

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ، ..... ۲۰

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَاتِّمَامِ النُّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَبِالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ..... ۲۹

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ، حَتَّى يَرَوْا الْمُتَنَكِّرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يُنْكَرُوهُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ الْخَاصَّةَ وَ الْعَامَّةَ، ..... ۳۵

أَصَابَتِ النَّاسَ فِتْنَةٌ بَعْدَ مَا قَبِضَ اللَّهُ نَبِيَّهٖ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى تَرَكَوْا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَايَعُوا غَيْرَهُ، وَهِيَ الْفِتْنَةُ الَّتِي فَتَنُوا بِهَا وَقَدْ أَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِاتِّبَاعِ عَلِيٍّ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، ..... ۳۷

مَنْ ظَلَمَ عَلِيًّا مَفْعُدِي هَذَا فَكَأَنَّمَا جَحَدَ نَبُوتِي وَ نُبُوءَةَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي، ..... ۳۷

يَا عَمَّارُ: فَإِنْ سَلَكَ النَّاسُ كُلُّهُمْ وَاذِيًا وَ سَلَكَ عَلِيٌّ وَاذِيًا، فَاسْلُكْ وَاذِيَّ عَلِيٌّ وَ خَلَّ عَنِ النَّاسِ، يَا عَمَّارُ: طَاعَةٌ عَلِيٍّ طَاعَتِي، وَ طَاعَتِي طَاعَةٌ اللَّهِ، ..... ۳۹

خُمْسُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْإِمَامِ، وَ خُمْسُ الرَّسُولِ لِلْإِمَامِ، وَ خُمْسُ ذِي الْقُرْبَى لِقَرَابَةِ الرَّسُولِ لِلْإِمَامِ،

وَ الْيَتَامَى يَتَامَى آلِ الرَّسُولِ، وَ الْمَسَاكِينَ مِنْهُمْ، وَ أَبْنَاءَ السَّبِيلِ مِنْهُمْ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ، ..... ٥٢

فَأَنْشِدُكَ بِاللَّهِ، أَنَا صَاحِبُ الْأَذَانِ لِأَهْلِ الْمُؤَسِمِ وَ الْجَمْعِ الْأَعْظَمِ لِلْأُمَّةِ بِسُورَةِ بَرَاءَةِ، أَمْ أَنْتَ؟ قَالَ أَبُو بَكْرٍ: بَلْ أَنْتَ، ..... ٧١

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ: هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ سَرَّحَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِسُورَةِ بَرَاءَةِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ بِأَمْرِ اللَّهِ غَيْرِي؟ ..... ٧٢

أَنَا الْمُؤَدِّنُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَاذَنْ مُؤَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ وَ أَنَا ذَلِكَ الْمُؤَدِّنُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ، ..... ٧٧

لَا يُبَلِّغُهَا إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَبَعَثَ بِهَا مَعَ عَلِيٍّ، ..... ٧٩

لَا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، ..... ٨٠

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ: هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ: «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ، ..... ٩٨

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَا يَتَّكَ، وَ أَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ الذَّابُّ عَن دِينِهِ وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» ..... ٩٩

«لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَعَارِ» ..... ١٠٣

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، ..... ١٠٤

وَ مَنْ يَكْفُرْ بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، وَ عَلِيٌّ هُوَ الْإِيمَانُ، ..... ١١٥

وَ يَأْتِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنَ الظَّلَمَةِ، إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، ..... ١١٩

لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، جَهَدَ النَّاسُ عَلَى إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ، فَابَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ  
يَتِمَّ نُورُهُ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، ..... ١٢٠

إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَهَدُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ حِينَ قَبِضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ، ..... ١٢٠

وَاللَّهُ مُتِمُّ الْأَمَامَةِ وَالْأَمَامَةُ هِيَ النُّورُ، ..... ١٢١

فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّى أَنْ  
لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ قَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ: فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَأَقْتَلْهُ، ..... ١٣٠

هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ  
لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، ..... ١٣١

هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولُهُ بِالْوِلَايَةِ لَوْصِيَّتِهِ، وَالْوِلَايَةُ هِيَ دِينَ الْحَقِّ، ..... ١٣٢

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيِّي، أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى  
الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُتَتَمُّ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ  
الشُّرْكِ أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذَيْنِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ  
مُخْتَارُهُ، أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنِ رَبِّهِ الْمُتَنَبِّئُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ. أَلَا إِنَّهُ  
الرَّشِيدُ السَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ، ..... ١٣٥

تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ، أَبْرَارُهَا وَ  
فُجَارُهَا، فَاحْذَرُوهَا، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ، وَاللَّهُ إِنْ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ  
يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، ..... ١٤٧

إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَبْرَارُهَا وَفُجَارُهَا، ..... ١٤٨

إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ الْخَمِيسِ، فَلْيَسْتَحِ أَحَدُكُمْ أَنْ تُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ  
الْقَبِيحُ، يَعْنِي: ..... ١٤٨

إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ، وَأَعْلَمُ مَا  
كَانَ وَمَا يَكُونُ، ..... ١٥٤

الصَّادِقُونَ هُمُ الْأَيَّمَةُ، ..... ١٤١

وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ نَصْرِكَ، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»، ..... ١٤٨

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرِ النُّبُوَّةِ، إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِشْرَتِي، لَنْ  
تَضِلُّوهُمَا تَمَسَّكْتُمَا بِهِمَا، لَا تَتَقَدَّمُوهُمَا وَلَا تَخَلْفُوهُمَا، وَلَا تَعْلَمُوهُمَا فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، فَيَنْبَغِي أَنْ لَا  
يَكُونَ الْخَلِيفَةُ عَلَى الْأُمَّةِ إِلَّا أَعْلَمَهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، أَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ  
الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ، أَمَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ، ..... ١٩٤

إِنَّ هَذَا عَلَيٌّ، أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوهُ، ..... ٢٠٣

سَلِّمُوا عَلَيَّ عَلَيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، قُومًا وَسَلَّمًا عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، ..... ٢٠٤

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ، فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ، ..... ٢٢٧

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ. .... ٢٣٤

طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا، الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ،  
الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، يَعْنِي: ..... ٢٤٩

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وَوَلَدِي مِنْ  
صُلْبِهِ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، ثُمَّ قَرَأَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... غَيْرِ  
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، ثُمَّ قَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَاهُمْ حَصَّتْ،  
أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ..... ٢٥١

هُمُ وَاللَّهُ شِيعَتُنَا حِينَ صَارَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَاسْتَقْبَلُوا الْكَرَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَاسْتَبَشَرُوا



بِمَنْ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ إِخْوَانِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، ..... ٢٥٥

«الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ، ثُمَّ اسْتَقَامُوا عَلَى الْأَيْمَةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ الْأَتَّافُوا  
وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»، ..... ٢٥٧

يَا عَلِيُّ: أَنْتَ وَشِيعَتُكَ عَلَى الْحَوْضِ، تَسْقُونَ مِنْ أَحَبِّتُمْ وَ تَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ، وَ أَنْتُمْ الْأَمْنُونَ  
يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ، يَفْزَعُ النَّاسُ وَلَا تَفْزَعُونَ، وَيَحْزَنُ النَّاسُ وَلَا تَحْزَنُونَ، ٢٥٩

فِيكُمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ وَ فِيكُمْ نَزَلَتْ هَذِهِ  
الْآيَةُ: لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ..... ٢٥٩

الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوَلَايَةِ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ السَّيِّئَةُ انْكَارُ الْوَلَايَةِ وَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، ..... ٢٦٢

مَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، ..... ٣٠٨

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي»، فَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ، ..... ٣٣٢

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ، فَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ..... ٣٣٣

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا نَجَّيْتَنِي، فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا، ..... ٣٣٣

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمِنْتَنِي، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ  
الْأَعْلَى، ..... ٣٣٣

يَا يَهُودِيُّ: إِنَّ مُوسَى لَوْ أَدْرَكَنِي، ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَ بِنُبُوتِي لَمْ يَنْفَعَهُ إِيمَانُهُ شَيْئًا، وَ لَا نَفَعْتُهُ  
النُّبُوءَةُ، ..... ٣٣٤

يَا يَهُودِيُّ: وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِي إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَيَقْدِمُهُ وَ يُصَلِّي  
خَلْفَهُ، ..... ٣٣٤

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا، ..... ٣٣٧

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمِنْتَنِي، ..... ٣٣٨

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،  
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَ تَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ  
أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، ..... ٣٤٠

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زُخٌّ فِي النَّارِ، ..... ٣٤١

يَا عَلِيُّ: مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، ..... ٣٤٢

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، فَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ «مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا  
هَلَكَ»، ..... ٣٤٢

مَرْحَبًا بِكَ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ..... ٣٤٣

إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ، ..... ٣٤٣

كُلْنَا سُفْنَ النَّجَاةِ وَ لَكِن سَفِينَةَ الْحُسَيْنِ أَوْسَعَ وَ أَسْرَعَ، ..... ٣٤٤

أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَ الْآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ،  
وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، يَعْنِي: ..... ٣٤٤

مَنْ آتَاكُمْ نَجَى، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، ..... ٣٤٥

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، ..... ٣٤٧

سَتَفَرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ نَاجِيَةٌ وَ الْبَاقُونَ فِي النَّارِ، ..... ٣٤٩

سَتَفَرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً وَ هِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّ  
عَلِيًّا، ..... ٣٥٠

لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا يُسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرًا. ..... ٣٥٦

يا أهل المدينة الظالم أهلها أنا بَقِيَّةُ اللَّهِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»... ٣٥٨

فَأَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ،..... ٣٥٩

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ،..... ٣٦٠

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ،..... ٣٦١

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ..... ٣٦٢

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ

دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ،..... ٣٦٣

السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الدُّعَاةِ، وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَ السَّادَةِ الْوُلَاةِ، وَ الدَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَ أَهْلِ الذُّكْرِ وَ أَوْلَى

الْأَمْرِ، وَ بَقِيَّةَ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَيْبَةَ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ،..... ٣٦٥

لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا،..... ٣٦٦

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ،..... ٣٦٦

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ. .... ٣٦٧

أَنَا الْمُنْدِرُ، وَ عَلِيُّ الْهَادِي مِنْ بَعْدِي،..... ٤٠١

يَا عَلِيُّ: بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ،..... ٤٠١

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ

اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ،..... ٤٠٢

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَلَا وَ أَنِّي مُنْدِرٌ وَ عَلِيُّ هَادٍ، مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيُّ وَصِيٌّ، أَلَا إِنَّ خَاتَمَ

الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ،..... ٤٠٤

ثُمَّ أَوْمَأَ إِلَى مَنْكِبِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ: أَنْتَ الْهَادِي، بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ

بَعْدِي، ..... ٤٠٥

أَنَا الْمُنذِرُ وَأَنْتَ الْهَادِي، بِكَ يَا عَلِيُّ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي، ..... ٤٠٦

أَنْتُمْ أَوْلُو الْأَلْبَابِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُو الْأَلْبَابِ، ..... ٤٢٦

إِنَّمَا نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ، وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ عَدُوْنَا، وَشَيْعَتُنَا أَوْلُو الْأَلْبَابِ، ..... ٤٣١

نَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ، فَمَنْ وَفَا بَعْدِنَا فَقَدْ وَفَى بِعَهْدِ اللَّهِ، وَمَنْ خَفَرَهَا فَقَدْ خَفَرَ ذِمَّةَ اللَّهِ وَعَهْدَهُ، ..... ٤٣٣

اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي، ..... ٤٣٧

مِنْ ذَلِكَ صَلَّةِ الرَّحِمِ، وَغَايَةُ تَأْوِيلِهَا صَلَّتْكَ إِنَّا، ..... ٤٣٨

هُوَ صَلَّةُ الْإِمَامِ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِمَا قَلَّ أَوْ كَثُرَ، ثُمَّ قَالَ: وَمَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا تَرْكِيَّتَكُمْ، ..... ٤٣٩

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي وَ يَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنِ الَّتِي غَرَسَهَا اللَّهُ رَبِّي بِيَدِهِ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلْيَتَوَلَّ وَلِيِّتَهُ، وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ وَلْيَسَلِّمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عَثَرَتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي، أَعْطَاهُمْ اللَّهُ فَهْمِي وَ عِلْمِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا أَمْرَ أُمَّتِي، الْمُتَمَكِّرِينَ لِفَضْلِهِمْ، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صَلَاتِي، ..... ٤٤١

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِمَاتِي وَ يَسْكُنَ جَنَّتِي الَّتِي وَ عَدْنِي اللَّهُ رَبِّي جَنَاتِ عَدْنِ...  
فَلْيُؤَالَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ بَعْدِهِ، ..... ٤٤٢

ذَكَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ وَ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ، ..... ٤٥٣

بِمُحَمَّدٍ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ وَ هُوَ ذِكْرُ اللَّهِ، ..... ٤٥٤

يَا عَلِيُّ: أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي، وَأَنْتَ صَاحِبُ شَجَرَةِ طُوبَى فِي الْجَنَّةِ، أَصْلُهَا فِي دَارِكَ وَأَغْصَانُهَا  
فِي دَارِ شَيْعَتِكَ وَ مُحِبِّيكَ، ..... ٤٦١

طُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي، ..... ٤٦٢

- طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَّقَ عَلَيْكَ، ..... ٤٦٣
- طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، فَلَمْ يُرْغِ قَلْبَهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ، ..... ٤٦٥
- طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتِمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَائَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَائَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفْقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي، وَ أَكْرَمَ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ..... ٤٦٦
- طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَأْتِمُّ بِهِ وَ بِإِئْمَانِهِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ، وَ يَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ، أَوْلَيْكَ رُفْقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ، ..... ٤٦٧
- شَجَرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِي وَ فَرَعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ، ..... ٤٦٨
- شَجَرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَرَعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ، ..... ٤٦٩
- إِنَّ دَارِي وَ دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي الْجَنَّةِ بِمَكَانٍ وَاحِدٍ، ..... ٤٦٩
- عِلْمُ الْكِتَابِ وَ اللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، عِلْمُ الْكِتَابِ وَ اللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، ..... ٤٧٦
- إِنَّا نَعْنِي وَ عَلِيُّ أَوْلَانَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، ..... ٤٧٧
- عِنْدَنَا وَ اللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ، ..... ٤٧٧
- الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ..... ٤٧٧
- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، ..... ٤٨٤
- عِلْمُ الْكِتَابِ وَ اللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، عِلْمُ الْكِتَابِ وَ اللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، ..... ٤٩١
- يَا أَيُّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ، يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَوْمَ الْكُرَّةِ، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ..... ٥٠٥
- مَنْ رَبُّكَ، ..... ٥٢٩
- مَنْ نَبِيِّكَ، ..... ٥٢٩

- مَنْ إِمَامُكَ،..... ٥٢٩
- نَحْنُ النِّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا يُفُوزُ مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،..... ٥٣٦
- نَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَبِنَا يُفُوزُ مَنْ فَازَ،..... ٥٣٧
- إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا، ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّبِعُونَا،..... ٥٤٧
- حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَبُغْضُنَا كُفْرٌ،..... ٥٤٨

## منابع و ماخذ

- ۱- تفسیر مجمع‌البیان، تألیف امین‌الاسلام طبرسی،  
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء،  
تهران موسسه انتشارات فراهانی.
- ۲- تفسیرالمیزان، تألیف علامه سید محمدحسین طباطبائی،  
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء،  
قم، انتشارات موسسه مطبوعات دارالعلم،  
تهران، کانون انتشارات محمدی.
- ۳- تفسیر نمونه، تألیف جمعی از علما و فضلاء، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی،  
تهران، درالکتب الاسلامیه.
- ۴- تفسیر صافی، تألیف عالم ربانی آیت‌الله ملامحمد محسن فیض کاشانی،  
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،  
قم، نشر نوید اسلام.
- ۵- تفسیر برهان، تألیف علامه سید هاشم بحرانی،  
ترجمه: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورش،  
تهران، نشر کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.

۶- تفسیر نورالثقلین، تألیف علامه حویزی،  
ترجمه: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،  
قم، نشر نوید اسلام.

۷- اصول کافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی،  
ترجمه: سید جواد مصطفوی،  
تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.

۸- احتجاج طبرسی، تألیف ابومنصور احمد بن علی طبرسی،  
ترجمه: بهزاد جعفری،  
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۹- عیون اخبارالرضا علیه السلام، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: علی اکبر غفاری، حمیدرضا مستفید،  
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۰- معانی الاخبار، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی،  
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۱- کمال الدین و تمام النعمه، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: منصور پهلوان،  
قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

۱۲- خصال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: محمدباقر کمره‌ای،  
تهران، انتشارات کتابچی.



۱۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: علی اکبر غفاری،  
تهران، کتابفروشی صدوق.

۱۴- علل الشرایع، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،  
قم، انتشارات مومنین.

۱۵- کلیات حدیث قدسی، «ترجمه کتاب جواهر السنیه»، تألیف شیخ حرّ عاملی،  
ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی،  
تهران، انتشارات دهقان.

۱۶- امالی، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: کریم فیضی،  
قم، انتشارات چهارده معصوم علیهم السلام.

۱۷- امالی، تألیف محمد بن حسن طوسی «شیخ طوسی»،  
ترجمه: صادق حسن زاده،  
قم، انتشارات اندیشه هادی.

۱۸- امالی، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،  
ترجمه: عقیقی بخشایشی،  
قم، انتشارات نوید اسلام.

۱۹- ارشاد، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،  
ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی،  
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۰- ارشاد القلوب، تألیف حسن بن ابی‌الحسن محمد دیلمی،  
ترجمه: علی سلگی نهماوندی، با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی،  
قم، چاپ امین.

۲۱- کامل الزیارات، تألیف ابن قولویه،  
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،  
تهران، انتشارات پیام حق.

۲۲- بصائر الدّرجات، تألیف محمد بن حسن صفار قمی،  
ترجمه: علیرضا زکی‌زاده رنانی،  
قم، انتشارات وثوق.

۲۳- شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی،  
تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی منیر.

۲۴- شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی،  
تهران، انتشارات قائن.

۲۵- شرح زیارت جامعه کبیره، «ترجمه کتاب الشّمس الطّالعه»، تألیف علامه سید حسین همدانی  
درودآبادی،

ترجمه: محمدحسین نائیجی،  
قم، انتشارات مسجد مقدّس جمکران.

۲۶- فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله احمد رحمانی همدانی،  
ترجمه: مهدی جعفری،  
نشر مرکز فرهنگی انتشارات منیر.